

بُوستَانِ کتاب

امام علی بن  
الحسین ع

# سید ادله حضرت رفته

با ترجمهٔ فارسی

آیة اللہ حسن ممدودی کرمانشاهی

# بُوستانِ کتاب

صحیفه سجادیه

امام علی بن الحسین مذهب‌خواه، با ترجمه فارسی

• ترجمه: آیت‌الله حسن صدوقی گرانشاهی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• چاپ و مسحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

• ثوبت چاپ: ششم / ۱۳۹۲ • شماره‌گان: ۱۰۰۰ • بیها: ۲۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

• دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، من ب ۹۱۷، ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۳۷۷۴۲۱۰۵ - ۰۳۷۷۴۲۱۰۶ تلفن پخش: ۰۳۷۷۴۲۱۲۶

• فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰، عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

• فروشگاه شماره: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تبریز، پلاک ۳، تلفن: ۰۳۵۰۶۶۴۲

• فروشگاه شماره ۲: شده، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، چهار دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۰۲۲۳۳۷۷

• فروشگاه شماره ۳: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۰۳۴۴۰۷۰

• فروشگاه کودک و نوجوان: قب چهارراه شده، بین خیابان ارم، تلفن: ۰۳۷۷۳۱۷۱۲

• پخش پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ انقلاب، بین ابوریحان و فلسطین، بن سرت سروش، پلاک ۴، تلفن: ۰۳۶۹۷۳۲۰۳

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail:info@bustanektab.com

جدیدترین آثار مؤسسه آشنایی پیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustanektab.com>

باقداران از همکاران که در تولید این اثر نقش داشته‌اند

• اعضا شورای بورسی اداره ۰ بهیر شورای کتاب، جواد امیرکن ۰ پرویزستانی، ابوالفضل طریق‌نژاد ۰ محمد هریم، سهله خالقی ۰ چکیده انتکوس، عبدالصمد مطوفیان

• دهیار، مصطفی محفوظی ۰ مسیلوو واحد حروف‌نگاری، اصلاحات حروف‌نگاری و صلحه آراء، احمد مؤمنی ۰ کارشناس و کنترل نمونه‌گرفتن، محمدمجید مصطفویان

• نمونه‌گرفتن، ابوالحسن مسیمه‌زاده و سید رضا هدایتی ۰ کنترل فلز صلحه ازایی، حسون عمدان ۰ کارشناس طراحی و کرافت و طراح جلد، محمود سخاوتی ۰ مدیر

تویید، عبدالهادی اشرفی ۰ اداره آماده‌سازی، حمید رضا نعموری ۰ اداره چاپخانه، سعید مهدوی و سایر همکاران لینکوگرانی، چاپ و مسحافی

ریس مطب

اساحل اساعیر

## فهرست مطالب

|    |  |
|----|--|
| ۹  | مقدمه  |
| ۱۳ | دعای اول: در ستایش خداوند  |
| ۲۳ | دعای دوم: درود بر پیامبر اکرم ﷺ                                  |
| ۲۹ | دعای سوم: دعا برای حاملان عرش و فرشتگان مقرب                     |
| ۳۷ | دعای چهارم: دعا برای پیروان انبیای الهی                          |
| ۴۳ | دعای پنجم: دعا برای خود و دوستان                                 |
| ۴۹ | دعای ششم: دعا هنگام صبح و شام                                    |
| ۵۹ | دعای هفتم: دعا هنگام گرفتاری و ناراحتی                           |
| ۶۵ | دعای هشتم: پناه بردن به خدا از اخلاق و انعال ناهنجار             |
| ۷۱ | دعای نهم: آمرزش خواهی از درگاه خدا                               |
| ۷۰ | دعای دهم: دعا هنگام پناه بردن به خدا                             |
| ۷۹ | دعای یازدهم: دعا برای حسن عاقبت                                  |
| ۸۳ | دعایدوازدهم: توبه و اعتراف به درگاه خداوند                       |
| ۹۱ | دعای سیزدهم: درخواست حواب  |
| ۹۹ | دعای چهاردهم: دعا به هنگام مظلوم واقع شدن و مشاهده کردار ستمگران |

|          |  |
|----------|--|
| ۱۰۵..... | دعای پانزدهم: دعا به هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری                     |
| ۱۱۱..... | دعای شانزدهم: طلب عفو و آمرزش از درگاه خداوند                          |
| ۱۲۳..... | دعای هفدهم: پناه بردن به خدا از شیطان و دشمنی‌ها و نیزگهای آن          |
| ۱۳۱..... | دعای هجدهم: دعا به هنگام دفع ناگواری‌ها و اجابت خواسته‌ها              |
| ۱۳۳..... | دعای نوزدهم: دعا در خواست بارش باران                                   |
| ۱۳۹..... | دعای بیستم: دعا در خواست مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده                |
| ۱۵۷..... | دعای بیست و یکم: دعا به هنگام پیش‌آمد اندوه و غصه اشتباہات             |
| ۱۶۵..... | دعای بیست و دوم: دعا در حال سختی، گرفتاری و پیچیدگی امور               |
| ۱۷۳..... | دعای بیست و سوم: دعا برای عافیت  |
| ۱۷۹..... | دعای بیست و چهارم: دعا برای پدر و مادر                                 |
| ۱۸۷..... | دعای بیست و پنجم: دعا برای فرزندان                                     |
| ۱۹۵..... | دعای بیست و ششم: دعا برای همسایگان و دوستان                            |
| ۲۰۱..... | دعای بیست و هفتم: دعا برای مرزداران                                    |
| ۲۱۵..... | دعای بیست و هشتم: دعا هنگام پناه بردن به خدا                           |
| ۲۱۹..... | دعای بیست و نهم: دعا به هنگام تنگ‌دستی                                 |
| ۲۲۳..... | دعای سی‌ام: دعا برای پرداخت بدhei                                      |
| ۲۲۷..... | دعای سی و یکم: دعا در خواست توبه                                       |
| ۲۳۹..... | دعای سی و دوم: دعا اعتراف به گناه بعد از نماز شب                       |
| ۲۴۵..... | دعای سی و سوم: دعا استخاره   |
| ۲۵۹..... | دعای سی و چهارم: دعا هنگام مشاهده حال گرفتاران و رسواشدگان در اثر گناه |
| ۲۶۳..... | دعای سی و پنجم: دعا برای خشنودی از داده‌ها                             |
| ۲۶۷..... | دعای سی و ششم: دعا به هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای آذربخش               |

|     |  |
|-----|--|
| ۲۷۱ | دعای سی و هفتم؛ اعتراف به کوتاهی در ادای شکر خدا           |
| ۲۷۹ | دعای سی و هشتم؛ پوزش خواهی از کوتاهی در حقوق مردم          |
| ۲۸۳ | دعای سی و نهم؛ درخواست عفو و رحمت الهی                     |
| ۲۹۱ | دعای چهلم؛ دعا هنگام شنیدن خبر مرگ دیگران و گاه یادکرد مرگ |
| ۲۹۵ | دعای چهل و یکم؛ درخواست پوزش و نگاهداری                    |
| ۲۹۹ | دعای چهل و دوم؛ دعای ختم قرآن                              |
| ۳۱۳ | دعای چهل و سوم؛ دعا هنگام رزیت هلال                        |
| ۳۱۷ | دعای چهل و چهارم؛ دعا هنگام ورود ماه رمضان                 |
| ۳۲۷ | دعای چهل و پنجم؛ دعای وداع با ماه رمضان                    |
| ۳۴۷ | دعای چهل و ششم؛ دعای عید فطر و روز جمعه                    |
| ۳۵۰ | دعای چهل و هفتم؛ دعای روز عرفه                             |
| ۳۹۵ | دعای چهل و هشتمن؛ دعای روز عید قربان و جمعه                |
| ۴۰۷ | دعای چهل و نهم؛ دعای برای دفع کبد و مکر دشمنان             |
| ۴۱۷ | دعای پنجماه؛ دعای به هنگام بیم و خستگی                     |
| ۴۲۳ | دعای پنجه و یکم؛ دعا به هنگام زاری و تضرع                  |
| ۴۲۱ | دعای پنجه و دوم؛ دعا به هنگام اصرار و پافشاری به درگاه خدا |
| ۴۲۹ | دعای پنجه و سوم؛ دعا به هنگام اظهار خاکساری در درگاه خدا   |
| ۴۴۵ | دعای پنجه و چهارم؛ دعا برای برطرف شدن ناراحتی‌ها           |



## مقدمه

ذات اقدس ربوبی راستایشی سزاست که از حد و مصف و وهم و قیاس برتر و از افق خیال فراتر و بلکه فوق بلندای عقل، همچون نتای خاتم المخلصین والمرسلین باشد و صلوات و تحيات پیوسته بر افضل رسول و سلطان سریر «فَقَاتَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَذْنَنِ» نثار باد.

و درود بی پایان خداوندی بر اهل بیت نبوت، به ویژه خاتم الولایه، حضرت امام مهدی -صلوات الله عليهم اجمعین- همواره نازل و شامل باشد. صحیفه هستی از عظیم ترین آیات جبروتی و ملکوتی و اجرام عظیم کهانی تا ذری ترین موجودات جهان، جملگی صفحه علم فعلی خدای رب العالمین است.

این حقیقت گسترده وجودی در گفتار معصومانه حضرت سیدالساجدین و امام المقربین، تبلوری بس حکیمانه و عارفانه یافته است که از نقش حیرت آفرین دایره وجود آن امام معصوم با اشارت های لطیف خود حکایت می کند و نقوص صالحان و پاکان را به همراه خود به سیر سماوات و ارضین می کشاند؛ گاهی رازهایی از قعر دریاها و هنگامی از سپهر سماوات و شگفتی های فلکی سخن گردید و هنگامی هم با ساکنان سر حرم ملکوت همنشین می گردد.

و نیز آن امام معصوم در این صحیفه مکرمه به نظاره قامت انسانیت نشسته و

آنچه را که برای تکامل وجودی او ضروری است و در حرکت الهی وی دخیل است به زبان دعا از خدای متعال درخواست کرده و به راهیان نور آگاهی می‌دهد که تخلق و تلبیس به آن کمالات، زیننده آنان است و مقامات عالی انسانیت، مستلزم طی طریق بندگی و زیور زیبای صفاتی دل و جان است. و از هر نقطه که بر دامن شرافت و کرامت انسانی سزاوار نیست تقاضای تبری شدید نموده‌اند، و با مقال دلنشیش و زیبای نیاشی، امت خود را از آن عیوب و نقص‌ها بر حذر می‌دارد.

و در گزاره‌هایی بس کوتاه و پر معنا و به کارگیری واژه‌های کم‌نظری، با خلاقتی هنری و ادبی از بلندترین مراتب کمال و معرفت حجاب برگیرد و راستی، فوق استعداد آدمیان، حکمت و ادب و کرامت آفریند و جملگی را بر حسب ذوق و فهم امت در قالب الفاظ و کلمات به پرداخت اعجازی شگفت‌انگیز دست می‌زنند. و این متن عظیم در زاویه‌های گوناگون می‌درخشید و در هر سوی به تمام ظرفیت ممکن جلوه خاص خود را دارد، آن چنان که تفصیل کلماتش عرصه را از منفکران و دانشمندان و فیلسوفان برگرفته و در فضای ویژه خود برای احمدی عرض‌اندام باقی نگذارد.

چنان‌که اجمال آن تفاصیل نیز در ترجمۀ کوتاه آن خزاین علمی نمونه‌ای از خرمن عظیم معرفت و شعور الهی است. و جملگی را به صورت رمز در این فرقان صاعد برای امت خود به ودیعه گذاشته است، که با ذهنی آماده باید آماده بهر برداری بود. از این روی فرصتی مغتنم رامؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی) به دست داد و با سوزۀ جدید دیگری به ارائه خدمت چشم‌گیر دیگری پرداخت و مجموعه این صحیفه مکرمه سجادیه را همراه با ترجمه‌ای که این حقیر معمول داشته چاپ و نشر فرمودند و دسته گلی عطرآگین که واجد همه رائحه‌های بهشتین آن بوستان محمدی بوده و از الطاف و زیبایی‌های پر طراوت آن

خرمن فیض الهی حکایت‌ها دارد، به شما خواننده مکرم تقدیم می‌دارد.  
 امتیاز این ترجمه، واژه‌نامه خاصی صحیفه است که در ذیل هر فصل به صورت  
 جداگانه، معانی واضح و روشن واژه‌ها به خوانندگان محترم ارائه گردیده است.  
 امید آنکه مورد قبول خوانندگان محترم باشد و خططاها و کعبودها را به چشم  
 عطوفت مغفور دارند. الطاف خاصه حضرات معصومین دست‌گیر امت اسلامی باشد  
 و گوشاهی از آن همه فضل و رحمت، نصیب این فقیر نیز گردد.

حسن مدوحی

## الْتَّحْمِيدُ لِلَّهِ - عَزَّ وَ جَلَّ -

وَ كَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ بَدَأْ بِالتَّحْمِيدِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ  
 وَ التَّسْاءُ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلُ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَ الْآخِرُ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ، الَّذِي  
 قَصَرَتْ عَنْ رُؤُيَتِهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ تَغْيِيَهِ أَوْهَمُ الْوَاصِفِينَ.

(٢) إِنْتَدَعَ بِعَذْرَتِهِ الْخَلْقَ إِنْتَدَاعًا، وَ اخْتَرَعُهُمْ عَلَى مَشِيشَتِهِ إِخْرَاعًا، ثُمَّ  
 سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقٌ إِرَادَتِهِ، وَ بَعْثَتْهُمْ فِي سَبِيلٍ مَحَبَّبِهِ، لَا يَنْلَكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا  
 قَدَّمُهُمْ إِلَيْهِ، وَ لَا يَسْتَطِيُونَ تَنَدُّمًا إِلَى مَا أَخْرَهُمْ عَنْهُ.

(٣) وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَفْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ، لَا يَنْقُضُ مِنْ  
 زَادَةً نَاقِصًا، وَ لَا يَزِيدُ مِنْ نَقْصٍ مِنْهُمْ زَائِدًا.

(٤) ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجْلًا مَزْقُوتًا، وَ نَصَبَ لَهُ أَسْدًا مَخْدُودًا،  
 يَسْخَطُهُ إِلَيْهِ بِأَيَّامٍ عُمْرِهِ، وَ يَرْهَقُهُ بِأَغْوَامٍ دَفَرِهِ، حَسَنَ إِذَا بَلَغَ أَقْصَنَ  
 أَفْرِهِ، وَ اسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ، قَبَضَهُ إِلَى مَا نَذَبَهُ إِلَيْهِ "مِنْ مَوْفُورٍ"  
 ثَوَابِهِ، أَوْ مَخْذُورِ عِقَابِهِ.

## دعای اول

### در ستایش خداوند

(۱) تمامی ستایش‌ها از آن خدایی است که پیش از همه موجودات است و هیچ چیز قبل از او امکان وجود ندارد و او غایت همه موجودات است و هرگز پس از او موجودی نیست، چشمان بینندگان در حدی نیست که او را بینند و او هام و اصفان از وصفش ناتوان است.

(۲) خلق را به قدرت و مشیت خود بدون نمونه برداری آفرید، سپس بر حسب اراده از لی، آنان را آن چنان که می‌خواست در مسیر خواست خود قرار داد و در طریق محبت خود برانگیخت، لذا هرگز آنان از آن جاکه قدم داشته قدرت بر تأخیر ندارند و از آن جاکه مؤخر داشته قدرت بر تقدیم ندارند.

(۳) خداوند متعال برای هر روح و نفسی روزی خاصی قرار داده است؛ به گونه‌ای که هر کس روزی فراوان عنایت کرد، کسی را قادرت بر کم کردن آن نیست و هر کس را روزی اندک عنایت کرد، کسی را قادرت بر افزودن آن نیست.

(۴) سپس خداوند متعال برای انسان، سرآمد عمر معین و مشخصی قرار داد که او این مسیر عمر را با قدم‌های خود طی می‌کند و با گذراندن سال‌ها در روزگار خود تمام می‌نماید تا این که به آخرین مرحله برسد و حساب زندگی را کاملاً طی کند، سپس خداوند متعال او را به طرف ثواب بسیار یا عقاب بینانک می‌خواند.

(٥) (الْيَجِزِيُّ الَّذِينَ أَسَاوُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجِزِيُّ الَّذِينَ أَخْسَسُوا بِالْخُشْنَى)، عَذْلًا مِنْهُ، تَقَدَّسْتُ أَشْهَادُهُ، وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ، (لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَمَمْ يُشَنَّفُونَ).

(٦) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ خَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَغْرِفَةً حَمْدُهُ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ<sup>١٣</sup> مِنْ مِنَّتِهِ الْمُسْتَابِعَةِ<sup>١٤</sup>، وَأَشْبَعَ عَلَيْهِمْ<sup>١٥</sup> مِنْ نِعَيْهِ الْمُمْتَاهِرَةِ<sup>١٦</sup>، لَتَصَرَّفُوا فِي مِنَّتِهِ فَلَمْ يَخْدُمُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي دِرْزَقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَلَوْ كَانُوا كَذِيلَكَ، لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حُدُودِ الْبَهِيمَيَّةِ<sup>١٧</sup>، فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحَكَّمٍ كِتَابِهِ: إِنْ هُمْ إِلَّا كُلُّ أَنْعَامٍ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.

(٧) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفَنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْأَهْمَنَا مِنْ شُكْرِهِ، وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ، وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْجِيدِهِ، وَجَبَّنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّكِّ فِي أُمْرِهِ، حَمْدًا نُعْمَرُ بِهِ فِيمَنْ حَمْدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ مِنْ سَبِقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ.

(٨) حَمْدًا يُضْسِيُّ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَزَرَخِ<sup>١٨</sup>، وَيُسْهِلُ عَلَيْتَاهُ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ، وَيُسَرِّفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِيفِ الْأَشْهَادِ، (يَوْمَ ثُجُزِيَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا حَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)، (يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَانَ شَيْنَا وَلَا مَمْ يُنْصَرُونَ).

(۵) تا بدکاران را به کیفر رساند و آنان را که رفتاری نیکو داشته‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، به کرامت و فضیلت اکرام فرماید، زیرا اقتضای عدل خداوند متعال معین است. اسمای او منزه از هرگونه نقص و نعمت‌های او در کمال ظهر است و هرگز از او سؤال نشود، بلکه همه مکلفان مورد سؤال قرار می‌گیرند.

(۶) سپاس خداوندی را که اگر معرفت شکر نعمت‌های خود را -که پیوسته بر بندگان فرود می‌آیند و یکی پس از دیگری به ظهور می‌پیوندند - به آنان عطا نمی‌کرد، بندگان در نعمت‌های او تصرف فراوان نموده و به توسعه زندگی خویش می‌پرداختند، بدون آن که به منعم توجه کنند و در این صورت از فطرت و حدود انسانیت خارج شده و همانند بهایم زندگی می‌گردند و آن چنان می‌گردیدند که خداوند متعال فرموده است: «آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌تر از آنها هستند».

(۷) ستایش خدایی را که خود را به ما شناسانده و شکر نعمت‌های خود را در فطرت ما قرار داد و درهای آگاهی و شناخت ریانیت خود را به روی ما گشود و به سوی اخلاقان در توحید راهنمایی فرمود و از الحاد در اعتقاد و شک در توحید ذات و صفات بر حذر داشت، آن چنان سپاسی که مارادر زمرة شاکران قرار دهد و به وسیله آن همانند کسانی گردیم که به سوی عفو و رضای او پیشی گرفته‌اند.

(۸) خداوند متعال را چنان ستایش می‌کنیم که بدان وسیله، تاریکی‌های عالم بروز را بر ماروشن سازد و راه ورود به قیامت را آسان نماید و منازل وقوف در محضر حضرت حق را در روزی که جز عمل انسان جزای دیگری در کار نیست، به کرامت محل و شرافت موقف تبدیل فرماید؛ روزی که هیچ دوستی نمی‌تواند به دوست خود یاری رساند و از ناحیه غیر خدا به هیچ کس کمکی میسر نیست.

(٩) حَنْدًا يَزْتَفِعُ مِنَ إِلَى أَغْلَى عَلَيْنَ فِي كِتَابٍ مَّرْقُومٍ "يَشَهِدُ الْمُقَرَّبُونَ،  
حَنْدًا تَقْرَبُ إِلَيْهِ عَيْوَنَا إِذَا بَرِقْتَ الْأَبْصَارُ" ، وَ تَبَيَّضُ بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اشْوَدَتِ  
الْأَبْشَارُ.

(١٠) حَنْدًا نُنْتَقُ " يَهُ مِنْ أَلْيَمْ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جَوَارِ اللَّهِ، حَنْدًا تُزَاحِمُ بِهِ  
مَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبِينَ، وَ نُضَامٌ " يَهُ أَنْبِيَاءُ الْمُزَسَّلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي  
لَا تَرُؤُلُ، وَ مَخْلُوكَاتِيَّةُ الَّتِي لَا تَخُولُ" .

(١١) وَ الْحَنْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ، وَ أَخْرَى عَلَيْنَا طَبَيَّاتِ  
الرِّزْقِ، وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضْيَّةَ بِالْمَلَكَةِ " عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَيْهِ مُشَفَّادَةٌ"  
لَنَا يُقْدِرُ رِيَاهُ، وَ صَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا يُعَزِّيَّهُ .

(١٢) وَ الْحَنْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ " عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيعُ  
حَنْدَةً؟ أَمْ مَنْ نُؤْدِي " شُكْرَةً؟ لَا، مَنَّ؟

(١٣) وَ الْحَنْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَبَ فِينَا آلَاتَ الْبَسْطِ "، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ  
الْقَبْصِ "، وَ مَئَنَّا " بِأَرْوَاحِ الْخَيَاةِ" ، وَ أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِخَ الْأَغْمَالِ، وَ غَدَانَا  
بِطَبَيَّاتِ الرِّزْقِ، وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَفْنَانَا " يَسْتَهِيَّهُ .

(١٤) ثُمَّ أَمْرَنَا لِيَخْتَبِرْ طَاعَتَنَا، وَ نَهَا نَا لِيَسْتَلِي " شُكْرُنَا، فَخَالَقْنَا عَنْ طَرِيقِ  
أَمْرِهِ، وَ زَرَكْنَا مُثُونَ " زَجْرِهِ، فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا " بِعَفْوِيَّتِهِ، وَ لَمْ يُعَاجِلْنَا بِنَقْمَتِهِ، بَلْ  
ئَانَّا " بِرَحْمَتِهِ تَكَوَّمْنَا، وَ انتَظَرْنَا مُرَاجَعَتَنَا بِرَأْفَتِهِ جَلْمَاً .

(۹) خداوند متعال را آن چنان حمد می‌کنیم که بتوانیم بدان سپاس، به بالاترین مراحل هستی که مقرّبان در بلندای لوح مرقوم مشاهده کرده‌اند، راه یابیم و در زمانی که روشنایی از چشم و دیدگان می‌رود، موجب روشنایی دیدگان ما گردد و آن‌گاه که گونه بدکاران سیاه می‌گردد، سبب نورانی و شفافشدن چهره ما شود.

(۱۰) و آن حمدی را به جای می‌آوریم که با آن از آتش سوزان و در دناک جهنم، به کرامت جوار رحمت الهی آرمیده و در کنار ملانکه مقرب و در قرب انبیای مرسیین، در سرای جاویدان و محل کرامت غیرقابل زوال، قرار گیریم!

(۱۱) سپاس خدایی را که مانسان‌ها را به بهترین چهره آفرید و بهترین نوع روزی‌ها را برای ما و به سوی ما روان گردانید و آن فضیلت را به ما عطا کرده که می‌توانیم بر نظام خلقت مسلط باشیم و از آن در خدمت به خود بهره ببریم، بلکه همه را تحت تسخیر و اطاعت خود درآوریم.

(۱۲) و ستایش سزاوار آن خدایی است که درهای فقر و نیاز را به روی ما بسته و فقط ما را به درگاه خود متوجه فرموده است و ما چگونه می‌توانیم سپاس گروی او باشیم؟ نه، هرگز نمی‌توانیم!

(۱۳) و ستایش خدایی را که عضلاتی را در بدن ما قرار داده که توان باز و بسته شدن را دارند و ما را از آسایش‌های زندگی برخوردار نمود و به ما جوارح و اندام‌هایی عطا کرده که امور خوبیش را با آنها نجات دهیم و با انواع غذایی پاکیزه ما را بی نیاز ساخت و به منت و بخشش خود، سرمایه زندگی ما را فراهم نمود.

(۱۴) سپس به ما امر فرمود تا اطاعت ما را بیازماید و از بعضی اشیاء نهی کرد تا میزان شکر ما را به ما بفهماند، ولی ما با دستورهای او مخالفت نموده و چیزهایی را که نهی کرده بود، مرتکب شدیم. با این حال، او به کیفر ما مبادرت نفرمود و بارحمت بامارفتار کرد و از روی بردباری و مهربانی خود، چشم به راه توبه ماست.

(١٥) وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلٰى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ تُفْذِهَا<sup>١٣</sup> إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ، فَلَوْ  
لَمْ نَفْتَدِ<sup>١٤</sup> مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا لَقَدْ حَسْنَ بِلَوْهٖ<sup>١٥</sup> عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِخْسَانُهُ إِلَيْنَا وَ  
جُشِّمٌ<sup>١٦</sup> فَضْلُهُ عَلَيْنَا.

(١٦) فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنْنَةُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا  
مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُشْعًا، وَلَمْ يُجْعَسْنَا<sup>١٧</sup> إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ يَنْدَعِ  
إِلَّا حِدَّ مِنَ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرًا؛ فَالْهَالِكُ مِنَ مَنْ هَلَكَ عَلَيْنَا، وَالسَّيِّدُ مِنَ مَنْ رَغَبَ  
إِلَيْنَا.

(١٧) وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ يَكُلُّ مَا حَمِدَهُ يَهُ أَذْنِي مَلَائِكَتِهِ أَنْتَهُ وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ  
وَأَزْصَنْ حَامِدَيْهِ لَدَنِيهِ، حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ  
خَلْقِهِ.

(١٨) ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانٌ كُلُّ بِنْفَعَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ  
وَالْآبَقِينَ عَدَّدَ مَا أَحاطَ بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاوِ، وَمَكَانٌ كُلُّ وَاجِدَةٍ مِنْهَا  
عَدَّهَا أَضْعَافًا<sup>١٨</sup> مُضَاعَفَةً أَبْدَأْ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(١٩) حَمْدًا لَا مُشْتَهَى لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابٌ لِعَدَّهِ، وَلَا مَثِيلٌ لِغَایَتِهِ،  
وَلَا انْقِطَاعٌ لِأَمْدَهِ، حَمْدًا يَكُونُ وَضْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوُهُ، وَسَبِيلًا إِلَى  
رِضْوَانِهِ، وَذَرِيْعَةً<sup>١٩</sup> إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَيْرًا مِنْ نَعْمَتِهِ.

(٢٠) وَأَمْنًا مِنْ غَصَّبِهِ، وَظَهِيرًا عَلٰى طَاعَتِهِ، وَحَاجِزًا عَنْ مَفْسِدَتِهِ، وَ  
عَوْنًا عَلٰى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوَظَانِيَّهِ، حَمْدًا نَسْعَدُ بِهِ فِي السُّعَدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَ  
نَصِيرُ بِهِ فِي نَظَمِ الشُّهَدَاءِ بُشِّيُوفِ أَغْذَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ حَمِيدٍ.

(۱۵) سپاس خدایی را که ما را به بازگشت و توبه به سوی خود هدایت فرمود؛ بازگشته که دست یابی به آن فقط بافضل او میسور است، به حدی که اگر به جز توبه سایر نعمت‌های او را به شمار نیاوریم، احسان او بر ما تمام و نعمت و فضلش بر ما بزرگ است.

(۱۶) در امت‌های گذشته، سنت الهی در پذیرش به این صورت نبود که در امت ما جاری است، اما خداوند منت‌گذارد و از ما مجازات فوق طاقت را برداشت و تکالیف را در حد وسع و طاقت ما قرارداد و بر ما آسان گرفت و هیچ‌گونه عذرتراشی و بهانه‌ای را برای مابقی نگذاشت. بنابراین، زبان‌کار کسی است که طفیان‌گری نموده و در خط‌هلاکت قدم بردارد و خوشبخت کسی است که در خط فرمان او گام بردارد.

(۱۷) و حمد و سپاس خدای را به تمام آن چه مقرب ترین فرشتگان و گرامی‌ترین آفریده‌ها و بهترین ستایش‌گران بدان وسیله او را سپاس گزارده‌اند، ستایشی که نسبت به سایر حمد‌ها، همانند برتری خداوند متعال بر تمام بندگان باشد.

(۱۸) پس ستایش خدای را در مقابل همه نعمت‌هایی که بر ما و تمام بندگان گذشته و آینده‌اش ارزانی داشته است، به شماره علم و آگاهی او به همه اشیا، بلکه چندین برابر آنها به طور ابدی تاروز قیامت.

(۱۹) ستایشی که حد، شماره، مقدار و نهایتی ندارد و موجب رسیدن به اطاعت و عفو و خشنودی او و وسیله‌ای برای آمرزش او و راهی برای بهشت او و پناهگاهی از کفر است.

(۲۰) ستایشی که با آن از خشم خدا در امان باشیم و کمک بر اطاعت و مانع از معصیت و یاری کننده بر ادای حق و وظایف گردد، ستایشی که با آن در صفت اولیای نیکبخت قرار گیریم و در نظام شهیدانی که به وسیله شمشیر دشمنان دین به لقای حق پیوسته‌اند، قرار گیریم، که او ولئ و یاری دهنده ستوده است.

## واژه‌ها

۱. ابتداء: ایجاد بدون سابقه.

۲. اختراع: نوآوری.

۳. قوت: روزی.

۴. موقت: دارای زمان معین.

۵. آمد: درازای زمان.

۶. پیخطا: قدم بر می‌دارد.

۷. برهقه: تمام می‌کند.

۸. اعوان: سال‌ها.

۹. اقصی ازه: آخرین لحظات طی شود.

۱۰. استوعب: فراگیر نماید.

۱۱. ندبه اله: او را بخواند.

۱۲. مؤفور: فراوان.

۱۳. ابراهیم: بی‌اموزد.

۱۴. الستابعه: پشت هم.

۱۵. اسخ علیهم: اعطای نعمت‌های بی‌دریغ.

۱۶. المظاهره: به ظهور پیوسته.

۱۷. بھیمه: حیوانیت.

۱۸. برزخ: عالم پس از دنیا و قبل از آخرت.

۱۹. کتاب مرقوم: لوحی که همه چیز در آن رقم خورده است.

۲۰. برق‌الاہصار: نور از چشمان برود.

۲۱. نعق: آزاد گردیم.

۲۲. نظام: ضمیمه شویم.

۲۳. السلاکه: سلط یافتن به خدمت درآوردن.

۲۴. مقاده: مطیع.

۲۵. اغلق: فروپست.

۲۶. نطق: طاقت آوریم.

۲۷. من نوی: چگونه ادا کنیم؟

۲۸. آلات بسط: افزاری که بدان وسیله اعضا باز شوند.

۲۹. ادوات القبض: وسایلی که بدان‌ها اعضا جمع و بسته شود.

۳۰. متننا: بهرمندان نمود.

۳۱. ارواح العیا: آسایش‌های زندگی.

۳۲. افتانا: بی‌نیازمان ساخت.

۳۳. لیتل: آزمایش کند.

۳۴. متون: واقعیت‌های امور.

۳۵. لم پیترنا: سرعت نگرفت.

۳۶. تائانا: به ما صبر نمود و مهلت داد.

۳۷. شُندها: به دست آوردیم و استفاده کردیم.

۳۸. نعتقد: به شماره درآوریم.

۳۹. حُسن بلانه: احسان او فراوان است.

۴۰. جُمَّ عظیم است.

۴۲. انسان: چند برابر.

۴۱. ولم بحقنا: ما را مکلف نساخت.

۴۳. ذریعه: وسیله.



## الصلوة على محمد وآلـه

وكان من دعائـه عليه السلام بـنـدـهـذا التـخيـيدـ فـي الصـلاـةـ عـلـى رـسـولـ اللهـ  
صـلـى اللهـ عـلـيـهـ وـآـلـهـ:

(١) وَالْخَنْدُلِيُّ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَّبِيٍّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - دُونَ  
الْأَمْمِ الْمَاضِيَّةِ وَالْقُوْنِ السَّالِفَةِ، يَقْدِرُ تَرَيْهُ أَتَيَ لَا تَغْرِيْهُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَ  
لَا يَقُوْهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطْفٌ. فَعَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ، وَجَعَلَنَا شَهِدَةً عَلَى  
مَنْ جَحَدَ، وَكَثَرَنَا بِمَنْهُ عَلَى مَنْ قَلَّ.

(٢) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَمِينَكَ عَلَى وَخِيكَ، وَتَعْبِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَ  
صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامَ الرَّحْمَةِ، وَقَانِيْدَ الْغَيْرِ، وَمَفْتَاحَ الْبَرَكَةِ، كَمَا نَصَبَ  
لِأَمْرِكَ نَفْسَهُ، وَعَرَضَ فِيْكَ لِلْمُكْثُرِوْ وَبَدَنَهُ.

(٣) وَكَاشَفَ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَمَّةَ، وَحَارَبَ فِي رِضاكَ أُشْرَتَةَ، وَ  
قَطَعَ فِي إِخْيَاءِ دِينِكَ رَحْمَةَ، وَأَفْصَى الْأَذْنَيْنَ عَلَى جُنُودِهِمْ، وَقَرَبَ  
الْأَقْصَيْنَ عَلَى اسْتِجَابَتِهِمْ لَكَ.

(٤) وَالَّنِي فِيْكَ الْأَبْعَدِيْنَ، وَعَادِي فِيْكَ الْأَقْرَبِيْنَ، وَأَذَابَ نَفْسَهُ فِي

## دعای دوم

### دروع بر پیامبر اکرم ﷺ

(۱) ستایش خدایی را که پیامبر خاتم را در بین همه امت‌ها نصیب مافرمود، با قدرتی که از هیچ چیز - اگر چه بسیار عظیم باشد - عاجز نیست و از کوچکترین موجود غفلت نمی‌کند و بدین ترتیب، ما را فرزندان پیامبر خاتم همه آفریده‌هایش قرار داد و گواه بر منکران گردانید و مدت ایام مارا در امامت و رهبری بر همه امت‌های گذشته که مدت آنان کوتاه بود، برتری داد.

(۲) خدایا، بر حضرت محمد درود فرست، هم او که امین وحی و نجیب‌ترین و برگزیده‌ترین بندگان تو است؛ او که پیشو و در رحمت و رأفت و خیر و کلید برکات و خیرات بود و تن و جان خود را در راه اوامر و فرمان تو به رنج انداخت.

(۳) در راه رسالت، از حامیان و قبیله خود جداد شد و با آنان جنگید و به خاطر دین تو رابطه خود را با آنان قطع نمود و نزدیکان خود را که شرک می‌ورزیدند دور ساخت و آنان را که به ظاهر از اهل و عشیره او نبودند، به خود نزدیک فرمود.

(۴) آنان را که دور بودند و تحت ولایت دین در آمدند، به خود نزدیک کرد و نزدیکان مشرک خویش را از خود دور نمود و در راه ابلاغ رسالت تو، خود را به

تَبَلِّغُ رسالَتِكَ، وَأَنْقَبَهَا بِالدُّعَاءِ إِلَيْ مَلِيْكِكَ، وَشَغَلَهَا بِالنُّصُبِ لِأَهْلِ دُغْوَتِكَ.

(٥) وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْفُرْتِيَّةِ، وَمَحَلَّ النَّاثِيٌّ<sup>١</sup> عَنْ مَوْطِنِ رَخْلِيَّهِ، وَمَوْضِعِ رَجْلِهِ، وَمَسْقَطِ رَأْسِهِ<sup>٢</sup>، وَمَائِسِ نَفْسِهِ، إِزَادَةً مِنْهُ لِأَغْزَارِ دِينِكَ، وَاسْتِنْصَارًا عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ بِكَ.

(٦) حَتَّى اسْتَبَّ<sup>٣</sup> لَهُ مَا حَوَلَ<sup>٤</sup> فِي أَغْذَائِكَ، وَاسْتَمَّ<sup>٥</sup> لَهُ مَا دَبَرَ فِي أُولَائِكَ؛ فَنَهَدَ<sup>٦</sup> إِلَيْهِمْ مُسْتَنْتَهِيًّا بِعَوْنَكَ، وَمُتَقَوِّيًّا عَلَى ضَفْفِيْهِ بِنَضْرِكَ، فَغَرَّاهُمْ فِي عَقْرِ دِيَارِهِمْ<sup>٧</sup>، وَهَجَمَ عَلَيْهِمْ فِي بَخْوَجَةٍ<sup>٨</sup> قَرَارِهِمْ، حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ، وَعَلَّتْ كَلِسْتُكَ، وَلَوْكَرَةُ الْمُشَرِّكُونَ.

(٧) أَللَّهُمَّ فَارْفَعْ بِسَاكَدَحٍ<sup>٩</sup> فِيكَ إِلَى الدَّرْجَةِ الْأَعْلَى مِنْ جَنْتِكَ، حَتَّى لَا يُسَاوِي فِي مَثْنَيَّةِ، وَلَا يُكَافَأُ فِي مَزْتَبَةِ، وَلَا يُؤَازِيَّ لَدِيْكَ مَلْكُ شَقَرَبٍ، وَلَا نَبِيٌّ مُزْنَشَلٌ.

(٨) وَعَرَفَهُ فِي أَهْلِي الطَّاهِرِيَّنَ وَأَهْلِيَ الْمُؤْمِنِيَّنَ مِنْ حُشْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلَّ مَا وَعَدْتَهُ. يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا ذَافِنَ الْقُولِ، يَا مُبْدِلَ الشَّيْئَاتِ بِأَضْعافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

رنج انداخت و در راه دعوت مردم و نصیحت آنان، در زحمت و مشقت فراوان قرار گرفت.

(۵) پیامبر اکرم ﷺ به خاطر عزّت دین و پیروزی بر کفر، از وطن خود (مکه) که بستگان و خاندان او در آن جا می‌زیستند و زادگاه و مرکز پرورش و انس او بود، دوری جست.

(۶) خدایا، پیامبر تو آن چنان به جهاد و کوشش اقدام فرمود که آن‌چه اراده‌کرد در دشمنان تو مستقر شد و آن‌چه را خواست در دوستان تو برقرار گردید و به کمک تو و یاری جستن از تو، به قیام قدرت‌مندی دست زد که بر ضعف آنها غالب آمد؛ در عمق خانه‌های شان با آنان جنگید و بر آنان هجوم آورد تا آن که خواسته‌ات ظاهر و کلمه تو غالب گردید، اگرچه با کراحت مشرکان تمام شد.

(۷) خدایا، مقام پیامبر را به واسطه مجاهدهای او، به جایگاهی آن چنان رفیع از بهشت خود برسان که هیچ کس در منزلت و مقام و رتبه، با او یکسان و مساوی نباشد و هیچ فرشته مقرب و پیامبر مُرسلی هم طراز وی قرار نگیرد.

(۸) خدایا، به پیامبر اکرم شفاعتی درباره اهل بیت مکرم او و افراد ایمان آورنده به او از امتش کرامت فرماده برتراز آن‌چه به پیامبر اکرم وعده داده‌ای باشد! ای کسی که وعده‌ات قطعی و به قول خود وفادار هستی، ای کسی که بدی‌هارا به چندین برابر نیکی تبدیل می‌کنی، به راستی که تو دارای تفضل عظیم هستی.

## واژه‌ها

۱. نصب لأمرك: خود را آماده فرمانبرداری را از خود برآورد.

۲. عرض: خود را در معرض قرار داد.

۳. حامته: قبیله و خویشان.

۴. أسره: فامیل.

۵. اقصي الادنين: نزدیکان خود را دور کرد.

۶. قرب الأصحاب: دورها رابه خود نزدیک ساخت.

۷. والي فيك الابعدین: در راه تو، به افراد دور از خود دل بست.

۸. و عادي فيك الأقربین: در راه تو نزدیکان ۱۸. کدح: رنج کشید.

۹. أداب: کوشش کرد.

۱۰. الثاني: دور.

۱۱. مسقط رأسه: وطن خود.

۱۲. استبة: برقرار شد.

۱۳. حاول: اراده کرده.

۱۴. استم: اتمام پذیرد.

۱۵. نهد: حرکت به سوی دشمن.

۱۶. غیر دیارهم: داخل خانه.

۱۷. بعیوحة: وسط.



## الصلوة على حملة العرش

وكان من دعائيه عليه السلام في الصلاة على حملة العرش وكل ملوكه  
مقرب:

(١) اللهم وحملة عرشك الذين لا يغترون من تشبيحك، ولا يسامون من تقديسك، ولا يستخفرون من عبادتك، ولا يغبون عن التصوير على العبد في أمرك، ولا يغفلون عن اولئك إليك.

(٢) ويسرا فيل صاحب الصور، الشاعر الذي يتضطر منك الإذن وخلول الأمان، فيثبت بالتجربة صرعن رهائن القبور، ويسكتيل ذو الجاء عنك، والمكان الرفيع من طاعتك، وجنبيل الأمين على وحيك، المطاع في أهل سماءاتك، المكين لذنك، المقرب عنك.

(٣) والروح الذي هو على ملائكة الحجج، والروح الذي هو من أمرك، فصل عليهم، وعلى الملائكة الذين من ذوريهم: من سكان سماءاتك، وأهل الأمانة على رسالتك، والذين لا تدخلهم سامة من ذوب، ولا إغية من لغوب ولا فتور.

## دعای سوم

### دعا برای حاملان عرش و فرشتگان مقرب

(۱) خدایا، درود خود را بر حاملان عرش خود روا دار که در تسبیح تو سستی  
نمی‌کنند و از تقدیس تو خسته نمی‌گردند و از عبادت تو آزرده نمی‌شوند و از عشق و  
محبت تو غفلت نمی‌ورزنند.

(۲) خدایا، بر فرشته مقرب خود اسرافیل - صاحب صور - درود بفرست، هم  
او که آماده اذن و رسیدن امر از طرف تو است و با نفعخواه آنان را که در گورها  
قرار دارند، بیدار می‌کند و نیز به میکانیل فرشته مقرب، مطیع و صاحب جلال و  
مقام رفیع خود درود فرست و نیز بر جبرانیل، امین وحی و صاحب مقام که همه  
آسمانیان در اطاعت او کوشانه هستند و نزد تو مقام بلند و مرتبه‌ای مقرب دارد، درود  
فرست.

(۳) و درود فرست بر روح، فرشته‌ای که بر ملاتکه حاجب مأمور است و نیز بر آن  
فرشتگان که با عالم امر در ارتباط می‌باشد و نیز درود فرست بر سایر فرشتگان که  
مقامشان پایین تر از آنان است و از ساکنان آسمان‌ها هستند و بر آنان که واسطه پیام‌ها  
و امانت‌های تو می‌باشند و بر تمامی ملانکه‌ای که هرگز خستگی و سستی و زحمت  
در جذب و کوشش خود احساس نمی‌کنند.

(٤) وَ لَا تُشْعِلُهُمْ عَنْ تَشْبِيهِكَ الشَّهْوَاتُ، وَ لَا يُقْطِعُهُمْ عَنْ تَغْظِيَكَ سَهْوُ  
الْفَقَلَاتِ، الْخُشْعُ الْأَبْصَارُ فَلَا يَرْوُمُونَ<sup>١١</sup> النَّظَرَ إِلَيْكَ، التَّوَاكِشُ الْأَذْقَانُ<sup>١٢</sup>،  
الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَنِكَ، الْمُسْتَهْزَئُونَ<sup>١٣</sup> يُذْكِرُ آلَيْكَ، وَ  
الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبِيرِيَائِكَ.

(٥) وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمْ تَرْفُرُ<sup>١٤</sup> عَلَى أَهْلِ مَغْصِيَتِكَ:  
«سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقًّا عِبَادَتِكَ!»، فَصَلَّى عَلَيْهِمْ وَ عَلَى الرَّوْحَانِيَّينَ مِنْ  
مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزُّلْفَةِ<sup>١٥</sup> عِنْدَكَ، وَ حَمَالِ الْقِبْلَةِ إِلَى رُسْلِكَ، وَ الْمُؤْتَمِنِينَ  
عَلَى وَحِيكَ.

(٦) وَ قَبَائِلُ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصُوكَ لِتَفْسِيكَ، وَ أَغْنَيَتُهُمْ عَنِ  
الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيسِكَ، وَ أَشْكَنَتُهُمْ بِطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ، وَ الَّذِينَ  
عَلَى أَزْجَانِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ يَسْمَامُ وَ غَدِيكَ، وَ حَرَازِنَ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ<sup>١٦</sup>  
السَّحَابِ.

(٧) وَ الَّذِي يَصُوتُ رَجْرِهِ يُشْمَعُ رَجَلُ الرَّاغُودِ<sup>١٧</sup>، وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَيْفَةُ  
السَّحَابِ<sup>١٨</sup> الْتَّمَعَثُ<sup>١٩</sup> صَوَاعِقُ الْبَرْوَقِ<sup>٢٠</sup>، وَ مُشَيَّعِي<sup>٢١</sup> التَّلْجِ وَ الْبَرْدِ، وَ  
الْهَابِطِينَ<sup>٢٢</sup> مَعَ قَطْرِ<sup>٢٣</sup> الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ الْقَوَامُ<sup>٢٤</sup> عَلَى حَرَازِنِ الْرِّيَاحِ، وَ  
الْمُوَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَرْزُولُ.

(٨) وَ الَّذِينَ عَرَفْتُهُمْ مُتَنَاهِلُ<sup>٢٥</sup> الْأَبِيَاءِ، وَ كَيْنَلَ مَا تَغْوِيَهُ لَوَاعِجُ<sup>٢٦</sup> الْأَنْطَارِ وَ  
عَوَالِجُهَا<sup>٢٧</sup>، وَ رُسْلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ يَمْكُرُوهُ مَا يَتَنَزَّلُ مِنَ  
الْبَلَاءِ وَ مَخْبُوبِ الرَّحَاءِ<sup>٢٨</sup>.

(۴) و درود فرست بر آن دسته از فرشتگان که خواهش‌ها، آنان را از تسبیح تو باز نمی‌دارند و غفلت، آنها را از بزرگداشت تو جدا نمی‌سازد. آنان که چشم به زمین دوخته و سر به زیر انداخته و هرگز طالب نظر به سوی تو نیستند و تمام شوق به نعمت‌های تو دارند و همواره در کنار عظمت و جلال کبریایی تو خود را حفیر و خوار می‌شمارند.

(۵) و نیز بر آن دسته از فرشتگان درود فرست که در آن هنگام که به جهنم می‌نگردند و آن را افروخته بر اهل معصیت می‌بینند، تو را تسبیح نموده و می‌گویند: «ما تو را آن چنان که سزاوار تو است عبادت نکرده‌ایم» پس بر همه آنان و تمامی مجردات و روحانیون از ملانکه و اهل رحمت و پیام آوران غیب که بر پیامبران نازل می‌شوند و امین وحی تو می‌باشند، رحمت و درود خود را نازل فرماء!

(۶) و نیز بر آن دسته از ملانکه که فقط در محضر خاص تو هستند و آنان را به سبب تقدیس خود، از نوشیدنی و خوردنی بی‌نیاز کرده‌ای و آنها را در باطن آسمان‌ها جاده‌ای درود فرست و نیز بر آن دسته از فرشتگان که در اطراف آسمان گستردۀ هستند و متظر امر و وعده تو می‌باشند، درود فرست که آنان خزانه‌داران باران و محرك ابرها برای بارندگی هستند.

(۷) و درود فرست بر آن فرشته‌ای که با صدای فراخوانی ابرها، صدای مهیب ابرها را به شنوندگان می‌رسانند و آن گاه که ابرها در فضا شناگرند، شعله‌های برق می‌درخشند و نیز بر آن دسته از فرشتگانی که همراه برف، تگرگ و قطره‌های باران نازل می‌شوند و همین طور بر متولیان خزانین بادها و مأموران نگاه داری کوه‌ها از ریزش، درود فرست.

(۸) خدایا، بر آن دسته از ملانکه که وزن آب‌ها و مقدار قطرات درشت و متراکم باران‌ها را به آنها آموخته‌ای درود فرست و نیز به آن دسته از فرشتگانی که آنان را برای نزول بلا یا اهدای آرامش و رحمت به سوی زمین گشیل می‌داری، درود فرست.

(٩) وَ السَّفَرَةُ الْكَرَامُ الْبَرَّةُ، وَ الْخَفَظَةُ الْكَرَامُ الْبَاتِئُونَ، وَ مَلِكُ الْمَوْتَ وَ أَغْوَانِيهِ، وَ مُنْكِرُ وَ نَكِيرٍ، وَ رُومَانٌ "فَتَانٌ" الْقُبُورِ، وَ الطَّائِفَيْنِ بِالْبَيْتِ الْعَمُورِ، وَ مَالِكِ، وَ الْخَزَّةِ، وَ رِضْوَانَ، وَ سَدَّةَ "الْجِنَانِ".

(١٠) وَ الَّذِينَ (لا يَغْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يَبْأُمُرُونَ)، وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَبِعِمْ غُفْنِي الْأَذَارِ)، وَ الزَّبَانِيَةُ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ: (خُذُوهُ فَقْلُوهُ \* ثُمَّ الْجَحِيمُ صَلُوهُ) ابْتَدَرُوهُ "سِرَاعاً، وَ لَمْ يُنْظِرُوهُ".

(١١) وَ مَنْ أَوْهَنَنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَغْلُمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَ بِإِيْمَنِ وَ كَلْتَهُ، وَ سُكَانِ الْفَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ وَ مَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ، فَصَلَّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعْقَدًا سَابِقٌ وَ شَهِيدٌ).

(١٢) وَ صَلَّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَرِيدُهُمْ كَرَامَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَى طَهَارَتِهِمْ. اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ وَ بَلَغْتُهُمْ صَلَاتَنَا عَلَيْهِمْ، فَصَلَّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ؛ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

(۹) خدایا، بر آن دسته از فرستادگان که دارای کرامت و نیکی بوده و نیز نویسنده‌گان گرامی که هرگز اشتباه نمی‌کنند و ملک الموت و دستیاران او و دو فرشته سوال‌کننده در قبر و فرشته‌ای به نام «رومأن» که قبور را می‌شکافد و آنان که در بیت‌المعمور طوف می‌کنند و آنان که مالک دوزخ و خازن‌های جهنم و فرشته «رضوان» و خدمت‌گزاران در بهشت هستند، درود فرست.

(۱۰) و نیز درود فرست بر آن دسته از فرشتگان که هرگز فرمان تو را معصیت نکرده و آن‌جه رادستور می‌دهی، به جای می‌آورند و نیز بر آن دسته از فرشتگان که بر واردشوندگان به بهشت سلام و تهنيت می‌گویند که این سرای جاودانه، جالب و دلنشين است و بر ملانکه جهنم که هرگاه به آنها گفته شود، تبهکاران را بگيريد و آنان را به زنجير بکشيد و به سوی جهنم بيريد، به سرعت عمل نموده و به جهنهيان مهلت نمی‌دهند.

(۱۱) و درود بر آن دسته از فرشتگان که نام آنان را نياورده و موقعیت آنان را نمی‌شناسیم که به چه چیز مأمور هستند و سلام بر ساکنان فضا، زمین، آب‌ها و آنان که بر خلائق مسلطانند. پس درود فرست بر آنان، در آن دم که همگان به سوی قیامت می‌آیند در حالی که با هر کس دو مأمور از پس و پیش همراه خواهد بود.

(۱۲) و درود فرست بر تمامی فرشتگان، آن چنان درودی که بر کرامت و طهارت آنان بیفزاید و هرگاه که صلوات خود را بفرشتگان و فرستادگان نثار فرمودی و درودهارا بر آنان ابلاغ نمودی به سبب گشایش زبان مابه ذکر ایشان، بر مانیز تحیت و تهنيت خود را روا دار، که تو جواد و کریم هست.

## واژه‌ها

دهند.  
۱. لایفنرون: خسته نشوند.

۱۹. الستم: می درخشد.  
۲. لاپشمون: ناراحت نشوند، ملال نیابند.

۲۰. صواعق البروق: آتش از پیدایش برق‌ها.  
۳. لاپتسرورون: به زحمت نیفتند.

۲۱. لایزکرن: انتخاب نکنند.  
۴. مشنیع: تشییع کنند.

۲۲. هاپط: فرو آمدہ.  
۵. الوله: شرق.

۲۳. قط: جمع قطره.  
۶. رهان: گروگان‌ها.

۲۴. القام: مأموران.  
۷. دنوب: کوشش.

۲۵. ماقلیل: وزن‌ها.  
۸. اعیاء: خسته شدن.

۲۶. لغوب: ملال.  
۹. لوعج: شدیدها.

۲۷. عوالج: متراکم‌ها.  
۱۰. فتور: سستی.

۲۸. الزخا: وسعت در زندگی.  
۱۱. پریمون: طلب کنند.

۲۹. رومان: نام ملک.  
۱۲. التراکس الاذفان: سرانگشتگان.

۳۰. فنان: تمیز دهنده قبرها.  
۱۳. مستهرورون: حریص‌ها.

۳۱. سدنه: خدمت‌گزاران.  
۱۴. تزفر: شعله‌ها کشش یابد.

۳۲. استدرود: به سرعت به سوی او  
می شتابند.  
۱۵. الزلفة: اهل قرب و اطاعت.

۳۳. لمینظورو: مهلت‌ش ندهند.  
۱۶. زواجر: برانگیزندگان.

۳۴. الساق: سوق دهنده به سوی آخرت.  
۱۷. زجل الرعد: صدای کوناگون ابرها.

۱۸. سیحت السحاب: ابرها صدای آرامی سر



## الصَّلَاةُ عَلَى مُصَدِّقِي الرُّسُلِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَثْبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَدِّقِيهِمْ:

(١) اللَّهُمَّ وَأَثْبَاعُ الرَّسُولِ وَمُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْأَقْبَابِ عِنْدَ مُعَازِصَةِ الْمُعَايِدِينَ لَهُمْ بِالْتَّكْذِيبِ وَالْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ يُحْقَاتِقُ الْإِيمَانَ فِي كُلِّ دُهْرٍ وَ زَمَانٍ أَرْسَلْتَ فِيهِ رَسُولاً وَ أَقْنَتَ لِأَهْلِهِ ذَلِيلًا، مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مِنْ أَئِمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادِهِ أَهْلِ التَّقْوَى - عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ - فاذْكُرُوهُمْ مِنْكَ بِغَفَرَةٍ وَ رِضْوَانٍ.

(٢) اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُعَتَدِّ خَاصَّةَ الَّذِينَ أَخْسَسُوا الصَّحَابَةَ وَ الَّذِينَ أَبْلَوُا الْبَلَاءَ الْخَسَنَ فِي نَضْرِهِ، وَ كَانُوا حُرْمَةً، وَ أَشْرَعُوا إِلَى وِفَادَيْهِ، وَ سَابَقُوا إِلَى دَعْوَيْهِ، وَ اسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَشْتَهَرُوهُمْ حُجَّةً رِسَالَاتِهِ، وَ فَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتَلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنَاءَ فِي تَشْبِيهِ نُبُوَّتِهِ، وَ انْتَصَرُوا بِهِ.

## دعای چهارم

### دعا برای پیروان انبیای الهی

(۱) خدایا، به آمرزش و خشنودی یاد فرما از پیروان راستین انبیا، آنان که تمامی دعوت‌ها و فرمان‌های پیامبران را تصدیق نموده و بدان عمل کرده و به غیب ایمان آوردن و آن گاه که ملحدان و کافران به عناد و لجاج با پیامبران برخاستند و پیوسته در تکذیب آنان کوشیدند، اینان هرگز صحنه را خالی نکرده و گرداگرد آنان را گرفتند و با ایمان حقیقی به آنان عشق ورزیدند. خدایا، تو از زمان حضرت آدم تا عصر پیامبر اسلام، در هر برهه‌ای از زمان، رسولی را فرستادی که همگی پیشوایان هدایت و تقدیر اسلام که درود توبر همه آنان باد. پس همه آنان را مشمول مغفرت و رضوان خود بفرما!

(۲) خداوندا، به ویژه بر اصحاب پیامبر اسلام ﷺ، آنان که به بهترین وجه یار و پیار پیامبر اکرم ﷺ بودند و در یاری او از هیچ کوششی دریغ نکردن و در امتحان‌های سخت به بهترین وجه موفق شدند و آن گاه که پیامبر اکرم ﷺ به آنان روی آورد، به سوی او شفافه و دعوت او را پذیرفتند و آن گاه که نشانه‌های رسالت خود را به آنان ارائه نمود، به نبوت او اقرار کردند و برای پیشرفت رسالت او از خاندان و خانمان خود جدا شدند و در راه تثبیت رسالت او با پدران و فرزندان کافر خود جنگیدند و او را یاری کردند.

(٣) وَمَنْ كَانُوا مُسْطَوِينَ<sup>١</sup> عَلَى مَحْبَبِيهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ<sup>٢</sup>  
فِي مَوَدَّتِهِ، وَالَّذِينَ هَجَرُوكُمُ الْعَشَائِرُ إِذْ شَعَقُوكُم بِغُزوَتِهِ<sup>٣</sup>، وَانْفَثَتْ  
مِنْهُمُ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوكُم فِي ظُلُلِ قَرَابِتِهِ، فَلَا تَنْسِ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوكُمْ لَكَ وَ  
فِيكَ، وَأَزْدِيهِم مِّنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَشُوا الْخَلْقَ<sup>٤</sup> عَلَيْنَاكَ، وَكَانُوا مَعَ  
رَسُولِكَ دُعَاءً لَّكَ إِلَيْنَاكَ، وَاشْكُرُوكُمْ عَلَى فَخْرِهِمْ<sup>٥</sup> فِيكَ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَ  
خُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمُعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ، وَمَنْ كَنَّتْ فِي إِغْرَازِ دِينِكَ مِنْ  
مَظْلُومِهِمْ.

(٤) اللَّهُمَّ وَأُوصِلُ إِلَى التَّائِبِينَ لَهُمْ بِإِخْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: (وَبَنَا أَغْفَلْنَا  
لَنَا وَإِلْحَوَانَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ) خَيْرُ جَرَائِكَ، الَّذِينَ قَصَدُوا سَنَنَهُمْ<sup>٦</sup>،  
وَتَحْرَرُوا<sup>٧</sup> وِجْهَهُمْ، وَمَضَوا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ "لَمْ يَشْنَهُمْ" رَبِّ فِي بَصِيرَتِهِمْ،  
وَلَمْ يَخْتَلِجُهُمْ "شَكٌ فِي قَفْوٍ"<sup>٨</sup> آثَارِهِمْ، وَالْأَيْتَمَامُ<sup>٩</sup> بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ،  
مُكَانِيفِينَ<sup>١٠</sup> وَمُوازِيرِينَ<sup>١١</sup> لَهُمْ، يَدِيُّونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهِدِيِّهِمْ، يَتَقَوَّنُونَ  
عَلَيْهِمْ، وَلَا يَتَهَمُّونَهُمْ فِيمَا أَدْوَا إِلَيْهِمْ.

(٥) اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى التَّائِبِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَعَلَى  
أَزْوَاجِهِمْ، وَعَلَى ذُرَيَّاتِهِمْ، وَعَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ، صَلَةٌ تَغْصِمُهُمْ بِهَا مِنْ  
مَغْصِيَتِكَ، وَتَفْسُحٌ<sup>١٢</sup> لَهُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّتِكَ، وَتَنْتَهِيَّهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ،  
وَتُعِينُهُمْ بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ يَرِيَّ، وَتَقِيمُهُمْ طَوَارِقَ<sup>١٣</sup> الْلَّيلِ وَالنَّهَارِ  
إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، وَتَبَعِّهُمْ بِهَا عَلَى اغْتِيَادِ حُسْنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَالظَّمِيعِ  
فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَزِكِ الْتُّهْمَةَ فِيمَا تَغْوِيَهُ أَنْدِيَ الْعِبَادِ.

(۳) خدایا، آن دسته از اصحاب پیامبر ﷺ را که به دوستی آن بزرگوار دل بسته بودند و به سبب دوستی پیامبر اکرم ﷺ در جان آنان امید به تجارتنی بود که هرگز ضرر پذیر نبود، زیرا چنان به پیامبر اکرم گرویدند که در سایه قرابت و خویشاوندی با او هر گونه علاقه خویشاوندی دیگری را بریدند. خدایا، آن چه آنان به خاطر تو و در راه تو از آن گذشتند، از نظر دور مدار و آنان را بارضای خود خشنود گردان، زیرا آنان از خلق بریدند و به تو گرویدند و همراه با پیامبر تو خلق را به سوی تو خواندند و به خاطر مهاجرت از دیارشان و به جهت ظلم زیادی که در راه تو تحمل کردند، شکرانه خود را نصیبیشان گردان.

(۴) خداوندا، بهترین پاداش خود را بر پیروان صحابه نازل بفرما که پیوسته در حق گذشتگان یاد خیر داشته و دعایمی کردند و می گفتند: «خدایا، ما و برادران ایمانی مارا که بر ما پیشی گرفته‌اند، مشمول رحمت و مغفرت خود قرار ده». هم آنان که در راه صحابه قدم گذاشته و از سیره حسنی آنان پیروی کردند و آن چه را که آنان انتخاب کرده بودند، انتخاب نمودند و مانند ایشان رفتار کردند و هیچ گاه در بصیرت و بینای آنان شک نداشته و در پیروی و اقتدا به آثار آنها تردیدی به خود راه ندادند، با آنان هم آهنگ و مساعد بوده و به دین آنان معتقد و هم چنان در راه مستقیم آنان حرکت نموده و شک در صدق و درستی آنان نداشتند.

(۵) خداوندگار، درود فرست بر تابعین در این زمان و آنان که تاروز قیامت خواهند آمد و بر همسران و فرزندان آنان و بر همه پیروان آنها، آن چنان درودی که آنها را از گناه باز دارد و باغستان‌های بهشت را برای آنان فراخ گرداند و آنان را از کید شیطان باز داشته و در آن چه از توکمک خواسته‌اند، در انجام نیکی‌ها مدد و کمک کار آنان باشد و آنها را از پی‌آمدی‌های ناگوار شب و روز نگاه دارد و آنها را به حسن اعتقاد و طمع بر عطایای تو و بدین نبودن به آن چه در دست مردم است، وادرد.

(٦) لِتُرْدَهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ "إِنَّكَ، وَتُزَهَّدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ،  
وَتُعَجِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلُ لِلأَجْلِ" ، وَالْأَسْتِغْدَادُ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَتُهَوَّنَ "عَلَيْهِمْ  
كُلَّ كَوْبٍ يَحْلُّ بِهِمْ يَوْمٌ خُرُوجُ الْأَنْفُسِ مِنْ أَنْدَانِهَا، وَتُعَافِيَهُمْ مِمَّا تَسْعَ بِهِ  
الْفِتْنَةُ" ، مِنْ مَخْذُورِ اِتَّهَا، وَكَيْتَةٍ "الثَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا، وَتُصَيِّرُهُمْ إِلَى  
أَثْنَيْنِ مِنْ مَقْبِلِ الْمُتَّقِيْنَ.

(۶) خدایا، درودی بر آنان فرست که آنها را به خوف و رجای از تو موفق گرداند و به دنیای زودگذر بی رغبت و به گسترش آن با پارسایی بی اعتنا باشند و در عمل و رغبت به آخرت شوق زیاد پیدا کنند و برای زندگی بعد از مرگ آماده باشند و تمام گرفتاری های لحظه خروج از دنیا را بر آنان آسان گردانی و از آزمایش های سنگین و پیامدهای آن معاف فرمایی و نیز از فرو افتادن در آتش جهنم و خلود در آن، رهایشان نمایی و آنان را به جایگاه امن تقوایشگان منتقل فرمایی.

---

### واژه ها

- ۱۴. لم یخليع: در آنان شک و تردید راه .قاده: رهبران.
- ۱۵. قفو: تعیت. ۲. ابلوا الباء الحسن: امتحان های سنگین را نیافت.
- ۱۶. ایسام: اقتدا. ۳. کانفرو: یاری کردن.
- ۱۷. مکاف: یار. ۴. وفاده: نازل و وارد شدن.
- ۱۸. موازز: تقویت کننده. ۵. منطرين: در دل داشتند.
- ۱۹. تفع: گشایش دهنی. ۶. لن تبور: بدون خسaran است.
- ۲۰. طوارق: حوادث ناگوار. ۷. عروة: دست گیره.
- ۲۱. الرهه: خوف. ۸. حاشوا الخلق: ترغیب کردن مردم را.
- ۲۲. الاجل: آخرت. ۹. هجر: ترك.
- ۲۳. تهون: آسان کنی. ۱۰. سمت: مقصد راه.
- ۲۴. قته: امتحان. ۱۱. تعرزو: طلب کردن.
- ۲۵. کئنه: شدت. ۱۲. شاکلتمهم: نیت و طریقه آنان.
- ۱۳. لم یشتم: اضطراب نیافتند.

## دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصِّتِهِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِنَفْسِهِ وَلِأَهْلِ وَلَا يَبْرِئُ:

- (١) يَا مَنْ لَا تَنْتَصِي عَجَابُ عَظَمَتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْبَرْنَا عَنِ الْأَلْعَادِ فِي عَظَمَتِكَ، وَيَا مَنْ لَا تَنْتَهِي مُدَّةُ مُلْكِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَغْتَقْنَا رِقَابَنَا مِنْ تَقْرِبِكَ، وَيَا مَنْ لَا تَنْفَنِي حَزَارَيْنَ رَحْمَتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ.
- (٢) وَيَا مَنْ تَنْقِطُعُ دُونَ رُؤُوبِتِهِ الْأَبْصَارُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَذْنَنَا إِلَيْنِكَ، وَيَا مَنْ تَضْفُرُ عِنْدَ خَطْرِهِ الْأَخْطَارُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَوْثَنَا عَلَيْكَ، وَيَا مَنْ تَظْهَرُ عِنْدَ بُوَاطِنِ الْأَخْبَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَنْصَخْنَا لَدَنِيكَ.
- (٣) أَللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنِ هِبَةِ الْوَهَابِينَ بِهِبَتِكَ، وَاكْفِنَا وَخَشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصِلَاتِكَ حَتَّى لَا تَرْعَبَ إِلَيْنِي أَحَدٌ مَعَ بَذْلِكَ، وَلَا تَسْتَوِجَّشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.
- (٤) أَللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكِدْلَنَا وَلَا تَكِدْ عَلَيْنَا، وَانْكُزْلَنَا وَلَا تَنْكُزْنَا، وَأَدْلَنَا وَلَا تُدْلِنَنَا. أَللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنَا

## دعای پنجم

### دعا برای خود و دوستان

(۱) ای خدایی که شگفتی‌های خلقت تو بیان ندارد، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مارا از انکار عظمت خود باز دار و ای آن که سلطنت و قدرت تو بی‌پایان است. بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مارا از آتش جهنم آزاد گردان و ای خدایی که خرابین تو فنا نمی‌پذیرد بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و نصیبی از رحمت خود بر مارازانی دار.

(۲) ای خدایی که چشم از دیدن تو باز می‌ماند، بر محمد و آل او درود فرست و مارا به قرب و رحمت خود نزدیک فرما و ای خدایی که هر بزرگی در کنار قدرت تو کوچک است، بر محمد و آل او درود فرست و مارادر نزد خود گرامی بدار و ای کسی که خبرهای پوشیده بر تو آشکار است، بر محمد و آل محمد درود فرست و هرگز ما را در نزد خود رسوا مگردان.

(۳) خدایا، مارا از بخشش بخشنده‌گان بی‌نیاز گردان و از ترس و بیم آنان که از ما بریده‌اند، نگاه دار به گونه‌ای که بعد از تو، به هیچ فردی رغبت نورزیم و با وجود فضل تو از هیچ کس هراس به دل راه ندهیم.

(۴) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و به سود ماتدبیر فرمانه به زیان ما و مکر خود رانه بر ما، بلکه بر دشمنان ما قرار بده و مارا پیروز گردان و آنان را بر ما پیروز مگردان، نیز بر محمد و آل او درود فرست و مارا از خشم خود نگاه دار

مِنْكَ<sup>١١</sup>، وَاحْفَظْنَا بِكَ، وَاهْدِنَا إِلَيْكَ، وَلَا تُبَعِّذْنَا عَنْكَ؛ إِنَّ مَنْ تَغْهِيْ<sup>١٢</sup> يَشْلُمُ، وَمَنْ تَهْدِيْ يَعْلَمُ، وَمَنْ تُقْرَئِنَّا إِلَيْكَ يَعْتَمِ.

(٥) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاکْفُنَا حَدَّ نَوَابِ<sup>١٣</sup> الزَّمَانِ، وَشَرِّ  
مَصَايِدِ<sup>١٤</sup> الشَّيْطَانِ، وَمَرَازَةَ صَوَّلَةِ<sup>١٥</sup> السُّلْطَانِ.

(٦) اللَّهُمَّ إِنَّا يَكْتُنُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ، فَصُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاکْفُنَا، وَإِنَّمَا يُعْطِي الْمُغْنَطُونَ مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ، فَصُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَغْنِنَا، وَإِنَّمَا يَهْتَدِي الْمُهَنَّدُونَ بِتُورِ وَجْهِكَ، فَصُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاهْدِنَا.

(٧) اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنْ وَالَّيْتَ لَمْ يَضُرْزْهُ خَذْلَانُ الْخَاذِلِينَ، وَمَنْ أَغْطَيْتَ  
لَمْ يَنْقُضْهُ مَثْعُ الْمَايِعِينَ، وَمَنْ هَدَيْتَ لَمْ يَغُوْرِ<sup>١٦</sup> إِضْلَالُ الْمُضَلِّلِينَ؛ فَصُلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَنَنَا بِعِزْكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَغْنَنَا عَنْ غَيْرِكَ بِإِيمَانِكَ<sup>١٧</sup>، وَانْسُكْ  
بِنَا سَبِيلَ الْحَقِّ بِإِيمَانِ شَادِيكَ.

(٨) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ،  
وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا<sup>١٨</sup> فِي شُكْرِ يَغْمَتِكَ، وَانْطِلاقَ الْسَّيْتَنَا فِي وَضْبِيْتِكَ. اللَّهُمَّ  
صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ دُعَائِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ، وَهُدَاءِكَ الدَّالِّينَ  
عَلَيْكَ، وَمِنْ خَاصِّيَّكَ الْخَاصِّينَ لَدَيْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مارا محفوظ بدار و به سوی خود راهنمایی فرما و از خود دور مگردان، زیرا هر کس را که تو حافظتی، سالم است و هر که راهدایت کنی آگاه است و هر کس را که به خود نزدیک فرمایی، به غنیمت تمام می‌رسد.

(۵) خداوندا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مارا از شداید و گرفتاری‌های زمانه و دام‌های زشت و بید شیطان و تلخی غصب و ظلم آن که بر انسان‌ها چبره است، نگاه دار.

(۶) خدایا، آنان که در حد بینیازی از همه چیز قرار دارند، در پناه کفایت تو به سر می‌برند، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مارا هم کفایت بفرما و هر کس که دست بخشنده دارد به فضل جود تو است؛ پس بر محمد و آل او درود فرست و به ما هم عطا بفرما و هر کسی که به راه راست راه یافته به نور وجه تو بود، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مارا به هدایت خود در صراط مستقیم قرار ده.

(۷) خدایا، هر که را که تو سرپرستی کنی، از خذلان دیگران در اسان است و آن کس را که تو اعطای کنی، اگر همه خبر خود را باز دارند، منقصتی برای او پیش نمی‌آید و هر کس را تو هدایت کنی، افضلالگمراه کنندگان او را گمراه نخواهد کرد. پس تو بر محمد و آل او درود فرست و به عزّت و جلال خود مارا از شر بندگان محفوظ بدار و باعطای خود مارا بینیاز گردان و به راهنمایی و ارشاد خود مارا در سبیل حق و هدایت قرار ده.

(۸) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و سلامت قلوب ما را در یاد کرد عظمت خود قرار ده و راحتی جسم و تن ما را در شکر نعمت خود تضمین فرما و بازگویی زبان ما را در وصف منت‌های خود قرار ده و بر محمد و آل او درود فرست و مارا از کسانی قرار ده که خلق را به سوی تو می‌خوانند و هدایت می‌کنند و مارا از خاصان در گاهت قرار ده، ای مهریان ترین مهریانان.

## واژه‌ها:

۱. العاد: روی‌گردانی از حق.

۲. ادنا: مارانزدیک کن.

۳. خطر: منزلت.

۴. اخطار: جمع خطر، منزلت‌ها.

۵. کذلنا: به نفع ما دشمنان مارا به کید خود

۶. و لا تکد علينا: کیدت را متوجه ما نکن.

۷. و انکر لنا: به نفع ما مکر خود را به

۸. ولا تذكر بنا: مکر را متوجه به ما نفرما.

۹. وأدل لنا: مارا به پنهانی‌های دشمن آگاه

۱۰. ولا تدل منا: دشمن را به اسرار ما آگاه نکن.

۱۱. و قنا منك: ما را به حفظ خود مصون بدار.

۱۲. من تقد: کسی که تو او رانگه داری.

۱۳. نواب: مصائب.

۱۴. مصاد: دام‌ها.

۱۵. قوله: قدرت.

۱۶. لم يغوه: به ضلالت نیفکند.

۱۷. ارفاد: کمک و اعطای.

۱۸. فراغ ابданنا: آمادگی بندھایمان.



## دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ:

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَقُوَّتُهُ، وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا يُقْدِرُتُهُ، وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حَدًّا مُخْدُودًا، وَأَمَدَّا مُخْدُودًا، يُولَّعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولَّعُ صَاحِبُهُ فِيهِ بِتَقْدِيرِ مِنْهُ لِلْعِبَادِ فِيمَا يَغْذُو هُنَّ يَهُ، وَيُشَتَّمُهُمْ عَلَيْهِ، فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيُشَكُّوَا فِيهِ مِنْ حَرَّ كَاتِ التَّعْبِ وَنَهَضَاتِ التَّصْبِ، وَجَعَلَهُ لِيَاسًا لِيُلَبِّسُوا مِنْ رَاحِتِهِ وَمَنَامِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ لَهُمْ جَمَامًا وَفُؤَةً، وَلِيَسْأَلُوا يَهُ لَدَّهُ وَشَهْوَةً.

(٢) وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ مُبِيرًا لِيُشَتَّمُوا فِيهِ مِنْ قَضِيلِهِ، وَلِيَسْبِبُوا إِلَى رِزْقِهِ، وَيَشَرُّخُوا فِي أَرْضِهِ، طَلَبًا لِمَا فِيهِ تَنِيلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَا هُنَّ، وَدَرْكُ الْأَجْلِ فِي أُخْرَا هُنَّ.

(٣) بِكُلِّ ذَلِكَ يُضْلِعُ شَانُهُمْ، وَيَتَلُّ أَخْبَارَهُمْ، وَيَنْظُرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ، وَمَتَازِلِ فُرُوضِهِ<sup>١</sup>، وَمَوَاقِعِ أَخْكَابِهِ، (الْيَنْجِزِيُّ الَّذِينَ أَسْأَوْا بِمَا عَمِلُوا وَيَنْجِزِيُّ الَّذِينَ أَخْسَنُوا بِالْخُسْنَى).

## دعای ششم

### دعا هنگام صبح و شام

(۱) ستایش خدایی را که به قدرت خود شب و روز را آفرید و هر یک را از دیگری ممتاز ساخت و برای هر یک حدّ خاصی را معلوم ساخت و مدت معینی را تعیین فرمود؛ در فصول مختلف، مدتی از روز را باشب جایه جامی کند [در زمستان از روز می‌کاهد و به شب اضافه می‌کند و در تابستان از شب کاسته و به روز می‌افزاید] و این خود نقدیری الهی است که در تغذیه مناسب و پرورش بندگان ضروری است. بدین ترتیب، شب را آفرید تاز حرکات رنج آمیز و خستگی اور روز آرامش یابند و هم چون پوشش آرام بخشی است که به راحتی می‌خوابند و موجب رفع خستگی و بازیافت قدرت از دست رفته است و نیز بدین وسیله به لذت‌ها و خواسته‌های خود می‌رسند.

(۲) روز را برای ایشان روشن آفرید تاز روشنایی آن استفاده کنند و در زمین گردش نموده و در جست و جوی فضل و احسان خدا برآیند و در تأمین دنیا و آخرت خود بکوشند.

(۳) خدارند متعال با این تدبیر (آفرینش شب و روز و فصول چهارگانه و کوتاه و بلندشدن روزها و شبها و آسایش شب و فعالیت روز) زندگی مردم را سامان می‌دهد و رفتار و کردار آنان را می‌آزماید تا معلوم شود که اینان در اوقاتی که طاعت الهی واجب است و مواردی که می‌بایست به تکالیف عمل کنند و امثال امر نمایند و در مورد احکام الهی که باید اهمیت به آنها دهند، چگونه عمل می‌نمایند. بنابراین، تمامی این اعمال زیر نظر دقیق خداوند است تا نیکرکاران را به پاداش و بدکاران را به کفر رساند.

(٤) اللهم فلك الحمد على ما فلقت " لنا من الإضباج، و متعتنا " به من ضوء النهار، وبصرنا من مطالب الأقوات، و قيتنا فيه من طوارق الآفات.

(٥) أضبخنا وأضبخت الأشياء كلها بعثتها لك: ساوها وأرضها، وما بثت في كل ذا جد منها، ساكيه و متعجز كنه، و مقيمه و شاهضة، وما علا في الهواء، و ما كنْ تبغث الترى " .

(٦) أضبخنا في قبضتك، يغويينا " ملوكك و سلطانك، و تضمنا " مسيئك، و تصرف عن أمرك، و تقلّب " في تذيرك، ليس لنا من الأمر إلا ما قضيت، و لا من الخير إلا ما أغنطيت.

(٧) وهذا يوم حادث جديد، و هو علينا شاهد عتيد "، إن أحسنا و دعنا " بخفي، و إن أسلنا فارقا بدء .

(٨) اللهم صل على متحدين و آليه، و ارزقنا حسن مصاحبه، و اغضنا من شوء مغارقه بارتكاب جريمة، أو افتراف " صغيره أو كبيرة .

(٩) و أجزل لنا فيه من الحسنات، و أخينا فيه من السينات، و املأ لنا ما بين طرفين حندأ و شكرأ و أجرأ و ذخرأ " و فضلا و إحسانا .

(١٠) اللهم يسز على الكرام الكاتبين متوننا "، و املأ لنا من حسناتنا صحائفنا، و لا تخزنا " عندهم شوء أعمالنا .

(١١) اللهم اجعل لنا في كل ساعة من ساعاته حظا من عبادك، و تصيبنا من شكرك، و شاهد صدق من ملائكتك .

(۴) خدایا، پس سپاس فقط تو را که باشکافتن و شکستن تاریکی‌ها، صبح را به ما مرحمت فرمودی و ماراز نعمت روشنایی روز بهره‌مند ساختی و به ما آگاهی دادی که چگونه و از کجا به روزی دست یابیم و در تهیه مایحتاج زندگی ماراز آفت‌ها، حوادث و بلاها حفظ کردي.

(۵) هستی ما و همه کائنات چه آسمان و چه زمین و آن چه در آسمان‌ها آفریدی و آن چه در زمین خلق کردی و آن چه ساکن و پا بر جاست و آن چه نازارم و پیوسته در دیگرگونی است و آن چه در گوشاهای مقیم و یا از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر حرکت می‌کند و آن چه در بلندی هوا و فضا جا دارد و یا در خاک و گل این عالم مدفن است. همه و همه از تو است.

(۶) خدایا، خویش را در قبضة اقتدار و سلطه تو یافته‌ایم و مشیت تو همواره بر ما سلط است و هر جنبش و جوششی که از مانشأت می‌یابد، از امر توست و هرگونه حرکت و سکونی به حکم تو و هر خیر و نعمتی از توست.

(۷) خدایا، امروز، روز نو و جدید است که گواه بر اعمال و کردار ماست، اگر نیکوکردار باشیم، با سپاس باما وداع می‌کند و اگر به زشتی و ناهنجاری و بدی رفتار مبتلا شویم، بانکوهیں تمام از ما جدا می‌شود.

(۸) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و همراهی نیک با این روز را نصیب ما فرما و ماراز جدایی پلید از آن، که در اثر ارنکاب گناه و گرفتار شدن در گناهان صغیره یا کبیره پیدا می‌شود، محفوظ بدار.

(۹) در این روز حسنات بزرگ را نصیب ما بفرما و ماراز گناهان دور بدار و سراسر این روز را به ستایش، شکر، اجر، پاداش، فضیلت و کرامت به پایان برسان.

(۱۰) خدایا، تحمل، زحمت و رنج ما را برا کاتبان اعمال آسان گردان و نامه اعمال ماراز نیکی‌ها آکنده بدار و مارا به واسطه اعمال زشت در نزد آنان رسوا مگردان.

(۱۱) خدایا، در هر ساعتی از ساعت‌های شبانه روز، بهره‌ای از بندگان و نصیبی

(١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْفُظْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْقِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِنَا، حَفْظًا عَاصِمًا مِنْ مَغْصِبَتِكَ، هادِيًّا إِلَيْ طَاعَتِكَ، مُسْتَغْلِلًا لِمَحِبَّتِكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَفُقِّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيَاتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لَا شِعْمَالَ لِخَيْرٍ، وَهِجْرَانٍ<sup>١</sup> الشَّرِّ، وَشُكُّ الرَّعْمِ، وَاتِّبَاعِ السُّنْنِ، وَمَجَاهِيَّةِ الْبَيْعِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجِيَاطِيَّةِ<sup>٢</sup> الْإِسْلَامِ، وَانْتِقاَصِ<sup>٣</sup> الْبَاطِلِ وَإِذْلِيلِهِ، وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِغْزَارِ<sup>٤</sup>هُوَ، وَإِرْشَادِ الْضَّالِّ، وَمَعاَونَةِ الْضَّعِيفِ، وَإِذْرَاكِ الْلَّهِيَّفِ.<sup>٥</sup>

(١٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْفَلْنَا أَيْمَنَنَا يَوْمَ عَهْدَنَا<sup>٦</sup>، وَأَفْضَلَ صَاحِبِ صَحْبَنَا، وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا<sup>٧</sup> فِيهِ.

(١٥) وَاجْخَلْنَا مِنْ أَرْضِنَا مِنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمِلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكَرْهُمْ لِمَا أُولَئِنَّ<sup>٨</sup> مِنْ نِعَمِكَ، وَأَفْوَهُمْ<sup>٩</sup> بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ، وَأَوْفَقُهُمْ<sup>١٠</sup> عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ.

(١٦) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا، وَأَشْهُدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ وَمِنْ أَنْكَثْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَايِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعِتِي هَذِهِ وَلَيَاتِي هَذِهِ وَمُشْتَقَّرِي هَذَا، أَنِّي أَشْهُدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَاتِلُ<sup>١١</sup> الْقِسْطِ<sup>١٢</sup>، عَذْلُ<sup>١٣</sup> فِي الْحُكْمِ، رَؤُوفٌ<sup>١٤</sup> بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْعَالَمِ، رَحِيمٌ بِالْعَالَمِ.

(١٧) وَأَنَّ مُحَمَّدًا أَبْنَدُكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ، حَمَلْتَهُ<sup>١٥</sup> رسالتَكَ

از سپاست و گواه راستی از فرشتگانست به ما عطا بفرما.

(۱۲) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از معاصی و دام‌هایی که شیطان از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و چپ و از همه جوانب گسترانیده حفظ فرما و نیز محفوظمان بدار تابتوانیم به طرف اطاعت تو روی آوریم و در محبت به تو موفق باشیم.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را موفق بدار در این شب و روز، بلکه در تمامی ایام زندگی، در پی به دست آوردن خیر و دور بودن از شر و سپاس از نعمت‌های پیروی از سنت الهی و دوری از بدعت‌ها و امر به معروف و نهی از منکر و حفظ اسلام و شکنن و از بین بردن باطل و باری و بزرگداشت حق و ارشاد گمراهان و کمک به درمانگان و رسیدگی به ستم دیدگان باشیم.

(۱۴) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و امروز ما را بهترین و مبارک‌ترین روزی قرار ده که تاکنون دیده‌ایم و بهترین یاری که تاکنون بالو مصاحب است داشته‌ایم و بهترین روزی که آن را به شب رسانیده‌ایم.

(۱۵) خدایا، مرا از راضی‌ترین و مرضی‌ترین آفریده‌های خود که شب و روز بز آنان گذشته است، قرار بده و از سپاس گزارترین ایشان در حق نعمت‌هایی که عطا کردۀ‌ای و از پایدارترین کسان درباره فرمان‌هایت و از خوددارترین کسان نسبت به آن چه نهی فرموده‌ای، قرار ده.

(۱۶) خدایا، تو را گواه می‌گیرم و تو بر این گواهی کافی هستی و نیز آسمان و زمین تو و ساکنان آن دو و سایر آفریده‌های تو را در همین امروز و امشب و همین ساعت‌ها و همین مکان شاهد می‌گیرم که من شهادت می‌دهم که تو بیگانه‌ای و جز تو خدای دیگری نیست و قائم به عدل و عادل در حکم و مهربان به بندگانی و مالک و مسلط بر آنها هستی و بر خلق خود رحیمی.

(۱۷) خدایا، تو را گواه می‌گیرم که پیامبر اسلام بهترین بنده و فرستاده و

فَلَادَاهَا، وَأَمْزَنَهَا بِالنُّضُحِ لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَّ لَهَا.

(١٨) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَكْثُرْ مَا صَلَيْتَ عَلَى أَخِدِّ مِنْ خُلُقِكَ، وَ آتِيهِ عَنَّا أَفْضَلَ مَا آتَيْتَ أَخَدًا مِنْ عِبَادِكَ، وَ اجْزِهْ عَنَّا أَفْضَلَ وَ أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَخَدًا مِنْ أَنْبِيائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ.

(١٩) إِنَّكَ أَنْتَ الشَّانُ بِالْجَيْسِيمِ<sup>٣</sup>، الْغَافِرُ لِلْعَظَمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَيِينَ.

برگزیده‌ترین خلق توست که رسالت تو را برد و شکر گرفت و آن را ادا فرمود و نیز او را امر به ارشاد و نصیحت بندگانت فرمودی و او نیز اطاعت کرد.

(۱۸) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، درودی که از تمام تحیت‌هایی که بر خلق خود نثار فرموده‌ای برتر باشد و بهترین سلام مارا که برتر از تمامی درودها بر بندگانت باشد، بر او عرضه بدار و بهترین پاداشی را که همه پیامبران درباره هدایت امت‌هایشان داشته‌اند، به پیامبر اکرم ﷺ اهدا بفرما.

(۱۹) خدایا، تو بر بندگان منت فراوان داری و بخشاینده گناهان بزرگی و از هر مهربانی مهربان‌تر هستی؛ پس بر محمد و خاندان پاک و برگزیده‌ترین او درود فرست.

## واژه‌ها:

۱. امد: نهایت، درازای زمان.

۲. بولج: داخل کرد.

۳. بقدوهم: آنان را تنفسیه می‌کند.

۴. پنجه‌هم: آنان را ایجاد کند و می‌پرورانند.

۵. نهضات: به پاشدن.

۶. نصب: تعجب.

۷. جام: نشاط.

۸. پرسحوا: شتاب کنند.

۹. پیلو: آزمایش می‌کند.

۱۰. غروض: واجبات.

۱۱. غلقت: شکافته‌ای.

۱۲. عشتتا: به ما سود رسانیدی.

۱۳. طوارق: حوادث.

۱۴. نری: خاک مرطوب.

۱۵. یحوننا: احاطه کرده است ما را.

۱۶. تضتنا: جمع کرده ما را.

۱۷. نصرف و نستلب: از حالی به حالی منشویم.

۱۸. عتید: تیر، باهوش.

۱۹. وذعننا: مارا وداع کند.

۲۰. اقتراف: اکتساب.

۲۱. ذخراً: ذخیره.

۲۲. مژوستنا: سنگینی و وزحمت ما.

۲۳. لاعفزنا: مارا خوار مگردان.

۲۴. هجران: دوری.

۲۵. حیاطه: نگهداری.

۲۶. انتقاد: معیوب دیدن.

۲۷. اعزاز: تقویت.

۲۸. لهیف: درمانده.

۲۹. عهدنا: ملاقات کردیم.

۳۰. طلکنا: شب آن را گذراندیم.

۳۱. أولیت: عطا کردنی.

۳۲. اقروم: پایدارتر.

۳۳. اوقف: آگاه تر.

۳۴. قسط: عدل.

۳۵. جسم: عظیم.



## دعاً فِي المُهَمَّاتِ

وَكَانَ مِنْ دُعَايَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضْتَ لَهُ مُهَمَّةً أَوْ نَزَّلْتَ بِهِ مُلْعَنَةً وَعِنْدَ  
الْكَبِيرِ:

(١) يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عَقْدُ الْمُكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفْتَأِيْهِ حَدُّ الشَّدَادِيْهِ؛ وَيَا  
مَنْ يُلْتَمِسُ مِنْهُ السُّخْرَهُ إِلَى رُؤُجِ الْفَرَجِ، ذَلِكَ لِقْدَرِتِكَ الصُّعَابُ، وَ  
تَسْبِيْثُ بِلُطْفِكَ الْأَشْبَابُ.

(٢) وَجَرَى بِقْدَرِتِكَ الْقَضَاهُ، وَمَضَتْ<sup>١</sup> عَلَيْهِ إِرَادَتِكَ الْأَشْيَايَا؛ فَهِيَ  
يُمْتَهِيْكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَهُ<sup>٢</sup>، وَيَا إِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُتَزَجِّرَهُ<sup>٣</sup>. أَنْتَ الْمُذْعُو  
لِلْمُهَمَّاتِ، وَأَنْتَ الْمُفْرَغُ فِي الْمُلْيَاتِ<sup>٤</sup>، لَا يَسْدُفعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعَتْ،  
وَلَا يُنْكِشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفَتْ.

(٣) وَقَدْ نَزَّلْتَ بِي - يَا رَبَّ - مَا قَدْ تَكَادَيْنِي<sup>٥</sup> بِثُقلَهُ، وَاللهُ<sup>٦</sup> بِسِيْرَ مَا قَدْ  
بَهَظَيْنِي<sup>٧</sup> بِحُمْلَهُ وَبِقْدَرِتِكَ أُوزَّدَتْهُ عَلَيَّ، وَبِسُلْطَانِكَ وَجَهَنَّمَ إِلَيَّ؛ فَلَا مُضِيرَ<sup>٨</sup>  
لِمَا أُوزَّدَتْ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَهَتْ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أُغْلَقَتْ، وَلَا مُغْلِقَ<sup>٩</sup> لِمَا  
فَتَحَتْ، وَلَا مُئِسَّرٌ<sup>١٠</sup> لِمَا غَسَّرَتْ، وَلَا نَاصِرٌ لِمَنْ خَذَلَتْ.

## دعا هنگام گرفتاری و ناراحتی

(۱) ای خدایی که پیجیدگی ناگواری‌ها فقط به وسیله توصل می‌گردد و ای خدایی که برندگی سختی‌هارا می‌شکنی و ای کسی که روی آوردن به سوی آسایش را از تو تمنا می‌کنیم. فقط به قدرت تو هر دشواری هموار است و تنها سبب ساز، لطف عام تو می‌باشد.

(۲) تنها به قدرت و حاکمیت تو همه چیز برقرار است و با اراده تو تمام موجودات در مجازی خود جای دارند و در صورت اراده تو، همه آنها بدون آن که نهی شان کرده باشی، از کار باز می‌ایستند و در امر مهم زندگی و گرفتاری‌های دردآور فقط تو فریاد رس آنها هستی و تنها آن چه راکه تو دور کنی و موانعی راکه تو ببر طرف کنی، رهایی از آنها حاصل می‌شود.

(۳) خدایا، گرفتاری‌های وارد شده بر من، سخت مرابه زحمت انداخته و باری که بر دوشم فرود آمده و اماندهام ساخته و تو با تمام قدرت و تسلط خود آنها را متوجه من ساخته‌ای و آن چه راکه تو اراده فرمایی، هیچ کس نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و هر دری راکه تو بسته‌ای هیچ کس نمی‌تواند بگشاید و هر چه را تو آسان فرمایی، مشکل نیاشد و هر فردی که تو پریشان سازی باری نخواهد داشت.

(٤) فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَخِلْ بِـيَارَبِـ بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ، وَ  
اَكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَزْلِكَ، وَأَنْلِنِي حُشْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَأَدْفَنِي  
خَلَاوَةَ الْعُشْبِ فِي سَائِلَتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَذْنَكَ رَخْتَهُ وَفَرْجَاهِنِيَا، وَاجْفَلْ لِي  
مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجًا وَجِيَا.

(٥) وَلَا تَشْغُلِنِي بِالْإِهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ "فُرُوضِكَ"، وَاسْتِعْمَالِ سُتْبِكَ؛ فَقَدْ  
ضَفَتْ "لِما نَزَلَ بِي - يَارَبِـ ذَرْعَاً، وَامْتَلَاثْ" بِعَنْلِ ما حَدَثَ عَلَيَّ هَنَاءً،  
وَأَنْتَ الْفَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مَنِيَتِ بِهِ، وَدَافِعِ مَا وَقَعَتِ فِيهِ، فَاقْعُلْ بِي ذَلِكَ وَ  
إِنْ لَمْ أَشْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَزِيزِ الْعَظِيمِ.

(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به قدرت خود گشایش رانصیبم  
فرما و فراغیری پریشانی و غم را در هم شکن و به شکوههای من حسن نظر بفرما و  
شیرینی اجابت درخواست هایم را به من بچشان و از درگاه منبع خود رحمت و  
گشایش گوارایی نصیب من فرموده و گشایش دشواری ها را بر من سریع و آسان  
بگردان.

(۵) خدایا، به سبب دشواری های زندگی مرا از به جای آوردن تکالیف واجب و  
دستورهای مستحب باز مدار؛ که اکنون گرفتاری طاقتم را از دست برده و دل و جانم  
آکنده از غم و اندوه گشته است و تو نتوانایی که تمام ناگواری ها و غم های مرا بر طرف  
کنی. تقاضایم آن است که بالطف خود مرا به عافیت برسانی، اگرچه لایق فضل و  
عنایت تو نیستم، ای صاحب عرش بزرگ.

## واژه‌ها:

۱۴. تکاذب: خستگام کرده.
۱۵. آلم: هجوم آورد.
۱۶. بهظتی: برایم سنگین است.
۱۷. فلا مُصدر: کسی او را برندارد.
۱۸. مغلق: قفل گشته.
۱۹. میش: آسان گشته.
۲۰. طول: قدرت.
۲۱. تعاهد: متوجه بودن.
۲۲. فروضك: واجبات.
۲۳. ضفت: به تنگ آمدم.
۲۴. ذرعاً: طاقت.
۲۵. وامتلات: آگنده شدم.
۱. تحلّ به: به وسیله او باز شود.
۲. عشق: گره‌ها.
۳. مکاره: مشکلات.
۴. یندا: شکسته شود.
۵. حد الشدائه: تیزی و تندی مشکلات.
۶. مخرج: راه خلاص.
۷. روح: راحت.
۸. صواب: مشکلات.
۹. تسبیت: سبب‌سازی شود.
۱۰. مضت: انجام گرد.
۱۱. مؤتمرة: انجام یافته.
۱۲. منزجرة: ممنوع.
۱۳. ملنات: حوادث مهاجم.



## دعاً في الاستعاذه من المكاره و سيني الأخلاقي

و كان من دعائيه عليه السلام في الاستعاذه من المكاره و سيني الأخلاقي  
و مدام الأفعال:

(١) اللهم إني أغدو بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْجُرْمِ، وَ سُورَةِ الْفَقْبِ، وَ غَلَبةِ  
الْخَسِيدِ، وَ ضَغْفِ الصَّبَرِ، وَ قِلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِلْحَاجِ  
الشَّهْزَدَةِ، وَ مَلَكَةِ الْخَمِيَّةِ، وَ مَتَابِعَةِ الْهَوَى، وَ مُخَالَفَةِ الْهَدَى، وَ سَيْنَةِ  
الْفَقْلَةِ، وَ تَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَ إِيَّاهُ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ.

(٢) وَ إِلْضَارِ عَلَى النَّاثِمِ<sup>١</sup>، وَ اسْتِضَارِ<sup>٢</sup> الْمَغْصِيَةِ، وَ اسْتِكْبَارِ<sup>٣</sup>  
الطَّاغِيَةِ، وَ مُبَاهاَةِ<sup>٤</sup> الْمُكْبَرِيَّنِ<sup>٥</sup>، وَ إِلْزَارِ<sup>٦</sup> بِالْمُقْلَبِيَّنِ<sup>٧</sup>، وَ سُوءِ الْوِلَايَةِ<sup>٨</sup> لِمَنْ  
تَحْتَ أَيْدِينَا، وَ تَزْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اضطَطَعَ الْعَارِفَةَ<sup>٩</sup> عِنْدَنَا.

(٣) أَوْ أَنْ تَغْضُدَ<sup>١٠</sup> طَالِمًا، أَوْ تَخْذُلَ مَلْهُوفًا<sup>١١</sup>، أَوْ تَرُومَ<sup>١٢</sup> مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ  
تَنْوَلَ فِي الْعِلْمِ يَقْنِيرُ عِلْمًا.

(٤) وَ تَغُودُ بِكَ أَنْ تَنْظُويَ<sup>١٣</sup> عَلَى غِشٍّ<sup>١٤</sup> أَخِي، وَ أَنْ تُعِجبَ<sup>١٥</sup> بِأَعْمَالِنَا، وَ  
نَمَدَ<sup>١٦</sup> فِي آمَالِنَا، وَ تَغُودُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَ اخْتِقَارِ<sup>١٧</sup> الصَّغِيرَةِ.

## دعای هشتم

### پناه بردن به خدا از اخلاق و الفعال ناهنجار

(۱) خدایا، به تو پناه می‌برم از طفیان حرص و تندی غصب و خشم و تسلط حسد و رشک و سستی صبر و شکنیابی و قلت قناعت و کجی خلق و افراط در شهرات و عصیت شدید و پیروی از هوا و هوس و مخالفت با هدایت و سستی غفلت و روا داشتن تکلف‌ها و انتخاب باطل در مقابل حق.

(۲) خدایا، به تو پناه می‌برم از این که بر گناه اصرار و رزم و معصیت را کرچک و طاعت را بزرگ شمارم و نیز به تو پناه می‌برم از فخر فروشی ثروتمندان و تحقیر نیازمندان و سوه سربرستی در حق زبردستان و ناسپاسی درباره آنان که به مانیکی کرده‌اند.

(۳) و به تو پناه می‌بریم از کمک به ظالمان و ظلم به ستم دیدگان و این که آن‌چه را که حق مانیست از تو درخواست کنیم، یا این که در معارف الهی بدون علم سخن بگوییم.

(۴) و به تو پناه می‌بریم که در باطن جان با کسی نفاق ورزیم، یا در اعمال خود با عجب بنگریم و آرزوی دور و دراز داشته باشیم و نیز به تو پناه می‌بریم از بدی ذات و کوچک شمردن گناه صغیره.

(٥) وَأَن يَسْتَخِذُ<sup>٢٧</sup> عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكُبُنَا<sup>٢٨</sup> الرَّمَانُ، أَوْ يَسْتَهْضِنَا<sup>٢٩</sup>  
السُّلْطَانُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاؤلٍ<sup>٣٠</sup> الْأَسْرَافِ، وَمِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ<sup>٣١</sup>، وَنَعُوذُ  
بِكَ مِنْ شَمَائِيَّةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ<sup>٣٢</sup>، وَمِنْ مَعِيشَةِ فِي شَدَّةٍ، وَ  
بِيَتَةِ عَلَى غَيْرِ عُدْدَةٍ<sup>٣٣</sup>.

(٦) وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحُسْنَةِ الْفَظْلِيِّ، وَالْمُصْبِيَّةِ الْكُبْرَى، وَأَشْقَى الشَّقَاءِ،  
وَسُوءِ النَّاتِبِ<sup>٣٤</sup>، وَجِزْمَانِ التَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِهِ، وَأَعِذْنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرْ خَتِّكَ، وَجَيْعَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ  
الرَّاجِحِينَ.

(۵) به تو پناه می‌بریم از غلبه شیطان و مصیبتهای زمان و ستم شاهان و به تو پناه می‌بریم از آلو دگی به اسراف و نداشتن کفاف زندگی و به تو پناه می‌بریم از شمات دشمنان و فقر در مؤونه زندگی و زندگی سخت و مردن بدون داشتن آمادگی.

(۶) به تو پناه می‌بریم از حسرت و مصیبیت بزرگ در قیامت و بدترین شقاوت و سوء عاقبت و محروم ماندن از ثواب و راهیابی عقاب. خدایا، بر حضرت محمد و خاتم‌دان او درود فرست و من و تمام زنان و مردان مؤمن را در تماسی این آفات در پناه خود محفوظ بدار. ای مهربان‌ترین مهربانان.

## واژه‌ها:

۱۸. اصطمع العارفة: کار خوبی انجام داد.

۱۹. نضد: کمک کنیم.

۲۰. ملهوف: بی چاره.

۲۱. نروم: میل کنیم.

۲۲. نتطوی: در دل نگه داریم.

۲۳. غش: خیانت.

۲۴. تعجب: عجیب پیدا کنیم.

۲۵. نمذ: بلند کنیم، گسترش دهیم.

۲۶. احترام: کوچک شمردن.

۲۷. پستخود: مسلط شود.

۲۸. ینکننا: مصیبت آفریدند.

۲۹. پنهان‌نمایان: ظلم کند او را.

۳۰. تناول: انجام دادن.

۳۱. الکاف: مقدار کافی، به قدر حاجت.

۳۲. اکفا: همانندها.

۳۳. عذّة: ذخیره اخروی.

۳۴. مآب: عاقبت.

۱. هیجان: طغیان.

۲. سوره: شدت.

۳. شکاسه: صعوبت و گرفتگی.

۴. العاج: دوا و پیوستگی و افراط.

۵. ملکه: نهادیته شدن.

۶. حسنه: استکبار.

۷. سنته: سنتی.

۸. تعاطی الکلفه: انجام دادن امور مشکل و خسته کننده.

۹. اینهار: برگزیدن.

۱۰. مائم: گناهان.

۱۱. استصفار: کوچک دیدن.

۱۲. استکبار: بزرگ دیدن.

۱۳. صیاهه: خود فروختن.

۱۴. مکثین: ثروت‌اندوزان.

۱۵. ازراه: کوچک شمردن.

۱۶. مقلین: کم‌دستان.

۱۷. سوه الولایه: بد سربرستی کردن.



## دعاوة في الاستياق إلى طلب المغفرة من الله

وكان من دعائنا في الاستياق إلى طلب المغفرة من الله جل جلاله:

(١) اللهم صل على محمد وآلية، وصيّرنا إلى محبوبك من التوبة، وأز لنا عن مكرورك من الإصرار. اللهم ومتى وقلنا بين نقضين في دين أو دنيا، فأؤقي النقص بأشد عهمنا فتاء، واجعل التوبة في أطوالها بقاء.

(٢) وإذا همّنا بهمّين يُرضيك أحدهما عنا، ويسخطك الآخر علينا، فهلينا إلى ما يُرضيك عنا، وأوهن قوتنا عما يُسخطك علينا، ولا تخلى في ذلك بين نفوسنا وأخيارها، فإنّها مختاره لنباطل إلا ما وفقت، أمارة بالسوء إلا ما رجحت.

(٣) اللهم وإنك من الضعيف خلقتنا، وعلي الوهن بنتنا، ومن ماء مهين ابتدأنا، فلا حول لنا إلا بقورتك، ولا قوّة لنا إلا بعونك، فـأيدنا بتوفيقك، وسدّدنا بـشنديدك.

(٤) وأغم أبصار قلوبنا عما خالف محبتك، ولا تجعل لشني ومن جوار حنا نفوذاً في مفضيتك.

## دعای نهم

### آمرزش خواهی از درگاه خدا

(۱) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مارا به توبه که محبوب تو است،  
برسان و از اصرار بر گناه که مبغوض تو است برهان. خدایا، هر گاه یکی از دو نقصان  
(یکی در دین و دیگری در دنیا) به ماروی کند، آن را که زودتر منفع می شود، نصیب  
ما بگردان و از بلایی که بقای بیشتری دارد، توفیق توبه عنایت بفرما.

(۲) خدایا، هر گاه همت به یکی از دو کار داشته باشیم که یکی موجب ناخشنودی  
و خشم و دیگری موجب رضای توست، آن را که خشنودیت را جلب می نماید،  
نصیب ما گردان و اراده و توان مارادر آن چه موجب غضب توست، سست گردن و ما  
را به حال خود رها مکن، زیرا نفس چون به خود واگذار شود در باطل می کوشد و میل  
زیادی به کارهای نکوهیده دارد، مگر آن که تو ترحم فرمایی.

(۳) خدایا، مارا از ضعف آفریدی و از سستی بنیان نهادی و از نطفه‌بی ارزش بنا  
نهادی، پس هیچ حول و قوه‌ای جز قوه و کمک تو نداریم، بنابراین، مارا به توفیق  
خود مؤید گردان و استحکام وجودی و ایمانی مارا تشذید فرما.

(۴) و چشم دل ما را بر آن چه خلاف محبت توست، کور گردن و اعضاء و جوارح  
مارا در عصیان خود نافذ مگردان.

(٥) اللَّهُمَّ لَعْنُكُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْبَلَ هَنَسَاتٍ<sup>١</sup> قُلُوبِنَا، وَخَزَكَاتِ  
أَغْصَانِنَا، وَلَمَحَاتٍ<sup>٢</sup> أَغْيَانَا، وَلَهَجَاتٍ<sup>٣</sup> أَلْسِنَتِنَا، فِي مُوجَبَاتٍ نَوَابِدَ حَتَّى  
لَا تَنْهُونَا حَسَنَةً تَشْعُقُ بِهَا جَزَاءَكَ، وَلَا تَنْقِنَ لَنَا سَيِّئَةً تَسْتَوِجِبُ<sup>٤</sup> بِهَا عِقَابَكَ.

(۵) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و تمام خاطرات قلبی و حرکات اعضا و به هم خوردن چشم و حرکات زبان مارا در راهی قرار ده که ثواب تو را جلب کند، به طوری که هیچ حسنه و عمل نیکی را که ممکن است بدان برسیم از دست ندهیم و بدان وسیله مستحق جزای خیر تو گردیم و هیچ گناهی را که موجب عقاب و کیفر توست برای ما باقی مگذار.

### واژه‌ها:

۹. مهین: پست.
۱۰. حول: قدرت برخورداری.
۱۱. ستدنا: مارا محکم کن.
۱۲. اعم: کور کن.
۱۳. صفات: خاطره‌های ذهنی.
۱۴. لمحات: نظر کردن و دیدن.
۱۵. لهجهات: تلفظها.
۱۶. نتوب: مستحق شویم.
۱. ولقنا: واقع شدیم.
۲. آوقع: وارد ساز.
۳. هئین: دو مقصد.
۴. فعل بنا: مارا تسایل ساز.
۵. اووهن: مست ساز.
۶. لانغل: رها مکن.
۷. مختاره: اختیار کننده.
۸. الوهن: مست.

## دعاً في اللّجاء إلى الله تعالى

وكان من دعائيه عليه السلام في اللّجاء إلى الله تعالى:

(١) اللّهم إِن شَاءْ تَعْفُ عَنَّا بِغَضِيلَكَ، وَإِن شَاءْ تُعذِّبَنَا فِي عَذَابِكَ.

(٢) فَسَهَّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنْكَ، وَأْجِزُونَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجاوزِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ، وَلَا تَجَاهَ لِأَحَدٍ مِنَ دُونِ عَفْوِكَ.

(٣) يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَخْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفَقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبِرْ فَاقْتَنَا بِوُشْعِكَ، وَلَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْكَ، فَتَكُونَ قَدْ أَشْقَيْتَ مَنِ اشْتَسَدَ بِكَ، وَحَرَّمْتَ مَنِ اشْتَرَقَ فَضْلَكَ.

(٤) فَإِلَى مَنْ جَيَّنَدَ مُنْقَبَلَنَا عَنْكَ، وَإِلَى أَيْنَ مَذْهَبَنَا<sup>٧</sup> عَنْ بَابِكَ، سُبْحَانَكَ نَخْنُ الْمُضْطَرُونَ الَّذِينَ أَوْجَبْتَ إِجَابَتَهُمْ، وَأَهْلُ السُّوءِ الَّذِينَ وَعَذْتَ الْكَشْفَ عَنْهُمْ.

(٥) وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشَيْكَ، وَأَوْلَى الْأَمْوَارِ بِكَ فِي عَظَمَتِكَ، رَحْمَةُ مَنِ اشْتَرَحَمَكَ، وَغَوْثٌ مِنِ اسْتَغَاثَ بِكَ، فَازْحَمْ تَصْرُعَنَا إِلَيْكَ، وَأَغْنَيْنَا إِذْ طَرَخَنَا<sup>٨</sup> أَنْفُسَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ.

## دعای دهم

### دعا هنگام پناه بردن به خدا

(۱) خدایا، اگر اراده کنی و از مادرگذری، با تفضل عمل کرده‌ای و اگر اراده کنی و  
ما را کیفر نمایی، به عدل و داد رفتار نموده‌ای.

(۲) خدایا، بر ما منت گذارده و عفو خود را نصیب ماگردان و ما را از عذاب خود  
رهایی بخش، زیرا اگر در حساب رسی به عدل معامله کنی هیچ یک از مانجات  
نخواهیم یافت؛ گذشته از آن که هیچ کس طاقت عذاب تو را نخواهد داشت.

(۳) ای بنیاز بی نیازان هان! اینک مابندگانی هستیم که در پیشگاه تو ایستاده‌ایم و  
من نیازمندترین نیازمندان؛ پس بیچارگی و نیازِ مارا به قدرت خود بروطرف گردان و  
هرگز امید مارا به نومیدی مبدل نکن، زیرا اگر مارا نومید فرمایی، آنان را که از تو  
طلب نیک بختی کرده‌اند به شقاوت مبتلا نموده‌ای و آنان را که از تو طلب فضل و  
رحمت نموده‌اند، محروم ساخته‌ای.

(۴) خداوندا، از درگاه تو به کجا برویم؟ و به چه کسی روی آوریم؟ تو پاک و  
منزه‌ی و ما در نهایت اضطراریم و خود و عده داده‌ای که دعای درماندگان را اجابت  
نمایی و گرفتاریم و تو و عده داده‌ای که اندوه گرفتاران را بگشایی.

(۵) خدایا، نزدیک‌ترین چیز به مشیت تو و مناسب‌ترین امر به عظمت تو، نزول  
رحمت و برکات تو بر هر کسی است که از حضرت درخواست رحمت نموده و  
فریادرسی نسبت به کسی است که با دادخواهی به تو روی آورده است.

(٦) اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَوَّهَ بِنَا "إِذْ شَأْتَنَا" عَلَى مَفْصِيلَاتِكَ، فَصَلَّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِيهِ، وَلَا تُشَوِّهْنَا "بَعْدَ تَزْكِينَا إِلَيْهِ لَكَ، وَرَغَبَتِنَا عَنْهُ إِلَيْكَ".

ای مهریان ترین مهریان، ما با تمام تضرع و زاری، خود را پیش روی تو افکنده و به تو پناهندۀ هستیم، پس ناله‌های ما را دریاب.

(۶) خدایا، شادمانی شیطان در این است که ما از او اطاعت کنیم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و اکنون که توفیق داده‌ای تاز اور دوری کنیم و به سوی تو شوق پیدا کنیم، هرگز وسائل خوشحالی شیطان را برای ما فراهم نفرمای و توفیق دوری از او را به ما کرامت گردان.

#### واژه‌ها:

۱. آجرنا: ما را پناه ده.
۲. بتجازوله: به گذشت و غفت.
۳. فاجهز: جبران کن.
۴. استعد: خوش بخت شود.
۵. استرد: طلب کند عطا و کرامت را.
۶. منتظر: پناه گاه.
۷. مذهب: راه نجات.
۸. غوث: پناه.

۹. طرحنا: ساقط کردیم.
۱۰. شست پنا: ما را شمات کند.
۱۱. شایعنا: به دنبال اور رویم.
۱۲. لاشته بنا: او را موفق به شمات مانند نفرماید به وسیله پیادیش مصیبت‌ها.
۱۳. رغبتنا عنہ الیک: بیزاریم از او و رغبت به سوی تو داریم.

## دعاوه بخواتم الخير

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَواتِيمِ الْخَيْرِ:

(١) يَا مَنْ ذَكْرُهُ شَرَفٌ لِلْكَبِيرِينَ، وَيَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَيَا مَنْ طَاعَتْهُ نَجَاهَةُ الْمُطَبِّعِينَ.

(٢) صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْفَقْ قُلُوبُنَا إِذْكُرْكَ عَنْ كُلِّ ذَكْرٍ، وَأَسْتَنَّنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ، وَجَوَارِحَنَا يُطَاعِتُكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ.

(٣) فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلِ فَاجْعَلْهُ فَرَاغًا سَلَامَةً لَا تُذِرْكُنَا فِيهِ ثَبَعَةً، وَلَا تَلْهُنَّنَا فِيهِ سَامَةً، حَتَّى يَتَصَرَّفَ عَنَّا كُتُبُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيقَةِ خَالِيَّةِ مِنْ ذَكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَيَتَوَلَّنِي كُتُبُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَشْرُورِينَ بِمَا كَتَبْنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا.

(٤) وَإِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَتَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَاسْتَخْضَرَتْنَا دَغْوَثَكَ الَّتِي لَا يَمْدُدُ مِنْهَا وَمِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ خَتَامَ مَا تُخْصِي عَلَيْنَا كَتَبَهُ أَغْسَالَنَا تَسْوِيَةً مَقْبُولَةً لَا تُسوِّقُنَا بِغَدَهَا عَلَى ذَنْبِ اجْتَرَرْخَنَاهُ، وَلَا مَفْصِيَّةٌ افْتَرَقَنَا هَا.

## دعای یازدهم

### دعا برای حسن عاقبت

(۱) ای کسی که یاد او مایه برتری ذاکران و سپاس وی سبب پیروزی شاکران و فرمانبری از او موجب نجات اطاعت کنندگان است.

(۲) خدایا! قلب‌های ما را با ذکر و توجه به خودت از هر گونه فکر و یادی تهی فرما و زبان‌های ما را با شکر خود از سپاس گویی دیگران باز دار و اعضای ما را با اطاعت خود از سلطه فرمانبری دیگران رها ساز.

(۳) خدایا! اگر وقت فراغتی برای مامقדר فرموده‌ای، آن را فراغت توأم باسلامت قرار ده؛ به گونه‌ای که هیچ گونه آتفی به مانزد و بلایی دامن گیر مانشود، تا فرشتگان مأمور نوشتن گناهان، گناهی را در نامه عمل مثبت نکنند، ولی فرشتگان ثبت اعمال نیک، برای ثبت اعمال نیک در نامه عمل ما، خشنود از ما، از ما جدا شوند.

(۴) خدایا! اگر ایام زندگی و مدت عمر ماسپری شد و تو مارا احضار فرمودی که ما گزیری از اصل احضار و اجابت آن نداریم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و آخرین عمل مارا که کاتبان اعمال مامی نویسنده، پذیرفته قرار ده، به گونه‌ای که پس از آن دیگر مارا در برابر گناه و معصیتی که مرتکب شده‌ایم، برای کیفر و عقوبت باز نداری.

(٥) وَ لَا تَكْتُفِي عَنَّا بِشَأْسِنَةً عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ.

(٦) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُشْتَعِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

(۵) بار پروردگار! در آن روز که به حساب بندگانست رسیدگی می‌کنی، پرده‌ای را که بر گناهان کشیده‌ای و آن را از دید دیگران مستور داشته‌ای، از ما بر مگیر.

(۶) خدایا! تو در حق آن که تو را بخواند، مهربانی و نسبت به کسی که تو را به فریاد رسی بطلبد، پاسخ گویی.

---

#### واژه‌ها:

۱. جوارح: اعضاي ظاهری انسان.
۲. فراغ: رهایی از مشکلات مهم.
۳. تبعه: پی آمدهای مذموم.
۴. سامة: ملال.
۵. انقضت: بگذرد.

## دعاوه في الاعتراف و طلب التوبة إلى الله تعالى

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْاعْتِرَافِ وَ طَلَبِ التَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى :

(١) اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَخْجُبُنِي عَنْ مَسَالِكِكَ خَلَالٌ ثَلَاثَ، وَ تَخْدُونِي عَلَيْهَا خَلَةً وَاحِدَةً: يَخْجُبُنِي أَمْرًا أَمْرَتْ بِهِ فَأَبْطَأْتُهُ عَنْهُ، وَ نَهَيْتُنِي نَهَيْتُنِي عَنْهُ فَأَسْرَغْتُهُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةً أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَرْتُ فِي شُكُرِهَا.

(٢) وَ تَخْدُونِي عَلَى مَسَالِكِكَ تَفَضُّلَكَ عَلَى مَنْ أَفْبَلَ بِسُوْجِهِ إِلَيْكَ، وَ وَقَدْ يُحْسِنُ ظَبَابَهُ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِخْسَانِكَ تَنْتَصِلُ، وَ إِذْكُلُ يُعِيكَ ابْتِدَاءً.

(٣) فَهَا أَنَا ذَا، يَا إِلَهِي، وَاقْفُ بِنَابِ عِزَّكَ وَ قُوفَ الْمُشَتَّلِيمِ الدَّلِيلِ، وَ سَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاةِ مِنِّي سُؤَالُ الْبَائِسِ الْمُغْبِلِ، مُقْرَرٌ لَكَ بِأَنِّي لَمْ أَشَتَّلِمْ وَقْتَ إِخْسَانِكَ إِلَّا بِالْأُقْلَاعِ عَنْ عِصْيَانِكَ، وَ لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالَاتِ كُلُّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ.

(٤) فَهَلْ يَتَفَعَّنِي، يَا إِلَهِي، إِقْرَارِي عِنْدَكَ يُسْوِي مَا اكْتَسَبْتُ؟ وَ هَلْ يَتَحِينِي مِنْكَ اعْتِرَافِي لَكَ يَقِيِّعِ مَا ازْتَكَبْتُ؟ أَمْ أُوجَبَتْ لِي فِي مَقَامِي هَذَا شَخْطَكَ؟ أَمْ لَزِمْتِي فِي وَقْتِ دُعَائِي مَقْتَكَ؟

## دعای دوازدهم

### توبه و اعتراف به درگاه خداوند

(۱) خدایا! سه چیز است که مانع توفیق دعا به درگاهت می‌شود، یک چیز مرا به طرف درخواست از تو می‌کشاند. آن چه مرا از درخواست از تو باز می‌دارد، عبارت است از: کنید در اجرای فرمان تو؛ شتاب به سوی آن چه از آن نهی کرده‌ای و کوتاهی در شکر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای.

(۲) و آن چه مرا به درخواست از تو و امی دارد، آن است که می‌دانم هر کس به تو روی کند و با گمان نیک به درگاه تو توجه کند، مورد تفضل تو قرار می‌گیرد، زیرا هر چه تو عطا می‌کنی، تفضل و هر نعمتی که می‌بخشی، بی‌سابقه است.

(۳) اکنون این منم - ای معبد من! - که بر درگاه عزّت تسلیم و خوار ایستاده‌ام و شرمگینانه چون تهی دست عیال‌مند، دست نیاز به سویت گشوده‌ام و اعتراف می‌کنم که در هنگام احسان تو از معصیت بر کنار بوده و هیچ گاه از من توبه‌ون بوده‌ام.

(۴) ای معبد من! آیا اعتراف به سوء کردارم به حالم سودمند خواهد بود؟ و آیا اقرار به زشتی رفتارم باعث نجات من می‌گردد؟ یا آن که در این حال مستوجب خشم تو هستم یا آن که به هنگام دعایم هم چنان مورد غضب تو می‌باشم؟

(٥) سُبْخَانَكَ، لَا أَنِيْسٌ<sup>١١</sup> مِنْكَ وَ قَدْ فَحَثَ لِي بَابَ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، بَلْ أَقُولُ  
مَقَالَ الْعَبْدِ الْذَّلِيلِ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْمُشَتَّخِ<sup>١٢</sup> بِحُزْمَةِ رَيْهِ.

(٦) الَّذِي عَظَمْتُ ذُنُوبَهُ فَجَلَّتْ<sup>١٣</sup>، وَأَذْرَثْ<sup>١٤</sup> أَيَّامَهُ فَوَلَّتْ<sup>١٥</sup>، حَتَّىٰ إِذَا رَأَى  
مَدَّةَ الْعَقْلِ قَدْ انْقَضَتْ<sup>١٦</sup>، وَغَایَةَ الْفُمِ قَدْ انْتَهَتْ، وَأَيْقَنَ أَنَّهُ لَا مُجِيْصٌ<sup>١٧</sup> لَهُ  
مِنْكَ، وَلَا مُهَبَّ<sup>١٨</sup> لَهُ عَنْكَ، تَلَقَّاكَ<sup>١٩</sup> بِالْأَنْتَابَةِ، وَأَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ، فَقَامَ إِلَيْكَ  
يُقْلِبُ طَاهِيرٍ نَقْعِيٍّ<sup>٢٠</sup>، ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ<sup>٢١</sup> حَقِيقِيٍّ.

(٧) قَدْ تَطَاطَّا<sup>٢٢</sup> لَكَ فَانْخَنَى، وَنَكَّسَ<sup>٢٣</sup> رَأْسَهُ فَانْتَسَى<sup>٢٤</sup>، قَدْ أَزْعَشَتْ<sup>٢٥</sup>  
خَشِيشَةَ رِجْلَيْهِ، وَغَرَّقَتْ<sup>٢٦</sup> دُمُوعَهُ خَدَنَيْهِ<sup>٢٧</sup>، يَدْعُوكَ بِيَا أَرْحَمَ الرَّاجِحِينَ، وَيَا  
أَرْحَمَ مِنْ اِنْتَابَةٍ<sup>٢٨</sup> الْمُسْتَزِجُونَ.

(٨) وَيَا أَغْطَفَ مِنْ أَطَافَ<sup>٢٩</sup> بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، وَيَا مَنْ عَفَوَهُ أَكْثَرُ مِنْ تَقْمِيمِهِ،  
وَيَا مَنْ رِضاَهُ أُوقَرَ<sup>٣٠</sup> مِنْ سَخْطِهِ، وَيَا مَنْ تَعَمَّدَ إِلَى خَلْقِهِ بِخُشْنِ التَّجَاؤِ، وَ  
يَا مَنْ عَوَدَ<sup>٣١</sup> عِبَادَةَ قَبْرِ الْأَنْتَابَةِ.

(٩) وَيَا مَنِ اشْتَصَلَحَ<sup>٣٢</sup> فَأَيْسَدَهُمْ بِالْتَّوْبَةِ، وَيَا مَنِ رَضَيَ مِنْ فَغْلِيمِ  
بِالْيَسِيرِ<sup>٣٣</sup>، وَمَنْ كَافَى<sup>٣٤</sup> قَلِيلَهُمْ بِالْكَبِيرِ، وَيَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ، وَيَا  
مَنْ وَعَدَهُمْ عَلَى نَفْسِهِ بِتَنَصُّلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ.

(١٠) مَا أَنَا بِأَعْصِي مِنْ عَصَاكَ فَفَقَرَتْ لَهُ، وَمَا أَنَا بِالْلَّوْمِ<sup>٣٥</sup> مِنْ اغْتَذَرَ إِلَيْكَ  
فَقِيلَتْ مِنْهُ، وَمَا أَنَا بِأَظْلَمُ مِنْ تَابَ إِلَيْكَ فَمَدَّتْ عَلَيْهِ<sup>٣٦</sup>، أُثْوَبَ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي  
هَذَا تَوْبَةَ نَادِمٍ<sup>٣٧</sup> عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ<sup>٣٨</sup>، مُشْفِقٍ<sup>٣٩</sup> مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ، خَالِصُ الْحَيَاةِ  
مِمَّا وَقَعَ فِيهِ.

(۵) خدایا تو منزه‌ی و من از تو نویمید نیست، زیرا در توبه را به رویم گشودمای، بلکه چونان بندۀ خوار و بر خود ستم کرده و حرمت خدای خود پاس نداشته، با تو سخن می‌گوییم.

(۶) من هم چون کسی با تو سخن می‌گوییم که مرتکب گناهان بزرگی شده و روزگار به او پشت کرده است، تا آن جا که چون می‌بیند ایام مهلت او به سر آمده و فرجام عمر او نزدیک شده و به این باور رسیده که نه گریزگاهی از تو دارد و نه فرارگاه دیگری فراروی اوست، چاره‌ای جز اتابه و توبه خالص ندارد. از این رو، تو را با قلبی پاک و بی‌آلایش و با صدایی حزین و آهسته می‌خواند.

(۷) خدایا! من همانند کسی هستم که در نهایت خضع خم شده و سربر درگاهت فرود آورده و به آستانت تعظیم کرده و خشیت از تو، هر دو پای او را لرزانده و اشک‌های او، گونه‌هاییش را فراگرفته و تو را با «با ارحم الراحمین» می‌خواند و مهربان ترین کسی می‌داند که بیچارگان بپی در پی به او روی می‌آورند.

(۸) ای مهرورز ترین کسی که توبه کاران به گرد او طواف می‌کنند و ای کسی که عفوش بیش از غضب و رضایش افزون بر سخط است! ای کسی که از رهگذر غفو و بخشش نیکر، محبوب و مستوجب سپاس بندگان خود است! و ای کسی که به بندگان خویش وعده پذیرش توبه و اتابه داده است.

(۹) ای کسی که بندگان سیه کار را با توبه به سوی صلاح و سداد می‌کشانی! و ای که به کردار اندک آنان خشنود می‌گردی و اعمال اندک آنان را به جزای کثیر جبران می‌فرمایی! و ای آن که اجابت دعاها را تضمین فرموده و از راه تفضل و کرم، پاداش نیکو را به بندگان وعده فرموده‌ای!

(۱۰) من نه نافرمان ترین گناه‌کاری هستم که او را بخشدیده‌ای و نه سزاوار ترین سرزنش شدگان که به درگاهت عذر تقصیر آورده‌اند و تو آنان را پذیرفته‌ای و نه

(١١) عَالِمٌ بِأَنَّ الْقُفُوَ عَنِ الدَّنَبِ الْعَظِيمِ لَا يَتَقَاطِعُكَ، وَأَنَّ التَّجَاوِزَ عَنِ الْأَفْشَمِ الْجَلِيلِ لَا يَسْتَضْعِفُكَ<sup>١١</sup>، وَأَنَّ اخْتِيَالَ الْجِنَانِيَاتِ الْفَاحِشَةِ لَا يَسْكَدُكَ<sup>١٢</sup>، وَأَنَّ أَحَبَّ عِبَادَكَ إِلَيْكَ مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِبْحَارَ عَلَيْكَ، وَجَاءَتْ<sup>١٣</sup> الْإِصْرَارَ، وَلَزِمَ<sup>١٤</sup> الْإِسْتِفْقَارَ.

(١٢) وَأَنَا أَبْرَا إِلَيْكَ<sup>١٥</sup> مِنْ أَنْ أَسْتَكِبِرَ<sup>١٦</sup>، وَأَغُوذُكَ مِنْ أَنْ أَصْرَّ<sup>١٧</sup>، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا فَصَرَّتْ فِيهِ<sup>١٨</sup>، وَأَشْتَعِنُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ عَنْهُ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا يَجِدُ عَلَيَّ لَكَ، وَعَافِنِي مِمَّا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، وَأَجِزِنِي<sup>١٩</sup> مِمَّا يَخَافُهُ أَهْلُ الْإِسْلَامُ<sup>٢٠</sup>، فَإِنَّكَ مَلِي<sup>٢١</sup> بِالْعَفْرَ، مَزْجُوكُ<sup>٢٢</sup> لِلْمَغْفِرَةِ، مَفْرُوفٌ بِالْتَّجَاوِزِ، لَيْسَ لِحَاجَتِي مَطْلُوبٌ سَوْكَ، وَلَا لِذَنِي غَافِرٌ غَيْرُكَ، حَاشَاكَ<sup>٢٣</sup>.

(١٤) وَلَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَهْلُ النَّقْوَى<sup>٢٤</sup> وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْضِ خَاجَتِي، وَأَنْجِحْ<sup>٢٥</sup> طَبَبِي، وَاغْفِرْ ذَنِي، وَآمِنْ حَوْفَ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ستم کارترین توبه کنندگانی که به آنان روی کرده‌ای. حال در جایگاه کنونی ام از آن‌چه از من سرزده توبه می‌کنم و از آن‌چه اوج حیا و خجلت بر آن حتمی است، در هراسم.

(۱۱) خدایا! می‌دانم که گذشت توازن گناه بزرگ و مهم، هرگز برایت دشوار نیست و صبر بر جنایات علنى و از حد گذشته، تو را خسته نمی‌کند و بهترین و محبوب ترین بنده نزد تو، کسی است که خود را بزرگ نمی‌بیند و پیوسته از اصرار بر گناه دوری گزیند و بر استغفار مداومت ورزد.

(۱۲) من به تو پناه می‌برم از این که خود را بزرگ ببینم و از اصرار بر عصیان، به تو پناه می‌جویم و از تمامی کوتاهی‌هایی طلب مغفرت دارم و بر انجام اموری که از به جا آوردن آن ناتوانم، از تو مدد می‌جویم.

(۱۳) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن چه را که بر من واجب بوده است [و در آن کوتاهی کرده]، بر من ببخشای و از آن چه در اثر تقصیر و گناه مستحق آن هستم معاف بدار و از آن چه اهل عصیان و خطای آن بیم دارند، در امان خود نگاه بدار، که تو آنکنه از عفوی و همگان به آمرزش تو امید بسته‌اند و در گذشت و بخشش نیک شناخته شده‌ای و من هرگز جز تو، حاجتی ندارم و حاشا که بخشنده‌ای جز تو گناهانم را بیامرzd.

(۱۴) و جز تو از دیگری نمی‌هراسم، چرا که فقط توبی که باید جانبت رعایت شود و تو اهل بخشش و مغفرتی، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و حاجتمن روادار و طلب مراجعت نومیدی مساوی و از گناه درگذر و از ترس و وحشت در امامت دار، که تو بر همه چیز توانایی و همه چیز بر تو آسان است. اجابت بفرمایی پروردگار جهانیان.

## واژه‌ها:

۲۱. صوت حائل: صدای تغییر یافته از ترس.  
 ۲۲. تقطاطاً: سرفرو افکنده.  
 ۲۳. نگن: سربه زیر است.  
 ۲۴. فانتنی: سر به شانه متعایل است.  
 ۲۵. آرختت: لرزانده است.  
 ۲۶. غرّقت: قرار گرفته.  
 ۲۷. خذیله: دو گونه اورا.  
 ۲۸. اتاب: مکرر برگشته است.  
 ۲۹. أطاف: اصرار ورزد.  
 ۳۰. أوفر: بیشتر.  
 ۳۱. عوّد: عادت داده است.  
 ۳۲. استحلب: آنان را به صلاح می‌خواند،  
 و ادار می‌کنند.  
 ۳۳. بیسر: کم و مختصر.  
 ۳۴. کافن: جزا می‌دهد.  
 ۳۵. الوم: ملامت پذیرتر.  
 ۳۶. فعّدت عليه: او را پذیرفتی.  
 ۳۷. نادم: پشیمان.  
 ۳۸. فرط منه: سبقت کرده در آن.  
 ۳۹. مشنق: برحدار است.  
 ۴۰. لا يتعاظمك: برای تو مهم نیست.  
 ۴۱. لا يستحبك: برای تو مشکل نیست.

۱. یعنی: حجایم می‌شود.  
 ۲. ابیات: کندی نمودم.  
 ۳. یخدونی: سو قم می‌دهد.  
 ۴. وند: وارد شده است.  
 ۵. المستسلم: منقاد.  
 ۶. الباس: بیچاره.  
 ۷. المعيل: محتاج.  
 ۸. اقلاع: کنده شدن و بریدن.  
 ۹. سخط: غصب.  
 ۱۰. مقت: غصب.  
 ۱۱. لا أینی: نو مید نمی‌شوم.  
 ۱۲. السخفة: بی تفاوت و کوچک و ناجیز  
 دیدن.  
 ۱۳. جلت: بزرگ و کهن است.  
 ۱۴. أدبرت: تمام شده است.  
 ۱۵. ولت: روی گردانید.  
 ۱۶. انقضت: تمام شده است.  
 ۱۷. لامعیص: پناهی نیست.  
 ۱۸. لا لمرب: فرارگاهی نیست.  
 ۱۹. تلقاک: روی آورده.  
 ۲۰. نقی: پاکیزه.

۴۲. لایتکاک: تو را خسته نمی کند.  
۴۳. جانب: دوری می کند.  
۴۴. لزم: به کنار نمی رود، دست بر نمی دارد.  
۴۵. ابرا الیک: به تو پناه می برم.  
۴۶. استکبر: خود را بزرگ بینم.  
۴۷. اُمیر: اصرار و رزم.  
۴۸. نصرت فیه: کوتاهی کنم.

۴۹. آهنی: پناه ده.  
۵۰. ایساده: بدی کردن.  
۵۱. ملی: آگنده.  
۵۲. مرجو: مورد امید.  
۵۳. حاشاک: منزَّهی تو.  
۵۴. اهل الفتوی: اهل تقوی.  
۵۵. آنجع: حاجت را بآورده.

## دعاوه في طلب الحوائج إلى الله تعالى

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى:

- (١) أَللَّهُمَّ يَا مُتَّهِيَ مَطْلَبِ الْحَاجَاتِ، وَيَا مِنْ عِنْدِهِ نَبِلُ الطَّلَبَاتِ.
- (٢) وَيَا مَنْ لَا يَبْيَغُ نِعْمَهُ بِالْأَنْهَانِ، وَيَا مَنْ لَا يُكَذِّبُ عَطَاءَهُ بِالْأَمْتَانِ.
- (٣) وَيَا مَنْ يُشْتَغِنُ بِهِ وَلَا يُشْتَغِنُ عَنْهُ، وَيَا مَنْ يُزَعِّبُ إِلَيْهِ وَلَا يُزَعِّبُ عَنْهُ.
- (٤) وَيَا مَنْ لَا تُفْنِي حَرَائِثَةُ الْمَسَائلِ.
- (٥) وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلِ.
- (٦) وَيَا مَنْ لَا تَقْطَعُ عَنْهُ حَوَائِجُ الْمُخْتَاجِينَ، وَيَا مَنْ لَا يُسْتَهِي دُعَاءُ الدَّاعِينَ، تَمَدَّحْتُ بِالْفَنَاءِ عَنْ خَلْقِكَ وَأَنْتَ أَهْلُ الْفَنَاءِ عَنْهُمْ، وَسَبَّبْتُهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ.
- (٧) فَقَنْ خَاوَلَ سَدَّ خَلَّيْهِ مِنْ عِنْدِكَ، وَرَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِي بِكَ، فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَاهِرِهَا، وَأَتَى طَلِيَّتَهُ مِنْ وَجْهِهَا.

## دعای سیزدهم

### درخواست حوابیح

(۱) خداوند! ای آن که منتهای همه درخواست‌هایی و ای کسی که رسیدن به همه آرزوها فقط در محضر تو میسر است!

(۲) ای خدایی که نعمت‌هایش را به بهای نمی‌فروشد و ای کسی که با بذل احسان خود، بار مبت به دوش خلق ننهاده تا احسان خود را تباہ گرداند!

(۳) ای کسی که نیازمندان به او بی‌نیاز می‌گردند و بی‌نیازی از او امکان‌پذیر نیست و ای کسی که مخلوقات به او روی می‌آورند و محل است از او روی گردان شوند!

(۴) ای کسی که زیادی درخواست سانلان و عطای وی، خزانی و گنجینه‌های او را تهی نمی‌سازد!

(۵) ای کسی که کارهای حکمت‌آمیز او به علت‌ها و وسایل وابسته نیست!

(۶) ای کسی که درخواست‌های نیازمندان هیچ‌گاه از تو قطع نخواهد شد و ای کسی که هرگز دعای حاجتمندان او را خسته نمی‌سازد! تو خوبیش را به بی‌نیازی از خلق ستد و تو از خلق خود بی‌نیاز مطلقی و بندگانت را در فقر و نیاز به خود نسبت داده‌ای و آنان با تمام وجود به تو محتاج هستند.

(۷) خداوند! پس هر کس که برای رفع گرفتاری‌ها و بر طرف شدن نگرانی‌ها به درخانه نمود و زدودن فقر و بیچارگی را از درگاه تو خواست، راه حقیقی را یافت و به جایگاه مناسب قدم نهاد.

(٨) وَمَنْ تَوَجَّهَ بِخَاجَيْهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجُومَهَا "دُونَكَ،  
فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْجَزَّامِ، وَاسْتَعْجَلَ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الْإِحْسَانِ.

(٩) اللَّهُمَّ وَلِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جَهْنَمُ "، وَسَقَطَتْ دُوَّاهَا  
جَنَّلِي "، وَسَوَّلَتْ "لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ إِلَيْكَ، وَلَا يَسْتَغْفِي  
فِي طَبَيْاتِهِ عَنْكَ، وَهِيَ زَلَّةٌ <sup>١٥</sup> مِنْ زَلَّ الْخَاطِئِينَ، وَعَشْرَةٌ مِنْ عَشَرَاتِ "  
الْمُذَنبِينَ.

(١٠) ثُمَّ اتَّبَعْتُ <sup>١٧</sup> بِتَذْكِيرِكَ لِي مِنْ غَفْلَتِي، وَنَهَضْتُ <sup>١٨</sup> بِتَوْفِيقِكَ مِنْ رَأْسِي،  
وَرَجَفْتُ وَنَكَضْتُ <sup>١٩</sup> بِشَدِيدِكَ عَنْ عَثْرَتِي "، وَقُلْتُ: سُبْحَانَ رَبِّي كَيْفَ  
يَسْأَلُ مُخْتَاجَ مُخْتَاجًاً وَأَنَّى يَرْغَبُ مُغَدِّمًا "إِلَى مُغَدِّمٍ؟

(١١) فَقَصَدْتُكَ -يَا إِلَهِي- بِالرَّاغْبَيْةِ، وَأَوْفَدْتُ <sup>٢٠</sup> عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثَّقَةِ بِكَ، وَ  
عَلِمْتُ أَنَّ كَبِيرًا مَا أَسَالُكَ يَسِيرًا "فِي وُجُودِكَ "، وَأَنَّ حَطِيرًا <sup>٢١</sup> مَا أَسْتَوْهِكَ حَقِيرًا  
فِي وُشِيكَ، وَأَنَّ كَمْكَ لَا يَضِيقُ عَنْ سُؤَالِي أَحَدٍ، وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَايَا أَعْلَمُ مِنْ  
كُلِّ يَدٍ.

(١٢) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْمِلْنِي بِكَرَمِكَ عَلَى التَّفَضُّلِ،  
وَلَا تُخْلِنِي بِعَدْلِكَ عَلَى الْإِسْتِحْقَاقِ، فَمَا أَنَا بِأَوْلِ رَاغِبٍ رَغْبَتِ إِلَيْكَ  
فَأَعْطِيَتِهِ وَهُوَ يَسْتَحْقُ الْمُتَنَعِّثَ، وَلَا بِأَوْلِ سَائِلٍ سَأَلَكَ فَأَفْضَلْتَ عَلَيْهِ وَهُوَ  
يَسْتَوْجِبُ الْجَزَّامَ ".

(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكُنْ لِدُعَائِي مُجِيبًا، وَمِنْ نِدَائِي  
قَرِيبًا، وَلِتَضْرِعَنِي رَاجِمًا، وَلِصَوْتِي سَامِعًا.

(۸) خداوندگارا، هرگاه یکی از بندگان خواسته خود رانزد آفریده تو برد یا گمان کند که او حاجتش را روا می‌کند، سرانجام نصیبیش نومیدی است و شایسته از دست دادن احسان تو می‌گردد.

(۹) خداوند! حاجت‌هایی را به درگاهت آورده‌ام که فراتر از توانایی من است و هیچ یک از چاره‌جویی‌هایم آنها را حل نمی‌کند، ولی نفس و سوشه گر مرا برابر آن می‌دارد که آن نیازها را به کسانی ابراز کنم که آنان خود، به تو نیازمندند و نیاز آنان را بر طرف می‌کنم و آنان هرگز خود را از تو بی‌نیاز نمی‌بینند، ولی این تسویلات همگی لغزش‌هایی است که از خططاکاران و گنه کاران سر می‌زنند.

(۱۰) پروردگارا، با هشدار تو از خواب غفلت بیدار شدم و با توفيق تو از بستر لغزش برخاستم و به تأیید تو از خطای خود برقشم و با خود گفتم: سبحان الله چگونه نیازمندی از نیازمند دیگری درخواست می‌کند؟ و چه طوری بی‌نوایی به مانند خوبیش روی می‌آورد؟

(۱۱) خداوند! از این رو، بار غبت به درگاهت روی آورده و امیدهایم را با اعتماد کامل بر ساحت قدست فرود آوردم و دانستم که نیازهای فراوانم در برابر گستره شکوه تو کوچک است و کلان‌ترین خواسته‌هایم در کنار بی‌کران توانایی اث ناچیز است و کرمت هرگز در برابر درخواست خلائق، مضایقه روانمی‌دارد و دست تو در دهش برتر از هر دستی است.

(۱۲) پروردگارا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و کوتاهی مرا باکرم و با تفضل خود جبران فرما و به مقتضای عدلت و بر مبنای استحقاق با من رفتار مکن، زیرا من نخستین کسی نیستم که به درگاهت روی آورده و با آن که مستحق منع تفضل بوده، از عطایای تو بهره‌مند گردیده است و نیز نخستین نیازمندی نیستم که مستوجب حرمان بوده، ولی رحمت تو شامل حالش شده است.

(۱۳) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دعایم را احبابت فرما و از ندایم دوری مگزین و بر تضرع رحمت آر و صدایم را گوش فراده.

(١٤) وَ لَا تُقْطِعْ رَجَائِي عَنِّكَ، وَ لَا تَبْتَأِسْ سَبِّي مِنْكَ، وَ لَا تُوْجِنْنِي<sup>٢٨</sup> فِي  
حَاجَيِنِي هَذِهِ وَغَيْرِهَا إِلَى سَوَالِكَ.

(١٥) وَ تَوَلَّنِي<sup>٢٩</sup> بِنَجْعِ<sup>٣٠</sup> طَبَيْسِي وَ قَضَاءِ حَاجَيِنِي وَ نَيلِ سُولِي قَبْلَ زَوَالِي  
عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِسَيِّسِيرِكَ<sup>٣١</sup> لِي الْعَسِيرَ<sup>٣٢</sup> وَ حُسْنِ تَقْدِيرِكَ لِي فِي جَمِيعِ الْأَمْوَارِ،  
وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَّاهُ دَائِنَةً نَابِيَّةً لَا انْقِطَاعَ لِأَبْدِهَا وَ لَا مُشْتَهِنِي  
لِأَمْدِهَا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ عَوْنَانِي وَ سَبِّيَا لِنَجَاحِ طَبَيْسِي، إِنَّكَ وَاسِعُ كَرِيمٌ. وَ مِنْ  
حَاجَيِنِي يَارَبُّ كَذَا وَ كَذَا... - وَ تَذَكُّرُ حَاجَتِكَ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ فِي سُجُودِكَ:-  
فَضْلُكَ آنَسِنِي<sup>٣٣</sup>، وَ إِخْسَانُكَ دَلَّنِي، فَأَسْأَلُكَ يَكَ وَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ - صَلَوَاتُكَ  
عَلَيْهِمْ - أَنْ لَا تَرْدَنِي خَائِي<sup>٣٤</sup>.

(۱۴) الهی! امیدم را قطع مکن و رشته پیوندم را از خود مگسل و در این حاجت و غیر آن، مرا از درگاهت به سوی دیگری روانه مساز.

(۱۵) خدایا! با برآوردن حاجت‌هایم و اجابت درخواستم، خود مرا سرپرستی و کفايت فرما و پیش از آن که از دعا فارغ شوم، با آسان نمودن مشکلات و نیک مقزر داشتن همه مقدرات زندگی، با برآوردن خواسته‌ام مرا کامراگردان و بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست؛ درودی پیوسته فزاینده که تا ابد منقطع نگردد و محدود به زمانی نشود و این درود را وسیله‌ای برای رسیدن به حاجت‌ها و کمک در مشکلات من قرار ده که تو کریمی و رحمت گسترده است. آن‌گاه پس از ادای این کلمات و با ذکر حاجت‌های خود، سجده کن و در حال سجده بگو: تفضل تو مونس من است و احسان تو مرا راهنمایی کرده است، پس به حق خودت و به حق محمد و آل محمد، نامیدم بر مگردان.

## واژه‌ها:

۱. نهل: رسیدن.

۲. طلبات: خواسته‌ها.

۳. آنان: قیمت‌ها.

۴. لا یکثر: بی‌صفا نمی‌کند.

۵. امتحان: مُتّگذاری.

۶. لا یعنیه: او را خسته نمی‌کند.

۷. تشدّح: خود را مدح گفتی.

۸. حاول: طلب کرد.

۹. خلة: حاجت.

۱۰. رام: درخواست کرد.

۱۱. نفع: رستگاری.

۱۲. جهد: طاقت.

۱۳. حیل: تدبیرها.

۱۴. سولت: زیبایی‌اند.

۱۵. زلة: لغزش.

۱۶. هرات: سقوط‌ها.

۱۷. انتبهث: آگاه شدم.

۱۸. نهضت: برخاستم.

۱۹. نکشت: تصمیم به سوی مقصود گرفتم.

۲۰. تسدید: دیگری را به عزم محکم واداشتن.

۲۱. عشره: سقوط.

۲۲. معده: فاقد همه چیز.

۲۳. اوفدت: بر تو وارد شدم.

۲۴. پسپر: آسان.

۲۵. وُجد: قدرت.

۲۶. خلیل: مهم، عظیم.

۲۷. حرمان: نومیدی.

۲۸. ولا تثیث: قطع مکن.

۲۹. ولا توجهنی: مرآ متوجه دیگری و حواله به غیر مکن.

۳۰. توئیں: ولی و صاحب اختیار من باش.

۳۱. نفع: به شمر رساندن و موفق گردانیدن.

۳۲. تیسیر: آسان کردن.

۳۳. عسیر: مشکل.

۳۴. آنسی: مرآ مأنس به تو گردانیده.

۳۵. خاتب: نالیمد، بیچاره.



دعاوه في الظلامات

وكان من دعائيه عليه السلام إذا اغتنى عليه أو رأى من الطالبين ما لا يجيء:  
(١) يا من لا يخفي عليه أئبأه المُسْتَظْلِمِينَ، ويا من لا يختاج في  
نَصِّحَمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِيْنَ.

(٢) وَيَا مَنْ قَرِبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الظَّلْمَوْمِينَ، وَيَا مَنْ بَعْدَ عَوْنَةَ عَنِ الظَّالِمِينَ.

(٣) قَدْ عَلِمْتَ -يَا إِنْهِي- مَا تَأْتِيَ مِنْ فُلَانَ بْنِ فُلَانَ مَا حَظِرْتَ<sup>٢</sup>، وَإِنْتَ هَكُّهُ

**مِنْ<sup>٤</sup> مِمَّا حَجَزْتُ<sup>٥</sup> عَلَيْهِ، بَطْرًا<sup>٦</sup> فِي نُفَتِّكَ عِنْدَهُ، وَاغْتِرَارًا<sup>٧</sup> بِنَكِيرَكَ<sup>٨</sup> عَلَيْهِ.**

(٤) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْ طَالِبِي وَعَدُوِّي عَنِّي

**بِقُوَّتِكَ، وَأَفْلَلْ حَدَّهُ عَنِي بِقُدْرَتِكَ، وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلًا فِيمَا تَلِيهِ<sup>١٠</sup>، وَعَجِزْ أَعْمَاء**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(٥) اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُسْوِغْ<sup>١٢</sup> لَهُ ظُلْمًا، وَأَخْيِسْ عَلَيْهِ

عُزُونِي، وَاغْصُنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ

غَلَى مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَأَعْدَنِي عَلَيْهِ عَذْوَىٰ حَاضِرَةً، تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ

شِفَاءٌ، وَمِنْ حَنَقَىٰ ۖ عَلَيْهِ وَفَاءٌ.

## دعای چهاردهم

### دعا به هنگام مظلوم واقع شدن و مشاهده کردار ستمگران

(۱) ای خدایا! که اخبار ستم کشیدگان بر او پوشیده نیست و در دادرسی مظلومان، به گواهی شاهدان نیازمند نیست!

(۲) ای کسی که یاری اش به ستم دیدگان نزدیک و نصرتش از ظالمان دور است.

(۳) خدایا! تو می دانی که از سوی فلانی چه ستم ها که به من شده است، در حالی که تو آنها را منع کرده بودی، ولی او با جارت به آنها هجوم برد و حدود تو را در مورد من شکست و با استفاده از موهبت هایت طغیان کرد و از هشدارهای تو نترسید و فریب نفس سرکش خود را خورد.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و با قدرت خود، دشمن و ظالم را از ستم به من بازدار و به نیروی خود، تیزی و صلابت غصب او را در هم شکن و به کاری در خور احتیاجش مشغول دار تا از اراده ستم گری ناتوان گردد.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هر گز راه را برای ستم کاری او به من آسان مکن و در برابر شش به من کمک فرما و هرگز مرا در افعال و احوال همانند او قرار مده و بر پیامبر خود و خاندان او درود فرست و هم اکنون مرابط او پیروز گردن تا قلبم شفا باید و از غضب نسبت به او بکاهد.

(٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَوْضُنِي مِنْ ظُلْمِي لِمَ عَفَوْكَ،  
وَأَبْدُلْنِي بِسُوءِ صَنْبِعِي<sup>١</sup> بِمَا رَحْمَتَكَ، فَكُلْ مَكْنُونُه جَلَلُ<sup>٢</sup> دُونَ سَخْطِكَ، وَكُلْ  
مَزَرَّيْه<sup>٣</sup> سَوَاءٌ<sup>٤</sup> مَعَ مَوْجِدِكَ، اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرَفْتَ إِلَيْنَا أَنْ أَظْلَمَ قَبْنِي مِنْ أَنْ  
أَظْلَمَ، اللَّهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَيْكَ أَخْدِ سَوَاكَ، وَلَا أَسْتَعِنُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ، حَاشَاكَ<sup>٥</sup>.

(٧) فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلُّ دُعَائِي بِالْإِجَاهِ، وَافْرِنْ شَكَائِي  
بِالثَّقِيرِ، اللَّهُمَّ لَا تَقْبِضْنِي<sup>٦</sup> بِالْقُنُوطِ<sup>٧</sup> مِنْ إِنْصَافِكَ، وَلَا تَسْقِطْنِي<sup>٨</sup> بِالْأَمْنِ مِنْ  
إِنْكَارِكَ، فَيُبَصِّرَ<sup>٩</sup> عَلَى ظُلْمِي، وَيُخَاضِرْنِي<sup>١٠</sup> بِحُقْقِي، وَعَرَفَةُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا  
أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ، وَعَرَفَنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَاةِ الْمُضْطَرِّينَ.

(٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقَبِّنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ وَ  
رَضَنِي<sup>١١</sup> بِمَا أَخْذَتَ لِي وَمِنِّي، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هُنْ أَقْوَمُ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ  
أَسْلَمُ، اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْعِيَّةُ<sup>١٢</sup> لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَزْكِيَ الْأَنْتِقَامِ  
مِنْ ظَلْمِي إِلَى يَوْمِ الْفَضْلِ وَمَجْمَعِ الْخَضْمِ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
أَيْدِنِي مِنْكَ بِيَتَةِ صَادِقَةٍ وَصَبِرْ دَائِمٍ.

(٩) وَأَعِدْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلْعَ<sup>١٣</sup> أَهْلِ الْعِزْصِ، وَصَوْزَ فِي قَلْبِي مِثَالَ  
مَا ادْخَلْتَ<sup>١٤</sup> لِي مِنْ تَوَابِكَ، وَأَعْدَدْتَ لِي خَضْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَعِقَابِكَ، وَاجْعَلْ  
ذَلِكَ سَبِيلًا لِتَنَاعِي بِمَا قَضَيْتَ، وَنَقْتِنِي بِمَا تَعَذَّزَتْ، آمِينَ رَبَّ الْقَالِمِينَ، إِنَّكَ  
ذُو الْفَضْلِ الْقَظِيمِ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۶) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و عفوت را در حق من،  
جبان ظلم او قرار ده و رحمت خود را جای گزین بدرفتاری وی نسبت به من بفرما،  
زیرا هر مشکلی در برابر خشم تو ناچیز است و هر مصیبتي در مقایسه با غصب تو  
آسان است. بارالها! پس هم چنان که راضی نیستی به من ظلم شود، مرا از ستم کردن باز  
دار. پروردگار! من شکایتم را به احدی جز تو عرضه ننمی کنم و جز تو از هیچ  
حکمرانی کمک نمی طلبم، هرگز.

(۷) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دعایم را نزدیک اجابت  
فرما و شکایتم را با دگرگونی اوضاع و از بین بردن ظلم همراه ساز. کریما! صرا با  
نومیدی از عدل خود مورد آزمایش قرار مده و آن ستم کار را با پیدایش امن و آسان  
مغور مگردن، تا بر ظلم من اصرار ورزد و مرا از حقم باز دارد و او را از آن چه به  
ظالمان وعده داده ای به زودی آگاه ساز و مزده اجابت در ماندگان را به من ابلاغ فرما.

(۸) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا در آن چه برای من  
مقرر فرموده ای، موفق گردن و به آن چه از من گرفتی و یا به من عنایت فرمودی،  
راضی بدار و به بهترین راه هدایتم نما و به سالم ترین کار و ادار. پروردگار! اگر خیر  
در آن است که من در برابر جور ستم گران صبر کنم و انتقام از ظالمان را به روز حشر  
که در آن بدخواهان را گرد می آوری و خود حکم می رانی - واگذارم؛ پس بر محمد و  
آل محمد درود فرست و مرا به تبیث صادق و صبر دائم تأیید فرما.

(۹) خدا! مرا از رغبت های ناپسند و حرص آzmanدان در پناه خود بدار و پاداشی  
را که برای آخرت من خیره کرده ای در قلیم به من بنما و سزا و کیفری را که برای دشمنان  
من آماده کرده ای، در خاطرم ترسیم نما و این امر را سبب قناعت و خشنودی من به  
مقدراتی که اراده فرمودی، قرار ده. آمین ای پروردگار جهانیان که تو دارای فضل  
عظیمی و بر همه چیز توانایی.

## واژه‌ها:

۱. آنها: خبرها.

۲. مظلوم: ظلم پذیرها.

۳. حضرت: دور کردی.

۴. انتهکه متنی: به من جسارت و هنگامی کرد.

۵. حجزت: دور کردی.

۶. بطری: طبیان در نعمت.

۷. اغترار: انکار و جهل و عدم احتیاط.

۸. نکیر: بازداری.

۹. اقل حنّه: بشکن قدرت او را.

۱۰. مایلیه: آنچه به او نزدیک می‌شود.

۱۱. بناویه: قصد کرده و دنبال می‌کند.

۱۲. لاتسون: آسان مکن.

۱۳. آیدنی علیه: مرا برابر او غالب گردان.

۱۴. عذوبی: نصرت.

۱۵. حتی: غیظ من.

۱۶. صنیعه: فعل او، کار او.

۱۷. جل: سبک و آسان.

۱۸. مرزنه: مصیبت.

۱۹. سواه: سهل و آسان.

۲۰. موجدنک: غصب تو.

۲۱. حاشاک: به غیر از تو.

۲۲. لافتی: مبالغه مکن.

۲۳. قوطط: نویلی.

۲۴. فیصر: اصرار ورزد.

۲۵. بمحارنی: به من سخت گیرد و در محاصره خود درآورد.

۲۶. رضتی: مراراضی گردان.

۲۷. الخیره: اختیار.

۲۸. هلع: حرص.

۲۹. ما اذخرت: ذخیره ساختهای.



١٥

## دعاوه إذا مرض أو نزل به حرب أو بلية

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرَضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَبُرٌ أَوْ بَلَىٰ:

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا لَمْ أَرَأَلْ أَتَصْرَفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدْنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا أَخْذَتُ بِي مِنْ عَلَيْهِ فِي جَسَدِي، فَمَا أَدْرِي - يَا إِلَهِي - أَمُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَمُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَىٰ بِالْحَمْدِ لَكَ.

(٢) أَوْ قَتَلَ الصَّحَّةَ الَّتِي هَنَّا تِنْتَيْ - فِيهَا طَبَيَّاتِ رِزْقِكَ، وَنَشَطَتِيْ - بِهَا لِإِتْبَاعِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَّتِيْ - مَعَهَا عَلَىٰ مَا وَقَتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟

(٣) أَمْ وَقَتَ الْعَلَةَ الَّتِي مَحَضَتِيْ - بِهَا، وَالنَّعَمَ الَّتِي أَشَحَّتِيْ - بِهَا، تَغْفِيْنَا لِمَا تَقْلِيْ - بِهَا ظَهْرِيْ مِنَ الْخَطَيَّاتِ، وَتَطْهِيرًا لِمَا أَشَعَّتِيْ - فِيهِ مِنَ السَّيَّئَاتِ، وَتَبِيْهًا لِتَنَازُولِ التَّوْيِةِ، وَتَذَكِيرًا لِسَخْنِ الْحَوْيَةِ، يَقْدِيمُ النَّفَعَةَ؟

(٤) وَفِي خَلَلِ ذَلِكِ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ رَكْنِ الْأَعْتَالِ، مَا لَا أَقْلِبُ فَكَرْ فِيهِ، وَلَا إِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَلَا جَارِ حَدَّ تَكَلْفَتُهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِخْسَاناً مِنْ صَنْيِيكَ إِلَيَّ.

## دعای پانزدهم

### دعا به هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری

(۱) پروردگار! تو را بر تندرنستی ای که تاکنون از آن بهره برده‌ام، سپاس می‌گویم و نیز تو را بر بیماری که گاه در بدنم پدید آورده‌ای شکرگزارم. ای معبد من! نمی‌دانم بر کدام یک از این دو -سلامتی یا بیماری- بیشتر شکر کنم و کدام یک از دو وقت برای سپاس‌گزاری مسزاوارتر است.

(۲) خدایا! آیا شکرگزار آن روز باشم که در نعمت سلامتی، عطا‌یابی پاکیزه‌ات را بر من گواه فرمودی و مرانیر و بخشیدی تادر پی کسب رضایت و فضل تو برآیم و بر ادای طاعاتی تواناگردم که توفیقش را نصیبم ساخته‌ای؟

(۳) [بار خدایا!] نمی‌دانم شاکر عافیت باشم [یا سپاس‌گزار زمانی که با بیماری مرا از ناخالصی‌های گناه پاک کردی؟ و این ارمغان را به جهت سبک کردن گناهانی که بر دو شم سنگینی می‌کرد و تطهیر از بدی‌هایی که مرا فراگرفته بود و گوشزد نمودن لزوم توبه با یادآوری نعمت سلامتی دراز مدت به من اهدای فرمودی.

(۴) و در این میان، آن دو فرشته کاتب، برای من چندان عمل صالح نوشتنده نه جان دراندیشه آن بود و نه زبان بدان مترنم گشت و نه هیچ کدام از اندام‌های من، رنجی برای آن عمل متحمل شدند، بلکه تنها تفضل حضرت و محض احسان جانب توبه من بود.

(٥) اللَّهُمَّ فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَبَبْ إِلَيْنَا زَبِيتَ لِنِي، وَيَسُرْلِي مَا أَخْلَقْ بِنِي<sup>١</sup>، وَطَهُزْنِي مِنْ دَنَسٍ<sup>٢</sup> مَا أَشْفَقْتَ<sup>٣</sup>، وَانْجَعْ عَنِي شَرَّ مَا قَدَّمْتَ<sup>٤</sup>، وَأُوذِنِي خَلَوَةَ الْغَافِيَةِ، وَأُذْفَنِي بَزَدَ السَّلَامَةِ.

(٦) وَاجْعَلْ مَخْرِجِي عَنِي عَلَيْنِي إِلَيْكَ عَفْوَكَ، وَمَتَحَوَّلِي<sup>٥</sup> عَنْ ضَرْعَتِي<sup>٦</sup> إِلَيْكَ تَجَاوِزَكَ، وَخَلَاصِي مِنْ كَنْزِي<sup>٧</sup> إِلَيْكَ رَوْجِكَ<sup>٨</sup>، وَسَلَامِتِي مِنْ هَذِهِ الشُّدَّةِ إِلَيْكَ فَرِجِكَ.

(٧) إِنَّكَ الْمُتَنَصِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوَّلُ<sup>٩</sup> بِالْأَمْتَانِ<sup>١٠</sup>، الْوَهَابُ الْكَرِيمُ، ذُو الْغَلَالِ وَالْأَكْرَامِ<sup>١١</sup>.

(۵) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن چه راکه برای من پسندیده‌ای، محبوب من گردان و تحمل مقدّراتی راکه بر من فرو می‌فرستی، برای من آسان فرما و از ناپاکی‌های پیشینم پاکیزه گردان و شزر کارهای گذشتام را از من دور ساز و شیرینی عافیت را در کامم پدیدار نما و خنکی تندرنستی را به من بچشان.

(۶) پروردگار! برون رفت از بیماریم راسوی عفوت قرار ده و بازگشت از لغزشم را به گستره گذشت متهی ساز و از اندوه و گرفتاری رهایم نما و سلامتی من از سختی‌ها را به گشایش خودت ختم فرما.

(۷) توبی که بدون استحقاق احسان می‌کنی و بی‌دریغ و الزام، نعمت می‌بخشی و توبی که بخشناینده و کریم و از هر نقص و عیبی می‌راو کانِ جود و کرمی.

## واژه‌ها:

۱. لک الحمد لم آزل: پیوسته تو را حمد می‌کنم.

۲. هناتنی: گوارایم داشتی.

۳. نشطتنی: به نشاطم در آوردم.

۴. وقت العله: به هنگام درد و مرض.

۵. مختصتی: پاکیزه کردن از گناه.

۶. آنحضرتی: تحفه‌ام دادی.

۷. انقضیت: فرو رفته بودم.

۸. تناول: نائل شدن.

۹. حوبه: گناه.

۱۰. أحملت بی: بر من وارد کردی.



## دعاوه في الاستقالة

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ ذُنُوبِهِ، أَوْ تَضَرَّعَ فِي طَلَبِ  
الْغُفُوْعَ عَنْ عَبْوِيْهِ:

(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ بِرَّ خَتِيمَةَ يَسْتَغْفِيْثُ الْمُذْنِبُونَ، وَ يَا مَنْ إِنْ ذَكْرِ إِخْسَائِهِ  
يَفْزَعُ الْمُضْطَرُونَ، وَ يَا مَنْ لِحِيقَتِهِ يَشْجُبُ الْخَاطِئُونَ، يَا أَنْسَ كُلَّ  
مُسْتَوْجِيْشِينَ غَرِيبٍ، وَ يَا فَرَجَ كُلَّ مَكْرُوبٍ كَبِيرٍ، وَ يَا غَوْثَ كُلَّ مَخْذُولٍ  
فَرِيدٍ، وَ يَا عَصْدَ كُلَّ مُخْتَاجٍ طَرِيدٍ.

(٢) أَنْتَ الَّذِي وَسَعْتَ كُلَّ شَنْ وَ رَحْمَةً وَ عِلْمًا، وَ أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ  
مَخْلُوقٍ فِي يَعْمَلَ سَهْلًا، وَ أَنْتَ الَّذِي عَفَوْتَ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ، وَ أَنْتَ الَّذِي  
شَعِنَ رَحْمَتَهُ أَنَامَ غَضِيْبًا، وَ أَنْتَ الَّذِي عَطَاوَهُ أَكْثَرَ مِنْ مُشْعِيْهِ، وَ أَنْتَ الَّذِي  
أَتَسْعَ الْخَلَايَقَ كُلُّهُمْ فِي وُسْعِيْهِ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يَزَغُبُ فِي جَزَاءٍ مِنْ أَغْطَاهُ، وَ  
أَنْتَ الَّذِي لَا يُفْرِطُ فِي عِقَابٍ مِنْ عَصَاهُ.

(٣) وَأَنَا - يَا إِلَهِي - عَبْدُكَ الَّذِي أَمْرَتَهُ بِالدُّعَاءِ فَقَالَ: أَتَبَيِّنَكَ وَ سَغْدَيِّنَكَ ^ .  
هَا أَنَا ذَا، يَا رَبَّ، مَطْرُوحٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، أَنَا الَّذِي أَوْقَرْتَ ^ الْخَطَايَا ظَهِيرَةً، وَأَنَا  
الَّذِي أَفْتَنْتَ ^ الذُّنُوبَ عُمَرَةً، وَأَنَا الَّذِي يَخْفِيْهِ عَصَاكَ، وَلَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِنْهُ لِذَاكَ.

## دعای شانزدهم

### طلب عفو و آمرزش از درگاه خداوند

(۱) باراله!! ای آن که گنه کاران از رحمت او طلب باری می‌کنند و بیچارگان  
با یادآوری احسان او آرام می‌گیرند و ای کسی که گنه کاران از ترس او به  
شدت می‌گربند و ای آن که هر غریب و حشمت زده با او انس می‌گیرد و هر گرفتار  
بیچاره با او به گشایش می‌رسد و ای مدد هر درمانده تنها و ای بازوی هر نیازمند  
آواره!

(۲) تو بی که رحمت و علمت همه چیز را فراگرفته و برای تمام مخلوقات از  
نعمت‌های خود سهمی قرار داده‌ای و تو بی که عفوت از عقابت برتر و پیوسته  
رحمت بر غضبیت چیره است و بخشش از امساك و منع بیشتر است و سفره  
خلاقیت همه از خوان رحمت تو گشوده است و تو بی که هرگز از بندگان روزی خوار  
خود عوضی نخواسته‌ای و تو بی که در کیفر کردن متخلفان، از اندازه در نمی‌گذری.

(۳) و من ای خد!! بندۀ‌ای هستم که او را به دعا امر فرموده‌ای و او در مقابل تو ابراز  
تسلیم و فرمان بری قطعی کرد. اکنون من این جابر درگاهت ایستاده‌ام. من آن کسی  
هستم که لغزش‌های پشتی سنجینی می‌کند و گناهان، عمر او را به باد داده است. من  
آنم که جاهلانه از فرمانت سرپیچی کردم و حال آن که تو هرگز سزاوار گردن کشی  
نیوده‌ای.

(٤) هل أنت - يا إلهي - راجع من دعاك فائبل في الدعاء؟ أم أنت غافر لمن بكاك فأشعر في البكاء؟ أم أنت متجاوز عمن عفر؟ لك وجهة تدلل؟ أم أنت مغنى من شكا إلينك، فقره توكله إلهي، لا تخيب؟ من لا يجد مغطياً غيرك، ولا تخذل؟ من لا يشتغلي عنك بأحد دونك.

(٥) إلهي، فصل على محمد وآلها، ولا تغرض عنى وقد أقبلت عليك، ولا تخربنى وقد زاغبت إلينك، ولا تجربنى بالردة وقد انتصب بين يديك، أنت الذي وصفت نفسك بالرحمة، فصل على محمد وآلها وازحمنى، وأنت الذي سميت نفسك بالغفو فاغف عنى.

(٦) قد ترى - يا إلهي - فتضى ذمئى من حيفتك، ووجيب قلبى من خشتك، وانتقام من جوارحي من هبتك، كل ذلك حياة منك ليسوء عملى، ولذاك خمد صوتي عن الجار إلينك، وكل لسانى عن مناجاتك.

(٧) يا إلهي، فلك الحمد فكم من غايتها ستزتها على فلم تغضبني، وكم من ذنب غطيته على فلم تشمئزى، وكم من شأيتها ألمت بها فلم تهينك عنى بشرها ولم تقلدنى مكره شنارها، ولم تبدر سوء آيتها لمن يلتمس مقابلي من جيرتى، وحسد زفمتك عندى، ثم لم ينهنى ذلك عن أن جزئت إلى سوء ما عهدت منى.

(۴) خدایا! آیا تو داعیان درگاهت را مورد رحمت قرار می‌دهی تا هم چنان در دعا  
نلاش کنم؟ یا آنان را که بر تعصیر خود می‌گریند، می‌آمرزی تا با اشک ریختن،  
گذشته‌ها را جبران کنم؟ یا کسانی که از روی ذلت و بندگی صورت بر خاک  
می‌گذارند، عفو می‌فرمایی؟ یا آنان را که از فقر و تنهی دستی بر تو شکایت  
می‌آورند، بی نیازشان می‌کنی؟ خدایا! کسی را که جز تو کسی را عطا بخشن  
نمی‌شمارد، محروم مکن و کسی را که با پناهنده نشدن به غیر تو از تو بسی نیازی  
نمی‌جوید، خوار مساز.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و از من روی مکردان،  
زیرا من به تو رو آورده‌ام و محروم نفرماد، زیرا من به تو مشتاقم و دست رد بر  
پیشانی ام مزن که در پیشگاه تو ایستاده‌ام. تو بی که خود را به رحمت متوده‌ای، پس بر  
پیامبر و خاندان او درود فرست و بر من رحم کن و تو بی که خود را به عفو متوده‌ای،  
پس عفوت را شامل حالم بفرما.

(۶) ای معبد من! می‌نگری که چگونه سرشکم از ترس تو روان و دلم از بیم تو  
هر اسان و اندام از هیبت حضرت لرزان است، اینها همگی ره‌آورده شرمساری من  
از بدی اعمال می‌باشد و از این سبب صدایم گرفته و زبانم در مناجات با تو کند شده  
است.

(۷) ای معبد من! حمد فقط تو را سزا است، چه بسیار عیب‌هایی که بر من  
پوشاندی و مرا رسوا نساختی و چه بسیار گناهانی که پنهان داشتی و مرا به آنها میان  
مردم مشهور نکردی و چه خلاف احتیاط‌ها که مر تک شدم و تو پرده‌دری نفرمودی  
و عیب و عار آن را برو دوش من نگذاردی و حریم مرا در برابر همسایگان عیب‌جوری  
و حسودانی که بر موهیت‌های تو رشک می‌برند حفظ فرمودی، ولی تمام این  
رحمت‌ها و عنایت‌ها مانع آن نشد که من از بدی‌هایی که تو می‌دانی، خودداری کنم.

(٨) فَتَنْ أَجْهَلُ مِنِي - يَا إِلَهِي - بِرُّشِدِهِ؟ وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِي عَنْ حَظِّهِ؟<sup>٣٥</sup>  
وَمَنْ أَبْقَدَ مِنِي مِنِ اسْتِضْلَاحٍ<sup>٣٦</sup> نَفِيسَهِ حِينَ أَنْفَقُ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيَّ مِنْ  
رِزْقِكَ فِيمَا تَهَبَّتِي عَنْهُ مِنْ مَغْصِبَتِكَ؟ وَمَنْ أَبْقَدَ تَهْوِرًا<sup>٣٧</sup> فِي الْبَاطِلِ  
وَأَشَدَّ إِفْدَامًا عَلَى السُّوءِ مِنِي حِينَ أَقْبَلَ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ الشَّيْطَانِ  
فَأَتَيْتُ دَعْوَتَهُ عَلَى غَيْرِ عَمِّي مِنِي فِي مَغْرِفَةٍ بِهِ وَلَا يُشَيَّأُ مِنْ حَفْظِي  
لَهُ؟

(٩) وَأَنَا حِينَذِي مُوقِنٌ بِأَنَّ مُنْتَهِيَ دَعْوَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمُنْتَهِيَ دَعْوَتِهِ إِلَى  
الثَّارِ، سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبَ مَا أَشَهَدُ بِهِ عَلَى نَفِيسِي، وَأَعْدَدُهُ<sup>٣٨</sup> مِنْ مَكْثُومٍ<sup>٣٩</sup>  
أُخْرَى، وَأَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ أَنَّا نَحْنُكَ<sup>٤٠</sup> عَنِّي، وَإِنْطَاوُكَ<sup>٤١</sup> عَنْ مُعَاجَلَتِي، وَلَيْسَ  
ذَلِكَ مِنْ كَرْمِي عَلَيْكَ، بَلْ تَائِيَّا مِنْكَ لِي، وَتَنَقْضًا مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّ أَرْتَيْتُ<sup>٤٢</sup> عَنْ  
مَغْصِبَتِكَ الْمُشْخَطَةَ<sup>٤٣</sup>، وَأَقْلَعَ<sup>٤٤</sup> عَنْ سَيِّئَاتِي الْمُخْلِقَةَ<sup>٤٥</sup>، وَلَأَنَّ عَفْوَكَ عَنِّي  
أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ عُقوَبِي.

(١٠) بَلْ أَنَا - يَا إِلَهِي - أَكْثُرُ ذُنُوبًا، وَأَقْبَعُ آثارًا، وَأَشْتَعَ<sup>٤٦</sup> أَفْعَالًا، وَأَشَدُّ فِي  
الْبَاطِلِ تَهْوِرًا<sup>٤٧</sup>، وَأَضْعَفُ عِنْدَ طَاعَتِكَ تَيْقَطاً<sup>٤٨</sup>، وَأَقْلُ<sup>٤٩</sup> لِوَعِيدِكَ اثْبَتِهَا<sup>٤٩</sup> وَ  
ازْتَقَابًا<sup>٥٠</sup> مِنْ أَنْ أُخْصِي لَكَ عُيُوبِي، أَوْ أَفِدَّ عَلَى ذَكْرِ ذُنُوبِي، وَإِنَّمَا أَوْبَعَ<sup>٥١</sup>  
بِهَذَا نَفِيسِي طَمَعاً فِي رَأْفِيكَ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أُمِّ الْمُذْنِبِينَ، وَرَجَاءً لِرَحْمَتِكَ  
الَّتِي بِهَا فَكَاكُ<sup>٥٢</sup> رِقَابُ الْخَاطِئِينَ.

(١١) اللَّهُمَّ وَهَذِهِ رَقَبَتِي قَدْ أَرْتَهَا<sup>٥٣</sup> الذُّنُوبُ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،  
وَأَغْتَقَهَا بِعَفْرِكَ، وَهَذَا ظَهْرِي قَدْ أَنْتَلَتْهُ<sup>٥٤</sup> الْخَطَايا، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

(۸) ای معبد من! چه کسی از من به رشد خود ناآگاه است؟ و چه کسی از من به بهره خویش غافل است؟ و چه کسی از اصلاح جان خود دورتر از من است؛ آن گاه که باکفران نعمت، رزق تو را در معتبری که از آن نهی کرده‌ای، صرف می‌کنم؟ و چه کسی بیش از من در عمق باطل فرو رفته است و چه کسی در بدی کردن از من کوشانter است؛ آن گاه که بر سر دو راهی انتخاب بین فرمان تو و دعوت شیطان قرار می‌گیرم و به دنبال شیطان روان می‌شوم، با آن که دیده عقلم بر شناخت وی بسته نبودواز کیداو غافل نبودم.

(۹) و من در این هنگام می‌دانم که سرانجام دعوت تو به سوی بهشت و پایان دعوت شیطان به سوی دوزخ است. مژه‌هی تو، چه شگفت است که من به زیان خود شهادت می‌دهم و تمام مکنونات قلبی خود را آشکارا بر می‌شمرم، ولی عجیب‌تر صبر تو در برابر من و به تأخیر انداختن عقوبت من است و این نه برای آن است که من پیش تو گرامی و عزیزم، بلکه از جهت حلم و تفضل تو بر من است که با من این چنین معامله می‌کنی، تاشاید از نافرمانی خشم آور باز ایستم و از گناهانی که آبرو را می‌برد، پشیمان شوم، زیرا می‌دانم تو عفو را بیشتر از عقوبتم دوست داری.

(۱۰) بلکه معبد اگناهان من از این هم بیشتر، آثارش از این نیز زشت‌تر و کردارم به مراتب نابسندیده‌تر است. خود در باطل سخت بی‌باک ترم نادر فرمان برداری تو، خواب غفلتم عمیق‌تر و نسبت به هشدارهای تو کم هوش‌تر و فراموش‌کارتر از آنم که بتوانم کاستی‌هایم را برایت بشمارم یا گناهانم را بر زیان آورم و اکنون تنها برای جهت جلب رأفت تو خود را توبیخ می‌کنم. می‌دانم که راه اصلاح امور تبه کاران، پنهان آوردن به رأفت و رحمت حضرت می‌باشد و نیز به جهت امیدواری به رحمت - که رهایی بخش خطاکاران از آتش است - خود را سرزنش می‌کنم.

(۱۱) خداوند اگناهان گردنم را به بند کشیده‌اند، پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به عفو خود آزادش گردان. گناهان بسیار بر دو شم سنگینی

وَخَفَّتْ عَنْهُ بِمَنْكَ، يَا إِلَهِي، لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ<sup>١٠</sup> عَيْنَيَّ،  
وَانْتَبَحْتُ<sup>١١</sup> حَتَّى يَنْقُطَ صَوْبِي، وَقُنْتُ لَكَ حَتَّى تَسْتَشَرُ<sup>١٢</sup> قَدَّمَاتِي، وَرَكَفْتُ  
لَكَ حَتَّى يَنْخُلَعَ<sup>١٣</sup> صَلْبِي<sup>١٤</sup>، وَسَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْقَلَ<sup>١٥</sup> حَدَقَاتِي<sup>١٦</sup>، وَأَكْلَتُ  
تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ عَنْرِي، وَشَرِبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ آخِرَ ذَهْرِي، وَذَكَرْتُكَ فِي  
خَلَالِ ذَلِكَ حَتَّى يَكُلَّ<sup>١٧</sup> لِسَانِي، ثُمَّ لَمْ أَزْغَعْ طَوْفِي<sup>١٨</sup> إِلَى أَفَاقِ السَّمَاءِ اسْتِعْيَاً  
مِنْكَ، مَا اسْتَوْجَبْتُ بِذَلِكَ مَخْوِسَيَّةً وَاحِدَةً مِنْ سَيْئَاتِي.

(١٢) وَإِنْ كُنْتَ تَغْفِرُ لِي جِينَ أَسْتَوْجِبُ مَغْفِرَتَكَ، وَتَغْفُرُ عَنِّي جِينَ  
أَشْتَحِقُ عَفْوَكَ، فَإِنْ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ لِي بِاسْتِخْفَاقِي، وَلَا أَنَا أَفْلَى لَهُ  
بِاِسْتِيجَابٍ، إِذْ كَانَ جَزْأَيِّي مِنْكَ فِي أُولِي مَا عَصَيْتُكَ التَّلَاقُ، فَإِنْ تُعْذِنِي فَأَنْتَ  
غَيْرُ ظَالِمٍ لِي.

(١٣) إِلَهِي، فَإِذْ قَدْ شَعَمْتَنِي<sup>١٩</sup> بِسِرِّكَ فَلَمْ تَفْصُخْنِي، وَسَانِيَتَنِي<sup>٢٠</sup>  
بِكَرْمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي، وَحَلَمْتُ عَنِّي بِتَنْضِيلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ زَعْفَنَتَكَ عَلَيَّ،  
وَلَمْ تُكَدِّرْ مَغْرُوفَكَ عِنْدِي، فَازْحَمْ طُولَ تَضَرُّعِي وَشَدَّةَ مَشْكُونِي، وَسُوءَ  
مَؤْيقِي.

(١٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقِنِي مِنَ الْمَتَاصِي، وَاسْتَفِلْنِي  
بِالطَّاعَةِ، وَازْرُقْنِي حُسْنَ الْأَنْتَابِيَّةِ، وَطَهِّرْنِي بِالتَّوْيِةِ، وَأَيْدِنِي بِالْعَصْمَةِ، وَ  
اسْتَضْلِعْنِي بِالْقَافِيَّةِ، وَأَدْفِنِي خَلَاةَ الْمَتَفَوْرَةِ، وَاجْعَلْنِي طَلِيقَ<sup>٢١</sup> عَفْوَكَ، وَ  
عَيْقَ<sup>٢٢</sup> رَحْمَتِكَ، وَأَكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سُخْبَلَكَ، وَبَشِّرْنِي بِذَلِكَ فِي الْقَاجِلِ<sup>٢٣</sup>  
دُونَ الْأَجِلِ<sup>٢٤</sup>، بُشِّرَنِي أَغْرِفُهَا، وَعَرَفْنِي فِيهِ عَلَامَةً أَتَبِعُهَا، إِنْ ذَلِكَ لَا يَضِيقُ

می‌کنند، پس بر حضرت محمد و دوستان او درود فرست و به فضل خود پشتمن را سبک بارگردان. معبد من! اگر آن قدر بگریم که مژگانم بربیزد و آن قدر فریاد زنم تا صدایم قطع شود و آن قدر در محضرت باشیم تا پاهایم متورم گردد و آن چنان برایت رکوع کنم که کمرم بشکند و آن قدر سجده کنم که دیدگانم از حدقه برون شود و در تمام عمر خوراکم خاک و نوشیدنی ام آب خاکستر باشد و پیوسته - تازباز از کار بایستد - تو را بخوانم و از شرم محضرت چشم به سوی آسمان برسنارم، هرگز شایسته زدودن یکی از گناهاتم نخواهم بود.

(۱۲) و اگر تو مرا شایسته بخشنود بدانی و بیخشایی، یا مرا سزاوار عفو دانی و درگذری، نهچنین است که من مستحق این شایسته انگلاری و بخشنودگی ام، چون نحس‌تین بار که جرأت خلاف فرمان را از من دیدی، جزای من - همان وقت - جهنم بوده است، پس اگر هم اکنون مرا عذاب کنی، هرگز بر من ستم نرانده‌ای.

(۱۳) ای معبد من! اکنون که من [سبه روی] را در بس پرده خطأ پوشت پنهان ساختنی و رسایم نکردی و به کرم خود در عقوبتم درنگ رواداشتی و شتاب نکردی و به فضل و رحمتت با من صبوری کردی و زلال همیشه جاری و دیر آشنای احسانت را تیره نساختنی، پس بر زاری دیر پای، اوج درماندگی و جایگاه ناپسندم رحمت آر.

(۱۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از گناهان نگاهدار و بر اطاعت خود بگمار و بازگشت از گناه را به بهترین وجه نصیبیم گردان و با آب توبه پاک ساز و با حفظ و مصونیت بخشی خود تأیید فرما و با عافیت و سلامت، از اهل صلاح و سدادم قرار ده و شیرینی مغفرت را به من بجشان و مرا رهاشده عفو و آزاد شده رحمت قرار ده و خطأ امانی برایم بنگار تا از غضب مصون باشم و نویدت را در همین دنیا - نه آخرت - به من برسان؛ نویدی که آن را بشناسم و برایم نشانه قابل

عَلَيْكَ فِي وُسْعِكَ، وَلَا يَكُوْدُكَ<sup>٦٦</sup> فِي قُدْرَتِكَ، وَلَا يَتَضَعَّدُكَ<sup>٦٧</sup> فِي أَنْتَكَ<sup>٦٨</sup>، وَ  
لَا يَبُوْدُكَ<sup>٦٩</sup> فِي جَزِيلِ هَيَاتِكَ الَّتِي دَلَّتْ عَلَيْهَا آيَاتُكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَ  
تَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



فهمی در آن تعییه کن تا به درستی آن را بشناسم. اینها که می‌خواهم برای تو مشکل نیست و با وجود قدرت غیر متناهی تو، هرگز تو را خسته نمی‌کند و از حوصله حلم تو ببرون نیست و عطا‌بایی فراوان که با انسان‌های سیار ظاهر می‌شود برای تو خستگی نمی‌آورد؛ که تو هر چه اراده فرمایی، می‌کنی و به هر چه بخواهی فرمان می‌دهی، چرا که بر همه چیز توانایی.

### واژه‌ها:

۱۶. فیض دمع: ریزش اشکم.
۱۷. انتاپس: تحرک و لرزش اعضا.
۱۸. خمد: ضعیف و کوتاه شد.
۱۹. الجا: بلند صدا.
۲۰. عانیه: کار معیوب.
۲۱. لم تشهرنی: مرا مشهور نکردی.
۲۲. شائبه: قادر و پلیدی.
۲۳. ألسُثْ بِهَا: به جای آوردم.
۲۴. لم تهنه: پرده سرمه بر نداشتی.
۲۵. و لم تقدُّسَنِ: به گردش نیایو بخنی.
۲۶. شماره: عیب و عارها.
۲۷. سو، آتها: بدی‌ها.
۲۸. یلتسن: جست و جو کند.
۲۹. لم ینهی: مرا باز نداشت.
۳۰. عهدت: می‌شناختی.
۳۱. حظه: نسب او.

۱. پیغز: پناه می‌برد و التماس می‌کند.
۲. مستوحش: وحشت کننده.
۳. کنیب: دارای حزن شدید (حزین).
۴. غوث: پناه.
۵. عضد: بازو.
۶. طرید: طرد شده.
۷. لا یفرط: اسراف نکند.
۸. لبیک و سعدیک: حستاً اجابت و مساعدت می‌کنم.
۹. مطروح: روی زمین افتاده.
۱۰. اورقت: سگین کردم.
۱۱. آئش: نابود کرد.
۱۲. عفر: به خاک مالیده.
۱۳. لا تغیب: نویمید نکن.
۱۴. ولا یخذل: بیچاره مگر دان.
۱۵. ولا تجهیز: در صورتم مزن.

|                                 |                            |
|---------------------------------|----------------------------|
| ۵۱. آشنا؛ پلک چشم.              | ۳۲. اصلاح؛ طلب اصلاح.      |
| ۵۲. انتبعت؛ بلند کرده کنم.      | ۳۳. غورا؛ فقر و عمق.       |
| ۵۳. تشر؛ مفاصل از هم بگسلد.     | ۳۴. آمدند؛ او را شمرد.     |
| ۵۴. پنخلع؛ جدا شود.             | ۳۵. مکوم؛ پنهان.           |
| ۵۵. ٹلب؛ پشت.                   | ۳۶. انانک؛ تجاوز و گذشت.   |
| ۵۶. تتفقا؛ کور شود.             | ۳۷. ابطاء؛ تحمل و صبر.     |
| ۵۷. حدقاتی؛ سیاهی چشم.          | ۳۸. آرتدع؛ برگشت کنم.      |
| ۵۸. یکل <sup>۱</sup> ؛ بازماند. | ۳۹. السخطه؛ به غضب آورنده. |
| ۵۹. طرف؛ چشم.                   | ۴۰. اقلع؛ رها کرد.         |
| ۶۰. تفتت؛ پوشید.                | ۴۱. السخلاقة؛ کهنه.        |
| ۶۱. تائیت؛ مهلت دادی.           | ۴۲. آشنع؛ قبیح تو.         |
| ۶۲. طلیق؛ آزاد شده.             | ۴۳. تهور؛ حرکت بدون حساب.  |
| ۶۳. عنیق؛ آزاد شده.             | ۴۴. تهظیت؛ بیداری.         |
| ۶۴. عاجل؛ دنیا.                 | ۴۵. انتهاء؛ آگاهی.         |
| ۶۵. آجل؛ آخرت.                  | ۴۶. ارتقاب؛ انتظار.        |
| ۶۶. لایتکاؤ؛ خسته نشود.         | ۴۷. اولینج؛ سرزنش کنم.     |
| ۶۷. پسند؛ مشکل است.             | ۴۸. فکاک؛ بازشدن.          |
| ۶۸. آنانک؛ حلم تو.              | ۴۹. آرقها؛ به بند کشیده.   |
| ۶۹. لاپزوگ؛ بر تو مشکل نیست.    | ۵۰. انتله؛ سنگین کرده است. |



## دعاًهُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَدَاؤِهِ  
وَكَبَيْدَهِ:

- (١) اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ زَرَّاغَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ<sup>١</sup> وَكَبَيْدِهِ وَمَكَانِيدِهِ، وَ  
مِنَ النُّفَّةِ بِأَهْانِيَّهِ<sup>٢</sup> وَمَوَاعِيدهِ<sup>٣</sup> وَغُرُورِهِ وَمَصَانِيدِهِ.<sup>٤</sup>
- (٢) وَأَنْ يُطْمِعَ لَنَسْتَهُ فِي إِضَالَاتِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَأَمْتَهَانَنَا<sup>٥</sup> بِمَغْصِيَّكَ، أَوْ  
أَنْ يَخْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا.
- (٣) اللَّهُمَّ احْسَأْ<sup>٦</sup> عَنَّا بِعِنَادِكَ، وَأَكْبِثْ<sup>٧</sup> بِدُؤُوبِنَا<sup>٨</sup> فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ  
بَيْتَنَا وَبَيْتَهُ سِرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَرَذْمًا<sup>٩</sup> مُضِيًّا<sup>١٠</sup> لَا يَفْتَهُ<sup>١١</sup>.
- (٤) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْفَعْ عَنَّا بِنَعْصِي أَغْدَائِكَ، وَاغْصِنَا  
مِنْهُ بِخُسْنِ رِعَايَتِكَ، وَأَكْفِنَا خَزْرَة<sup>١٢</sup>، وَوَلَنَا<sup>١٣</sup> ظَهَرَة، وَاقْطِعْ عَنَّا إِنْزَة<sup>١٤</sup>.
- (٥) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَمْتَنَا مِنَ الْهُدَى بِسِيْمَلِ ضَلَالِتِهِ، وَ  
رَوَدَنَا<sup>١٥</sup> مِنَ التَّشْوِي ضِدَّ غَوَّابِتِهِ<sup>١٦</sup>، وَاشْلُكْ بِنَامِنَ التَّقْنِي خَلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ  
الرَّدَى<sup>١٧</sup>.

## دعای هفدهم

### پناه بردن به خدا از شیطان و دشمنی‌ها و نیرنگ‌های آن

(۱) خدایا! از وسوسه‌های شیطان رانده شده، حیله و مکرهاي او و از آن که به دروغها و وعده‌ها و فریب‌ها و دام‌های او اعتماد کنیم، به تو پناه می‌بریم.

(۲) خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که در گمراه ساختن مادر طریق بندگی تو طمع ورزد و مارا از راه مخالفت با تو خوار کند و یا این که هر چه را در نظر مازیبا جلوه دهد، نیکو بیینم؛ یا آنچه رامنفور جلوه دهد، برایمان دشوار باشد.

(۳) خدایا! شیطان را بایندگی خود، از حریم زندگی ما بران و با پایداری در دوستی خود وی را منکوب ساز و بین ما و شیطان چنان حجابی قرار ده که نتواند آن را بدرد و سذج استوار برقرار ساز که قدرت شکافتن آن را نداشته باشد.

(۴) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و شیطان را ببرخی دشمنانت مشغول گردان [تا فرصت هجوم بر ما پیدا نکند] و با حسن بنده پروری انت ما را از گزند او محفوظ بدار و خدعا و مکر او را از ما دور کن و فرار او و غلبة ما را مقدار گردان؛ آن چنان که جای پایش در حریم ما بر جای نماند.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و بهره مندی از هدایت را - به اندازه گمراهی شیطان - به ما عطا فرما و تقوارا که در مقابل اغواي او قرار دارد، تو شه راه مابگردان و مارا در پیمودن طریق پرهیزگاری که برخلاف گمراهی او است، موفق بدار.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي قُلُوبِنَا مَذْخَلًا وَ لَا شُوْطَنَّ<sup>١</sup> لَهُ فِي مَا لَدَنَا  
مُثْرِلاً.

(٧) اللَّهُمَّ وَ مَا سَوَّلَ<sup>٢</sup> لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَزَرْفْنَاهُ، وَ إِذَا عَرَّفْنَاهُ قَنَاهُ<sup>٣</sup>، وَ بَصَرْنَا  
مَا نَكَبِيْدَهُ يَهُ، وَ أَلْهَمْنَا مَا نَعِدَهُ لَهُ، وَ أَيْقَظْنَا عَنْ سِنَتَهُ<sup>٤</sup> الْفَقْلَةَ بِالرُّكُونِ<sup>٥</sup> إِلَيْهِ، وَ  
أَخْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَانَاهُ عَلَيْهِ.

(٨) اللَّهُمَّ وَ أَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَنْتِهِ، وَ الْطُّفْ لَنَا فِي نَفْضِ حَيْلِهِ.  
(٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حُولْ سُلْطَانَهُ عَنَّا، وَ افْطِعْ رَجَاهُ مِنَّا، وَ  
ادْرَاهُ<sup>٦</sup> عَنِ الْوُلُوعِ<sup>٧</sup> بِنَا.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ آبَاءَنَا وَ أَمْهَاتَنَا وَ أُولَادَنَا وَ  
أَهْلَنَا وَ ذُوِّي أَرْحَامَنَا وَ قَرَابَاتَنَا وَ جِرَانَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي  
جَزِيرَهُ<sup>٨</sup> حَارِزٍ، وَ حِصْنِ<sup>٩</sup> حَافِرٍ، وَ كَهْفِ<sup>١٠</sup> مَانِعٍ، وَ أَلْبِسْنَهُمْ مِنْهُ جَنَانَ<sup>١١</sup> وَاقِيَّةً<sup>١٢</sup>،  
وَ أَغْطِيْهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِيْغَةً مَاضِيَّةً.

(١١) اللَّهُمَّ وَ اغْمُمْ بِدِلْكَ مَنْ شَهَدَ لَكَ بِالرُّبُوْبِيَّةِ، وَ أَخْلَصْ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ،  
وَ عَادَاهُ<sup>١٣</sup> لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ، وَ اسْتَظْهَرْ بِكَ<sup>١٤</sup> عَلَيْهِ فِي مَغْرِفَةِ الْعِلْمِ  
الرَّئَاتِيَّةِ.

(١٢) اللَّهُمَّ اخْلُلْ مَا عَقَدَ، وَ افْتَنْ<sup>١٥</sup> مَارَقَ<sup>١٦</sup>، وَ افْسَخْ<sup>١٧</sup> مَادَبَرَ<sup>١٨</sup>، وَ تَبَطَّهُ<sup>١٩</sup>  
إِذَا عَزَّمَ، وَ انْفَضَّ مَا أَبْرَمَ<sup>٢٠</sup>.

(١٣) اللَّهُمَّ وَ اهْزِمْ<sup>٢١</sup> جُنَاحَهُ<sup>٢٢</sup>، وَ أَبْطِلْ كَيْدَهُ، وَ اهْدِمْ كَهْفَهُ<sup>٢٣</sup>، وَ أَرْغِمْ<sup>٢٤</sup>  
أَنْفَقَهُ<sup>٢٥</sup>.

(۶) خداوند! دریچه‌ای برای ورود شیطان به قلب‌های ما قرار مده و منزل‌گاهی برایش در آن چه نزد ماست، مگست.

(۷) خداوند! ما را از آن چه می‌آزاید و خوشایند جلوه می‌دهد، آگاه‌ساز و پس از شناسایی، ما را از آن نگاهدار و به ما بصیرت چگونگی مقابله با او را عطا فرماده از این ایزارهای لازم را برای نبرد با او در خاطر ما متفوّش ساز و ما را از خواب غفلتی -که بستر تعامل به او را فراهم می‌کند- بیدار کن و با حسن توفیق ما را در رویارویی با او مدد رسان.

(۸) خداوند! جان ما را از بی‌زاری جستن از کردار او سیراب گردان و به لطف خود ما را موفق کن که حیله‌های او را باطل کنیم و نقشه‌های او را بر باد دهیم.

(۹) خداوند، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و سلطه شیطان را از ما بازگیر و امید او را از ماقطع فرما و حرص او را براغوا و گمراهی مادفع بمنا.

(۱۰) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و پدران و مادران و هم‌وطنان و خاندان و نزدیکان و همسایگان مؤمن ما -اعیم از مرد و زن- را از شر شیطان در قلعه‌ای استوار و ذی نفوذ‌نپذیر و پناه‌گاهی امن قرار ده و سپرهایی نگه‌دارنده بر آنها پوشان و آنان را به سلاح برنده مسلح ساز!

(۱۱) خداوند! هر کس به رویبیت تو شهادت داده و خالصانه به وحدانیت اقرار کرده و با حقیقت بندگی به دشمنی شیطان برخاسته و در شناخت معارف الهی از حضرت یاری جسته تابر وی ظفر یابد؛ همگی رامشمول درخواست من -حفظ از مکاید شیطان- قرار ده!

(۱۲) خدایا! آن چه را شیطان گره زده، بگشا، آن چه را پیوند داده، بگسل و آن چه تدبیر کرده، باطل گردان! اگر آهنگ امری کرد، بازش دار و بینادهایی که برای گمراهی مردم استوار ساخته، ویران ساز!

(۱۳) خدایا! یاران شیطان را مغلوب گردان، حیله‌های او را باطل کن، سنگرش را ویران نما و او را نزد ما خوار و بیچاره ساز!

(١٤) اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظَمٍ أَغْدَائِيهِ، وَأَغْزِلْنَا عَنْ عَذَابِ أَذْيَائِهِ، لَا نُطْبِعُ لَهُ إِذَا اشْتَهَوْا إِنَّا، وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، تَأْمُرُ بِمَا تَوَاتَرَ عَلَيْهِ<sup>١٤</sup> مِنْ أَطْاعَ أَمْرَنَا، وَنَهِّطُ عَنْ مَتَابِقَيْهِ مِنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا<sup>١٥</sup> .

(١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَعَلِّيْ أَهْلِ بَيْتِ الطَّاهِرَيْنَ، وَأَعِنْدَنَا وَأَهْلَيْنَا وَإِخْرَاجَنَا وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعْدَنَا مِنْهُ، وَأَجِزْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا<sup>١٦</sup> بِكَ مِنْ حَوْفِهِ.

(١٦) وَاسْمَعْنَا مَا دَعَوْنَا يِهِ، وَأَغْطِنَا مَا أَغْلَقْنَاهُ، وَاحْفَظْنَا مَا تَسْبِيْنَا، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْغَالِبِينَ.

(۱۴) خداوند! ما را در زمرة دشمنان شیطان قرار ده و از جمیع دوستان او جدا ساز تا اگر در صدد فریب مابرآمد، از او پیروی نکنیم و اگر ما را به خود خواند، جواب مثبت ندهیم، توفیق عطا کن ناکسانی که از ما پیروی می‌کنند، به دشمنی او فرمان دهیم و کسی که بانهای ما از عمل باز می‌ایستد، از متابعت او بازداریم.

(۱۵) خدایا! بر حضرت محمد، خاتم پیامبران و سرور رسولان و خاندان پاک و پاکیزه‌ای درود فرست و ما و خاندان و برادران ما و همه مردان و زنان با ایمان را در آن چه به تو پناه بردیم، حمایت فرما و از شرّ، مصون دار و از آسیب تمامی آن چه از بیم آنها به تو پناه آوردیم، محفوظمان بدارا!

(۱۶) خدایا! در خواست‌مان را اجابت فرما و آن چه را طلب نکردیم و از آن غافل بودیم، به ما ارزانی دار و آن چه را فراموش کردیم، برای مانگاه دار و از رهگذر آن، ما را در درجه نیکان و مرتبه شایستگان جای ده. ای پروردگار جهانیان اجابت فرما!

### واژه‌ها:

۱۰. رَذْمًا: مانع محکم.
۱۱. مصیتاً: بسته و غیر قابل نفوذ.
۱۲. لاپتفته: شکنند آنرا.
۱۳. ختره: خدمعه.
۱۴. وَلَنَا: او را فرار بده که پشت به ما کند.
۱۵. إِثْرَه: آثار.
۱۶. رَوْدَنَا: به ما توشه راه کرامت کن.
۱۷. غَوَيْه: ضلالت.
۱۸. الرَّدَى: هلاکت.
۱۹. دُزُوب: جذیت.
۲۰. نِزْغَات: وسوسه و افساد.
۲۱. رَجِيم: رانده شده.
۲۲. آسَانی: آرزوها.
۲۳. مواعید: وعده‌ها.
۲۴. مَصَانَد: دام‌ها.
۲۵. امْتَهَان: به خدمت گرفتن.
۲۶. إِخْسَاء: او را طرد کن.
۲۷. إِكْبَه: مأیوسانه برگردان.

- ۳۴. مارتیق: آنچه بسته است.
- ۳۵. وافسخ: و فاسد کن.
- ۳۶. مادربر: آنچه را تدبیر کرده.
- ۳۷. بیله: زمین گیر کن.
- ۳۸. مالبرم: آنچه را محکم ساخته.
- ۳۹. واهم: و شکست بد.
- ۴۰. چند: لشکر.
- ۴۱. واددم کهنه: و کمین گاه او را منهدم کن.
- ۴۲. ارغم آنده: مایوسش کن - دماغ او را به خاک بمال.
- ۴۳. استهوانا: به میل گناه و ادارد.
- ۴۴. منواه: دشمنی.
- ۴۵. زجزنا: منع ما.
- ۴۶. استجرنا: پناه آور دیم.
- ۱۹. لاژطبیت: آماده مکن.
- ۲۰. سوژل: تزیین کرد.
- ۲۱. فقناه: مارانگه دار.
- ۲۲. بسته: مستی قبل از خواب.
- ۲۳. رگون: میل.
- ۲۴. ادرأه: او را دفع کن.
- ۲۵. ولوع: گول زدن.
- ۲۶. حرز: حفظ.
- ۲۷. حصن: دژ.
- ۲۸. کهف: پناهگاه.
- ۲۹. جن: سپرها.
- ۳۰. والیه: نگاهدارنده.
- ۳۱. عاده: با او به دشمنی برخاست.
- ۳۲. اسطلهر بد: از تو کمک خواست.
- ۳۳. وائتفق: و باز کن.



## دعاوه فى المحظورات

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَخْدُرُ، أَوْ عَجَلَ لَهُ مَطْلَبُهُ:

(١) أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَايَاكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي<sup>١</sup> مِنْ بَلَائِكَ،  
فَلَا تَجْعَلْ حَطْمًا مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَلْتَ لِي مِنْ عَافِيَّتِكَ، فَأَكُونَ قَدْ شَقَّيْتُ بِمَا  
أَخْبَيْتُ وَسَعَدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ.

(٢) وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيهِ أَوْ بَتُّ فِيهِ<sup>٢</sup> مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَّةِ بَيْنَ يَدَيِّي بَلَاءً  
لَا يَنْقُطُ وَزَرٌ<sup>٣</sup> لَا يَزْنَقُ، فَقَدَّمْتُ لِي مَا أَخَزْتُ، وَأَخْرَجْتُ عَنِّي مَا قَدَّمْتُ.

(٣) فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقِبَةُ الْفَتَاءِ، وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقِبَةُ الْبَقاءِ، وَصَلَّى عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

## دعای هجدهم

### دعا به هنکام دفع ناگواری‌ها و اجابت خواسته‌ها

(۱) خدایا! تو را بر نظام نکویی که در خلقت مقرّر داشتی، سپاس می‌گویم و حمد بی‌پایان تو را که بلا و گرفتاری را از من دور فرمودی؛ پس بهره مرا از رحمت خود در عافیت این جهان محدود مکن تا مبادا با رسیدن به آرزوهای دنبایی ام به شوربختی گرفتار شوم و اولیای تو با صبر در برابر ناملایماتی که من از آنها دوری می‌گزیدم، به سعادت نایل شوند.

(۲) خداوند!! اگر شب و روزهایی که در عافیت گذرانده‌ام، بلای غیر قابل زوال و بار سنگین دایمی [حاصل از گناه] در پیش دارند، آن بلاهارا مقدم ساز و این عافیت را ذخیره روزگار باقی عمرم قرار ده.

(۳) زیرا آن چه به نیستی انجامد، بسیار نیست و آن چه به بقا و پایداری انجامد، اندک نمی‌باشد و بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست.

---

#### واژه‌ها:

۱. صرفت عتی: از من برداشتی.
۲. ظلّث فیه: روز را گذراندم.
۳. پٰت فیه: شب را به روز آوردم.
۴. وزر: گناه.

## دعاوه في الاستسقاء

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْاِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَذْبِ:

(١) اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِعَيْنِكَ الْمُغْدِيقِ، مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِتَبَاتْ أَزْضَكَ الْمُؤْنِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ.

(٢) وَامْشِنْ عَلَى عِنَادِكَ يَوْنَاعِ الشَّمَرَةِ، وَأَخِي بِلَادِكَ يَلْتُوْغِ الرَّهْرَةِ، وَأَشْهِدْ مَلَائِكَكَ الْكَرَامِ السَّفَرَةَ يَسْقِي مِنْكَ نَافِعَ، دَائِسِ غُرْزَةً، وَاسِعِ دَرَرَةً، وَأَبِيلَ سَرِيعِ عَاجِلٍ.

(٣) تُخْبِي يَهْ مَا قَدْ مَاتَ، وَتَرْدِي يَهْ مَا قَدْ فَاتَ، وَتُخْرِجْ يَهْ مَا هُوَ آتٍ، وَتُوَسِّعْ يَهْ فِي الْأَقْوَاتِ، سَخَابًا مَسْرَاكِمًا "هَنِينَا" مَرِينَا<sup>١٠</sup> طَبَقًا مَجْلَجَلًا<sup>١١</sup>، غَيْزَ مُلْبِثَ<sup>٧</sup> وَدَفْهَ<sup>٨</sup>، وَلَا خَلْبَ<sup>٩</sup> بِزُقْهَ.

(٤) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْنَا مُغْيِثًا، مَرِيعًا<sup>١١</sup> مُنْرِعًا<sup>١٢</sup> عَرِيضاً وَاسِعًا<sup>١٣</sup> غَزِيرًا<sup>١٤</sup>، تَرْدِي يَهْ التَّهِيْصَ<sup>١٥</sup>، وَتُخْبِرِي يَهْ التَّهِيْصَ<sup>١٦</sup>.

## دعای نوزدهم

### دعای درخواست بارش باران

(۱) خدایا! بارانی گوارا به ما بنوشان. بار الها! رحمت را به واسطه باران‌های ریزان از ابرهایی که در آسمان روان‌اند و مأمور باریدن بر گل و گیاهان زمین گشته‌اند، بر ما فرو بار.

(۲) خدایا! بر بندگان بارسیدن میوه‌ها منت نه و شهرها را با پیدایش گل‌ها و سبزه‌ها زنده نما و آن دسته از فرشتگان گرامی را که ویژه نزول باران هستند حاضر گردان تا باران‌های نافع بسیار و باریزش پیوسته و پردادمه و تندا و باشتبا بیارند.

(۳) خداوند! بارانی بفرست که زمین‌های مرده را زنده کند و زیان‌های پیشین را جبران نماید و بدین سان آن چه باید به دست آید، مرحمت فرمایی و در روزی مردم گشایش کرامت کنی. ابری راسوق ده که فشرده باشد و آبی گوارا و صخت افزای بیارد؛ ابری که طبقاتش روی هم قرار گیرد و رگباری مبارک به همراه آورد؛ ابری که صدای غرش رعد از آن به گوش رسد و بارانش دائمی و برقش بی باران نباشد.

(۴) پروردگار! ما را به بارانی کامل و فراوان که قحطی را بزداید و رویاننده و پرورنده گیاهان و بر آب و فرگیر باشد. آن گونه که گیاهان و سبزه‌های پزمرده را شاداب کند و به حال اول برگرداند و کم آبی‌ها را جبران کند - سیراب فرما.

(٥) اللَّهُمَّ اشْقَنَا سَقِيًّا تُسِيلُ مِنْهُ الظَّرَابُ<sup>٦</sup>، وَتَنَلَّأْ مِنْهُ الْجَنَابُ<sup>٧</sup>، وَتَفْجُرُ<sup>٨</sup>  
بِهِ الْأَنْهَارُ، وَتُثْبِتُ بِهِ الْأَشْجَانُ، وَتُرْزِخُ<sup>٩</sup> بِهِ الْأَسْعَارُ<sup>١٠</sup> فِي جَمِيعِ  
الْأَنْصَارِ<sup>١١</sup>، وَتَنْعَشُ<sup>١٢</sup> بِهِ الْأَنْهَامُ وَالْخَلْقُ، وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَ  
تُثْبِتُ لَنَا بِهِ الرِّزْقَ، وَتُدْرِئُ<sup>١٣</sup> بِهِ الضَّرَّ<sup>١٤</sup>، وَتَرْبِدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ طَلْهَ عَلَيْنَا سَمُومًا<sup>١٥</sup>، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا مُحْسُومًا<sup>١٦</sup>، وَ  
لَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ<sup>١٧</sup> عَلَيْنَا رُجُومًا<sup>١٨</sup>، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاجًا<sup>١٩</sup>.

(٧) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَ  
الْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(۵) پروردگار!! بارانی بر ماببار که کوهساران را از آن جاری کنی و چاهه‌ها و  
قنات‌ها را با آن پرسازی و نهرها را با آن جوشان نمایی و درختان را بدان برویانی و  
قیمت‌ها به برکت آن فرو بارد و ارزانی به بار آرد و از این راه چهارپایان، بلکه همه  
خلق در آسایش شوند و بدین وسیله روزی پاکیزه به اندازه کافی به همگان برسد و  
کیشته‌ها به خوبی رشد کنند و شیر دام‌ها ریزان گردد و از این رهگذر، نیرویی بر  
نیروی مایه‌زایی.

(۶) خداوندگار!! سایه ابرها را بر ما طوفانی زهرآگین قرار مده و سرمای آن را بر  
ما منحوس و نامبارک مگردان و قطراتش را به صورت ریگ‌های رجم و لعنت بر ما  
نازل مفرما و آب‌هایش رادر کام ماشور و ناگوار مگردان.

(۷) پروردگار!! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و از برکات آسمان‌ها  
و زمین روزی مان گردان، که تو بر هر چیز توانایی.

### واژه‌ها:

۱. الفیث: باران.
۲. مدقق: پرآب.
۳. سحاب: ابر.
۴. الشنان: فرستاده شده.
۵. مونق: دارای حسن فراوان.
۶. ایاع: رسیده شدن.
۷. زَفَرَةٌ: گل.
۸. السفرة: فرستادگان برای ضبط و نوشتن.
۹. سق: آب دادن.
۱۰. غزر: کلیر.
۱۱. درون: پر منفعت.
۱۲. وابل: باران دانه درشت.
۱۳. متراکم: پشت در پشت.
۱۴. هنی: لذید.
۱۵. مری: خوش عاقبت.
۱۶. مجلجل: ابر پر رعد و برق.
۱۷. مُلْتَثٌ: برقرار.
۱۸. ودق: باران.
۱۹. خُلُبٌ: ابر بی باران.
۲۰. غیناً مفیناً: ابر پر باران.



## دعاوه في مكارم الأخلاق

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَرْضِيَ  
الْأَفْعَالِ:

(١) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلْغُ بِإِيمَانِي أَكْتَلَ الْأَيْمَانِ، وَاجْعَلْ  
يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَأَئْتُهُ بِنَسْيٍ إِلَى أَخْسَنِ النَّيَّاتِ، وَبِعَنْتَلِي إِلَى أَخْسَنِ  
الْأَعْمَالِ.

(٢) اللَّهُمَّ وَفُزْ بِلُطْفِكَ نَبَيِّ، وَصَحُّخْ بِسَاِعَتْدَكَ يَقِينِي، وَاسْتَضْلِعْ  
بِقُذْرَتِكَ مَا فَسَدَ مِنْ.

(٣) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَكْفِنِي مَا يَشْقَلُنِي الْأَهْتِمَامُ بِهِ،  
وَاسْتَغْفِلُنِي بِمَا تَشَأْلِي غَدَأَعْنَهُ، وَاسْتَفْرُغْ أَيْسَامِي فِيمَا حَلَقْتِنِي لَهُ،  
وَأَغْنِنِي وَأُوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ، وَلَا تُنْتَشِّي<sup>٤</sup> بِالنَّظَرِ، وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَّ  
بِالْكِبِيرِ، وَعَبَدْنِي لَكَ وَلَا تُنْسِدْ عِبَادَتِي بِالْغُبْجِ، وَأَغْرِي لِلنَّاسِ عَلَيَّ بَدَئِ  
الْخَيْرِ وَلَا تَنْهَقْهُ بِالْمَنْ، وَهَبْ لِي<sup>٥</sup> مَعَالِي الْأَخْلَاقِ<sup>٦</sup>، وَاغْصِنِي<sup>٧</sup> مِنَ  
الْفَغْرِ.

## دعای بیستم

### دعای درخواست مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده

(۱) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ایمان مرا به عالی ترین مرتبه ایمان و یقین را به بالاترین درجه یقین و نیت مرا به بهترین نیت‌ها و عملم را به خالص ترین اعمال مبدّل و نائل فرما.

(۲) خدایا! نیت مرا تامة و خالص قرار ده و یقینم را صحیح و مطابق با واقع گردان و کاستی‌ها و تبه کاری‌های مرا بارفق و مدارا اصلاح فرما.

(۳) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اقدام به آن چه مرا به خودش مشغول می‌سازد، بی نیاز گردن و به کاری که در فردای قیامت از آن سؤال می‌فرمایی، مشغول گردن و فراغتی به من ارزانی دار تادر ایام عمرم به آن چه مرا آفریده‌ای، بپردازم و روزی مرا وسیع قرار ده و نسبت به آن چه از دنیا در دست دیگران است، بی نیاز گردن تا آن که چشم داشتی از کسی نداشته باشم و مفتون آنها نگردم و به من عزّت بدون کبر و عبادت خالی از عجب عنایت فرماتا عبادتم را فاسد نکند و مرا مجرای خیر و نیکی بی منت نسبت به مردم قرار ده و اخلاق برتر به من عطا فرماد و از فخر فروشی باز دار.

(٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُزْفَنِي فِي السَّاِسَّ دَرْجَةً إِلَّا  
خَطَطْتَنِي<sup>١</sup> عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا، وَلَا تُخْدِثْ<sup>٢</sup> لِي عِزًا ظَاهِرًا إِلَّا أَخْدَثْتَ لِي ذَلَّةً  
بَاطِلَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا.

(٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَسْنَنِي<sup>٣</sup> بِهُدَى صَالِحٍ  
لَا شَيْبَلُ<sup>٤</sup> بِهِ، وَطَرِيقَةً حَقِّ لَا أَزِيغُ عَنْهَا<sup>٥</sup>، وَنِسَةً رُشِيدَ لَا أَشُكُّ  
فِيهَا، وَعَمَّزْنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاغِيَكَ، فَإِذَا كَانَ عُمُرِي مَرْتَعًا<sup>٦</sup>  
لِلشَّيْطَانِ فَاقِضِنِي إِلَيْكَ<sup>٧</sup> قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتَكَ<sup>٨</sup> إِلَيَّ، أَوْ يَسْتَخِكِمْ غَضَبُكَ  
عَلَيَّ.

(٦) اللَّهُمَّ لَا تَنْعِ<sup>٩</sup> خَضْلَةً<sup>١٠</sup> تَعَابُ مِنْ<sup>١١</sup> إِلَّا أَضْلَعْتَهَا، وَلَا غَائِيَةً<sup>١٢</sup> أُونَبَ<sup>١٣</sup>  
بِهَا إِلَّا حَسَنَتْهَا، وَلَا كُنْزَوَةً<sup>١٤</sup> فِي نَاقِصَةٍ إِلَّا أَثْمَنَتْهَا.

(٧) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَفْضَةٍ<sup>١٥</sup> أَهْلِ  
الشَّنَآنِ<sup>١٦</sup> الْمَحْبَّةِ، وَمِنْ حَسِيدِ أَهْلِ الْبَغْيِ<sup>١٧</sup> الْمَوْدَةِ<sup>١٨</sup>، وَمِنْ طَلَبَةِ<sup>١٩</sup> أَهْلِ الْصَّالِحِ  
الثَّقَةِ<sup>٢٠</sup>، وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْنَيْنِ<sup>٢١</sup> الْوَلَايَةِ<sup>٢٢</sup>، وَمِنْ عَقُوقِ<sup>٢٣</sup> ذَوِي الْأَزْحَامِ<sup>٢٤</sup>  
الْمُبَرَّةِ<sup>٢٥</sup>، وَمِنْ جَذْلَانِ<sup>٢٦</sup> الْأَقْرَبَيْنِ التُّنْضَرَةِ، وَمِنْ حُبِّ الْمُذَارَيْنِ<sup>٢٧</sup> تَضْرِيجَ  
الْمِيقَةِ<sup>٢٨</sup>، وَمِنْ رَدِّ الْمُلَابِسَيْنِ<sup>٢٩</sup> كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَمِنْ مَرَازَةِ<sup>٣٠</sup> خَوْفِ الظَّالِمِينَ  
خَلَاوَةِ الْأَمْنَيْةِ<sup>٣١</sup>.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هرگز مقام مرا نزد مردم  
بالا مبر، مگر آن که به همان میزان مرا نزد خویش پایین بیاوری و هیچ گاه سربلندی  
آشکار [در میان مردم] روزی ام مکن مگر آن که توفیق عطا کنی به همان مقدار در  
باطن به خواری خود آگاه شوم.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هدایت شابسته‌ای به من  
مرحمت فرماده چیز دیگری راجای گزین آن نکنم و راه حقی را به من بنمایه هرگز  
به روش دیگری تعامل نکنم و عزم قلبم را بر چنان رشدی استوار ساز که گرفتار شک  
نگردم و عمرم را تا آن زمان دراز ساز که در اطاعت تو صرف گردد و هر گاه عمر من  
چراگاه شیطان قرار گیرد قبل از آن که مورد خشم و غصب تو واقع گردم، اجل و  
سرآمد عمر مرابسان و به سوی خویشم بخوان.

(۶) خدایا! هیچ خصلتی که موجب سرزنش من باشد، در من باقی منه و هیچ عیبی  
را که مورده ملامت باشد، در قلب من و امکنگار جز آن که تو آن را به صفت پسندیده‌ای  
تبديل فرمایی و هیچ صفت کریمه ناقصی در من باقی مگذار مگر آن که آن را کامل  
گردانی.

(۷) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به جای کینه دشمنان و  
عادوت بدخواهان، به من محبت عنایت فرمای و به جای حسد ستم گران، از مودت  
خود نصیب ساز و به جای بی اعتمادی صالحان، اعتماد و اطمینان آنان را رازی ام دار  
و در برابر دشمنی نزدیکان، دوستی آنها را عطا ایم کن و به جای بدرفتاری خویشان،  
رسیدگی و نیکوبی آنان را مرحمت نما و بی وفاکی و بی مهری نزدیکان را به یاری  
مبدل ساز و به جای دوستی ظاهری مدارایی، محبت راستین آنان را روزی ام فرمای و به  
جای راندن یاران و روی بر تافقن معاشران، پذیرش و روی کرد و نزمش معاشرت  
آنان را به من عطا فرمای و تلخی ترس از ظالمان را به شیرینی امن و امان مبدل ساز.

(٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعُلْ لِي يَدًا عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَلِسَانًا  
عَلَى مَنْ خَاصَّنِي<sup>١</sup>، وَظَفَرًا بِمَنْ غَائَّنِي<sup>٢</sup>، وَهَبْ لِي مَكْرًا عَلَى مَنْ  
كَاهَيَّنِي<sup>٣</sup>، وَقُدرَةً عَلَى مَنْ اضْطَهَّنِي<sup>٤</sup>، وَتَكْذِيبًا لِمَنْ قَصَّبَنِي<sup>٥</sup>، وَسَلَامَةً  
مِمَّنْ تَوَعَّدَنِي، وَفَقْنِي لِطَاعَةً مِنْ سَدَّنِي، وَمَتَابِعَةً مِنْ أَزْشَدَنِي.

(٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدَّنِي لَأَنْ أَغَارِضَ<sup>٦</sup> مِنْ غَثَّنِي<sup>٧</sup>  
بِالنُّصُبِ، وَأَجْزِي مِنْ هَجَرَنِي<sup>٨</sup> بِالبَرِّ، وَأَثْبِتَ<sup>٩</sup> مِنْ حَرَمَتِي بِالبَذْلِ، وَ  
أَكَافِنِ<sup>١٠</sup> مِنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَأَخَالِفَ مِنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذَّكْرِ، وَأَنْ  
أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأَغْضِنِ<sup>١١</sup> عَنِ السَّيِّئَةِ.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّنِي<sup>١٢</sup> بِحُلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَأَلِيشِنِي<sup>١٣</sup>  
زِيَّةَ الشَّتَّانِينَ، فِي بَسْطِ الْعَذَلِ، وَكَطْمِ<sup>١٤</sup> الغَنِيطِ، وَإِطْفَاءِ النَّاِزِّةِ<sup>١٥</sup>، وَضَمِّ أَهْلِ  
الْفُوقَةِ<sup>١٦</sup>، وَإِضْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ<sup>١٧</sup>، وَإِفْشَاءِ الْغَارِفَةِ<sup>١٨</sup>، وَسُرْ الْعَاقِبَةِ<sup>١٩</sup>، وَلِينِ  
الْعَرِيَّةِ<sup>٢٠</sup>، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ<sup>٢١</sup>، وَحُسْنِ السَّيِّرَةِ<sup>٢٢</sup>، وَسُكُونِ الرَّبِيعِ<sup>٢٣</sup>، وَطَبِّ  
الْمُخَالَقَةِ<sup>٢٤</sup>.

(١١) وَالسَّبِقِ<sup>٢٥</sup> إِلَى الْفَضْلَيَةِ، وَإِبْتَارِ التَّقْصِلِ، وَتَزْكِيَ التَّغْيِيرِ<sup>٢٦</sup>، وَالْإِنْصَالِ  
عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحْقِقِ، وَالْقُولِ<sup>٢٧</sup> بِالْحَقِّ وَإِنْ عَزَّ<sup>٢٨</sup>، وَاسْتِغْلَالِ الْحَيْرِ<sup>٢٩</sup> وَإِنْ كَثُرَ مِنْ  
قَوْلِي وَفِتْلِي، وَاسْتِكْنَارِ الشَّرِّ<sup>٣٠</sup> وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفِتْلِي، وَأَكْمَلْ ذَلِكَ لِي  
بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُؤُومِ الْجَمَاعَةِ<sup>٣١</sup>، وَرَفْضِ<sup>٣٢</sup> أَهْلِ الْبَيْعِ، وَمُشْتَغِلِ الرَّأْيِ  
الْمُخْتَرِ<sup>٣٣</sup>.

(۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من قدرتی عطا فرما  
که بتوانم ستم را از خود دور گردانم و زیانی که به وسیله آن با خصم جدال نمایم و مرا  
بر کسی که با من دشمنی می‌کند، پیروز گردان. بار! الهامکر علیه آن کسی که دام کید فرا  
راهم گسترانیده، ارزانی ام کن و نیز و چیرگی بر کسی که بر من ستم رانده، عطا بایم  
فرما و دروغ گویی را که به من ناسازآمی گردید و ناروا ام بند افشاکن و سلامتی نسبت  
به تهدیدهای دیگران را به من ارزانی فرماده و موقتم دار که در اطاعت از ناصح مشق و  
ارشاد و راهنمایی های به حق او بکوشم.

(۹) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من آن قدرت روحی  
را عطا فرما که بتوانم در حق کسی که با من رفتار نفاق آمیز دارد، ناصح و مشق باشم و  
به آن که مرا ترک کرده، رسیدگی و نیکوبی کنم و به کسی که خیر خود را از من منع  
کرده، خیر رسانم و پاداش کسی را که از من بریده، بخر دانه عطا کنم و از آن که پشت  
سرم غبیت می‌کند، به خوبی و نیکی یاد کنم و بر بدی چشم پوشم.

(۱۰) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا به زیور صالحان و  
زینت تقوا پیشگان بیارا، تا مانند ایشان در گسترش عدالت و فرو بردن خشم و  
خاموش کردن شعله غضب و گردآوردن آنان که از یکدیگر جدا شده‌اند و اصلاح  
روابط مתחاصمان و نشر معروف و پوشاندن منکرات و نرمش در حلق و تواضع و  
نیک رفتاری و ملایمت و آرامش و خوش خلقی بکوشم.

(۱۱) مرا در پیشی گرفتن در کسب فضایل موفق بدار و یاریم کن تا بخشایش و  
بذل احسان را برگزینم و سرزنش دیگران را ترک گویم و تفضل خود را در حق کسانی  
که شایسته آن نیستند، ترک کنم و بر سخن حق اصرار و رزم - اگر چه قابل به آن کم  
باشد [یا گفتن آن مشکل باشد] - و اعمال خیر خود اعم از گفتار و کردارم را اندک  
شمارم، اگر چه بسیار باشد و همه این خواسته‌ها را همراه با توفيق بخثیدن در  
پایداری بر عبادت و بندگی خود، در حق من کامل فرماده و عنایتی کن تا با علوم

(١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعُلْ أَوْسَعَ رِزْقَكَ عَلَيَّ إِذَا كَبَرْتُ، وَأَقْوَى قُوَّتِكَ فِي إِذَا نَصَبْتُ<sup>٦</sup>، وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسْلِ<sup>٧</sup> عَنْ عِبَادَتِكَ، وَلَا تَعْنِي عَنْ سَبِيلِكَ، وَلَا بِالْتَّغْرِيرِ لِخَلَافِ مَحِبَّتِكَ، وَلَا مُجَامِعَةِ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ، وَلَا مُفَارِقَةِ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ اغْفِنِنِي أَصُولُ بِكَ<sup>٨</sup> عَنْدَ الْضَّرُورَةِ، وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ، وَأَتَسْرِعُ إِلَيْكَ عِنْدَ الشَّكْتَةِ، وَلَا تَنْهَنِي<sup>٩</sup> بِالْأَشْتِعَانَةِ بِقُبْرِكَ إِذَا اضْطَرَرْتُ، وَلَا بِالْخُضُوعِ لِسُؤَالِي غَيْرِكَ إِذَا افْتَزَتُ، وَلَا بِالْتَّضَرُعِ إِلَى مَنْ دُونَكَ إِذَا رَهِبْتُ<sup>١٠</sup>، فَأَشْتَعِنُ بِذَلِكَ حِذْلَاتِكَ<sup>١١</sup> وَمُنْكَرِكَ وَإِغْرِاصَكَ، يَا أَزْحَمَ الرَّاجِحِينَ.

(١٤) اللَّهُمَّ اغْفِلْ مَا يُلْقَى<sup>١٢</sup> الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّنَنِي وَالظَّنَنِي<sup>١٣</sup> وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِظَمَنِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُذْرَاتِكَ، وَتَذَبِيرًا عَلَى عَدُوكَ، وَمَا أَجْزَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةِ فُخْشِي أَوْ هُجْرِي أَوْ شَمِ عِزْضِي أَوْ شَهَادَةِ بَاطِلٍ أَوْ اغْبِيَابِ مُؤْمِنِي غَائِبِي أَوْ سَبِّ حَاضِرِي وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْفَةً بِالْحَمْدِ لَكَ، وَإِغْرِاقًا فِي الشَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَشُكْرًا لِيغْمِيَكَ، وَاغْتِرَابًا بِإِخْسَانِكَ، وَإِخْصَاءً<sup>١٤</sup> لِيَمْتَكِ.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ مُطْبِقٌ<sup>١٥</sup> لِلَّدْفَعِ عَنِّي، وَلَا أَظْلِمَنَّ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْضِ مِنِّي، وَلَا أَصْلَنَّ وَقَدْ أَنْكَثْتَ هَذَا يَتِي، وَلَا أَفْتَرَنَّ وَمِنْ عِنْدِكَ وُسْعِي<sup>١٦</sup>، وَلَا أَطْغِيَنَّ<sup>١٧</sup> وَمِنْ عِنْدِكَ وُجْدِي<sup>١٨</sup>.

مسلمانان همکام باشم و نزای ناهم خوانی، سازنکنم و از هرگز نه بدعت گذاری و  
دسته بندی در حاشیه جامعه مسلمانان بر حذر باشم.

(۱۲) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و وسیع ترین روزی را به  
هنگام کهن سالی نصیبیم فرما و بیشترین ناب و توان را به هنگام پیری عنایتم کن و به  
کسالت در بندگی و کوری در تشخیص راه مبتلایم مگردن و اقدام بر خلاف مقتضای  
محبت و دوستی با دشمنان و جدایی از دوستانت را براهم مقدار مفرما.

(۱۳) خدایا! چنان تقدیر فرماده هنگام ضرورت و حاجت از تو درخواست کنم و  
در گرفتاری و مسکنت، به تو تصرع کنم و مراد وقت اضطرار گرفتار گرفتار کمک خواستن  
از غیر خود مفرما و هنگام فقر به کرنش درخواست از غیر مبتلایم ممکن و از زاری نزد  
دیگران در هنگام خوف دورم بدار که مبادا مستحق منع و اعراض و دورافتادگی از تو  
گردم. ای مهربان ترین مهربانان!

(۱۴) خدایا! خواهش‌ها، سوء‌ظن و حسدی را که شیطان در روح من القا می‌کند،  
سبب یادآوری عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر نسبت به دشمنان خود قرار بده و  
اگر کلمه ناسزا یا پرگویی ناروا یا هنگ عرض مردم یا شهادت باطل یا غایبیت مؤمن و یا  
جسارانی به شخص حاضر و مانند اینها بر زبانم جاری کند، همکی را به سپاس گویی  
خود و کوشش در ثناگویی حضرت و حرکت در بزرگداشت و شکر نعمت و  
اعتراف به احسان و شمارش منت‌هایت مبدّل فرما.

(۱۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا ظلم‌پذیر قرار مده  
که تو بر دفاع از من توانایی و هرگز مرا ستم پیشه قرار مده که تو قادری مرا از خطای  
بازداری و گمراهم مپسند که هدایت من برای تو میسر است و بی‌نوابیم مخواه که  
روزی فراخم به دست توست و سرکش و عصیان گرم قرار مده که تو می‌توانی مرا  
نگاه داری.

(١٦) اللَّهُمَّ إِلَيْكَ مَفْرِتُكَ وَقَدْتُ<sup>٧</sup>، وَإِلَيْكَ عَفْوُكَ قَصَدْتُ، وَإِلَيْكَ تَجَاوِزْتُ  
اشْتَقْتُ<sup>٨</sup>، وَيُفَضِّلُكَ وَنَفَتُ<sup>٩</sup>، وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي مَفْرِتُكَ، وَلَا فِي  
عَمَلِي مَا أَشْتَحِقُ بِهِ عَفْوَكَ، وَمَا لِي بَغْدَ أَنْ حَكَمْتُ عَلَى نَفْسِي إِلَّا فَضْلُكَ،  
فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ.

(١٧) اللَّهُمَّ وَأَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَأَهْمِنِي التَّقْوَى، وَوَقْفِنِي لِلَّتِي هِيَ أَرْكَنِي،  
وَاسْتَفْلِنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى.

(١٨) اللَّهُمَّ اشْلُكْ بَيْنَ الطَّرِيقَةِ الْمُثْلِنِ<sup>١٠</sup>، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمْوَاتُ  
وَأَخِيَا.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَسْنِنِي بِالْإِقْبَادِ<sup>١١</sup>، وَاجْعَلْنِي  
مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ<sup>١٢</sup>، وَمِنْ أُولَئِكَ الرَّشَادِ<sup>١٣</sup>، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَازْعُفْنِي  
فَوزَ الْمَقَادِ، وَسَلَامَةَ الْمِرْصَادِ<sup>١٤</sup>، اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخْلِصُهَا<sup>١٥</sup>،  
وَأُبْقِي لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُضْلِلُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَا لِكَ أَوْ تَغْصَبَهَا<sup>١٦</sup>، اللَّهُمَّ  
أَنْتَ عَدِّي<sup>١٧</sup> إِنْ حَرَّتْ، وَأَنْتَ مُنْتَجِعِي<sup>١٨</sup> إِنْ حَرِّمْتْ، وَبِكَ اسْتِغْاثَتِي إِنْ  
كَرِثْتْ<sup>١٩</sup>، وَعِنْدَكَ مِثَا فَاتَ حَلْفُ، وَلِمَا فَسَدَ صَلَاحُ، وَفِيمَا أَنْكَرْتَ تَغْيِيرُ،  
فَامْتَنْ عَلَى قَبْلِ الْتِلَاءِ بِالْعَافِيَةِ، وَقَبْلِ الْطَّلَبِ بِالْجَدَّةِ، وَقَبْلِ الصَّلَالِ بِالرَّشَادِ،  
وَانْهَفْنِي مَوْنَةً<sup>٢٠</sup> مَعْرَةَ الْعِبَادِ، وَهَبْ لِي أَمْنَ يَوْمِ الْمَقَادِ، وَامْتَخِنْي<sup>٢١</sup> حُشْنَ  
الْإِرْشَادِ.

(۱۶) خدایا! به مغفرت و عفو توروی آورده‌ام و به گذشت تو مشتاق و به فضل تو  
امیدوارم و هیچ چیز که مرا لایق مغفرت تو یا مستحق عفو تو گرداند، در من و اعمال  
نیست، بلکه پس از وارسی خود، جز فضل تو هیچ چیز را مایه امید نمی‌بینم، پس بر  
حضرت محمد و خاندان او درود فرست و بر من تفضل فرما.

(۱۷) خدایا! زبانم را به هدایت مردم گویاگردن و تقدیر ا به قلب الهام فرما و به  
نیکوترين کارها موافق بدار و در پسندیده ترين کارها بگمار. خدایا! منش و سيرة مرا  
در عالي ترين و روشن ترين راهها قرار ده؛ آن چنان که در مسير دين و آيین تو بعيرم و  
زنده گردد.

(۱۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از ميانه روی  
بهره‌مند ساز و از بندگان شايسته و راهنمایان به سوي رشد و صالحان و رستگاران  
در قيامت قرار ده و از وارستگان از کمین‌گاه رستاخيز مفتخر فرما. خدایا! از  
خودت برایم بهره‌ای قرار ده که مرا خالص سازد و از خودم برای نفسم واعظی مقرر  
فرما که آن را اصلاح کند. به درستی که جان من در هلاکت است، مگر آن که تو  
نگاهش داری.

(۱۹) خدایا! در حزن و اندوه، اندوخته‌ام توبي و در نوميدیا، فرياد رسما  
توبی و در شدت گرفتاري هایم پناه من توبي. آن چه تباہ شود، جای گزینش نزد  
توست و آن چه را نپسندی، بر دکرگونی آن توانيي، پس قبل از بلا، عافيت و پيش از  
درخواست، عطا و قبل از گمراهي، ارشاد و هدایت خود را به من كرامت فرما و مرا  
مورد عيجمويي و شماتت بندگانت قرار مده و امنيت روز قيامت را نصييم فرما و  
بهترین طريق ارشاد را نصييم ساز.

(٢٠) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْرُأْ<sup>١٠١</sup> عَنِي بِلُطْفِكَ، وَاغْذِنِي<sup>١٠٢</sup>  
بِيغْفِيتكَ، وَاصْلِغْنِي بِكَرِيمَكَ، وَدَاوِنِي بِصَنْعِكَ، وَأَظْلِنِي<sup>١٠٣</sup> فِي ذَرَاكَ<sup>١٠٤</sup>، وَ  
جَلِّنِي رِضَاكَ، وَفَقْتِنِي إِذَا اشْتَكَلتُ عَلَى الْأَمْوَالِ لِأَهْداهَا، وَإِذَا تَشَابَهَتِ  
الْأَعْمَالُ لِأَزْكَاهَا، وَإِذَا تَسَاقَتِ الْمِلْلُ لِأَرْضَاهَا.

(٢١) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوْجِنِي<sup>١٠٥</sup> بِالْكِفَايَةِ، وَسُنْنِي<sup>١٠٦</sup> حُسْنَ  
الْوِلَايَةِ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ، وَلَا تُسْتَبِّنِي بِالسَّعْدَةِ، وَامْنِيغْنِي حُسْنَ  
الْدَّعْةِ<sup>١٠٧</sup>، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدَّاً<sup>١٠٨</sup> كَدَّاً، وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي عَلَى رَدَّاً، فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ  
لَكَ ضَدًا، وَلَا أَذْعُو مَقْدَكَ بَدَّاً<sup>١٠٩</sup>.

(٢٢) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَغَنِي مِنَ السَّرَّافِ، وَحَصْنِ<sup>١١٠</sup> رِزْقِي  
مِنَ التَّلَفِ، وَوَقْفِ<sup>١١١</sup> مَلْكَيَّتِي بِالْبَرْكَةِ فِيهِ، وَأَصْبِبِي<sup>١١٢</sup> سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبَرِّ فِيمَا  
أُنْقُنُ مِنْهُ، اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَكْفِنِي مَسْوَةَ الْأَكْتِسَابِ<sup>١١٣</sup>، وَ  
ازْرُقْنِي مِنْ غَيْرِ اخْتِسَابٍ، قَلَا أَشَتَّلُ عَنِ عِبَادَتِكَ بِالْطَّلْبِ، وَلَا أَخْتَلِلْ إِضْرَابَ<sup>١١٤</sup>  
تِبْغَاتِ<sup>١١٥</sup> التَّكْسِبِ.

(٢٣) اللَّهُمَّ فَأَطْلِبْنِي بِقُدْرَاتِكَ مَا أَطْلُبُ، وَاجْزِنْنِي بِعِزَّتِكَ مِثَا أَزْهَبُ<sup>١١٦</sup>،  
الَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنْ<sup>١١٧</sup> وَجْهِي بِالْيَسَارِ<sup>١١٨</sup>، وَلَا تَبْتَذِلْ جَاهِي  
بِالْأَقْتَارِ، فَأَسْتَرِزِقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَأَسْتَغْطِي شَرَارَ خَلْقِكَ، فَأَقْتَنِنِي بِحَمْدِ مَنْ  
أَغْطَانِي، وَأَبْتَلِنِي بِدَمٍ مَنْ مَنْقَنِي، وَأَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيُ الْأَغْطَاءِ وَالْمُشْغِلِ.

(۲۰) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ناگواری‌ها را به لطف خود از من دور گردان و به نعمت خود مرا پرورش ده (در نعمت‌های خود پناهم بده) و به کرمت، اصلاحم کن و به صنع حکیمانهات، مرض جهل و تباہی مرا مداوا فرم او در سایه رحمت خود پناهم ده و باخشنودی خود، بزرگم دار و در مشکل ترین امور، توفیق بهترین انتخاب را مرحمت کن و در بین رفشارها و کارهای مشابه به پاک‌ترین روش رهنمونم باش و آن گاه که مذاهب گوناگون برخلاف یکدیگر برخیزند، مرا به آن چه پسندیده‌تر است، هدایت فرما.

(۲۱) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و تاج بی‌نیازی از غیر را بر سرم گذار و توفیق در زندگی را نصیبیم گردن و هدایت راستین و واقعی را ارزانی‌امدار و هرگز به ثروت گرفتار مگردان و به من توفیق آسایش در زندگی را کرامت فرما و زندگی ام راسخت و پریشان مکن و دعایم رارد مگردان، که من هرگز برای تو ضد و میثُل قرار نداده‌ام.

(۲۲) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از اسراف بازدار و روزیم را در دژ مستحکم خود از هرگونه اتلاف محفوظ بدار و در اموال ببرکت و فزونی عطاکن و چون از آن انفاق کنم راه خیر پیش پایم گذار. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و زحمت کسب مال را از عهده من بردار و بی حساب روزی ام ده تا به جای بندگی و عبادت تو، سرگرم درخواست از حضرت نشوم و متحمل و بالا کسب و کار نگردم.

(۲۳) بار إلها! به قدرت خود حاجتم را روا ساز و به عزّت، مرا از آن چه می‌ترسم، پناه ده. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و باگشایش در روزی، آبرویم را حفظ نما و عزّت و کرامت را بانگدستی مگیر، مبادا که از روزی خواران تو روزی طلبم و از بد سرشان خلق عطا خواهم و گرفتار سپاس گویی آن شوم که به

(٢٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَازْفُقْنِي صَحَّةً فِي عِبَادَةِ، وَفَرَاغًا<sup>١١١</sup> فِي رَهَاةِ، وَعِلْمًا فِي اسْتِغْنَاءِ، وَرَزْعًا فِي إِجْتِمَاعٍ<sup>١١٢</sup>، اللَّهُمَّ أَخْبِرْنِي بِعَنْوَكَ أَجْلِي، وَحَقْقُ فِي رَجَاءِ رَحْمَتِكَ أَمْلِي، وَسَهَّلْ إِلَيَّ بُلُوغِ رِضَاكَ شُبْلِي، وَحَسْنُ فِي جَمِيعِ أَخْوَالِي عَنِّي.

(٢٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَبَّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَذْقَانِ الْفَقَلَةِ، وَاسْتَغْفِلْنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ النُّهَيَةِ<sup>١١٣</sup>، وَانْهِجْ لِي إِلَى مَحَبَّتِكَ سَبِيلًا سَهْلَةً<sup>١١٤</sup>، أَكْمِلْ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ، وَأَنْتَ مُصْلِّ عَلَى أَحَدٍ بَغْدَهُ، وَآتَيْتَنِي الدُّنْيَا حَسَنَةً<sup>١١٥</sup> وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً<sup>١١٦</sup>، وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ التَّارِ.

من چیزی بخشدیده‌اند و یا نکوhest آنان که از من دریغ کرده است، با آن که فبیض و بخشش و منع و دریغ تنها به دست توست.

(۲۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من سلامتی در عبادت و فراغت در زهد و علم باعمل و پرهیزکاری همراه با میانه روی کرامت بفرما. پروردگارا! عمرم را با عفو خود پایان بخشن و آرزویم را با امید به رحمت جامعه عمل بپوشان و منش و شیوه‌هایم را به رضایت خود ختم فرما و تمامی کارهایم را نیکو و خالی از عیب قرار ده.

(۲۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به هنگام غفلت با یاد خودت آگاهیم کن و در ایام زندگی این جهان به طاعت خود و ادارم ساز و راهی آسان به سوی محبت خود به من ارائه فرمای که خیر دنیا و آخرت با آن کامل گردد. خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست؛ چونان بهترین درودی که پیش از این بر کسی نثار فرموده‌ای یا پس از این نثار می‌فرمایی و نیکی و خیر دنیا و آخرت را روزی ام گردان و به رحمت خود از عذاب آتش در امان بدار.

### واژه‌ها:

۱. وقر: فراوان کن.
۲. صفح: خالی از خطایگردن.
۳. استفرغ: خالی گردن.
۴. ولانقش: مرادر فتنه قرار مده.
۵. لاتحقد: نابودش مگردن.
۶. هب لی: به من بیخشاری.
۷. معالی‌الاخلاقی: اخلاق شریف و بلندپایه.
۸. واعصتی: مرانگه‌دار.
۹. حلطتن: مرا به انحطاط خودم آگاه کن.
۱۰. لانجحدت: ایجاد مکن.
۱۱. متنی: مرا پر نصیب کن.
۱۲. لا استبدل: عوضش نکنم.
۱۳. لا ازین عنها: روی بر نگردانم.
۱۴. مرتع: چراگاه.

۱۵. فالبختی إلهک: مرا به مرگ نصب کن و سوی خود ببر.

۱۶. مقت: غصب.

۱۷. لاندغ: وامگذار.

۱۸. خصله: خلق.

۱۹. ثواب متّ: مورد عیب قرارگیرم.

۲۰. عاته: صفت پلید.

۲۱. أوّتیه: ملامت شوم.

۲۲. اگرودمه: صفتی که نیاز به تکمیل دارد.

۲۳. بغضه: بغض.

۲۴. أهل شّان: کینه.

۲۵. أهل البّن: اهل ستم.

۲۶. الْوَدَّة: دوستی.

۲۷. ظّلة: تهمت.

۲۸. ثقة: اطمینان.

۲۹. أَدْنِين: نزدیکان.

۳۰. الولایة: دوستی.

۳۱. حقوق: بریدن.

۳۲. ذوق الارحام: بستگان.

۳۳. السّرّة: نیکویی.

۳۴. خذلان: رها کردن و یاری نکردن.

۳۵. مدارین: با محبت‌ها و مداراگرها.

۳۶. مقة: محبت.

۳۷. ملاسین: نزدیکان.

۳۸. مرارة: تلخی.

۳۹. الأمّة: امن و امان.

۴۰. خاصّتی: با من دشمنی کند.

۴۱. عاندی: با من سیز کند.

۴۲. کایدی: با من فکر کند.

۴۳. اضطهانی: بر من غلبه کند.

۴۴. قصّنی: از من عیب گویی کند.

۴۵. اعراض: مقابله کنم.

۴۶. غشّنی: حبیله کند.

۴۷. هجرنی: مرا دور می‌کند. از من دوری می‌کند.

۴۸. بُرّ: نیکویی.

۴۹. أَثْيَب: جزا دهم.

۵۰. اکافی: تلافی کنم.

۵۱. أَنْعَص: چشم بپوشم.

۵۲. حلّنی: مرا زیست ده.

۵۳. البّسّ: بپوشان.

۵۴. كظم: فرو بردن غصب.

۵۵. اطْفَأ نَارَة: خاموش کردن نَّفَّتَه.

۵۶. ضمّ أَهْل الْفَرَقَة: جمع کردن دلّهای از هم دور شده.

۵۷. اصلاح ذات البیان: اصلاح بین [مردم].

|   |  |
|---|--|
| <p>۵۸. افشاء العارفة: بازگر کردن خوبی‌ها.</p> <p>۵۹. ستر العاتیة: پنهان کردن عیب‌ها.</p> <p>۶۰. لین المیرکة: نرم خوبی.</p> <p>۶۱. خفض الجناح: تواضع.</p> <p>۶۲. حسن السیرة: خوش رفتاری.</p> <p>۶۳. سکون الریح: وقار.</p> <p>۶۴. طب المخالفة: خوش اخلاقی.</p> <p>۶۵. ترک التبریر: ترک سرزنش.</p> <p>۶۶. هرّ: قلیل الوجود و مشکل.</p> <p>۶۷. استقلال الغیر: خیر خود را کم دیدن.</p> <p>۶۸. استکار الشّرّ: شر خود را زیاد دیدن.</p> <p>۶۹. لزوم الجماعة: همراه مردم بودن.</p> <p>۷۰. رفض: طرد و رد کردن.</p> <p>۷۱. رأى المُسْتَخْرِج: از خود در آوردن (بدعت).</p> <p>۷۲. تصب: هنگامی که به ضعف مبتلا شویم.</p> <p>۷۳. کل: کمال.</p> <p>۷۴. أحوال بد: به تو پیوندم.</p> <p>۷۵. ولاقتش: به فتنه و امتحان مبتلایم نکن.</p> <p>۷۶. رهبت: بررسی.</p> <p>۷۷. خذلان: بیچارگی.</p> <p>۷۸. ألقى: به من القاکن.</p> <p>۷۹. نظری: بدگمانی.</p> | <p>۸۰. سبّ: دشنام.</p> <p>۸۱. إصّاد: شمارش.</p> <p>۸۲. مطيق: توانا.</p> <p>۸۳. وسّع: کشایش.</p> <p>۸۴. اطغیف: طفیان و سرکشی کنم.</p> <p>۸۵. وجدي: ثروت.</p> <p>۸۶. وفدت: فرود آدم.</p> <p>۸۷. اشتقت: مشتاق شدم.</p> <p>۸۸. وقت: اطمینان کردم.</p> <p>۸۹. الشّلّ: بهترین.</p> <p>۹۰. اقصاد: میانه روی در هر امور.</p> <p>۹۱. سداد: استحکام.</p> <p>۹۲. ادلة الشّاد: دلیلان راه رشد.</p> <p>۹۳. مرصاد: کمینگاه - کنایه از قیامت.</p> <p>۹۴. يخلّصها: آن را پاکیزه کند.</p> <p>۹۵. تصمها: آن را نگهداری.</p> <p>۹۶. عذّتی: ذخیره من.</p> <p>۹۷. متبعی: امید خیر منی.</p> <p>۹۸. كرث: گرفتار شوم.</p> <p>۹۹. مؤونة: کفایت امور.</p> <p>۱۰۰. وامتحنی: عطایم کن.</p> <p>۱۰۱. وادرأ: دور کن.</p> <p>۱۰۲. واغذني: مرا بپروران.</p> |
|---|--|

|   |  |
|---|--|
| <p>۱۱۵. تبعات: مشکلات.</p> <p>۱۱۶. مارهب: آن چه را ز آن می ترسم.</p> <p>۱۱۷. شن: نگهدار.</p> <p>۱۱۸. بسار: گشایش.</p> <p>۱۱۹. فراخ: خلاص.</p> <p>۱۲۰. ورعاً فی إجمال: تقوای پنهان و بدون افراط و تغیریط.</p> <p>۱۲۱. أيام المهلة: دنیا.</p> <p>۱۲۲. سبیل سهل: راه آسان.</p> <p>۱۲۳. فی الدنيا حسنة: خوبی های دنیا.</p> <p>۱۲۴. فی الآخرة حسنة: درجات اخروی.</p> | <p>۱۰۳. اظلنی: مرا بپوشان.</p> <p>۱۰۴. ذراک: بناء و حمایت تو.</p> <p>۱۰۵. تؤجن: عظمت نصیبم کن.</p> <p>۱۰۶. شنی: انتخابم کن.</p> <p>۱۰۷. دعه: راحت.</p> <p>۱۰۸. کدآ: سخت.</p> <p>۱۰۹. ند: مثل.</p> <p>۱۱۰. حتن: نگهدار.</p> <p>۱۱۱. وقر: زیاد کن.</p> <p>۱۱۲. آییب بی: مرا برسان.</p> <p>۱۱۳. مؤونة الاكتاب: سختی کسب و کار.</p> <p>۱۱۴. إصر: سختی.</p> |
|---|--|



## دعاوه إذا حزنه أمر و أهمته الخطايا

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ وَأَهْمَتْهُ الْخَطَايَا:

- (١) اللَّهُمَّ يَا كَافِنَ الْفَزْدِ الْضَّعِيفِ، وَوَاقِنَ الْأَمْرِ الْمُخْوَفِ، أَفْرَدَ ثَنَيَ الْخَطَايَا فَلَا صَاحِبَ مَعِي، وَصَفَقْتُ عَنْ عَضْبِكَ فَلَا مُؤْيَدٌ لِي، وَأَشْرَقْتُ عَلَى حَوْفِ لِقَائِكَ فَلَا مُسْكُنٌ لِرُؤْعِيٍّ.
- (٢) وَمَنْ يُؤْمِنُ بِمِنْكَ وَأَنْتَ أَخْفَتَنِي؟ وَمَنْ يُسَاعِدُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدَنِي؟ وَمَنْ يَقُوِّيَنِي وَأَنْتَ أَضْعَفَنِي؟
- (٣) لَا يُجِيرُ - يَا إِلَهِي - إِلَّا رَبُّ عَلَى مَزْبُوبٍ، وَلَا يُؤْمِنُ إِلَّا غَالِبٌ عَلَى مَغْلُوبٍ، وَلَا يُعِينُ إِلَّا طَالِبٌ عَلَى مَطْلُوبٍ.
- (٤) وَبِيَدِكَ - يَا إِلَهِي - جَمِيعُ ذَلِكَ السَّبَبِ، وَإِلَيْكَ الْمُفَرَّجُ وَالْمُهْرَبُ، فَصَلُّ عَلَى مُعَمِّدٍ وَآلِهِ، وَأَجِزْ هَرَبِيٍّ، وَأَتْبِعْ مَطْلَبِي.
- (٥) اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ صَرَقْتَ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ، أَوْ مَنَعْتَنِي فَضْلَكَ الْجَيِّسِمَ، أَوْ حَظَرْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ، أَوْ قَطَقْتَ عَنِّي سَبَبَكَ، لَمْ أَجِدْ السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْلِي غَيْرَكَ، وَلَمْ أَقِدْرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِسَمْوَنَةِ سِرَاكَ، فَإِنِّي

## دعای بیست و یکم

### دعا به هنگام پیش آمد اندوه و غصه اشتباهات

(۱) معبودا! ای بی نیاز کننده ناتوانان و ای حافظ بندگان از امور بیمناک! گناهان موجب تنهایی ام شده و هیچ یاری ندارم و در برابر خشم تو ناتوانم و در این پریشانی یاوری ندارم و به لقای پر مهابت تو نزدیک شده‌ام، بی آن که تسکین دهنده‌ای برای دل نگرانی‌هایم داشته باشم.

(۲) ای خدای من! کیست که مرا این سازد، آن گاه که تو مرا بتراوی و کیست که یاری ام کند، آن گاه که تو مراتها گذاری و کیست که تو ایام سازد، اگر تو مرا ناتوان سازی؟

(۳) خدایا! کسی جز پروردگار، بندگان را پنهان نمی‌دهد و جز شخص پیروز، کسی فرد شکست خورده را امان نمی‌بخشد و فرد طلب شده، کسی جز فرد یاری خواسته را مدد نمی‌رساند.

(۴) خدایا! تمامی علت‌ها و اسباب هستی به دست توست و فرار از هر امر نامطلوب فقط به سوی تو می‌باشد و تنها ملجم و پناه تو هستی، پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و پناهم باش و حاجتم را رواکن.

(۵) خدایا! اگر روی پر مهر و باکرامت خود را از من بگردانی، یا فضل بزرگ خود را از من دور کنی، یا روزی خود را قطع فرمایی، یا راه‌های پیوند به خویش را بر من بیندی، هرگز راهی به هیچ یک از آرزوهایم نخواهم داشت و هرگز با کمک دیگران نمی‌توان به خزانن برکاتی که نزد توست، دست یابم، زیرا من بسته تو هستم و در

عَنْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي يَبْدُوكَ.

(٦) لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ، مَاضٍ فِي حُكْمِكَ، عَذْلٌ فِي قَضَاؤَكَ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ، وَلَا أَشْتَطِعُ مُجَاوِزَةَ قُدْرَتِكَ، وَلَا أَشْتَيْلُ<sup>١</sup> هَوَاكَ، وَلَا أَبْلُغُ رِضَاكَ، وَلَا أَسْأَلُ<sup>٢</sup> مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِطَاعَتِكَ وَبِفَضْلِ رَحْمَتِكَ.

(٧) إِنِّي، أَضْبَخْتُ وَأَمْسَيْتُ<sup>٣</sup> عَنْدَأَا دَاخِرًا<sup>٤</sup> لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي شَفَاعًا وَلَا حَصْرًا إِلَيْكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَأَغْرِفُ بِضَعْفِ فُؤَدي وَقِلَّةِ جِيلَتِي<sup>٥</sup>، فَأَنْجِزْلِي<sup>٦</sup> مَا وَعَدْتَنِي، وَتَسْمِمْ لِي مَا آتَيْتَنِي، فَإِنِّي عَنْدَكَ الْمُشْكِنُ الْمُشْتَكِنُ الْمُضَعِّفُ الْمُرَرِيُّ<sup>٧</sup> الْحَقِيرُ الْمُهِينُ<sup>٨</sup> الْفَقِيرُ الْخَافِرُ الْمُسْتَجِيرُ<sup>٩</sup>.

(٨) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًّا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي<sup>١٠</sup>، وَلَا غَافِلًا إِلَّا خَسَانِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَنِي<sup>١١</sup>، وَلَا آئِسًا<sup>١٢</sup> مِنْ إِجَاتِكَ لِي وَإِنْ أَبْطَأْتُ<sup>١٣</sup> عَنِّي، فِي سَرَّاءِ<sup>١٤</sup> كُثُّتْ أَوْ رَضَاءِ<sup>١٥</sup>، أَوْ شَدَّدْتُ<sup>١٦</sup> أَوْ رَحَاءِ<sup>١٧</sup>، أَوْ غَافِيَةَ أَوْ بَلَاءِ، أَوْ بُولِسِ<sup>١٨</sup> أَوْ نَفَاءَ، أَوْ جَدَّةِ<sup>١٩</sup> أَوْ لَأْوَاءِ<sup>٢٠</sup>، أَوْ فَقِيرَ أَوْ غَنِّيَ.

(٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعُلْ ثَانِيَتِكَ لَعْنِيكَ، وَمَذْجِي إِيَّاكَ، وَخُنْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي، حَتَّى لَا أُفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا أُخْرَنَ عَلَى مَا مَنَّتَنِي فِيهَا، وَأَشْعِرْ قَلْبِي<sup>٢١</sup> تَقْوَاكَ، وَاشْتَفِيلْ بَدَنِي فِيمَا تَقْبَلَهُ مِنِّي، وَاشْفَلْ بِطَاعَتِكَ نَفْسِي عَنْ كُلِّ مَا يَرِدُ عَلَيَّ حَتَّى لَا أُحِبَّ شَيْئًا مِنْ شَحْطِكَ، وَلَا أُشَخَّطَ شَيْئًا مِنْ رِضَاكَ.

اختیار توان و مرا از این حال رهایی نیست.

(۶) خدایا! با وجود اراده تو مرا اختیاری نیست و فقط فرمان تو بر من جاری است و تقدیر تو برای من عادلانه است و هرگز از حیطة قدرت، راه خروجی برای من متصور نیست و هرگز از دایره مشیت نافذت بروز رفتی نخواهم داشت و جلب نظر تو در وسع من نمی گنجد و به خشنودی تو نمی رسم و هرگز به نعیم جاودان نزد تو دست نخواهم یافت، مگر باطاعت از تو و برخورداری از رحمت بی شایه حضرت.

(۷) معبدیا! شب و روز را در حالی سپری می کنم که کوچک و ناتوانم و به جز خواست و مشیت تو، بر سود و زیان خود قدرت و اختیاری ندارم و بر آنچه عرض کردم، خود گواه و اقرار می کنم که توانمندی من اندک است و بر چاره جویی توانا نیستم، پس آنچه را به من و عده فرموده ای، محقق ساز و آنچه را عطا کرده ای، به طور کامل ارزانی دار که خود می دانی من بندۀ ای مسکین و فروتن و ناتوان و پریشان حال و کوچک و حقیر و فقیر و ترسان و پناهندۀ ام.

(۸) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و فراموشی ذات اقدس است را در حال گشایش نصیب من مگردان و در حال آزمایش و بلا مرآ از احسان غافل مخواه و در هیچ حال - در گشایش یا تنگی، در سختی یا عافیت، در بلا و بیچارگی، یا نعمت و فراخی و سرانجام در حال تهدیستی یا توانگری - از پاسخ خود نومیدم ممکن، هر چند پاسخ گویی ات به تأخیر افتند.

(۹) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و ثنا و ستایش و نیایش مرا در همه حالاتم، ویژه خود گردان تا هیچ گاه از موهبت های دنیوی ای که به من ارزانی داشته ای، مسرور نشوم و از آنچه به من عطا نکردۀ ای نگران نباشم و پرهیز گاری را به قلیم بچشان و بفهمان و بدئم را به آن چه از من می بذیری، وادرار و روانم را چنان به طاعت خود مشغول دار تا آن چه را که پسند تو نیست، دوست نداشته باشم و به آنچه تو خشنودی، من نیز راضی باشم.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِعْ قَلْبِي لِمُحَبِّبِكَ، وَاشْفَعْ بِذِكْرِكَ،  
وَانْعِشْ بِخَوْفِكَ وَبِالْوَجْلِ مِنْكَ، وَقُوَّهْ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَمْلَهْ إِلَى  
طَائِبِكَ، وَأَجْرِيْهِ فِي أَخْبَرِ السُّبْلِ إِلَيْكَ، وَذَلِّلْ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَسَامِ  
حَيَايَتِي كُلُّهَا.

(١١) وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِيًّا، وَإِلَى رَحْبَتِكَ رِخْلَيْنِ، وَفِي  
مَرْضَاتِكَ مَذْخِلِي، وَاجْعَلْ فِي جَبَّتِكَ مَثَوَّاً، وَهَبْ لِي قُوَّةً أَخْتَمِلُ بِهَا  
جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ، وَاجْعَلْ فِي زَارِيِّ إِلَيْكَ، وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَلْبِسْ قَلْبِي  
الْوَخْشَةَ مِنْ شَرَارِ خَلْقِكَ، وَهَبْ لِي الْأَنْسِ بِكَ وَبِأَوْلَيَاتِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ.  
(١٢) وَلَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَلَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّهُ، وَلَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، وَلَا بِسِي  
إِلَيْهِمْ خَاجَةً، بَلْ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأَنْسَ نَفْسِي وَاسْتِئْنَانِي وَكَفَايَتِي بِكَ وَ  
يُغْيِيَارِ خَلْقِكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ  
نَصِيرًا، وَامْتَنْ عَلَيَّ بِشَوْقِ إِلَيْكَ، وَبِالْعَقْلِ لَكِ بِمَا تُعْجِبُ وَتَرْضِي، إِنَّكَ عَلَى  
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ.

(۱۰) خدایا بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و قلبم را برای محبت خود از دل مشغولی‌ها تهی ساز و به یاد خود مشغول‌دار و با خوف از خود آماده و هوشیارش ساز و با متمایل ساختن به خود، توانش بخش و فرمان برداری از خود را برایش دل‌پذیر فرما و سرانجام، قلبم را راهی مسیری کن که بیش از همه خوشایند حضرت باشد و با اشتیاق همیشگی و در همه عمر به آنچه نزد خودداری، آن را فروتن نما و تربیت کن.

(۱۱) خدایا پرتوای خودت را زادم و حرکت به طرف خود را سفرم و رضایت را مقصدم و بیشتر را جایگاهمن قرار ده و نیزوبی به من عطاکن که همه آنچه را که از آن خشنودی به جای آورم و فرام را از هر ناملایمات به سوی خودت مقدّر فرمای و رغبتی را در آنچه نزد تو است قرار ده و روح را از شرور خلق بی‌زار کن و بامن انس به خود او لیا و اهل طاعت را کرامت فرما.

(۱۲) خدایا هرگز مرارهین مئّت فاجران و کافران مکن و هیچ نعمتی را از دست آنان به من مرسان، بلکه آرامش قلب و انس جان و بی‌نیازی و کفایت زندگی مرا خود به وسیله اولیایت روزی ام کن.

(۱۳) خدایا بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا همراه و یار آنان قرار ده و بر من مئّت نه و مرا مشتاق خود گردان و توفیق عمل مورد پسند خود را نصیبیم ساز، که تو بر همه چیز توانایی و همه امور بر تو آسان است.

## واژه‌ها:

۱. اوقی: نگهدارنده.

۲. اشرفت: سایه افکنده‌ام.

۳. رزوع: خوف.

۴. هزب: فرار.

۵. وانبع: اجابت کن.

۶. العسیم: عظیم.

۷. حظرت: منع کنی.

۸. فی قضتك: در اختیار توست.

۹. ناصحتی بیدلک: در سلطه و قدرت تو

۱۰. لاستیل: جلب دوستی تو را نرانم.

۱۱. اتال: نائل می‌شوم.

۱۲. اصیحت و امیت: پیوسته و همیشه (در همه عمر).

۱۳. داغرا: ذلیل.

۱۴. قله هیلن: بیجارگی ام.

۱۵. انجزل: وعد خود را برابر من و فادر ما.

۱۶. الضریر: فقیر.

۱۷. مهین: کوچک، ناتوان.

۱۸. مستجبی: پناهنده.

۱۹. اویلیتی: به من عطا کردي.

۲۰. ابلیتی: احسان نمودی.

۲۱. آنس: نویمده.

۲۲. آبیطات: به کندی انجام دادی.

۲۳. سزا: خوشی و گشایش.

۲۴. ضراوه: تنگی و شدّت.

۲۵. رخاه: سعه زندگی.

۲۶. بوس: بیجارگی.

۲۷. چده: غنی.

۲۸. لاآوه: فقر و سختی.

۲۹. واشر قلی: قلیم را متوجه کن.

۳۰. فرغ: آماده ساز.

۳۱. وانشه: تدارک و جبران کن.

۳۲. وجل: ترس.

۳۳. آمله: او را متوجه کن.

۳۴. آمیر به: او را پر تلاش کن.

۳۵. رحله: انتقال.

۳۶. هوای: جایگاه.

۳۷. آلس: بپوشان.

۳۸. وحشة: دوری و بیزاری.

۳۹. مدار: و لا له عندي يدا: متنی از او بر من روا



## دعاوه عند الشدة

وكان من دعائيه عليه السلام عند الشدة والجهد وتعسر الأمور:

- (١) اللهم إناك كلنتى من نفسى ما أنت أملك به متنى، وقدرتك علىه وعلى أغلب من قدرتى، فاغطينى من نفسى ما يُرضيك عنى، وخذ لنفسك رضاها من نفسى فى عافية.
- (٢) اللهم لا طاقة لي بالجهد، ولا صبر لي على البلاء، ولا قوة لي على الفقر، فلا تحظرو على رزقى، ولا تكلنى إلى خلقك، بل تفرذ بحاجتى، وتول إيمانى.
- (٣) وانظر إلى وانظرلى في جميع أمورى، فإناك إنا وكتلتى إلى نفسى عجزت عنها ولم أقم بما فيه مصلحتها، وإن وكتلتى إلى خلقك تجهشونى، وإن التجاوتى إلى قرابتى حزمونى، وإن أغطوا أغطا قليلاً نكداً، ومتوا على طويلاً، وذمراً كثيراً.
- (٤) فبفضلك اللهم فاغنى، وبعظمتك فانعشنى، وبسعتك فابسط يدي، وبعما عندك فاكفينى.

## دعادر حال سختی، گرفتاری و پیچیدگی امور

(۱) خداوند! مرا به اموری تکلیف فرمودی که تو خود در آنها صاحب اختیارتر از من هستی و بر آن امور و نیز بر من تواناتر از منی، پس کمک کن که بتوانم تو را از خویش راضی کنم و تمام وجود مرا با عافیت کامل در طریق خشنودی خود قرار ده.

(۲) خدا! اما تاب تحمل سختی‌ها و محنت‌ها و شکنی‌ای بربلاها و توان تحمل تهیdestی و فقر نیست، پس در روزی دهی بر من سخت مگیر و مرا به آفریده‌هایت و امگذار، بلکه تو خود حاجتم را روا و نیازم را کفايت فرما.

(۳) خدا! از روی رأفت به من نظر فرما و بر همه امور ناظر باش که اگر مرا به خویش واگذاری، از عهده کارهابرنمی آیم و مصلحت امور از من فوت می‌شود و اگر به غیر خود واگذاری، روی از من درهم می‌کشند و اگر به خوبی‌شاند انسان محتاج سازی، مرا بیگانه وار محروم می‌سازند و اگر هم چیزی به من ببخشایند، اندک و همراه با منست و سرزنش بسیار خواهد بود.

(۴) خدا! به فضل خود توان گرم گردان و به عظمت خود مرانگاه دار و به خوان گسترده رحمت به من گشایش و آسایش ببخش و به آن‌چه در خزانی غیبت هست، نیازهای مرا برآورده فرما.

(٥) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلْصَنِي مِنَ الْحَسَدِ، وَاحْصُنِنِي عَنِ الدُّنْبِ، وَوَرْغِنِي عَنِ الْمُخَارِمِ، وَلَا تُجْزِنِنِي<sup>١٠</sup> عَلَى السَّقَاصِ، وَاجْعَلْ هَوَاهِ عِنْدَكَ، وَرِضَايَ فِيمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْكَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتِنِي وَفِيمَا حَوَّلْتِنِي<sup>١١</sup> وَفِيمَا أَنْعَمْتِ بِهِ عَلَيَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَاتِ مَخْفُظًا مَكْلُوًّا<sup>١٢</sup> مَشْوِرًا مَمْشُوًّا مَمْعَادًا<sup>١٣</sup> مَجَارًا<sup>١٤</sup>.

(٦) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْعِنِي عَنِ كُلِّ مَا أَنْزَلْتِنِي<sup>١٥</sup> وَفَرِضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ مَنْ وُجُوهُ طَاعَتِكَ، أَوْ لِخَلْقِكَ، وَإِنْ ضَعَفَ عَنِ ذَلِكَ بَدَنِي، وَوَهَنَتْ عَنْهُ قُوَّتِي<sup>١٦</sup>، وَلَمْ تَنْلِهِ مَقْدُرَتِي<sup>١٧</sup>، وَلَمْ يَسْغُفْ مَالِي وَلَا دَأْتِ يَدِي، ذَكْرُهُ أَوْ نَسِيَّتِهِ.

(٧) هُوَ - يَارَبُّ - مَنِّا قَدْ أَخْصَيْتَهُ عَلَيَّ وَأَغْفَلْتَهُ أَنَا مِنْ نَفْسِي، فَادُو عَنِي<sup>١٨</sup> مِنْ جَزِيلِ عَطَيَّتِكَ وَكَثِيرٌ مَا عِنْدَكَ، فَائِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْهُ تُرِيدُ أَنْ تُقَاضِنِي<sup>١٩</sup> بِهِ مِنْ حَسَنَاتِي، أَوْ تُضَعِّفَ<sup>٢٠</sup> بِهِ مِنْ سَيِّنَاتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَارَبُّ.

(٨) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُعَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْقَعْدِ لَكَ لِآخِرَتِي حَتَّى أَغْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَحَتَّى يَكُونَ الْفَالِبُ عَلَيَّ الرُّهْدَ فِي دُنْيَايَ، وَحَتَّى أَغْمَلَ الْعَسَنَاتِ شَوْقًا، وَآمِنَّ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَرْقًا<sup>٢١</sup> وَخَوْفًا، وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ، وَأَسْتَضِي بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَالشُّبُّهَاتِ.

(۵) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا از حسره‌ها کن و از گناهان بازدار و به محترمات بی‌رغبتمن ساز و بر گناهان دلیرم مگردان و میلم را سوی خود و خشنودی ام را در مقدرات خود قرار ده و آن چه به من کرامت فرموده و روزی ام گردانیده‌ای و از نعمت خود ارزانی داشته‌ای، گوارایم گردان و مرا در هر حال از بلاها و سختی‌ها، مصون و محفوظ و پوشیده نگاهدار و در حفظ و پناه خود قرار ده.

(۶) بار الها! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن چه را که بر عهده من گذاشته‌ای، خواه طاعت خودت یا خدمت‌گزاری یکی از بندگانت، توفیق عمل بدان را به من کرامت فرما و برآث عهده مرافق نمایم، اگر چه تنم از آن ناتوان و قادر تم بر آن اندک باشد و در وسع من نباشد یا دامت و دست مایه‌ام بدان پایه نرسد، چه آن تکلیف را به یاد داشته باشم و چه فراموش کرده باشم.

(۷) پروردگارا، آن تکلیف که من فراموش کرده و از آن غفلت ورزیدم، در علم تو ثبت شده است، پس از فضل سترگ و خزانه بزرگ و بی‌پایان خویش، تکالیفی را که بر من است، ادا فرمای، تا آن که چیزی که به واسطه آن مزاخذمای فرمایم، باقی نماند و از حسناتم به جبران گناهانم نکاهی و بر گناهانم نیفزایی. ای پروردگار من!

(۸) بار خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و رغبت در عمل برای آخرت را روزی ام فرمات آن جا که این شوق را در قلب خود احساس کنم و موجب زهد من در دنیا گردد و اعمال نیکو را با شوق تمام به جا آورم و اعمال زشت را با ترس و بیم از عاقبت آن ترک کنم و به من نوری کرامت کن که با آن در میان مردمان معاشرت کنم و در تاریکی‌های عالم خاک به وسیله آن راه خود را بایم و با فروغ آن از شک و شبیه‌هارها شرم.

(٩) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْفُقْنِي خَوْفَ غَمِ الْوَعِيدِ،  
وَشُوقَ نَوَابِ الْمَوْعِدِ، حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَذْعُونَكَ لَهُ، وَكَابَةً<sup>٧</sup> مَا أَسْتَعِيرُ بِكَ  
مِنْهُ.

(١٠) اللَّهُمَّ قَدْ تَعْلَمَ مَا يُضِلُّنِي مِنْ أُمْرٍ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي فَكُنْ بِحَوَانِبِي  
حَفِيَّاً<sup>٨</sup>.

(١١) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَازْفُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي  
فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْقَثْتَ عَلَيَّ فِي الْأَيْمَرِ وَالْأَشْرِ وَالصَّعْدَةِ وَالسَّقَمِ<sup>٩</sup>، حَتَّى  
أَتَعْرَفَ مِنْ نَفْسِي رُوزَ الرِّضَا وَطَمَانِيَّةَ<sup>١٠</sup> النَّفِيسِ مِنْ بِمَا يَسِّعُ لَكَ فِيمَا  
يَخْدُثُ فِي حَالِ الْغَوْفِ وَالْأَمْنِ وَالرِّضَا وَالسُّخْطِ<sup>١١</sup> وَالضَّرِّ وَالنَّفِعِ.

(١٢) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْفُقْنِي سَلَامَةَ الصَّدَرِ<sup>١٢</sup> مِنَ الْحَسِدِ  
حَتَّى لَا أَخْسَدَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ عَلَى شَيْءٍ وَمِنْ فَضْلِكَ، وَحَتَّى لَا أَرَى بِنَفْتِي مِنْ  
بِنِيكَ عَلَى أَخِدِي مِنْ خَلْقِكَ فِي دِينِ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ أَوْ شَفْوَى أَوْ سَعْيَةٍ أَوْ  
رَخَاءً<sup>١٣</sup> إِلَّا رَجُوتُ لِنَفِيسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ، بِكَ وَمِنْكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْفُقْنِي التَّعْفُظَ مِنَ الْحَطَابَيَا، وَ  
الْأَخِيزَاسَ<sup>١٤</sup> مِنَ الْوَلَلِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا وَالْغَصَبِ، حَتَّى  
أَكُونَ بِمَا يَرِدُ عَلَيَّ مِنْهُمَا بِمِثْرَاهِ سَوَّا، عَامِلًا بِطَاعَتِكَ، مُؤْتَراً<sup>١٥</sup> لِرِضاَكَ عَلَى  
مَا يَسْوَاهُمَا فِي الْأُولَيَا وَالْأَعْذَادِ، حَتَّى يَأْمَنَ عَدُوِّي مِنْ ظُلُمِي وَجُورِي، وَ  
يَأْتِسَ<sup>١٦</sup> وَلَيْسَ مِنْ مَنْيِلِي وَأَنْعَطَاطِ<sup>١٧</sup> مَوَائِي.

(۹) خداوند! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هراسناکی از اندوه  
و عده‌های عقوبت خود و شوق به پاداش مورد بشارت را نصیب فرما، تالذت آن چه  
را که دوست دارم و از درگاه‌تطلب طلب کردم و سختی آن چه را که از آن باید به تو  
بناهنده شوم، دریابم.

(۱۰) خدا! اتا تو به همه عوامل دنیوی و عناصر آخروی که مرا به صلاح و سداد  
می‌رساند، آگاهی؛ پس از تو می‌خواهم که به نیازهای من عنایت و اهتمام فرمایی.

(۱۱) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و آن گاه که در شکر و  
سپاس تو کوتاهی می‌ورزم، توفیق ده که در آسایش و رنج و تندرستی و بیماری  
حق گرا باشم، تا آسایش و نسبیم رضا و طمأنیه را در جان خود به خوبی بشناسم؛ آن  
چنان که به تکلیف خود در همه حال - خوف و امن و ایمنی و خشنودی و خشم و نفع  
و ضرر - عمل کنم.

(۱۲) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من سلامتی از حسد را  
کرامت فرما؛ آن چنان که بر هیچ یک از بندگان حسادت نوروزم و هیچ نعمتی - دینی یا  
دنیوی، از عاقبت گرفته تا تقدیر و وسعت روزی و آسایش - را در دست فردی از آدمیان  
نیشیم، مگر آن که برای خویش بهتر از آن را از تو و به مدد عنایت تو درخواست نمایم،  
زیرا که تو در نظام هستی یگانه مؤثری و در هیچ زمینه‌ای شریک نداری.

(۱۳) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و کناره گیری از خطاهما و  
خودداری از لغزش‌هارا در دنیا و آخرت و در حال غضب و خشنودی نصیب من  
گردن؛ آن چنان که هر یک از آن دو حال نزد من مساوی باشد و پیوسته مطیع تو باشم  
و رضای تو را بر خشنودی و خشم خود مقدم دارم، خواه به دوستان و چه نسبت به  
دشمنان، تا آن که دشمنم از ظلم و ستم من در امان باشد و دوستم از عمل کردن من بر  
خلاف حق و مبتنی بر هوا و هوس تو مأیوس باشد.

(١٤) وَاجْعَلْنِي مِسْنَ يَذْعُوكَ مُخْلِصاً فِي الرَّحَاءِ دُعَاءُ الْمُخْلِصِينَ  
الْمُضطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

(۱۴) و مرا از کسانی قرار ده که تو را در حال گشایش، بالخلاص تمام می خوانند و چنان کن که هر گاه تو را می خوانم، همانند مخلصانی باشم که در خواندن تو مضطرباند، که تو بس پستدیده و بلند پایه ای.

### واژه ها:

۱۹. لم تله: نمی رسد.
۲۰. مقدرة: تو اینایی.
۲۱. غاده عنی: از جانب من ادا کن.
۲۲. تقاضنی: تقاضن کنی مرا.
۲۳. تضاعف: فراوان شود.
۲۴. فرقاً: خوف.
۲۵. استخی: طلب روشنایی کنم.
۲۶. وعید: وعده به شر.
۲۷. کاهه: سختی.
۲۸. حتیاً: توجه کن با اعتمتاً.
۲۹. سُقم: مرض.
۳۰. طَائِنَة: آرامش.
۳۱. سخط: غصب.
۳۲. صدر: قلب.
۳۳. رخاه: گشایش.
۳۴. اعتراض: نگهداری.
۳۵. مؤثراً: اختیار کننده.
۳۶. یاپس: مأیوس شود.
۳۷. انحطاط: میل من به سوی دوست.

۱. انت امکن: تو توانانتری.

۲. جهید: مشقت.

۳. لاتحضر: منع نکن.

۴. تولی: متولی باش.

۵. ولکتنی: واکذارم کنی.

۶. تجهیزتی: به من حملهور شوند.

۷. الجائی: مضطربم کنی.

۸. نکدآ: عسرت بدون خیر.

۹. متوا: منت گذارند.

۱۰. فانتعشی: مراندارک فرما (اقترم را بردار).

۱۱. فائیشط: بازگذار.

۱۲. ولاجیزتی: به من جرأت مده.

۱۳. خواستی: نعمت به من دادی.

۱۴. مکلهه: محفوظ.

۱۵. معاذ: پناه داده شده.

۱۶. میجار: در امان و حمایت قرار داده شده.

۱۷. آرمنته: به من واجب و لازم کردمی.

۱۸. وهنْ قوتی: قدرت من ضعیف و کم است.

دعاوه بالعافية

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ الْعَفْفَيْةَ وَشُكْرَهَا:

(١) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَلْيَتِنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلَّلْنِي عَالِيَّتَكَ، وَ  
خَصَّنِي بِعَافِيَتَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِعَافِيَتَكَ، وَأَغْنَيَنِي بِعَافِيَتَكَ، وَتَسْدِيقَ عَلَيَّ  
بِعَافِيَتَكَ، وَهَبْ لِي عَافِيَتَكَ، وَأَفْرَشْنِي عَافِيَتَكَ، وَأَضْلِعْ لِي عَافِيَتَكَ، وَلَا  
تَفْرِقْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَافِيَتَكَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

(٢) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَافِيَتَهُ كَافِيَّةً شَافِيَّةً عَالِيَّةً تَامِيَّةً، عَافِيَّةً تُوَلَّدُ فِي بَدْنِي الْعَافِيَّةً، عَافِيَّةً الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَأَنْتَ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ فِي دِينِي وَبَدْنِي، وَالْبَحْسِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَالشَّفَادُ فِي أَمْوَارِي، وَالخَشِيشَةِ لَكَ، وَالْعَزْفِ مِنْكَ، وَالْقُوَّةُ عَلَى مَا أَصْرَتْنِي إِلَيْهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَالْإِغْتِيَارُ لِعَلَيْهِ، عَنْهُ مِنْ مَغْصِبَتِكَ.

(٣) اللَّهُمَّ وَامْتَنْ عَلَىٰ بِالْحَجَّ وَالْعُمْرَةِ، وَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِيهِ، وَآلِ رَسُولِكَ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - أَبْدِأْ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولاً، مَشْكُوراً، مَذْكُوراً لَدِينِكَ، مَذْخُوراً لِعِنْدِكَ.

## دعای بیست و سوم

### دعا برای عافیت

(۱) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و لباس عافیت را در بر مکن و سراپایی در آن مستقر قم ساز و مرا بای جای دادن در ذر عافیت محفوظ دار و بدان گرامی و بی نیاز نما و به عافیت بر من تصدق فرم او آن را به من ببخشای و مرا امر هون عافیت گستری خود قرار ده و بدان متفع گردان و هرگز بین من و عافیت در دنیا و آخرت جدا بین میندار.

(۲) خدا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به من عافیتی کرامت کن که کفایت کننده از دیگران و سلامتی بخشن و رو به فزونی باشد و بدن مرا عافیت دنیوی و آخری بخشد و بر من مثبت نه و سلامتی و امنیت و تندرستی و تدبیّن راستین و روشن بینی در جان و تسلط بر کارها و خشیت و خوف از خودت و توانایی بر فرمان هایت و دوری از منهیات و گناهان را روزی ام فرما.

(۳) خدا! توفیق ادای حج و عمره و زیارت قبر رسول - که درود و رحمت و برکات تو بر او و خاندان او باد - و زیارت قبور خاندان پیامبرت صلوات الله علیه و آله و سلم را پیوسته در این سال و همه سال ها به من عطا فرم او آن را مقبول و مورد سپاس و مورد نظر خودت و ذخیره ای برای من قرار ده.

(٤) وَأَنْطِقِي بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذَكْرِكَ وَحُسْنِ الشَّفَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي، وَ  
اَشْرَخْ لِمَرَاشِدِ دِينِكَ قَلْبِي.

(٥) وَأَعِذْنِي ٧ وَدُرْزِتِي ٨ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّائِمَةِ ٩ وَ  
الْهَامَةِ وَالْعَامَةِ ١٠ وَاللَّامَةِ ١١، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ١٢، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
شَيْطَانٍ عَنِيدٍ ١٣، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُشْرِفٍ ١٤ حَفِيدٍ ١٥، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ ١٦،  
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ ١٧، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَزَابًا ١٨ مِنَ الْجِنِّ وَ  
الْأَنْجِنِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِيَةٍ ١٩ أَنْتَ أَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(٦) أَللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُخْتَبِهِ وَآلِهِ، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءِ فَاضِرَفْهُ عَنِّي، وَ  
اَذْهَرْ ٢٠ عَنِّي مَكْرُهًا، وَاَذْرَأْ ٢١ عَنِّي شَرَّهُ، وَرُدَّ كَيْنَدَهُ فِي نَخْرِهِ ٢٢، وَاجْفَلْ بَيْنَ  
يَدَيْهِ ٢٣ سَدَّ أَحَقَّنِي شُعْمَنِي عَنِّي بَصَرَهُ، وَتُصَمَّ ٢٤ عَنْ ذَكْرِي سَمْعَهُ، وَتُقْبَلَ ٢٥ دُونَ  
إِخْطَارِي ٢٦ قَلْبَهُ، وَتُخْرِسَ ٢٧ عَنِّي لِسَانَهُ، وَتَقْعُمَ ٢٨ رَأْسَهُ، وَتُنْذَلَ عِزَّهُ، وَتَكْسِرَ  
جَبَرُوتَهُ، وَتُنْذَلَ رَقْبَتَهُ، وَتَفْسَحَ ٢٩ كَبِرَهُ، وَتُؤْمِنَتِي مِنْ جَمِيعِ ضَرِّهِ وَشَرِّهِ وَ  
غَمِيزِهِ ٣٠ وَهَنْزِهِ ٣١ وَلَنْزِهِ وَحَسِيدِهِ وَعَدَاوَتِهِ وَحَبَائِلِهِ وَمَصَانِيَهِ وَرَجِيلِهِ ٣٢ وَ  
خَلِيلِهِ ٣٣، إِنَّكَ عَزِيزٌ قَدِيرٌ.

(۴) زیانم را به حمد و یاد و شکر و ستایش نیک خود گویا گردان و قلبم را برای پذیرش هدایت‌های دین و دستورهای آیین خود بگشای.

(۵) خدایا من و فرزندانم را از شر شیطان رانده شده، در پناه خود فرار بده و از شر هر جانور گزنه و کشنده و غیر کشنده و همه جانوران و وحوش و از شر هر شیطان سرکش و هر سلطان ظالم و از شر مُنْزَفَانِ مخدوم و از شر هر ضعیف و قوی و از هر فرد شریف و پست و از شر هر نزدیک و دور و از شر آن دسته از افراد جن و انس که در حق رسول تو و خاندان او عداوت می‌ورزند و از شر هر جنبندهای که در اختیار توست، حفظ فرم؛ که تو بر طریق حق و مستقیم حاکم و ناظر هستی.

(۶) خدایا بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و هر کس اراده بدی درباره من دارد، او و مکرو و شریش را از من دور گردان و نیرنگش را به خودش باز گردان و در برایرش آن چنان مانعی قرار ده که چشم او را کور و گوش او را کر و قلب او را قفل و زیانش را گنج سازی و او را سرافکنده کنی و عزّش را به خواری مبدل نمایی و سطونش را بشکنی و طوق خواری بر گردنش اندازی و کبرش را زایل کنی و مرا از زیان‌ها و شرورش و نیز عیب جویی و عیب‌گویی و نکوهش گری وی در حضور من یا پشت سرم و هم‌چنین حسد و عداوت وی در امان دار و از شرکمندها و دام‌ها و اطرافیان و دستیارانش محافظت فرم اکه تو عزیز و توانایی.

**واژه‌ها:**

۱۸. وضع: ساقط بی ارزش.
۱۹. نصب: حریا؛ اعلان عدالت.
۲۰. دایته: جنبند.
۲۱. وادھر: دور کن.
۲۲. وادر: دفع کن.
۲۳. رذ کیده، فن نعره: کیدش را به خودش برگردان.
۲۴. بین پدیده: در مقابلش.
۲۵. تصم: کر شود.
۲۶. تقفل: قفل شود.
۲۷. اخطاری: خطرور کردن من در فکر او.
۲۸. تغرس: لال شود.
۲۹. تقعیم: بزنسی اورا.
۳۰. نفسخ: از او بگیری.
۳۱. غمز: اشاره.
۳۲. همن: ذکر عیوب پشت سر.
۳۳. رَبِّلِه: پیادگان.
۳۴. خَلَلَه: سوارگان.
۱. جلنی: مرا بزرگ بدار.
۲. وافرشنی: برای من بگستران.
۳. التقاد: گذران.
۴. مقبول: مورد قبول.
۵. مشکور: مورد شکر و پسندیده.
۶. مذخور: ذخیره شده.
۷. اعذنی: پناهم ده.
۸. ذرتة: فرزندان، اعضای خانواده.
۹. رجهم: رانده شده.
۱۰. الشاتة: سمهایی که نمی‌کشد.
۱۱. الهمة و العاتة: سمهای کشنه، حشرات موزدی.
۱۲. اللامة: آنچه موجب ترس است.
۱۳. المرید: سرکش.
۱۴. عنید: ظالم کبته ورز.
۱۵. متوف: ثروتمند اسراف گر بی‌باک.
۱۶. حفید: مخدوم، ملعان.
۱۷. شدید: قوى.



## دعاوه لأبويه عليهما السلام

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبْوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ :

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَهْلِ بَيْتِكَ الظَّاهِرِينَ، وَأَخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ سَلامِكَ، وَأَخْصُصْ اللَّهُمَّ وَالدَّائِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةَ مِنْكَ، يَا أَزْحَمَ الرَّاجِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْمَنِي عِلْمَ مَا يَجْبُ لَهُمَا عَلَى إِنْهَاكًا، وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَعَامًا، ثُمَّ اشْتَهِنْلِي بِمَا تُلْهِنِي مِنْهُ، وَوَقْنِي لِلنُّفُوذِ فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَنْفُوتَنِي<sup>١</sup> اسْتَغْفِلُ شَيْءًا عَلَيْتَنِيهِ، وَلَا تَسْقُلْ أَزْكَانِي عَنِ الْحَقْوَفِ<sup>٢</sup> فِيمَا أَهْتَنِيهِ.

(٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَّفْنَا بِهِ، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَمَا أَوْجَبْنَا لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْعَلْقَ بِسْتَبِيهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُ<sup>٣</sup> هُمَّا<sup>٤</sup> هَيْنَيَةَ<sup>٥</sup> السُّلْطَانِ الْفَسُوفِ<sup>٦</sup>، وَأَبْرُهُمَا<sup>٧</sup> بِرَّ الْأَمْ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِسَوَالَدَائِي وَبِرِّي بِهِمَا أَفْرَأَيْتَنِي<sup>٨</sup> مِنْ رَفْدَةِ<sup>٩</sup> الْوَسَنَابِ<sup>١٠</sup>، وَأَنْلَجْ<sup>١١</sup> بِصَدْرِي مِنْ شَرِّيَةِ الظَّمَانِ<sup>١٢</sup> حَتَّى أَوْتَرْ<sup>١٣</sup> عَلَى هَوَاهُمَا، وَأَنْدَمْ<sup>١٤</sup> عَلَى رِضَاهُمَا رِضَاهُمَا، وَأَسْتَخْبِرْ<sup>١٥</sup> بِهِمَا بِي وَإِنْ قَلَّ، وَأَسْتَقْبَلْ<sup>١٦</sup> بِرِّي<sup>١٧</sup> بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ.

## دعای بیست و چهارم

### دعا برای پدر و مادر

(۱) خدایا! بر حضرت محمد، بنده و فرستادهات و اهل بیت پاک او درود فرست و بهترین درودها و رحمت و برکات خود را به آنان اختصاص ده و پدر و مادر مرا به درود و کرامت نزد خود ویژه گردان. ای مهربان ترین مهریانان! بار الهی! درود خود را بر حضرت محمد و خاندان او نثار فرما و دانش خدمت گزاری آن دو را به قلب من الهم فرما و تمام آگاهی لازم در این زمینه را نصیبیم ساز و توفیق به کاربستان آنها را عطا کن و تیز بینی و خبیرگی در این آموزه‌ها را روزی ام گردان تا کاربرد هیچ یک را از کف ندهم و ارکان وجودم هرگز به تساهل و تسامح در دانسته‌هایم مبتلا نگردد.

(۲) خدایا! اهمان گونه که مابه و سیله رسول گرامی تو به شرافت ایمان نایل آمدیم، تو نیز بر او و خاندانش درود فرست و چنان که باهدایت او حقوقی برای ما بر عهده خلق نهادی، درود و تحيّت خود را برابر او و خاندانش نثار فرما. خدایا! جلالت پدر و مادرم را در خاطر من بهسان سلطه شاهان ستم‌کار قرار ده تا همانند مادری مهریان آنان را دوست بدارم و اطاعت آنان در نظر من از خواب برای خواب آلوده، آرامش بخش تر بوده و از خنک‌ترین نوشیدنی برای شخص تشنگ، گوارانتر باشد؛ به طوری که خواسته آنان را برخواسته خود و رضای آنان را بر رضای خود مقدم بدارم و نیکی آنان را -اگر چه کم باشد- بسیار شمارم و خدمت خود را -اگر چه بسیار باشد- کم بینم.

(٣) اللَّهُمَّ خُذْ لَهُنَا صَوْبِي، وَأَطْبِ لَهُنَا كَلَامِي، وَأَلْنِ لَهُنَا عَرِيكَبِي، وَاغْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَبِّرْنِي بِهِمَا زَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا، اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُنَا تَزِيبِي، وَأَبْتِهِمَا عَلَى تَكْرِيمِي، وَاحْفَظْ لَهُنَا مَا حَفِظَاهُ مِنْ فِي صَفَرِي.

(٤) اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُنَا مِنْ أَذْنِي، أَوْ حَلَقَ إِلَيْهِنَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِهِ، أَوْ ضَاعَ قَبْلِي لَهُنَا مِنْ حَقِّي، فَاجْفَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِنَا، وَعَلُوا فِي دَرْجَاتِهِنَا، وَزِيادةً فِي حَسَنَاتِهِنَا، يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعافِهَا مِنْ الْحَسَنَاتِ.

(٥) اللَّهُمَّ وَمَا تَعْدِيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلِي، أَوْ أَشْرَقَ عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فَغْلِي، أَوْ ضَيَّعَاهُ لِي مِنْ حَقِّي، أَوْ قَصَرَاهُ بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا، وَجَذَثُ بِهِ عَلَيْهِمَا، وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضِيعَتِهِ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَهْمُهُمَا عَلَى نَفْسِي، وَلَا شَبَطْتُهُمَا فِي بَرِّي، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَا مِنْ أُمْرِي يَا رَبِّ.

(٦) فَهُمَا أَوْجَبَ حَقًا عَلَيَّ، وَأَقْدَمَ إِخْسَانًا إِلَيَّ، وَأَغْظَمَ مِنْهُ لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَفَاصِّهُمَا بِعَدْلٍ، أَوْ أَجَازَ بِهِمَا عَلَى مِثْلِي، أَيْنَ إِذَا - يَا إِلَهِي - طُولُ شَفَاعِهِمَا يَتَزَبِّي؟ وَأَيْنَ شَدَّةُ تَعَبِّهِمَا فِي جَرَاسِتِي؟ وَأَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلْتَّوْسِيقَةِ عَلَيَّ؟ هَيَهَا مَا يَسْتَوِي فِيهِنَّ مِنْ حَقَّهُمَا، وَلَا أَدْرِكُ مَا يَسْعِبُ عَلَيَّهُمَا، وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيقَةُ خَدْمَتِهِمَا.

(٧) فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعْنَى يَا خَيْرَ مِنْ اسْتَعْيَنَ بِهِ، وَفَقَنَى

(۳) خدایا! گفتار مراد درباره آنان آرام و کلام رامزدیانه و خوبی و طبعی رانم گردان و قلبم را چنان متوجه آنان فرماده با آنها رفیق و مهربان باشم و جزای تربیت و کرامت و حفظ و مراقبت آنها را عطا فرما و آن چه راکه در کودکی برای من نگاه داشتند، بر ایشان محفوظ بدار.

(۴) خدایا! آزارها و بدکاری‌ها و تضییع حقوقی راکه از من در حق پدر و مادرم صورت گرفته است، موجب مغفرت و ریزش گناهان آنان و علّه درجاتشان و افزایش حسناتشان قرار ده، ای کسی که می‌توانی سیناث را به حسناتی ده چندان مبدل سازی!

(۵) خدایا! اگر در سخن یا کردار از آنها در حق من کوتاهی سرزده یا تضییع حق یا نادیده گرفتن امر واجبی صورت گرفته است، من همه آنها را می‌بخشم و از آنها در می‌گذرم و مایلم تو نیز آنان را بخشی؛ چراکه من آنان را به تقصیر متهم نمی‌کنم و به سامانه و کمکاری منسوب نمی‌سازم و سربرستی آنان درباره خود را ناخوش ندارم. ای پروردگار من!

(۶) بار خدایا! حق و احسان و منتهای پدر و مادرم عظیم‌تر و واجب‌تر از آن است که من اکنون در برابر آنها ایستاده و تلافی و دادخواهی کنم. پس ای معبد من! آن همه رنج‌های طولانی که در راه تربیت من تحمل کردند و آن همه زحمت‌ها که در نگهداری من و تحمل مشکلات برای آسایش من برخود هموار کردند، چگونه فراموش شود؟ نه، من هرگز نمی‌توانم حق آنها را ادا کنم و هرگز نمی‌توانم واجبات خود را در برابر شان باز شناسم و هرگز نمی‌توانم وظیفه خدمت‌گزاری به آنان را ادا کنم.

(۷) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا. ای بهترین کسی که از او مدد می‌طلیم - در انجام وظیفه‌ام یاری فرما و مرا. ای کسی که بهترین هدایت‌گیر

يَا أَهْدِي مَنْ رُّعِبَ إِلَيْهِ، وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْمُقْوِقِ<sup>١٠</sup> لِلْجَاءِ وَالْأَمْهَاتِ يَوْمَ  
تُجْزِي كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ، اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ<sup>١١</sup> وَ  
ذُرْبَيْهِ<sup>١٢</sup>، وَ اخْصُصْ أَبْوَئِي بِأَفْضَلِ مَا حَصَضْتَ يَهُ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
أَمْهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

(٨) اللَّهُمَّ لَا تُثْبِنِي ذُكْرَهُمَا فِي أَذْبَارِ صَلَواتِي، وَ فِي أَنَاءِ لَنِيلِي، وَ  
فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي، اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اغْفِرْ لِي  
بِدُعَائِي لَهُمَا، وَ اغْفِرْ لَهُمَا بِبَرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةٍ خَنْمًا، وَ ارْضِ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي  
لَهُمَا رِضَى عَزْمًا، وَ بَلْقَهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنِ السَّلَامَةِ، اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقْتُ  
مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفَعْتُهُمَا<sup>١٣</sup> فِيَّ، وَ إِنْ سَبَقْتَ مَغْفِرَتَكَ لِي فَشَفَعْتُنِي فِيهِمَا، حَتَّى  
نَجْتَمِعَ بِرَأْفِتَكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ مَخْلُ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

مشتاقانت هستی - در روز قیامت که هر کسی به جزای کردار خود می‌رسد و هرگز به کسی ستم نخواهد شد، در بین کسانی که به عائی والدین گرفتارند، قرار مده. خدا! ابر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و والدین مرا به بالاترین درجه رحمت و کرامتی که به پدران و مادران بندگان صالح و پاک خود عطا فرموده‌ای، نایل بگردان.  
ای مهربان‌ترین مهربانان.

(۸) خدا! مرا به فراموشی باد آنان پس از نمازهایم و در هیچ آن و لحظه‌ای از لحظه‌های عمرم مبتلا مفرما و بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا به سبب دعاهایم در حق ایشان بیامز و آنان را به سبب نیکرفتاری با من مورد عفو قرار ده و از من این شفاعت را بذیر و آنان را در بهترین محل کرامت و آسایش قرار ده. خدا! اگر پدر و مادرم مورد مغفرت تو هستند، شفاعت آنها را در حق من بذیر و اگر مرا بخشیده‌ای، شفاعت مرا درباره آنان بذیر باش، تاهمه باهم در سایه کرامت و مغفرت تو آگردهم آییم، که فضل تو عظیم و احسان تو دیرینه و قدیم است و مهربان‌ترین مهرورزانی.

### واژه‌ها:

۱. الهام: شعروری الهی که به انسان افاضه
۲. نفوذ فیه: توان انجام عمل.
۳. لا یفوتني: از دستم نرود.
۴. حفوف: خدمت کردن.
۵. اهاب: اجلال و بزرگداشت.
۶. اهابها: از پدر و مادر بترسم.
۷. هیله: جلالت و عظمت.
۸. الصرف: ظالم.
۹. ابرهها: به آن دونیکی کنم.
۱۰. اقر لعنه: خوش آیندتر و لذیذتر.
۱۱. رقدة: خواب آرام.
۱۲. الوسان: کسی که در سنتی و آرامش قبل از خوابیدن است.

۲۹. مکروه: ناپستد.

۳۰. حله: ریزش.

۳۱. پاسخها: چندین برابر آن.

۳۲. ما تعذیا: آن چه راز حد تجاوز کردند.

۳۳. ضیغای: ضایع کردند.

۳۴. قصر: تقصیر نمودند.

۳۵. لا آتهمها: متهم نکنم آن دورا.

۳۶. لا استبطهمها: آنان را به کنده نسبت ندهم.

۳۷. لا اگر: ناپسند ندانم.

۳۸. ماتولیا: آن چه عهددار بودند.

۳۹. آفاصهها: از آنها تقاض نکنم.

۴۰. الفرق: عدم رضایت.

۴۱. آل: قوم و عشیره.

۴۲. ذرتیه: فرزندان.

۴۳. شفّهها غنی: آنان را شفیع من قرار ده.

۱۳. آنچه: سرور آورتر.

۱۴. الظآن: تشه.

۱۵. اویز: مقدم بدارم.

۱۶. آستکتو: زیاد پندارم.

۱۷. آستق: کم ببینم.

۱۸. بزی: نیکویی من.

۱۹. خصّ: کوتاه کن.

۲۰. اطب: پاکیزه کن.

۲۱. آلن: نرم کن.

۲۲. عربکة: طبیعت.

۲۳. راعطف علیهمها: مهربان کن بر آن دور.

۲۴. شفقا: مهربان.

۲۵. آیمهها: جرا به آن دور بدده.

۲۶. تکرمتی: گرامی داشتن من.

۲۷. متهمها: به آن دور سیده است.

۲۸. آذی: آزار.



### دعاوه لولده

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِولَدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

- (١) اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَىٰ بِتَقَاءٍ وَلَدِي وَبِإِصْلَاجِهِمْ لِي وَبِامْتَاعِهِمْ .
- (٢) إِلَيْيِ امْدُودٍ لِي فِي أَغْمَارِهِمْ، وَرِزْدِ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَفِيرَهُمْ، وَقَوْلِي ضَعِيفَهُمْ، وَأَصْحَّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَذْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِجِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عَيْنَتُ يِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَذْرِزَ لِي وَعَلَنِ يَدَيَ أَزْرَاهُمْ.
- (٣) وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا أَتَيْنَاهُمْ بَصَرًا سَامِعِينَ مُطَبِّعِينَ لَكَ، وَلَا ذُلْيَاكَ مُجِيبِينَ مُتَّاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَغْدَاثِكَ مُغَانِيدِينَ وَمُنْفِضِينَ، آمِينَ.
- (٤) اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَصْدِيٍّ، وَأَقْمِ بِهِمْ أُودِيٍّ، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِيٍّ، وَرِزِّئْ بِهِمْ مَخْضِرِيٍّ، وَأَخْيِي بِهِمْ ذَكْرِيٍّ، وَأَكْفِنِي بِهِمْ غَيْبِيٍّ، وَأَعْنِي بِهِمْ عَلَىٰ حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي مُجِيبِينَ، وَعَلَىٰ حَدِيبِينَ مُشَفِّلِينَ مُشَتَّقِيْمِينَ، لِي مُطَبِّعِينَ، غَيْرَ عَاصِيَنَ وَلَا عَاقِيَنَ، وَلَا مُخَالِفِيَنَ وَلَا خَاطِئِيَنَ.

## دعا برای فرزندان

(۱) خداوندگار! بر من منت گذار و فرزنداتم را نگاه دار و آنان را فرزندانی صالح قرار ده و مرا از آنان بهره‌مند ساز.

(۲) خدای، برای آرامش و سرگرمی من، عمر فرزنداتم را طولانی گردان و اجل و سرآمد عمر آنان را به تأخیر افکن. کودکان مرا پرورش و فرزندان ناتوانم را نیرومند ساز و برای دلخوشی من، اولاد مراسالم و دین و اخلاق آنان را نیکو بدار و در جان و بدن و در تمام اموری که برای آنان در آن می‌کوشم عافیت مقدّر کن و روزی فراوان به من عطاکن که فرزنداتم را در رفاه و آسایش قرار دهم.

(۳) و فرزنداتم را از صالحان و پرهیزکاران قرار ده تا باروشن بینی، گوش به فرمان و مطیع تو و اولیای ناصح و مشتفق تو و با دشمنان تو، سرستیز و دشمنی داشته باشند. آمين.

(۴) خدایا پشت مرا به آنان محکم کن و کجھی‌ها را به وسیله آنان استوار گردان و خویشاوندان مرا بسیار گردان و مجلس مرا با ایشان بیارا و یادم را به سبب آنان زنده بدار و در زمان نبودن من امور آنان را کفايت فرما و آنها را در نیازهایم کمک‌کار من بکن و آنان را دوست دار من قرار ده که کاملاً به من توجه کنند و در انجام امور استقامت داشته باشند، در حالی که مطیع من باشند و سرکش و آزار رسان و گناه کار و خطا کار نباشند و سرستیز با من نداشته باشند.

(٥) وَ أَعْنَى عَلَى تَزْيِينِهِمْ وَ تَأْدِيهِمْ وَ بَرْهَمْ، وَ هُبْ لِى مِنْ لَدُنْكَ  
مَقْهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِى، وَ اجْعَلْهُمْ لِى عَوْنَا عَلَى  
مَا سَأَلْتُكَ.

(٦) وَ أَعْذَنِى وَ ذُرْتَنِى مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ حَلَقْتَنَا، وَ أَسْرَتَنَا وَ  
نَهَيْتَنَا، وَ رَغَبْتَنَا فِي تَوَابِ مَا أَمْرَتَنَا وَ رَهَبْتَنَا "عِقَابَهُ، وَ جَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا  
يَكِيدُنَا"، سَلْطَنَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ يُسْلِطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَشْكَنْتَهُ "صُدُورَنَا، وَ  
أَجْزِيَتَهُ "مَجَارِي" دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَ لَا يَسْنُ إِنْ نَسِيَنَا، يُؤْمِنْنَا"  
عِقَابَكَ، وَ يُخَوِّفْنَا بِغَيْرِكَ.

(٧) إِنْ هَمَنْنَا "بِفَاحِشَةٍ شَجَعْنَا" عَلَيْهَا، وَ إِنْ هَمَنْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ  
نَبَطَنْنَا "عَنْهُ، يَتَرَأَضُّ لَنَا بِالشَّهْوَاتِ، وَ يَنْصُبُ لَنَا بِالشَّبَهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا  
كَذَبَنَا، وَ إِنْ مَنَّا أَخْلَقْنَا، وَ إِلَّا تَضَرَّفَ عَنَّا كَيْدَهُ يُضْلَلُنَا، وَ إِلَّا تَقْنَا خَبَالَهُ يَسْتَرِ  
نَا.

(٨) اللَّهُمَّ فَاقْهَرْ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَغْسِلَهُ عَنَّا بِكُثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ،  
فَنَضْبِحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَضْرُوبِينَ بِكَ.

(٩) اللَّهُمَّ أَغْطِنِي كُلَّ شُوْلِي، وَ اقْضِ لِي حَوَانِبِي، وَ لَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَ  
قَدْ ضَمِنْنَهَا "لِي، وَ لَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَ قَدْ أَمْرَتَنِي بِهِ، وَ امْتَنْ عَلَيَّ بِكُلِّ  
مَا يُضْلِلُنِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَ مَا نَسِيَتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ "أَوْ  
أَخْفَيْتُ "أَوْ أَغْلَثْتُ "أَوْ أَسْرَرْتُ ".

(۵) خداوندگار، یاری ام کن که فرزندان خود را تأدب و تربیت کنم و به آنان نیکی نمایم و به من پسرانی کرامت فرما که در وجود آنان خیر تقدیر نموده و آنان را یاور من بر تربیت خود آنان قرار ده.

(۶) خداوندگار، مرا و فرزنداتم را از شیطان رانده شده در پناه خود قرار ده، زیرا تو مارآفریدی و امر کردی و از زشتی ها باز داشتی و به ثواب ها ترغیب فرمودی و از عذاب ها ترساندی و در میدان تکلیف، دشمنی بر ما گماردی که بر مسلط است؛ به گونه ای که ما آن گونه سلط را بر او نداریم و جایگاه آن دشمن راسینه ما قرار دادی و مانند خون در رگ های ما جاری ساختی و او را در وجود مانع فوز دادی و در حال غفلت ما، غافل نیست و هنگام نسیان ما، فراموش کار نیست و مرا از عقاب تو ایمن می سازد و از غیر تو می ترساند.

(۷) شیطان در فساد به ما جرأت می دهد و مرا از عمل صالح باز می دارد و با شهوت و سوسمی کند و پیوسته در سر راه معتقدات، شباهت بسیار قرار می دهد و وعده های دروغ بسیار دارد و مارا به آرزو های بسیار دور و دراز سرگرم می کند و سپس تخلّف می کند. خداوندگار، اگر نیرنگ او را نگردانی، گمراهمی ماحصلی است و اگر مرا از فساد و تبهکاری او نگاه نداری، لغزش ما قابل اجتناب نیست.

(۸) خداوند، سلطه شیطان بر مارا مقهور قدرت خود گردن؛ به طوری که بادعا و نیایش فراوان مابه درگاه تو، او را حبس گردانی و به لطفت مارا از کبد او نگاه داری.

(۹) خدایا، هر چه از تو خواستم، عطا بیم کن و حاجاتم را فرماد و مرا از اجابت دعا منع مکن، در حالی که اجابت را برای سائلان ضامن گردیدی و موانع اجابت دعا بیم را که به آن امر کرده ای، بردار و بر من منت بگذار و هر چه را به صلاح دنیا و آخرت من می دانی، اعم از آن که به یاد داشته باشم یا فراموش کرده باشم، اظهار کنم یا پنهان بدارم، آشکار باشد یا در دل نهان بدارم، به من ارزانی دار.

(١٠) وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُضْلِجِينَ يُسْوَى إِلَيْكَ، الْمُشْجِعِينَ<sup>٢٣</sup>  
بِالظَّلْمِ إِلَيْكَ غَيْرَ الْمُشْتَوِعِينَ بِالْتَّوْكِلِ عَلَيْكَ، الْمُسْتَوْدِينَ<sup>٢٤</sup> بِالْتَّعْوِذِ بِكَ،  
أَرَأِيْحِينَ<sup>٢٥</sup> فِي النَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِيْنَ<sup>٢٦</sup> بِعِزْكَ، الْمُوَسِّعِ عَلَيْهِمُ<sup>٢٧</sup> الرِّزْقِ  
الْخَالِلُ مِنْ قَضِيلَكَ، الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرِيمَكَ، الْمُغَرِّيْنَ<sup>٢٨</sup> مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَ  
الْمُجَارِيْنَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَذْلِكَ.

(١١) وَالْمَعَافِيْنَ<sup>٢٩</sup> مِنَ الْبَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُغَفِّيْنَ<sup>٣٠</sup> مِنَ الْفَقْرِ بِغَنَاكَ، وَ  
الْمُغْصُومِيْنَ<sup>٣١</sup> مِنَ الذُّنُوبِ وَالْزَّلَلِ<sup>٣٢</sup> وَالْخَطَايَا بِتَقْوَاكَ، وَالْمُوْقَيْنَ<sup>٣٣</sup> لِلْخَيْرِ وَ  
الرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُخَالِلَ<sup>٣٤</sup> بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ،  
أَتَارِكِينَ لِكُلِّ مُغْصِيْكَ، السَّاكِنِيْنَ فِي جَوَارِكَ.

(١٢) اللَّهُمَّ أَغْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعِذْنَا مِنْ عَذَابِ  
السَّعِيرِ، وَأَغْطِيْ جَمِيعَ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ  
الَّذِي سَأَلْتَكَ لِنَفْسِي وَلِوَلْدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ  
مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيِّمٌ عَنْ عَوْنَوْ رَوْفٌ رَحِيمٌ

(١٣) وَآتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

(۱۰) خدایا، با تمام عنایت خاصی که به من فرمودی و من نیازهای خود را از تو درخواست نمودم، مرا از کسانی قرار ده که اصلاح طلب هستند و بادعا و درخواست از تو رستنگار می‌گردند و به خاطر توکل بر تو از رحمت تو محروم نمی‌گردند و پیوسته در پناه تو خو گرفته‌اند و در تجارتشان با تو سود کرده‌اند و در جوار عزّت تو قرار گرفته‌اند، در حالی که روزی حلال از فضل گسترده تو نصیبیم گردد و از خواری خود رها گردم و در کنار سر بلندی تو قرار گیرم و در جوار عدل تو از ظلم در امان باشم.

(۱۱) خدایا، به رحمت مرا از بلاهادر عافیت و از فقر در غنا قرار بده و از گناهان و لغزش‌ها و خطاهایا با حفظ خاص خود نگاه دار و به سبب اطاعت به راه خیر و رشد و راه درست موفق گردان و مرا از کسانی قرار ده که با قدرت بین آنان و گناهان مانع گردیده‌ای و از تارکان معاصی و ساکنان در حرم امن تو گردیده‌اند.

(۱۲) خدایا، به توفیق و رحمت همه آنچه را که از تو درخواست نمودم، کرامت فرما و از عذاب جهنم در امان بدار و آنچه را که برای خود و فرزندانم خواستم به همه مؤمنان اعم از مرد و زن عطا فرما، خواه نیازهای دنیایی و یا حوابیح آخرتی، زیرا که توبه من نزدیکی و جواب‌گوی من هستی و می‌شنوی و دانایی و از بدی می‌گذری و پرده پوش مهرورز و مهربان هستی.

(۱۳) پروردگار، فضایل و امتیازهای دنیایی و کرامت‌ها و مقام‌های آخری را به ما کرامت فرما و مرا از عذاب آتش جهنم بر کنار فرما.

---

#### واژه‌ها:

۱. امتعی بهم: بهره‌برداری و لذت از آنها.
۲. امداد: عمرش فزونی بخش.
۳. آجال: مدت‌های عمرها.
۴. ماعت: آنچه مورد عنایت من است.

۲۵. شجاعنا: سارا و امسی دارد و جرأت  
من دهد.

۲۶. بیظنا: ما را باز من دارد.

۲۷. ضستها: ملتزم شد (ضمانت کرده‌ای).

۲۸. اظهرت: به زبان آوردم.

۲۹. اخفت: در دل پنهان داشتم.

۳۰. اعتلت: آن را آشکارا به جا آوردم.

۳۱. اسررت: پنهانی انجام دادم.

۳۲. (بین) السنجین: از رسنگاران - کام روایان.

۳۳. المعزّین: در پناه قرار داده شدگان.

۳۴. الراہین: سود برندگان.

۳۵. السجارین: پناهندگان.

۳۶. السوشع حلیهم: گشایش یافتنگان در روزی.

۳۷. السعّ: دارای هزّت.

۳۸. الصالون: صاحبان حافظت.

۳۹. المفتّن: بی نیازان.

۴۰. المصصومین: نگهدارش شدگان.

۴۱. الزلّ: لغزش‌ها.

۴۲. موئین: تولیق یافتنگان.

۴۳. الصحال: حائل شده.

۵. وأمّر لِنِ: فراوان کن.

۶. اپوار: نیکان.

۷. بصراء: بینا در امور، عالم.

۸. مناص: توصیه کننده به نیکی.

۹. مبغضین: کینه‌داران.

۱۰. حضد: بازو.

۱۱. اوّه: کجی.

۱۲. محضر: مکان حضور.

۱۳. ذکری: یادم.

۱۴. راکفی: مرآ کفایت کن.

۱۵. اعّن: کمکم کن.

۱۶. (علی) حدیبن: (بر من) عطوف و مهربان  
باشند.

۱۷. (لہر) هائین: بدون خروج از رضایت.

۱۸. رهبتنا: ترسانیدی ما را.

۱۹. پیکیدنا: به ما کید من ورزد، و ما را گرفل  
می‌زنند.

۲۰. اسکته: جای دادی.

۲۱. امیریه: جاری ساختن.

۲۲. مباری دماتا: راه‌های عبور خون مان.

۲۳. پوئمنا: ما را خاطر جمع می‌کند.

۲۴. هستا: همت ورزیم.



## دعاوه لجيرانه وأوليائه

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجِيرَانِهِ وَأُولَئِيَّاهُ إِذَا ذَكَرُوهُمْ:

(١) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلِّنِي فِي جِيرَانِي وَمَوَالِيَ الْغَارِفِينَ  
بِعَقْنَا، وَالشَّابِدِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَا تَبِكَ.

(٢) وَقُنْقُمْ لِإِقَامَةِ شَبَّاكَ، وَالْأَخْذِ بِمَخَاسِنِ أَدِبِكَ، فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ،  
وَسَدِ خَلْتِهِمْ؛ وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهَدَايَةِ مُشْتَرِشِهِمْ، وَمُنَاصَحةِ  
مُشَتَّشِرِهِمْ، وَتَعْهِيدِ قَادِيمِهِمْ، وَكِشْمَانِ أَشْرَارِهِمْ، وَسُرُورِ عَوْرَاتِهِمْ، وَنُصْرَةِ  
مَظْلُومِهِمْ، وَحُسْنِ مُؤَاسَاتِهِمْ بِالْعَاعُونِ<sup>١١</sup>، وَالْعَزْدِ عَلَيْهِمْ بِالْجِدَّةِ<sup>١٢</sup> وَ  
الْأَفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِدُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ.

(٣) وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْزِي بِالْأَخْسَانِ مُسِيَّهُمْ، وَأَغْرِضُ بِالْتَّخَاوِزِ عَنِ  
ظَالِمِهِمْ، وَأَشْغِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافِيَهُمْ<sup>١٣</sup>، وَأَشْرُقَ بِالْبَرِّ<sup>١٤</sup> عَامَّهُمْ،  
وَأَغْضُ بِصَرِّي عَنْهُمْ عَفَّةً، وَأَلِينُ جَانِبِي<sup>١٥</sup> لَهُمْ تَوَاضُعاً، وَأَرِقُ<sup>١٦</sup> عَلَى أَهْلِ

## دعای بیست و ششم

### دعا برای همسایگان و دوستان

(۱) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا درباره همسایگان و دوستانم که حقوق مرا شناخته‌اند و بدان پای‌بند هستند و نیز دشمنان مرا شناخته‌اند و با آنان به مخالفت برخاسته‌اند، به بهترین صورت سرپرستی کن و امور مرا عهده‌دار شو.

(۲) خدایا! همسایگان و دوستان مرا موفق گردن که روش‌ها و فرمان‌های تو را انجام دهند و به زیباترین آداب زندگی متخلّق گردند؛ به گونه‌ای که با ضمیمان جامعه، مداراکنند و در رفع حوایج شان بکوشند و از مربض‌ها عیادت کنند و کسانی را که طالب نصیحت هستند، هدایت کنند و مشورت کنندگان را خیرخواهانه و ناصحانه باسخ دهند و از سفر رسیده‌ها دیدار نمایند و اسرار آنان را حفظ نموده و در پوشاندن عیب‌های آنان جذی باشند و به مظلومان یاری رسانند و در شرایط سخت زندگی، از کمک به آنان برای برآوردن حوایج شان درین نکنند و با آنان پیوسته با نیکوبی و بخشش برخورد کنند و با گشایش دست و کرم و بخشش به آنان سرکشی کنند و آن‌چه را که مورد حاجت و ضروری زندگی آنان است، پیش از آن که آنان درخواست کنند، تأمین کنند.

(۳) خدایا! مرا آن چنان کن که به بدی همسایگان و دوستان، جواب نیک دهم و از ظالم آنان بگذرم و خوش‌گمانی خود را در بین جمعیت حفظ کنم و در کمال نیکی از همگی سربرستی کنم و چشم خود را از روی عفت بر آنان بپوشانم و با نرمش و

الْبَلَاءُ مِنْهُمْ رَحْمَةٌ، وَأَسْرٌ<sup>١٨</sup> لَهُمْ بِالْغَنِيبِ مَوَدَّةٌ، وَأَحْبَبْتَنَاهُمْ السُّفَمَةُ عِنْهُمْ  
نُضْحَا، وَأَوْجَبْتُ لَهُمْ مَا أَوْجَبْتُ لِعَامَيْنِ<sup>١٩</sup>، وَأَزَّ عَنْ لَهُمْ مَا أَزَّ عَنِي لِخَاصَّتِي<sup>٢٠</sup>.  
(٤) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَازْرُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي  
أَذْفَنِي<sup>٢١</sup> الْحُظُرُوطَ فِيمَا عِنْهُمْ، وَزِدْهُمْ بِصِيرَةً فِي حَقِّيْ، وَمَغْرِفَةً بِفَضْلِيْ،  
حَتَّى يَشْعَدُوا بِي وَأَشْعَدَهُمْ<sup>٢٢</sup>، آمِينَ<sup>٢٣</sup> رَبُّ الْقَالِبِينَ.

تواضع با آنان بر خورد کنم و با نرم قلب، گرفتارها را بار باشم و در غیاب آنان، با محبت، سرشاران را بپوشانم و بقای نعمت را برای آنان دوست بدارم و آن چه را برای نزدیکان خود می‌خواهم برای آنان نیز بخواهم و هر چه را برای خوبشانم رعایت من کنم، برای آنان نیز رعایت کنم.

(۴) خدایا! بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا روزی کن که آن چه را من برای مردم می‌خواهم، آنان نیز برای من بخواهند و بهترین خلق و خود رعایت محاسن و آداب را که به این امت، کرامت فرموده‌ای، به من ارزانی دارد و به این امت توفيق ده که مرا بشناسند و به فضایل و امتیازهای وجودی و واقعی من معرفت پیدا کنند و به وسیله من به نیکبختی برستند و من نیز در این خدمات به پاداش بزرگ الهی نایل گردم.

**واژه‌ها:**

١. توئی: مرا معین و مدافع مصالح قرار ده.
٢. الساندین: طرد کنندگان.
٣. الولاية (بالكسر): سلطنت و حاکمیت.
٤. الولاية (بالفتح): نصرت و یاری.
٥. المحسن: نیکویی‌ها.
٦. خلّهم: حاجت آنان.
٧. المسترشد: طالب هدایت.
٨. الناصحه: نصیحت کردن.
٩. المشتیر: مشورت کننده.
- ١٠.قادهمه: مسافر وارد.
١١. مواساتهم: یاری رساندن به آنان.
١٢. الماعون: کمک و یاری رسان.
١٣. الجدة: ثروت.

١٤. کاچهم: تعامی آنها.

١٥. آتوی بالیز: برای آنان نیکویی را پیش سازم.

١٦. أغض: چشم بپوشم.

١٧. أُلَيْنِ جانبهِ: خود را متواضع سازم.

١٨. أرق: رقت قلب پیدا کنم.

١٩. أُسر: پنهان دارم.

٢٠. لعائتهِ: خواص من.

٢١. لغائتهِ: نزدیکان من.

٢٢. أوفی: کامل تربیت.

٢٣. أَسْعَدْ بِهِمْ: به وسیله آنان به سعادت برسم.

٢٤. آمین: اجابت بفرما.



## دعاوه لأهل التغور

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ التَّغُورِ :

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَسْنَ نُفُوزَ الْمُشْلِبِينَ بِعُرَيْتَكَ، وَ  
أَيْذَ حَنَاتَهَا بِعُرَيْتَكَ، وَأَشْبِعْ عَطَائِهِمْ مِنْ جَدَتَكَ .  
اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثُرْ عِدَّتَهُمْ، وَاشْحَدْ أَشْلِحَتَهُمْ، وَ  
اخْرُشْ حُوَزَتَهُمْ، وَامْتَنْعَ خَوَمَتَهُمْ، وَالْفَجْنَقَهُمْ، وَدَبَرْ أَشَرَهُمْ، وَ  
وَإِيْزْ "بَيْنَ مِيرَهُمْ" ، وَتَوَحَّذْ بِكَفَايَةِ مُؤْنِهِمْ" ، وَاغْصُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَأَعْنِهِمْ  
بِالصَّبْرِ، وَالظُّفُرْ "لَهُمْ فِي التَّكْرِ" .

(٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَرَفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلَنَهُمْ مَا  
لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصِّرْهُمْ مَا لَا يَعْصِرُونَ" .

اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْسِهِمْ "عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْقَدُوْرَ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ"  
الْخَدَاعَةِ "الْغَرُورِ" ، وَامْنَعْ "عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفَتَنِ" .

## دعای بیست و هفتم

### دعا برای مرزداران

(۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و عزّت خود را حافظ و نگهبان مرزهای  
مسلمانان قرار بده و مرزبانان را به قوت خود تأیید و عطایای آنان را از قدرت خود  
فراوان گردان.

بر محمد و آل او درود فرست و عده آنان را بسیار و اسلحه آنان را بیزان و حوزه  
حافظتی شان را محفوظ و اطرافشان را نگاه دار و جمع آنان را پیوند ده و به آنان الفت  
عطافرما و امورشان را تدبیر فرمای و آذوقه‌هایشان را مرتب گردان و هزینه جمع آنان  
را کفایت بنمای و با یاری خود کمکشان کن و با صبر خود اعانت بفرما و با فریفت  
دشمن آنان، لطف خود را شامل حال آنان بگردان [ظرافت و زیرکی و سیاست نهانی  
در برخورد با دشمن را بالطف خود شامل حال شان بگردان]

(۲) خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن چه راکه [از فنون جنگی]  
مرزداران بدان محتاج‌اند و آن را نمی‌دانند به آنان بیاموز و آنان را به گمراهمی‌های  
پنهان، بیناگردان.

خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و آن گاه که مرزبانان به مصاف دشمنان می‌روند،  
دنیای نیرنگ باز را از یاد آنان ببر و خطر مال فته گر را از قلوب آنان محو گردان.

(٣) وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصْبَ أَغْنِيَّهُمْ، وَلَوْحٌ "مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَتْ فِيهَا  
مِنْ مَسَاكِينَ الْخَلْدِ" وَمَتَازِلَ الْكَرَامَةِ وَالْحُورِ "الْجِسَانِ" ، وَالْأَنْهَارِ  
الْمُطَرِّدَةِ "يَأْنَوْعَ الْأَشْرِقَةِ" ، وَالْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَّةِ "يَصُوفُ" الْعَمَرِ، حَتَّى  
لَا يَهُمْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِذْبَارِ "، وَلَا يُحَدِّثَ نَفْسَهُ عَنْ قِرْبِهِ" يَغْرِيَ.

(٤) اللَّهُمَّ افْلُلْ "بِذِلِكَ عَذَوْهُمْ، وَاقْلِمْ" عَنْهُمْ أَطْفَالَهُمْ، وَفَرَقْ "بَيْنَهُمْ وَ  
بَيْنَ أَشْلَحَتِهِمْ، وَأَخْلَعْ "وَتَابِقْ "أَفْيَدَتِهِمْ" ، وَبَاعِدْ "بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَزْوَادِهِمْ" ،  
وَخَيْرُهُمْ "فِي شَبَلِهِمْ" ، وَضَلَّلُهُمْ عَنْ وَجْهِهِمْ، وَاقْطَعَ عَنْهُمْ الْمَدَدَ "، وَ  
اَنْقُضْ "مِنْهُمْ الْقَدَدَ، وَامْلَأْ "أَفْيَدَتِهِمُ الرُّغْبَةَ" ، وَاقْبِضْ "أَنْدِيَهُمْ عَنِ  
الْبَشْطَ "، وَاخْزِمْ "الْيَسْتَهْمُ عَنِ النُّطْقِ، وَشَرِّدْ "بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ" ، وَتَكَلَّ "بِهِمْ  
مِنْ وَرَاءِهِمْ، وَاقْطَعْ بِخَزِيرِهِمْ "أَطْنَاعَ "مِنْ بَعْدِهِمْ.

(٥) اللَّهُمَّ عَقِمْ "أَرْخَامَ إِنْسَانِهِمْ، وَبَيْسَنْ "أَصْلَابَ" رِجَالِهِمْ، وَاقْطَعْ نَشْلَ  
دَوَآيِهِمْ " وَأَنْعَامِهِمْ" ، لَا تَأْذِنْ لِإِنْسَانِهِمْ فِي قَطْرِ "، وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي تَبَاتِ.  
اللَّهُمَّ وَقُوَّ "بِذِلِكَ مِحَالَ "أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَحَسْنَ "بِهِ دِيَارُهُمْ، وَثَمَرَ "بِهِ  
أَمْوَالَهُمْ، وَفَرْعَمَهُمْ "عَنْ مُخَارِبِهِمْ" لِيُبَاتِدَهُمْ "لِلْخَلْوَةِ بِكَ،  
حَتَّى لَا يُعْتَدَ فِي يَقَاعِ الْأَرْضِ "غَيْرُكَ، وَلَا تُعْنَى "لِأَخِدِهِمْ جَنِيَّهُهُ دُونَكَ.

(٦) اللَّهُمَّ اغْزِ "بِكُلِّ نَاجِيَّةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنْ يُبَارِأُهُمْ مِنَ الشَّرِّيْكِينَ،  
وَأَمْدُدْهُمْ "بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُزَدِّيْفِينَ، حَتَّى يَكْشِفُوهُمْ "إِلَى مُنْقَطِعِ  
الثُّرَابِ "قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَسْرًا "، أَوْ يَقِرُّوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

(۳) خداوند، بهشت برین را نصب العین مرزداران اسلامی گردان و منازل جاویدان و با کرامت و حوریان زیبا قامت را در مقابل دیدگان و قلب آنان جلوه گر ساز و نیز نهرهای روان بهشتی را که آکنده از انواع نوشیدنی هاست و درختان پوشیده از میوه های گوناگون را به آنان ارائه فرما، تا فکر برگشت و یا فرار از رقیب در خاطر هیچ یک از آنان راه نیابد.

(۴) خداوند، دشمنان مرزداران اسلامی را پراکنده و پریشان ساز و چنگالشان را بچین و آنان را از سلاحشان دور گردان و اطمینان و اعتماد به نفس آنان را از نهادشان برگیر و آذوقه و تدارک جنگی را نصیب آنها مگردان و در اندیشه کارزار و راهیابی، به حیرت و گمراهی گرفتارشان گردان و نیرو و شماره آنان را بکاه و قطع فرما و دلهای شان را از ترس آکنده ساز و دست های شان را از ظلم و زبان های شان را از سخنوری کوتاه فرما و نیروی پشتیبان آنها را پراکنده ساز؛ آن چنان که به ناتوانی و ترس و خواری مبتلا شوند و موجب عبرت همه کافران گردند.

(۵) خداوند، زنان و مردان دشمنان اسلام را عقیم گردان و نسل چهارپایان [نیروی جایه] آنان را قطع فرما و هرگز به آسمان آنها بارش و به زمین شان رویش عطا فرماید. خدا، دیار مسلمانان را همواره محفوظ بدار و اموالشان را پر بار گردان و نصیب بندگی و خلوت با خود را به سبب جنگیدن با دشمنان اسلام، چنان بر آنان بگستران که در هیچ گوشه از سطح گستره زمین جز تو عبادت نگردد و هیچ پیشانی برای غیر تو بر خاک ساییده نگردد.

(۶) خداوند، در تمامی نواحی کشور اسلامی در هر کجا که مشرکان مستقراند، مسلمانان را علیه آنان تجهیز و آنان را با صفاتی ای از فرشتگان مدد بنما، تا کافران را یا به خاک مذلت نشانده و یا آنان را به اسیری بگیرند و یا این که آنان به یگانگی تو اقرار کنند.

(٧) اللَّهُمَّ وَأَغْمِنْ<sup>٧</sup> بِذِلِكَ أَغْدَاءَكَ فِي أَقْطَارِ الْبَلَادِ<sup>٦</sup>، مِنَ الْهِنْدِ وَالرُّومِ وَالشُّرِيكِ وَالخَزَرِ وَالْجَبَشِ وَالثُّوبَةِ وَالرَّازِيجِ وَالسَّقَالِيَّةِ وَالدَّيَالِيَّةِ وَسَانِرِ أَمْمِ الشَّرِيكِ، الَّذِينَ تَخْفَنِ أَسْمَاؤُهُمْ وَصَفَاتُهُمْ، وَقَدْ أَخْصَيْتُهُمْ بِسَعْفِرَتِكَ، وَأَشْرَقْتَ عَلَيْهِمْ بِقُدْرَتِكَ.

اللَّهُمَّ اشْغُلِ الشَّرِيكَيْنِ بِالشَّرِيكَيْنِ عَنْ تَنَاوِلٍ<sup>٨</sup> أَطْرَافِ<sup>٦</sup> الْمُسْلِمِيْنِ، وَخُذْهُمْ بِالنَّقْصِ<sup>٧</sup> عَنْ تَنَعِيْمِهِمْ، وَثَبِطْهُمْ<sup>٧</sup> بِالْفَزْقَةِ<sup>٦</sup> عَنِ الْأَخْتِشَادِ<sup>٨</sup> عَلَيْهِمْ.

(٨) اللَّهُمَّ أَخْلِ<sup>١</sup> قُلُوبَهُمْ مِنَ الْأُمَّةِ<sup>٦</sup>، وَأَبْدَانَهُمْ مِنَ النُّقُوةِ، وَأَذْهَلْ<sup>٣</sup> قُلُوبَهُمْ عَنِ الْأَخْيَالِ<sup>٤</sup>، وَأَوْهَنْ<sup>٥</sup> أَزْكَانَهُمْ<sup>٦</sup> عَنْ مَنَازِلِهِ<sup>٧</sup> الرِّجَالِ، وَجَبَّهْهُمْ عَنْ مَقَارِعَةِ<sup>٨</sup> الْأَبْطَالِ<sup>٩</sup>، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ جَنْدًا<sup>١٠</sup> مِنْ مَلَائِكَتِكَ يَبْتَسِيْبُ<sup>١١</sup> مِنْ بَأْسِكَ كَفِيلَكَ يَوْمَ بَذِيرٍ، تَقْطَعُ بِهِ دَابِرَهُمْ<sup>١٢</sup>، وَتَحْضُدُ<sup>١٣</sup> بِهِ شُوَكَتِهِمْ<sup>١٤</sup>، وَتُفَرِّقُ بِهِ عَدَدَهُمْ.

(٩) اللَّهُمَّ وَأَمْرُجْ<sup>٩</sup> مِنْاهُمْ<sup>١٠</sup> بِالْوَيْاءِ، وَأَطْعِمْهُمْ<sup>٩</sup> بِالْأَذْوَاءِ، وَإِذْمِ<sup>١١</sup> بِلَادَهُمْ بِالْخُسُوفِ<sup>١٠</sup>، وَأَلْعَ<sup>١١</sup> عَلَيْهِمْ بِالْقَذْوِ<sup>١٢</sup>، وَأَفْرَغْهَا<sup>١٣</sup> بِالْمُحْولِ<sup>١٤</sup>، وَاجْعَلْ مِيزَهُمْ<sup>١٠</sup> فِي أَحْصَنِ أَرْضِكَ<sup>١٥</sup> وَأَبْعِدْهَا عَنْهُمْ، وَامْنَعْ حُصُونَهَا<sup>١٦</sup> مِنْهُمْ، أَصْبِنْهُمْ<sup>١٧</sup> بِالْجُرْعِ الْمُقْيِمِ<sup>١٨</sup> وَالسُّقْمِ<sup>١٩</sup> الْأَلِيمِ.

(١٠) اللَّهُمَّ وَأَيْمَا غَارِ غَرَاثِهِمْ<sup>١٠</sup> مِنْ أَهْلِ مِلَّتِكَ، أَوْ مُجَاهِدِ جَاهَدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ شَرِيكِكَ، لِيَكُونَ دِينُكَ الْأَغْلَى وَجِزْيُكَ الْأَفْوَى وَخَطْكَ الْأَزْوَافِ، فَلَقِهِ<sup>١١</sup> الْيَسْرَ، وَهَيْئِ<sup>١٢</sup> لَهُ الْأَمْرَ، وَتَوَلَّهُ<sup>١٣</sup> بِالْتَّبْجِ<sup>١٤</sup>، وَتَحْيِلَهُ<sup>١٥</sup> الْأَضْحَابَ، وَاسْتَقْوِ<sup>١٦</sup>

(۷) خدایا، دشمنان خود را در هر نقطه از نواحی جهان که زندگی کنند، اعم از هند و ترک و روم و حوالی خزر و جبهه و نوبه و زنگبار و سقالبه و دیالمه و نیز هر کس از سایر اقوام از کفار که نام و نشان آنان بر ما پوشیده است، همگی رامشمول دعاهای گذشته مابگردان، که تو از همه آنان آگاهی و قدرت تو همه آنان سایه افکنده است. خدایا، مشرکان را به خودشان مشغول گردان تا مبادا به مسلمانان دست درازی کنند و چنان نقصان و کاستی بر آنها نازل فرماده قدرت ضربه زدن بر مسلمانان را از دست بدنهند و به پراکندگی در قول و عمل مبتلاشان گردان تا مسلمانان از ظلم و ستم آنان در امان باشند.

(۸) خداوندا، دل‌های دشمنانت را از آرامش و تن شان را از قدرت و قلوب آنها را از جیله گری نهی گردان و ارکان وجودی شان را از مقابله با هم رزمانشان و از زد و خورد با دلیران سست بنما و لشکریانی از فرشتگان را همراه با یکی از عذاب‌های خود همانند روز جنگ بدر، بر آنان نازل گردان؛ به طوری که ریشه آنان را قطع فرمایی و عزّشان به خواری تبدیل گردد و به پراکندگی گروه آنان انجامد.

(۹) خداوندا، آب‌های آنان را به میکروب و خوردنی‌هایشان را به بیماری‌ها مخلوط گردان و شهرهایشان را در زمین فروبر و آنان را به عذاب‌های گوناگون و بی در پی دچار ساز و آنان را با قطع روزی و نباریدن بازاران محدود گردان و غذا و طعام‌شان را در خشکترین و بی خیر ترین منطقه زمین قرار ده و گرسنگی و بلای بیوسته بر آنان نازل گردان.

(۱۰) خدایا، هر رزمنده‌ای که با دشمنان تو می‌جنگد و یا مجاهد مسلمانی که از جهاد و کوشش علیه آنان خودداری نمی‌کند تادین تو را بتر و حزب تو را تواناتر و حظّ تو را تمام‌تر کند، کار آنها را آسان ساز و وسایل شان را فراهم نما و پیروزی آنان را عهده‌دار شو و یارانی که پشت‌رانه آنان باشند برای آنها برگزین و روزی و نعمت آنها

لَهُ الظَّهَرَ، وَأَشِينَ<sup>١٧</sup> عَلَيْهِ فِي النَّقَفَةِ، وَمُسْنَهُ بِالشَّاسِطِ<sup>١٨</sup>، وَأَطْبَعَ عَنْهُ<sup>١٩</sup> حَرَارَةَ  
الشَّوْقِ، وَأَجِزَّهُ<sup>٢٠</sup> مِنْ غَمَّ الْوُخْسَةِ، وَأَنْسَهُ ذِكْرَ الْأَهْلِ وَالْوَلَدِ.  
(١١) وَأَنْزَلَهُ<sup>٢١</sup> حُسْنَ النَّيَّةِ، وَتَوَلَّهُ بِالْغَافِيَّةِ، وَأَضْجَبَهُ السَّلَامَةَ، وَأَغْفَيَهُ مِنَ  
الْجُنُّ، وَأَهْمَنَ الْجُزَاءَ، وَازْرَقَهُ الشَّدَّةَ، وَأَيَّدَهُ بِالثُّصُرَةِ، وَعَلَمَهُ السُّيَّرَ وَ  
الشَّنَّ<sup>٢٢</sup>، وَسَدَّدَهُ فِي الْحُكْمِ، وَاغْزَلَ عَنْهُ الرِّيَاةَ، وَخَلَّصَهُ مِنَ الْمُسْنَعَةِ<sup>٢٣</sup>، وَ  
اجْعَلَ فِكْرَهُ وَذِكْرَهُ وَظَفَنَّهُ<sup>٢٤</sup>، وَإِقْامَتَهُ، فِيكَ وَلَكَ.

(١٢) فَإِذَا صَافَ عَدُوكَ وَعُدُوكَ، فَقَلَّهُمْ<sup>٢٥</sup> فِي عَيْنِهِ، وَصَفَرَ<sup>٢٦</sup> شَانِئُهُمْ  
فِي قَلْبِهِ، وَأَوْلَ لَهُ<sup>٢٧</sup> مِنْهُمْ، وَلَا تُدْلِهِمْ<sup>٢٨</sup> مِنْهُ، فَإِنْ خَسَّتْ لَهُ بِالسَّعَادَةِ،  
وَقَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ، فَبَغَدَ أَنْ يَجْتَنَّ عَدُوكَ<sup>٢٩</sup> بِالْقُتْلِ، وَبَغَدَ أَنْ يَسْجُدَ  
بِهِمُ الْأَشْرُ<sup>٣٠</sup>، وَبَغَدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافَ الْمُسْلِمِينَ<sup>٣١</sup>، وَبَغَدَ أَنْ يُؤْلِي عَدُوكَ  
مُذَبِّرِينَ<sup>٣٢</sup>.

(١٣) أَللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ خَلَفَ<sup>٣٣</sup> غَازِيًّا<sup>٣٤</sup> أَوْ مُرَابِطًا<sup>٣٥</sup> فِي دَارِهِ، أَوْ تَعَهَّدَ<sup>٣٦</sup>  
خَالِفِيهِ<sup>٣٧</sup> فِي عَيْنِيهِ، أَوْ أَعْانَهُ<sup>٣٨</sup> بِطَائِفَةٍ مِنْ مَالِهِ<sup>٣٩</sup>، أَوْ أَمْدَهُ بِعِتَادٍ<sup>٤٠</sup>، أَوْ شَحَّدَهُ<sup>٤١</sup>  
عَلَى جَهَادِهِ، أَوْ أَتَبَعَهُ<sup>٤٢</sup> فِي وَجْهِهِ دَغْرَةً<sup>٤٣</sup>، أَوْ رَعَنَ<sup>٤٤</sup> لَهُ مِنْ وَرَاهِهِ حَمْمَةً<sup>٤٥</sup>،  
فَاجْزَلَهُ<sup>٤٦</sup> مِثْلَ أَخْرِهِ وَرَذْنَا بِوَرْزَنْ وَمِثْلًا بِرَيْشِهِ، وَعَوْضَهُ<sup>٤٧</sup> مِنْ فَقْلِهِ عِوْضًا  
خَاضِرًا يَتَعَجَّلُ<sup>٤٨</sup> بِهِ نَفْعَ مَا قَدَّمَ وَسُرُورَ مَا أَتَى بِهِ، إِنِّي أَنْ يَشْهَدَ بِهِ الْوَقْتُ<sup>٤٩</sup>  
إِنِّي مَا أَجْزَيْتَ لَهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَأَغْذَدْتَ لَهُ مِنْ كَرَامَتِكَ.

(١٤) أَللَّهُمَّ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَهْمَمَهُ<sup>٥٠</sup> أَمْرُ الْإِسْلَامِ، وَأَخْرَمَهُ<sup>٥١</sup> تَحْزِبَ<sup>٥٢</sup> أَهْلِ  
الشَّرِكِ عَلَيْهِمْ، فَتَوَى<sup>٥٣</sup> غَرْوَى<sup>٥٤</sup> أَوْ هَمَ<sup>٥٥</sup> بِجَهَادِ فَقْدَيْهِ<sup>٥٦</sup> ضَعْفُ، أَوْ أَبْطَأْ

را فراوان و روح شان را با نشاط و خزم گردان و با الهام کردن شکیبایی و آرامش به آنان، حرارت اشتیاق شان را به خاندان و بستگان شان تسکین بخش و آنان را از غم ترس و وحشت در پناه خود درآور و با توجه ژرف آنان به دشمن یادکرد بستگان و فرزندان را از ذهن آنان بزدای و غافل ساز.

(۱۱) خدایا، به یکایک رزمندگان اسلام حسن نیت الهام فرما و با عافیت خود از او سرپرستی کن و از ترس، بر کنارش فرما و جرأت را به او الهام کن و قدرت را روزی اش ساز و یاریش نما و از طریق‌های سنت‌های درست زندگی آگاه فرما و در احکام و باورها، استوار و خالی از خطأ و در کردار، دور از ریا و در گفتار، دور از شمعه بدار و فکر و ذکر و حرکت و سکون او را در خود و برای خودت قرار بده.

(۱۲) خداوندا، اگر رزمنده اسلام در مصاف دشمن تو و دشمن خود قرار گرفت، دشمنان را در چشم او خوار و کوچک گردان و او را بردشمن چیره گردان و دشمن را بر او غالب مگردان و اگر عاقبت او به سعادت شهادت ختم می‌شود، شهادت او را بعد از آن قرار ده که دشمن تو را کشته و یا به اسارت گرفته و اطراف و اکناف مسلمانان به امن و امان رسیده و دشمن تو پشت کرده و بگیریزد.

(۱۳) خدایا، هر مسلمانی که عهده‌دار هزینه خانواده یکی از رزمندگان اسلام یا یکی از مرزداران شود یا به نحوی از دارایی خود به آنان کمک رساند یا او را مجهز به افزار جنگی و مهیا برای رزم نماید یا به راهی که در پیش گرفته دعا کند و یا آبروی او را حفظ کند، همانند اجر و هم‌سنگ مزد او، به او پاداش عطا فرما و به جای آن کمک‌ها، پاداشی به او کرامت فرمایه هم در دنیا از آن استفاده نماید و هم در آخرت پاداش‌های آن ذخیره‌ها و فضل تو، بر او مستغیض باشد.

(۱۴) خداوندا، هر مسلمانی که از وضع اسلام نگران و از تجاوز فرقه‌های اهل شرک اندوه‌گین است و در نیت اوست که به جنگ و جهاد دست زند، لیکن ضعف یا

يَهُ فَاقَةً، أَوْ أَخَرَّهُ عَنْهُ حَادِثٌ، أَوْ عَرَضَ لَهُ دُونَ إِرَادَتِهِ<sup>١٠</sup> مَانِعٌ، فَأَكْتَبَ اسْمَهُ فِي الْقَابِدِينَ، وَأَوْجِبَ لَهُ ثَوَابَ الْمُجَاهِدِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي نِظَامِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.

(١٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً عَالِيَّةً عَلَى الصَّلَوَاتِ<sup>١١</sup>، مُشَرِّفَةً<sup>١٢</sup> فَوْقَ التَّعْبَاتِ، صَلَاةً لَا يَنْتَهِي أَمْدُهَا، وَلَا يَنْقَطِعُ عَدْدُهَا، كَائِنَّ مَا تَضَنَّ مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَخِدٍ مِنْ أَزْلِيَائِكَ، إِنَّكَ الْمَتَّاْنُ<sup>١٣</sup> الْعَيْدُ<sup>١٤</sup> الْمُبَدِّيُّ الْمُعِيدُ<sup>١٥</sup> الْفَقَالُ<sup>١٦</sup> لِمَا تُرِيدُ.

قرف یا حادثه دیگری مانع از اراده او می‌شود، نام او را در دیوان عابدان و پاداش او را ثواب مجاهدان مقرر بفرما و او را در سلک شهیدان و صالحان قرار ده.

(۱۵) خدایا، بر حضرت محمد، بنده و فرستادهات و خاندان او، عالی ترین درود خود را که برتر از همه تحبّات است نثار فرما؛ درودی که نه زمان آن تمام شود و نه شماره آن پایان پذیرد؛ همانند کامل ترین درودهایی که برای یکسی از اولیای خود فرستاده‌ای، زیرا تو منان و ستد و آفریننده همه چیز و بازگرداننده مردم در قیامت و به جا آورنده همه چیز هست.

### واژه‌ها:

۱. حُكْم: حفظ کن.
۲. التغور: مزها.
۳. حاتها: حامیان و مدافعان.
۴. أَسْيَع: افاضه و اتمام کن.
۵. جَذَّبَكَ: غنی.
۶. اشجد: تیز کن.
۷. احرس: حفظ کن.
۸. حوزة: ناحیه.
۹. حوتهم: منطقه تحت تصرف.
۱۰. دَبِير: تدبیر فرما.
۱۱. وَاتَّرَ عَلَى الدَّوَامِ وَبَشَّتْ سَرَهْمَ قَرَارِدَه.
۱۲. بَيْرَمَ: طعام و غذای آنان.
۱۳. مَزْنَ: سختی و گرفتاری‌ها.
۱۴. الْطَّفَ: لطیف و غیر قابل رؤیت.
۱۵. مَالَ يَصْرُونَ: آن چه به قلب نبینند.
۱۶. أَسْبِهْمَ: دنیا را در نظر آنان به فراموشی بینداز.
۱۷. الْخَدَاعَةَ: بسیار خدude گر.
۱۸. الْفَرُورَ: گول زن.
۱۹. وَامْعَ: محور کردن.
۲۰. الْفَتُونَ: فته گر.
۲۱. لَوْحَ: ظاهر کن.
۲۲. مَاسِكَنَ الْخَلْدَ: خانه‌های جاویدان.
۲۳. الْعَوْرَ: مشکین چشمان.
۲۴. الْعَسَانَ: زیبا صورتان.
۲۵. الْسَّطْرَدَهَ: پیوسته روان.
۲۶. الْأَشْرَهَ: نوشیدنی‌ها.
۲۷. الْمَدْلَهَ: به هم پیچیده.

۵۱. بخزیهم: ذلت و سستی.  
 ۵۲. اطیاع: طمع‌ها.  
 ۵۳. عقم: عقیم و نازاکن.  
 ۵۴. پیس: بخشکان.  
 ۵۵. الأصلاب: صلب مردان.  
 ۵۶. الدواب: حیوانات، چهارپایان و جیندگان.  
 ۵۷. الأئماع: چهار پایان.  
 ۵۸. القطر: باران.  
 ۵۹. قوّه: قدر تمدن بدار.  
 ۶۰. الحال: تدبیر.  
 ۶۱. حصن: در دژ محکم خود قرار بده.  
 ۶۲. ثتر: پر محصول و کثیر گردان.  
 ۶۳. فرغهم: به آنان فراغت ده.  
 ۶۴. الصحابة: جنگیدن.  
 ۶۵. الصابدة: دور کردن دشمن.  
 ۶۶. بقاع الأرض: قطعات زمین.  
 ۶۷. ولا غفر: سجده نکند - روی به خاک ناید.  
 ۶۸. اغز: برانگیز برای جنگیدن.  
 ۶۹. اسدهم: آنان را یاری کن.  
 ۷۰. یکشونه: آنان را شکست دهند.  
 ۷۱. منقطع التراب: آخرین نقطه از زمین.

۲۸. الصنوف: صنف‌ها.  
 ۲۹. الادبار: پشت کردن و روی برگردانیدن.  
 ۳۰. قرنه: همانند خود.  
 ۳۱. افلل: شکست بد.  
 ۳۲. أقلم: ضعیف کن - چنگال آنها را بچین.  
 ۳۳. فرق: جدایی بینکن.  
 ۳۴. اخلع: برکنار کن.  
 ۳۵. الوثائق: پایه‌های اطمینان.  
 ۳۶. اندتهم: دل‌های آنها.  
 ۳۷. باعد: دور کن.  
 ۳۸. أزودتهم: زاد و توشه آنها را.  
 ۳۹. حتیهم: آنان را سرگردان کن.  
 ۴۰. فی سبلهم: در راه‌های آنها.  
 ۴۱. مدد: کمک.  
 ۴۲. واتض: کم کن.  
 ۴۳. واملأ: پرکن.  
 ۴۴. الرعب: ترس.  
 ۴۵. واقض: بیند.  
 ۴۶. البسط: گشایش در قدرت.  
 ۴۷. واخزم: بینند زبان‌های آنها را.  
 ۴۸. شراء: متفرق کن.  
 ۴۹. من خلقهم: کسان پس از آنان.  
 ۵۰. نکل: آنان را عبرت دیگران قرار ده.

- ۹۳. تهدید: قطع کنی.
- ۹۴. الشرکة: قدرت و توانایی.
- ۹۵. امزج: مخلوط کن.
- ۹۶. الیاه: آب‌ها.
- ۹۷. اطمئنتم: خوراک‌های آنان.
- ۹۸. الادواه: دردها.
- ۹۹. ارم: هدف قرار بده.
- ۱۰۰. الخسوف: فرو رفتن زمین.
- ۱۰۱. الْأَلْحَقَ: مداومت کن.
- ۱۰۲. الْقُذْفَ: تیراندازی با سنگ.
- ۱۰۳. و افرعهای: بردار.
- ۱۰۴. الْحَوْلَ: خشک‌سالی.
- ۱۰۵. بِيَوْهُمْ: طعام.
- ۱۰۶. أَحْصَنَ أَرْضَكَ: خشک‌ترین زمین.
- ۱۰۷. حسونها: دیوارهای شهر.
- ۱۰۸. أَسْبَهُمْ: مبتلاکن.
- ۱۰۹. جَوْعَ الْقَيْمَ: گرسنگی همیشگی.
- ۱۱۰. السُّمَّ: مرض.
- ۱۱۱. غاز غرام: جنگاوری که با آنان بجنگد.
- ۱۱۲. لَهُ: نصیبش کن.
- ۱۱۳. هَنْيَ: آماده کن.
- ۱۱۴. تَوْلَهُ: متولی اوپاش.
- ۱۱۵. النَّجْعُ: رستگاری.
- ۷۲. أَسْرَا: اسیر کردن.
- ۷۳. وَاعِمٌ: شامل گردان.
- ۷۴. اقطار الْبَلَادَ: جوانب و نواحی شهرها.
- ۷۵. التَّاوِلُ: دستری.
- ۷۶. اطْرَافُ: نواحی.
- ۷۷. خَذْهَمْ بِالْأَنْهَى: از جمعیت آن بکاه (هلاکت فرد فرد).
- ۷۸. يَهْلِمُ: آنها را مشغول کن.
- ۷۹. الْاَفْرَاقَ: جداشدن از یکدیگر.
- ۸۰. الْاحْشَادُ: اجتماع.
- ۸۱. أَخْلَلَ: تهی کن.
- ۸۲. الْأَمَّةُ: آرامش.
- ۸۳. أَذْهَلَ: غافل کن.
- ۸۴. الْاحْتِيَالُ: جبله گیری.
- ۸۵. أَوْهَنَ: مست کن.
- ۸۶. أَرْكَانُهُمْ: پایه‌های آنها.
- ۸۷. الْسَّازَلَةُ: رزمیدن.
- ۸۸. الْسَّارَعَةُ: زد و خورد.
- ۸۹. أَبْطَالُ: قهرمانان.
- ۹۰. الْبَندُ: لشگر.
- ۹۱. بَاسُ: شدت و قوت.
- ۹۲. تَقْطُعُ دَابِرَهُمْ: آنان را مستأصل و بیچاره کنی.

۱۳۵. الفازی: رزمنده.

۱۳۶. المرابط: مرزبان.

۱۳۷. التهدی: بر عهده گرفتن.

۱۳۸. خالقیه: آنان که ازو به جای مانده‌اند.

۱۳۹. اعاته: او را کم کند.

۱۴۰. بطاقة من ماله: به قسمتی از مالش.

۱۴۱. آمدہ بھاد: آماده سازی کندر زمانه را به سلاح.

۱۴۲. شحذة: تجهیزش کرد.

۱۴۳. آئته: به او ملحق کرد.

۱۴۴. الدعوة: خواندن.

۱۴۵. رعن: حفظ کرد.

۱۴۶. من وراثه حرمة: حریم او را در غیبت او حفظ کرد.

۱۴۷. فاجر له: مزد دهد او را.

۱۴۸. عرضه: به او عرض پرداخت بفرما.

۱۴۹. یتعجل: سرعت می‌کند.

۱۵۰. یپنهی به الوقت: تا آن‌گاه که وقت تمام شود.

۱۵۱. آئیا سلم: هر مسلمان.

۱۵۲. اعهته: برای او مهم است.

۱۵۳. اعزمه: او را غمگین کند.

۱۵۴. التحرب: دسته‌بندی گروه‌ها.

۱۱۶. استور: محکم کن.

۱۱۷. أسيخ: زياد كن.

۱۱۸. منه بالنشاط: بهره‌مند از نشاطش بنتا.

۱۱۹. واطف عنه: خاموش کن.

۱۲۰. أجره: پناهش ده.

۱۲۱. وأثر له: ارشادش کن.

۱۲۲. السنن: طریقه‌ها.

۱۲۳. السمعة: بگوش دیگران رسانند.

۱۲۴. الظنون: روان شدن و رفتان.

۱۲۵. صاف: صفت آراست.

۱۲۶. اللهم: آنان را کم نشان بد.

۱۲۷. صفر: کوچکشان بنتا.

۱۲۸. أول له: او را غلبه و نصرت بد.

۱۲۹. لاتد لهم: آنها را غالب بر او قرار نده.

۱۳۰. يحتاج عدوك بالقتل: دشمن را به سب قتل بیچاره کند.

۱۳۱. بجهد بهم الأسر: به وسیله اسارت دشمن را گرفتار کند.

۱۳۲. تأمين اطراف المسلمين: نواحي کشور را امن نماید.

۱۳۳. يوئي عدوك مدربين: دشمن را شکست داده و آنها را فراری دهد.

۱۳۴. خلف: جای او بشیند.

۱۶۱. عالیه علی الصلوات: بالاتر از درودها.

۱۶۲. الشرفة: مرتفع.

۱۶۳. مثان: معطی.

۱۶۴. حمید: پسندیده.

۱۶۵. معبد: برانگیزاننده (در قیامت).

۱۶۶. فکل: کارآی پیوسته.

۱۵۵. فتوی: پس نیت کند.

۱۵۶. الفزو: جنگ.

۱۵۷. همت ورزد.

۱۵۸. تدبیه: زمین‌گیرش کند.

۱۵۹. ابهات به: موجب کندی شود.

۱۶۰. دون لراده: قبل از اراده او.

## دعاوه في التفزع

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُتَفَرِّعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

(١) اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَضُتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ، وَأَقْبَلْتُ بِكُلِّ عَلَيْكَ،  
وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّا يَخْتَاجُ إِلَيْ رِفْدِكَ، وَقَلَبْتُ مَسَالَتِي عَمَّا  
لَمْ يَشْتَغِلْنِ عَنْ فَضْلِكَ، وَرَأَيْتُ أَنَّ طَلَبَ الْمُخْتَاجِ إِلَى الْمُخْتَاجِ سَفَهٌ مِنْ  
رَأْيِهِ وَضَلَّةٌ مِنْ عَقْلِهِ.

(٢) فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ - يَا إِلَهِي - مِنْ أُنَاسٍ طَلَبُوا الْعِزَّةِ بِغَيْرِكَ فَذَلُّوا،  
وَرَأَمُوا النَّرْوَةَ مِنْ سِوَاكَ فَأَنْتَرُوا، وَخَوَلُوا الْإِزْنِاقَ فَأَتَسْمُوا، فَسَعَ  
بِمَعَايِنَةٍ أَمْتَالِهِمْ حَازِمٌ وَفَقَهْ أَغْيَارُهُ، وَأَزْشَدَهُ إِلَى طَرِيقِ صَوَابِهِ  
أَخْتِيَارُهُ. فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ دُونَ كُلِّ مَسْؤُولٍ مَوْضِعُ مَسَالَتِيٍّ، وَدُونَ كُلِّ  
مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَلِيٍ حاجَتِي.

(٣) أَنْتَ الْمُخْصُوصُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعَوٍ بِدَعْوَتِي، لَا يَشْرُكُكَ أَحَدٌ فِي رَجَائِي،  
وَلَا يَتَقَوَّلُ أَحَدٌ مَعْكَ فِي دُعَائِي، وَلَا يَنْظِمُهُ وَإِيَّاكَ يَنْدَائِي.

(٤) لَكَ - يَا إِلَهِي - وَخَدَائِيَّةُ الْقَدَدِ، وَمَلَكَةُ الْقُدْرَةِ "الصَّدِيدُ" ، وَفَضْلَيَّةُ

## دعای بیست و هشتم

### دعا هنگام پناه بردن به خدا

(۱) خدایا، من بدون هیچ پیرایه و خالی از هرگونه شائبه، مخلصانه و با تسامم وجودم به درگاه تو پیوسته‌ام و از هر کس که به تو محتاج است روی گردانیده‌ام و درخواست خود را هرگز متوجه کسانی که خود به احسان تو نیاز دارند، نکرده‌ام؛ زیرا دانستم نیاز را از نیاز مندان خواستن، سفاهت عقل و گمراحتی خرد است.

(۲) خدایا، چه بسیار کسانی از مردم که توهم جلب عزّت از غیر تو، موجب خواری آنان شد و ثروت را از آنان خواسته و فقیر شدند و مقام از غیر تو طلبیدند و کوچک شدند و همین تجربه برای فرزانگان کافی است که توفیق یافته و عبرت گیرند و به سوی راه درست رهنمون گردند؛ پس تو تنها خدا و مولای من هستی آن گاه که درخواست می‌کنم، نه هر سؤال شده‌ای و تو را کننده خواسته‌های من هستی، نه هر کس که از او طلب شود.

(۳) فقط تو را قبل از هر کس می‌خوانم و در امید من جز تو کس دیگری مشارکت ندارد و در دعای من به درگاهت هیچ کس همراه نیست و ندای مرا غیر توانمی‌شنود و آن را برآورده نمی‌کند.

(۴) خدایا، تو از وحداتی که عدد قائم به آن است برخورداری و دارای قدرت ذاتی نامحدود و بی‌زوال می‌باشی و فضیلت هر دگرگون سازی و نیرومندی و هر

**الْعَزِيْزُ وَالْفَوْتُ، وَدَرْجَةُ الْفُلُوْزِ وَالْفُقْعَةِ.**

(٥) وَمَنْ يَسْوَكَ مَرْحُومٌ فِي عُمْرِهِ، مَغْلُوبٌ عَلَى أَمْرِهِ، مَفْهُورٌ<sup>١٣</sup> عَلَى شَأْنِهِ،  
مُخْتَلِفُ الْحَالَاتِ، مُتَنَقَّلٌ<sup>١٤</sup> فِي الصَّفَاتِ فَتَقَالَيْتُ<sup>١٥</sup> عَنِ الْأَشْبَاوِ وَالْأَضْدَادِ، وَ  
تَكَبَّرْتُ عَنِ الْأَمْثَالِ وَالْأَنْذَادِ<sup>١٦</sup>، فَسُبْنَعَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

درجه از علو و رفعت، نقطه از آن نوست.

(۵) تمامی آفریده هایت در طول هم رسان به ترحم تو نیاز دارند و در پدیده ها و امور زندگی شکست خورده و مغلوب اند و در رخدادها و حوادث زندگی و حالات و صفات، مفهور دستگاه خلقت می باشند و حالات و صفات آنان دگرگونی پذیرد و فقط توبی که هیچ گونه مشابه و ضدی نداری و بزرگ تراز هر همسان و همانی است، پس از هر عیب و نقص منزه هی و هیچ مؤثری غیر تو در جهان نیست.

### والله:

۱۴. العاینة: دیدن.
۱۵. العازم: مطمئن در امور.
۱۶. أرشد: راهنمایی کرد.
۱۷. موضع سائنس: جایگاه سؤالم.
۱۸. لا ينظمه: به ردیف نباورد.
۱۹. ملكة اللذة: ذاتی بودن قدرت.
۲۰. الصد: پگانه مورد احتیاج همگان.
۲۱. حرل: توانایی مانع از منهایات.
۲۲. الفرقة: قدرت بر فعل.
۲۳. المظہور: مغلوب.
۲۴. الاستثناء: قابل تغییر.
۲۵. فعالیت: تو بر قدر هستی.
۲۶. الأمثال: امثال.
۱. أخلص: خالص برای نوام.
۲. انتظام الیاد: بریدن از همه غیر از تو.
۳. أبلث: روی آوردم.
۴. صرف وجہی: روی گردانیدام.
۵. الرغد: عطا.
۶. فلت: برگرداندم.
۷. لم يستثن: بی نیاز نیست.
۸. السه: نقصان عقل.
۹. الطلة: کمراهم.
۱۰. الأنس: انسان ها.
۱۱. راموا: طلب کردند.
۱۲. حارلوا: اراده نمودند.
۱۳. الارتفاع: بلند مرتبه شدن.

## دعاوه إذا قُتِرَ عليه الرزق

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ:

- (١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْنَا فِي أَزْرَاقَنَا بِسُوءِ الظَّنِّ، وَفِي آجَالِنَا بِطُولِ الْأَعْلَى، حَتَّى اتَّسَّنَا أَزْرَاقَكَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْزُوقِينَ، وَطَبَعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَغْمَارِ الْمَعْرِيْرِينَ.
- (٢) فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَوْتَنَا الطَّلْبِ، وَأَهْمَنَا يَقِنَّةً خَالِصَةً تَعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصْبِ.
- (٣) وَاجْعَلْ مَا صَرَّخْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ<sup>١١</sup> فِي وَخِيكَ، وَأَتَعْقِنَةً<sup>١٢</sup> مِنْ قَسِيمَكَ فِي كِتَابِكَ، قَاطِعًا لِإِهْتِمامِنَا<sup>١٣</sup> بِالْرِزْقِ الَّذِي تَكَفَّلتَ<sup>١٤</sup> بِهِ، وَخَسِنًا<sup>١٥</sup> لِلإِشْغَالِ بِمَا ضَمِنْتَ الْكِفَايَةَ لَهُ.
- (٤) فَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحُقُّ الْأَضْدَقُ، وَأَقْسَمْتَ وَقَسِيمَكَ الْأَبْرُ<sup>١٦</sup> الْأَوْفَى:<sup>١٧</sup>  
(وَبِي أَلْسِنَمِ رِزْكُكُمْ وَمَا تُوَعِّدُونَ).
- (٥) ثُمَّ قُلْتَ (فَوْرَبِ أَلْسِنَمِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لِحُقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطَلِقُونَ).

## دعای بیست و نهم

### دعای هنگام تنگدستی

(۱) خداوندا، ما را در امر روزی به سوء ظنی دچار ساخته‌ای - که از ضعف ماسر چشمه گرفته است و گمان می‌کنیم روزی را باید از دیگران تمثاًکرد - و نیز گرفتار آرزوهای دور و دراز شده‌ایم؛ آن چنان که طمع عمرهای کسانی را نموده‌ایم که عمرهای بسیار طولانی دارند.

(۲) خدایا، پس بر محمد و آل او درود فرست و آن چنان یقین صادقی به ماعطا کن که هرگز در طلب روزی به دشواری و سختی مبتلا نگردیم و اطمینان خالصی عطا فرماده به رنج و مشقت‌های بسیار دچار نگردیم.

(۳) وعدة قاطعه‌ای که با وحی به ما ابلاغ فرموده‌ای و سپس بر آن وعده سوگند خورده‌ای که روزی شما حق است و به شمامی رسد، موجب اطمینان خاطر ما گردان تادر طلب روزی به اعتدال عمل کنیم و باشغال بیش از حد به کاری که تو آن را کفايت فرموده‌ای، عمر خود را صرف نکنیم.

(۴) تو خود گفته‌ای و گفتار تو حق و صادقانه ترین سخن است و سوگند یاد کرده‌ای و درستی سوگند تو وفای به آن قطعی است: «روزی شما و وعده‌هایی که داده‌ایم، در آسمان ثابت است».

(۵) سپس فرمودی: «به پروردگار آسمان و زمین سوگند، روزی شما ثابت است، آن چنان که سخن می‌گویید».

واژه‌ها:

|                                 |                                |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ۱۰. صراحت: به صراحت گفتی.       | ۱. ابیتیتا: مبتلا یمان نمودی.  |
| ۱۱. العده: و عده.               | ۲. آجاتا: مدت زمان عمر هایمان. |
| ۱۲. آتیت: به دنبال درآوردن.     | ۳. التصنا: درخواست نمودیم.     |
| ۱۳. الاعتراض: کوشش.             | ۴. معتبرین: کهن سالان.         |
| ۱۴. تکلفت: بر عهده گرفتن.       | ۵. تکفینا: کفایتمان کنی.       |
| ۱۵. حسا: قطع.                   | ۶. مؤونه: سنجیسی.              |
| ۱۶. آبرز: نیکو ترین.            | ۷. تقنه: اطیبان.               |
| ۱۷. الوغ: صادقانه‌تر و کامل تر. | ۸. تغفینا: ما رانجات دهی.      |
|                                 | ۹. نصب: سختی و وزحمت.          |



## دعاوه في المعونة على قضاء الدين

وكان من دعائيه عليه السلام في المعونة على قضاء الدين

(١) اللهم صل على محمد وآلية، وهب لى الغافقة من ذين تحقيق به وجهي، ويرحأ فيه ذهني، ويتشعّب آلة فكري، ويطُول بمحارسته شغلي.

(٢) وأعوذ بك - يا رب - من هم الدين وفيكروه، وشعل الدين وشهروه؛ فصل على محبتي وآلية، وأعذني منه، وأشجعوك - يا رب - من ذلتني في الحياة، ومن تيقنت بعد الوفاة؛ فصل على محمد وآلية، وأجزنني منه بوضع فاضل، أو كفاف وacial.

(٣) اللهم صل على محمد وآلية، واجتبني عن السرف<sup>١</sup> والازدواج، وقوّمني<sup>٢</sup> بالبذل والإفتخار<sup>٣</sup>، وعلّمني حسن التدبير<sup>٤</sup>، واقبضني<sup>٥</sup> بلطفك عن التبذير<sup>٦</sup>، وأجر<sup>٧</sup> من أثواب الحلال أرزاقى، ووجه في أبواب البر<sup>٨</sup> إنفاقى، وزر<sup>٩</sup> عنى من النال ما يخدث لي مخيلة<sup>١٠</sup> أو تأدبا إلى بقى<sup>١١</sup>، أو ما أتقى<sup>١٢</sup> منه طغياناً.

(٤) اللهم حبب إلى<sup>١٣</sup> صحبة القرآن، وأعني<sup>١٤</sup> على صحبتهم بحسن الصابر.

## دعا برای پرداخت بدھی

(۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از بدھی ای که آبرو را خدشہ دار  
می کند و موجب پریشانی و پراکنندگی خیال می شود و در ادای آن گرفتار اشتغال ذهنی  
می گردم، در امان و عافیت قرار بده.

(۲) پروردگار، به تو پناه می برم از فکر و هم و غمی که در اثر گرفتن فرض  
موجب اشتغال ذهنی در روز و بی خوابی در شب می گردد و مرا از این حادثه غم افرا  
در پناه خود در آور و نیز از ذلت بدھکاری در زندگی دنیا و پس از مردن، به تو پناه  
می برم و مرا با روزی فراوان یا به اندازه کفاف، از بدھکاری بی نیاز گرдан.

(۳) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و به  
بخشن و میانه روی در امور استوار بدار [و به من بیاموز که در روش زندگی میانه رو  
باشم و مرا از زیاده روی ها باز دار] و روزی مرا از راههای حلال برسان و اتفاقهای  
مرا به سوی ابواب خیر متوجه گردان و ثروتی را که موجب گردن کشی و خود بینی  
شود و یا طغیان گری را در بی داشته باشد، از من دور گردان.

(۴) خدایا، همنشینی با فقرا را مورد علاقه من قرار ده و کمک فرمای که بتوانم در  
مصاحبت با آنها شکیبایی را به بهترین صورت رعایت کنم.

(٥) وَ مَا زَوَّنَتْ عَنِّي " مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، فَأَذْخُرْهُ " لِي فِي حَزَابِنِكَ الْبَاقِيَةِ.

(٦) وَ اجْعَلْ مَا حَوَلْتَنِي " مِنْ خَطَائِهَا "، وَ عَجَّلْتَ لِي مِنْ مَتَاعِهَا، مُلْقَةً إِلَى جَوَارِكَ، وَ وُضْلَةً " إِلَى قُرْبِكَ، وَ ذَرِيعَةً " إِلَى جَثَثِكَ، إِنَّكَ ذُو الْعَضْلِ الْعَظِيمِ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ.

(۵) خدایا، آن چه از اموال دنیا از من باز داشته و به من عطا نکردماي، آن را در خزانين پاينده و باقى خود برای من ذخیره گرдан.

(۶) خداوندا، آن چه از مكنت و ثروت دنیا به من کرامت فرموده‌اي و در رسيدن آن ثروت به من تعجیل فرموده‌اي، آن را وسیله‌اي کن که با آن به قرب تو نايل آيم و آن را زمینه‌اي برای ورود به بهشت قرار دهم، زیرا تو دارنده تفضل عظيم و بخشندۀ بزرگوار هستي.

### واژه‌ها:

۱۷. الأجزء: جریان مدام.
۱۸. البر: نیکویی.
۱۹. وازو: دور کن.
۲۰. السخیله: کبر و اعجاب.
۲۱. البف: ستم و ظلم.
۲۲. أتعقب: دنبالش کنم.
۲۳. حب الٰی: معحبون کن.
۲۴. اعثی: یاریم نما.
۲۵. رَوَيْتُ عَنِی: از من دور ساختی.
۲۶. فاذخره: ذخیره‌اش کن.
۲۷. خَلَقَتِی: عطا کردي.
۲۸. العطام: زرق و برق دنيابي.
۲۹. بلقة و وصلة: وسیله رسيدن.
۳۰. الذريعة: وسیله.
۳۱. الجواب: بخشندۀ بدون هیچ گونه پاداش.

۱. تخلق وجهی: آبرویم را بربیزی.
۲. يُعَارِ: حیرت زده شود.
۳. يتشبّه ذهنی: ذهنم پراکنده گردد.
۴. المسارمة: معالجه.
۵. الهمّ حزن.
۶. السهر: بیداری شب.
۷. أستجير بـك: به تو پناه می‌برم.
۸. وسیله ناضل: رزق زياد.
۹. كفافی و اصل: روزی به اندازه.
۱۰. واجبین: مانعم شو.
۱۱. السرف: اسراف.
۱۲. قوله: آماده‌ام کن.
۱۳. الاقتاصاد: میانه روی.
۱۴. حسن التقدير: خوب اندازه گرفتن.
۱۵. واقبضن: نگاه بدار.
۱۶. التبذیر: صرف مال در موارد باطل.

## دعاوه بالتنية

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ذِكْرِ التَّوْبَةِ وَ طَلَبِهَا

(١) اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَصْفُهُ نَفْتُ الْوَاصِفِينَ، وَ يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاهُ  
الرَّاجِينَ، وَ يَا مَنْ لَا يَضِيقُ لَدِينِ أَبْرَارِ الْمُخْسِنِينَ، وَ يَا مَنْ هُوَ مُشْتَهَى حَرْفِ  
الْعَابِدِينَ، وَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ حَشْيَةِ الْمُتَقَبِّلِينَ، هَذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَهُ أَيْدِي  
الذُّنُوبِ، وَ قَادَتْهُ أُرْمَةُ الْخَطَايا، وَ اسْتَخْرَدَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ، فَقَصَرَ عَنَّا  
أَمْرُتَ يَهُ تَفْرِيطًا، وَ تَغَاطَنِي مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا.

(٢) كَأَنْجَاهِلٍ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ، أَوْ كَأَلْمَنْكِرٍ فَضْلَ إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ، حَتَّى إِذَا  
أَفْتَحَ لَهُ بَصَرَ الْهُدَى<sup>١</sup>، وَ تَقْسَمَتْ عَنْهُ سَحَابَتُ الْعَمَى<sup>٢</sup>، أَخْصَنَ<sup>٣</sup> مَا ظَلَمَ يَهُ  
نَفْسَهُ، وَ فَكَرَ فِيمَا حَالَفَ يَهُ رَبَّهُ، فَرَأَى كَبِيرَ عَصْبَانِهِ كَبِيرًا، وَ جَلِيلَ مُخَالَقِهِ  
جَلِيلًا<sup>٤</sup>. فَأَقْبَلَ<sup>٥</sup> تَحْوِكَ<sup>٦</sup> مُؤْمِلًا لَكَ مُسْتَخِيًّا<sup>٧</sup> مِنْكَ، وَ وَجَهَ<sup>٨</sup> رَغْبَتَهُ<sup>٩</sup>  
إِلَيْكَ ثَقَةً<sup>١٠</sup> يَكَ، فَأَمَّكَ<sup>١١</sup> بِطَعْمِهِ يَقِيناً، وَ قَصَدَكَ بِخَوْفِهِ إِخْلَاصًا، قَدْ خَلَّ<sup>١٢</sup>  
طَمْعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ<sup>١٣</sup> فِيهِ غَيْرُكَ، وَ أَفْرَخَ<sup>١٤</sup> رَوْعَةً<sup>١٥</sup> مِنْ كُلِّ مَخْذُورٍ<sup>١٦</sup> مِنْهُ  
سَوَاكَ.

## دعای سی و یکم

### دعای درخواست توبه

(۱) خدایا، ای کسی که هرگز هیچ کس نتوانسته تو را بستاید و امید امیدواران به غیر تو تعلق نمی‌گیرد و هرگز اجر نیکوکاران را تباہ نمی‌کنی و ای خدایی که آخرین مرز بیم عابدان هستی و پرهیزگاران نهایت هراس را ز تو دارند. اکنون من در محاصره گناهان قرار گرفتم؛ آن چنان که گناهان مرا با خود به ورطه هلاکت می‌برند و شیطان بر من چیره شده است و در انجام اوامر تو کوتاهی کرده و در انجام نواهی ات سخت دچار نیرنگ شیطان شده‌ام.

(۲) و در مقام نادانی هستم که از قدرت تو خبر ندارد، یا همانند آنان که فضل و احسان تو را نکار می‌کنند، تا این که وقتی دیده هدایت او گشوده گردد و ابر کوری از جلوی دیدگان باز او بر طرف شود، ظلم‌های خود را می‌شمارد و در مخالفت‌های خود با پروردگار به فکر فرو می‌رود و گناهان بزرگ و مخالفت‌های دیرینه خود را می‌بیند، آن گاه با تمام امید در حالی که شرم از تو، وجود او را گرفته و رغبت او با هدف اعتماد بر تو، به سویت متوجه شده است و از روی یقین تو را آرزو دارد و با خوف و هراس، خالصانه آهنگ تو را کرده است و از همه جا و همه کس طمع بریده و ترس او از هر قدرتی جز تو که دیگران از آن می‌ترسند، زایل شده است.

(٣) فَمِنْلَّا<sup>١</sup> بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا، وَغَمَضَ<sup>٢</sup> بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَخَشِّعًا<sup>٣</sup>،  
وَطَأْطَأُ<sup>٤</sup> رَأْسَهُ لِعَزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا<sup>٥</sup>، وَأَبْتَكَ<sup>٦</sup> مِنْ بَرِّهِ مَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنْهُ  
خُصُوعًا، وَعَدَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا أَنْتَ أَخْسَنُ<sup>٧</sup> لَهَا خُشُوعًا، وَاسْتَفَاتَ بِكَ مِنْ  
عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ، وَقَبِيعَ مَا لَفَصَحَّةً<sup>٨</sup> فِي حُكْمِكَ، مِنْ ذُنُوبِ  
أَذْبَرَتْ<sup>٩</sup> لَدَائِهَا فَذَهَبَتْ، وَأَقَامَتْ تِبْعَاهَا<sup>١٠</sup> فَلَرِمَتْ.

(٤) لَا يُنْكِرُ - يَا إِلَهِي - عَدْلَكَ إِنْ عَاقِبَتِهُ، وَلَا يَسْتَفِظُمْ عَفْوَكَ إِنْ  
عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَجَنَتْهُ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَسْتَأْظِمُهُ<sup>١١</sup> غَفَرَانُ  
الذَّنْبِ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْنِكَ مُطْبِعًا لِأُمْرِكَ فِيمَا أَمْرَزَتْ بِهِ  
مِنَ الدُّعَاءِ، مُتَجَزِّأً<sup>١٢</sup> وَغَدَلَكَ فِيمَا وَعَذَّتْ بِهِ مِنَ الإِجَاهَةِ، إِذْ تَهُولُ: (أَنْغُونِي  
أَسْتَجِبْ لِكُمْ).

(٥) اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْقَنِي<sup>١٣</sup> بِسَفَرِكَ كَمَا لَقِيْتَكَ  
بِإِقْرَارِيِّ، وَازْفَنْتَنِي عَنْ مَصَابِعِ<sup>١٤</sup> الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِيِّ، وَ  
اשْتُرْنِي بِسِيرِكَ كَمَا ثَانَيْتَنِي<sup>١٥</sup> عَنِ الْأَنْتِقَامِ مِنِّي. اللَّهُمَّ وَبَثَثْ<sup>١٦</sup> فِي طَاغِيْتَكَ  
نَسِيِّ، وَأَخْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بِصِيرَتِيِّ، وَفَقِنِي مِنَ الْأَعْمَالِ لِسَانَ تَسْفِيلِ بِهِ  
دَنَسَ<sup>١٧</sup> الْخَطَايَا عَنِّيِّ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلْتَكَ وَمَلْلَةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٌ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -  
إِذَا تَوَفَّنِي<sup>١٨</sup>.

(٦) اللَّهُمَّ إِنِّي أُتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِيِّ وَصَفَائِرِهَا، وَ  
بَوَاطِنِ سَيِّئَاتِيِّ وَظَوَاهِرِهَا، وَسَوَالِفِ<sup>١٩</sup> زَلَاتِيِّ وَحَوَادِثِهَا، تَوَبَّهُ مَنْ لَا يُحَدِّثُ  
نَفْسَهُ بِمَغْصِيَّةِ، وَلَا يُضِيرُ<sup>٢٠</sup> أَنْ يَمُودَ فِي خَطِيَّةِ. وَقَدْ قُلْتَ - يَا إِلَهِي -

(۳) چنین توبه کننده‌ای در مقابل درگاه تو به زاری ایستاده و از خشوع تو چشم به زمین دوخته و با کمال ذلت سر به زیر افکنده و سر خود را با تو خاضعانه در میان می‌گذارد، اگر چه می‌داند تو ازو آگاهی، و تمام گناهان را با خشوع نزد تو به شمارش در می‌آورد و می‌داند که تو از عدد آنها بهتر از او می‌دانی و از گناهان بزرگی که تو را به آنها آگاه می‌داند و از اعمال زشتی که در اثر برداری تو او را رسوا گردانده است، به درگاهت پناهنده شده است، گناهانی که لذت‌شان از دست رفته و نتایج شوم آنها هم چنان ثابت مانده است.

(۴) ای معبود من، آن گناه کار عدل تو را اگر چه عقوبتش کنی منکر نیست و اگر عفو فرمایی و ترحم نمایی رحم و مغفرت را برای تو عادی می‌داند، زیرا تو آن چنان خدای کریمی هست که هرگز بخشش گناهان بزرگ برای تو مهم نیست. خدایا، هم اکنون من بر درگاهت آمده و مطیع همه دستورها و فرمان‌های تو می‌باشم و تمام و عده‌هایی را درباره اجابت دعا قطعی می‌دانم، زیرا خود فرموده‌ای که: «مرا بخواند، تادعای شمارا اجابت کنم».

(۵) خدایا، پس بر محمد و خاندان او درود فرست و با من با مغفرت و أمرزش خود ملاقات فرماء؛ چنان که من با اقرار به درگاهت ایستاده‌ام و مرا از لغزش گاههای گناه بر حذر بدار و دست‌گیری ام فرماء؛ هم چنان که خود را در اختیار تو قرار داده‌ام و به ستاری خود عیب مرا بپوشان؛ چنان که انتقام از مرا به تأخیر اندخته‌ای. خدایا، مرا در اطاعت خود ثابت و بصیر تم را در عبادت استوار بدار و مرا به اعمالی که گناهان مرامی شوید، موفق بدار و مرگ مرا بردین خود و آین پیامبرت - درود بر او - قرار ده، آن گاه که مرا به سوی خود می‌بری.

(۶) خدایا، در این جا که ایستاده‌ام از همه گناهان، اعم از زشتی‌های باطنی و ظاهری، لغزش‌های گذشته و نزدیک توبه می‌کنم؛ هم چون کسی که هرگز به خود

فِي مُحْكَمٍ كَتَابِكَ: إِنَّكَ تَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِكَ، وَ تَغْفِرُ عَنِ السَّيِّئَاتِ، وَ تُحِبُّ  
الْتَّوَّابِينَ، فَاقْبِلْ تَوْبَتِي كَمَا وَعَدْتَ، وَ اغْفِرْ عَنْ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِّنْتَ<sup>١٧</sup>، وَ  
أُوْجِبْ لِي مَعْبَثَكَ كَمَا شَرَطْتَ.

(٧) وَ لَكَ - يَا رَبَّ - شَرِطْيُ الْأَعْوَدَ<sup>١٨</sup> فِي مَكْوَهِكَ، وَ ضَمَانِي<sup>١٩</sup> أَنْ  
لَا أَزِجَّ فِي مَذْمُومِكَ<sup>٢٠</sup>، وَ عَهْدِي<sup>٢١</sup> أَنْ أَهْجُرَ "جَمِيعَ مَعَاصِيكَ". اللَّهُمَّ إِنَّكَ  
أَعْلَمُ بِمَا عَمِلْتُ، فَاغْفِرْ لِي مَا عَلِمْتُ، وَ اضْرِفْنِي<sup>٢٢</sup> بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا أَخْبَيْتَ.  
اللَّهُمَّ وَ عَلَى تِبَاعَتِ<sup>٢٣</sup> قَدْ خَلَقْتُهُنَّ، وَ تِبَاعَتْ قَدْ نَسِيَّهُنَّ، وَ كُلُّهُنَّ بِعِينِكَ الَّتِي  
لَا تَنَامُ، وَ عِلْمِكَ الَّذِي لَا يَسْنَى، فَقَوْضِ<sup>٢٤</sup> مِنْهَا أَهْلَهَا، وَ اخْطُطِ<sup>٢٥</sup> عَنِّي  
وِرْزَهَا<sup>٢٦</sup>، وَ حَفَّتْ عَنِي بِقُلُوبِهَا، وَ اغْصَمْنِي مِنْ أَنْ أَقْارِبَ<sup>٢٧</sup> مِثْلَهَا.

(٨) اللَّهُمَّ وَ إِنَّهُ لَا وَفَاءَ لِي بِالتَّوْبَةِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ<sup>٢٨</sup>، وَ لَا اشْتِسَاكَ<sup>٢٩</sup> بِي عَنِ  
الْخَطَايَا إِلَّا عَنْ قُوَّتِكَ، فَقَرُونِي بِقُوَّةِ كَافِيَةٍ، وَ تَوَلِّنِي<sup>٣٠</sup> بِعِصْمَةِ مَا نَعْيَهُ. اللَّهُمَّ  
أَيْمَّا عَبْدِنَا تَابَ إِلَيْكَ وَ هُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخُ<sup>٣١</sup> لِتَوْبَيِهِ، وَ عَائِدٌ<sup>٣٢</sup>  
فِي ذَنِبِهِ وَ خَطِيئَتِهِ، فَإِنِّي أَغُوذُكَ أَنْ أَكُونَ كَذَلِكَ، فَاجْفُلْ تَوْبَتِي هَذِهِ تَوْبَةً  
لَا أَخْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَى تَوْبَةٍ، تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَخْرُ<sup>٣٣</sup> مَا سَلَفَ<sup>٣٤</sup>، وَ السَّلَامَةُ فِيمَا  
يَقِنُ.

(٩) اللَّهُمَّ إِنِّي أَغْتَدِرُ<sup>٣٥</sup> إِلَيْكَ مِنْ جَهْلِي، وَ أَسْتَوْهِكَ<sup>٣٦</sup> سُوءَ فَغْلِي،  
فَاضْمُنْنِي<sup>٣٧</sup> إِلَى كَنْبِ<sup>٣٨</sup> رَحْمَتِكَ تَطْوِلاً<sup>٣٩</sup>، وَ اسْتَرِنِي بِسِرِّ عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً.  
اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أَتُوْبُ إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَ إِرَادَتِكَ، أَوْ زَالَ عَنْ مَحْبَبِكَ مِنْ  
خَطَّرَاتِ قَلْبِي، وَ لَخَطَّاتِ غَنِيَّيِ، وَ حَكَائِيَاتِ لِسَانِي، تَوْبَةً تَسْلِمُ بِمَا كُلُّ

اجازه گناه نمی دهد و بلکه بر خاطرها و نیز چنین خیالی نمی گذرد و تو خود فرموده ای که توبه بندگانت را می پذیری و بدی های آنان را غفو می کنی و توبه کاران را دوست داری؛ پس چنان که وعده فرموده ای، توبه ام را بذیر و آن چنان که ضمانت فرموده ای، بدی هایم را غفو کن و چنان که شرط فرموده ای، محبت را بر من حتمی گردان.

(۷) پروردگارا، شرط من با تو آن است که هم چون گذشته گناه نوروز و متعدد می شوم که آن چه را که نمی پسندی تکرار نکنم و بر عهده گرفته ام که از گناهان دوری نمایم و توازن اعمال من آگاهتری، پس آن چه را که می دانی بر من ببخشای و با قدرت خود مرا به سویی که دوست داری رهنمون فرما. خدایا، من یک سلسله از آثار گناهان را که بر دوشم سنجینی می کند به یاد دارم، ولی بسیاری از آنان را فراموش کردم، اما همگی در علم و محضر تو هم چنان باقی است و تو هرگز آن را فراموش نمی کنی و نیز توازن کسانی که حقی بر من دارند، پس آنان را عوض ده و آثار زشت و سنجینی آن گناهان را از من بزدای و مرا از این که مبادا باز به سوی گناهان گذشته دچار شوم، نگاه دار.

(۸) خدای من، دوام هر توبه فقط به نگاه داری توست و تنها به قدرت توازن خودداری می کنم؛ پس به من اراده استوار و کافی عنایت فرما و مصونیتی که مانع عصیان شود در من ایجاد فرما. خدایا، بندگانی می شناسی که توبه خود را می شکنند و به گناهان گذشته روی می آورند، ولی من به تو بناه می برم که از آنها باشم، پس بازگشتی نصیبیم فرما که پس از آن دیگر نیازمند توبه نباشم و آن توبه، موجب محروم شدن اسلام و سلامت در آینده باشد.

(۹) خدایا، از جهل خود عذر من خواهم و از بدی کردم طلب بخشش می کنم. به لطف خود مرا در حمایت رحمت قرار ده و با تفضل خویش در عافیت خود حفظ فرما. خدایا، من از تمام کارهای ناسازگار بالاراده تو و محوكنده محبت تو که بر قلم خطور کرده و یا از چشم صادر شده و یا بر زبان رانده شده، توبه می کنم، تاتمام

جاريَّةٌ<sup>٧٧</sup> على جيالها<sup>٧٨</sup> من تِقايتك، وَ تَأْمُنَ مِنْ يَخَافُ الْمُعْتَدُونَ<sup>٧٩</sup> من أَلِيمٍ سطواتك<sup>٨٠</sup>.

(١٠) اللَّهُمَّ فَارْحِمْ وَ خَذْتِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ وَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْبِكَ، وَ اضْطِرَابَ أَزْكَائِي<sup>٨١</sup> مِنْ هَيْبَتِكَ، فَقَدْ أَفَامْتَنِي - يَا رَبَّ - ذُنُوبِي مَقَامَ الْغَرْزِي<sup>٨٢</sup> يَقْنَاتِكَ، فَإِنْ سَكَتَ لَمْ يَنْطِلِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَ إِنْ شَفَعْتَ فَلَمْ يَأْفِلِ الشَّفَاعَةَ.

(١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ شَفِعْ<sup>٨٣</sup> فِي حَطَّا يَابِي كَرْمَكَ، وَ عَذْ عَلَى سَيِّنَاتِي بِعَفْوِكَ، وَ لَا تَعْزِيزِنِي جَزَائِي مِنْ عَغْوَتِكَ، وَ ابْسِطْ<sup>٨٤</sup> عَلَى طَوْلَكَ، وَ جَلَّلِنِي بِسُرْكَ<sup>٨٥</sup>، وَ افْقِلْ بِي فَقْلَ عَزِيزِ<sup>٨٦</sup> تَضَرُّعِ إِلَيْهِ عَبْدَ ذَلِيلَ فَرَحْمَةِ، أَوْ غَنِيَّ تَعَرَّضَ لَهُ عَبْدَ قَفَيرَ فَنَعْشَهُ<sup>٨٧</sup>. اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِي مِثْكَ فَلَيَخْفَرْنِي عَزْكَ، وَ لَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ فَلَيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ، وَ قَدْ أَوْجَلْتِنِي حَطَّا يَابِي فَلَيُؤْمِنِي عَفْوَكَ.

(١٢) فَتَأْكِلْ مَا نَطَقْتُ يِهَ عَنْ جَهْلِي مِنْ يَسُوءِ أَثْرِي<sup>٨٨</sup>، وَ لَا نِشَانِ لِمَا سَبَقَ مِنْ ذَمِيمِ<sup>٨٩</sup> فِيَلِي، لِكِنْ لِتَسْعَ سَمَاوَكَ وَ مِنْ فِيهَا وَ أَرْضُكَ وَ مِنْ عَيْنِهَا مَا أَظْهَرْتُ لَكَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَاءُتِ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ التَّوْبَةِ. فَلَأَلْقَلَ بِتَضَهُّمِ بِرِحْبَتِكَ يَزْحَمْنِي لِشُوءِ مَذْقِيفِي<sup>٩٠</sup>، أَوْ تُذْرِكُهُ الرَّقَّةَ<sup>٩١</sup> عَلَى لِشُوءِ خَالِي، فَيَتَأَلَّنِي مِنْهُ بِدَعْوَةِ هِيَ أَشَمَّ لَذِينِكَ مِنْ دُعَائِي، أَوْ شَفَاعَةٌ أَوْ كَدْ عِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي، تَكُونُ بِهَا تَجَاتِي مِنْ عَصِبِكَ وَ فَوْزِي<sup>٩٢</sup> بِرِضَاكَ.

(١٣) اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنْ النَّدَمْ تَوْبَةُ إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِيَمِينَ<sup>٩٣</sup>، وَ إِنْ يَكُنْ التَّوْبَ لِمَغْعِسِكَ إِنَابَةً<sup>٩٤</sup> فَأَنَا أَوْلُ الْمُنْبَسِينَ، وَ إِنْ يَكُنْ الْأَسْتِغْفارُ حِلْةً<sup>٩٥</sup> لِلَّذِنْ تُوبِ

جوارح از آثار آن گناهان پاک گردد و از آن چه خطاکاران از آن بیم دارند، در امان تو قرار گیرم.

(۱۰) خدایا، به تنهایی ام در برایر خود و تپش قلبم از هراس تو و لرزش بنیاد وجودم از هیبت تو رحم بفرما، زیرا گناهان، مرا در موطن ذلت در درگاهت قرار داده است؛ به گونه‌ای که اگر ساکت بنشینم کسی درباره من سخن نخواهد گفت و اگر زیان به درخواست شفاعت باز کنم، دست به کاری زدهام که اهل آن نیستم.

(۱۱) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و کرامت را شفیع و عفوت را موجب آمرزش بدی‌هایم قرار ده و پاداش مرا عقوبیت قرار مده و نیکویی خود را بر من بگستران و با پوشش عیب‌هایم مرا در چشم دیگران محترم بدار و با من بزرگوارانه رفتار بفرما؛ چنان که سرفرازی بمنه ذلیل خود را مورد رحمت قرار می‌دهد، یا مانند رفتار توانگری که بمنه ناتوان خود را بی‌نیاز می‌سازد و من کسی که مرا پنهان داده و پاری کند ندارم. پس عزّت تو یارم باشد و نیز به سوی تو شفیع ندارم، پس فضل خود را شفیع من قرار داده و خطاها یم مرا به وحشت انداخته است، پس عفو تو مرا در امن و امان قرار دهد.

(۱۲) خداوند، آن چه متضرعانه از تو درخواست کرده‌ام، از جهل و نسیان به رفتار نابسنده ناشی نمی‌شود؛ بلکه بدان جهت است که همه آسمانی‌ها و خاکیان اظهار نداشت مرا بشنوند و از توبه من آگاه گردند، شاید بعضی از آنان با توصل به رحمت تو بر پریشان حالی و سنتی مرتبام رحم کنند و در حق من دعاکننده؛ دعایی که مورد پذیرش و شفاعت تو بوده و موجب نجات من از خشم تو و رستگاری من به دلیل رضای تو از من گردد.

(۱۳) خدایا، اگر توبه عبارت از پشیمانی است، پس من نادم ترین هستم و اگر انانه به درگاهت عبارت از ترک گناه است، من اولین کسی هستم که به درگاه تو پناهندۀ

فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ.

(١٤) اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمْرَزْتَ بِالْتَّوْبَةِ، وَضَيَّثْتَ الْقُبُولَ، وَحَشَّتْ<sup>٦</sup> عَلَى الدُّعَاءِ،  
وَوَعَدْتَ الْإِجَابَةَ، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْتَلْتَ تَوْبَتِي، وَلَا تَرْجِعْنِي مُرْجِعَ  
الْخَيْرِيَّةِ<sup>٧</sup> مِنْ رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِئِينَ  
الْمُشْرِكِينَ. اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا هَذَهَنَا يَدِي، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
كَمَا اسْتَنْدَدْنَا<sup>٨</sup> يَدِي، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةُ تَشْفَعْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ  
يَوْمَ الْفَاْقَةِ<sup>٩</sup> إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ<sup>١٠</sup>.

شده‌ام و اگر ریزش گناه با استغفار صورت می‌گیرد، من از مستغفاران و آمرزش خواهان می‌باشم.

(۱۴) خدایا، چنان که به توبه فرمان دادی و پذیرش آن را عهده دار شدی و به دعا ترغیب فرمودی و به اجابت آن و عده دادی، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا به رحمت خود - ای مهربان ترین مهربانان - در جایگاه نالمیدی مپسند، که تو آمرزنده توبه کنندگان گناه کار و ترحم کننده بر عصیان‌گران پشیمان هستی و بر محمد و آل محمد درود فرست؛ چنان که توسط حضرت محمد ما را هدایت نموده و نجات دادی، بر آنان درود فرست. آن چنان درودی که در فیامت و هنگام نیاز، موجب شفاعت ماگردد، که توبه هر چیز توانایی و همه چیز بر تو آسان است.

### واژه‌ها:

۱. نعمت: صفت ثابت.
۲. لایجاوزه: از آن تجاوز نمی‌کند.
۳. خشیه: خوف همراه با تعظیم.
۴. تداونه: پیوسته دست زده.
۵. وقادته: کشانده است.
۶. آیتله: زمام‌ها.
۷. استحوانه: غلبه کرده است.
۸. تنفسه: قصور کرده.
۹. تعاطی: اقدام نموده.
۱۰. تغیریاً: وادار شدن به گریل.
۱۱. بصر الهدی: چشم هدایت.
۱۲. تشکُّث عنده: پرده ظلمانی کنار رفت.
۱۳. ساحت العی: ابرهای کوری.
۱۴. آخضن: شمارش کرد.
۱۵. جلیلاً: بزرگ.
۱۶. فاقیل: روی آورد.
۱۷. تعزیک: به سوی تو.
۱۸. مستپیاً: شرمنده و خجالت زده.
۱۹. وجنه: روی آورد.
۲۰. نفقة: با اطمینان به تو.
۲۱. أئنَّك: قصد خانه تو را کرد.
۲۲. قد خلا: خالی شده بود.

۴۶. لایصر: نیت ندارد.

۴۷. ضست: ضامن شدی.

۴۸. شرط آن لا بعود: شرط من آن است که به گناه گذشته برنگردم.

۴۹. ضمان: ضمانت من.

۵۰. مذمومک: آن چه را بد می داری.

۵۱. عهدی: تمهد من.

۵۲. اهمز: دوری کنم.

۵۳. واصرقی: ما را بازدار.

۵۴. تبعات: لوازم گناهان سابق.

۵۵. نسیئن: فراموش کرده ام.

۵۶. فغوض: تبدیل کن.

۵۷. واطسط: زائل و پاک کن.

۵۸. وزرها: نقل آن.

۵۹. اقارب: نزدیک شوم.

۶۰. عصتنک: نگهداری تو.

۶۱. استمسال: خودداری.

۶۲. توئی: متولی من باش.

۶۳. فاسخ: شکننده.

۶۴. عاند: برگشت کننده.

۶۵. معو: نابود شدن.

۶۶. ماسلف: آن چه گذشته.

۶۷. اعتذر: عذر می خواهم.

۲۳. مطعم: کس که به او طمع ورزند.

۲۴. افرخ: روشن شد.

۲۵. الزرع: فرع.

۲۶. مخدور: مخوف.

۲۷. ظلّ: حاضر شد.

۲۸. غض: چشم بر هم نهاد.

۲۹. متخشم: خاشعانه.

۳۰. طاطا: سربه پایین انداخت.

۳۱. متذلّا: در حال خضوع.

۳۲. آبیکه: تو را آگاه کنم.

۳۳. أحسن: آگاهتر به عدد.

۳۴. فضحه: رسوابی بار آورده.

۳۵. ادبرت: گذرانیده.

۳۶. تبعات: دنباله های فاسد.

۳۷. لایتعاظمه: برای او بزرگ نیست.

۳۸. متجزاً: قطعی و حتمی است.

۳۹. القنی: مرآ مواجه کن.

۴۰. مصارع: لغزشگاه ها.

۴۱. تائیشی: صبر کردی و مرا تحمل کردی.

۴۲. پیت: مستقر کن.

۴۳. دنس: چرک.

۴۴. توفیشی: مرا به سوی خود می برمی.

۴۵. سوالف: گذشته ها.

|   |  |
|---|--|
| ۸۴. عزیز: بلند مرتبه و کمیاب و پر ارزش.<br>۸۵. نعش: با او جبران کرد.<br>۸۶. سوء اثری: بدی فعلم.<br>۸۷. ذموم: بدی و پستی.<br>۸۸. لجأت: پناهنه شده‌ام.<br>۸۹. موقف: جایگاه.<br>۹۰. رفقة: ترجم.<br>۹۱. فوز: رستگاری.<br>۹۲. اندم النادمين: پشمیمان‌ترین پشمیمان‌ها.<br>۹۳. اتابه: رجوع.<br>۹۴. جله: ریزش گناه.<br>۹۵. حست: اصرار ورزیدم.<br>۹۶. خنیه: بیچارگی.<br>۹۷. استقذاتا: نجاتمن دادی.<br>۹۸. الفاقه: فقر و نهیدستی.<br>۹۹. یسر: آسان. | ۶۸. استوهبک: طلب بخشش می‌کنم.<br>۶۹. فاضمنی: مرا ملححق کن.<br>۷۰. کتف: جانب و ناحیه.<br>۷۱. تعلولا: مت گذاردن.<br>۷۲. جارحه: عضو.<br>۷۳. جالها: به تنهایی.<br>۷۴. متدون: تجاوزگران.<br>۷۵. سطوات: قهر و قدرت.<br>۷۶. وجیب: اضطراب.<br>۷۷. ارکانی: اعضای اصلی بدنم.<br>۷۸. خزی: ذلت و بیچارگی.<br>۷۹. بفناک: حریم خانه تو.<br>۸۰. شفیع: شفیع قرار بده.<br>۸۱. واسط: بگستان.<br>۸۲. طویل: فضل و غنی.<br>۸۳. جلآنی بسترک: مرا با پژوهش خود آبرومند قرار ده. |
|---|--|

### دعاوه في صلاة الليل

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ لِتَقْسِيهِ فِي  
الاعتراف بالذنبِ

(١) اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ اسْتَأْمِدُ بِالْحَلُوْدِ .

(٢) وَالسُّلْطَانُ الْمُشْتَبِيُّ يُغَيِّرُ جُنُودَ وَلَا أَغُوَانِ .

(٣) وَالْعِزُّ الْبَاقِي عَلَى مَرْدُوكِ الْمُهُورِ وَخَوَالِي الْأَغْوَامِ وَمَوَاضِي  
الْأَرْمَانِ وَالْأَيَامِ .

(٤) عَزَّ سُلْطَانُكَ عَزَّاً لَا حَدَّ لَهُ بِأَوْلَيَّةٍ . وَلَا مُشَهِّنَ لَهُ بِآخِرَيَّةٍ .

(٥) وَاسْتَغْلِي " مَلِكُكَ عَلَوْا سَقَطَتِ الْأَشْيَايَةَ " دُونَ بَلْوَعِ أَمْدَوَ .

(٦) وَلَا يَنْلِعُ أَذْنِي " مَا اسْتَأْنَزَتَ " بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَفْصَنِي " نَفَتَ "   
النَّاعِيَنَ .

(٧) ضَلَّتْ " فِيكَ الصَّفَاتُ، وَ تَفَسَّخَتْ " دُونَكَ التُّثُوتُ، وَ حَارَثْ " فِي  
كِبِيرِ يَا إِنَكَ لَطَائِفُ " الْأَوْهَامِ .

## دعای سی و دوم

### دعای اعتراف به گناه بعد از نماز شب

(۱) خداوندگار، ای آن که اقتدار و سلطه تو، ابدی و جاودانه است.

(۲) و ای خدایی که دارای سلطنت بلا منازع هستی و ذات مقدسات در نهایت قدرت به هیچ لشکر و پشتیبانی محتاج نیست.

(۳) و ای کسی که عزّت و عظمت تو همیشه برقرار است و هرگز دست خویش گذشت روزگار و سهی شدن سال‌ها و گردش شب و روز نخواهد بود.

(۴) سلطنت تو آن چنان از عزت‌مند است که هرگز محدود به آغاز و پایان نخواهد بود.

(۵) بلندپایگی اقتدار تو چنان است که هر موجودی پیش‌تر از آن که تو هم رسیدن به مقام عظمت تو در خاطرش بگذرد، از پافتداده و فرومی‌ماند.

(۶) خداوندگار، هرگز متهای بیان و وصف ستایش‌گران به کمترین مرتبه عظمت تو نخواهد رسید.

(۷) اوصاف کمتر از آن است که تو را تبیین کند، بلکه در حقیقت غیر محدود تو گم می‌شود و هیچ وصف و مدحی توان حکایت تو را نداشته و کوچکتر از آن است که در کنار عظمت نامتناهی تو پنهان و نابود نشود و شریف‌ترین تصوّر‌هادر کبیرایی تو سخت خسته و وامانده است.

(٨) كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلَيَّكَ، وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَرُوْلُ.

(٩) وَأَنَا الْقَبِيلُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَيْسِيمُ<sup>١</sup> أَمْلًا، خَرَجْتُ مِنْ يَدِي أَشْبَابُ الْوَصْلَاتِ<sup>٢</sup> إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ، وَتَقْطَعْتُ عَنِّي عِصْمُ<sup>٣</sup> الْآتَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُفْتَحِصُ<sup>٤</sup> بِهِ مِنْ عَفْوِكَ.

(١٠) قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْنَدَ<sup>٥</sup> بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبْرُوا<sup>٦</sup> بِهِ مِنْ مَغْصِبَتِكَ، وَلَنْ يَبْصِقَ<sup>٧</sup> عَلَيْكَ عَفْوَ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ أَسَاءَ<sup>٨</sup>، فَاغْفُ عَنِّي.

(١١) اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشَرَّفَ<sup>٩</sup> عَلَيَّ حَفَّاتِي الْأَغْنَالِ عِلْمُكَ، وَانْكَشَفَ كُلُّ مَشْوِرٍ دُونَ حُبْرِكَ<sup>١٠</sup>، وَلَا تَنْطِوي عَنِّكَ<sup>١١</sup> دَفَانِي الْأُمُورِ، وَلَا تَغْرُبَ عَنِّكَ<sup>١٢</sup> غَيْبَاتُ<sup>١٣</sup> السَّرَّايرِ<sup>١٤</sup>.

(١٢) وَقَدْ اسْتَخَوْذُ<sup>١٥</sup> عَلَيَّ عَدُوكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ<sup>١٦</sup> لِغَوَائِبِي<sup>١٧</sup> فَأَنْظَرْتَهُ، وَاسْتَهْلَكَ<sup>١٨</sup> إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمْهَلْتَهُ<sup>١٩</sup>.

(١٣) فَأُؤْفَقِنِي<sup>٢٠</sup>، وَقَدْ هَزَئْتُ<sup>٢١</sup> إِلَيْكَ مِنْ صَفَائِرِ ذُنُوبِ مُوبِقَةٍ<sup>٢٢</sup>، وَكَبَائِرِ أَغْمَالِ مُزَدِّيَّةٍ<sup>٢٣</sup>، حَتَّى إِذَا قَارَفْتُ مَغْصِبَتِكَ، وَاسْتَوْجَبْتُ بِسُوءِ سَفَرِي سَخْطَتِكَ، فَتَلَ عَنِّي<sup>٢٤</sup> عِذَارٌ<sup>٢٥</sup> عَذْرٌ<sup>٢٦</sup>، وَتَلَقَّبَنِي<sup>٢٧</sup> بِكَلِمةِ كُفْرٍ، وَتَوَلَّ الْبَرَاهَةَ<sup>٢٨</sup> مِنِّي، وَأَذْبَرَ<sup>٢٩</sup> مُؤْلِيَا<sup>٣٠</sup> عَنِّي، فَأَضْخَرْنِي<sup>٣١</sup> لِفَضْلِكَ فَرِيدًا<sup>٣٢</sup>، وَأَخْرَجْنِي إِلَى فِتَاءٍ<sup>٣٣</sup> تَقْمِيكَ<sup>٣٤</sup> طَرِيدًا<sup>٣٥</sup>.

(١٤) لَا شَفِيعٌ يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ، وَلَا حَفِيرٌ<sup>٣٦</sup> يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ، وَلَا حِضْنٌ<sup>٣٧</sup> يَغْمِيَنِي عَنِّكَ، وَلَا مَلَادٌ<sup>٣٨</sup> أَلْجَأُ إِلَيْهِ<sup>٣٩</sup> مِنْكَ.

(۸) هم چنان که تو بالذات ازلی و ابدی بودی، در صفت ازلیت نیز ازلی هستی.  
بنابراین، زوال برای تو امکان ندارد و در جاودانگی نیز جاودانی.

(۹) من بندۀ‌ای هستم که کردار و اعمال ضعیف و ناجیز و آرزوهایم بس زیاد است و جز آن چه به رحمت تو پیوسته است، همه اسباب از دست من خارج است و فقط رحمت تو دست گیر من می‌باشد و نیز تمام رشته‌های آرزوهایم در هم ریخته است، مگر آن که به عفو تو پناهنده گردم.

(۱۰) اطاعتی که بتوان به قبولی آن در نزد تو اعتماد کنم، اندک است و نافرمانی‌هایی که در درگاهت به آنها اقرار و اعتراض کنم، بسیار است و عفو و بخشایش از بندۀ‌ات برای تو هرگز دشوار نیست؛ پس لغزش‌های مرا عفو بفرما.

(۱۱) خداوند، علم تو بر پنهانی ترین اعمال آگاه است و پوشیده ترین کارها از علم تو پوشیده نیست و ظرایف و دقایق مربوط به امور عالم بر تو روشن است و اسرار پنهانی که هیچ کس از آنها آگاه نیست، هرگز نزد تو مخفی نخواهد بود.

(۱۲) خداوندگارا، آن دشمن تو، که برای گمراهمی من تابه قیامت از تو فرست دریافت نموده و برای گمراهمی من مهلت خواسته، اکنون بر من غلبه کرده است.

(۱۳) خدایا، آن گاه که به سوی تو می‌گریختم که مبادا اعمال ناروای صفیره و یا کبیره‌ای مرتکب شوم، مرا بر زمین زد و به گناه بیالود و وقتی از خرابی من آگاه شد، روی از من گردانید و تا سر حدّ کفر مرا کشانده و چون تا مرحله کفر رسیدم روی برگردانید و از من اظهار بی‌زاری کرد و مرا تنها گذاشت و مستوجب نعمت الهی گردانید و موابه وادی عذاب و غصب طولانی تو دچار ساخت.

(۱۴) خداوندگارا، هیچ گاه شفیعی که بتواند شافع من باشد و یا پناه دهنده‌ای که پناهم دهد و یادز محکمی که مرا از تو پنهان کند و یا پناه گاهی که به آن جا پناه برم، در کار نیست و همه چیز در حصر قدرت و علم توست.

(١٥) فَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ<sup>٣</sup> إِلَيْكَ، وَمَحْلُ الْمُغْرِبِ<sup>٤</sup> لَكَ، فَلَا يَضِيقُنَّ<sup>٥</sup> عَنِ  
فَضْلِكَ، وَلَا يَقْصُرُنَّ<sup>٦</sup> دُونِي عَفْوَكَ، وَلَا أَكُنْ أَخْيَبَ<sup>٧</sup> عِبَادَكَ التَّائِبِينَ،  
وَلَا أَنْقَطَ<sup>٨</sup> وُفُودَكَ<sup>٩</sup> الْأَمْلِينَ<sup>١٠</sup>، وَاغْفِرْ لِي، إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ.

(١٦) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَمْزَتَنِي فَتَرَكْتُ، وَنَهَيْتَنِي فَرَكِبْتُ<sup>١١</sup>، وَسَوَّلْ لِي<sup>١٢</sup> الْخَطَاءَ<sup>١٣</sup>  
خَاطِرُ<sup>١٤</sup> السُّوءِ فَقَرَطْتُ<sup>١٥</sup>.

(١٧) وَلَا أَشْتَهِدُ<sup>١٦</sup> عَلَى صِيَامِي نَهَارًا، وَلَا أَشْتَجِيرُ<sup>١٧</sup> بِتَهْجِيْدِي لَيْلًا،  
وَلَا تُثْنِي<sup>١٨</sup> عَلَيَّ بِإِخْيَانِهَا سُنَّةً، حَاشَا فُرُوضُكَ<sup>١٩</sup> الَّتِي مَنْ ضَيَّقَهَا<sup>٢٠</sup>  
هَذَلَكَ.

(١٨) وَلَنْتُ أَتُوَسِّلُ إِلَيْكَ بِفَضْلِ نَافِلَةٍ<sup>١</sup> مَعَ كَثِيرٍ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَانِفِ  
فُرُوضُكَ<sup>٢</sup>، وَتَعَدَّتْ عَنْ مَقَاماتِ حُدُودِكَ، إِلَى حُرُمَاتِ<sup>٣</sup> اسْتَهْكُثْهَا<sup>٤</sup>، وَ  
كَبَائِرِ ذُنُوبِ اخْتَرْخُثْهَا<sup>٥</sup>، كَانَتْ غَافِيْتُكَ لِي مِنْ فَضَائِعِهَا سِرَّاً.

(١٩) وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْتَخْيَى<sup>٦</sup> لِنَفْسِيْهِ مِنْكَ، وَسَخَطٌ<sup>٧</sup> عَلَيْهَا، وَرَضِيَ  
عَنْكَ، تَنَقَّلَكَ<sup>٨</sup> بِنَسَسِ خَاشِعَةٍ، وَرَقَيَّةٍ خَاصِعَةٍ<sup>٩</sup>، وَظَهَرَ مُنْقَلِ<sup>١٠</sup> مِنْ الْخَطَائِيَا،  
وَاقِفًا<sup>١١</sup> بَيْنَ الرَّغْبَيَا<sup>١٢</sup> إِلَيْكَ وَالرَّهْبَيَا<sup>١٣</sup> مِنْكَ.

(٢٠) وَأَنْتَ أُولَى مَنْ رَجَاهُ، وَأَحْقُّ مَنْ خَشِيَّهُ وَاتَّقَاهُ<sup>١٤</sup>، فَاغْطِنِي يَا رَبَّ مَا  
رَجَوتُ، وَآمِنِي مَا حَيَزَتُ<sup>١٥</sup>، وَعَذْ عَلَيَّ<sup>١٦</sup> بِعَائِدَةٍ<sup>١٧</sup> رَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَكْرَمُ  
الْمَسْؤُلِيَّنَ.

(۱۵) خدایا، من در موضع پناهندگان به تو قرار گرفتم و در موطنی هستم که بر بدی و تغصیر خود اعتراف دارم. خدایا، فضل خود را از من باز مدار و عفو خویش از من فرمگذار، تامبادا محروم ترین تویه کنندگان و مأیوس ترین آرزومندان باشم و بر من بیخشای که تو بهترین بخشنده‌گانی.

(۱۶) خدایا، تو امر کردی و من تخلف کردم و از عمل ناهنجار بازداشتی و من به جا آوردم و شیطان خطرا در خاطر ما بیآراست و من در انجام فرمانت کوتاهی کردم.

(۱۷) خدایا، هرگز روزی را بر روزه داشتم گواه نمی‌گیرم و هرگز به سبب شب زنده‌داری به شیبی پنهان نمی‌برم و هیچ گونه عمل مستحبی که برای انجام آن شب را بیدار ماندم، موجب ثانی من نیست. آری واجبات را به جای آوردم، زیرا هلاکت از آن کسی است که در انجام تکالیف واجب مسامحه کند.

(۱۸) خدایا، هرگز به کردارهای مستحبی خود توسل نمی‌جویم و در انجام دادن واجبات نیز بسیار مسامحه و سهل انگاری نموده و از حدود تو تجاوز و به کارهای ناهنجار مبادرت ورزیده‌ام و چه بسیار گناهان کبیره را که مرتكب شده‌ام، تنها عافیتی که برای من است، عفو تو از گناهان من است.

(۱۹) خدایا، در وضع کسی قرار دارم که به دلیل گرفتاری‌های خود از تو شرم دارد و بر خویشن غضبناک و از تو خشنود است، پس با روحی خاشع و دلی فروتن و بار سنگین گناه در محضرت ایستاده است، در حالی که بیم و امید هر دو، دل او را اشغال کرده است.

(۲۰) خدایا، تو شایسته‌ترین کسی هستی که باید به تو امید داشته و سزاوار ترین کسی هستی که باید از او ترسید. پس ای پروردگار من، مرابه امید و ادار و از فرسایش ترسم بر حذر دار و بارحمت شامل خود برم لطف فرمای! به راستی که تو برا کرامت‌ترین درخواست شوندگان هستی.

(٢١) اللهم و إذ سترتني بغيرك، و تغمضتني<sup>٦</sup> بفضلك في دار الفتاء  
بحضرة الأئمّة<sup>٧</sup>، فاجزني من فضيحتك<sup>٨</sup> دار البقاء عند موافق الأشهاد<sup>٩</sup>،  
من الثلاثة المفتربين، والوسل المكرّمين، والشهداء والصالحين،  
من جاري<sup>١٠</sup> كنث أكاثة سيناتي، ومن ذي رحيم كنث أختي<sup>١١</sup> منه في  
سريراتي<sup>١٢</sup>.

(٢٢) لم أبن لهم رب في السُّرِّ علَى، و وقفت بك رب في المغفرة لي، و  
أنت أولى من ورق يه، وأعطي من رغب<sup>١٣</sup> إلينه، وأذاف من اشتُرجم،  
فاز ختنى.

(٢٣) اللهم وأنت حذرتني<sup>١٤</sup> ماء مهينا<sup>١٥</sup> من صلب<sup>١٦</sup> متضائق<sup>١٧</sup> العظام،  
خرج<sup>١٨</sup> المسالك<sup>١٩</sup> إلى رحيم ضيق<sup>٢٠</sup> سترتها بالحجب<sup>٢١</sup>، تصرّفي<sup>٢٢</sup> حال عن  
حال<sup>٢٣</sup>، حتى انتهيت<sup>٢٤</sup> إلى إلّي تمام الصورة، وأثبتت في الجوارح<sup>٢٥</sup> كما نافت<sup>٢٦</sup>  
في كتابك: نطفة ثم عاقلة<sup>٢٧</sup> ثم مُضفة<sup>٢٨</sup> ثم عظيماً ثم كسوت اليطام لخما، ثم  
أشأتني<sup>٢٩</sup> خلقا آخر كما شئت.

(٢٤) حتى إذا اخججت<sup>٣٠</sup> إلى رزقك، ولم أستغن<sup>٣١</sup> عن غياث<sup>٣٢</sup> فضلك،  
جعلت لى قوتا من فضل<sup>٣٣</sup> طعام و شراب أجزيته لأمتك<sup>٣٤</sup> التي أشكتني<sup>٣٥</sup>  
جوها<sup>٣٦</sup>، وأودعنتي<sup>٣٧</sup> قرار رحيمها.

(٢٥) ولو تكلى<sup>٣٨</sup> - يارب - في تلك الحالات إلى حوزي<sup>٣٩</sup>،  
أو تضطركني<sup>٤٠</sup> إلى قوى، لكن الغزو عى مفترلا<sup>٤١</sup>، ول كانت القوة مني  
بعيدة.

(۲۱) خدایا، تو که به عفو و فضلت پرده پوشی فرموده و عیب‌های مرا از آشنا یان پنهان داشتی، پس مرا در روز قیامت، در مقابل فرشتگان و انبیای گرامی و شهیدان و شایستگان و نیز همسایگانی که بدی هایم را پیوسته از آنان پنهان می‌داشم و بستگانی که از آنها شرم می‌نمودم، از رسوابی‌های آخرت محفوظ بدار.

(۲۲) خدایا، من بر راز پوشی همسایگان اعتماد ندارم، بلکه بر عفو و آمرزش تو اعتماد می‌کنم و تو بهترین کسی هستی که باید به او اعتماد کرد و بخشنده‌ترین کسی هستی که باید به او رغبت داشت و مهربان ترین کسی هستی که باید او را به رحمت و مغفرت بخوانیم؛ پس بر من رحم آر.

(۲۳) خداوندگارا، در آغاز آفرینشم، مرا از تنگنای پشت پدر رهانیده و در قرارگاهی میهمان رحم مادر نمودی و از گزند هرگونه حادثه‌ای پوشاندی و پیوسته با تصرفات آگاهانه‌ات مرا از حالی به حال دیگری منتقل کردی، تا این که به طور تمام مرا صورت بندی و چهره نگاری فرمودی و یکایک جواح مرا ساختی چنان که در کتاب شریفت گوشت و سپس پیدایش ماهیجه و استخوان‌ها درآوردی و آن گاه که استعداد پیدایش جان انسانی پیدا کردم، مرا لایق آفرینش دیگر نمودی و آن چنان که اراده‌ات تعلق گرفت، از روح خود در کالبدم دمیدی.

(۲۴) خداوندگارا، آن گاه که در حالت جنین به سر می‌بردم و در آن حال به روزی تو سخت‌نیاز داشتیم، از فرآورده‌هایی که از غذای مادرم حاصل می‌شد، به من عطا فرمودی و هرگز مرا فراموش نکردی.

(۲۵) پروردگارا، اگر در آن حالات یک لحظه مرا به خود واگذار و به خود رها می‌کردی، هرگونه قدرت و توانایی از من کناره گرفته و دور می‌گردید.

(٢٦) فَقَدْوَتِي<sup>١٣٤</sup> بِفَضْلِكَ غِذَاءُ الْبَرِّ<sup>١٣٥</sup> الْلَّطِيفُ<sup>١٣٦</sup>، تَغْلُبُ ذَلِكَ بِي تَطْوِلًا<sup>١٣٧</sup>  
عَلَى إِلَى غَايَتِي<sup>١٣٨</sup> هَذِهِ، لَا أَغْدَمُ بِرَبِّكَ، وَلَا يُبَطِّئُ<sup>١٣٩</sup> بِي حُسْنُ صَنْيِعَكَ<sup>١٤٠</sup>،  
وَلَا تَكُونُ مَعَ ذَلِكَ بِتَقْتِي، فَأَتَرْعَأُ<sup>١٤١</sup> لِنَاهُ أَخْطَى<sup>١٤٢</sup> لِي عِنْدَكَ.

(٢٧) قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَابِي<sup>١٤٣</sup> فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَفْفِ الْيَقِينِ، فَإِنَّا أَشْكُو  
سُوءَ مُجَاوِرَتِهِ<sup>١٤٤</sup> لِي، وَطَاعَنَةَ نَفْسِي لَهُ، وَأَسْتَعْصِمُكَ<sup>١٤٥</sup> مِنْ مَلَكِيَّهِ<sup>١٤٦</sup>، وَأَنْصَرَعُ  
إِلَيْكَ فِي صَرْفِ كَبِيروٍ<sup>١٤٧</sup> عَنِّي.

(٢٨) وَأَسَالَكَ فِي أَنْ تَسْهَلَ<sup>١٤٨</sup> إِلَى رِزْقِي سَبِيلًا، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِبْدَائِكَ  
بِالْعَمَ الْجِسَامِ<sup>١٤٩</sup>، وَإِلَهَامِكَ<sup>١٥٠</sup> الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْتَامِ، فَقُلْ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَهَلْ عَلَى رِزْقِي، وَأَنْ تُقْنِعَنِي<sup>١٥١</sup> بِتَقْدِيرِكَ<sup>١٥٢</sup> لِي، وَأَنْ تُرْضِيَنِي  
بِعِصْبَتِي<sup>١٥٣</sup> فِيمَا قَسَمْتَ لِي، وَأَنْ تَجْعَلَ مَا دَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمْرِي فِي سَبِيلِ  
طَاعَيْكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِيقِينَ.

(٢٩) أَللَّهُمَّ إِنِّي أَغُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ شَغَلَتْ<sup>١٥٤</sup> بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ،  
وَتَوَعَّذَتْ<sup>١٥٥</sup> بِهَا مَنْ صَدَفَ<sup>١٥٦</sup> عَنْ رِضَاكَ، وَمِنْ نَارِ نُورُهَا ظُلْمَةُ، وَهَيْثَمَا  
أَلِيمٌ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ، وَمِنْ نَارٍ يَا كُلُّ بَعْضِهَا بَعْضٌ، وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى  
بعْضٍ.

(٣٠) وَمِنْ نَارٍ تَذَرُّ<sup>١٥٧</sup> الْعِطَامَ زَبِيمًا<sup>١٥٨</sup>، وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَبِيمًا<sup>١٥٩</sup>، وَمِنْ نَارٍ  
لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَصْرَعُ إِلَيْهَا، وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اشْتَغَفَهَا<sup>١٦٠</sup>، وَلَا تَقْدِرُ عَلَى

(۲۶) خداوندگارا، در آن حالات که کاملاً ناتوان بودم، بهترین و لطیف‌ترین غذا را به من خوراندی و مرا تاکنون از نعمت بهره‌مند ساختی. هرگز نیکی‌های تو را فراموش نمی‌کنم و هرگز احسان و نیکی‌های تو درباره من فروگذار نکرده است، ولی افسوس که هنوز اعتماد تمام به روزی رسانی تو نکرده‌ام، تا در آن چه تو دوست داری بیشتر بکوشم.

(۲۷) خدایا، شیطان با ایجاد بدگمانی و سستی یقین در وجود من، اختیار مرا در دست دارد و من اکنون شکایت به درگاهیت آورده‌ام که او برای من بد‌همسایه‌ای است و با تمام نگرانی و گرفتاری از تو می‌خواهم مرا حفظ کنی و کید و نیرنگ او را از من دور نمایی.

(۲۸) خداوندگارا، از تو درخواست می‌کنم که برای به دست آوردن روزی‌ام راهی آسان قرار دهی و تو را سپاس می‌گوییم که پیش از درخواست من، نعمت‌های بزرگی را به من مرحمت فرمودی و به من الهام کردی که در برابر احسان و انعام تو سپاس‌گزار باشم؛ پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و روزی مرا آسان به من برسان و مرا بر تقدير خود قانع و به سهم و قسمتم راضی گردان و آن مقدار از جسم و عمر خود را که از دست داده‌ام، در راه اطاعت خود قرار ده، که تو بهترین روزی رسان هستی.

(۲۹) خدایا، به تو پناه می‌برم از آتش جهنم که نافرمان بران را با آن سرزنش می‌کنی و هر کس را که از رضا و خشنودی تو دوری کند، به آن وعده داده‌ام و به تو پناه می‌برم که تاریک است و آسان و اندک آن در دنایک و دورش، نزدیک است و از دور می‌سوزاند و از آتشی که پاره‌ای از آن پاره دیگر رامی خورد و بعضی از آن به روی برخی دیگر انباشته است.

(۳۰) و به تو پناه می‌برم از آتشی که استخوان را پوسانیده و به گرفتاران، آبی سوزان و ناگوار می‌نوشاند و آتشی که هرگز انعطاف‌پذیر نیست و به تصرع و زاری

الْتَّغْفِيفُ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَ اسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا، تَقُولُ شَكَانَهَا<sup>١٦١</sup> يَأْخُرُ<sup>١٦٢</sup> مَا لَدَنَهَا مِنْ أَلِيمٍ التَّكَالِي<sup>١٦٣</sup> وَ شَدِيدِ الْوَبَالِ<sup>١٦٤</sup>.

(٣١) وَ أَغْرُدْ بِكَ مِنْ عَقَارِبِهَا الْفَاغِرَةُ<sup>١٦٥</sup> أَفْوَاهُهَا، وَ حَيَاتُهَا<sup>١٦٦</sup> الصَّالِقَةُ<sup>١٦٧</sup>  
يَا نَيَّاتِهَا<sup>١٦٨</sup> بُوَشَّابِهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْقَاءَ<sup>١٦٩</sup> وَ أَفْيَدَةَ<sup>١٧٠</sup> شَكَانَهَا<sup>١٧١</sup> وَ تَنْزَعُ<sup>١٧٢</sup> قُلُوبُهُمْ،  
وَ أَشْفَدِيكَ لِمَا تَابَعَهُ مِنْهَا<sup>١٧٣</sup>، وَ أَخْرَى عَنْهَا<sup>١٧٤</sup>.

(٣٢) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَجِزْنِي<sup>١٧٥</sup> مِنْهَا بِفضلِ رَحْمَتِكَ، وَ  
أَقْلِنِي<sup>١٧٦</sup> عَزَّرَاتِي<sup>١٧٧</sup> بِعُشْنِ إِقاْلِتِكَ، وَ لَا تَغْذُلْنِي<sup>١٧٨</sup> يَا خَيْرَ الْمُعْجَرِينَ<sup>١٧٩</sup>.

(٣٣) اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَقُولُ الْكَرِبَةَ، وَ تُغْطِي الْعَسْنَةَ، وَ تَقْعُلُ مَا تُرِيدُ، وَ أَنْتَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(٣٤) اللَّهُمَّ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا ذُكِرَ الْأَبْرَارُ<sup>١٨٠</sup>، وَ صُلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِهِ مَا خَلَقَ اللَّيلُ وَ النَّهَارُ، صَلَاةٌ لَا يَنْقَطِعُ مَذْدُهَا<sup>١٨١</sup>، وَ لَا يَخْصُّ<sup>١٨٢</sup> عَذَّدُهَا،  
صَلَاةٌ تَشْخُنُ<sup>١٨٣</sup> الْهَرَاءَ، وَ تَنْلَا<sup>١٨٤</sup> الْأَرْضَ وَ السَّمَاءَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ حَسَنَى  
يَرْضَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَغْدَ الرُّضا، صَلَاةٌ لَا حَدَّ لَهَا وَ لَا مُثْنَهِ، يَا  
أَزْحَمَ الرَّاجِحِينَ.

انسان گوش نمی دهد و به طلب رقت و رافت انسان توجهی نمی کند و به کسانی که در برابر آن از خود فروتنی نشان می دهند و تسلیم آن می شوند، هرگز تخفیف نمی دهد و سوزان ترین نهاد خود را بر عذاب شوندگان می بارد و گرفتاری و بدینختی را به آنان متوجه می سازد.

(۳۱) و به تو پناه می برم از عقرب هایی که دهان هایشان را گشوده اند و مار هایی که دندان هایشان آماده گزیدن است و از آب هایی که نوشیدن آن دستگاه گوارش را قطعه قطعه کند و دل ها را از جا برکند و از تو می خواهم که راه گریز از این آتش را به من ارائه فرمایی.

(۳۲) خداوندا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و به فضل و رحمت خود مراد در پناه خود گیر و از لغزش هایم در گذر و مرا خوار مگردان، ای بهترین پناه دهنده اگان.

(۳۳) خدایا، ما را از هرگونه مصیبت نگاه می داری و هرگونه نعمت را به ما روا داشته ای و آن چه بخواهی انجام می دهی و به هر چیز توانایی.

(۳۴) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست، هرگاه که از نیکان یاد شود بر آنان درود فرست مدام که شب و روز می گردد؛ درودی که هرگز منقطع نگردد و شماره معینی نداشته باشد؛ به طوری که میان هوا و آسمان و زمین را آکنده کند و درودی که او را خشنود سازد و حتی پس از خشنودی او و درودی که بی حد و انتهای باشد، ای مهریان ترین مهریانان.

---

### واژه ها:

۳. الغلوه: جا وید.
۴. المتع: غیر مغلوب.
۱. ملک: سلطان.
۲. المتأبد: ابدی.

۱. اعتد: تکیه کنم.

۲. آباؤ: بر دوش کشیده‌ام.

۳. لن یضيق: مشکل نیست.

۴. اسا: معصیت کرد.

۵. عز: رفیع و غالب است.

۶. خواال الأعوام: سال‌های گذشته.

۷. مواضی الأزمان: گذشته‌های زمان‌ها.

۸. مز الدھور: گذشت زمان‌های بسیار.

۹. آخریة: قبل بدون ایندیا.

۱۰. آخریة: ابد بدون انتهیا.

۱۱. استعلی: بلند و مرتفع است.

۱۲. سقطت الاشیاء: کوتاه و فاقد هستند.

۱۳. أمده: نهایت آن.

۱۴. سائر: باطن نظرت.

۱۵. ادنی: کھترین.

۱۶. اسأثرت: اختصاص دادی.

۱۷. اقصى: نهایت.

۱۸. نعت: صفت.

۱۹. ضلت: گم شود.

۲۰. تفسخ: عاجز ماند.

۲۱. حارت: حیرت زده شود.

۲۲. لطائف: طرائق‌ها.

۲۳. اوهام: ذهن غیر عقلانی.

۲۴. جسم: کهنه.

۲۵. وصلات (جمع وُصله): اتصال‌ها.

۲۶. عصم: رسیمان.

۲۷. معصم: گرویده.

۲۸. اعوان: یار.

۲۹. آنکه: از تو مخفی نیست.

۳۰. لاتتطوی عنك: از تو پنهان نیست.

۳۱. لاتعزب عنك: از تو پنهان نیست.

۳۲. غیات: نادیدنی‌ها.

۳۳. خبرک: علم تو.

۳۴. سازی: ابتدا.

۳۵. ساقی: مسلط است.

۳۶. ساقی: مسلط است.

۳۷. سازی: باطن نظرت.

۳۸. سازی: ابتدا.

۳۹. استظرک: از تو مهلت خواسته.

۴۰. غواية: ضلالت.

۴۱. استمهلك: طلب مهلت کرده.

۴۲. امهله: او را مهلت دادی.

۴۳. فاقونی: مرا بر زمین زد.

۴۴. هربث: فرار کردم.

۴۵. موبیقا: هلاک کننده.

۴۶. مردیة: پست کننده.

۴۷. قتل عنّی: منصرف از من شد.

۴۸. عذار: گونه.

۴۹. غدره: حیله و نقض وفا.

۵۰. تلقانی: استقبال کرد.

۷۴. خاطر: واردات قلی.

۷۵. فرط: فسحه کردم.

۷۶. استشهاد: به شهادت طلبیدم.

۷۷. استیغیر: به پناهندگی گرفتم.

۷۸. لاتنی: ثانه نگویی.

۷۹. خانه فروضک: به استثنای واجبات تو.

۸۰. ضیمه‌ها: آن را ضایع کند.

۸۱. نافله: مستحب.

۸۲. فروض: واجبات.

۸۳. حرمات: کارهای حرام.

۸۴. انتہکهای: ضایع کردم آنها را.

۸۵. اجترحهای: به دست آوردم.

۸۶. استعیا: شرم نمود.

۸۷. سخط: غصب کرد.

۸۸. فتقاک: استقبالت کرد.

۸۹. رقة خاصه: گردن فرو افتداده.

۹۰. مثلث: خسته کننده.

۹۱. وافقاً: تکهداشت شده.

۹۲. الرغبة: میل.

۹۳. الرهبة: ترس.

۹۴. اولی من رجاه و اتفاقه: لا یقین تربین کسی به او امید دارد و لا یقین تربین کسی که باید جانب او رانگه داشت.

۵۱. تولی البراته: روی گردانید.

۵۲. اذیر: به من پشت کرد.

۵۳. مولیاً: روی گردانیده.

۵۴. اصرعنی: مرآ آماده و متبرّز کرد.

۵۵. فریداً: تنها.

۵۶. فناه: بر ساحت بیت.

۵۷. نفستک: غصب تو.

۵۸. طربیداً: دور و بعید.

۵۹. خفیر: حامی.

۶۰. حصن: دژ محکم.

۶۱. ملاذ: پناه گاه.

۶۲. الجاه الیه: پناه بدان برد.

۶۳. العائی: پناهندۀ.

۶۴. محل المعرف: جایگاه اعتراض.

۶۵. فلاپیضیق عنی: نسبت به من کم نیاید.

۶۶. لا یتصرن: کوتاه نگردد.

۶۷. اخیب: بیچاره تربین.

۶۸. اقطط: مأیوس تربین.

۶۹. وفودک: وارد شوندگان برتو.

۷۰. الآملین: آرزومندان.

۷۱. فریکت: انجام دادم.

۷۲. سویل: اغوا کرد مرا.

۷۳. الحطام: گناه.

۱۱۷. جوارج: اعضا.

۱۱۸. نعت: وصف کردی.

۱۱۹. علقة: خون بسته.

۱۲۰. مضفة: غضروف.

۱۲۱. اشائتی: ایجاد کردی.

۱۲۲. احتجت: نیاز پیدا کردم.

۱۲۳. لم استن: بی نیاز نیستم.

۱۲۴. غیاث: بناء بردن.

۱۲۵. غفل: زیادی.

۱۲۶. أمتک: کنیز تو.

۱۲۷. اسکتن: مرا اسکن کردی.

۱۲۸. جوئها: در شکم او.

۱۲۹. اودعتن: مرا انداخته قرار دادی.

۱۳۰. لو تکنی: اگر مرا او اگذاری.

۱۳۱. حولی: قدرت خودم.

۱۳۲. تسطرعن: مبتلا کنی.

۱۳۳. معتزلأ: کنار می رود.

۱۳۴. غذوتی: به من غذا دادی.

۱۳۵. البر: رنوف.

۱۳۶. اللطیف: طریف.

۱۳۷. تطول: دگرگون می کنی، فروزنی می باییم.

۱۳۸. غایتی: متهای آرزوی من.

۱۳۹. لا یطیع: ناخیر نکند.

۹۵. حضرت: ترسانیدی.

۹۶. عد علی: به من برگردان.

۹۷. عائده: نصیب.

۹۸. تقدتی: مرا پوشانیدی.

۹۹. حضرة الاکفاء: محضر هم نواعن.

۱۰۰. فضیحات: بدی های کشف شده.

۱۰۱. موافق الاشهاد: جایگاه شاهدان.

۱۰۲. جار: همسایه.

۱۰۳. احتم: حیا نکنم.

۱۰۴. سربراتی: اسرار باطنی.

۱۰۵. اعطي من رغب: بخششنه ترین کسی که مورد رغبت است.

۱۰۶. مدرتني: نازل کردی.

۱۰۷. مهینا: پست.

۱۰۸. صلب: سخت.

۱۰۹. مضائق: تنگ.

۱۱۰. حرج: مشکل.

۱۱۱. مسالك: مجری.

۱۱۲. ضیمه: او را کوچک ساخته.

۱۱۳. حجب: حجاب ها - پرده ها.

۱۱۴. تصریفی: در من تصریف می کنی.

۱۱۵. حالاً عن حال: حالی بعد از حالی.

۱۱۶. انتهیت: تابه آخر رسانیدی.

- ۱۴۰. صنعت: احسان تو.
- ۱۴۱. آنچه: فراغت یالم.
- ۱۴۲. أحظ: آن چه محفوظتر است.
- ۱۴۳. نکال: عقربت.
- ۱۴۴. وہال: بدعاقبتی.
- ۱۴۵. الفاغر: بازکننده.
- ۱۴۶. عنان: اختیارم را.
- ۱۴۷. الصالحة: دارای صدای بسیار بلند.
- ۱۴۸. آنیاب: دندان‌ها.
- ۱۴۹. أسماعه: دستگاه گوارش.
- ۱۵۰. استحصال: از تو حفظ خود را طلب کنم.
- ۱۵۱. ملکه: تسلط و قدرت او.
- ۱۵۲. صرف کهده: کیدش برگردانی.
- ۱۵۳. تسهل: آسان کنی.
- ۱۵۴. جسام: بزرگ.
- ۱۵۵. الهمک: شعوری الهی.
- ۱۵۶. تقصی: راضیم کنی.
- ۱۵۷. پقدیرک: اندازه گیری تو.
- ۱۵۸. بعضی: نسبی من.
- ۱۵۹. تغذیت: باشدت برخورد کرده‌ای.
- ۱۶۰. توعده: تهدید کرده‌ای.
- ۱۶۱. صدق: اعراض کرده.
- ۱۶۲. تذر: رها می‌کند.
- ۱۶۳. رهم: پرسیده.
- ۱۶۴. حیا: آب بسیار داغ.
- ۱۶۵. لاتحصی: قابل شمارش نشده.
- ۱۶۶. استطعمنا: از او درخواست عطوفت کنند.
- ۱۶۷. شحن الهوا: پراکند هوا را.
- ۱۶۸. مددها: مدت آن.
- ۱۶۹. سکانها: ساکنان خود.
- ۱۷۰. اندنه: قلب‌ها.
- ۱۷۱. سکانها: ساکنان آن.
- ۱۷۲. ینزع: از جای برکنند.
- ۱۷۳. بادع منها: از آن به دور هستند.
- ۱۷۴. اخْر عنها: از آن جای مانندند.
- ۱۷۵. آجرنى: پناهم ده.
- ۱۷۶. اقلئى: نگهدم بدار.
- ۱۷۷. عزاتی: لغزش‌هایم.
- ۱۷۸. لاتخذنى: بیچاره‌ام مکن.
- ۱۷۹. محیر: پناه دهنده.
- ۱۸۰. آبرار: بیکوکاران.
- ۱۸۱. مددها: مدت آن.
- ۱۸۲. لاتحصی: قابل شمارش نشده.
- ۱۸۳. شحن الهوا: پراکند هوا را.
- ۱۸۴. تملأ: پر می‌کند.
- ۱۸۵. اخْر: داغ ترین.

## دعاً في الاستخاراة

وكان، من دعائيه عليه السلام في الاستخاراة

(١) اللهم إني أستغريك بعلیک، فصل على محمد وآلہ، وافض لى بالغیرة، وأهمنا معرفة الاختيار، واجعل ذلك ذريعة إلى الرضا بما قضيت لنا والشليم لنا حکمت، فازخ عنا ریب الازیتاب، وأیدننا بیقین المخلصین.

(٢) ولا تُسْنَتْ عَجْزَ الْمَغْرِفَةِ عَنَّا تَعْيِذَ، فَنَفِطْ قَذْرَكَ، وَنَكْرَةَ<sup>١</sup>  
مَوْضِعِ رِضَاكَ، وَنَفْجَعَ<sup>١</sup> إِلَى الَّتِي هِيَ أَبَدُّ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ، وَأَقْرَبُ إِلَى  
ضَدِّ الْعَاقِبَةِ، حَبَّبَ إِلَيْنَا مَا نَكْرَهُ مِنْ قَضَايَاكَ، وَسَهَّلَ عَلَيْنَا مَا شَتَّصَعَبَ مِنْ  
حُكْمِكَ.

(٣) وأهمنا الانتیاد لـما أورذت علینا من مشیئتك، حتى لا نُحِبَّ تأخیر ما  
عَجَّلتَ، ولا تَعْجِلَ ما أَخْزَتَ، ولا نَكْرَهَ ما أَخْبَيْتَ، ولا تَخْيِرَ ما كَرِهْتَ، وَ  
اخِمْ لـما يالـتی هـنـ أَخْمَدْ عـاقـبـةـ، وَأَكـرـمـ مـصـيرـاـ، إـنـكـ تـفـيدـ الـكـرـيمـةـ، وَتـنـطـيـ  
الـجـيـسـيـةـ، وَتـنـقـلـ مـا تـرـيدـ، وَأـنـتـ عـلـىـ كـلـ شـئـ قـدـيرـ.

## دعای سی و سوم

### دعای استخاره

(۱) خدایا، من خیر را از علم و آگاهی تو طلب می‌کنم؛ پس بر محمد و آل او درود نثار فرما و نیکی خود را حتم بفرما و شناخت حسن انتخاب را به من الهام فرما و آن را وسیله‌ای برای به دست آوردن خشنودی تو و تسلیم در برابر فرمان تو گردان و در نتیجه حالت شک و دودلی را از ما دور و به یقین مخلصان مؤید گردان.

(۲) ما را گرفتار ناآگاهی به آن چه در احاطه قدرت توست مگردان، تا مبادا ارزشات را کوچک انگاشته و موارد خشنودی و رضای تو را نشناشیم و به سوی فرجام بد رهیبار گردیم و به بدبهختی گرفتار آییم، بلکه آن چه را حتم فرمودی معحبوب ما قرار بده و آن دسته از فرمان‌های تو که در نظر ما مشکل می‌نماید، در نظر ما آسان جلوه ده.

(۳) خدایا، مارا به آن چه در مورد ما اراده فرموده‌ای، منقاد گردان؛ آن چنان‌که آن چه را مقدر فرموده‌ای به زودی انجام پذیرد تأخیر آن را نپسندیم و آن چه را که تأخیرش را حتم قرار داده‌ای تعجیل آن را نخواهیم و هرگز به آن چه دوست‌داری ناخوشایندی در ماراه نیابد و آن چه را ناپسند می‌دانی انتخاب نکنیم و پایان عمر ما را در بهترین عاقبت و در بهترین مسیر قرار ده، زیرا کرامت و نعمت‌های بزرگ را تو عطا می‌فرمایی و آن چه را که تو اراده فرمایی مانعی در انجام آن نخواهد بود و بر هر چیز توانایی.

واژه‌ها:

۱. استخراج: از تو طلب خیر می‌کنم.
۲. واقعی: حتم و مقدار کن.
۳. الخیر: خیر.
۴. آهستا: به ذهن ما باور.
۵. ذریعه: وسیله.
۶. آرچ: دور کن.



## دعاوه إذا ابتلي أو رأى مبتلى بفضيحة بذنبٍ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ابْتَلَيْ أَوْ رَأَى مَبْتَلَى بِفَضْيَحَةٍ بِذَنْبٍ

(١) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى يُسْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ مَغَافِيلَكَ بَعْدَ خُبْرِكَ، فَكُلُّنَا  
قَدْ افْتَرَفْ الْفَاجِحَةَ، فَلَمْ تَشْهُدْهُ، وَ ازْتَكَبَ الْفَاجِحَةَ، فَلَمْ تَفْضُخْهُ، وَ  
سَتَرَ بِالْمَسَاوِيِّ فَلَمْ تَذَلِّلْ عَلَيْهِ، كَمْ نَفَيْ لَكَ قَدْ أَتَيْنَا، وَ أَنْفَرْ قَدْ وَفَقَّشَنَا  
عَلَيْهِ فَتَعَدَّيْنَا، وَ سَيِّئَةً اكْتَسَبْنَاها، وَ حَطَبَيْةً ارْتَكَبْنَاها، كُنْتَ الْمُطْلَعَ عَلَيْهَا  
دُونَ النَّاظِرِينَ، وَ الْفَاقِدَرَ عَلَى إِغْلَانِهَا فَوْقَ الْقَادِرِينَ، كَانَتْ غَايَيْتَكَ لَنَا جِبَابَا  
دُونَ أَبْصَارِهِمْ، وَ رَدَمَا دُونَ أَسْمَاعِهِمْ:

(٢) فَاجْعَلْ مَا سَرَرْتَ مِنَ الْغَوْرَةِ، وَ أَخْيَثْ مِنَ الدَّخِيلَةِ، وَ اعِظَّا لَنَا،  
وَ زَاجِراً عَنْ شُوءِ الْخُلُقِ وَ افْتِرَافِ الْخَطِيَّةِ، وَ سَعِيًّا إِلَى التَّؤْيِةِ الْمَاجِيَّةِ  
وَ الطَّرِيقِ الْمُخْمُودَةِ، وَ قَرْبِ الْوَقْتِ فِيهِ، وَ لَا تَسْمَنَا الْفَقْلَةَ عَنْكَ، إِنَّا إِلَيْكَ  
رَاغِبُونَ، وَ مِنَ الذُّنُوبِ تَائِبُونَ، وَ صَلَّ عَلَى خَيْرِتَكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ، مُحَمَّدٌ وَ  
عَزِيزٌ، الصَّفَوةُ مِنْ تَرِيَتَكَ الْطَّاهِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطْعِينَ كَمَا  
أَمْزَتَ.

## دعا هنگام مشاهده حال گرفتاران و رسواشیدگان در اثر گناه

(۱) خدایا، ستایش تو را که با وجود آگاهی به گناهان ما، آنها را پوشاندی و پس از آگاهی به حال ما، عافیت بخشدی. از این رو، ما اعتراف می‌کنیم که مرتكب کردارهای زشت شده‌ایم و تو هرگز مارا رسوانکردی، بلکه همه را مستور داشتی و هیچ کس را بر آنها آگاه نفرمودی، چه گناهانی را که در مخالفت نهی تو و کوتاهی در امر تو و تجاوز از حدود تو مبتلا شدیم و چه بسیار کارهای زشت و خطایی که مرتكب شدیم و توازن همه آنها آگاه بودی و دیگری را آگاه نکردی و بیش از هر کسی نتوان اعلان همه آن خطاهارا داشتی، ولی عافیت تو موجب محفوظ ماندن ما از چشم دیگران و مانع شنیدن گوش آنان بود.

(۲) خدایا، پرده ستاریت خود را که بر زشتی‌های ما کشیده‌ای و عیب‌ها و فسادهای ما را پوشانیده‌ای، موجب تذکر و مانع از سوء خلق و فرو رفتن در گناه قرار ده و نیز گوشش ما را به طرف توبه‌ای مؤثر در رفع آثار گناهان و پیمودن راه مورد پستند خود قرار بده وقت مارا در تلاش به سوی قرب خود صرف نما و هرگز غفلت از خودت را نصیب ما مگردان، که ما به درگاه تو راغب و از گناهان خود توبه می‌کنیم و بر بهترین آفریده خود، یعنی حضرت محمد و خاندان برگزیده او درود فرست و ما را گوش به فرمان و مطیع آنان بگردان.

## واژه‌ها:

۱۴. المطلع عليها: مطلع بر آن.

۱۵. حجاباً دون ابصارهم: حجاب دیدن آنها.

۱۶. ردم: حجاب از شنیدن.

۱۷. العورة: واجب الستر.

۱۸. دخيلة: غش و فساد.

۱۹. زاجر: مانع.

۲۰. القراء: ارتکاب.

۲۱. ماحيّة: محظوظ.

۲۲. محمردة: پستنیده.

۲۳. ولا تستنا: مبتلا نکن.

۲۴. هترته: نزدیک‌ترین خویشاوندانش.

۲۵. الصفرة: برگزیده.

۲۶. بریتک: مخلوق تو.

۱. سترک: پوشش تو بر گناهان.

۲. معافاتک: عافیت تو بر ما.

۳. اقترف: به دست آورده.

۴. العائنة: عیوب.

۵. لم تشهّر: علّنی نکردی آنرا.

۶. ارتکبم: مرتكب شد.

۷. الفاحشة: بسیار قبیح.

۸. لم تظفحه: عیوب او را علّنی نکردی.

۹. مساوی: بدی‌ها.

۱۰. لم تدلل عليه: کسی را آگاه بر آن نکردی.

۱۱. أئتهاه: به جا آوردم.

۱۲. وقتنا: آگاه شدیم.

۱۳. فندیناه: از آن تجاوز کردیم.



## دعاوه في الرضا بالقضاء

وَكَانَ مِنْ دُعَائِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرُّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ يَحْكُمِ الْأَرْضَ. شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسْمٌ مَعَايِشٌ عِبَادُهُ بِالْعَذْلِ،  
وَأَخْذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَعْلِ. اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تُنْقِشِّي بِمَا  
أَغْطَيْتَهُمْ، وَلَا تُنْقِشِّي بِمَا مَنَّتَهُمْ، فَأَخْسِدْ خَلْقَكَ، وَأَغْنِطْ حُكْمَكَ. اللَّهُمَّ  
صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَبِّبْ بِقَصَائِدِكَ نُفُسِّي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ  
صَدْرِي، وَهَبْ لِي النُّفَةَ لِأَقْرَأَ مَقْهَاهَا بِأَنَّ قَصَاءَكَ لَمْ يَغْرِي إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَاجْعَلْ  
شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا رَوَيْتَ عَنِّي<sup>٧</sup> أُؤْفِرْ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا حَوَلْتَنِي<sup>٨</sup>.

(٢) وَاغْصِنِتِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِنِي عَدَمٌ حَسَاسَةً، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرَوَةٍ فَضْلًا،  
فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَفَتْهُ طَاعَتْكَ، وَالْعَزِيزُ<sup>٩</sup> مَنْ أَعْزَزَهُ عِبَادَتُكَ. فَصَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَسْعَنَا<sup>١٠</sup> بِتَزْوِيجٍ لَا تَنْقِدُ<sup>١١</sup>، وَأَيْدِنَا بِعِزٍّ لَا يُنْقِدُ<sup>١٢</sup>، وَاسْرَخَنَا<sup>١٣</sup> فِي  
مُلْكِ الْأَبَدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ<sup>١٤</sup> الْأَحَدُ<sup>١٥</sup> الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَّدْ، وَلَمْ يَكُنْ  
لَكَ كَفُورًا<sup>١٦</sup> أَحَدٌ.

## دعای سی و پنجم

### دعا برای خشنودی از داده‌ها

(۱) سپاس خدا را، به سبب خشنودی در برابر فرمان او. گواهی می‌دهم که خداوند متعال با عدل و داد روزی بندگانش را تقسیم فرموده و فضل او شامل حال تمامی آنان است. خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا بآ عطا بایی که به توانگران داده‌ای آزمایش مفرما و به وسیله آن چه از من منع فرمودی، مرا امتحان ممکن که مبادا بر آنان رشك و حسد برد و حکم تو را سبک بشمارم. خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مرا به مقدرات و حکم خود خوشدل گردان و پیوسته شرح صدر به آن چه تقدير فرموده‌ای به من کرامت فرما و اطمینانی به من ارزانی دار که بدانم قضای تو جز به خیر من جاری نیست و تشکر و سپاس گزاری مرا از خود درباره آن چه از من منع فرموده‌ای، بیش از تشکر من در برابر نعمت‌هایی که به من عطا کرده‌ای، قرار ده.

(۲) خدایا، مرانگاه دار که مبادا به ندار به چشم حقارت بنگرم و یا برای توانگری، برتری بی‌جا توهمند کنم، زیرا شریف کسی است که تو او را به شرافت بندگی خود مفتخر ساخته باشی و عزیز کسی است که بندگی تو او را عزیز بدارد. پس بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و مارا از ثروت و عزّت غیرقابل زوال بهره‌مند ساز و به سوی سلطنت جاویدان هدایت فرما، زیرا تو یگانه و بی‌همتا و بی‌نیازی هستی که نه زایش داشته‌ای و نه مولود کسی هستی و نه همانند و همتایی داری.

## واژه‌ها:

|                                |  |
|--------------------------------|--|
| ۹. خسنه: پستی.                 | ۱. معايش: وسائل زندگی.                 |
| ۱۰. العزيز: جلیل القدر کم نظر. | ۲. لافتش: آزمایش ممکن.                 |
| ۱۱. متعنا: به ما اعطای فرما.   | ۳. فاحد: حسد و رزم.                    |
| ۱۲. لافتند: پایان نهذیرد.      | ۴. لفظ: کوچک شمرم.                     |
| ۱۳. لافتند: فاقد شود.          | ۵. طیبه: پاکیزه کن.                    |
| ۱۴. آثرخنا: مارارها کن.        | ۶. موقع حکمک: زمینه‌های قضا و قدرت را. |
| ۱۵. واحد: یکی.                 | ۷. زوبت هنی: از من منع کردی.           |
| ۱۶. اسد: بگانه.                | ۸. خواهش: مرا اعطای کردی.              |
| ۱۷. کفو: نظریز.                |  |



## دعاوه عند سماع الرعد

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّحَابِ وَالْبَزْقِ وَسَعَ صَوْتُ  
الرَّعْدِ

(١) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَاتِكَ، وَهَذَيْنِ عَوْنَانِ<sup>١</sup> مِنْ أَغْوَانِكَ،  
بَيْتَرَانِ<sup>٢</sup> طَاغَتْكَ بِرَحْمَةِ تَافِعَةٍ أَوْ تَقْيَةٍ<sup>٣</sup> ضَارَّةٍ، فَلَا تُنْهِنْنَا<sup>٤</sup> بِهِمَا مَطَرَ  
السُّوءِ، وَلَا تُلْبِسْنَا<sup>٥</sup> بِهِمَا لِيَاسِ الْبَلَاءِ.

(٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا نَفْعَ هَذِهِ السَّحَابَ<sup>٦</sup> وَ  
بَرَّ كَتَهَا، وَاضْرِفْ عَنَّا أَذَاهَا<sup>٧</sup> وَمُضَرَّتَهَا، وَلَا تُصْبِنَا<sup>٨</sup> فِيهَا بِآفَةٍ، وَلَا تُرِسِّلْ  
عَلَى مَعَابِشِنَا عَاهَةً.

(٣) اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ بِعَنْتَهَا<sup>٩</sup> بِقُمَّةٍ وَأَرْسَلْتَهَا سُخْطَةً، فَإِنَّا نَسْتَجِيرُكَ مِنْ  
غَضِيبِكَ، وَنَبْتَهِلُ<sup>١٠</sup> إِلَيْكَ فِي سُؤَالِ عَفْوِكَ، فَمِلْ<sup>١١</sup> بِالْفَضْبِ إِلَى الْمُشْرِكِينَ،  
وَأَدِرْ<sup>١٢</sup> رَحْنِ<sup>١٣</sup> تِعْقِيْكَ عَلَى الْمُلْجَدِينَ.

(٤) اللَّهُمَّ أَذْهِبْ مَخْلَ<sup>١٤</sup> بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ، وَأَخْرِجْ وَحْزَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ،  
وَلَا تَشْغُلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ، وَلَا تَنْطَعْ عَنْ كَافِتَنَا<sup>١٥</sup> مَادَّةَ بِرُوكَ، فَإِنَّ الْغَنِيَّ مِنْ  
أَغْنَيْتَ، وَإِنَّ السَّالِمَ مِنْ وَقَيْتَ<sup>١٦</sup>.

## دعای سی و ششم

### دعا به هنگام دیدن ابر و شنیدن صدای آذرخش

(۱) بار خدایا، این ابر و رعد و برق، دو مورد از نشانه‌های تو و دو بار از باران تواند که به فرمان تو می‌شتابند و رحمت سودمند یا عذاب و نعمت مضر و آسیب رسان تو را فرو می‌بارند. خدایا، به وسیله این دو، باران زیان آور بر ما نفرست و ما را به گرفتاری‌های فراگیر مبتلا مکردان.

(۲) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فrst و برکات و منافع ابرها را بر ماناژل گردان و هرگز مارا به آفت و گرفتاری‌های آن مبتلا مفرما و بر زندگی ما که با نظام طبیعی این عالم رابطه تمام دارد، گرفتاری روا مدار.

(۳) خدایا، اگر ابر و باران‌ها را برای عذاب و نعمت ما فرستاده‌ای، پس به تو پناه می‌بریم و با تصریع بسیار از تو درخواست عفو و بخاشایش می‌کنیم. بنابراین، غضب خود را نصیب مشرکان گردان و عذاب خود را به سوی منکران و ملحدان متوجه ساز.

(۴) خدایا، خشک‌سالی موجود در دیار ما را با باران رحمت زایل گردان و گمان و نگرانی قلب ما را باروزی فراوانست بر طرف کن و ما را به دیگران مشغول نفرما و هرگز ریشه‌های نیکی خود را از این امت قطع منما، راستی توانگر کسی است که تو او را غنی ساخته‌ای و سلامتی و امن و عافیت کسی دارد که تو او را عطاکرده‌ای.

(٥) مَا عِنْدَ أَخِيْ دُونَكَ<sup>١</sup> دَفَاعٌ، وَلَا يَأْخِدُ عَنْ سُطُورِكَ<sup>٢</sup> امْتِنَاعٌ، تَحْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَى مَنْ شِئْتَ، وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ.

(٦) فَلَكَ الْحَنْدُ عَلَى مَا وَقَيَّبْتَ مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَلْتَنَا<sup>٣</sup> مِنَ التَّعْماَءِ، حَمْدًا يُعْلَفُ<sup>٤</sup> حَمْدَ الْحَامِدِينَ وَرَاهِهِ، حَمْدًا يَنْلَا أَزْضَهُ وَسَمَاهُ.

(٧) إِنَّكَ أَنْتَ بِجَسِيمِ الْيَمَنِ<sup>٥</sup>، الْوَهَابُ لِغَطْيِمِ النَّعْمِ، الْقَابِلُ لِسِيرِ الْعَدْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ، الْمُخْسِنُ الْمُجْنِلُ، ذُو الطَّوْلِ<sup>٦</sup>، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنِّيْكَ الْمَصِيرُ<sup>٧</sup>.

(۵) کسی جز تو توان دفاع از حوادث راندارد و هیچ کس توان خود نگهداری از غلبه تو را نخواهد داشت. درباره هر کس به هر چه بخواهی حکم می‌رانی و درباره هر چیز هر چه اراده کنی رواست و مانعی در برابر تصمیم تو نیست.

(۶) پس ستایش تو را که مارا از هر گرفتاری نگاه داشتی و سپاس تو را که نعمت‌های فراوان به ما کرامت فرمودی، ستایشی که بر سپاس سپاس‌گزاران فایق آید و زمین و آسمان از آن آنکده گردد.

(۷) خدایا، تو با نعمت‌های بی‌بیان و عظیمت بر بندگان منت فراوان داری و با تمام این عظمت کمترین سپاس مارالرج می‌گذاری و می‌پذیری و کمترین شکرانه را پاداش می‌دهی و پیروسته احسان می‌فرمایی و همه چیز را در کمال زیبایی آفریده‌ای و دارای قدرت بسیار هستی و جز تو در نظام هستی هیچ کس مؤثر نیست و سیر هستی به سوی تو است.

#### واژه‌ها:

۱. عنون: کمک کار.
۲. پیتران: سبقت گیرنده.
۳. نقصه: بلا.
۴. لاتسترنا: برما باران نبار.
۵. ولاتلسنا: برما مهرشان.
۶. سحاب: ابرها.
۷. آذاها: آزارهای آنها.
۸. لاتصينا: ما را هدف قرار نده.
۹. بمعتها: فرستادی آن را.
۱۰. ننهل: تصرع می‌کنیم.
۱۱. قیبل: پس میل کن.
۱۲. آبر: دور بزن.
۱۳. رعن: آسیا - نیروی خرد کننده.
۱۴. گائفت: تعامی ما.
۱۵. وقتی: نگاه داشته‌ای.
۱۶. دونک: غیر تو.
۱۷. سطوه: قهر و غله.
۱۸. خوشتنا: نعمت دادی.
۱۹. پهلف: جانشین شود.
۲۰. جسم السن: منت‌های بزرگ.
۲۱. ذوالطلول: صاحب قدرت و عزت.
۲۲. المصیر: مرجع.

## دعاوه في الشكر

وكان من دعائيه عليه السلام إذا اغترف بالتصبير عن تأدية الشكر

(١) اللهم إِنّا أَخْدَلَا لَا يَتَلَقّعُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِخْسَانِكَ مَا يُلِزِّمُهُ شُكْرًا.

(٢) وَ لَا يَتَلَقّعُ مَبْلَغاً مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصَراً دُونَ اسْتِحْفَاقِكَ بِقُضْلِكَ.

(٣) فَأَشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزًّا عَنْ شُكْرِكَ، وَ أَغْبُدُهُمْ مُقْصُراً عَنْ طَاعَتِكَ.

(٤) لَا يَجُبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَسْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْفَاقِهِ، وَ لَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِيجَابِهِ.

(٥) فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبِطْؤُلَكَ، وَ مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِقُضْلِكَ.

(٦) تَشْكُرْ يَسِيرٌ مَا شُكِرَتْهُ، وَ تُثْبِتُ<sup>١</sup> عَلَى قَلِيلٍ مَا تُطَاعُ فِيهِ حَتَّى  
كَانَ شُكْرُ عِبَادَكَ الَّذِي أَوْجَبْتَ عَلَيْهِ تَوَابَهُمْ وَ أَنْظَمْتَ عَنْهُ جَرَاءَهُمْ،  
أَمْزَ مَلَكُوا اسْتِطاعَةَ الْأَمْتِنَاعِ مِنْهُ دُونَكَ فَكَافَيْتُهُمْ، أَوْ لَمْ يَكُنْ سَبِيلَكَ  
بِجَازِيَّتِهِمْ.

## اعتراف به کوتاهی در ادائی شکر خدا

(۱) خدایا، هیچ کس توان شکر تو را ندارد، زیرا شکرگزاری بندگان احسان دیگر را از تو می طلبد تا بندهای را سپاس‌گزار تو قرار دهد [و این خود نعمت دیگری است که شکرگزاری آن لازم است].

(۲) هرگز طاعت بندگان اگرچه کوشش بسیار کنند به حدی که تو استحقاق آن را داری نخواهد بود.

(۳) پس سپاس‌گزارترین بندگان از شکر تو عاجز است و عابدترین آنان در حق تو مقصرا و اطاعت لایق تو را به جانیاورده‌اند.

(۴) هرگز در بخشودن بندگان بر تو الزامی نیست و حقی از سوی آنان بر تو نیست و خشنودی تو از آنان بر تو الزامی نمی‌باشد.

(۵) هر کس را آمرزیدهای از کرامت توست و از هر کس خشنود گردیدهای، از احسان و تفضل توست.

(۶) چنان کردارهای اندک را پاداش می‌دهی و به طاعت‌های کوتاه کرامت می‌کنی که گویی شکر شاکران به گونه‌ای است که بدون قدرت تو می‌تواند انجام گیرد و در عملی که در انجام آن مستقل اند جزدادهای، هرگز چنین نیست و اسباب همه چیز در دست تو است.

(٧) بَلْ مَلَكْتَ - يَا إِنْهِي - أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَسْلِكُوا عِبَادَتَكَ، وَأَغْدَذَتَ  
ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا<sup>١</sup> فِي طَاعَتِكَ، وَذَلِكَ أَنَّ سُنْتَكَ الْأَفْضَالُ، وَعِادَتَكَ  
الْإِخْسَانُ، وَسِيلَكَ الْغَفْوَ.

(٨) فَكُلُّ الْبَرِّيَّةِ<sup>٢</sup> مُفْتَرَّةٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ، وَشَاهِدَةٌ  
بِأَنَّكَ مُتَنَضَّلٌ عَلَى مَنْ عَافَيْتَ، وَكُلُّ مُقْرُّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْتَّعْصِيرِ عَمَّا  
اشْتَوَجَيْتَ.

(٩) فَلَوْلَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ<sup>٣</sup> عَنْ طَاعَتِكَ، مَا غَصَّكَ عَاصِمٌ<sup>٤</sup>، وَلَوْلَا  
أَنَّهُ صَوْرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ، مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقَكَ ضَالٌّ.

(١٠) فَسُبْحَانَكَ مَا أَنْيَنِ<sup>٥</sup> كَرْمَكَ فِي مُعَامَلَةِ مَنْ أَطَاعَكَ أَوْ عَصَاكَ:  
تَشْكُرُ لِلْمُطْبِعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّتِهِ<sup>٦</sup> لَهُ، وَتُمْلِي<sup>٧</sup> لِلْمُعَاصِي فِيمَا تَبَلِّكَ مُعَاجَلَتَهُ  
فِيهِ.

(١١) أَغْطَيْتَ كُلَّاً مِنْهُمَا مَا لَمْ يَعْبُطْ لَهُ، وَتَنَعَّلْتَ عَلَى كُلِّ مِنْهُمَا بِمَا يَقْصُرُ  
عَنْهُ عَنْهُ.

(١٢) وَلَوْكَافَاتٌ<sup>٨</sup> الْمُطْبِعَ عَلَى مَا أَنْتَ تَوَلَّتَ لَأُوشِكَ<sup>٩</sup> أَنْ يَنْقُدَ ثَوَابَكَ، وَ  
أَنْ تَزُولَ عَنْهُ نِعْمَتَكَ، وَلِكُلِّكَ بِكَرْمِكَ جَازِيَّةٌ عَلَى الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَارِغَةِ  
بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ<sup>١٠</sup>، وَعَلَى الْفَاتِيَّةِ الْقَرِيبَةِ الرُّبَّانَةِ بِالْفَاتِيَّةِ الْمَدِيدَةِ<sup>١١</sup>  
الْبَاقِيَّةِ.

(١٣) ثُمَّ لَمْ تَسْمُمْ<sup>١٢</sup> الْقِصَاصَ فِيمَا أَكَلَ مِنْ رِزْقِكَ الَّذِي يَهْوَى بِهِ عَلَى  
طَاعَتِكَ، وَلَمْ تَخْمِلْهُ عَلَى الْمُنَاقَشَاتِ<sup>١٣</sup> فِي الْآلاتِ الَّتِي تَسْبِئُ بِاِشْتِغَالِهَا

(۷) بلکه تو-ای معبد من-مالک ایشان هستی و بوده‌ای، پیش تر از آن که توانایی بندگی ات را داشته باشند و ثواب آنان را پیش تر آماده کرده‌ای، زیرا سنت تو تفضل و شبوات نیکوکاری و روش تو عفو و گذشت است.

(۸) خدایا، همه آفریده‌ها موحد و غیر موحد بر این واقعیت اعتراف دارند که هر که را به کیفر رسانی، هرگز ستمی نکرده‌ای و نیز می‌دانند آن که عافیت را از تو دریافت داشت، فضل و رحمت تو بود که او را بر خوردار نمود و همگی بر این باورند که هرگز توان آن را ندارند که چنان که زیبنده توست، بندگی ات را ادا کنند.

(۹) اگر شیطان با نیرنگ خود آنان را از اطاعت تو باز نمی‌داشت، هیچ کس تو را نافرمانی نمی‌کرد و اگر باطل را به صورت حق بر آنان جلوه نمی‌داد، هیچ کس دچار گرامی نمی‌گردید.

(۱۰) خداوندگارا چه قدر پاک و متنزه، با آن که توفیق اطاعت را خود به اطاعت کنندگان مرحمت کرده‌ای، پاداش فراوان به آنان عطا می‌فرمایی و گنه کاران را در اقدامی که تعجیل در عقوبت را ایجاد می‌کند، مهلت می‌دهی.

(۱۱) بر گناه کاران و بر فرمان بران فوق آن چه را که سزاوار آن هستند و عمل کرده‌اند، اعطانموده‌ای.

(۱۲) اگر بندگان را به کاری که آنان را بدان گمارده و موفق کرده‌ای و بر حسب آن تأییده‌ها که به آنان عطا فرموده‌ای و متولی کار آنان بوده‌ای ملاحظه فرمایی، هرگز استحقاق پاداش را ندارند، ولی کزم تو آن چنان است که در برابر عمل مختصر آنان که در مدت کوتاه به جا آورده‌اند، نعمت بی‌پایان به آنان عطا می‌کنی.

(۱۳) خداوندگارا، تو هرگز از بندگان در روز محشر درباره روزی‌هایی که استفاده کرده و قدرت بر عبادت تو یافته‌اند و همگی از تو بوده است و یا از ابزارها و

إلى مغفرتك، ولو فعلت ذلك به لذهب بجميع ما كدح "لَهُ وَجْهًا مَا سمعنا  
فيه جزاء للصُّغرى من أيديك" <sup>٣</sup> و مثلك، ولبقى زهيناً <sup>٤</sup> بين يديك بسائر  
نعمتك، فكتني كان <sup>٥</sup> يستحق شيئاً من توابلك؟ لا مني؟

(١٤) هذا - يا إلهي - حال من أطاعتك، و سهل من تعبد لك، فأمام العاصي  
أمرك وال الواقع <sup>٦</sup> تهيك فلم تماطله بمعفوك لكن يتبدل حاله في معفيتك  
حال الإنابة إلى طاعتك، ولقد كان يستحق في أول ما هم بعيضياتك كل ما  
أغذته لجميع خلقك من غوبتك.

(١٥) فجميع ما أخذت عنه من العذاب وأبطاؤ <sup>٧</sup> به عليه من سطوات <sup>٨</sup>  
النفيحة والعقاب، تزك من حتك، ورضي بذون واجبك.

(١٦) فلن أكرم - يا إلهي - منك، ومن أشقي ممن هلك عليك؟ لا من؟  
فتبارك <sup>٩</sup> أن توصف إلا بالإحسان، وكرمت أن تخاف منه إلا العذل،  
لا تخشي <sup>١٠</sup> جروك على من عصاك، ولا تخاف إغفالك ثواب من أزضاك،  
فصل على محمد وآله، وحب لي أهلي <sup>١١</sup>، وزيني من هداك ما أصل به إلى  
التوفيق في عملي، إنك متأن كريم.

اسباب و ادواتی که موجب شده است آنان توانایی پیدا کنند و تو برای آنان فراهم کرده‌ای، حساب نمی‌کشی، زیرا با چنین محاسبه‌ای، هیچ یک از بندگانت با تمام سعی و کوششی که کرداند، مستحق کمترین جزا و پاداش خواهند بود، بلکه در حالی که مرهون نعمت‌های تو قرار گرفته‌اند در مقابل تو و امانده خواهند بود. راستی چه کسی سزاوار ثواب است؟ هرگز کسی بر تو حقی ندارد و هیچ گاه فردی از تو طلبکار نیست جز آن که تو عطا و عنایت فرمایی.

(۱۴) معبد، چنین است حال اطاعت کنندگان و راه و روش بندگان تو و رفتار تو با بندگان گناه کارت. چنین است که در عقوبیت آنان شتاب نفرموده‌ای تاشاید از حال آسودگی به عالم پاکیزگی گرایش پیدا کنند، در حالی که در اولین گام که برای گناه برداشتند، تمام آنچه را که برای همه تبه کاران آماده کرده‌ای، مستحق بودند.

(۱۵) پس تمامی مجازات‌ها و سرزنش‌هایی که در مورد گناه کاران انجام نداده‌ای و غفو و گذشت نموده‌ای، در واقع جز آن نیست که تواز حق خوبیش گذشته و همگی را به عفو خود بخشوده‌ای.

(۱۶) ای معبد من، چه کسی از تو گرامی‌تر است و چه کسی بدخت‌تر از آن که در درگاه تو تباہ گردد؟ راستی چه کسی؟ پس تو برتر از آنی که بتوان تو را جز به احسان و نیکوکاری توصیف نمود و مزه‌تر از آن هستی که مردم جز از عدل تو بیم داشته باشند. هرگز کسی از آن بیم ندارد که تو گاه گناه کاران جور و ستم را فرمایی و از ثواب کسانی که در راه خشنودی تو گام برداشته‌اند، غفلت فرمایی؛ پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا به آرزوهایم برسان و هدایت پی‌گیری که مرادر اعمال نیکم موفق گرداند، به من عطا بفرما، که تو منان و بزرگواری.

## واژه‌ها:

۱۷. اوشک: نزدیک است.

۱۸. خالده: جاویدان.

۱۹. مدبده: طولانی.

۲۰. لم تسمه: بر او وارد نکردی.

۲۱. مناشات: حسابرسی دقیق.

۲۲. کدح: تلاش کرده.

۲۳. آبادیک: نعمت‌های تو.

۲۴. رهینا: گروگان.

۲۵. فتن کان: چه وقت بود.

۲۶. الواقع: مرتكب.

۲۷. ایطات: مهلت دادی.

۲۸. سطوات: غلبه و قدرت‌ها.

۲۹. فتارکت: همیشه پر برکت هستی و بزرگی.

۳۰. لا یخش: ترسیده نشود.

۳۱. آئلی: آرزویم.

۱. مبلغ: مقدار.

۲. اجتهد: تلاش کند.

۳. استیجاب: طلب امر واجب.

۴. طول: قدرت.

۵. بسیر: کم.

۶. تسب: اجر می‌دهی.

۷. کافیتم: جزا داده‌ای.

۸. پنهضا: داخل شوند.

۹. سنتک: طریقه تو.

۱۰. البریة: همه مردم.

۱۱. بخدعهم: آنان را گول بزنند.

۱۲. عاصی: گننه کاری.

۱۳. مالهین: چه واضح است.

۱۴. تولیه: متولی آن بوده‌ای.

۱۵. ثمل: مهلت داده‌ای.

۱۶. کافات: جزا دادی.



## دعاوه في الاعتذار

وكان من دعائيه عليه السلام في الأعتذار من تبعات العباوة ومن التقصير  
في حقوقهم وفي فكاك رقبيه من النار

(١) اللهم إني أعتذر إليك من مظلوم ظلم بحضورتى فلم أنصره، و من  
معروف أشدى إلي فلم أشكوه، و من مسيء اغترذ إلي فلم أغدره، و من  
ذى فاقه سألي فلم أوبره، و من حق ذى حق لرمى لمؤمن فلم أوفره، و  
من عيب مؤمن ظهر لي فلم أنسره، و من كُل إثم عرض لي فلم أحجزه.<sup>٦</sup>

(٢) أعتذر إليك - يا إلهي - منهن و من نظائرهن اعتذار ندامه يكُون  
واعظا لما بين يدي من أشباههن؛ فصل على محنتي و آiley، و اجعل ندامتي  
على ما وقفت فيه من الزلات<sup>٧</sup>، و عزيمى<sup>٨</sup> على تزكى ما يفترض لي من  
السيئات، توبته توجب لي مغتنىك، يا محب التوابين.

## دعای سی و هشتم

### پوزش خواهی از کوتاهی در حقوق مردم

(۱) خدایا، من به درگاه تو پوزش می طلبم، از آن گاه که ستم دیده‌ای در حضور من مورد ظلم قرار گرفته و من باری اش نکردمام و از نیکوکاری و احسانی که شکرش را به جانیآوردمام و عذرخواهی از گناهی که من نبذر فتنهام و از فقر سائلی که به او اینثار نکردمام و حق فردی که برای من ثابت است و من حق او را ادا ننموده‌ام و عیب مؤمنی که ظاهر شده است و من آن را نپوشیده‌ام و گناهی که از آن دوری نجسته‌ام.

(۲) خدایا، از محضر تو پوزش می طلبم از تمامی امور یاد شده و نظایر آنها؛ پوزشی که برای من نسبت به پدیده‌های دیگر مشابه آن عبرت آمیز باشد، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و پشمیانی مرا از تمامی لغزش‌ها و همه پیش آمددهای دیگر از گناهان بپذیر؛ توبه‌ای که محبت تو را به من جلب کند. ای دوستدار توبه کنندگان.

واژه‌ها:

۱. آندر: پرداز می‌طلبم.  
۲. بحضورتی: در حضور من.  
۳. اسیدی الی: به من عطا شده.  
۴. غلم اغیره: عذر او را نپذیرم.  
۵. ذی فاتحه: فقیر.  
۶. لم او نره: او را بر خود مقدم نداشته باشم.





## دعاوه في طلب العفو

وكان من دعائيه عليه السلام في طلب العفو والرخمة

(١) اللهم صل على محمد وآلية، وانحرس شهورى عن كل مخزم، وازو جزصى عن كل ناثم، وامتنعنى عن أذى كل مُؤمن ومؤمنة، ومسلم ومسليلة. اللهم وأيما عبد نال مني ما حضرت عليه، وانتهك مني ما حجزت عليه، فقضى بظلماتى ميتاً، أو حصلت لي قبلاً حيَا، فاشفظ له ما ألم به مني، واغفر له عما ذنب به عني، ولا تقهقْ علی ما ارتكب فيه، ولا تخفيه عما اكتسب بي، واجعل ما سمعت به من العفو عنهم، وتبَرَّعْت به من الصدقة عليهم أذكر صدقات المتصدقين، وأغلى صلات المتربيين.

(٢) وعوْضني من عقوبى عنهم عقوبك، ومن دعائى لهم رحمةك، حتى يسعد كل واحد مثا بفضلك، وينجوا كل مثا بمنك. اللهم وأيما عبد من عبادك أذركه من ذرك، أو مسه من ناجيتي أذى، أو لحقه بي أو يسيبني ظلم فتنه بحقه، أو سبقته بظلمتيه، فصل على محمد وآلية، وأرضيه عني من وجدك، وأزيفه حقة من عندك، ثم قبلى ما يوجب له حكمك، وخلصنى

## دعای سی و نهم

### درخواست عفو و رحمت الهی

(۱) خدایا، بر حضرت محمد و خاندان او درود فرست و دل خواه مرا از هر حرام باز دار و حرص و آز مرا از هر گناه بر کنار کن و اذیت و آزار مرا از هر مرد و زن مؤمن و مسلمان قطع گردان. خدایا، هر کس که به من ستم کرده و از دنیا رفته است یا حقی بر عهده اوست و زنده است، همه را درباره ستمی که به من کرده‌اند و یا حقی را تباہ نموده‌اند بیامز و آنان را برای خطاهایی که درباره من کرده‌اند، مژاخدن مکن و سرزنش مفرما و آنچه را که من اکنون به آنها بخشیدم و بر آنان تصدق کردم، پاکیزه‌ترین صدقات و بهترین هدیه‌ای که از طرف مقربان صادر می‌گردد، قرار ده.

(۲) خدایا، عفو خود را جای‌گزین عفو و گذشت من از دیگران گردان و بارحمت خود مرا از درخواست از بندگان بی‌نیاز فرمای، تاهر دوی ما سعادت‌مند و اهل نجات گردیم. خدایا، اگر یکی از بندگان از طرف من گزند و یا آزاری دیده، یا از من و یا به وسیله من ظلمی را تحمل کرده و حق او ضایع گردیده و یا ظلمی را به او متوجه ساخته‌ام، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و او را به قدرت خود از من راضی گردان و حق او را از کرم خود ادا فرمای، آن‌گاه مرا از گرفتاری و عذابی که حکم تو مقرر

مِنَّا يَحْكُمُ بِهِ عَذْلُكَ؛ فَإِنَّ قُوَّتِي لَا تَسْتَقِيلُ بِنَقْبَتِكَ<sup>١٣</sup>، وَإِنَّ طَاقَتِي لَا تَتَهَضُ  
بِسُخْطِكَ<sup>١٤</sup>، فَإِنَّكَ إِنْ تُكَافِئِي<sup>١٥</sup> بِالْحَقِّ تُهْلِكُنِي، وَإِلَّا تَغْمَدْنِي<sup>١٦</sup> بِرَحْمَتِكَ  
تُؤْفِنِي<sup>١٧</sup>.

(٢) اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْتَوِهِنَّكَ<sup>١٨</sup> - يَا إِلَهِي - مَا لِي يُنْصُكَ بِذَلِكَ، وَأَشْتَخِيلَكَ<sup>١٩</sup>، مَا  
لَا يَتَهَظُكَ<sup>٢٠</sup> حَنْلُهُ، أَشْتَوِهِنَّكَ - يَا إِلَهِي - نَفِيسَتِي الَّتِي لَمْ تَخْلُقْهَا لِتَتَنَعَّى بِهَا مِنْ  
شَوَّهٍ، أَوْ لِتَطَرَّقَ بِهَا إِلَى نَفْعٍ<sup>٢١</sup>، وَلَكِنَّ أَنْشَأَتْهَا<sup>٢٢</sup> إِنْبَاتًا لِقُدْرَتِكَ عَلَى مِثْلِهَا، وَ  
أَخْتِجاجًا<sup>٢٣</sup> عَلَى شَكْلِهَا، وَأَشْتَخِيلَكَ مِنْ ذُنُوبِي مَا قَدْ بَهْظَنِي<sup>٢٤</sup> حَنْلُهُ، وَ  
أَشْتَعِينُ<sup>٢٥</sup> بِكَ عَلَى مَا قَدْ فَدَخْنِي<sup>٢٦</sup> بِنَقْلِهِ، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِنَفِيسِي  
عَلَى ظُلُومِهَا نَفِيسِي، وَوَكِّلْ<sup>٢٧</sup> رَحْمَتِكَ بِالْخِتَامِ إِلَّا ضِرِّي<sup>٢٨</sup>. فَكَمْ قَدْ لَحِقَتْ  
رَحْمَتُكَ بِالْمُسِيَّبِينَ، وَكَمْ قَدْ شَمِلَ عَفْوُكَ الظَّالِمِينَ.

(٤) فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَخْلَقَنِي أَشْوَةً<sup>٢٩</sup> مِنْ قَدْ أَنْهَضْتَهُ<sup>٣٠</sup> بِتَجَاؤِزِكَ  
عَنْ مَصَارِعِ<sup>٣١</sup> الْخَاطِئِينَ، وَخَلَصْتَهُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ وَرَطَاتِ<sup>٣٢</sup> الْمُجْرِمِينَ،  
فَأَصْبَحَ طَلِيقًا<sup>٣٣</sup> عَفْوُكَ مِنْ إِسَارَ<sup>٣٤</sup> سُخْطِكَ، وَعَيْقَنًا<sup>٣٥</sup> صُنْبِكَ مِنْ وَشَاقَ<sup>٣٦</sup>  
عَذْلِكَ، إِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا إِلَهِي - تَفْعَلْهُ بِسِنْ لَا يَجْحَدُ<sup>٣٧</sup> اسْتِعْفَاقَ  
عَوْبِيَّكَ، وَلَا يُبَرِّئُ<sup>٣٨</sup> نَفْسَهُ مِنْ اسْتِيَاجَبِ نَقْبَتِكَ.<sup>٣٩</sup>

(٥) تَفْعَلْ ذَلِكَ - يَا إِلَهِي - بِمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ طَعْمِهِ فِيكَ، وَبِمَنْ  
يَأْشَهُ مِنَ النَّجَاهَ أَوْ كَدَ<sup>٤٠</sup> مِنْ رَجَاهِهِ لِلْخَلاصِ، لَا أَنْ يَكُونَ يَأْشَهُ قُنْطَا<sup>٤١</sup>، أَوْ

فرموده است نجات ده و از حکم عادلانهات خلاصم کن، زیرا قدرت تحمل غصب تو در من نیست و طاقتمن در حد خشم تو نمی باشد؛ چراکه اگر به حق مرا مجازات فرمایی، هلاکم خواهی کرد و اگر بارحمت خود مرا پوشش ندهی، تباهم خواهی کرد.

(۳) خدایا، ای معبود من، چیزی را از تو می خواهم که بذل آن از خزانی تو نمی کاهد و پرداخت آن برای تو سخت نیست. معبودا، درخواست بخشش نفسی را از تو خواستارم که آن را چنان نیافریدهای تاز زشتی و بدی دوری گزیند و به سوی خیر و خوبی راهی گردد، بلکه برای اثبات قدرت به خلق امثال آن و به جهت آشکار نمودن قدرت خود بر ایجاد چنین موجودی، نفس را آفریدهای. گناهانی را به درگاهت عرضه داشته‌ام که مرا خسته کرده است و از تو کمک می طلبم در مورد آن چه که سنگینی آن مرا آزرده خاطر کرده است. پس بر محمد و آل محمد درود فrst و مرا به واسطه ظلمی که بر خود کردام ببخش و رحمت را عهده دار برداشتن بار سنگین گناه از دوش من بفرما، زیرا چه بسیار رحمت تو شامل گناه کاران و عفوتو شامل ظالمان گردیده است.

(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فrst و مرا اسوه و الگوی کسانی قرار ده که با عفو و گذشت خود از لغزش گاههای گناه کاران نجات شان داده‌ای و با توفیق خود از ورطه هلاکت مجرمان خلاص گردانده و آزاد شده عفو تو از دست اسارت خشم و سخط تو و رهاشده تو از گرو عدالت تو گردیده‌اند. ای معبود من، اگر چنین عفوی فرمایی، عفو تو به کسی تعلق گرفته که استحقاق عقوبت خود را نکار نکرده و خود را از نقمت و غصب تو ببری و دور نمی داند.

(۵) خدایا، نجات از لغزش گاههای ورطه‌های هلاکت از آن کسی است که خوف او بیش از طمع و یأس او فوق امید به خلاص است. بدان معنا که ناامید مغض نیست،

أَنْ يَكُونَ طَمْعًا أَغْتِرًا<sup>١</sup>، بَلْ لِقْلَةٌ حَسَنَاتِهِ بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ، وَضَغْفٌ حَجَّجِهِ  
 فِي جَمِيعِ تَبَاعَاتِهِ<sup>٢</sup>. فَأَمَا أَنْتَ - يَا إِلَهِي - فَأَهْلٌ أَنْ لَا يَغْتَرَ بِكَ الصُّدَّيقُونَ<sup>٣</sup>،  
 وَلَا يَنْتَسِ مِنْكَ الْمُغْرِبُونَ، لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْقَطِيْمُ الَّذِي لَا يَنْتَعُ أَحَدٌ أَفْضَلُهُ،  
 وَلَا يَسْتَقْصِي مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ<sup>٤</sup>. تَعَالَى ذِكْرُكَ عَنِ الْمَذْكُورِينَ، وَتَقَدَّسَتْ  
 أَسْمَاؤُكَ عَنِ الْمَتَشْوِيْنَ، وَنَقَثَتْ<sup>٥</sup> نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْمُخْلُوقِينَ، فَلَكَ الْحَمْدُ  
 عَلَى ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اگرچه طمع او هم غرور آفرین نمی‌بشد، بلکه به واسطه کمی حسنات و فروزنی بدی‌ها و ناتوانی در عذرخواهی از گناهان و بی‌آمدّهای آن است، ولی تو ای معبد من، کسی هستی که نه صدیقین در درگاهت به خوبی مغوراند و نه محروم‌مان مأیوس، زیرا تو پروردگار بزرگوار و عظیمی هستی که هیچ کس را از فضل خود منع نمی‌فرمایی و هرگز حق خود را از کسی استیفا نمی‌کنی. بلندای یاد تو از هر ذکری متعالی‌تر و نام‌های تو مقدس‌ترین اسمایی است که هیچ کس شایستگی آن را ندارد و نعمت تو در همه جا گسترده است؛ پس ستایش تو را است ای پروردگار جهانیان.

### واژه‌ها:

۱. واکر: بشکن.
۲. وازو: دور کن.
۳. مائم: گناه.
۴. حظرت: منع کرده‌ای.
۵. وانشه: بی حرمتی شده.
۶. حیزت علیه: بر او منع کرده‌ای.
۷. بظلامت: مظلمه من.
۸. قیله: نزد او.
۹. آلم متن: تحمل نموده.
۱۰. ادیر به: با خود برد.
۱۱. لانقه: آگاه نکن.
۱۲. لاتکنه: مفتضحش نکن.
۱۳. سمعت: عطاکردی.
۱۴. تبرّعث: به طور رایگان رواداشت.

۱۵. عرضی: مرا عرض بده.
۱۶. یسمد: خوش بخت شود.
۱۷. پنجو: خلاص شود.
۱۸. ذرک: نتیجه بده.
۱۹. فته: فوت شده.
۲۰. أرضه: او را راضی کن.
۲۱. أونه: او را عطا کن.
۲۲. فنی: مرانگهدار.
۲۳. لاستقل بستک: طاقت عذاب تو را ندارد.
۲۴. لا تنهض بسطک: توان غضب تو را ندارد.
۲۵. تکافنی: جزایم دهی.
۲۶. تفتدنی: مرانپوشانی.

|   |  |
|---|--|
| ۴۱. ورطات: هلاک‌ها.                       | ۷۷. تو بقی: مرا هلاک کنی.                            |
| ۴۲. طلیق: اسیر آزاد شده.                  | ۷۸. آسترهدک: از تو طلب غفو من کنم.                   |
| ۴۳. اسار: بند و زنجیر.                    | ۷۹. آستحلک: به دوش تو من گذارم.                      |
| ۴۴. عتیق: عبد آزاد شده.                   | ۸۰. لا یهلهک: برای تو سنگین نیست.                    |
| ۴۵. ونای: دست گیر.                        | ۸۱. لعترق بها الی اتفع: بدان وسیله به او اتفع رسانی. |
| ۴۶. لا یبحمد: انکار نمی‌کنند.             | ۸۲. اشناهها: او را ایجاد کردی.                       |
| ۴۷. لا یبری نesse: خود را بربی نمی‌داند.  | ۸۳. احتجاجاً بهما: او را وسیله برهان قرار دادی.      |
| ۴۸. نقصند: عذاب و سخط تو.                 | ۸۴. بهظی: خسته‌ام کرده.                              |
| ۴۹. اوکد: حتمی تو.                        | ۸۵. فدحنی: بر من سنگین است.                          |
| ۵۰. قنوطاً: یأس از رحمت خدا همراه با خوف. | ۸۶. وکل: وکیل کن.                                    |
| ۵۱. اغزار: بین خبری حاصل از غرور.         | ۸۷. باز: بار سنگین.                                  |
| ۵۲. تهات: عوارض و دنباله‌های ناهنجار.     | ۸۸. اسوة: رهبر - مورد اقتدا.                         |
| ۵۳. صدیق: ملازمت با راستین بودن.          | ۸۹. آنهضته: اقامه کردنی.                             |
| ۵۴. لا یستقصی حق: تمام حق را استینا نکند. | ۹۰. مصارع: محل‌های لغزش.                             |
| ۵۵. فشت: پخش شده.                         |  |



## دعاوه عند ذكر الموت

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَعَى إِلَيْهِ مَيْتَ، أَوْ ذَكَرَ الْمَوْتَ

(١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَكْفِنَا طُولَ الْأَمْلِ، وَقَصْرَهُ عَنَّا بِعِصْدِنِ  
الْعُقْلِ، حَتَّى لَا نُؤْمَلَ اشْتِسَامًا سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ، وَلَا اشْتِيفَاءً يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ،  
وَلَا اتَّصَالَ نَفَسٍ يَنْفَسُ، وَلَا لُحُوقَ قَدْمٍ يَقْدِمُ.

(٢) وَسَلَّنَا مِنْ غُرْوِرٍ، وَآمَنَا مِنْ شُرُورٍ، وَأَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا  
نَضْبًا، وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غَبَّاً.

(٣) وَاجْفَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَشْتَطِلُّ بِهِ مَعْنَى الصَّحِيرَ إِلَيْكَ،  
وَتَخْرِصُ لَهُ عَلَى وَشْكِ الْلَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْسَنَا  
الَّذِي نَأْشِيهِ، وَمَأْفَنَا الَّذِي نَشْتَاقُ إِلَيْهِ، وَحَامَتْنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْوَ  
مِنْهَا.

(٤) فَإِذَا أَوْزَدْتَهُ عَلَيْنَا وَأَنْزَلْتَهُ بِنَا، فَأَسْعِدْنَا<sup>١٣</sup> بِهِ زَائِرًا، وَآءِنْسَنَا<sup>١٤</sup> بِهِ  
قَادِمًا، وَلَا تُشْقِنَا بِضِيَافَتِهِ، وَلَا تُخْزِنَا<sup>١٥</sup> بِزِيَارَتِهِ، وَاجْفَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ  
مَغْفِرَتِكَ، وَمِفْتَاحًا<sup>١٦</sup> مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ.

## دعای چهلم

### دعا هنگام شنیدن خبر مرگ دیگران و گاه یادکرد مرگ

(۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ماراز گرفتاری‌های آرزوی دور و دراز بر حذر دار و از طریق اعمال صادقانه، آرزوهای مارا کوتاه فرم؛ به گونه‌ای که آرزویی برای ساعت‌های آینده و روزهای بعد، حتی نفس‌هایی که پس از این لحظه می‌کشیم، نداشته باشیم.

(۲) خداوندگارا، ماراز فریب آرزوی طولانی سالم و از شرور آن در امان بدار و پیوسته یاد مرگ را نصب العین ما قرار ده؛ به گونه‌ای که هر روز آن را یاد کنیم و هیچ گاه از یاد نبریم، نه آن که روزی به یاد آن باشیم و دیگر روز غفلت کنیم.

(۳) خداوندا، اعمال ما را آن چنان شایسته قرار ده که شوق بازگشت به سوی تو داشته باشیم؛ آن چنان که طی روزگار بسیار طولانی را مانع رسیدن به ثواب‌های تو بدانیم و برای زود رسیدن به تو کاملاً حریص باشیم؛ به گونه‌ای که ملاقات با تو را محور انس و الفت دانسته و با الشتیاق از آن استقبال نماییم و آن را نزدیک‌ترین چیزی بدانیم که دوست داریم به آن نزدیک شویم.

(۴) خدایا، هرگاه مرگ و رحلت به سوی خود را برای ما مقدار فرمودی، مارا به واسطه ملاقات با آن خوش‌بخت و به هنگام ورود آن بر ما، مارا با آن مأнос گردان و کاری کن که هرگز در میهمانی آن روز به ماسخت نگذرد و به هنگام حضور آن، گرفتار نگردیم، بلکه مرگ را برای ما، دری از درهای گشوده مغفرت و کلید خزان رحمت فرار ده.

(٥) أَيْشَا مُهْتَدِينَ "غَيْرُ صَالِينَ" ، طَائِعَينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا مُصْرِّينَ، يَا ضَارِمَنَ جَزَاءُ الْمُخْسِنِينَ، وَمُسْتَضْلِعَ "عَمَلُ الْفُسِيلِينَ.

(۵) خدایا، مارادر حالی که از گمراهمی نجات یافته‌ایم بعیران و زمانی که در سلک اطاعت تو باشیم، در حالی که توبه کرده و به گناهان اصراری نداریم، به سوی خود دعوت فرما. ای کسی که اعمال نیکوکاران را ضمانت فرموده‌ای و عمل مفسدان را اصلاح می‌فرمایی.

### واژه‌ها:

۱. قصره: کوتاه کن او را.
۲. لا نوغل: آرزو نکنیم.
۳. استام: طی شدن و تمام شدن.
۴. استفاه: به دست آوردن.
۵. وانصب: در مقابل ما قرار بده.
۶. نشانیلی: کلید.
۷. نحرص: حریص باشیم.
۸. وشکه: سرعت.
۹. مائس: محل انس.
۱۰. مائف: جای الفت.
۱۱. نشاق: مشتاق باشیم.



دعاوه في طلب السُّتر و الوقاية

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَلْبِ السُّرُورِ وَالْوُقَايَةِ

(١) اللَّهُمَّ صُلْ عَلَى مُعَيْدٍ وَآلِهِ، وَأَفْرِشْنِي<sup>١</sup> مِهَادِ كَرَامِتِكَ، وَأَوْرِذْنِي  
مَشَارِعَ رَحْمَتِكَ، وَأَخْلِبْنِي<sup>٢</sup> بِعَبْوَحةَ جَنَّتِكَ، وَلَا تُسْمِنْنِي<sup>٣</sup> بِالرَّدُّ عَنْكَ، وَ  
لَا تَخْرُقْنِي، بِالْغَنْتَةِ مِنْكَ.

(٢) وَلَا تُفَاظِنِي<sup>٧</sup> بِمَا اجْتَرَحْتُ، وَلَا تُنَاقِشِنِي<sup>٨</sup> بِمَا اكْسَبَتُ، وَلَا تُثْرِزْ<sup>٩</sup>  
مَكْتُومِي<sup>١٠</sup>، وَلَا تُكْشِفْ مَسْتُورِي، وَلَا تُغْيِّلْ عَلَى مِيزَانِ<sup>١١</sup> الْإِنْصَافِ عَمَلي،  
وَلَا تُغْلِّنْ عَلَى عَيْنَنِ النَّلَاءِ<sup>١٢</sup> حَبْرِي.

(٣) أَخْفِ عَنْهُمْ مَا يَكُونُ نَسْرَةً<sup>١٦</sup> عَلَيَّ عَارًّا<sup>١٥</sup>، وَاطْرُ<sup>١٧</sup> عَنْهُمْ مَا يُلْحِقُنِي  
عِنْدَكَ شَنَارًا<sup>١٨</sup>

(٤) شُرُفْ ذَرْجَتِي بِرِضْوَانِكَ، وَأَكْمَلْ كَرَامَتِي بِغَفْرَانِكَ، وَأَنْظَفْنِي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَجَهَنَّمَ<sup>١٨</sup> فِي مَسَالِكِ الْآمِنِينَ<sup>١٩</sup>، وَاجْعَلْنِي فِي فَرْجِ<sup>٢٠</sup>  
الْفَائِزِينَ<sup>٢١</sup>، وَاعْمَزْ بِي<sup>٢٢</sup> مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ، آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ:

## دعای چهل و یکم

### درخواست پوزش و نگاهداری

(۱) خداوندا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و مرا در مهد امن و امان کرامت خود جای گزین فرما و به سوی راههای رحمت رهسپار ساز و در وسط بهشت جای ده و باخواری و اهانت مرا از درگاهت مران و در نومیدی و حرمان قرار مده.

(۲) خدایا، مرا به واسطه کارهای ناپسند قصاصن مکن و از کارهایم دقیق حساب رسی مفرما و اسرارم را فاش و سرّم را آشکارا منما و هرگز در سنجش اعمال بامن باعدل رفتار منما و خبرهایم را در دید بزرگان و پیشوایان مردم آشکار مفرما.

(۳) خدایا، آن چه را که موجب عار و ننگ من است از دید بزرگان و پیشوایان مخفی بدار و قبیح ترین کردارهایم را مستور بفرما.

(۴) خدایا، درجه و پایه ایمانی ام را به سبب رضا و خشنودی خود شرافت مند و بلند مرتبه گردان و به غفران خود مرا گرامی بدار و در سلک اصحاب یمین جای ده و در راه و خط کسانی که در امن و امان تو هستند رهسپار ساز و در گروه رستگاران راه ده و توفیق پیوستن به محفل صالحان را نصیبیم فرما. اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

واژه‌ها:

۱۲. میزان: ترازو.
۱۳. ملاه: در جماعت بزرگان.
۱۴. نشر: پخش کردن.
۱۵. عار: ننگ.
۱۶. واطر: کشان نکن.
۱۷. شناز: بدترین عیب.
۱۸. وجهن: رهپارم کن.
۱۹. آمنن: آنان که در امن هستند.
۲۰. فوج: دسته.
۲۱. فائزین: رستگاران.
۲۲. واعصرین: مرا آباد کن.
۱. وأغْرِيشْنِي: برای من بگستران.
۲. مهاد: بستر کرامت.
۳. مشارع: راههای عبور.
۴. واحطلى: مراجای ده.
۵. بهبوده: وسط.
۶. لاتَسْنِي: به من اهانت مکن.
۷. ولا تفاصُّنِي: از من تقاض مگیر.
۸. اجهزَحْتُ: به دست آوردم.
۹. لا تلتَقْشُنِي: به حساب من به دقت منگر.
۱۰. ولا تبرَز: ظاهر مکن.
۱۱. مكتوم: پوشیده.



دعاوه عند ختم القرآن

وَكَانَ مِنْ دُعَايِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ

(١) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْشَتَنِي<sup>١</sup> عَلَى حَشْمِ كِتَابِ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًاً وَجَعَلْتَهُ مُهْتَمِنًا<sup>٢</sup> عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ فَصَصْطَهُ.

(٢) وَفُرْقَانًاٌ فَرَقْتَ يَهُوَنَّ خَلَالِكَ وَخَرَامِكَ، وَفُرْقَانًاٌ أَغْرَبْتَ<sup>٤</sup> يَهُوَنَّ  
شَرَائِعَ أَخْكَامِكَ، وَكِتَابًاٌ فَصَلَّتُ لِيَبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَخَيَاٌ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَسِيلَكَ  
مُحَمَّدًا - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - تَبَّأْلًا.

(٣) وَجَعَلْتُهُ نُورًا هَنْتَدِي مِنْ ظُلُمِ الْضَّلَالَةِ وَالْجَهَالَةِ يَاتِبَاعِهِ، وَشَفَاءً لِمَنْ أَنْصَطَ بِنَفْحَمِ التَّضْدِيقِ إِلَى اسْتِعْمَاعِهِ، وَمِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَعِيْفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانَهُ، وَنُورًا هَدِيًّا لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ<sup>٨</sup>، وَعَلَمَ نَجَاهَةً لَا يَغْصُلُ مِنْ أَمَّ<sup>٩</sup> قَضَدَ سُتْرَهُ<sup>١٠</sup>، وَلَا تَنَالُ أَنْدَيِ الْهَكَاتِ مِنْ تَعْلُقٍ بِعَزْوَةٍ<sup>١١</sup> عِصْمَتِهِ.

(٤) اللَّهُمَّ فِإِذَا أَفْدَنَا الْمَعْوَنَةَ<sup>١٢</sup> عَلَى تِلْوِيْتِهِ، وَسَهَّلْتْ جَوَاسِيَّ<sup>١٣</sup> أَسْبِيْتِنَا  
يُعْسِنْ عَبْنَارِيْهِ، فَاجْعَلْنَا مِنْ يَرْعَاهُ<sup>١٤</sup> حَقِّ رِعَايَتِهِ، وَيَدِيْنِ لَكَ بِسَاعِقَتَادِ  
الشَّنْلِيمِ لِمُخْكَمِ آيَاتِهِ، وَيَغْرِيْعَ<sup>١٥</sup> إِلَى الْأَقْرَارِ بِمُشَاهِيْهِ<sup>١٦</sup> وَمُوضَحَاتِ<sup>١٧</sup> بَيْتَانِيْهِ<sup>١٨</sup>.

## دعای چهل و دوم

### دعای ختم قرآن

(۱) خدایا، تو مرا باری کردی که قرآن را ختم کنم؛ همان نوری که تو فررو فرموده‌ای و بر هر کتابی که نازل فرموده‌ای، تفوق دارد و بر هر حدیثی که نقل فرموده‌ای، برتری داده‌ای.

(۲) این قرآن جدا کننده حق و باطل است و حرام و حلال را بیان می‌کند و از احکام و شرایع تو پرده برداشته است، کتابی که به طور تفصیل بر بندگانت روشن ساخته و بر پیامبر گرامی ات حضرت محمد - درودهای تو بر او و خاندان او - نازل فرموده‌ای.

(۳) این قرآن نوری است که تاریکی‌های گمراهی و جهالت‌ها با تبعیت و پیروی از آن روشن می‌گردد و برای کسی که بدان گوش فراداده و آن را فهم کند، مایه شفا و بهبودی می‌باشد و میزان عدالتی است که زبانش از حق تجاوز نمی‌کند و نور هدایتی است که نور و برهان خود را از شاهدان پنهان نمی‌دارد و پرچم نجاتی است که اگر کسی به شیوه آن اقتدا و از آن پیروی کند، هرگز گمراه نمی‌شود و دست هلاکت به دامن کسی که به دست گیره محکم آن دست زند، نمی‌رسد.

(۴) خدایا، اکنون که به ما کمک کردی تا قرآن را تلاوت کنیم و لکنت زبان ما را با فصاحت کتابت جبران فرمودی، کرامت دیگر فرمایه که جانب قرآن را رعایت کنیم و قلب ما به آیات استوار و محکم آن معتقد و به مشابهات آن معترف باشد.

(٥) اللهم إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَىٰنِي مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مُجْمِلاً "،  
وَاللَّهُمَّ عِلْمٌ عَجَابِيهِ مُكَمَّلًا "، وَرَأَيْتَنَا عِلْمَهُ مُفْسَرًا، وَفَضَّلْتَنَا عَلَىٰ مَنْ  
جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوْيَتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطْلَعْ حَمْلَهُ ".

(٦) اللهم فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمْلَهُ، وَعَرَفْنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ،  
فَصَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ يَدِهِ، وَعَلَىٰ آلِهِ الْغُرَازِ "لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ يَقْتَرَفُ  
بِإِيمَانِهِ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لا يُعَارِضَنَا الشَّكُّ فِي تَضْدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِفَنَا "الرَّبِيعُ "،  
عَنْ قَضِيَّةِ طَرِيقِهِ ".

(٧) اللهم صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ يَسْتَعْتِصِمُ "بِحَبْلِهِ "،  
وَيَأْوِي "مِنَ الْمُشَائِبَاتِ إِلَى حِزْبِ "مَقْبِلِهِ "، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ "،  
وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاجِهِ "، وَيَقْتَدِي بِتَبَلُّجِ "إِسْفَارِهِ "، وَيَسْتَعْتِصِمُ بِمَضَاجِهِ "،  
وَلَا يَنْتَشِسُ "الْهُدَى فِي غَيْرِهِ .

(٨) اللهم وَكَمَا نَصَبْتَ "يَهُ مُحَمَّداً عَلَمًا لِلَّدَلَالَةِ عَنِّيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ  
سُبْلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا  
إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكَرَامَةِ، وَشَلَّماً "نَعْرُجُ "فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبِّيَا  
نَعْزِرِي بِهِ التَّجَاهَ فِي عَزَّاصَةِ الْقِيَامَةِ، وَذَرِيعَةً "نَسْدُمُ بِهَا عَلَىٰ نَعِيمِ دَارِ  
الْمَقَامَةِ ".

(٩) اللهم صَلَّى عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْطُطْ "بِالْقُرْآنِ عَنَّا يَقْلِلُ الْأَوْزَارِ "، وَ  
هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ "الْأَبْرَارِ، وَاقْفُ بِنَا آثارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آنَاءَ "اللَّيْلِ  
وَأَطْرَافَ النَّهَارِ، حَتَّى تُطْهِرَنَا مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ "بِتَطْهِيرِهِ، وَتَفْقُرَنَا "آثارَ الَّذِينَ

(۵) خدایا، تو قرآن را برابر پیامبرت به طور اجمال نازل کردی، سپس عجایب قرآن را به طور مفصل برای او بیان نمودی و علم آن را همراه با تفسیرش به ارث ماهل بیست گذاری و مارا برابر جاهلان به قرآن برتری داده و به فهم قرآن مسلط نمودی تاب آن به کسانی که تاب تحمل آن را ندارند، برتری و شرافت داشته باشیم.

(۶) خدایا، همان طور که دل های ما را ظرف قرآن قرار دادی و برتری آن را به ما فهمانندی، پس درود خود را برابر پیامبری که قرآن را بازگو نمود و بر خاندان او که خازن آن هستند، نازل فرما و مارا از کسانی قرار ده که می دانند قرآن از نزد تو فرو فرستاده شده است، تا هرگز در دل خود در تصدیق آن شک و دودلی به خود راه ندهیم و در پیمودن راه آن کمترین وسوسه ای در وجود مانباشد.

(۷) خدایا، بر پیامبر اکرم و خاندان او درود فرست و مارا از کسانی قرار ده که به رشتة قرآن دست زده و از مشتباہات قرآن به محکمات آن راه یافته و در سایه قدرت فوق العاده آن آرمیده و به راه روشن صبح آن راه یافته و به درخشش روشنایی آن اقتدا جسته و تاریکی ها را با روشنی چراغ هدایتش روشن کرده اند و هرگز به دیگری محتاج نیستند تاراه را از آنها جویا شوند.

(۸) خدایا همان طور که پیامبرت را اسوه و الگو برای هدایت بشر به سوی خبود قراردادی و طریق خشنودی خود را از طریق اهل بیت او، باز و روشن نمودی، پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و قرآن را وسیله صعود مابه منازل کرامت و نزدبانی برای عروج به حرم سلامت و امان قرار ده و نیز آن را مایه رستگاری مادر عرصه قیامت و نیز وسیله ای قرار ده که با آن در سرای ابدی به نعمت های بی بیان آن نایل گردیم.

(۹) خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست و سنگینی گناهان را از دوش ها بردار و بهترین خلق و خوی نیکوکاران را به ما عطا کن و مارا به راه کسانی رهمنون ساز که در طول شبانه روز به قرآن عمل می کنند، تا آن که از هر گونه پلیدی پاک گردیم

اشضاوا بثوره، وَلَمْ يُلْهِمُ<sup>١٦</sup> الْأَعْلَمُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَنْطَعِهِمْ بِخَدْعٍ<sup>١٧</sup>  
غُرُوره.

(١٠) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظُلْمِ الظَّالِمِي  
مُؤْسِأً، وَمِنْ نَرَغَاتِ<sup>١٨</sup> الشَّيْطَانِ، وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا<sup>١٩</sup>، وَلَا قَدَامِنَا  
عَنْ نَقْلِهَا إِلَى الْمُعَاصِي حَارِسًا<sup>٢٠</sup>، وَلَا تُسْتَبِّنَ عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ  
مَا آفَيْهَا مُخْرِسًا<sup>٢١</sup>، وَلِجَوَارِ حَنَاءِنَ افْتِرَافِ الْأَنَامِ زَاجِرًا<sup>٢٢</sup>، وَلِمَا طَوَّتِ<sup>٢٣</sup> الْفَقْلَةُ  
عَنَّا مِنْ تَصْفُحٍ<sup>٢٤</sup> الْأَغْيَارِ نَاهِرًا، حَتَّى تُوْصِلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهُمْ عَجَانِيَّةٌ، وَ  
زَوَاجِرٌ<sup>٢٥</sup> أَشْتَالِهِ الَّتِي ضَعَفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِيُّ<sup>٢٦</sup> عَلَى صَلَابِهَا<sup>٢٧</sup> عَنِ الْخِيَالِيَّةِ.  
(١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأُوذِمْ<sup>٢٨</sup> بِالْقُرْآنِ صَلَاحُ ظَاهِرِنَا،  
وَاجْعُبْ<sup>٢٩</sup> بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ<sup>٣٠</sup> عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا<sup>٣١</sup>، وَاغْسِلْ<sup>٣٢</sup> بِهِ دَرَنَ<sup>٣٣</sup>  
قُلُوبِنَا وَعَلَاقَتِ أَذْارِنَا<sup>٣٤</sup>، وَاجْعُنْ<sup>٣٥</sup> بِهِ مُشَتَّرِ أُمُورِنَا، وَأَزوِ<sup>٣٦</sup> بِهِ فِي مَوْقِفِ  
الْعَوْضِ عَلَيْكَ ظَمَاءً<sup>٣٧</sup> هَوَاجِرِنَا<sup>٣٨</sup>، وَأَكْسُنَا<sup>٣٩</sup> بِهِ حَلَلًّا<sup>٤٠</sup> الْأَمَانِ يَوْمَ الْقِرْعَ الْأَكْبَرِ  
فِي نُشُورِنَا<sup>٤١</sup>.

(١٢) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبِرْ<sup>٤٢</sup> بِالْقُرْآنِ حَلَّشَا<sup>٤٣</sup> مِنْ عَدَمِ  
الْإِلْهَاقِ<sup>٤٤</sup>، وَسُقِّ<sup>٤٥</sup> إِلَيْنَا بِهِ رَغْدَ الْغَنِيشِ<sup>٤٦</sup> وَخُضْبَ سَعْةِ الْأَرْزَاقِ، وَجَبَّنَا بِهِ  
الضَّرَائِبَ<sup>٤٧</sup> الْمَذْمُومَةَ وَمَدَانِيَ<sup>٤٨</sup> الْأَخْلَاقِ، وَاغْصِنَا بِهِ مِنْ هُرَّةَ<sup>٤٩</sup> الْكُفْرِ  
وَدَوَاعِي النَّفَاقِ، حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ قَائِدًا<sup>٥٠</sup>، وَ  
لَنَا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُخْطِكَ وَتَعَدُّ دُحُودِكَ ذَائِدًا<sup>٥١</sup>، وَلِمَا عَنَدَكَ بِتَخْلِيلِ حَلَالِهِ  
وَتَخْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا.

و ما را در راه کسانی قرار ده که به نور قرآن نورانی هستند و هرگز آرزوهای دور و دراز آنان را از عمل کردن باز نمی دارد و آرزوهای طولانی با مکر و فربیت مخصوص خود، راه را بر آنان نمی بندد.

(۱۰) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و قرآن را مونس ما در تاریکی های شب قرار ده و از تبه کاری ها و خاطرات بد شیطانی نگاه دار و قدم های ما را باز دار که مبادا به سمت گناهان حرکت کند و زبان ما را چنان کن که در باطل سخن نراند بدون آن که بر زبان ماگزندی وارد شود و اندام های ظاهری ما را از فرو رفتن در معاصی باز دار و پیچیدگی های غفلت را که موجب منع عبرت گیری می شود، از ما دور کن تا این که دلها عجایب قرآن را بفهمد و احکام باز دار نهاده آن که کوه های سخت و استوار از پذیرش آن ایا ورزیدند، فرا گیرد.

(۱۱) خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و پیوسته ظاهر ما را به وسیله قرآن شایسته گردان و با قرآن، خطر و سوء هارا از صفحه دل ما پاک کن و آلو گی های آن را شست و شو ده و از واپستگی به گناهان محفوظ بدار و پراکنده گی های میان را با آن جمع فرما در عطش قیامت، دل های میان را با آن سیراب کن و زینت امن و امان را در روز هراس اکبر به مابپوشان.

(۱۲) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و نقصان و فقر ما را با قرآن جبران و شیرینی زندگی و وسعت رزق را به ما کرامت فرما و از خوی های مذموم و اخلاق پست دور بدار و به وسیله قرآن ما را از دره عمیق و هولناک کفر و انگیزه های نفاق نجات ده، تادر روز قیامت به سوی خشنودی تو و بهشت برین رهنمون گردیم و نیز ما را با قرآن در دنیا از ناخشنودی و خشم خود و تعدی و تجاوز به احکام دین باز دار و به احکام حلال و حرام پایدار بدار.

(١٣) اللهم صل على محمد وآلية، وهون بالقرآن عنده الموت على أفسينا كرب السياق، وجهنم الآلين، وترادف الخشاريج إذا بلقت التلعرش الشراقي، وقيل من راقي وتجلى ملك الموت ليقبضها من حجب الغريب، ورمماها عن قوس النهايا يأشهم وخشية الفراق، وداف لها من دعاع الميت كأساً مشحونة الفداق، ودنا مثنا إلى الآخرة رحيل وانطلاق، وصارت الأعمال قلائد في الأغناق، وكانت القبور هي النأوى إلى ميقات يوم الثلاقي.<sup>١</sup>

(١٤) اللهم صل على محمد وآلية، وبارك لنا في حلول دار البدىء، وطوي المقاومة بين أطباق الشري، واجعل القبور ينعد فراق الدنيا خير متاز لنا، وأفسخ لتنا بزختيك في ضيق ملاجينا<sup>٢</sup>، ولا تفضخنا في حاضري القيمة بموقبات<sup>٣</sup> آماننا.

(١٥) وازخم بالقرآن في موقف الفرض علينا ذل مقامنا، وثبت به عنده اضطراب جسراً جهنم يوم المجاز علينا زلل<sup>٤</sup> أقدامنا، ونؤز به قبل البث شدف<sup>٥</sup> قبورنا، ونجنا به من كل كرب يوم القيمة وشدائيد أحوال يوم الطامة<sup>٦</sup>.

(١٦) وبغض وجوهنا يوم تشود وجوه الظلمة في يوم الحشرة والندامة، واجعل لنا في صدور المؤمنين ودا<sup>٧</sup>، ولا تجعل الحياة علينا نكدا<sup>٨</sup>.

(١٧) اللهم صل على محمد عبديك ورسولك كما بلغ رسالتك، وصدع<sup>٩</sup> بأمرك، ونصح لعبادك.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به واسطه قرآن گرفتاری مرگ را هنگام جان دادن بر ما آسان گردان و نیز مشقت فراوانی را که همراه ناله و صدایی که دچار مشکل گرفتگی حنجره شده و به سختی شنیده می شود و آن گاه که جان به گلو می رسد و یاران میت می گویند چه کسی او را با خود برد؟ و فرشته مرگ از پس غیب آشکار می شود و او را با تیرهای وحشت زای فراق از کمان مرگ می زند و کاسه زهر آگین مرگ را نزدیک می سازد و او را از دنیا دور و به آخرت نزدیک می کند، در حالی که کردارهای او بر گردنش آویخته شده و در گرو قبر قرار گرفته و تا قیامت اسیر می گردد، بر ما آسان گردان.

(۱۴) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و خانه ویران و کهنه قبر را برای ما مبارک فرم او به طول اقامت مادر لایه لای خاک ها تفضل کن و قبر را پس از فراق دنیا منزل خوشی ما قرار ده و ما را از تنگی لحد نجات داده و در قیامت در بین افراد حاضر در آن عرصه رسوانگر دان.

(۱۵) خدایا، به واسطه قرآن در آن لحظه که به حساب ایستاده ایم، به بیچارگی ایستادن مارحم کن و آن گاه که از پل دوزخ عبور می کنیم و مضطرب هستیم و قدمها لرزان است، ترجم بفرما و قبل از انگیزش روز قیامت، تاریکی قبور ما را روشن کن و از سختی های روز قیامت و احوال آن نجات بخش.

(۱۶) پروردگارا، ما را رospید و آبرومند قرار ده آن گاه که تبه کاران روسیاه و شرم زده می گردند، در روزی که هنگام حسرت و ندامت است و دوستی ما را در دل مؤمنان جای ده و هرگز زندگی را بر ماسخت و مشکل مگردان.

(۱۷) خدایا، بر حضرت محمد که بر ترین بندگان و کامل ترین رسولان تو بود، درود فرست؛ چنان که او رسالت تو را ابلاغ و فرمان تو را آشکارا اعلام فرمود و ناصحانه بندگانت را به سوی تو دعوت کرد.

(١٨) اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شَفِيعًا - صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَأَنْكَحْتَهُمْ مِنْكَ شَفاعةً، وَأَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَأَزْجَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا.

(١٩) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِفِ بُشِّيَّانَهُ، وَعَظَمِ بُرْهَانَهُ<sup>١٠٣</sup>، وَتَقْلِيلِ مِيزَانَهُ، وَتَقْبِلِ شَفاعةَهُ، وَقُرْبِ وَسِيلَتَهُ، وَبَيْضِ وَجْهَهُ، وَأَنَّمَّ نُورُهُ، وَازْفَعْ دَرَجَتَهُ.

(٢٠) وَأَخْيَنَا عَلَى سُبْئِيَّهُ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مَلَيَّهُ، وَهُذِّبَنَا مِنْهَا جَهَّةً<sup>١٠٤</sup>، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاخْشُنَا فِي رُمْرَيْهِ، وَأُورِذَنَا حَوْضَهُ، وَاشْتَاقَنَا بِكَائِسِهِ.

(٢١) وَصَلُّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةً تُبَلَّغُ بِهَا أَفْضَلُ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَفَضْلٌ كَرِيمٌ.

(٢٢) اللَّهُمَّ اجْزِءْ<sup>١٠٥</sup> بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَاتِكَ، وَأُدْئِ<sup>١٠٦</sup> مِنْ آيَاتِكَ، وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَخْدَأَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبَينَ، وَأَنْبَيْتَكَ الْمُزَسَّلِينَ الْمُضْطَفَنَينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

(۱۸) خداوند، پیامبر ما را در روز قیامت مقرب ترین پیامبران قرار ده و در شفاعت از امت مقبول ترین شافعان بگردان و در قدر و منزلت در بالاترین مرتبه جای ده.

(۱۹) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست و شرافت بنیاد او را بیشتر و بر هاش را آشکار تر و میزان حسناتش را سنجین و شفاعت او را پذیرفته تر و ابزار پیشرفت او را کاراتر بنما و آبرویش را بیشتر و نورانیتش را تمام تر و درجه اش را رفیع تر و متعالی تر بگردان.

(۲۰) خدایا، نظام زندگی ما را بر اساس شیوه زندگی او قرار ده و ما را بر طریقه او بیامن و روش زندگی ما را در پیروی از روش او قرار ده و ما را جزو اطاعت کنندگان از او و در زمرة آن بزرگوار قرار ده و در قیامت در کنار حوض کوثر، ما را به او ملحق نماؤ از دست وی سیراب گردان.

(۲۱) خدایا، بر پیامبر و خاندان او درود فرست؛ درودی که با آن بالاترین آرزو های آن پیامبر بزرگ را از معدن خیر و فضلت عطا کنی، زیرا تو دارای رحمت گسترده و فضل بسیار می باشی.

(۲۲) خدایا، بهترین پاداش که به ملائکه و پیامبران و فرستادگان برگزیده ات عطا کرده ای، برای رساندن رسالت به پیامبرت کرامت کن، زیرا او بندگانی را نصیحت کرد و در راه تو کوشش بسیار نمود و در راه تو کوشید. سلام، رحمت و برکات خدا بر او و بر خاندان پاک و پاکیزاش.

**واژه‌ها:**

۱. آعشی: کمک کردی.
۲. مُهیمنا: رقیب مسلط.
۳. فرقان: نام قرآن (فارق بین حق و باطل).
۴. اعریث: واضح فرمودی.
۵. آنست: سکوت با استماع.
۶. لا یعیف: مایل نشود.
۷. لا یطیفنا: خاموش نشود.
۸. برهانه: دلیلش.
۹. آنقدر: قصد کند.
۱۰. ست: طریقه.
۱۱. عروة: دستگیره.
۱۲. العونه: کمک.
۱۳. جواس: خشکی و غلظت.
۱۴. بر عاده: رعایتش می‌کند.
۱۵. بفع: پناهنده شود.
۱۶. مشابه: شبیه به هم.
۱۷. مرضحات: توضیح دهنده‌ها.
۱۸. بیهات: دلایل روشن.
۱۹. مجملأ: سربسته.
۲۰. مکنلاً: به طور کامل.
۲۱. حملة: حاملان.
۲۲. هُرَّان: خزانه داران.

۴۵. آناء: لحظات.  
 ۴۶. دنس: چرک.  
 ۴۷. تغزیتا: ما را تابع گردان.  
 ۴۸. گلههم: آنان را باز می دارد.  
 ۴۹. خد: خددهها.  
 ۵۰. نزفات: وسوسه های شرم.  
 ۵۱. حارسأ: نگهبان.  
 ۵۲. حابس: مانع.  
 ۵۳. مغرسأ: زبان بسته.  
 ۵۴. زاجرأ: بی رغبت.  
 ۵۵. طوت: نگه می دارد.  
 ۵۶. تصفع: جست و جو.  
 ۵۷. زواجر: مانع ها.  
 ۵۸. رواسی: ثابت ها.  
 ۵۹. صلات: سخن.  
 ۶۰. ا OEM: دائم بدار.  
 ۶۱. وساوس: وسوسه ها.  
 ۶۲. حسائز: قلب ها.  
 ۶۳. دین: چرک.  
 ۶۴. اوزار: گناهان.  
 ۶۵. ایزو: سیراب کن.  
 ۶۶. ظهأ: تشنجی.  
 ۶۷. هواجر: شدت حرارت.

۶۸. واکتا: ما را پوشان.  
 ۶۹. حُلُّ: زیست ها.  
 ۷۰. نشور: میعوث شدن.  
 ۷۱. خَتَّا: حاجت ما.  
 ۷۲. إِمْلَاق: فقر.  
 ۷۳. رَغْدُ الْعَيْش: روزی واسع.  
 ۷۴. ضرائب: طبیعت ها.  
 ۷۵. مدائی: بستی ها.  
 ۷۶. هُرَّة: حفره.  
 ۷۷. قائد: پیشو.  
 ۷۸. ذالد: مانع.  
 ۷۹. هُرَّن: سبک گردن.  
 ۸۰. جهد: مشقت.  
 ۸۱. آئین: ناله از مرض.  
 ۸۲. خشارج: صدای گلوگیر دم مرگ.  
 ۸۳. تراقی: استخوان بالای سینه.  
 ۸۴. من راق: کیست نجات دهنده.  
 ۸۵. هنایا: مرگ ها.  
 ۸۶. داف: رطوبت پیدا کند.  
 ۸۷. دُعَاف: سُمَّ.  
 ۸۸. مسرومة المذاق: طعم مسموم.  
 ۸۹. رحیل: کرج کردن.  
 ۹۰. قلائد: قلاده ها.

٩٩. الطامة: غالب و قاهر.

١٠٠. وَشَدَّتْ محبت.

١٠١. نکدا: سخت و مشکل.

١٠٢. صدع: اظهار داشت و دفاع کرد.

١٠٣. برهان: استدلال.

١٠٤. منهاج: طریق.

١٠٥. آجزه: جزایش ده.

١٠٦. آذی: ادا کرد.

٩١. يوم التلاق: روز ملاقات.

٩٢. دارالبلى: خانه قبر.

٩٣.طبقات النرى: طبقه های خاک.

٩٤. واسع: بگشا.

٩٥. ملاحد: لحدها.

٩٦. موبقات: هلاک کنندها.

٩٧. زلل: لغزش ها.

٩٨. سدف: ظلمت و غم و حزن.



## دعاوه إذا نظر إلى الهلال

وكان من دعائيه عليه السلام إذا نظر إلى الهلال

- (١) أليها الخلائق الطبيع، الذائبُ السريع، المترددُ في متازل الشفديين،  
المتصروفُ في فلك التذبيح، آمنتُ بسن سوريك الظلّم، وأوضحت بذكـ  
النـبـمـ، وجعلـكـ آيةـ من آيات ملـكـيـ، وـ عـلـامـةـ من عـلـامـاتـ سـلـطـانـيـ، وـ  
اشـتـهـىـكـ بـالـزـيـادـةـ وـالـتـصـانـ، وـالـطـلـوعـ وـالـأـفـولـ، وـالـإـنـارـةـ وـالـكـشـوفـ،  
فيـ كـلـ ذـلـكـ أـنـتـ لـهـ مـطـبـعـ، وـإـنـ إـرـادـتـهـ سـرـيعـ. سـبـحـانـهـ ماـأـعـجـبـ مـاـدـبـرـ (١ـ)ـ فيـ  
أـمـرـكـ، وـأـلـفـ مـاـصـنـعـ فـيـ شـائـكـ! جـعـلـكـ مـفـاتـخـ شـفـرـ حـادـثـ لـأـمـرـ خـادـثـ.  
(٢) فـأـسـأـلـ اللـهـ رـبـيـ وـرـبـكـ، وـخـالـقـكـ، وـمـقـدـرـكـ، وـ مـقـدـرـكـ، وـ  
مـصـوـرـكـ، وـمـصـوـرـكـ: أـنـ يـصـلـيـ عـلـىـ مـعـمـدـ وـآلـهـ، وـأـنـ يـجـعـلـكـ هـلـالـ بـرـكـةـ  
لـاتـخـفـقـهـاـ (٢ـ)ـ الـأـيـامـ، وـ طـهـارـةـ لـاـ تـدـنـسـهـاـ (٣ـ)ـ الـأـيـامـ؛ هـلـالـ أـمـنـ مـنـ الـأـفـاتـ، وـ  
سـلـامـةـ مـنـ السـيـئـاتـ، هـلـالـ سـغـيدـ (٤ـ)ـ لـاـ تـخـسـ فـيـهـ، وـ يـسـرـ (٥ـ)ـ لـاـ تـكـدـ (٦ـ)ـ مـقـدـ، وـ يـسـرـ (٧ـ)  
لـاـ يـمـارـجـهـ (٨ـ)ـ عـشـرـ (٩ـ)، وـ خـيـرـ لـاـ يـشـوـهـ (١٠ـ)ـ شـرـ، هـلـالـ أـمـنـ وـ إـيمـانـ وـ بـسـمـةـ وـ  
إـخـسانـ وـ سـلـامـةـ وـ إـسـلامـ.

## دعای چهل و سوم

### دعا هنگام رؤیت هلال

(۱) ای آفرینده فرمانبر که طبیعت تو بر سرعت و تردد در جایگاه‌های است که برای تو تقدیر شده است و همواره در فلک تدبیر در چرخش بوده‌ای. من به خدایی که تاریکی‌ها را با نور تو روشن و راه‌های تیره و تار را روشن ساخته و تو را از نشانه‌های اقتدار و نشانه‌های سلطنت خویش قرار داد، ایمان آورده‌ام؛ همان خدایی که تو را بازیاده و نقصان و طلوع و افول و روشنی و تیرگی به خدمت گرفت و تو در این همه، باشتای از اراده او فرمانبری می‌کنی. پاک‌آخدا و چه شگفت است تدبیری که در کار تو فرموده‌ا و چه لطیف است آن چه درباره تو کرده است! هم او که تو را کلید شروع و پیدایش هر ماه و ظهر پدیده‌ای تو قرار داده است.

(۲) پس، از خدای خود و تو و آفریننده خود و تو و تقدیرکننده خود و تو و چهره نگار خود و تو، درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و هلال تو شروع برکتی باشد که ایام نابودش نکند و موجب طهارتی گردد که آلوده به گناه نشود و آن چنان هلالی باشد که روزهای آن از آفات در امان و از بدی‌ها سلامت باشد و همراه سعادت بدون نحسی و میمنت بدون سختی و سهولت بدون مشقت و خیری که از شر دور باشد و شروع ماه، نور بخشی امن و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام و ایمان باشد.

(٣) اللهم صل على محمد وآلـه، واغفـلـا من أذـضـنـ من طـلـعـ عـلـيـهـ "، وـ أـذـكـنـ من نـظـرـ إـلـيـهـ، وـ أـشـعـدـ " من تـعـبـدـ لـكـ فـيـهـ، وـ وـقـنـاـ فـيـهـ لـلـتـزـيـةـ، وـ اـغـصـنـاـ فـيـهـ مـنـ الـحـزـيـةـ "، وـ اـخـفـطـنـاـ فـيـهـ مـنـ مـبـاشـرـةـ مـفـصـيـكـ، وـ أـذـرـغـنـاـ " فـيـهـ شـكـرـ يـغـمـيـكـ، وـ أـلـسـنـاـ فـيـهـ جـنـنـ " الـعـافـيـةـ، وـ أـثـيمـ عـلـيـنـاـ باـشـتـكـالـ طـاعـتـكـ فـيـهـ الـمـنـةـ، إـنـكـ الـثـانـ " الـخـيـرـ "، وـ صـلـ اللـهـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـ آـلـهـ الطـيـيـنـ الطـاهـرـينـ.

(۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مارا خشنودترین، پاکیزه‌ترین و سعادتمندترین کسانی قرار ده که ماه بر آنها طلوع کرده و به ماه نگریسته و در این ماه، بندگی تو را نموده‌اند و نیز توفیق توبه و عصمت از گناه و محفوظ ماندن از به جای آوردن معصیت را به ماعنایت بفرما و شکر نعمت و سپرهای عافیت را به ماعطا کن و نعمت‌های خویش را بابه کمال رساندن اطاعت در این ماه، بر ما ارزانی بدار، که تو بسیار بخشنده و ستوده هستی. درود خدا بر حضرت محمد و ماریان پاک و پاکیزه‌او.

### واژه‌ها:

۱. الدائب: مستمر در حرکت.
۲. التردد: رفت و برگشت مداوم.
۳. المتصرف: دور زدن.
۴. فلك الشبهين: مدار تدبیر شده.
۵. اليهم: میهم.
۶. امتهنهک: تو را استخدام کرده.
۷. الغول: غروب.
۸. إنارة: درخشش - باز بودن.
۹. كسوف: گرفتگی ماه.
۱۰. دبر: تدبیر فرمود.
۱۱. لاتحقها: آنان را نابود ننماید.
۱۲. لاتتشها: آن را چرکین نکند.
۱۳. آنام: گناهان.
۱۴. سعد: خوشبختی.

## دعاوه إذا دخل شهر رمضان

وكان من دعائيه عليه السلام إذا دخل شهور رمضان

(١) الحمد لله الذي هدانا لحمده، وجعلنا من أهله، لنكون لإنحسانه من الشاكرين، ولنجزيتنا على ذلك جزاء المحسنين، والحمد لله الذي حبناه بدينه، واحتضنا بعلمه، وسبلنا في سبيل إحسانه، لسئلوكما سمعناه إلى رضوانه، حمنا يتقبله مثنا، ويزرضني به عثنا.

(٢) والحمد لله الذي جعل من سبله شهور شهور رمضان، شهور الصيام، وشهر الإسلام، وشهر الظهور، وشهر التمتعين، وشهر القيام الذي أنزل فيه القرآن، هدى للناس، وبيانات من الهدى والقرآن.

(٣) فأبان فضيلته على سائر الشهور بما جعل له من المحرمات المؤفورة، والفضائل المشهورة، فحرم فيه ما أحل في غيره إنتظاماً، وحرر فيه المنطاعم والمسارب إنكاراً، وجعل له وقناها لا يحيط به جل وعز - أن ينعدم قبلاً، ولا يقبل أن يؤخر عنة.

## دعای چهل و چهارم

### دعا هنگام ورود ماه رمضان

(۱) ستایش خدایی را که مارا به ستایش خود رهنمون گردید و شایسته سپاس خود دانست، تا آن که احسان‌های او را شکرگزاریم و بدین وسیله پاداش نیکان را به ما کرامت فرماید و سپاس خدایی را که دین خود را به ما ارزانی داشت و مارا به پیروی از آیین خود برگزید و به سوی راه‌های احسان خویش رهنمون شد، تا آن که به منت او به خشنودی اش کامیاب گردیم؛ ستایشی که مقبول ذات مقدسش افتاد و بدین وسیله از ما خشنود گردد.

(۲) و سپاس خداوند را که ماه مبارک رمضان - ماه روزه داری، ماه اسلام، ماه پاکیزگی، ماه آزمایش، ماه نزول قرآن است که هدایت‌گر مردم و نشانه‌های آشکار از روشن‌گری و روشن‌کننده حق و باطل است - را از راه‌های احسان و نیکوکاری خود قرار داد.

(۳) از این رو، خداوند متعال فضیلت این ماه را به جهت حریم عظیم و فضایل معروفی که در آن قرار داد، بر سایر ماه‌هاروشن ساخت. پس به جهت بزرگداشت آن، آن چه را که در سایر ماه‌ها جایز بود منع کرد و نیز بدان سبب خوردن و آشامیدن را مجاز ندانست و وقت مشخص و روشنی برای آن قرار داد و تقدیم و تأخیر آن را پنهان نمود.

(٤) ثُمَّ فَضَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِيهِ الْفَ شَهْرٍ، وَسَتَاهَا لَيْلَةً  
الْقَدْرٌ<sup>١٠</sup>، تَنَزَّلُ التَّلَاقِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أُنْشَرٍ، سَلامٌ  
دَانِمُ الْبَرَكَةِ إِلَى طَلْوَعِ الْفَغْرِ غَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ سَاخِكَمٌ<sup>١١</sup> مِنْ  
قَصَائِدِهِ<sup>١٢</sup>.

(٥) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآلِهِمْنَا مَغْرِفَةٌ قَضِيلَهُ وَإِجلَالٌ<sup>١٣</sup>  
حُزْمَتِهِ<sup>١٤</sup>، وَالثَّحَفَظُ<sup>١٥</sup> مِنَّا حَفَزَتْ<sup>١٦</sup> فِيهِ، وَأَعْنَّا<sup>١٧</sup> عَلَى صِيَامِهِ بِكَفِّ الْجَوَارِحِ<sup>١٨</sup>  
عَنْ مَعَاصِيكَ، وَاشْتِفَالِهِ فِيهِ بِمَا يُزَبِّدِكَ، حَتَّى لَا نُضِيقَ<sup>١٩</sup> بِأَسْمَاعِنَا إِلَى  
لَقِيَ وَلَا نُشْرِعَ<sup>٢٠</sup> بِأَبْصَارِنَا إِلَى لَهْرٍ<sup>٢١</sup>، وَحَتَّى لَا تُبْسِطَ<sup>٢٢</sup> أَيْدِيَنَا إِلَى مَخْظُوبِرِ<sup>٢٣</sup>  
وَلَا نُخْطُرُ<sup>٢٤</sup> بِأَفْدَامِنَا إِلَى مَخْجُورِ<sup>٢٥</sup>، وَحَتَّى لَا تَعْنَى بَطُونُنَا<sup>٢٦</sup> إِلَّا مَا أَخْلَتْ،  
وَلَا تُنْطِقَ أَلْسِنَتِنَا إِلَّا بِمَا مَثَلَتْ<sup>٢٧</sup>، وَلَا تَكْلُفَ إِلَّا مَا يُذَنِّي<sup>٢٨</sup> مِنْ شَوَّابِكَ،  
وَلَا تَعْطَانِي<sup>٢٩</sup> إِلَّا الَّذِي يَتَّقَى مِنْ عِقَابِكَ، ثُمَّ خَلَصْ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ  
الْمَرَائِينَ، وَسُنْقَةٌ<sup>٣٠</sup> الْمُشَعِّبِينَ، لَا تَشْرُكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا تَبْغِي<sup>٣١</sup> فِيهِ  
مُرَادًا بِسُوكَ.

(٦) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقُفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيْتِ الصَّلَوَاتِ  
الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ، وَفُرُوضِهَا<sup>٣٢</sup> الَّتِي فَرَضْتَ، وَوَظَائِفِهَا الَّتِي  
وَظَفَّتَ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَتَّ، وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَنْزِلَةَ الْمُصَبِّيْنَ لِتَنَازِلَهَا<sup>٣٣</sup>،  
الْحَافِظِيْنَ لِأَزْكَانِهَا، الْمُؤْدِيْنَ<sup>٣٤</sup> لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا عَلَى مَاسِنَةِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ  
-صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ- فِي رُكُوعِهَا وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ فَوَاضِلِهَا<sup>٣٥</sup> عَلَى أَتَمِّ  
الْطَّهُورِ وَأَشْبَيْهِ<sup>٣٦</sup>، وَأَبْيَنِ الْخُشْرَعِ<sup>٣٧</sup> وَأَبْلَغَهِ.

(۴) سپس خداوند متعال یکی از شب‌های ماه رمضان را از هزار ماه بهتر دانسته و آن را «شب قدر» نامیده است، که پیوسته فرشتگان به اذن پروردگار ناطلوع سپیده دم [بر قلب مقدس ولی زمان - جعل الله تعالى فرجه الشّریف -] نازل شده و تمامی مقدرات را در آن شب بدون کم و کاست با برکات پیوسته و قضای استوار الهی بر هر یک از بندگان، به هر صورت که خدا می‌خواهد، فرود می‌آورند.

(۵) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و شناخت فضیلت ماه مبارک رمضان را به ما الهام فرما، تا آن که حرمت آن راشناخته و جلالت آن را حفظ کنیم و خود را از آن چه در آن ماه منع فرموده‌ای، حفظ نماییم و نیز ما را به داشتن روزه آن باری کن، تا اندام‌های خود را از گناه باز داریم، بلکه آنها را در خدمت رضا و خشنودی تو قرار دهیم؛ آن چنان که گوش ماهرگز به سخن بیهوده‌ای گوش فرازندید و چشم‌های ما به بیهوده ننگرد و دست‌هایمان را به ناروا دراز نکنیم و قدم به سوی حرام برندازیم و به جز لقمه حلال نخوریم و زبان ما جز به سخن که تو اجازه داده‌ای، گویابنایش و در انجام کارهایی تلاش کنیم که موجب ثواب و قرب تو باشد و کاری انجام دهیم که مارا از عقوب و کیفر تو باز دارد و همه اینها را از ریای ریاکاران و سمعه آنان که اعمال خود را به گوش دیگران می‌رسانند خالص ساز؛ به گونه‌ای که هرگز در کردارهایمان کسی را شریک تو قرار ندهیم و مقصدی جز تو نداشته باشیم.

(۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مارا به نماز‌های پنج‌گانه بارعایت احکام، حدود و واجباتی که برای آنها معین فرموده و لازم دانسته‌ای و وظایفی که مقرر فرموده‌ای و اوقاتی که برای آنها مشخص ساخته‌ای، موفق بدار و از کسانی قرار ده که به منازل متعالی معرفت در شناخت نماز رسیده و در رعایت ارکان و ادائی آن در اوقاتیش درست بر اساس سنت رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> عمل کرده و رکوع و سجود و تمامی مستحبات آن را باطهارت تمام و عالی ترین مرتبه خشوع ظاهری ادا کرده‌اند.

(٧) وَوَقْنَا فِيهِ لَا نَعْلَمُ أَزْحَاتِنَا<sup>١</sup> بِالْبَرِّ وَالْعَصْلَةِ<sup>٢</sup>، وَأَنْ تَسْعَاهُدَ<sup>٣</sup> جِهَانَنا  
بِالْأَنْفَالِ<sup>٤</sup> وَالْعَطَيَّةِ، وَأَنْ نُخَلِّصَ أَنْوَانَنَا مِنَ التَّبَعَاتِ<sup>٥</sup>، وَأَنْ تُظْهِرَهَا بِإِخْرَاجِ  
الرَّكَوَاتِ، وَأَنْ تُرَاجِعَ مِنْ هَاجَرَنَا<sup>٦</sup>، وَأَنْ تُنْصِفَ<sup>٧</sup> مِنْ ظَلَّتْنَا، وَأَنْ نُسَالِمَ<sup>٨</sup> مِنْ  
عَادَانَا<sup>٩</sup> حَاشِنَ<sup>١٠</sup> مِنْ عُودَى فِيكَ<sup>١١</sup> وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا تُوَالِيهِ<sup>١٢</sup>، وَ  
الْعَزْبُ الَّذِي لَا تُنَاصِيَهِ<sup>١٣</sup>، وَأَنْ تَنْقَرِبَ إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَغْمَالِ الزَّاكِيَّةِ بِسَا  
تُطْهِرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ، وَتَغْصِنَا فِيهِ مِمَّا نَسْتَأْنِفُ<sup>١٤</sup> مِنَ الْعَوْبَوبِ، حَتَّى  
لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَكَ إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاغِيَّةِ لَكَ، وَ  
أَنْوَاعِ الْقُزْيَةِ إِلَيْكَ.

(٨) أَللَّهُمَّ إِنِّي أَشَأْكَ بِعَقْنَى هَذَا السَّهْرِ، وَبِعَقْنَى مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ<sup>١</sup> فِيهِ مِنْ  
إِبْدَائِيَّهِ إِلَى وَقْتِ قَنَائِيِّهِ: مِنْ مَلَكِ قَرْبَتِهِ<sup>٢</sup>، أَوْ نَبِيِّ أَرْسَلَتْهُ، أَوْ عَبْدِ صَالِحٍ  
أَخْتَصَّتْهُ<sup>٣</sup>، أَنْ تُصَلِّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَهْلَنَا فِيهِ لِمَا وَعَدْتَ أَزْلِيَّاهُكَ مِنْ  
كَرَامَتِكَ، وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أُوجِبَتْ لِأَهْلِ الْمُبَالَغَةِ فِي طَاعَتِكَ<sup>٤</sup>، وَاجْعَلْنَا فِي  
نَظَمِ مِنْ اسْتَحْقَقَ الرَّفِيعَ الْأَعْلَى<sup>٥</sup> بِرَحْمَتِكَ.

(٩) أَللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَجَبَّنَا<sup>٦</sup> الْأَلْحَادَ<sup>٧</sup> فِي تَسْوِيجِكَ، وَ  
الْتَّعْصِيرِ فِي تَسْوِيجِكَ<sup>٨</sup>، وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ، وَالْقُمَى عَنْ سَبِيلِكَ، وَالْإِغْفَالِ  
لِعَزْمَتِكَ<sup>٩</sup>، وَالْإِنْخَدَاعِ لِعَدُوِّكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

(١٠) أَللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَإِذَا كَانَ لَكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيَالِي  
شَهِرِنَا هَذَا رِقَابٌ<sup>١٠</sup> يُغْتَنِمُهَا غَفُوكَ، أَوْ يَهْبِهَا صَفْحُوكَ<sup>١١</sup>، فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ  
الرِّقَابِ، وَاجْعَلْنَا لِشَهِرِنَا مِنْ خَيْرِ أَهْلِ وَأَصْحَابِ.

(۷) خدایا، به ماتوفيق عنایت فرماتابانیکی و هدیه به خویشان خود رسیدگی کنیم و با احسان و دهش با همسایه‌ها رابطه برقرار کنیم و حقوق اموال خود را پرداخته و با پرداخت زکات، پاکیزه‌اش سازیم و باهر کس که با ماترک رابطه کرده، مقابله به مثل نکنیم و باهر کس که بر ماظلم کرده بالنصاف و بادشمنان به مسامت رفتار کنیم، مگر آن کس که به خاطر تو و در راه تو با او به دشمنی پرداخته‌ایم، زیرا اوی دشمن است که به هیچ وجه او را دوست نخواهیم داشت و گروهی هستند که از صلح و صفا با آن خودداری خواهیم کرد و مارا موفق بدار که بار فتنه‌های پاکیزه، آن چنان به تو تغرب یابیم که مارا از گناهان پاکیزه بداری و از عیب‌ها نگاه داری؛ به گونه‌ای که هر گاه، فرشته‌ای به سوی تو صعود کند، مارا در حال ورود به انجام اطاعت و نزدیکی به سوی تو، یافته باشد.

(۸) خدایا، تو را به عظمت ماه مبارک رمضان و به حق آن کسانی که این ماه را در ستایش و بندگی تو گذرانده‌اند - خواه فرشته مقرّب باشد، یا پیامبر مرسل، یا بندۀ صالحی که او را به خود اختصاص داده‌ای - سوگند یاد می‌دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مارا لایق وعده‌ها و کرامت‌های بگردان که به اولیای خود اختصاص داده‌ای و مارا در ردیف کسانی قرار ده که در عالی ترین مقام‌ها در محضر تو قرار گرفته‌اند.

(۹) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مارا از اعراض و سنتی در توحید خود و کوتاهی در بزرگ‌داشت تو و شک و تردید در دین و کوری در راه و غفلت از تعظیم حرمت خود و گول خوردن از شیطان رجیم، باز بدار.

(۱۰) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و اکنون که در هر شبی از شب‌های این ماه پرکرامت، بسیاری را از آتش جهنم آزاد می‌کنی، یا از آنها در می‌گذری، پس ما رانیز در زمرة آنان قرار ده و در این ماه مبارک مارا از بهترین پاران و بهترین اصحاب این ماه قرار ده.

(١١) اللهم صل على محمد وآلـهـ، وامحق<sup>٦٦</sup> ذنوبـنا معـ امـحـاقـ هـلاـلـيـهـ، وـ اـشـلـعـ<sup>٧٧</sup> عـنـاـ تـبـاعـاتـناـ معـ اـنـسـلـاخـ أـيـامـهـ، حـتـىـ يـنـقـضـيـ عـنـاـ وـ قـدـ صـفـقـيـتـاـ فـيـهـ مـنـ الـخـطـيـنـاتـ، وـ أـخـلـصـتـاـ فـيـهـ مـنـ السـيـئـاتـ. اللـهـمـ صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـ آـلـهـ، وـ إـنـ مـنـاـ<sup>٦٧</sup> فـيـهـ فـعـدـلـنـاـ، وـ إـنـ رـغـنـاـ<sup>٧٨</sup> فـيـهـ فـقـوـنـاـ، وـ إـنـ اـشـتـملـ عـلـيـنـاـ عـدـوـاـكـ الشـيـطـانـ فـاـشـتـقـذـنـاـ<sup>٦٩</sup> مـنـهـ. اللـهـمـ أـشـخـنـهـ<sup>٧٠</sup> بـعـادـتـنـاـ إـيـاكـ، وـ زـيـنـ<sup>٧١</sup> أـوـفـائـهـ بـطـاعـتـنـاـكـ، وـ أـعـنـاـ<sup>٧٢</sup> فـيـ نـهـارـهـ عـلـىـ صـيـامـهـ، وـ فـيـ لـيـلـهـ عـلـىـ الصـلـاـةـ وـ التـضـرـعـ إـلـيـكـ، وـ الـخـشـعـ لـكـ، وـ الـذـلـةـ بـيـنـ يـدـيـكـ، حـتـىـ لـاـ يـشـهـدـ نـهـارـهـ عـلـيـنـاـ بـقـلـةـ، وـ لـاـ لـيـلـهـ يـتـفـرـيـطـ<sup>٧٣</sup>. اللـهـمـ وـ اـجـعـلـنـاـ فـيـ سـانـيـ الشـهـورـ وـ الـأـيـامـ كـذـلـكـ مـاـ عـمـزـنـاـ.

(١٢) وـ اـجـعـلـنـاـ مـنـ عـبـادـكـ الصـالـيـعـينـ الـذـيـنـ يـرـثـونـ<sup>٧٤</sup> الـفـيـزـدـوـسـ<sup>٧٥</sup> هـمـ فـيـهـ خـالـدـوـنـ، وـ الـذـيـنـ يـوـثـونـ مـاـ آـتـوـاـ وـ قـلـوـبـهـمـ وـ جـلـهـ<sup>٧٦</sup>، أـنـهـ إـلـىـ رـبـهـمـ رـاجـعـونـ، وـ مـنـ الـذـيـنـ يـسـارـعـونـ<sup>٧٧</sup> فـيـ الـخـيـرـاتـ وـ هـمـ لـهـ سـاـيـقـونـ<sup>٧٨</sup>.

(١٣) اللـهـمـ صـلـ عـلـىـ مـحـمـدـ وـ آـلـهـ، فـيـ كـلـ وـقـتـ وـ كـلـ أـوـانـ<sup>٧٩</sup> وـ عـلـىـ كـلـ حـالـ، عـدـدـ ماـ صـلـيـتـ عـلـىـ مـنـ صـلـيـتـ عـلـيـهـ، وـ أـضـعـافـ<sup>٨٠</sup> ذـلـكـ كـلـهـ، بـالـأـضـعـافـ الـتـيـ لـاـ يـخـصـيـهـاـ<sup>٨١</sup> غـيـرـكـ، إـنـكـ فـعـالـ لـمـاـ تـرـيدـ.

(۱۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به هنگام در محاقد رفتن هلال و پیدایش آخرین شب ماه مبارک رمضان تمام گناهان ما را محو بفرما و آسودگی‌های گناه را از صفحه دل ما ببردار؛ به گونه‌ای که باگذشتن ایام آن، ما را از آسودگی تمامی گناهان پاکیزه سازی و از خطاهای ندانسته مبرآکنی. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و اگر از صراط مستقیم کناره گرفته‌ایم، به راه راست برگردان و اگر دلهای ما تیره و تار شده است، آنها را به صفاتی فطرت نخستین بازگردان و اگر دشمن تو، شیطان بر ما چیره شده و به طور فraigیر تمامی وجود ما را احاطه کرده است، از کید و مکر او رهایی ده. خدایا، ایام ماه مبارک رمضان را بعبادت ما آکنده ساز و اوقات آن را با اطاعت مابیارای و ما را در روزهای آن بر روزه داری و در شبها برگزاردن نماز و زاری و اظهار فروتنی و خاکساری به درگاهت یاری ده؛ به گونه‌ای که روزهای آن بر غفلت و شب‌های آن بر کوتاهی مادر عمل علیه ما گواهی ندهد. خدایا، ما را در سایر ماه‌ها و روزهای تازمانی که عمر به ماعظامی کنی، این گونه بگردان.

(۱۲) خدایا، ما را از صالحانی که وارث بهشت برین هستند و جاودانه در آن جا خواهند بود و نیز از کسانی که اعمال پسندیده را به جای می‌آورند، ولی هنوز دلهای آنان از خشیت جلال الهی لرزان است و نیز از کسانی که همیشه به سوی نیکی‌ها می‌شتابند و از همه پیشی می‌گیرند، قرار ده.

(۱۳) خدایا، بر محمد و آل محمد، به تعداد تمام درودهایی که تاکنون بر بندگانست ارزانی داشته‌ای، بلکه چندین برابر آن را، در هر وقت و هر لحظه و هر حال، تحيات خود را بر آنان ارزانی بدار؛ به گونه‌ای که هیچ کس جز تو بر شمارش آن قادر نباشد. به راستی که تو توانایی هستی که همه چیز و هر کار در سیطره اراده تو می‌باشد.

## واژه‌ها:

۱. حمد: ثنا بر جمیل.  
 ۲. لیجزینا: به ما جزا دهد.  
 ۳. حیانا: به ما عطا کرد.  
 ۴. سیلنا: ما را سیر داد.  
 ۵. شبل: راهها.  
 ۶. طهور: پاکیزگی.  
 ۷. تعیص: خالص کردن از عیب.  
 ۸. شهر القیام: ماه برخاستن.  
 ۹. الفرقان: فارق بین حق و باطل.  
 ۱۰. موفرور: بسیار.  
 ۱۱. اعظاماً: به جهت بزرگداشت.  
 ۱۲. حیر: منع کرد.  
 ۱۳. مشارب و مطاعم: نوشیدنی و خوردنی.  
 ۱۴. ليلة القدر: شب نزول ملاتکه جهت  
تقدیر عالم.  
 ۱۵. أسمک: محکم کرد.  
 ۱۶. قضائه: حکم خود را.  
 ۱۷. إجلال: بزرگداشت.  
 ۱۸. عُزْمَة: حریم قابل احترام.  
 ۱۹. تحفظ: خود نگهداری.  
 ۲۰. حظرت: منع کردن.  
 ۲۱. أئِتَا: ما را کمک کن.

۲۲. کفت الجوارح: نگهداری اعضاء.  
 ۲۳. لاصفن: گوش ندهیم.  
 ۲۴. لانسرع: شتاب نکنیم.  
 ۲۵. لهور: لغور و بیهوده.  
 ۲۶. لایسط: باز نکنیم.  
 ۲۷. ولا تخطو: قدم برنداریم.  
 ۲۸. محجور: ممنوع.  
 ۲۹. لاتعن بطنونا: داخل شکم ما نشود.  
 ۳۰. ملت: اجازه دادی تو.  
 ۳۱. یَذْنُ: نزدیک کند.  
 ۳۲. لاتعااطی: اقدام نکنیم.  
 ۳۳. سمعة: به گوش دیگری رساندن  
(خودنمایی).  
 ۳۴. بنتی: طلب کنیم.  
 ۳۵. فروضها: واجبات آن.  
 ۳۶. المصيبيين لتنازلها: رسیدگان به مقامات  
آن.  
 ۳۷. المؤذن: ادا کنندگان.  
 ۳۸. فواضل: برتری ها.  
 ۳۹. أَسْفَهَ: کامل ترین و تمام ترینش.  
 ۴۰. أَبْيَنَ الخشوع: بالاترین خشوع.  
 ۴۱. نصل ارحاما: صله رحم کنیم.

|  |  |
|--|--|
| <p>۶۳. حرمه: آنچه رعایت آن حتمی است.</p> <p>۶۴. رقاب: گردن‌ها (کنایه از افراد).</p> <p>۶۵. صفح: عفو.</p> <p>۶۶. وامحق: نابود کن.</p> <p>۶۷. واسلح: تمام کن.</p> <p>۶۸. ملندا: مایل به کجی.</p> <p>۶۹. قدمگذاشت: ما را تعدیل کن.</p> <p>۷۰. رغنا: از استقامت جدا شدیم.</p> <p>۷۱. استقدنا: ما را خلاص کن.</p> <p>۷۲. اشتعه: آن را مملو کن.</p> <p>۷۳. زین: زیست ده.</p> <p>۷۴. آهنا: ما را باری کن.</p> <p>۷۵. تغیریط: تغییر.</p> <p>۷۶. برثون: به ارث برند.</p> <p>۷۷. فردوس: بهشت.</p> <p>۷۸. وجہ: ترسان.</p> <p>۷۹. پیارعون: شتاب کنند.</p> <p>۸۰. سابقون: سبقت گیرندگان.</p> <p>۸۱. آوان: زمان.</p> <p>۸۲. اضعاف: چند برابر.</p> <p>۸۳. لا یحصیها: آن را نمی‌شمارد.</p> | <p>۴۲. بالبر و الصلة: به نیکوبی و احسان.</p> <p>۴۳. تصادف: محافظت کنیم.</p> <p>۴۴. افضل: احسان.</p> <p>۴۵. تبعات: دنباله‌های ناپسند.</p> <p>۴۶. هاجرنا: از مادری کرده.</p> <p>۴۷. تئیف: انصاف دهیم.</p> <p>۴۸. نسالم: مسالمت کنیم.</p> <p>۴۹. عادانا: با ما داشمنی کرده.</p> <p>۵۰. حاش: به استثنای.</p> <p>۵۱. غُرُوبی فیک: در راه تو دشمنی شده است.</p> <p>۵۲. لازوالله: با او دوست نیستیم.</p> <p>۵۳. لاصانیه: با او صفا و خلوص نداریم.</p> <p>۵۴. تسانف: تازه رخ می‌دهد.</p> <p>۵۵. تعتد لک: برای تو بندگی کرده.</p> <p>۵۶. فربته: او را به خود نزدیک کرده‌ای.</p> <p>۵۷. اختصته: به خود اختصاص دادی.</p> <p>۵۸. اهل البالفة فی طاعتك: به کمال اطاعت تو رسیدند.</p> <p>۵۹. الرفع الأعلى: مقام بسیار بلند.</p> <p>۶۰. جنتنا: ما را دور کن.</p> <p>۶۱. العاد: انکار با عداوت.</p> <p>۶۲. تمجد: بزرگداشت.</p> |
|--|--|

## دعاوه في وداع شهر رمضان

وكان من دعائيه علية السلام في وداع شهر رمضان

(١) اللهم يا من لا يزغب في الجزاء، ويامن لا يندم على العطاء، ويامن لا يكافي عبده على السوا.

(٢) متنبك ابتداء، وعفوك تفضل، وعفوتك عدل، وقضاؤك خير.

(٣) إن أغطيت لم تثبت<sup>١</sup> عطاءك بمعن، وإن متغت لم يكن متنبك تغدى يا.

(٤) تشكر من شكرك وأنت الهمة<sup>٢</sup> شكرك، وتكافي من حمدك وأنت غلمة حمدك.

(٥) تستر على من لو شئت فضخته، وتجود على من لو شئت متغته، وكلاماً أهل متنك للفضيحة والمنع، غير أنك بئنت أفعالك على التفضل، وأجزيت قدرتك على التجاوز.

(٦) وتلقين<sup>٣</sup> من عصاك بالحلب، وأمهلت<sup>٤</sup> من قصد لتفسيه بالظلم، تستظرهم<sup>٥</sup> بآنا ندرك إلى الإنابة، وتشوك معاجلتهم<sup>٦</sup> إلى التوبة، ليكلا بهيلك عينك هالكهم، ولا يشقني بنعمتك شقيهم إلا عن طول الإغذار<sup>٧</sup> إلينه، وبقدر

## دعای چهل و پنجم

### دعای وداع با ماه رمضان

(۱) ای خدایا که هرگز به پاداش نیازمند نیستی و از عطا پشیمان نمی‌گردی و هرگز به همه بندگان در برابر کردار آنان یکسان جزانمی‌دهی.

(۲) این بخشش تو هرگز عوض چیزی نیست و عفو تو همیشه تفضل و عقوبت اعدل و فرمانت غیر محض است.

(۳) خدایا، اگر عطاکنی، عطایت را بامتن همراه نمی‌کنی و اگر منع کنی، هرگز منع کردن تظلم نیست.

(۴) خدایا، هر کس که قدردان تو باشد، سپاس‌گزاری می‌کنی، در حالی که تو خود الهام کننده شکر هستی و ستایش‌گران را پاداش می‌دهی، در حالی که تو به آنان ستایش گویی را آموخته‌ای.

(۵) خدایا، بیوسته کسی را که می‌توانی رسوایش کنی برگناه او پرده عفو می‌کشی و بر کسی که اگر بخواهی از بخشش خود منعش می‌کنی می‌بخشایی، در حالی که هر دو سزاوار رسایی و منع فیض هستند، ولی بنای تو بر تفضل و گذشت است.

(۶) خدایا، تو با صبر و بر دباری با اهل گناه برخورد می‌کنی و به کسانی که به خود ستم کرده‌اند، مهلت می‌دهی و بدون عجله به آنان فرصت توبه می‌دهی و در عقوبت آنان شتاب نمی‌فرمایی تا به زودی هلاک نشود و بانعمت‌های تو به بدیختی دچار نگردند، مگر آن کس که پی در پی عذر او را پذیرفته‌ای و حجت تو بر او تمام شود

تَرَادِفٌ<sup>١٠</sup> الْحُجَّةِ عَلَيْهِ، كَمَا مِنْ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ، وَعَائِدَةٌ<sup>١١</sup> مِنْ عَطْفَكَ يَا حَلِيمُ.

(٧) أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادَكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ، وَسَيِّدَةُ التَّوْبَةِ وَجَعَلْتَ عَلَى ذَلِكَ الْبَابِ دَلِيلًا مِنْ وَحْيِكَ إِنَّا لَيَصْلُوْعَنَّهُ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ - : (تُؤْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَضْوَاهَا<sup>١٢</sup> غَسِّي زَيْنَكُمْ أَنْ يَكْفُرُ عَنْكُمْ سَيِّدَنَاكُمْ وَيُنَذِّلُكُمْ جَنَابَتْ تَجْزِي مِنْ ثَخْبَهَا الْأَنْهَازِ).

(٨) (يَوْمَ لَا يُحْزِي<sup>١٣</sup> ) اللَّهُ الْمُبِيْتُ وَالَّذِينَ آتَيْنَا مَعَهُ شُورَهُمْ يَسْعَنَ بَيْنَ أَيْمَانِهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَثْمِمْ لَنَا شُورَنَا وَأَغْفِنْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. فَمَا عَذْرٌ مِنْ أَغْفَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمُنْزِلِ بَعْدَ فَتْحِ الْبَابِ وَإِقَامَةِ الدَّلِيلِ؟

(٩) وَأَنْتَ الَّذِي زَدْتَ فِي السَّوْمِ<sup>١٤</sup> عَلَى تَفْسِيكَ لِعِبَادَكَ، تُرِيدُ رِبْخَهُمْ فِي مَتَاجِرِهِمْ<sup>١٥</sup> لَكَ، وَفَوْزَهُمْ<sup>١٦</sup> بِالْفِوْدَادَةِ عَلَيْكَ وَالرِّيَادَةِ مِنْكَ، فَقُلْتَ - تَبَارَكَ اسْمُكَ وَسَعَائِدُتَ - : (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالشَّيْئَةِ فَلَا يُبَرِّزُ إِلَّا مِثْنَاهَا).

(١٠) وَقُلْتَ: (مَثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثْلِ حَبَّةٍ<sup>١٧</sup> أَثْبَثَتْ<sup>١٨</sup> سَبْعَ سَنَابِلٍ<sup>١٩</sup> فِي كُلِّ سَبْنَةٍ مِنْهُ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ)، وَ قُلْتَ: (مَنْ ذَا الَّذِي يَنْفِرُ اللَّهَ فَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً). وَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ<sup>٢٠</sup>.

(١١) وَأَنْتَ الَّذِي دَلَّتْهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْرِكَ وَتَزَوَّغَيْكَ<sup>٢١</sup> الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ<sup>٢٢</sup>

و همه این کرامت‌ها از عفو تو سرچشمه می‌گیرد، ای کریم و از توجه لطافت آمیز تو صورت می‌گیرد، ای بردهار.

(۷) خدایا، تو در توبه را به روی بندگان خود گشودی و وحی خود را دلیل راه آنان قرار دادی تا هرگز کسی گمراه نشد، سپس فرمودی: «به درگاه خدا خالصانه توبه کنید، امید که پروردگار تمام گناهان شمارا بزداید و در بهشت برین که از زیر درختان آن نهره راوان است، جای دهد.»

(۸) «روزی که خداوند متعال پیامبر خود و کسانی را که به او ایمان آورده‌اند، رسوانی سازد، در حالی که نور آنان در پیشایش و در سمت راست آنان در حرکت است و پیوسته می‌گوید: پروردگار، این نور را کامل تر گردان و مارا مشمول عفو خویش بفرما، که تو بر همه چیز توانیبی. راستی غافلان چه زیانی بار آورده‌اند؟ و با چه عنزی به این منزل وارد نشده‌اند، در صورتی که در باز و دلیل راه آماده است؟!»

(۹) خدایا، تو با بندگانست معامله فرمودی و پیوسته سود آنان را در تجارت با خودت می‌خواستی و رستگاری آنان را به سبب روی آوردن به خود و افزون شدن مزد آنان را اراده فرموده‌ای. از این رو، در قرآن فرموده‌ای: «هر کس نیکوکاری کند، ده برابر جزا دریافت می‌کند، ولی گناهان را فقط به مثل آنها کیفر خواهند دید.»

(۱۰) خداوندا، تو خود فرمودی: «مُثُلْ كَسَانِيَ كَهْ اموالْ خَودْ رَا درْ خَدَا بَذَلْ كَنَدْ، درست مانند نشاندن دانه‌ای در زمین است که نتیجه آن هفت شاخه است که هر شاخه صد دانه داشت باشد و با این حال، خداوند متعال پاداش مضاعف را نصیب هر کس که بخواهد می‌کند.» و نیز فرمودی: «کیست که به خدای خود وام دهد و چند برابر با دست پر باز آید؟!» و نظایر این آیات در قرآن کریم که با پاداش مضاعف امید بسیار به بندگان عطا فرموده‌ای.

(۱۱) خداوندا، تو بر بندگانست منت‌گذاری و از اموری پرده برداشته‌ای که اگر آن

عَلَى مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُذِرْنَهُ أَبْصَارُهُمْ، وَلَمْ تَعِهِ أَشْمَاعُهُمْ<sup>١١</sup>، وَلَمْ تَلْحِفْهُ  
أَوْهَمُهُمْ، قَلَّتْ: (فَادَكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا إِلَيْيَ وَلَا تَخْفُرُونِ)، وَقَلَّتْ: (الَّذِينَ  
شَخَّضْتُمْ لِأَزِيدِنَّكُمْ وَلِلَّذِينَ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَيْءٍ).

(١٢) وَقَلَّتْ: (أَذْعُونِي أَسْتَجِبْ لِكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَخِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي  
سَيَنْدَخِلُونَ جَهَنَّمَ دَاهِرِينَ<sup>١٢</sup>)، فَسَمِّيَتْ دُعَاءَكَ عِبَادَةً، وَتَرْكَهُ اسْتِكْبَارًا، وَ  
تَوَعَّدَتْ عَلَى تَرْزِيكَهُ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاهِرِينَ.

(١٣) فَذَكَرُوكَ مِسْتَكَ، وَشَكَرُوكَ بِسَعْضِكَ، وَدَعَوْكَ بِأَمْرِكَ، وَ  
تَصَدَّقُوا<sup>١٣</sup> لَكَ طَلَبًا لِمَزِيدِكَ، وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتُهُمْ مِنْ غَضِيبَكَ، وَفَوْزُهُمْ  
بِرِضَاكَ.

(١٤) وَلَوْ دَلَّ مَخْلُوقٌ مَخْلُوقًا مِنْ نَفْسِهِ عَلَى مَثِيلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَادَكَ  
مِنْكَ، كَانَ مَوْصُوفًا بِالْإِخْسَانِ، وَمَتَّعُوتًا<sup>١٤</sup> بِالْأَمْتَانِ، وَمَخْمُودًا<sup>١٥</sup> بِكُلِّ لِسَانٍ،  
فَلَكَ الْحَدْدُ مَا وُجِدَ فِي حَدِيدَكَ مَذْهَبٌ<sup>١٦</sup>، وَمَا بَقَى لِلْحَمْدِ لَفْظٌ تُخْمَدُ بِهِ، وَ  
مَغْنِي يَتَصَرِّفُ إِلَيْهِ.

(١٥) يَا مَنْ تَحْمَدَ إِلَى عِبَادِهِ بِالْإِخْسَانِ وَالْفَضْلِ، وَغَسِيرُهُمْ<sup>١٧</sup>  
بِالْأَمْنِ وَالظُّولِ، مَا أَنْشَنِي فِينَا بِغَمْتَكَ، وَأَشْبَعَ<sup>١٨</sup> عَلَيْنَا مِسْتَكَ، وَأَخْصَنَا  
بِبِرُوكَ<sup>١٩</sup>!

(١٦) هَدَيْتَنَا لِدِينِكَ الَّذِي اضطَقَيْتَ<sup>٢٠</sup>، وَمِلَّتَكَ<sup>٢١</sup> الَّتِي ارْتَضَيْتَ،  
وَسَبِيلَكَ الَّذِي سَهَّلَتْ، وَبَصَرَّتَنَا<sup>٢٢</sup> الْزُّلْفَةَ<sup>٢٣</sup> لَدِينَكَ، وَالْمُؤْصُولَ إِلَى  
كَرَامَتِكَ.

را پنهان می داشتی هرگز نه چشمی آن را می توانست ببیند و نه گوشی توانایی شنیدن آن را داشت و نه ذهن و وهمی می توانست آن را ادراک کند. از جمله فرمودی: «باد شما، مایه باد من است و سپاس شما، سپاس مرا به دنبال دارد و کفران نعمت مرا نکنید». و نیز فرمودی: «بر شکرانه من بیفزاید و ناسپاسی مکنید که به عذاب دردنگ چار خواهد شد».

(۱۲) نیز فرمودی: «مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. کسانی که استکبار ورزیده و دعا و عبادت نکنند، کیفر آنان ورود ذلتبار به جهنم است». بدین سان، دعا را عبادت شمردی و ترک دعا را استکبار نامیدی و جزای استکبار را ورود ذلتبار به جهنم مقرر فرمودی.

(۱۳) پس بندگانت تورایه منت هایت یاد کردن و به فضل تو، تو را سپاس گفتند و به فرمان تو، تو را خواندند و به امید آن که به کرامت بیشتری از درگاه تو نایل آیند، از اموال خود به مستمندان بخشیدند و بدین وسیله از غضب تو نجات یافته و به فضل خشنودی تورستگار شدند.

(۱۴) خدایا، اگر یکی از بندگانت بنده دیگری را همانند تو راهنمایی می کرد، قطعاً او راستایش می کردند و اظهار امتنان می نمودند و هر زبانی او را مدد می کرد. پس ای پروردگار متعال، مادام که حمد تو ممکن است و مادام که لفظ و معنا توانایی ستایش تو را دارد، تو را شکر و ستایش می کنیم.

(۱۵) ای خداوندی که بالا حسان و فضل بسیار به بندگان، حمد و ستایش خود را از آنان خواسته ای و آنان را غرق نعمت ها و دهش های خویش کرده ای. راستی چه قدر نعمت تو آشکارا و کرامت فراوان و احسانات بر ما و بیرون است!

(۱۶) مارای سوی دینی هدایت فرموده ای که خود برای بندگانت انتخاب کرده ای و آیینی که خود پسندیده ای و پیمودن آن را آسان ساخته و به تقریب به درگاهت و رسیدن به کرامت هایت آگاه گردانیده ای.

(١٧) اللهم و أنت جعلت من صفايا<sup>١</sup> تلك الوظائف، و خصائص<sup>٢</sup> تلك الفتوح<sup>٣</sup> شهر رمضان الذي اختصضته من سائر الشهور، و تخفيته<sup>٤</sup> من جميع الأزمات والدُّهُور<sup>٥</sup>، و آثرته<sup>٦</sup> على كل أوقات السنة بما أثرت فيه من القرآن و النور، و ضاعفت<sup>٧</sup> فيه من الإيمان، و فرضت فيه من الصيام، و رغبت فيه<sup>٨</sup> من القيام، و أجللت فيه<sup>٩</sup> من ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر.

(١٨) ثم آثرتنا به على سائر الأمم<sup>١٠</sup>، و اضطفتنا بفضله دون أهل الملل<sup>١١</sup>، فصمنا بأمرك نهاراً، و قمنا بعوزنك<sup>١٢</sup> ليله، متعرضين بصيامه<sup>١٣</sup> و قيامه لما عرضتنا له من رحمةك، و سببنا إلينه<sup>١٤</sup> من مشتكك، و أثنت السلي<sup>١٥</sup> بما رغب فيه إلينك، الجواب بما سئلنا من فضلك، القريب إلى من حاول<sup>١٦</sup> قربك.

(١٩) و قد أقام فينا<sup>١٧</sup> هذا الشهـر مقام حنـد، و صعبنا صحبـة مبـرـورـي، و أزبـخـنا<sup>١٨</sup> أفضـلـ أزبـاخـ العـالـيـيـنـ، ثمـ قدـ فـارـقـنا<sup>١٩</sup> عـندـ تمامـ وـقـيـمـهـ، وـ اـسـقطـاعـ مـدـيـهـ، وـ وـفـاءـ عـدـدـهـ.

(٢٠) فـنـخـ مـوـدـعـهـ<sup>٢٠</sup> وـ دـاعـ مـنـ عـزـ فـرـاقـهـ<sup>٢١</sup> عـلـيـنـاـ، وـ غـمـنـاـ<sup>٢٢</sup> وـ أـؤـحـشـنـاـ<sup>٢٣</sup> انـصـرـافـهـ عـنـاـ، وـ لـرـمـتـاـ لـهـ الدـمـ<sup>٢٤</sup> الـمـخـفـرـظـ، وـ الـحـرـمـةـ<sup>٢٥</sup> الـمـزـعـعـةـ، وـ الـحـقـ المقـضـيـ، فـنـخـ قـاـيـلـونـ: الـسـلـامـ عـلـيـكـ ياـشـهـرـ اللهـ الـأـكـبـرـ، وـ يـاـعـيدـ أـوـلـيـاهـ.

(٢١) الـسـلـامـ عـلـيـكـ ياـأـكـرـمـ مـضـحـوـبـ<sup>٢٦</sup> مـنـ الـأـوـقـاتـ، وـ يـاـخـيـزـ شـهـرـ فيـ الـأـيـامـ وـ السـاعـاتـ.

(٢٢) الـسـلـامـ عـلـيـكـ مـنـ شـهـرـ قـرـبـتـ فـيـ الـأـمـالـ<sup>٢٧</sup>، وـ نـشـرـتـ فـيـ الـأـمـالـ.

(۱۷) خدایا، یکی از وظایف برگزیده‌های را که بر بندگان مقرر فرموده‌ای، روزه ماه مبارک رمضان است؛ ماهی که بر همه ماههای زمان‌های دیگر برتری دادی، زیرا نزول قرآن و تکامل ایمان در آن وقت انجام می‌گیرد و در آن به روزه روز و شب خیزی ترغیب فرمودی و از بزرگ داشت آن ماه این است که شب قدر را که از هزار ماه بهتر است، در آن مقرر داشتی.

(۱۸) خدایا، تو ملت اسلام را برگزیدی که روزه ماه مبارک را بگیرند و فضل آن را به ما ارزانی داشتی و غیر از ملت اسلام از این امتیاز محروم ماندند و ما از تو اطاعت نمودیم، در حالی که به روزه روز و نماز شب مشغول بودیم و بدین وسیله، رحمت و پاداش تو را جلب کردیم و پیمانه کسی را که به تو رغبت کند آنکه می‌سازی و با وجود خود سانلان را پاسخ می‌دهی و به هر کس که به تو تقدیر جوید، نزدیک هستی.

(۱۹) خدایا، این ماه مبارک در بین ما بسیار پسندیده ماند و برای ما یار بسیار خوبی بود و بهترین سوده را به مارساند و هنگام سر آمدن ایامش از ما جدا شد و رفت.

(۲۰) مانیز هم اکنون ماه مبارک را در حالی وداع می‌گوییم که جدایی از آن بر ما سخت و موجب نگرانی ماست و پیمان محفوظ و احترام بسیار و حق حتمی آن را بر عهده خود ضروری و لازم می‌دانیم و با حسرت و شوق تمام درودمان را بر آن ماه خدا و عید اولیای او نثار می‌نماییم.

(۲۱) سلام بر توای بهترین دوست در میان وقت‌ها و زمان‌ها وای بهترین ماهی که در بین ساعت‌های عمرم گذشته است.

(۲۲) سلام بر توای ماهی که آرزومندان را به مقصد نزدیک ساختی و اعمال شایسته فراوان را به انجام رساندی. سلام بر توای همدی که به هنگام حضور، بسیار گران قدر بودی و آن گاه که رفتی فراق تو گران‌تر و انتظار دیدارت بس سخت و درد آور است.

(٢٣) السلام عليك من قربين جل قدره<sup>٦٩</sup> متجوداً، وفتح فنده مغفداً<sup>٧٠</sup>.  
وممزوج<sup>٧١</sup> الم<sup>٧٢</sup> فراقه. السلام عليك من أليف<sup>٧٣</sup> آنس مقبل<sup>٧٤</sup> فسر<sup>٧٥</sup>، وأؤخش<sup>٧٦</sup>  
متفضياً<sup>٧٧</sup> فتضى<sup>٧٨</sup>، السلام عليك من مجاوير رقت<sup>٧٩</sup> فيه القلوب، وقلت فيه  
الذوب<sup>٨٠</sup>.

(٢٤) السلام عليك من ناصير أغان<sup>٨١</sup> على الشيطان، وصاحب سهل<sup>٨٢</sup>  
سبيل<sup>٨٣</sup> الإحسان، السلام عليك ما أكثر عتقاء<sup>٨٤</sup> الله فيك، وما أنسعد<sup>٨٥</sup> من  
رعى<sup>٨٦</sup> حزمتك بك!

(٢٥) السلام عليك ما كان أشحاك<sup>٨٧</sup> للذوب، وأشتراك<sup>٨٨</sup> لأنواع الغيوب!  
السلام عليك ما كان أطولاً<sup>٨٩</sup> على المغرمين، وأهيفيك<sup>٩٠</sup> في صدور المؤمنين!

(٢٦) السلام عليك من شهر لا شافية<sup>٩١</sup> الأيام، السلام عليك من شهر هو  
من كُل أمر سلام<sup>٩٢</sup>، السلام عليك غير كريه المصاحبة<sup>٩٣</sup>، ولا ذميم<sup>٩٤</sup> الملاجسة<sup>٩٥</sup>.

(٢٧) السلام عليك كما وفدت<sup>٩٦</sup> علينا بالبركات، وغسلت عنا<sup>٩٧</sup> دنس<sup>٩٨</sup>  
الخطيبات، السلام عليك غير موعد بزما<sup>٩٩</sup> ولا مثروك<sup>٩٩</sup> صيامه ساما<sup>٩٩</sup>. السلام  
عليك من مطلوب<sup>٩٩</sup> قبل وفته، ومخزون<sup>٩٩</sup> عليه قبل قوته.

(٢٨) السلام عليك كم من سوء صرف بك عنا، وكم من خير أفيض<sup>٩٩</sup> بك  
 علينا، السلام عليك وعلى ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر.

(٢٩) السلام عليك ما كان آخر صنا بالآمس<sup>١٠١</sup> علينا، وأشد شوقنا غدا<sup>١٠٢</sup>  
إليك، السلام عليك وعلى فضلك الذي حرمتنا<sup>١٠٣</sup>، وعلى ما يرضي من بركاتك  
سليمان<sup>١٠٤</sup>.

(۲۳) سلام بر تو ای ماهی که به هنگام آمدن بسیار مسرت آمیز بودی و به هنگام رفتن، دل را در نگرانی و اضطراب رها کردی و رفتی و سلام بر تو ای ماهی که با دوستی تو انس یافتیم و دل‌ها را خاشع کردی و از گناهانمان کاستی.

(۲۴) درود بر تو ای ماهی که بهترین یاری هستی که شیطان را دور کردی و بهترین رفیقی که راه‌های نیکوکاری را آسان ساختی. راستی چه مقدار گناه کاران که به واسطه تو از آتش جهنم رها شدند و چه خوش بخت است آن که دانست حرمت حریم تو چه قدر است و آن رانگاه داشت!

(۲۵) درود بر تو که گناهان بسیار را پاک کردی و عیب‌هارا پوشانیدی، درود بر تو که چه بسیار بر گناه کاران سنگین و مشکل آمدی و بر دل مؤمنان با هیبت و عظمت بودی.

(۲۶) سلام بر تو ای ماهی که پیام آور امن و امان هستی. درود بر تو که از مصاحب تنو ملالی حاصل نمی‌گردد و از حضورت گزندی پیدا نمی‌شود.

(۲۷) درود بر تو ای ماهی که با برکات تمام بر ما وارد شدی و پلیدی‌های گناهان را زدودی. سلام بر تو که من در حال وداع تو از بودن تو خسته نبودم و روزه تو را با سختی برگذار نکردم، درود بر تو که قبل از آمدنت سخت در انتظارت بودیم و پیش از رفتن تو بر فراقت محزونیم.

(۲۸) درود بر تو ای ماهی که بدی‌های بسیار به واسطه تو از ما بر طرف شد و خبرات و برکات فراوان به وسیله تو بر مانازل گردید، درود بر تو و بر شب قدر تو که از هزار ماه بهتر است.

(۲۹) درود بر تو ای ماهی که چه بسیار در گذشته به آمدنت علاقه‌مند بودیم و چه قدر در آینده مشتاق تو هستیم. درود بر تو و بر فضایلی که به هنگام رحلیت با خود برده و ما اکنون از آن برکات محروم هستیم.

(٣٠) اللهم إنا أهل هذا الشهرين الذي شرئتنا<sup>١٠٣</sup> به، وَفَقْتَنَا بِتُكَّلَّهُ، حين  
جِهَلَ الْأَشْيَاءِ وَفَتْنَهُ، وَحَرِمُوا لِشَقَائِهِمْ فَضْلَهُ.

(٣١) أَنْتَ وَلِيَ ما آتَوْتَنَا بِهِ مِنْ مَغْرِبِيَّهِ، وَهَذِيَّنَاهُ مِنْ سُنْنِيَّهِ، وَقَدْ  
تَوَلَّنَا<sup>١٠٤</sup> بِتَوْفِيقِكَ صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ عَلَى تَقْصِيرِهِ، وَأَذِنَّا<sup>١٠٥</sup> فِيهِ قَبِيلًاً مِنْ كَثِيرٍ.  
(٣٢) اللهم فَلَكَ الْحَمْدُ إِنْ فَرَارَ أَبِلَّ الْأَسَاءَةَ<sup>١٠٦</sup>، وَاغْتَرَانَا بِالْأَضَاعَةِ<sup>١٠٧</sup>، وَلَكَ مِنْ  
قُلُوبِنَا عَدَدُ النَّدَمِ<sup>١٠٨</sup>، وَمِنْ أَلْسِنَتِنَا صَدْقَ الْأَغْتِذَارِ، فَاجْزُنَا<sup>١٠٩</sup> عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ  
مِنَ التَّفْرِيطِ أَجْرًا نَسْتَدِرُكَ<sup>١١٠</sup> بِهِ الْفَضْلَ الْمَرْغُوبُ فِيهِ<sup>١١١</sup>، وَنَقْتَاضُ<sup>١١٢</sup> بِهِ مِنْ  
أَنْوَاعِ الدُّخْرِ<sup>١١٣</sup> الْمُخْرُوصُ عَلَيْهِ<sup>١١٤</sup>.

(٣٣) وَأُوجِبَ لَنَا غُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَرْنَا فِيهِ مِنْ حَكْمَكَ، وَابْلُغْ<sup>١١٥</sup> بِأَعْمَارِنَا  
مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ، فَإِذَا بَلَغْتَنَا فَأَعْنَا عَلَى تَسْأُولِ<sup>١١٦</sup>  
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْعِبَادَةِ، وَأَذِنْنَا<sup>١١٧</sup> إِلَى الْقِيَامِ بِمَا يَشْتَحِقُهُ مِنَ الطَّاعَةِ،  
وَأَجْرِنَا مِنْ صَالِحِ الْفَعْلِ مَا يَكُونُ ذَرَكَ<sup>١١٨</sup> لِحَقْكَ فِي الشَّهْرَيْنِ مِنْ شَهْرُ  
الدَّهْرِ<sup>١١٩</sup>.

(٣٤) اللهم وَمَا أَلْتَنَا<sup>١٢٠</sup> بِهِ فِي شَهْرِنَا هذَا مِنْ لَئِمٍ<sup>١٢١</sup>، أَوْ وَاقْفَانِيَّهِ  
مِنْ ذَنْبٍ، وَأَكْتَبْنَا فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ عَلَى تَعْمِدَ مِنَّا، أَوْ عَلَى نَشْيَانِ، ظَلَّنَا فِيهِ  
أَنْتَهَنَا، أَوْ انتَهَكَنَا بِهِ حُرْمَةَ<sup>١٢٢</sup> مِنْ عَيْرِنَا، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْتَرَنَا  
بِسِرِّكَ، وَاغْفُ عَنَّا بِعَفْوِكَ، وَلَا تَشْبَنَا<sup>١٢٣</sup> فِيهِ لِأَعْيُنِ الشَّامِيَّينَ<sup>١٢٤</sup>، وَلَا تَبْسُطْ<sup>١٢٥</sup>  
عَلَيْنَا فِيهِ أَلْسُنَ الطَّاغِيَّينَ<sup>١٢٦</sup>، وَاسْتَغْفِلَنَا بِمَا يَكُونُ حَطَّةً<sup>١٢٧</sup> وَكَفَّارَةً لِمَا أَنْكَرَتْ  
مِنَّا فِيهِ بِرَأْفِيكَ الَّتِي لَا تَنْفَدِدُ<sup>١٢٨</sup>، وَفَضِيلَكَ الَّذِي لَا يَنْفُسُ.

(۳۰) خدایا، ما به این ماه مبارک وابسته‌ایم و تو مرا به آن مشرف ساخته و به توفیق خود بهره‌گیری از برکات آن را به ما ارزانی داشتی، آن گاه که اشیا به جهل خود گرفتاراند و از فضایل آن محروم‌اند.

(۳۱) خدایا، تو بودی که مرا برای معرفت این ماه مبارک و انجام دادن سنت‌های آن انتخاب فرمودی و با آن همه تأییدهایی که از سوی تو بر ما ارزانی شد، ما هنوز کمی از وظایف بسیار خود را انجام داده‌ایم.

(۳۲) خدایا، بالقرار و اعتراف به بدی و بدرفتاری خود می‌گوییم که ستایش تو را است و راستی دل‌های ما پشمیان و زبان‌هایمان معرف است، پس به ازای تفريطها و کوتاهی‌های ما، پاداشی به ما کرامت فرما که فضل و عنایت تو را دریابیم و انساع اعمال را که به آن آزمندیم ذخیره آخرت خود کنیم.

(۳۳) خدایا، عذر مرا در کوتاهی‌هایمان بپذیر و عمر مرا تا ماه رمضان آینده برسان و آن گاه که به ماه رمضان آینده رسیدیم، مرا به آن چه سزاوار بندگی تو است و به آن چه باید در آن فرصت انجام دهیم، موفق بدار و در مدت این ماه مبارک و ایام ماه رمضان آینده، اعمال صالح و شایسته را برای ما مقدّر بفرما.

(۳۴) خدایا، هرگناهی که به آن رغبت کردیم و یا انجام دادیم، چه از روی عمل بود و یا نسیان، به خود ستم نمودیم و یا حرمت دیگران را هنک کردیم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و عیب‌های ما را پوش و ما را مشمول بخشش خود گردان و هرگز مرا در معرض شماتت کنندگان قرار نده و زبان طعنه زنان را به روی ما باز نکن و توفیق عملی ده که کفاره‌کارها و موجب ریزش گناهانی باشد که آنها را دوست نداری، به حق فضل بی‌پایان و رافت نامتناهی تو.

(٣٥) اللهم صل على محمد وآلـهـ، واجبـهـ محبـيـتنا بـشـفـرـناـ، وبارـكـ لناـ<sup>١٣</sup>  
في يوم عـيـدـنـاـ وـفـطـرـناـ، وـاجـعـلـهـ منـ خـيـرـ يـوـمـ مـرـ عـلـيـنـاـ<sup>١٤</sup>؛ أـجـلـيـهـ<sup>١٥</sup> لـغـفـرـانـ، وـ  
أـمـحـاهـ<sup>١٦</sup> لـذـنـبـ، وـاغـفـرـ لـنـاـ ماـ خـفـيـ منـ ذـنـبـنـاـ وـماـ عـلـنـ<sup>١٧</sup>.

(٣٦) اللهم اـسـلـخـناـ<sup>١٨</sup> بـاسـلـاخـ هـذـاـ الشـهـرـ منـ خـطاـيـاناـ، وـأـخـرـ جـنـاـ بـخـرـوجـهـ  
مـنـ سـيـئـاتـنـاـ، وـاجـعـلـنـاـ مـنـ أـشـعـدـ أـهـلـهـ<sup>١٩</sup> يـهـ، وـأـجـزـلـهـ<sup>٢٠</sup> قـسـافـيـهـ، وـأـوـرـهـ<sup>٢١</sup>  
خـطـأـ مـنـهـ.

(٣٧) اللهم وـمـنـ رـعـىـ<sup>٢٢</sup> هـذـاـ الشـهـرـ حـقـ رـعـاـيـتـهـ، وـخـفـظـ حـرـمـةـ حـقـ  
جـفـظـهـ، وـقـامـ بـحـدـودـهـ<sup>٢٣</sup> حـقـ قـيـامـهـ، وـاتـقـنـ<sup>٢٤</sup> ذـنـوبـهـ حـقـ تـقـاتـهـ<sup>٢٥</sup>، اوـتـقـربـ  
إـلـيـكـ بـقـرـبةـ اوـجـبـتـ رـضـاكـ لـهـ، وـعـطـقـتـ رـحـمـتـكـ عـلـيـهـ، فـهـبـ لـنـاـ مـثـلـهـ مـنـ  
وـجـدـكـ، وـأـعـطـنـاـ أـصـعـافـهـ مـنـ فـضـلـكـ، فـإـنـ فـضـلـكـ لـاـ يـغـيـضـ<sup>٢٦</sup>، وـإـنـ خـزـاـنـتـكـ  
لـاـ تـنـفـصـ بـلـ تـقـيـضـ، وـإـنـ مـعـادـنـ إـخـسـانـكـ لـاـ تـقـنـىـ، وـإـنـ عـطـاءـكـ لـلـعـطـاءـ الـمـهـنـاـ<sup>٢٧</sup>.  
(٣٨) اللهم صـلـ علىـ مـحـمـدـ وـآلـهـ، وـاـكـتـبـ لـنـاـ مـثـلـ أـجـورـ مـنـ صـامـةـ، اوـ  
تـعـبـدـ لـكـ فـيـهـ إـلـىـ يـوـمـ الـقـيـامـةـ.

(٣٩) اللهم إـنـاـ نـتـوـبـ إـلـيـكـ فـيـ يـوـمـ فـطـرـنـاـ الـذـيـ جـسـلـتـ لـلـمـؤـمـنـينـ عـيـداـ  
وـسـوـرـاـ، وـلـأـهـلـ مـلـيـكـ مـجـمـعاـ<sup>٢٩</sup> وـمـخـشـداـ<sup>٢٩</sup> مـنـ كـلـ ذـنـبـ أـذـنـبـاـ، اوـ سـوـءـ  
أـسـلـفـنـاـ<sup>٣١</sup>، اوـ خـاطـرـ شـرـ أـضـمـنـاـ، تـوـبـةـ مـنـ لـاـ يـنـظـوـىـ عـلـىـ رـجـوعـ إـلـىـ ذـنـبـ، وـ  
لـاـ يـنـدـوـ بـعـدـهـاـ فـيـ خـطـيـئـةـ، تـوـبـةـ نـصـوـحـ<sup>٣٢</sup> خـلـصـتـ مـنـ الشـكـ وـالـزـيـابـ<sup>٣٣</sup>؟  
فـتـبـلـهـاـ مـنـاـ، وـاـرـضـ عـنـاـ، وـتـبـشـنـاـ عـلـيـهـاـ.

(٤٠) اللهم اـزـرـقـنـاـ خـوـفـ عـقـابـ الـوـعـيدـ<sup>٣٤</sup>، وـشـوـقـ تـوـابـ الـمـؤـعـودـ حـتـىـ  
تـجـدـ لـذـةـ مـاـ نـذـعـوكـ يـهـ، وـكـآـبـةـ<sup>٣٥</sup> مـاـ نـسـتـجـيـرـكـ مـنـهـ.

(۳۵) خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و گرفتاری‌ها و زیان‌های مارا با حلول ماه مبارک جبران کن و عید فطر را بر ما مبارک و آن را بهترین روز ما قرار ده و در آن روز عفوت را بیشتر از همیشه شامل حال ماگردان و جرم‌های مارا نادیده بگیر و از گناهان نهان و آشکار درگذر.

(۳۶) خدایا، مارا از ماه مبارک رمضان باعفو و آمرزش همه گناهان مان بپرون کن و مارا خو شبخت ترین و پر اجر ترین کسانی قرار ده که در این ماه روزه داشته‌اند.

(۳۷) خدایا، آن کرامتی را که نصیب پاس دارندگان حرمت ماه مبارک رمضان و برپا دارندگان حدود آن و پرهیز کنندگان از گناه در آن و تقرب جویندگان به درگاه تو که موجب خشنودی و عطوفت رحمت تو شده‌اند، بلکه چندین برابر آن از لطف و فضل خود را به ما عطا فرما، زیرا فضل تو کاستی نمی‌پذیرد و خزانیت اندک نمی‌شود، بلکه پیوسته در زیادت است و معادن احسان تو هرگز نیست و نابود نمی‌گردد و چه گوارا است بخشش‌های تو!

(۳۸) خدایا، بر محمد و آل محمد، پاداش تمامی روزه داران و عبادت کنندگان را در ماه رمضان تاقیامت بر ما مکتوب فرمای.

(۳۹) خدایا، مادر این روز عید که آن رامایه سرور و تجمع مؤمنان قرار داده‌ای، به توروی می‌آوریم و از هر گناه یا بدی که انجام داده‌ایم و هر اندیشه ناهنجاری که از خاطر گذرانده‌ایم، توبه می‌کنیم؛ توبه‌ای که هرگز رجوع به گناه را در پی نداشته و از هرگونه شک و تردید خالص باشد. پس توبه ما را بپذیر و از ما خشنود باش و بر آن پایدار مان پدار.

(۴۰) خدایا، ترس از عقاب و شوق به ثواب را آن چنان به ما کرامت فرمای که لذت آن چه را طلب کرده‌ایم بچشم و به سختی آن چه از آن به تو پناه برده‌ایم، آگاه شویم.

(٤١) واجعلنا عندك من التوابين الذين أوجبنت لهم محبتك، وقلت منهم  
مراجعة طاعتك، يا أعدل العاديين<sup>١٥٢</sup>.

(٤٢) اللهم تجاوز عن آبائنا وأمهاتنا وأهل بيتنا جميعاً، من سلف<sup>١٥٣</sup>  
مِنْهُمْ وَمِنْ غَيْرِهِ<sup>١٥٤</sup> إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

(٤٣) اللهم صل على محمد نبيك وآله كما صلئت على ملائكتك  
الثقربين، وصل على آله كما صلئت على أنبيائك المُزَسْلِينَ، وصل على آله  
وآله كما صلئت على عبادك الصالحين، وأفضل من ذلك يا رب العالمين،  
صلة تبلغنا بركتها، ويتنا نفعها، ويشجع لها دعاونا، إنك أكرم من  
رغبت إليه<sup>١٥٥</sup>، وأنفني<sup>١٥٦</sup> من توكل عليه، وأنطني<sup>١٥٧</sup> من سُلْلِ من فضيله، وأنت  
على كل شئ قويّ.

(۴۱) خدایا مارا از توبه کنندگانی قرار ده که محبت خود را برابر آنان حتمی کرده و بازگشت به سوی طاعت خود را از آنان پذیرفته‌ای، ای عادل ترین دادگران.

(۴۲) خدایا، پدران و مادران و هم‌کشان مارا - چه آنان که در گذشته‌اند و چه آنان که باقی‌اند - تاروز قیامت مورده عفو و بخشش خود قرار ده.

(۴۳) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، آن چنان که بر فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و بندگان شایسته خود درود فرستادی، بلکه برتر و بهتر از آن؛ به گونه‌ای که برکات و نفع آن تهبت و درود، به ما نیز برسد و موجب اجابت دعای ما گردد، زیرا تو کریم‌ترین کسی هستی که همگان به او رغبت می‌ورزند و کافی‌ترین کس برای متوكلان و بخشندۀ ترین کسی هستی که از فضل خود به درخواست کنندگان می‌بخشی و توبر همه چیز توانایی.

### واژه‌ها:

۱۲. تستظرهم: مهلتشان می‌دهی.
۱۳. الایابه: برگشت.
۱۴. العاجلة: شتاب.
۱۵. الاعذار: مهلت بدون ملامت.
۱۶. تراویف: پشت سر هم.
۱۷. عائدة: به دست آمده.
۱۸. توبه نصوح: توبه خالص غیر قابل برگشت.
۱۹. لایغزی: خار نکند.
۲۰. السوم: معامله.
۲۱. الصالحة: تجارت کردن.
۱. لایندم: پشمیان نشود.
۲. لا یکافی: جزا ندهد.
۳. خیره: خیر مغض.
۴. لم تشب: مخلوط نکنی.
۵. تعدیاً: تجاوز گرانه.
۶. الْمَتَّهُ: به ذهنش آوردی.
۷. فضحه: رسوابش می‌کردي.
۸. تجوه: می‌بخشی.
۹. أَجْرِيت: قراردادی.
۱۰. تلقیت: ملاقات کنی.
۱۱. أَمْهَلْت: مهلت دادی.

۴۶. الدھور: زمان‌های ممتد.

۴۷. آثرتہ: برگزیدی و برتری دادی.

۴۸. ضاعفت: چندین برابر قراردادی.

۴۹. رُغْبَتْ نَفِيَه: در آن ترغیب کردی.

۵۰. أَجْلَتْ نَفِيَه: قدرش بزرگ داشتی.

۵۱. أَمْمَ: امّت‌ها و پیروان.

۵۲. أَهْلَ مَلْ: سایر ملت‌ها.

۵۳. عُونَك: یاری تو.

۵۴. مُتَعْرِضُين: بصیامه: انجام دهنده‌گان روزه‌آن.

۵۵. تَسْبِيبَ الْيَه: رسیدیم به آن.

۵۶. الْمُلْقِيَّ: معتقد.

۵۷. حَوْلَ: قصد کرده.

۵۸. أَقْامَ فَنِيَا: درنگ کرد در بین ما.

۵۹. أَرْبَحَنَا: به ماسود رسانید.

۶۰. فَارَقَنَا: از ماجدا شد.

۶۱. مُوَذَّعَهُ: وداع کنندگان از او.

۶۲. غَرَافَة: فراق آن سنتگین است.

۶۳. غَنَّتَا: مارا معموم ساخت.

۶۴. أَوْحَشَنَا: ما را تنها گذاشت (همراه با غم).

۶۵. الْأَذْمَام: تعهد.

۶۶. حُرْمَه: حریم محترم.

۶۷. أَكْرَمَ مَصْحُوبَ: بهترین همدم.

۶۸. آمَال: آرزوها.

۲۲. الْفَوْز: رستگاری.

۲۳. حَيَّة: دانه.

۲۴. اَنْتَت: برویاند.

۲۵. سَابِل: خوش‌ها.

۲۶. تَضَاعِيفُ الْعَسَنَات: جزاهای چندین برابر.

۲۷. تَرْغِيبَ: وادار کردن.

۲۸. حَطَّ: بهره.

۲۹. لَمْ تَعِه اَسْاعِمَه: گوش آنها نشود.

۳۰. دَاغِرِين: خار و کوچک.

۳۱. تَصَدَّقَوْ: صدقه دادند.

۳۲. مَنْعُوتَأً: موصوف.

۳۳. مَحْمُودَأً: پستدیده.

۳۴. مَذْهَبَ: جای قابل عبور.

۳۵. غَرَّهُم: آنها را پوشانید.

۳۶. اَسْيَخَ: گشایش داد.

۳۷. بَرْزَك: نیکی تو.

۳۸. اَصْطَفَتَه: برگزیدی.

۳۹. مَلْتَك: امّت تو - پیروان تو.

۴۰. بَصَرَتَنَا: ما را بینا کردی.

۴۱. الْأَلْفَة: قرب.

۴۲. صَفَاعَه: خالص‌ها.

۴۳. خَصَاصَه: ویژگی‌ها.

۴۴. فَرْوَضَ: واجبات.

۴۵. تَخْيَرَه: انتخاب کردن.

۶۹. جلّ قدره: ارزش او بزرگ است.

۷۰. افجع مفقوه: در دنیا کترین از دست رفته.

۷۱. آلم: درد آور است.

۷۲. آئیف: مانوس.

۷۳. مقبل‌آری: آورنده.

۷۴. سرخوش حال کرد.

۷۵. اوخش: وحشتناک ترین.

۷۶. منقضی: تمام شونده.

۷۷. مضن: ماضی کرد.

۷۸. رقت: خاشع شد.

۷۹. اهان: یاد می‌کرد.

۸۰. سهول: آسان کرد.

۸۱. سبل: راه‌ها.

۸۲. عقاوه: آزاد شوندگان.

۸۳. اسعد: نیک بخت شد.

۸۴. رعنی: رعایت کرد.

۸۵. ما کان املاک: چقدر تو را پاک کننده  
گناهان نمود.

۸۶. استراک: تو را پوشانیده نمود.

۸۷. اطولک: تو را اطولاً نمود.

۸۸. آهیک: بزرگ داشت.

۸۹. لاتافسه الایام: قابل مقایسه با ایام دیگر  
نیست و ایام دیگر با آن مقابله نیستند.

۹۰. سلام: سلامت و بدون گزند.

۹۱. غیر کریه الصاجة: مصاحب با آن بد  
آیند نیست.

۹۲. غیر ذمیم الملائكة: همراه بودن با آن  
ناسب نیست.

۹۳. وفات: وارد شدی.

۹۴. دنس: چرک.

۹۵. برم: ضجر.

۹۶. سام: درد و ملالت.

۹۷. مطلوب: مورد رغبت.

۹۸. اتفیض علینا: بر ما اضافه شد.

۹۹. امسی: دیروز.

۱۰۰. غد: فردا.

۱۰۱. خرم‌ناه: از آن محروم شدیم.

۱۰۲. شیلناه: از ما گرفته شد.

۱۰۳. شریفتنا: ما را به شرافت رسانیدی.

۱۰۴. توقیتنا: قیام به انجام روزه نمودیم.

۱۰۵. اذینا: ادا کردیم.

۱۰۶. الایانه: بد کردن.

۱۰۷. الایضاعه: ضایع نمودن.

۱۰۸. اللدم: پیشمانی.

۱۰۹. فاجرنا: ما را مجرم ده.

۱۱۰. نسترده: تلافی کنیم.

۱۱۱. مرغوب فیه: مورد رغبت.

۱۱۲. نعتاض: عوض به دست آور دیم.

۱۳۶. أَسْعَدَ أَهْلَهُ: خوشبخت‌ترین اهل آن.

۱۳۷. أَجْزَلَ: بزرگترین.

۱۳۸. أَوْفَرَ: بیشترین.

۱۳۹. رَعَنَ: رعایت کرد.

۱۴۰. حَدَّدَهُ: حد های آن (احکام آن).

۱۴۱. وَأَنْتَنِي: پرهیز کرد.

۱۴۲. الْقَاتَةُ: پرهیز کردن.

۱۴۳. لَا يَفْضِيُ: می جو شد (زیاد شود).

۱۴۴. مَهَا: گوارا.

۱۴۵. مَجْمِعًا: محل کردن.

۱۴۶. مَحْشِدًا: مرکز تجمع مردم.

۱۴۷. اَسْلَفَنَا: قبلاً به جا آورده ایم.

۱۴۸. تَوْبَةً نَصْوَحَ: توبه خالص.

۱۴۹. الْأَرْتِيَابُ: شک کردن.

۱۵۰. الْوَعِيدُ: وعده به عقوبت.

۱۵۱. كَآبَةً شَدَّتْ حَزْنَ: کآبة شدت حزن.

۱۵۲. أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ: بهترین عدالت و وزان.

۱۵۳. مِنْ سَلْفٍ: گذشتگان.

۱۵۴. مِنْ غَيْرِ: زنده ها.

۱۵۵. رُغْبَ الْهُ: موردی که به او میل و رغبت شود.

۱۵۶. أَكْفَنِ: کافی ترین.

۱۵۷. أَعْلَنَ: عطا کننده ترین (بخشنده ترین).

۱۱۳. دُخْرَهُ: ذخیره.

۱۱۴. الْمَحْرُوصُ عَلَيْهِ: مورد رغبت شدید.

۱۱۵. أَبْلَغَهُ: برسان.

۱۱۶. تَشَاؤلُ: به دست آوردن.

۱۱۷. أَذْنَاهُ: مارابرسان.

۱۱۸. ذَرْ كَاهُ: به دست آوردن.

۱۱۹. شَهُورُ الدَّهْرِ: ماه های عمر.

۱۲۰. الْأَسْفَنَا: مکث مختصر کردیم.

۱۲۱. لَئِنْهُ: ابتلا به گناه.

۱۲۲. اَنَّهُ: گناه.

۱۲۳. اَنْتَهِكَاهِرَهُ: رعایت نکردم حرمت را.

۱۲۴. لَانْتَصِبَنَا: قرار نده.

۱۲۵. الشَّامَ: شمات کننده.

۱۲۶. لَاتَبْسُطَ: بازنکن.

۱۲۷. الْطَّاعُونُ: طمعه زنان.

۱۲۸. حَلَّةً رَبِيزَشَ:.

۱۲۹. لَانْتَفَدَ: تمام نشود.

۱۳۰. بَارِكُ لَنَا: بر ما مبارک کن.

۱۳۱. مَرْ عَلَيْنَا: بر ما گذشته است.

۱۳۲. أَجْلَبَ: جلب کننده ترین.

۱۳۳. أَمْحَا: محروم کننده ترین.

۱۳۴. وَمَأْلَئَنِ: آن چه علنى است.

۱۳۵. اَسْلَيْنَا: مارا جدا کن.



## دعاوه في عيد الفطر والجمعة

وكان من دعائيه عليه السلام في يوم الفطر إذا انصرف من صلاته قام  
قائما ثم استقبل القبلة، وفي يوم الجمعة، فقال:

(١) يا من لا يزحّم من لا يزحّم العباد، يا من يقبل من لا تقبله البلاد،  
يا من لا يخفي أهل الحاجة إليه، يا من لا يخيب المليحين عليه، يا من  
لا يبغى بالرّد أهل الدّالّة عليه، يا من يختبى صغير ما يُشخّص به، و  
يشكرّ يسير ما يفعل له، يا من يشكّر على القليل ويُجازى بالجليل، يا  
من يذنو إلى من ذنا منه، يا من يذغى إلى نفسه من أذبر عنه، يا من  
لا يغيّر النّسمة، ولا يبادر بالنّقيمة، يا من يثمر الحسنة حتى يُثبّتها،  
ويتجاوز عن السيئة حتى يُغفّها.

(٢) انصرفت الآمال دون مدعٍ<sup>١٤</sup> كزيرك بال حاجات، وامتلأ ثيابك  
جودك أوزعية الطلباء، وتسّاحت دون بلوغ نعنىك الصّفات، فلَكَ الفُلو<sup>١٥</sup>  
الأعلى فوق كلّ عالٍ، والجلال الأَمْبَدُ<sup>١٦</sup> فوق كلّ جلالٍ، كُلُّ جليلٍ عِنْدَكَ  
صَغِيرٌ، وَكُلُّ شَرِيفٍ في جنبِ شَرِيفٍ حَقِيقٍ.

## دعای چهل و ششم

### دعای عید فطر و روز جمعه

(۱) ای خدایی که رحمت فراگیر است و آنان را که مورد رحمت و شفقت هیچ کس نیستند، بارحمت خود نوازش می‌کنی و کسانی را که رانده می‌شوند، می‌پذیری و هرگز حاجت‌مند را خوار نمی‌کنی و آنان را که در سوال اصرار می‌ورزند، نویسید نمی‌کنی و ای خدایی که آنانی را که به رحمت تو مغفول‌نموده محروم نمی‌کنی و ناز آنها را می‌خری و ای خدایی که تحفه‌های ناچیز را می‌پذیری و اعمال اندک را قبول می‌کنی و در برابر اطاعت اندک سپاس‌گزاری می‌کنی و پاداش بسیار عطا می‌کنی و ای خدایی که به کسانی که به درگاه تو تقرب می‌جوینند، نزدیکی و ای خدایی که فراریان از درگاه را به سوی خود می‌خوانی و هرگز نعمت خود را از آنها باز نمی‌ستانی و به عذاب و سختی مبادرت نمی‌کنی و ای کسی که اعمال نیک را به ثمر می‌نشانی و بلکه به رشد می‌رسانی و از بدی‌های می‌گذری و آنها را نابود می‌کنی.

(۲) آرزوها پیشتر از آن که به نقطهٔ نهایی کرم تو بر سد، کامیاب و برآورده می‌گردد و فیض تو، ظرفیت تمامی درخواست‌های نیازمندان را البریز کرده است و پیشتر از آن که ستایش‌گران به کنه صفات تو بر سند، به عجز و ناتوانی خود اقرار می‌کنند. پس بالاترین مقامات در رسیدن به صفات اعلای تو، کوتاه و هر جلال در مقایسه با جلال برتر تو، کمترین است و هر بزرگی در پیشگاه تو کوچک و هر شریفی در کنار شرافت تو حقیقر است.

(٣) خَابَ الْوَافِدُونَ " عَلَى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ " الْمُتَقْرِضُونَ " إِلَّا لَكَ، وَ ضَاعَ " الْمُلْمُونَ " إِلَيْكَ، وَأَجَدَبَ " الْمُشْتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ اسْتَجَعَ " فَضْلَكَ، بِإِيمَكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاغِبِينَ، وَجُحْوَدَكَ مُبَاخٌ لِلسَّائِلِينَ، وَإِغَاثَكَ " قَرِيبَةً مِنَ الْمُسْتَغْيَبِينَ "، لَا يَخِيبُ " مِنْكَ الْآمُلُونَ "، وَلَا يَنِيأسُ " مِنْ عَطَايَكَ الْمُتَقْرِضُونَ، وَلَا يَشْقَى بِنَقْتَكَ الْمُشْتَفِرُونَ.

(٤) رِزْقُكَ مُبْسُطٌ " لِمَنْ عَصَاكَ، وَ جَلْمُكَ مُغْنِيٌّ " لِمَنْ نَاوَاكَ "، عَادَتْكَ الْإِخْسَانُ إِلَى الْمُسْبِيَّينَ، وَ سُتَّتْكَ " الْإِنْقَاءَ " عَلَى الْمُعْتَدِينَ "، حَتَّى لَقَدْ غَرَّتْهُمْ " أَنَّا تَكَ " عَنِ الرُّجُوعِ، وَ صَدَهُمْ " إِنْهَاكَ " عَنِ التَّرْوِيعِ "، وَإِنَّمَا تَأْتِيَتْ " بِهِمْ لِيَنْبِثُوا " إِلَى أَنْفِكَ، وَ أَشْهَدُهُمْ " شَفَةً بِدَوَامِ مُلْكَكَ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَتَّمَ لَهُ بِهَا، وَ مَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقاوةِ خَذَّلَهُ " لَهَا.

(٥) كُلُّهُمْ صَابِرُونَ إِلَى حُكْمِكَ "، وَأَمْرُرُهُمْ آئِلَةً " إِلَى أَنْفِكَ، لَمْ يَهُنْ " عَلَى طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ، وَلَمْ يَذْهَبْ " لِتَزِيكَ مُعَاجِلَتِهِمْ بِزَهَانُكَ، حَجَّتْكَ قَائِمَةً لَا تُذْخَشُ، وَسُلْطَانُكَ ثَابِتٌ لَا يَزُولُ، فَالْوَيْلُ " الدَّائِمِ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ "، وَالْغَيْبَةُ الْخَادِلَةُ لِمَنْ خَابَ مِنْكَ، وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ اغْتَرَّ بِكَ، مَا أَكْثَرَ تَضَرُّفَهُ فِي عَذَابِكَ، وَمَا أَطْلَوَ تَرْذُدَهُ فِي عِقَابِكَ، وَمَا أَبْعَدَ غَايَتَهُ مِنَ الْفَرْجِ، وَ مَا أَقْنَطَهُ " مِنْ سُهُولَةِ الْمُخْرِجِ " اعْذَلًا مِنْ " قَصَائِكَ لَا تَحُورُ فِيهِ، وَإِنْصَافًا مِنْ حُكْمِكَ لَا تَحِيفُ " عَلَيْهِ.

(۳) هر کس به درگاه غیر توروی آورد، به نومیدی می‌گراید و هر کس جز ترا بخواند، زیان می‌بیند و هر کس جز فضل ترا جست و جو کنده، هرگز از خشک زارها برگی نمی‌چیند. درگاه تو برای هر کس که به آن تعامل یابد گشوده است و همه سؤال کنندگان از سوی تو اجازه یافته‌اند و فریاد تعامی کمک طلبان و امانده را به زودی اجابت می‌فرمایی و هرگز در امیدواری به تو، پریشانی راه ندارد و برای درخواست کنندگان درگاه تو، یأس و نومیدی نیست و هرگز آنان که طلب آمرزش از تو دارند به تیره روزی گرفتار نمی‌گردند.

(۴) سفره روزی تو برای تبه کاران گستره بوده و پنهان حلم تو دشمنان را فراگرفته است. عادت تو احسان به بدکاران و شیوه و روش تو مهلت به ستم کاران می‌باشد و آن چنان صبر تو آنان را مغور ساخته و خودداری تو از بر اندازی ظالمان، آنان را برابر آن داشته که با آسایش خیال به ظلم ادامه دهنده. اگر چه این مهلت تو از آن رو است که تسلیم امر تو شوند و تو بر اساس اعتماد به دوام سلطنت خود به آنان مهلت داده‌ای و سرانجام، اهل سعادت به خیر و خوش‌بختی می‌گرایند و اهل شفاوت به بدعاقبتی و بدفرجاتی دچار می‌گردند.

(۵) همه بندگان در نظام نکرین به همان سوی روانند که حکم تو جاری است و تعامی شنون آنان به خواست تو بر می‌گردد و زندگی طولانی آنان کمترین کاستی در سلطنت تو ایجاد نمی‌کند و هیچ گاه مهلت یافتن آنان موجب بطلان برهان روشن تو نمی‌شود، بلکه حجت و استدلال تو همیشه پارچا و زوال ناپذیر و ثابت و استوار است. پس نفرین دائم برای کسی که از تو روی گرداند و پریشانی و نومیدی بیچاره کننده نصیب کسی باد که از درگاهت مأیوس است و بدترین نگون بختی بر آن کس که رحمت و غفران تو مایه غرور او گردد، چه بسیار در عقاب تو دست و پامی زند و چه بلند مدت در عذاب تو باقی می‌مانند و چه دور از چاره‌اندیشی‌اند و چه مأیوس از نجات یافتن! ولی قضا و قدر تو عدل محض است و هیچ گاه فرمانت از انصاف بر کنار نبوده است.

(٦) فَقَدْ ظَاهَرَتِ<sup>٨</sup> الْحُجَّجَ، وَأَبَيَتِ<sup>٩</sup> الْأَغْذَارَ، وَقَدْ تَقَدَّمَتِ<sup>١٠</sup> بِالْوَعِيدِ،  
وَتَلَطَّفَتِ<sup>١١</sup> فِي التَّرْغِيبِ، وَضَرَبَتِ<sup>١٢</sup> الْأَمْثَالَ، وَأَطْلَتِ<sup>١٣</sup> الْأَمْهَالَ، وَأَخْزَتِ<sup>١٤</sup>  
أَنْتَ مُشْتَطِيعَ لِلشَّاعِلَةِ<sup>١٥</sup>، وَتَأَنَّىتِ<sup>١٦</sup> وَأَنْتَ مَلِيٌّ<sup>١٧</sup> بِالسَّبَادَرَةِ<sup>١٨</sup>. لَمْ تَكُنْ  
أَنْتُكَ عَجْزًا، وَلَا إِمْهَالُكَ وَهُنَّا<sup>١٩</sup>، وَلَا إِمْسَاكُكَ غَفْلَةً، وَلَا انتِظَارُكَ مَدَارَةً<sup>٢٠</sup>،  
بَلْ لَتَكُونَ حَجَّكَ أَبْلَغَ<sup>٢١</sup>، وَكَرْمَكَ أَكْتَلَ، وَإِخْسَانُكَ أَوْفَى<sup>٢٢</sup>، وَنِفَقَتُكَ أَتَمَّ كُلُّ  
ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَرَزِلْ<sup>٢٣</sup>، وَهُوَ كَانَ وَلَا تَرَالْ<sup>٢٤</sup>. حَجَّكَ أَجْلُ<sup>٢٥</sup> مِنْ أَنْ تُوصَفَ<sup>٢٦</sup>  
بِكُلِّهَا، وَمَجْدُكَ أَوْعَ<sup>٢٧</sup> مِنْ أَنْ يُحَدَّ<sup>٢٨</sup> بِكُنْهِهِ، وَنِفَقَتُكَ أَكْثَرُ<sup>٢٩</sup> مِنْ أَنْ تُخْصَنِ<sup>٢٩</sup>  
بِأَسْرِهَا<sup>٣٠</sup>، وَإِخْسَانُكَ أَكْثَرُ<sup>٣١</sup> مِنْ أَنْ تُشَكَّرَ عَلَى أَقْلِمِ.

(٧) وَقَدْ قَسَرَ بِي السُّكُوتُ<sup>٣٢</sup> عَنْ تَحْمِيدِكَ، وَفَهْمَتِي<sup>٣٣</sup> الْإِنْسَاكَ عَنْ  
تَحْمِيدِكَ، وَقُصَارَى<sup>٣٤</sup> الْأَفْرَارُ بِالْحُسُورِ<sup>٣٥</sup>، لَرَغْبَةً - يَا إِلَهِي - بَلْ عَجْزاً. فَهَا  
أَنَا ذَا أَوْلَمَكِ<sup>٣٦</sup> بِالْأَفْوَادَةِ<sup>٣٧</sup>، وَأَشَأْلَكَ حُسْنَ الرِّفَادَةِ<sup>٣٨</sup>، فَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ  
اשْتَغَلْتُ بِنَجْوَائِ<sup>٣٩</sup>، وَاشْتَجَبْتُ دُعَائِي، وَلَا تَخْتِمْ بِيَؤْمِنِ بِخَيْرِي<sup>٤٠</sup>، وَلَا تَبْهَبْنِي<sup>٤١</sup>  
بِالرَّاءِ فِي مَسَائِلِي، وَأَكْرَمْ مِنْ عَيْدِكَ مُنْصَرِفِي، وَإِلَيْكَ مُنْتَلِي<sup>٤٢</sup>، إِنَّكَ عَيْرِ  
ضَانِقٍ<sup>٤٣</sup> بِمَا تُرِيدُ، وَلَا عَاجِزٌ عَمَّا تُشَالُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَئِ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ  
وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

(۶) خدایا، دلیل‌ها و برهان‌های ناپیوسته برای هدایت بندگان خود ارائه فرمودی  
و عذرها را قطع کردی و با وعده‌ها و تهدیدها و سپس تشویق‌ها و نیز بیان  
ضرب المثل‌ها و تأخیر عقوبت و دادن مهلت بازگشت، حجت را بر بندگان تمام  
کردی و عذر آنها را قطع کردی و حال آن که می‌توانی با شتاب تمام بر آنها سخت  
بگیری و با وجود قدرت بر عقوبت هم چنان حلم ورزیدی و صبر تو از روی عجز و  
مهلت تو از روی سستی و خودداری تو از روی غفلت نبود و هرگز تأخیر عقوبت و  
مهلت به ته کاران به دلیل دوری از شرور آنان نیست، بلکه از آن روست که فرصتی  
برای فکر و تصمیم یابند و عقوبت الهی را بر کردارهای خود مطابق با حکمت و  
معقول و عادلانه بیابند. خدایا، حقیقت برهان تو قابل وصف نیست و هرگز به کنه  
مجده و بزرگواری تو نتوان رسید و نعمت‌هایت قابل شمارش نیست و ستایش  
کمترین احسان تو مقدور نیست.

(۷) ای معبد من، سکوت از ستایش تو تقصیر و کوتاهی و خودداری از تمجید  
تو عجز، درمانگی و محدودیت در گفتار است. بنابراین، آخرین چاره من اقرار به  
ناتوانی است، نه از آن نظر که از تور روی گردان باشم، بلکه به جهت عجز خود. اکنون  
این منم که به درگاه پناهنه شده‌ام و درخواست بهترین کمک را از تو دارم. پس بر  
محمد و آل محمد درود فرست و به مناجات من توجه نموده و دعایم را مستجاب  
فرما و روزم را به نومیدی ختم مکن و درخواست را رد منا و مرا محروم مدار و  
جایگاهم را نزد خود گرامی بدار، زیرا من به درگاه تو پناهنه شده‌ام که هیچ کاری  
برای تو ساخت نیست و به برآوردن هر خواسته توانایی و بر همه چیز قدرت مندی و  
هیچ نیرو و قدرت نیست مگر آن که به قدرت بلندپایه و باعظمت تو استوار است.

## واژه‌ها:

۱. بقیل: می پذیرد.  
 ۲. لا یحترف: کوچک نشمارد.  
 ۳. لا یخوب: نومید نشود.  
 ۴. ملتفین: اصرار کننده در حاجت.  
 ۵. لا یجه: ردنی کند.  
 ۶. اهل الدائة: آن که با اطمینان به محبت جسورانه سخن گوید و یاناز می کند.  
 ۷. بیعنی: انتخاب کند و برگزینند.  
 ۸. پنهان: تخفه‌ای که تقدیم به او شد.  
 ۹. بچاری: کیفر دهد.  
 ۱۰. یدنو: نزدیک شود.  
 ۱۱. اهبر: پشت کرده.  
 ۱۲. لا یمادر: عجله نکند.  
 ۱۳. نقصه: عذاب.  
 ۱۴. پصر: به ثمر نشاند.  
 ۱۵. پنهیها: به رشد برساند.  
 ۱۶. پنهیها: محوش می کند.  
 ۱۷. انصرفت: رجوع کند.  
 ۱۸. دون مدبی: قبل از انتهای.  
 ۱۹. نفستخت: عاجز ماند.  
 ۲۰. علو: برتری.  
 ۲۱. امجد: بالاترین.  
 ۲۲. وافد: وارد.  
 ۲۳. خسر: به خسران رسید.

۲۴. متعرضون: طلب کنندگان.  
 ۲۵. ضایع: ضایع شد.  
 ۲۶. ملتون: درخواست کنندگان.  
 ۲۷. اجدب: نومید شد.  
 ۲۸. اتحمیع: درخواست کند.  
 ۲۹. إغاثة: فریادرسی.  
 ۳۰. مستغثین: فریاد برآورندگان.  
 ۳۱. لا یخوب: نومید نشود.  
 ۳۲. آملون: امیدواران.  
 ۳۳. لا یاس: نومید نشود.  
 ۳۴. میسوط: گسترده.  
 ۳۵. مفترض: آماده.  
 ۳۶. ناواک: با تو دشمنی کند.  
 ۳۷. ست: طریقه.  
 ۳۸. ابقاء: باقی داشتن.  
 ۳۹. معدین: تجاوزگران.  
 ۴۰. غرّتهم: آنان را گول زده.  
 ۴۱. اناه: مهلت.  
 ۴۲. صدمهم: آنان را منع کرده.  
 ۴۳. ایمهال: مهلت دادن.  
 ۴۴. نزوع: کننده شدن.  
 ۴۵. تائیت: صبر کردن.  
 ۴۶. یغیتو: برگرداند.  
 ۴۷. امہلتهم: مهلتشان دادی.

- ۴۸. خذله: بیچاره اش کردی.
- ۴۹. صائزون الی حکمک: به سوی حکم تو  
برگردند.
- ۵۰. آنله: برگشت کننده.
- ۵۱. لم یهن: ضعیف نشود.
- ۵۲. لم یدخن: باطل نشود.
- ۵۳. ویل: عذاب الیم.
- ۵۴. جنح عنک: از تو روی گرداند.
- ۵۵. اقطعه: او را مایوس ساخت.
- ۵۶. عدلاً منه: رویگردن از او.
- ۵۷. لاتعیف: ظلم نمی‌کنی.
- ۵۸. ظاهرت: آشکار ساختن.
- ۵۹. ابلیت: بیان کردی.
- ۶۰. آقذار: عذرها.
- ۶۱. تلفظت: لطفات تمام ورزیدی.
- ۶۲. ترغیب: واداشتن.
- ۶۳. امثال: مثال‌ها.
- ۶۴. اطلت‌الاممال: مهلت را طولانی کردی.
- ۶۵. معاجله: شتاب کردن.
- ۶۶. تائیت: مهلت دادی.
- ۶۷. ملن: تواننا.
- ۶۸. میادر: سبقت جستن.
- ۶۹. وهن: سستی.
- ۷۰. مدار: سازش.
- ۷۱. ابلغ: رساتر.
- ۷۲. اوفن: تمام‌تر.
- ۷۳. لم تُزل: از ازل بوده.
- ۷۴. ولانزال: همیشه خواهد بود.
- ۷۵. حجتک: دلیل تو.
- ۷۶. توصف: به وصف درآید.
- ۷۷. ارفع: بلند مقام‌تر.
- ۷۸. پُعد: محدود شود.
- ۷۹. تحصی: شمرده شود.
- ۸۰. پاسرهای: به تمام آنها.
- ۸۱. قصر بی السکوت: سکوت‌تم مرا باز داشته.
- ۸۲. فقهی: مراگنگ کرده.
- ۸۳. قصارای: درنهایت.
- ۸۴. حسون: بازماندگی و خستگی.
- ۸۵. اوُمک: قصد تو را می‌کنم.
- ۸۶. وفاده: وارد شدن.
- ۸۷. رفادة: کمک.
- ۸۸. نجوا: سری سخن گفتن.
- ۸۹. خیبت: بیچارگی و محروم ماندن.
- ۹۰. لاتجهنی: مرا مردود مکن.
- ۹۱. منقلب: نقطه برگشت.
- ۹۲. غیر ضاق: محدود و دست بسته نیستی.

## دعاوه في يوم عرفة

وَكَانَ مِنْ دُعَايَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ

(١) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِنْكَارِ، رَبُّ الْأَزْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَالُوْهِ، وَخَالِقُ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَارِثُ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَغْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُعِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَّقيْطٌ.

(٢) أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرِودُ الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْغَنِيمُ الْمُتَغَنِّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْغَلِيلُ الْمُتَعَالِي، الشَّهِيدُ الْمُحَالِّيٰ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْغَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، الْقَدِيرُ الْغَيْرِ.

(٣) وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، الدَّائِمُ الْأَذْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَخِيٍّ، وَالآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدِيٍّ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الدَّائِنُ فِي عُلُوْهِ، وَالْعَالِي فِي دُنُوْهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْجَهَاءِ ۝

## دعای چهل و هفتم

### دعای روز عرفه

(۱) ستایش فقط سزاوار پروردگار جهانیان است. بار پروردگار، ستایش سزاوار تو است که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، صاحب جلال و کرامت، پروردگار تمامی مالکان، خدای تمامی مخلوقات، آفریننده همه موجودات و صاحب اصلی همه چیز هستی و هیچ کس همانند تو نیست و هیچ چیز از حیطه داشت تو خارج نیست و به همه موجودات احاطه داری و مراقب همه چیز می‌باشی.

(۲) توبی خدایی که معبدی جز تو نیست و یگانه بی‌همتای و توبی خدای پگانه‌ای که کریم و بزرگواری و بزرگی هستی و در بزرگی بی‌همتای و دارای کبریایی منحصر به فرد هستی و توبی خدای یگانه‌ای که بلندپایه و متعالی هستی و در قدرت و عقاب و مجازات بسیار سخت‌گیر هستی و توبی خدای یگانه‌ای که رحمان و رحیمی و علیم و حکیمی و توبی خدای یگانه‌ای که شناو و بینا و قدیم و آگاهی و توبی خدای یگانه‌ای که کریمی و در کرامت یگانه‌ای و دایمی و در دوام بی‌انتها هستی.

(۳) خدایا، توبی خدای یگانه‌ای که پیش و بعد از هر چیز هستی و توبی خدای یگانه‌ای که از بالاترین مرتبه هستی به پست ترین مرتبه هستی احاطه کامل داری و در پایین ترین مرتبه هستی بالاترین موجودی و توبی یگانه‌ای که صاحب نورانیت و بزرگی و کبریایی و صاحب هر ستایش در عالم هستی و توبی یگانه‌ای که جز تو

وَالْمُجِدٌ<sup>١١</sup>، وَالْكَبِيرٌ يَا<sup>١٢</sup> وَالْحَمِيدٌ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الَّذِي أَنْشَأَتِ  
الْأَنْشِيَاءَ مِنْ غَيْرِ سُقْنَى<sup>١٣</sup>، وَصَوَّرَتِ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ<sup>١٤</sup>، وَابْتَدَعْتِ  
الْمُبَتَدَعَاتِ<sup>١٥</sup> بِلَا اخْتِدَاعٍ<sup>١٦</sup>، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ  
شَيْءٍ تَسْبِيرًا<sup>١٧</sup>، وَدَبَّرْتَ مَا دَوَنَكَ<sup>١٨</sup> تَدْبِيرًا.

(٤) أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ<sup>١٩</sup> عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَلَمْ يُوازِنْكَ<sup>٢٠</sup> فِي أَشْرِكٍ  
وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ<sup>٢١</sup> وَلَا تَظْيِيرٌ، أَنْتَ الَّذِي أَرْدَتَ فَكَانَ حَسْنًا<sup>٢٢</sup> مَا  
أَرْدَتَ، وَقَضَيْتَ<sup>٢٣</sup> فَكَانَ عَذَلًا مَا قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ بِصَفَّا<sup>٢٤</sup> مَا حَكَمْتَ،  
أَنْتَ الَّذِي لَا يَخُوِّيكَ<sup>٢٥</sup> مَكَانٌ، وَلَمْ يَقْعُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُغْنِيكَ<sup>٢٦</sup>  
بِزَهَانٍ<sup>٢٧</sup> وَلَا بِيَانٍ.

(٥) أَنْتَ الَّذِي أَخْصَيْتَ<sup>٢٨</sup> كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلَّ شَيْءٍ أَمْدَادًا<sup>٢٩</sup>، وَ  
قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصَرْتَ<sup>٣٠</sup> الْأَوْهَامُ عَنْ ذَايَتِكَ، وَعَجَزْتَ  
الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَتِكَ، وَلَمْ تُذْرِكَ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَتِكَ<sup>٣١</sup>، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَدِّدُ  
فَتَكُونَ مُخْدُودًا، وَلَمْ تُمْثِلْ<sup>٣٢</sup> فَتَكُونَ مُؤْجُودًا، وَلَمْ تُلِدْ فَتَكُونَ مَوْلُودًا.

(٦) أَنْتَ الَّذِي لَا ضَدَّ مَعْكَ فَيَعِنْدُكَ<sup>٣٣</sup>، وَلَا عِدْلٌ<sup>٣٤</sup> لَكَ فِي كَايِزِرَكَ<sup>٣٥</sup>، وَلَا نِدَاءٌ<sup>٣٦</sup>  
لَكَ فِي مَعِارِضِكَ<sup>٣٧</sup>، أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ، وَاخْتَرَعَ<sup>٣٨</sup>، وَاسْتَخَدَ<sup>٣٩</sup>، وَابْتَدَعَ<sup>٤٠</sup>، وَ  
أَخْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ، سُبْحَانَكَ مَا أَجْلَ شَانَكَ، وَأَنْتَ<sup>٤١</sup> فِي الْأَمَاكِينِ مَكَانَكَ،  
وَأَضْدَعُ<sup>٤٢</sup> بِالْحَقِّ فُزْقَانَكَ<sup>٤٣</sup>! سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا الْطَّفْكَ، وَرَزُوفٍ مَا  
أَرْأَفَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَغْرَفَكَ! سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكٍ<sup>٤٤</sup> مَا أَمْتَكَ<sup>٤٥</sup>، وَجَوَادٍ مَا  
أَوْسَقَكَ<sup>٤٦</sup>، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَقَكَ<sup>٤٧</sup>!

نیست و اشیا را بدون الگو ساخته و موجودات را بدون هرگونه شبیه چهره‌نگاری نمودی و همه عالم را بدون پیشینه ساختی و از هیچ موجودی تقلید نکردی و اندازه همه چیز را تقدیر فرمودی و رسیدن به اهداف و حرکت به سوی مقاصد را آسان نمودی و به تدبیر همه جهان برخاستی.

(۴) خدای، تو بی خدای یگانه‌ای که هرگز کسی تو را در آفرینش باری نکرده و در کار خود با دیگری مشاوره و رایزنی ننمودی و هیچ گاه کسی کار تو را مشاهده ننمود و نظیری برای تو نیست، زیرا راه فرمودی و مقصود تو حاصل شد و فرمان راندی و آن چه انجام شد عدل محض و انصاف بود. مکانی بر تو محیط نیست و هیچ قدر تی بر قدرت و سلطنت تو حاکم نیست و هرگز اقامه بر هان و بیان تو را خسته نمی‌کند.

(۵) خدای، تو همه چیز را به شماره درآورده‌ای و برای هر چیز مدتی مشخص قرار داده‌ای. عقل‌ها از درک ذات تو قادر و فهم‌ها از ادراک کیفیت تو عاجز است و هیچ چشمی تو را ندیده و هیچ حد و مرزی نداری و هرگز به صورت ذهنی در نمی‌آیی تا مورد ادراک قرار گیری و نظیر تو را تصور کنند و هیچ گاه تو را به وجود نیاورده‌اند، تو نمی‌زایی، تا زایده شوی.

(۶) خدای، تو ضد نداری تابا تو عناد و رزد و مانند نداری تا تو را زیاد کند و مثل نداری تابا او معارضه نماید. تو ابتدا کردی و نتوآوری نمودی و پدید آوردنی و الگو نگرفتی و بهترین را ساختی. منزه‌ی تو! چه قدر شان تو جلالت دارد و مکانت تو بلندپایه است و میزان حق تو روشن و ظاهر است. منزه‌ی تو! در لطفت فوق العاده‌ای و بسیار مهربان و در حکمت خود چه قدر آگاهی اچه اندازه در حاکمیت خود استوار و در جود خود وسیع و در بلندای مقامت رفیعی!

(٧) ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ. سُبْحَانَكَ بِسْطَتْ بِالْعَيْرَاتِ<sup>١٨</sup>  
 يَدَكَ، وَعَرِقَتِ الْهِدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنِ التَّمَسَكَ<sup>١٩</sup> لِدِينِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ<sup>٢٠</sup>!  
 سُبْحَانَكَ حَضَّعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عَلْمِكَ<sup>٢١</sup>، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ<sup>٢٢</sup>  
 عَوْنَىكَ<sup>٢٣</sup>، وَانْقَادَ<sup>٢٤</sup> لِلتَّشْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ! سُبْحَانَكَ لَا تُخْشَى<sup>٢٥</sup> وَلَا تُجْسَى<sup>٢٦</sup>  
 وَلَا تُتَمَّشُ<sup>٢٧</sup> وَلَا تُكَادُ<sup>٢٨</sup> وَلَا تُسَاطِ<sup>٢٩</sup> وَلَا تُتَازَّعُ<sup>٣٠</sup> وَلَا تُجَارِىٰ<sup>٣١</sup> وَلَا تُسَارِىٰ<sup>٣٢</sup>  
 وَلَا تُخَادَعُ<sup>٣٣</sup> وَلَا تُسَاكِرُ<sup>٣٤</sup>!

(٨) سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدَّدَهُ<sup>٣٥</sup>. وَأَمْرُكَ رَشَدَ، وَأَنْتَ حَقٌّ صَمَدٌ<sup>٣٦</sup>! سُبْحَانَكَ  
 قَوْلُكَ حُكْمٌ<sup>٣٧</sup>، وَقَصَاوُكَ حَثْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ<sup>٣٨</sup>! سُبْحَانَكَ لَا رَادٌ لِمَسْتَشِيكَ،  
 وَلَا مُبْدِلٌ لِكَلِمَاتِكَ! سُبْحَانَكَ باهِرٌ<sup>٣٩</sup> الْآيَاتِ، فاطِرٌ<sup>٤٠</sup> السَّمَاوَاتِ، بارِئٌ<sup>٤١</sup>  
 السَّسَاسَاتِ<sup>٤٢</sup>! لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا<sup>٤٣</sup>  
 يَنْغُثِيكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوازِي<sup>٤٤</sup> صُنْقَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى  
 رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَفْصُرُ عَنْهُ شُكْرٌ كُلُّ  
 شَاكِرٍ.

(٩) حَمْدًا لَا يَتَبَغِي<sup>٤٥</sup> إِلَّا لَكَ، وَلَا يَتَغَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ<sup>٤٦</sup> بِهِ  
 الْأَوَّلُ، وَيُسْتَدِعُنِي بِهِ دَوْمَ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعِفُ<sup>٤٧</sup> عَلَى كُرُورِ الْأَزْمَةِ<sup>٤٨</sup>،  
 وَيَتَزايدُ<sup>٤٩</sup> أَضْعافًا مُتَرَادِفَةً<sup>٥٠</sup>، حَمْدًا يَغْرِي<sup>٥١</sup> عَنِ إِحْصَانِهِ<sup>٥٢</sup> الْحَفَظَةُ<sup>٥٣</sup>، وَيَزِيدُ<sup>٥٤</sup>  
 عَلَى مَا أَخْصَّهُ فِي كِتَابِكَ الْكِتَبَةُ<sup>٥٥</sup>، حَمْدًا يُوازِنُ<sup>٥٦</sup> عَوْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعادِلُ<sup>٥٧</sup>

(۷) خدایا تو دارای نور و بزرگی و زیننده ستایشی، تو منزه‌ی ادست‌های قدرت  
تو برای گسترش نیکی‌ها باز است و هدایت فقط از درگاه تو شناخته شده و هر کس  
تو را برابر دین و یادنی طلب کند، فضل تو را در رسیدن به مقصودش می‌بیند. منزه‌ی  
تو! آن چه در علم نامتناهی تو حاضر است، در برابر تو خاص‌بوده و آن چه در سایه  
عرش تو مستقر می‌باشد، در برابر تو خاشع است و تمامی خلائق مطیع و تسلیم تو  
می‌باشند و تو نه در حس درمی‌آینی و نه قابل دست‌یابی هستی و نه قابل لمسی و نه در  
کید کسی در می‌آینی و نه می‌توان تو را دور کرد و نه امکان دشمنی با تو هست و نه  
می‌توان با تو به بحث و جدل نشست و نه به نیرنگ و مکر کسی گرفتار می‌شود.

(۸) خدایا، راه تو هموار و راه کارهای تو مایه‌ی رشد و هدایت است و تو زنده‌ای و  
همه خلائق به تو نیاز دارند. منزه‌ی تو، سخن تو حکمت و نگاه دارنده از گمراهی  
است و آن چه را اراده فرمایی، تخلف‌ناپذیر است و هرگونه ایجاد تو قطعی و  
تفاوت‌ناشدنی است. منزه‌ی تو، مشیت تو مزاحم و مانع ندارد و آن چه را اظهار فرمایی  
تفاوت و تبدیل نمی‌یابد. منزه‌ی تو، نشانه‌های تو روشن است و تو آفریننده آسمان‌ها  
و پدید آورنده جان‌ها هستی و ستایش تو را، ستایشی که به دوام تو دائم و همانند  
نعمت‌های تو جاودانه و به موازات افعال و مصنوعات تو باشد و بر رضای تو بیفزاید  
و ستایش تو را با هر ستایش‌گر و سپاس تو را فوق طاقت هر سپاس‌گزار؛ به حدی که  
هیچ کس توان آن را نداشته باشد.

(۹) خدایا، ستایش تو را به گونه‌ای که غیر تو را نشاید و فقط موجب تقرب به تو  
باشد و ستایشی که با آن نعمت‌های اولیه تو ادامه یابد و نعمت‌های پس از آن را در پی  
داشته باشد و پیوسته در گذر ایام افزون گردد و این فزونی پی در پی افزایش یابد؛  
ستایشی که فرشتگان از شمارش آن باز مانند و از آن چه نگاشته‌اند بیش باشد، سپاسی  
که هم وزن عرش بلندت و معادل تخت عظمت تو گردد؛ ستایشی که ثواب آن از

كُزِّيَّكَ<sup>٨١</sup> الرَّفِيعُ، حَمْدًا يَكُنْ لَدِينَكَ ثَوَابُهُ وَيَسْتَغْرِقُ<sup>٨٢</sup> كُلَّ جَزَاءٍ جَزاً وَهُ حَمْدًا ظَاهِرَهُ وَفَقْ<sup>٨٣</sup> لِيَاطِيهِ، وَبَاطِنَهُ وَفَقْ لِصَدْقِ النَّيَّةِ.

(١٠) حَمْدًا لَمْ يَخْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سُواكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانِ<sup>٨٤</sup> مِنْ اجْتَهَدَ فِي تَعْوِيدِهِ، وَيُؤْيَدُ مِنْ أَغْرِقَ<sup>٨٥</sup> نَزْعًا<sup>٨٦</sup> فِي تَوْفِيقِهِ، حَمْدًا يَجْعَلُ مَا خَلَقَتِ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَسْتَقْبِلُ مَا أَنْتَ خَالِقَهُ مِنْ بَعْدِهِ، حَمْدًا لَأَحَدٍ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَخْمَدَ<sup>٨٧</sup> مَسْنَى يَسْخَمُدُكَ بِهِ، حَمْدًا يُسُوجُ بِكَرِمِكَ الْمُزِيدَ<sup>٨٨</sup> بِوْفُورَهُ، وَتَصْلِهَ<sup>٨٩</sup> يَتَزِيدُ بِهَذِهِ مَيْدَ طَوْلًا<sup>٩٠</sup> مِنْكَ، حَمْدًا يَعْبُدُ لِكَرِمِ وَجْهِكَ<sup>٩١</sup>، وَيَقْبَلُ عَزَّ جَلَالِكَ.

(١١) رَبُّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَجَبٌ<sup>٩٢</sup> الْمُضْطَقُ<sup>٩٣</sup> الْمُكَرَّمُ الْمُقْرَبُ، أَفْضَلُ صَلَواتِكَ، وَبَارِكُ<sup>٩٤</sup> عَلَيْهِ أَتَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْنَعُ<sup>٩٥</sup> رَحْمَاتِكَ، رَبُّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةُ رَائِبَةٍ<sup>٩٦</sup> لَا تَكُونُ صَلَةً أَذْكَنِي مِنْهَا، وَصَلٌّ عَلَيْهِ صَلَةُ نَامِيَّةٍ<sup>٩٧</sup> لَا تَكُونُ صَلَةً أَنْتَ<sup>٩٨</sup> مِنْهَا، وَصَلٌّ عَلَيْهِ صَلَةُ رَاضِيَّةٍ<sup>٩٩</sup> لَا تَكُونُ صَلَةً فَوْقَهَا، رَبُّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةُ تُرْضِيَّهُ<sup>٩٩</sup> وَتَزِيدُ عَلَى رِضاَهُ، وَصَلٌّ عَلَيْهِ صَلَةُ تُرْضِيَّكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضاَكَ لَهُ، وَصَلٌّ عَلَيْهِ صَلَةُ لَا تُرْضِيَ<sup>٩١٠</sup> لَهُ إِلَيْهَا، وَلَا تَرَنِي غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبُّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةُ تُجَاوِزُ<sup>٩١١</sup> رِضْوَانَكَ، وَيَسْتَعِلُ اتِّصالُهَا بِسَبَقِكَ، وَلَا يَنْقُدُ كَمَا لَا تَنْقُدُ<sup>٩١٢</sup> كَلِمَاتَكَ.

(١٢) رَبُّ صَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَةُ تَسْتَقِيمُ<sup>٩٣</sup> صَلَواتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَاكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَسْتَعِلُ عَلَى صَلَواتِ عِبَادَكَ مِنْ جِنَّكَ

تمامی جزاها و ثواب‌های دیگر بزرگ‌تر و بیشتر باشد؛ شکری که ظاهر آن با واقع مطابق و باطن آن با ظاهر هم آهنگ باشد، زیرا که از صدق نیت برخیزد.

(۱۰) ستایش تورا، ستایشی که هیچ کس مثل آن را ادا نکرده است و غیر از تو از فضل آن آگاه نیست؛ ستایشی که هر کسی در انجام آن کوشش کند، پاری من شود و هر کس در کامل شدن آن تلاش نماید، کمک من گردد؛ ستایشی که تمام سپاس‌های را که خلق فرموده‌ای، شامل گردد و تمام سپاس‌های پس از این را در نظام خود جای دهد؛ ستایشی که به متودن تو نزدیک‌تر است؛ ستایشی که شکری بهتر از آن صورت نگیرد؛ ستایشی که با کرم تو موجب از دید نعمت‌ها شود؛ ستایشی که زینده و باسته کرامت محضر تو بوده و با عزت و جلالت تو همسان باشد.

(۱۱) پارپروردگار، بر محمد و آل محمد - بنده محلص، گرامی و مقرب خود - برترین درودهای خود را روابدار و کامل ترین برکات و گوارانترین رحمت را نازل بگردان. پروردگار، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ بالاترین درودی که روز افزون و فراوان است و هیچ صلواتی بیشتر و پاکیزه‌تر از آن نیست و نیز صلوات خود را که مورد رضایت تو است و درودی برتر از آن وجود ندارد، به او تقدیم بدار و درودی که تو خشنود باشی و بر رضایت او بینزاید به او کرامت فرما و نیز درودی که آن را زینده کسی جز او نمی‌دانی و دیگری را لایق آن نمی‌بینی، به او عطا فرما.

پروردگار، درودی بر او نثار کن که از استحقاق او افزون باشد و آن را به ابدیت خود ابدی بدار و آن چنان که کلمات تو کاستی و نیستی نمی‌پذیرد، آن را همیشگی بفرما.

(۱۲) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست؛ درودی که تمامی درودهای فرشتگان، پیامبران، رسولان اهل طاعت را فراگیرد و نیز صلوات تمامی بندگان تو، اعم از جنیان و انسان‌ها و قوای عالم و صاحب نفسان از بندگانت را شامل گردد و جامع همه تحیات هر کس و هر ذره که از اصناف خلق آفریده‌ای، بشود.

وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابِكَ<sup>١١</sup>، وَتَخْيِيمُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ مِنْ ذَرَاتٍ<sup>١٢</sup> وَبَرَاتٍ<sup>١٣</sup> مِنْ أَضْنَافِ خَلْقِكَ. رَبُّ صَلْ عَلَيْهِ وَآلِهِ، صَلَاةٌ تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ<sup>١٤</sup> وَمُسْتَأْنِفَةٍ<sup>١٥</sup>، وَصَلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، صَلَاةٌ مَرْضِيَّةٌ لَكَ وَلِمَنْ دُونَكَ، وَشَيْئٌ مَعَ ذَلِكَ صَلَواتٌ تُضَاعِفُ مَعْهَا تِلْكَ الصَّلَواتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُوْرِ الْأَيَامِ<sup>١٦</sup> زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفَ<sup>١٧</sup> لَا يَعْدُهَا غَيْرُكَ.

(١٢) رَبُّ صَلْ عَلَى أَطَابِ<sup>١٨</sup> أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةً عَلَيْكَ، وَخَفَظَةً دِينِكَ، وَخَلْفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَجَعَلْتَكَ عَلَى عِبَادَكَ، وَطَهَرْتَهُمْ مِنَ الرَّجُسِ<sup>١٩</sup> وَالدَّنَسِ<sup>٢٠</sup> تَطْهِيرًا يَارَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ<sup>٢١</sup> إِلَى جَنَّتِكَ. رَبُّ صَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةٌ تُبَغِّزُ<sup>٢٢</sup> لَهُمْ بِهِمْ بِنَحْلَكَ<sup>٢٣</sup> وَكَرَامَتِكَ، وَتُكَمِّلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ<sup>٢٤</sup>، وَتُؤْفِرُ عَلَيْهِمُ الْعَظَظَ منْ عَوَانِيدِكَ<sup>٢٥</sup> وَفَوَائِدِكَ. رَبُّ صَلْ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةٌ لَا أَمْدَ في أَوْلَاهَا<sup>٢٦</sup>، وَلَا غَايَةٌ لِآمِدِهَا<sup>٢٧</sup>، وَلَا نِهايَةٌ لِآخِرِهَا.

(١٤) رَبُّ صَلْ عَلَيْهِمْ زَنَةٌ<sup>٢٨</sup> عَزِيزَكَ وَمَا دُونَهُ، وَمَلَأَ<sup>٢٩</sup> سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَعْنَهُنَّ وَمَا يَتَبَعْهُنَّ، صَلَاةٌ تُقْرَبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَنِي<sup>٣٠</sup>، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى، وَمَتَصَلَّهُ بِنَظَارِهِنَّ أَبْدًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ<sup>٣١</sup> بِيَامِ أَقْنَثَهُ عَلَمًا<sup>٣٢</sup> لِعِبَادِكَ، وَمَتَارًا<sup>٣٣</sup> فِي بِلَادِكَ، بَغْدَانَ وَصَلَتْ حَبْلَهُ<sup>٣٤</sup> بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الدَّرِيعَةَ<sup>٣٥</sup> إِلَى رِضْوَانِكَ<sup>٣٦</sup>، وَافْتَرَضْتَ<sup>٣٧</sup> طَاعَةَ، وَحَذَّرْتَ<sup>٣٨</sup> مَغْصِبَتَهُ، وَأَمْرَتَ بِاِمْتِنَالٍ<sup>٣٩</sup> أَوْ اِمْرِهِ، وَالْأَنْتَهَاءَ<sup>٤٠</sup> عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَيْمَنَةَ مَتَدَدِّمَ، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مَا خَرَّ، فَهُوَ عِضْمَةُ الْأَلَّادِينِ<sup>٤١</sup>، وَكَهْفُ<sup>٤٢</sup> الْمُؤْمِنِينَ وَعُزُوهُ<sup>٤٣</sup> الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبَهَاءُ الْعَالَمِينَ<sup>٤٤</sup>.

پروردگار، درودی را برو او و خاندانش او نازل گردن که مورد پسند تو و هر کس  
دیگر باشد و نیز درودی را نثار او فرماده با همه این اوصاف آن را چند برابر گردانی و  
در گذر ایمان چنان افزون گردد که جز تواز شماره آن آگاه نباشد.

(۱۳) خدایا، بر اهل بیت پاکیزه حضرت رسول درود فرست؛ هم آنان که ایشان را  
برای اجرای امر خود برگزیدی و خزابین علم خود و حافظان دینت و جانشینان خود  
در روی زمین و حجت و رهبر بندگان قرار داده‌ای و از هر پلیدی و آلدگی به اراده  
خود پاکیزه فرموده‌ای و همه آنها را وسیله راه یابی به خود و بهشت نموده‌ای.  
پروردگار، درودی به روان پاک آن امامان ثار گردن، که در اثر آن عالی ترین عطاها و  
کرامات‌های خود را به آنان عطا فرمایی و تمامی عطایا و نعمت‌های خود را کامل  
گردانی و بهره آنها را از آن نعمت‌ها بسیار نمایی. پروردگار، درودی بر آنان نازل  
گردن که بی‌آغاز و مدت آن ابدی باشد و نهایتی برای آخر آن متصور نگردد.

(۱۴) خدایا، هم‌سنگ عرشت و مالامال آسمان‌ها و فوق آنان و به مرائب  
زمین‌های هفت‌گانه و آن چه در زیر آنهاست و به اندازه بین زمین و آسمان‌ها، بر اهل  
بیت پیامبر درود فرست؛ درودی که موجب قرب و خشنودی بیشتر آنان به تو و در  
نzed تو گردد و آن درود را هم چنان پیوسته بدار. خدایا، تو دینت رادر هر زمان و هر  
دیار به وسیله امامی که او را نشانه خود قرار داده‌ای، به پاداشتی و او را راسته متصل  
بین خود و مردم و وسیله‌ای به سوی خشنودی خود قرار داده‌ای و اطاعت از او را برابر  
مردم واجب و از نافرمانی او برخیزد داشته‌ای، بلکه امر به پذیرش اوامر و دوری از  
تخلف او فرموده‌ای؛ به گونه‌ای که هیچ کس حق تقدم بر او و عقب ماندن از او را  
ندارد؛ هم او که موجب نگاه داری پناهندگان، پناه گاه و مؤمنان، دست‌گیره متمسکان و  
نور جهانیان است.

(١٥) اللهم فأذْرِعْ لِوَلِيَكَ شُكْرًا أَنْعَثْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأُوزِّغْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَ  
آتَيْهُ <sup>١٤٩</sup> مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَأَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعْنَهْ بِرُحْبَكَ الْأَعْزَرَ <sup>١٥٠</sup>،  
وَأَشْدَدْ ذَارَزَهُ <sup>١٥١</sup>، وَقَوْ عَصْدَهُ <sup>١٥٢</sup>، وَرَاعِيهُ <sup>١٥٣</sup> بِعَيْنِكَ، وَأَخِيمَهُ <sup>١٥٤</sup> بِحَفْظِكَ، وَانْصَرَهُ  
بِمَلَائِكَتِكَ، وَامْدُدَهُ <sup>١٥٥</sup> بِعَنْدِكَ الْأَغْلَبِ <sup>١٥٦</sup>، وَأَقِيمَ بِهِ كِتابَكَ وَخُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ  
وَشَنَنَ رَسُولَكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ -، وَأَخِي <sup>١٥٧</sup> بِهِ مَا أَسَأَهُ <sup>١٥٨</sup>  
الظَّالِمُونَ مِنْ مُعَالِمِ دِينِكَ <sup>١٥٩</sup>، وَاجْلُ <sup>١٦٠</sup> بِهِ صَدَاءَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقِكَ، وَأَبْنَ <sup>١٦١</sup> بِهِ  
الصَّرَاءَ <sup>١٦٢</sup> مِنْ سَيِّلِكَ، وَأَزْلِي بِهِ التَّأْكِبَيْنَ <sup>١٦٣</sup> عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْنِ <sup>١٦٤</sup> بِهِ بُغَاةَ <sup>١٦٥</sup>  
قَضِيدَكَ <sup>١٦٦</sup> عَوْجًا <sup>١٦٧</sup>.

(١٦) وَأَلْنَ <sup>١٦٨</sup> جَانِيَهُ <sup>١٦٩</sup> لِأَوْلِيَاتِكَ، وَابْسُطْ <sup>١٧٠</sup> يَدَهُ عَلَى أَغْدِاثِكَ، وَهَبْ لَنَا <sup>١٧١</sup>  
رَاقِهَةَ وَرَحْمَةَ وَتَطْفُلَهُ <sup>١٧٢</sup> وَتَحْتَنَهُ <sup>١٧٣</sup>، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطْبِعِينَ، وَفِي  
رِضَاهُ سَاعِينَ <sup>١٧٤</sup>، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ <sup>١٧٥</sup> عَنْهُ مُكْفِيْنَ <sup>١٧٦</sup>، وَإِلَيْكَ وَإِلَى  
رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذِلِكَ مُتَقْرِبَيْنَ <sup>١٧٧</sup>. اللَّهُمَّ وَصَلُّ عَلَى  
أَوْلِيَاهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ <sup>١٧٨</sup> بِعِقَابِهِمُ، الْمُتَبَعِينَ <sup>١٧٩</sup> مُتَهَجِّمِهِمُ، الْمُقْتَبِينَ <sup>١٨٠</sup> آثَارِهِمُ،  
الْمُشَتَّسِكِينَ بِعَزَّوَتِهِمُ <sup>١٨١</sup>، الْمُتَسَكِّكِينَ <sup>١٨٢</sup> بِوَلَائِهِمُ، الْمُوَتَّمِينَ <sup>١٨٣</sup> بِيَامِتِهِمُ،  
الْمُسْلِيْبِينَ لِأَمْرِهِمُ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمُ، الْمُشَتَّرِيْبِينَ أَيَّاتِهِمُ، الْمَادِيْنَ <sup>١٨٤</sup>  
إِلَيْهِمْ أَغْيَتِهِمُ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّاِكِيَّاتِ <sup>١٨٥</sup> النَّاصِيَاتِ الْغَادِيَاتِ  
الرَّانِحَاتِ.

(١٧) وَسَلَمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْواجِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمُ، وَأَضْلِعْ  
لَهُمْ شُؤُونَهُمُ <sup>١٨٦</sup>، وَتُبْ عَلَيْهِمُ <sup>١٨٧</sup>، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّاجِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَ  
اجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ <sup>١٨٨</sup>، بِرَحْمَتِكَ يَا أَزْحَمَ الرَّاجِيْمِينَ.

(۱۵) خدایا، شکر نعمت خود را به ولی خود قسمت گردان و همانند آن امام لطف خود را نصیب مابفرما و قدرت امامت باری شده و پیروزی آسان برای او فراهم کن و با تکیه گاهی توانا و محکم، تواناساز و توانایی اش را برقرار بدار و بازویان او را تقویت گردان و با دیده عنایت خود او را مراعات کن و در پناه خود حفظ بسما و با ملائکه و لشکریان خود باری اش بفرما و به واسطه او، دستورها و حدود و آیین و سنت‌های رسول خود را بر پا دار و سنت‌های را که ظالمان در تباہ کردن آن کوشیده‌اند، احیا بفرما و زنگار جور و ستم را از سر راه خود بدار و مشکل‌های آن را بزدا و عدول کنندگان از راهت را برگردان و کسانی را که مانع مقاصد تو می‌باشند و در گمراهی مردم می‌کوشند، به وسیله او نابود گردان.

(۱۶) خدایا، جانب امام معصوم را برابر بهرمندی دوستان و اولیای خود قرار ده و قدرت او را بر دشمنانش مسلط و گسترده گردان و رافت و رحمت و تمایل و مهربانی او را نصیب مابفرما و ماراشنواری فرمان، پرتلاش در جلب خاطر و کوشادر دفاع و باری از او بگردان؛ به گونه‌ای که مایه قرب به تو و رسول گرامیات باشد. خدایا، درود خود را بر دوستان امامان نثار بفرما، آنان که با مقام آن بزرگواران آشنا شدند و راه آنان را می‌پیمایند و پیرو فرمان و دست آویز رشته هدایت و متولی به و لایت آنان هستند و اقتدای به آنان نموده و تسلیم فرمان و کوشادر اطاعت آنان می‌باشند و منتظران ایام ظهور آن ولی توانند که چشمانشان به سوی آن بزرگواران دوخته است؛ درودی بس مبارک و پاکیزه و فراینده در هر صبح و شام.

(۱۷) خدایا، بر امت اسلام و ارواح آنان درود فرست و امور آنان را به وسیله تقدیر، از پراکنده نجات ده و زندگی آنان را از راه تقوای سامان ده و آنان را به سوی خود متمایل گردان و آنان را بیذیر، که تو پذیرنده توبه و مهربان و بهترین بخشندگانی و ما رانیز همراه با آنان در منزلگاه سلامت و اطمینان جای ده، به رحمت و رأفت، ای مهربان ترین مهربانان.

(١٨) اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرْفَةٌ، يَوْمٌ شَرَفَتْهُ وَكَرِمَتْهُ وَعَظَمَتْهُ، نَسَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنَّتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجْزَلْتَ ١٩٠ فِيهِ عَطِيشَكَ، وَنَضَلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْقَذْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَنَدَ خَلْقَ إِبْرَاهِيمَ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَ لِدِينِكَ، وَفَقَتَلَهُ لِحَقْكَ، وَعَصَمْتَهُ ١٩١ بِخَلْقِكَ، وَأَذْخَلْتَهُ فِي جَنَّتِكَ، وَأَرْسَدْتَهُ ١٩٢ إِلَيْكَ الْمُوَالَةَ ١٩٣ أُولَيَّاِنِكَ، وَمُعَاوَدَةَ ١٩٤ أَغْدَائِكَ، ثُمَّ أَمْرَتَهُ فَلَمْ يَأْتِيْزِ ١٩٥، وَرَأَجَزَتَهُ ١٩٦ فَلَمْ يَنْزِحِ ١٩٧، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَغْصِيْكَ، فَعَالَتْ أَمْرَكَ إِلَى نَهِيْكَ.

(١٩) لَا مَعَانِيَةَ لَكَ، وَلَا اشْتِكْبَارًا عَلَيْكَ، بِلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّنَتَهُ ١٩٨ وَإِلَى مَا حَذَرَتَهُ ١٩٩، وَأَعْانَهُ ٢٠٠ عَلَى ذَلِكَ عَدُوكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ ٢٠١، رَاجِيًّا لِقَفْوِكَ، وَاتِّقًا ٢٠٢ يَسْجَاوِزِكَ ٢٠٣، وَكَانَ أَحَقُّ عِبَادَكَ مَعَ مَا مَنَّتَ عَلَيْهِ أَلَا يَفْعَلَ، وَهَا أَنَا ٢٠٤ بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ٢٠٥ ذَلِيلًا خَاصِيًّا خَائِفًا، مُغْتَرِّبًا يَقْظِيمِي مِنَ الذُّنُوبِ تَحْمِلَتَهُ ٢٠٦، وَجَلِيلِ مِنَ السَّخَطِيَا اجْتَرَمَتَهُ ٢٠٧، مُسْتَجِيرًا ٢٠٨ يَصْمِعُكَ ٢٠٩ لَا تَذَرْأَا ٢١٠ يَرْخُمِيكَ مُؤْقَنًا ٢١١ أَنْدَلِيجِيرُنِي ٢١٢ مِنْكَمُجِيرِي ٢١٣، وَلَا يَمْتَعِنِي مِنْكَ مَانِعَ.

(٢٠) فَعَدْ عَلَيَّ ٢١٤ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَى مِنْ افْتَرَ ٢١٥ مِنْ تَعْدِيدِكَ، وَجَدْ عَلَى بِمَا تَجْوُدُ ٢١٦ بِهِ عَلَى مِنْ الْقُنْيَيْدَهُ ٢١٧ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَامْتَنَ عَلَى بِمَا لَا يَسْعَأَظْمَكَ ٢١٨ أَنْ تَمْنَ بِهِ عَلَى مِنْ أَمْلَكَ ٢١٩ مِنْ غُفرَانِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَّا ٢٢٠ بِهِ حَظًا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرْدَنِي صَفَرًا ٢٢١ مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَبَدِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادَكَ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدِمْ ٢٢٢ مَا قَدَّمْتُهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ، فَقَدْ قَدَّمْتُ

(۱۸) خدایا، امروز (نهمین روز ذی الحجه) همان روز عرفه است، که آن را شرافت و کرامت و عظمت بخشدی و در رحمت و منتهای خود را با اعلام عفو عمومی گشرش دادی و عطایای بزرگ و تفضل فراوان به بندگانش روا داشتی. خدایا، من همان بندۀ توام که پیش از آفرینش و پس از آن بر او اکرام و انعام فرمودی و او را به سوی دین خود فراخواندی و به حق خود آگاه نمودی و با حبل متین خود نگاه داشتی و در حزب خود جای دادی و به دوستی دوستان و دشمنی دشمنان ارشاد نمودی و به او امر کردی و او اطاعت نکرد و نهی فرمودی و دست بر نداشت و با مخالفت امر تو، به سوی نهی و مخالفت با تو، روی آورد.

(۱۹) عصیان بندۀ تو هرگز از روی دشمنی با تو و خود بزرگ بینی نبود، بلکه هواهای نفسانی او را به سوی آن چه که او را از آنها دور و بر حذر داشتی فراخواند و در این میان شیطان، که دشمن تو و اوست، کمک کرد تا آن بیچاره در حالی که با وعده‌های خطرناک تو آشنا بود، اما با امید به عفو تو، گناه کرد و سزاوار ترین افراد که منته بسیار بر او داری، او بود که می‌باشد دست به عصیان نمی‌زد. خدایا، اکنون من همین هستم که کوچک و خوار و خاضع و خاشع در پیشگاه تو ایستاده‌ام، در حالی که سخت می‌ترسم و اعتراض دارم که گناه بزرگ و خطاهای بزرگ را مجرمانه مرتکب شده‌ام، ولی اکنون به گذشت تو بناهنه شده‌ام و به رحمت تو دست یازده‌ام، در حالی که می‌دانم کس دیگری نمی‌تواند مرا پنهان دهد و هیچ کس توانایی حفظ و نگاهداری من از عذاب تو را نخواهد داشت.

(۲۰) خدایا، آن چه از مغفرت و رحمت نصیب بخشوده شدگان از گناه کاران فرموده‌ای، به من کرامت فرم او آن چه از عفو خود بر کسانی که دست به سوی تو دراز کرده‌اند، ارزانی داشته‌ای، بر من منت گذار و آن چه از آمرزش تو بر امیدواران به خود منت‌گذارده‌ای، بر من ارزانی دار، که این کار هرگز برای تو مهم و سخت نیست و در امروز (روز عرفه) نصیبی را به من عطاکن که از رضایت تو به بهره و افر برسم و با

تُوجِيدَكَ وَتُنْفِي الْأَضَادَ وَالْأَنْدَادَ<sup>٢٤</sup> وَالْأَشْبَاوَ<sup>٢٥</sup> عَنْكَ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَنْوَابِ  
الَّتِي أَمْزَتَ أَنْ تُؤْتِنِي مِنْهَا، وَتَقْرَبَتِ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالْتَّقْرُبِ  
بِهِ.

(٢١) ثُمَّ أَسْبَغْتُ ذَلِكَ بِالْإِنْتَابَةِ إِلَيْكَ، وَالسَّذْلُ وَالْأَسْتِكَانَةِ<sup>٢٦</sup> لَكَ،  
وَخُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَالْقُنْقِيْبَا عَنْدَكَ، وَشَفَقَتْهُ<sup>٢٧</sup> بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَعْبِثُ<sup>٢٨</sup>  
عَلَيْهِ رَاجِيكَ<sup>٢٩</sup>، وَسَأَلْتُكَ مَسَالَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ<sup>٣٠</sup> الْفَقِيرِ الْخَافِفِ  
الْمُشْتَجِبِ، وَمَعَ ذَلِكَ حِيَةَ<sup>٣١</sup> وَتَصْرِعَأَ وَتَعْوَذَا<sup>٣٢</sup> وَتَلَوَذَا<sup>٣٣</sup> لَا مُشْتَطِيلًا<sup>٣٤</sup>  
بِكَثِيرِ الْمُكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًّا بِدَالَّةِ الْمُطْعِيْعِينَ، وَلَا مُشْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ  
الشَّافِعِيْنَ.

(٢٢) وَأَنَا بَنْدَ<sup>٣٥</sup> أَقْلُ الْأَقْلَيْنَ<sup>٣٦</sup>، وَأَدْلُ الْأَدْلَيْنَ، وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا، فَيَا  
مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ<sup>٣٧</sup> الْمُسِيْنِينَ، وَلَا يَنْهَى<sup>٣٨</sup> الْمُشْرِفِينَ، وَيَا مَنْ يَمْنُ<sup>٣٩</sup> بِإِقاْلَةِ<sup>٣٩</sup>  
الْعَادِيْنَ<sup>٤٠</sup>، وَيَنْعَشِلُ<sup>٤١</sup> بِإِنْتَارِ<sup>٤١</sup> الْخَاطِيْبِينَ<sup>٤٢</sup>.

(٢٣) أَنَا الْمُسِيْءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَادِيْرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا<sup>٤٣</sup>،  
أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا.

(٢٤) أَنَا الَّذِي اسْتَخْفَنِي<sup>٤٤</sup> مِنْ عِبَادِكَ وَبَازَرَكَ<sup>٤٥</sup>، أَنَا الَّذِي هَابَ<sup>٤٦</sup> عِبَادَكَ وَ  
أَمْنَكَ<sup>٤٧</sup>، أَنَا الَّذِي لَمْ يَزَهَبْ<sup>٤٨</sup> سَطْوَتَكَ<sup>٤٩</sup>، وَلَمْ يَخْفَ بِأُسْكَ.

(٢٥) أَنَا الْجَانِي<sup>٥٠</sup> عَلَى نَفْسِي، أَنَا الْمُزَوَّهَنُ<sup>٥١</sup> بِتَلِيْسِي، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاةِ، أَنَا  
الْطَّوَيْلُ الْقَنَاءِ<sup>٥٢</sup>.

دست خالی مرا بر مگردان، هم چنان که اطاعت کنندگان و عابدان را بانعمت تمام بر می گردانی. البته من عمل شایسته‌ای به جانیاردهام، اما معتقد به توحید بودهام و هر ضد و مثل و شبیه تو را نفی کردهام و از همان در به سوی تو آمددهام که امر فرمودی و آن را به روی بندگانت گشودهای و با وسیله‌ای به تو تغیر جسته‌ام که هیچ کس به قرب تو نرسیده مگر آن که به همان وسیله تمسک جسته است.

(۲۱) خدا، در پی نزدیکی به تو انباه و آگاهی به ذلت و فقر خود و حسن ظن به تو و اطمینان به رافت و رحمت تو را پی گرفتم و این همه را بآمید به تو که هرگز امیدواران را نامید نمی فرمایی، تأم کرده و از تو همانند کوچکترین و خوارترین بندگانت که گرفتار و فقیر و خوفناک و پناهنده است، از تو درخواست می کنم. در عین حال، این سؤال همانند درخواست مستکبران قدرت طلب و یا مانند سؤال بلندپروازان مطیع که جرأت سؤال و توقع بسیار دارند نیست، بلکه سؤالی است که به صورت تصریع و پناه‌جویی و توسل به کرامت تو، انجام گرفته است.

(۲۲) خدا، من هنوز از هر کمتری کمترم و از هر بیچاره‌ای بیچاره‌تر و همانند ذره‌ای بلکه کمتر از آنم. ای خدایی که هرگز در عقاب بدکاران شتاب نمی کنی و به عیاشان مسرف نیز مهلت می دهی و ای کسی که باگذشت از لغزش‌های بندگان به آنان منت می نهی و با مهلت، به خطاکاران نفضل می فرمایی.

(۲۳) خدا، من گناه کار و اقرار کننده‌ای لغزنده هستم و من جرأت بر عصیان دارم و به عمد دست به گناه زدهام.

(۲۴) خدا، من به دور از چشم بندگانت بی باکانه به معصیت تو دست زدم و از مردم ترسیدم و از تو نترسیدم و از بزرگ منشی و عذاب تو نهراشیدم.

(۲۵) من به خود گناه روا داشتم و پیوسته در گرو این بلاکه ساخته و پرداخته خودم بود، هستم و شرم و حیا می اندازم و گرفتاری‌ها و رنج‌هایم بسیار است.

(٢٦) بِحَقِّ مَنِ اتَّجَبْتَ<sup>٥٣</sup> مِنْ خَلْقِكَ، وَبِمَنِ اضطَفَيْتَ<sup>٥٤</sup> لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنِ اخْزَنَتَ<sup>٥٥</sup> مِنْ تَرَيْتَكَ<sup>٥٦</sup>، وَمِنْ اجْتَبَيْتَ<sup>٥٧</sup> لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنِ وَصَلَّتْ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلَتْ مَغْصِيَّةً كَمَغْصِيَّكَ، بِحَقِّ مَنِ قَرَنَتْ مُوالَاتَهُ<sup>٥٨</sup>  
بِمُوالاِتِكَ، وَمَنْ نُطِّتَ<sup>٥٩</sup> مَعَاذَاتَهُ<sup>٦٠</sup> بِمَعَاذِتِكَ، تَعَمَّدْنِي<sup>٦١</sup> فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مِنْ جَازِ إِلَيْكَ<sup>٦٢</sup> مُتَصَّلًا<sup>٦٣</sup>، وَعَادَ<sup>٦٤</sup> بِاِسْتِفَارَكِ تَائِيَا.

(٢٧) وَتَوَلَّنِي<sup>٦٥</sup> بِمَا تَوَلَّنِي بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالْأَلْفُونِ لَدِينِكَ وَالْمَكَانَةِ<sup>٦٦</sup>  
مِنْكَ، وَتَوَحَّذَنِي<sup>٦٧</sup> بِمَا تَوَحَّذَدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعِهْدِكَ، وَأَنْتَ<sup>٦٨</sup> نَفْسُهُ فِي ذَاتِكَ، وَ  
أَجْهَدَهَا<sup>٦٩</sup> فِي مَرْضَاتِكَ.

(٢٨) وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَغْرِيبِطِي<sup>٧٠</sup> فِي جَنِيكَ<sup>٧١</sup>، وَتَعَدَّى<sup>٧٢</sup> طَوْرِي<sup>٧٣</sup> فِي  
خُدُودِكَ<sup>٧٤</sup>، وَمُجاوِرَةً<sup>٧٥</sup> أَخْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدِرْجِنِي<sup>٧٦</sup> بِإِعْلَانِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ  
مِنْ مُنْتَغِنِي خَيْرٍ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكْنِي فِي خُلُولِ نَفْتِيَّهِ<sup>٧٧</sup> بِي.

(٢٩) وَنَبْهَنِي مِنْ رَقْدَةٍ<sup>٧٨</sup> الْغَافِلِينَ، وَسِنَةٍ<sup>٧٩</sup> الْمُسْرِفِينَ، وَنَفْسَةٍ  
الْمُخْدُولِينَ<sup>٨٠</sup>، وَخُذْبِقْلِي إِلَى مَا اسْتَفْعَلْتَ<sup>٨١</sup> بِهِ الْفَاقِتِينَ<sup>٨١</sup>، وَاسْتَغْبَدَتْ<sup>٨٢</sup> بِهِ  
الْمُسْتَغْبَدِينَ، وَاسْتَقْدَتْ<sup>٨٣</sup> بِهِ الْمُتَهَاوِرِينَ<sup>٨٤</sup>.

(٣٠) وَأَعِذْنِي مِمَّا يُبَاعِدْنِي عَنْكَ، وَيَحْوُلُ بَيْتِنِي وَبَيْنَ حَظْنِي مِثْكَ، وَ  
يَصْدُنِي<sup>٨٥</sup> عَنَّا أَحَادِيلَ<sup>٨٦</sup> لَدِينِكَ، وَسَهْلَ لِي مَشْلَكَ الْغَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةَ  
إِلَيْها مِنْ حَيْثُ أَمْرَتَ، وَالْمُسَاخَةَ<sup>٨٧</sup> فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ.

(٣١) وَلَا تَمْحَقْنِي<sup>٨٨</sup> فِيمَنْ تَمْحَقُ مِنَ الْمُسْتَخْفَفِينَ<sup>٨٩</sup> بِمَا أُؤْعَذَتَ<sup>٩٠</sup>،  
وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُسْتَرْضِينَ لِمُقْتَكَ<sup>٩١</sup>.

(۲۶) خدایا، به حق کسانی که از خلایق خود انتخاب کرده و اختیار فرموده‌ای و به حق آنان که برای خود برگزیده‌ای و طاعت از آنان را مانند اطاعت از خود و نافرمانی از آنان را چون نافرمانی از خود و دوستی ایشان را چون دوستی با خود قرار داده‌ای و به حق کسانی که گفتی دشمنی آنان دشمنی با تو است؛ همانند آنان که به تو پناه آورده و زاری نموده و با استغفار به درگاهت توبه می‌کنند، مرا به لطف خود پوشش ده.

(۲۷) خدایا، آن چنان در کار من نظر کن که به اهل طاعت خود می‌نگری و همان طور که با اهل وفايت رفتار می‌کنی، به من نیکی کن؛ هم آنان که در راه قرب تو رنج فراوان کشیده‌اند و در راه رضای توبه رنج و زحمت فراوان تن داده‌اند.

(۲۸) خدایا، مرا به سبب کوتاهی‌ها و تعدی از حدود و تجاوز از احکام خود، مزاخدۀ مفرما و بادادن مهلت، مرا از خیرهای خود به تدریج محروم مگردان؛ مانند کسی که خیر خود را از من به دور می‌دارد و مانع از آن است که خیر و نعمتی عاید من شود.

(۲۹) خدایا، مرا از خواب غافلان و خواب آسودگی مسرفان و از خواب زدگی رسواشیدگان بیدار فرم او قلب مرا به سوی کردارهایی که اطاعت کنندگان و عابدان به جامی آورند و کوتاهی کنندگان را به واسطه آن نجات بخشیدی، بکش.

(۳۰) خدایا، از آن چه مرا از تو دور نموده و بین من و تو حابیل می‌شود و از آن چه در نزد تو می‌جویم مانع می‌گردد، در پناه خود درآور و راه خیرات به سوی خود و پیشی گرفتن در انجام نیکی‌ها را از آن راه که خود معین کرده‌ای و مسابقه در آن را اراده فرموده‌ای، بر من آسان بفرما.

(۳۱) خدایا، مرا از هلاکت شدگانی که وعده‌های تو را سبک شمرده و به غضب تو بی‌تفاوت هستند قرار مده.

(٣٢) وَ لَا تُبَشِّرْنِي<sup>٦٦</sup> فَمَنْ تُبَشِّرْ مِنَ الْمُتَخَرِّفِينَ عَنْ سُبْلِكَ، وَ تَجْنِي  
مِنْ غَمَرَاتٍ<sup>٦٧</sup> الْفَتَنَةِ، وَ خَلَّضَنِي مِنْ لَهَوَاتٍ<sup>٦٨</sup> الْبُلْوَى، وَ أَجْزَنِي مِنْ أَخْذِ  
الْأُمَلِاءِ.

(٣٣) وَ حَلَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَدُوٍّ يُضْلِنِي، وَ هَوَى يُسْوِيقِنِي<sup>٦٩</sup>، وَ مَنْقَصَةٌ  
تَزَهَّقِنِي<sup>٧٠</sup>، وَ لَا تُغْرِضُ<sup>٧١</sup> عَيْنِي إِغْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضِي عَنْهُ بَعْدَ غَضِبِكَ، وَ  
لَا تُؤْيِسْنِي<sup>٧٢</sup> مِنَ الْأَمْلِ<sup>٧٣</sup> فِيكَ فَيُغْلِبَ عَلَى الْقُرْطِ<sup>٧٤</sup> مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُنْبَغِنِي  
بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبَهَّظُنِي<sup>٧٥</sup> مِمَّا تُحَمِّلُنِي مِنْ فَضْلِ مَحِبَّكَ.

(٣٤) وَ لَا تُؤْسِلِنِي<sup>٧٦</sup> مِنْ يَدِكَ إِذْ سَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ  
لَا إِنْابَةَ لَهُ.

(٣٥) وَ لَا تَزِمِّنِي<sup>٧٧</sup> رَمْنَى<sup>٧٨</sup> مِنْ سَقَطِنِي عَنِّيْنِ رِعَايَتِكَ<sup>٧٩</sup>، وَ مِنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ  
الْغَزْرُ<sup>٧١٠</sup> مِنْ عَذْكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقْطَةِ<sup>٧١١</sup> الْمُتَرَدِّيْنَ<sup>٧١٢</sup>، وَ وَهْلَةٌ<sup>٧١٣</sup>  
الْمُتَسَعِّفِينَ<sup>٧١٤</sup>، وَ زَلَّةٌ<sup>٧١٥</sup> الْمَغْرُورِينَ، وَ وَزْطَةٌ<sup>٧١٦</sup> الْهَالِكِينَ.

(٣٦) وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ يَهُ طَبَقَاتِ عَبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ<sup>٧١٧</sup>، وَ بَلْغَنِي مَبَالَغَ مَنْ  
عَيْثَ يَهُ<sup>٧١٨</sup>، وَ أَنْفَثَتْ عَلَيْهِ، وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعْشَثَهُ خَيْدَأً<sup>٧١٩</sup>، وَ تَوْفِيَتْهُ<sup>٧٢٠</sup>  
سَعِيدًاً.

(٣٧) وَ طَوَقَنِي<sup>٧٢١</sup> طَوَقَ الْإِقْلَاعِ<sup>٧٢٢</sup> عَنَّا يُخْبِطُ الْخَسَنَاتِ<sup>٧٢٣</sup>، وَ يَذْهَبُ  
بِالْبَرَكَاتِ، وَ أَشْعَرُ<sup>٧٢٤</sup> قَلْبِي الْأَرْدِجَارِ<sup>٧٢٥</sup> عَنْ قَبَائِعِ السَّيَّنَاتِ، وَ فَوَاضِعٌ<sup>٧٢٦</sup>  
الْحَوَّابَاتِ<sup>٧٢٧</sup>.

(٣٨) وَ لَا تَشْقَلِنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَيْكَ عَمَّا لَا يُزْبِدِكَ عَيْنَهُ، وَ ازْبَعَ<sup>٧٢٨</sup>  
مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنَّيَةٍ<sup>٧٢٩</sup> تَنَهَى<sup>٧٣٠</sup> عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ<sup>٧٣١</sup> عَنِ ابْتِغَاءِ<sup>٧٣٢</sup> الْوَسِيلَةِ

(۳۲) خدایا، عذاب سخت منحر فان از راه خود را برم دار و از گردا بهای فتنه و بلاهای گمراه کننده نجاتم بخش و مرا از کسانی قرار مده که به آنان مهلت های فراوان دادی تا این که نافرمانی کردند و سرانجام همگی را به سبب نافرمانی هایشان به عذاب کشاندی.

(۳۳) خدایا، بین من و دشمنی که مرا گمراه می کند و هوای نفسی که مرا به هلاکت می کشاند و کاستی و نقصانی که دامن گیرم می شود، مانع شو و هرگز همانند کسی که از او خشنود نیستی و بر او غصب کرده ای، روی از من بر مگردان و امید مرا به نومیدی تبدیل منما تا نومیدی از رحمت بر من حاکم شود و هرگز مرا به بلای طاقت فرسا چهار مکن تامانع از فضلِ محبت تو گردد.

(۳۴) خدایا، مرا از سایه قدرت خودت رها مفرما؛ همانند کسانی که هیچ گونه خبری در آنها نیست و تو اهمیتی به آنان نمی دهی و به بازگشت آنان علاقه مند نیستی.

(۳۵) خدایا، مرا از چشم نظارت و رعایت خود ساقط مکن و از کسانی که بیچارگی و نامیدی از تو فرا گیرشان شده قرار نده، بلکه دستم را بگیر تا هم چون از کار افتادگان متعدد نباشم و از در وادی ابتلاهایی؛ همانند: جهل و فزع گمراهان و لغزش فریب خور دگان و نابودی هلاک شدگان، قرار نگیرم.

(۳۶) خدایا، مرا از گرفتاری هایی که اصناف و طبقات مختلف مردم بدان گرفتارند، عافیت بخش و به جایگاه آنان که مشمول نعمت ها و خشنودی و کرامت های تو گردیده و بسیار پسندیده زیستند و نیک بخت از این جهان رخت بر بستند، نایل گرдан.

(۳۷) خدایا، مرا آن چنان کن که همیشه از گناهانی که حسنات و برکات را تباء می سازد، دوری کنم و به قلبم بی زاری از گناهان و زشتی ها را الهم فرما.

(۳۸) خدایا، مرا به آن چه که فقط از تو ساخته است و سعی در آن مفید نیست، مبتلا مگردان و از آن چه که غیر آن تو را راضی نمی کند، منصرف نگردان و حب

إليك، وَتُدْهِلُ<sup>٣٠</sup> عَنِ التَّقْرِبِ مِنْكَ.

(٣٩) وَزَيْنٌ<sup>٣١</sup> لِي النَّفَرَةِ بِسَنَا جَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبَ لِي عَضْمَةً<sup>٣٢</sup>  
تُذَيْنِي<sup>٣٣</sup> مِنْ خَشْبِكَ<sup>٣٤</sup>، وَتَطْعَنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ<sup>٣٥</sup>، وَتَفْكِي<sup>٣٦</sup> مِنْ  
أَشْرِ الْقَظَائِمِ<sup>٣٧</sup>.

(٤٠) وَهَبَ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ تَنَسِ<sup>٣٨</sup> الْعُضْيَانِ، وَأَذْهَبَ عَنِي دَرَنَ<sup>٣٩</sup> الْخَطَايا،  
وَسَرِيلَنِي<sup>٤٠</sup> بِسَرِيبَالِ<sup>٤١</sup> عَافِيَكَ وَرَدِينِي<sup>٤٢</sup> رِدَاعَمَا فَاتِكَ<sup>٤٣</sup> وَجَلَلَنِي<sup>٤٤</sup> سَوَابِغَ<sup>٤٥</sup>  
نَفَائِكَ، وَظَاهِرَ<sup>٤٦</sup> لَدَى فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ<sup>٤٧</sup>.

(٤١) وَأَيْدِنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ<sup>٤٨</sup>، وَأَعْيَنِي عَلَى صَالِحِ النِّتَّيَةِ، وَمَزِّضِي  
الْقُولِ، وَمُشَتَّخِسِنِ الْعَقْلِ، وَلَا تَكْلِنِي<sup>٤٩</sup> إِلَى حَزْلِي وَقُوَّتِي<sup>٥٠</sup> دُونَ حَزْلِكَ وَ  
قُوَّتِكَ.

(٤٢) وَلَا تُخْرِنِي يَوْمَ تَبَعْثِنِي<sup>٥١</sup> لِلْقَائِكَ، وَلَا تَفْصَخِنِي بَيْنَ يَدَيِ أُولَيَائِكَ،  
وَلَا تُشْبِئِنِي<sup>٥٢</sup> ذَكْرَكَ، وَلَا تُدْهِبَ عَنِي شُكْرَكَ، بِلَ الْأَزْمَنِيَه<sup>٥٣</sup> فِي أَخْواَلِ السَّهْرِ  
عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِيَّنِ لِأَلَيْكَ<sup>٥٤</sup>، وَأَوْزِغْنِي<sup>٥٥</sup> أَنْ أُثْنِي<sup>٥٦</sup> بِمَا أُولَيَتِيَه<sup>٥٧</sup>، وَ  
أَغْرِفَ بِمَا أَسْدَيْتَ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ، وَخَمْدِي  
إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ.

(٤٣) وَلَا تَخْذُلِي<sup>٥٨</sup> عِنْدَ فَاقْتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكِنِي بِمَا أَسْدَيْتَ إِلَيْكَ، وَلَا  
تَجْبِهِنِي<sup>٥٩</sup> بِمَا جَبَهَتِ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسْلِمٌ، أَغْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ<sup>٦٠</sup> لَكَ،  
وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَغْوَدُ<sup>٦١</sup> بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَ  
أَنَّكَ بِأَنْ تَنْفُتَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ<sup>٦٢</sup>، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتَرَ أَقْرَبَ مِنْكَ إِلَى أَنْ  
تَشْهَرَ<sup>٦٣</sup>.

دنیای پست را که مرا از اطاعت تو باز می دارد و وسیله قرب تو را تباہ می کند و قرب  
تو را به فراموشی می سپارد، از دلم برگن.

(۳۹) خدایا، موفق گردن در خلوت گاه شب به مناجات با تو بنشینم و روز نیز  
همواره به یاد تو باشم و به من عصمتی عطاکن که به خشیت از تو موفق گردم و از  
محرمات به دور و از اسارت گناهان آزاد گردم.

(۴۰) خدایا، مرا از آلودگی گناه پاک کن و پلیدی و ناپاکی خطایار از من دور فرما  
و به من جامه عافیت بپوشان و نعمت‌ها و کرامت‌های بی دریغ خود را شامل حال من  
بفرما و فضل و نعمت خود را برابری من ظاهر بگردان.

(۴۱) خدایا، مرا به توفیق و هدایت خود تأیید کن و بر نیت‌های پاکیزه و گفتار  
پسندیده و اعمال نیک یاری بفرما و به جای نیرو و قدرت خود، به نیرو و قدرتم  
واگذارم مکن.

(۴۲) خدایا، در روز قیامت مرا بیچاره و رسماً فرما و مرا فراموش مکن و شکر و  
سپاس نعمت‌هایت را به من عطا فرما و در حالت‌های سهو که همانند غافلان هستم،  
هوشیار فرما تا تو را سپاس‌گزارم و به ناگویی در مقابل نعمت‌هایت موفق بدار و  
در این سپاس‌گزاری رغبتمن روز افزون فرما و مرا از بهترین ستایش‌گران و ناگویان  
قرار ده و از پاداش آنان به من نیز کرامت فرما.

(۴۳) خدایا، مرا به هنگام عرض نیاز به درگاهت، نومید مگردن و به واسطه  
اطاعت‌ها و عبادت‌های ناقص و بدون شایسته هلاکم مکن و با من همانند معاندان و  
منافقان رفتار منما، زیرا من تسلیم تو هستم و می‌دانم که حجت تو تمام است و تو  
سزاوارتری که به من تفضل و احسان نمایی و اهل تقوا و مغفرتی و عفو و پوشش نزد  
تو بهتر از رسوا کردن من است.

(٤٤) فَأَغْنِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَسْتَطِعُ بِمَا أَرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتَى  
مَا تَكْرُهُ، وَلَا زِنْكِبُ<sup>٣٦</sup> مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمْشِنِي<sup>٣٧</sup> مِيَّةً مِنْ يَسْعَنِ نُورُه<sup>٣٨</sup> بَيْنَ  
يَدَيْهِ<sup>٣٩</sup> وَعَنْ يَمِينِهِ<sup>٤٠</sup>.

(٤٥) وَذَلِّلِنِي بَيْنَ يَدَيْكَ<sup>٤١</sup>، وَأَعْزِنِي عِنْدَ خَلْقِكَ<sup>٤٢</sup>، وَضَفَنِي<sup>٤٣</sup> إِذَا خَلَوْتُ  
إِلَيْكَ، وَازْفَعَنِي<sup>٤٤</sup> بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّا هُوَ غَنِّيٌّ عَنِّي، وَزَدِنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ  
فَقْرًا.

(٤٦) وَأَعِذْنِي مِنْ شَمَائِلَة<sup>٤٥</sup> الْأَغْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ<sup>٤٦</sup>، وَمِنَ الذُّلُّ وَ  
الْعَنَاءِ<sup>٤٧</sup>، تَعَمَّذْنِي<sup>٤٨</sup> فِيمَا طَلَقْتَ عَلَيْهِ<sup>٤٩</sup> مِنْ بِمَا يَتَمَمُّدُ بِالْقَادِرِ عَلَى الْبَطْشِ<sup>٤٩</sup>  
لَوْلَا جَلْمَهُ، وَالْأَجْذُ عَلَى الْجَرِيزَةِ<sup>٤٩</sup> لَوْلَا أَنَّاهُ<sup>٤٩</sup>.

(٤٧) وَإِذَا أَرْذَتِ بِقُومٍ فَتَّهَةً<sup>٥٠</sup> أُؤْسُوهُ أَفْتَجِنِي مِنْهَا لِوَادِيِّكَ، وَإِذْلَمْ تُقْنِنِي  
مَقَامَ قَصْبِيَّةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقْنِنِي مِثْلَهُ فِي آخِرِكَ.  
(٤٨) وَاشْفَعْنِي لِي أَوَّلَيْكَ بِأَوْاخِرِهَا<sup>٥١</sup>، وَقَدِيمَهُ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا،  
وَلَا تَنْذُذِلِي<sup>٥٢</sup> مَذَأْيَقْشُو<sup>٥٣</sup> مَعْدَقْلِي، وَلَا تَنْزَغِنِي<sup>٥٤</sup> قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَانِي،  
وَلَا تَسْعِنِي<sup>٥٥</sup> حَسِيسَةً<sup>٥٦</sup> يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي<sup>٥٧</sup>، وَلَا تَنِيسَةً يَجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا  
مَكَابِيَ.

(٤٩) وَلَا تَرْغِنِي رَزْوَعَةً<sup>٥٨</sup> أَلْيَشِسْبَهَا<sup>٥٩</sup>، وَلَا خِفْفَةً<sup>٥٩</sup> أَوْجَشْ دُونَهَا بِاجْفَلِ  
هَبَيْتِي<sup>٦٠</sup> فِي وَعِيدِكَ<sup>٦١</sup> وَحَدَّرِي<sup>٦١</sup> مِنْ غَذَارِكَ<sup>٦٢</sup> فَإِنْذَارِكَ<sup>٦٢</sup> وَرَهَبَيْتِي<sup>٦٣</sup> عِنْدَ  
تِلَاؤَةِ آيَاتِكَ.

(٥٠) وَاغْتُرْ<sup>٦٤</sup> لَيْلِي بِإِيقَاظِي<sup>٦٥</sup> فِيهِ لِيَعَادِتِكَ، وَتَفَرِّدِي بِالْتَّهَجُّدِ<sup>٦٦</sup> لَكَ،  
وَتَجَرَّدِي<sup>٦٧</sup> بِسُكُونِي إِلَيْكَ<sup>٦٨</sup>، وَإِنْزَالِ حَوَانِجِي إِلَكَ، وَمَنَازِلِي<sup>٦٩</sup> إِيَّاكَ فِي  
فَكَالِكَ<sup>٦٩</sup> رَقَبِيِّي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَازَتِي<sup>٧٠</sup> مَيَا نِيَّهُ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ.

(۴۴) خدایا، حیات طبیه‌ای به من عطاکن که تمام خواسته‌هایم را دریابم و عاقبت آن حیات چنان باشد که هرگز دست به مکروهی نزنم و هیچ خلافی را مرتکب نشوم و مرگ مرا همانند آنان که نورشان از مقابل و دوسوی آنان حرکت می‌کند، قرار ده.

(۴۵) خدایا، مرا در مقابل خود خوار و در نزد مردم عزیز بدار و هنگام خلوت و تنهایی فروتن و درین مردم بلندپایه و رفیع و از مردم بی‌نباز گردان و فقر و نیازم را به درگاه خود بیش افزون فرم.

(۴۶) خدایا، مرا از سرزنش دشمنان و نزول بلا و خورای و رنج و سختی در پناه خود درآور و آن گونه عفو و پوششی که عفو و حلم تو مانع از مجازات می‌گردد، شامل حالم کن.

(۴۷) خدایا، هرگاه اراده فرمودی که قومی را مبتلاکنی یا عذاب فرمستی، مرا از آن فتنه نجات کرامت ده و چنان که مرا در دنیار سوانح خودی، در آخرت نیز خوار مکن.

(۴۸) خدایا، نعمت‌های اول و آخر و سودها و منافع قدیم و جدید خود را بهم به من عطا فرما و هرگز با مهلت‌های خود قلب مرا سخت مگردان و با مصیبت‌های ناگوار، خوشی‌ها و شخصیت مرانابود مساز و مرا به وسیله پستی‌ها، کوچک مگردان تا باداکمبودهای من آشکار گردیده و موجب سقوط شخصیت من گردد.

(۴۹) خدایا، چنان ترس را بر وجودم مسلط مکن که مأیوس گردم و نه آن چنان بیم را بر وجودم مستولی کن که به کلی مأیوس و نومید گردم؛ بلکه چنان کن که از وعده عذاب تو بترسم و از انتقام حجت و انذار تو برحدزرا باشم و هنگام تلاوت قرآن هراس از خود را در وجودم قرار بده.

(۵۰) خدایا، شب‌هایم را به واسطه بیداری در انجام عبادت خود و در خلوت به شب خیزی پرداختن و آرام گرفتن و انس با خود پربرکت و آباد و خواسته‌هایم را به لطف خود برآور و درخواستم را درباره آزاد شدن از آتش جهنم، اجابت کن و از عذاب‌هایی که گرفتاران در آتش بدان می‌سوزند، نجاتم بخش.

(٥١) وَلَا تَنْذِرْنِي<sup>٤٠٨</sup> فِي طُفَّاِيِّ عَامِهَا<sup>٤٠٩</sup>، وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيَّ حَسِينِ،  
وَلَا تَجْعَلْنِي عَظَةً<sup>٤١٠</sup> لِمَنْ أَنْظَى<sup>٤١١</sup>، وَلَا نَكَالًا<sup>٤١٢</sup> لِمَنْ أَغْتَبَ<sup>٤١٣</sup>، وَلَا فَتْنَةً<sup>٤١٤</sup> لِمَنْ  
نَظَرَ<sup>٤١٥</sup>، وَلَا تَنْكُرْبِي<sup>٤١٦</sup> فِيمَنْ تَنْكُرْبِيهِ، وَلَا تَشْتَبِدْ بِي<sup>٤١٧</sup> غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْلِي  
اسْمًا<sup>٤١٨</sup>، وَلَا تَبْدِلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَجْعَذِنِي هُزُواً<sup>٤١٩</sup> لِخَلْقَكَ، وَلَا سُخْرِيَّاً<sup>٤٢٠</sup> لَكَ، وَ  
لَا تَبْعَأْ<sup>٤٢١</sup> إِلَيْكَ مِنْ صَاتِيكَ، وَلَا مُنْهَنَا<sup>٤٢٢</sup> إِلَيْكَ بِالْأَنْتَقامَ لَكَ.

(٥٢) وَأُوجِذِنِي بِزَادَ عَفْوَكَ، وَحَلاوةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحَكَ وَرَزْيَحَانِكَ وَجَنَّةَ  
نَعِيْكَ، وَأَذْفَنِي طَغْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعْيَةٍ مِنْ سَعْيِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا  
يُرِلُّ لَدْنِكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتْجَنِنِي بِتُخْفَةٍ مِنْ تُخْفَاتِكَ.

(٥٣) وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَايْحَةً، وَكَرَتِي غَيْرَ خَاسِرَةً، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ،  
وَشَوْقَنِي لِقاءَكَ، وَتُبْ عَلَى<sup>٤٢٣</sup> تَوْبَةَ نُصُوحَاً لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَفِيرَةً  
وَلَا كِبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا غَلَبَيَّةً<sup>٤٢٤</sup> وَلَا سَرِيرَةً<sup>٤٢٥</sup>.

(٥٤) وَانْبِعْ الْغَلَّ<sup>٤٢٦</sup> مِنْ صَدْرِي<sup>٤٢٧</sup> لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْطِفْ<sup>٤٢٨</sup> يَقْبَلِي عَلَى  
الْخَائِسِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَخَلِّنِي<sup>٤٢٩</sup> حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ  
لِي لِسَانَ صَدِيقَ فِي الْفَاقِيرِينَ<sup>٤٣٠</sup>، وَذَكْرًا نَابِيًّا<sup>٤٣١</sup> فِي الْآخِرِينَ، وَوَافِ<sup>٤٣٢</sup> بِي  
عَرْصَةَ الْأَوَّلِينَ.

(٥٥) وَتَمِمْ شَبَوْعَ<sup>٤٣٣</sup> نِعْمَتِكَ عَلَىَّ، وَظَاهِرُ كَرَامَاتِها لَدَيَّ، امْلَأْ<sup>٤٣٤</sup> مِنْ  
فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَشَقْ<sup>٤٣٥</sup> كَرَامَتَ<sup>٤٣٦</sup> مَوَاهِبِكَ<sup>٤٣٧</sup> إِلَيَّ، وَجاوِزْ بِيَنَ الْأَطْبَيْنِ مِنْ  
أَوْلَيَاِكَ فِي الْجِنَانِ الَّتِي زَيَّنَهَا لِأَصْنِيفَاِكَ، وَجَلَّلْنِي<sup>٤٣٨</sup> شَرَافَتَ<sup>٤٣٩</sup> بِخَلِكَ<sup>٤٣٩</sup> فِي  
الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةَ<sup>٤٤٠</sup> لِأَجْبَائِكَ.

(۵۱) خدایا، مرا در طغیان و سرکشی کور و سرگردان و امگذار و در گرداد نادانی ام تا هنگام مردن غافل رها مکن و مرا مایه پسند و عبرت دیگران و موجب گمراهی گمراهان و جزو کسانی که دچار مکر تو شده‌اند، قرار مده و در هدایت، دیگری را به جای من بر مگزین و نام مرا عوض مفرما و جسم مرا بیمار مگردان و مرا موجب استهزای دیگران و نیز از کسانی که به استهزای تو دچار شده‌اند، قرار مده و کاری کن که تنها بپرو رضای تو باشم و مرا جز برای انتقام از کافران به خدمت مگیر.

(۵۲) خدایا، خنکی عفو و شیرینی رحمت و آسایش و روزی گوارایت را به من بچشان و از بهشت پر نعمت برخوردار فرم او طعم آسودگی به آن چه را که تو دوست داری، همراه با گشايش خود و کوشش در آن چه مرا به تو نزدیک می‌کند و نیز از تحفه‌های نزد خود به من کرامت فرما.

(۵۳) خدایا، تجارتم را پرسود و بازگشتم را بی زیان بدار و مرا از مقام خود بترسان و به لقای خود مشتاقم کن و توبه نصوح روزی ام فرمای؛ به گونه‌ای که هرگز پس از توبه، اثری از گناهان صغیر و کبیر در وجود باقی نماند و کردار زشت ظاهر و باطنم را جبران کند.

(۵۴) خدایا، کینه مؤمنان را از دلم برکن و قلبم را به سوی خاشعان متمایل گردان و با من همانند صالحان عمل کن و همانند تقوا پیشگان به من زینت بخش و زیان راستگو در بین مردم به من عنایت کن و یاد نیک و نام بلندم را در میان آیندگان ثبت فرم او در بهشت همراه پاکان و پیشی گیرندگان محشور فرما.

(۵۵) خدایا، نعمت‌های کامل و گوارای خود را بمن تمام کن و کرامت‌های را در وجود من آشکار فرم او دست مرا از برکات خود پر و بخشش‌های کریمانه‌ات را به سوی من روانه ساز و مرا در همسایگی اولیای پاکت در بهشت‌هایی که برای برگزیدگان آراسته‌ای، جای ده و نعمت‌های گرامی ات را در آن مقام که برای دوستان آماده کرده‌ای، بر قامت من بپوشان.

(٥٦) واجعل لي عندك مقيلاً<sup>٤٤٦</sup> آوى إلئه مطمئناً، ومتابة<sup>٤٤٧</sup> أبتوها<sup>٤٤٨</sup> وآقره<sup>٤٤٩</sup> عيناً<sup>٤٤٩</sup>، ولا تفاسيني<sup>٤٥٠</sup> بظيمات الجرائر<sup>٤٤١</sup>، ولا تهلكني يوم تبلى<sup>٤٤٢</sup> السرائر، وأزل<sup>٤٥٣</sup> عنى كُل شَكٍ وشُبهة، واجعل لي في الحق طريقاً من كُل رَحْمَة، وأغزل<sup>٤٥٤</sup> لي قِسْمَ المَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ<sup>٤٥٥</sup>، وَفَزْ عَلَيَّ حُظُوطَ الْإِخْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ.

(٥٧) واجعل قلبي واتقاً<sup>٤٥٦</sup> بما عندك، وَهَمِيٌّ<sup>٤٥٨</sup> مُسْتَقْرَغاً<sup>٤٥٩</sup> لِما هُوكَ، وَاشتغلني بما شتغل به خالصتك<sup>٤٦٠</sup>، وأشرب قلبي عند ذُهول<sup>٤٦١</sup> الغُقول طاعتك، واجتمع لي الفن والقفاف والدَّعَة<sup>٤٦٢</sup> والْمَعَافَةُ<sup>٤٦٣</sup> والصَّحَّةُ<sup>٤٦٤</sup> والسَّعَةُ<sup>٤٦٥</sup> والطُّمَائِنَةُ<sup>٤٦٦</sup> والغافية.

(٥٨) ولا تخيط<sup>٤٦٦</sup> حَسَنَاتِي بما يُشوبها<sup>٤٦٥</sup> من مُغصيتك، ولا خلواتي بما يغرض لي من تَرَغَّباتٍ<sup>٤٦٦</sup> فتبتَك، وصن وَجْهِي<sup>٤٦٧</sup> عن الطلب إلى أحد من العالَمَين، وذُبِّحَتِي عن التَّمَاسِ<sup>٤٦٨</sup> ما عند الفاسقين.

(٥٩) ولا تجعلني للظَّالِمِينَ ظَهِيرًا<sup>٤٦٩</sup>، ولا لهم على مخوكتابك يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي<sup>٤٧٠</sup> من حيث لا أَغْلَمُ جِيَاطَةً تَقْبَنِي<sup>٤٧١</sup> بها، وافتتح لي أبوابَ تَوْبَتك وَرَحْمَتك وَرَأْفَتك وَرِزْقَك الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، وَأَثْمِمَ لِي إِنْعَامَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُتَّهِبِينَ.

(٦٠) واجعل باقى عمرِي في الْحَجَّ وَالْمُهْرَةِ ابْتِغَاءً<sup>٤٧٢</sup> وَجْهِكَ، يارَبَ العالَمَينَ، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِه الطَّيِّبَيْنِ الطَّاهِرَيْنِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبْدَ الْاِبْدِينَ<sup>٤٧٣</sup>.

(۵۶) خدایا، مرا نزد خود آرام و مطمئن در جایگاهی امن و امان بپذیر که چشم  
بدان روشن شود و به واسطه گناهان بزرگم مجازات مکن و روزی که اسرار همگان  
کشف می‌شود، مرا به هلاکت می‌فکن و شک و شبیه را ز من دور و راه حق را به من  
نشان بده و از نعمت‌های بزرگ خود و بهره‌های فراوان و احسان و اکرامت به من  
ارزانی بدار.

(۵۷) خدایا، قلبم را به آن چه در نزد تو است مطمئن گردان و همتم را به آن چه  
رضای تو در آن است، مشغول گردان و به آن چه پاکان را در آن به کار گرفتی، به عمل  
وادرار و آن گاه که عقل‌ها در فراموشی غفلت و غلبة هوابه سر می‌برند، مرا به طاعت  
خود وادرار و غنا، عفاف، آسایش، سلامتی، گشایش، آرامش و عافیت را بر من نازل  
فرما.

(۵۸) خدایا، حسنات مرا با شانبة گناهان باطل و حبط مکن و خلوت‌هایم را به  
عارضه معاصی که از امتحان تو سرچشمه گرفته است، تباہ مکن و آبرویم را با  
بینیازی و غنا از خلاتق مصون بدار و از التماس به فاسقان و فاجران به دور بدار.

(۵۹) خدایا، مرا پشتیبان ظالمان قرار نده و یاور آستان در محو دستورهاییت  
مگردان و از عالم غیب از من نگهداری کن و درهای توفیق و رحمت و رافت و  
روزی گستردۀ را به رویم باز کن، که من به سوی تو شدیداً راغبم و نعمت‌های خود را  
بر من نازل گردان، که تو بهترین نعمت دهنده‌گانی.

(۶۰) خدایا، در باقی مانده عمر، توفیق حج و عمره در جهت کسب رضای خود را  
به من ارزانی دار. ای پروردگار جهانیان. درود خدار بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه او  
و سلام پیوسته بر او و آنان.

### واژه‌ها:

۱. بدیع: مختار.
۲. مالو: معبد.
۳. لا یعزب: غائب نیست.
۴. رقبب: حافظ.
۵. متکرّم: صاحب کرامت ذاتی.
۶. منظم: عظیم بالذات.
۷. شدید السحال: شدید العذاب - شدید المكر والحيلة.
۸. آدم: دایمی تر.
۹. دانی: نزدیک.
۱۰. ذواللهاء: بسیار زیبا.
۱۱. مجده: جلالت.
۱۲. کبریاه: بزرگی.
۱۳. غیر سخن: بی الگو.
۱۴. غیر مثال: بی نظیر.
۱۵. مبتدعات: مخلوقات نو و بی سابقه.
۱۶. اعتذاء: تقلید.
۱۷. تیسیر: آسان ساختن.
۱۸. مادونک: آن چه نزد توست.
۱۹. لم یهندک: تو را یاری نکرد.
۲۰. لم یوازرك: با تو مشارکت و مشاوره ننموده.
۲۱. لم یکن لک مشاهد: با چشم ندیدی.

۲۲. حتم: جزم و قطع.
۲۳. قفتیت: حکم کردن.
۲۴. نصفاً: محض عدل و انصاف.
۲۵. لا یعویک: تو رادر بر نگیرد.
۲۶. لم یبیک: تو را خسته و عاجز نکند.
۲۷. برهان: دلیل.
۲۸. أحصیت: شمرده‌ای و احاطه داری.
۲۹. أسدآ: مدت و نهایت.
۳۰. قصرت: کوتاه است.
۳۱. آینیتک: مکان داشتن تو.
۳۲. لم یتلث: بی مانند و بی نظیری.
۳۳. یعنانک: با تو دشمنی کند.
۳۴. عدل: همتا.
۳۵. فیکارنک: تو را زیاد کند.
۳۶. ندّ: مثل.
۳۷. یمارضک: با تو مقابله کند.
۳۸. اخترع: ایجاد بدون الگو.
۳۹. استحدث: خلق بدون سابقه.
۴۰. ابتدع: خلق بدون علت.
۴۱. آئنی: بلند و رفیع است.
۴۲. اسدع: ظاهر ساخته.
۴۳. فرقان: فارق بین حق و باطل.
۴۴. مليک: صاحب اختیار.

|   |  |
|---|--|
| <p>۶۷. قولک حکم: گفتار حکمت و علم است.</p> <p>۶۸. عزم: حتم.</p> <p>۶۹. باهر: غالب و ظاهر.</p> <p>۷۰. فاطر: خالق بدون مثل.</p> <p>۷۱. باری: خالق.</p> <p>۷۲. نسات (جمع نَسْتَه): نفس.</p> <p>۷۳. خالد: جاوارد.</p> <p>۷۴. بوازی: مقابل و موازی باشد.</p> <p>۷۵. لایتیف: سزاوار نباشد.</p> <p>۷۶. پستانم: پیوسته برقرار باشد.</p> <p>۷۷. یتضاعف: زیاد شود.</p> <p>۷۸. کروز الازمنة: آمد و شد زمان‌ها.</p> <p>۷۹. یتزايد: پیوسته زیاد شود.</p> <p>۸۰. متراوقة: پشت سرهم.</p> <p>۸۱. احصا: شمردن.</p> <p>۸۲. حفظة: نگهبانان.</p> <p>۸۳. کبة: نوبنده‌گان.</p> <p>۸۴. یوازن: هم وزن باشد.</p> <p>۸۵. بیعادل: برابر باشد.</p> <p>۸۶. کرسی: یکی از مراحل علم حضرت حق جل و علا.</p> <p>۸۷. یستفرق: در خود غرق کند و پوشاند.</p> <p>۸۸. وفق: موافق.</p> | <p>۴۵. ما امنمک: چه قدر عزّت داری.</p> <p>۴۶. ما آؤسک: چه قدر ســمه و گشادگی داری.</p> <p>۴۷. ما ارغلک: چه قدر بلند مرتبه‌ای.</p> <p>۴۸. بسطــ بالغیرات: جود فراوان داری.</p> <p>۴۹. اینسلک: از تو درخواست کند.</p> <p>۵۰. وجذک: فضل تو را دریابد.</p> <p>۵۱. جری فی علمک: به علم تو درآید.</p> <p>۵۲. مادون العرش: آنچه در سلطه عرش درآید.</p> <p>۵۳. عرش: علم و سبیع.</p> <p>۵۴. انقاد: مطیع شود.</p> <p>۵۵. لامعن: احساس نشوی.</p> <p>۵۶. لاتجس: او رامــ کرد و دست زد.</p> <p>۵۷. لائشــ: او احساس لمسی نمود.</p> <p>۵۸. لاتکاد: تو کید نشوی.</p> <p>۵۹. لاتساط: دور نگردی.</p> <p>۶۰. لاتنازع: قابل جنگ و خصومت نیست.</p> <p>۶۱. لاتجاری: مناظره پذیر نیست.</p> <p>۶۲. لاتساری: مراء و جدال پذیری.</p> <p>۶۳. لاتخادع: قابل خدوع و گول نیست.</p> <p>۶۴. لاتساکر: مکر و حیله به تو ممکن نیست.</p> <p>۶۵. جدد: محکم هموار.</p> <p>۶۶. صدد: مطلوب و مقصود همکاران.</p> |
|---|--|

۱۱۱. لاتند: تمام نشود.  
 ۱۱۲. تنظم: جمع کند.  
 ۱۱۳. اهل اجابتک: آنان که دعوت تورا جواب گفتند.  
 ۱۱۴. ذرأت: خلق کردی.  
 ۱۱۵. برأت: آفریدی.  
 ۱۱۶. سالفه: گذشته.  
 ۱۱۷. مستانه: ابتداء بدان می شود.  
 ۱۱۸. گرور الایام: پیدایش شب و روز.  
 ۱۱۹. تعاضیف: زیاد شدن‌ها.  
 ۱۲۰. اطایب: پاکیزه‌ترین‌ها.  
 ۱۲۱. رجم: پلیدی.  
 ۱۲۲. دنس: چرک.  
 ۱۲۳. مسلک: طریق.  
 ۱۲۴. تجزیل: توسعه دادی.  
 ۱۲۵. نعل: عطاها.  
 ۱۲۶. نوافل: احسان غیر واجب.  
 ۱۲۷. توفر: فراوان دادی.  
 ۱۲۸. عواندک: منافقی که عاید شود.  
 ۱۲۹. لا امد فی اؤلها: ابتدایی ندارد.  
 ۱۳۰. ولاغایه الامدها: پایانش زمان ندارد.  
 ۱۳۱. زنه: هم وزن.  
 ۱۳۲. ملأاپر: .  
 ۱۳۳. زلفی: قرب و مقام بلند.

۸۹. یهان: یاری شود.  
 ۹۰. تعدید: تکثیر (در این مورد به همین معنی است).  
 ۹۱. افرق: اغراق کند و به تمام وجود نلاش کند.  
 ۹۲. نرعا: کشش جدی در کار.  
 ۹۳. توفیت: ادای حق آن.  
 ۹۴. لا احمد: حمد کننده‌ای فوق او نباشد.  
 ۹۵. العزید: زیاد.  
 ۹۶. وفور: فراوانی.  
 ۹۷. تصله: او را برساند.  
 ۹۸. طول: فضل و کرامت.  
 ۹۹. وجهک: ظهور تو، مظاهر تو.  
 ۱۰۰. منجب: خلوص یافته، خالص شده.  
 ۱۰۱. مصطفی: برگزیده.  
 ۱۰۲. بارک: افاضه برکات بفرما.  
 ۱۰۳. امتع: منتفع کن.  
 ۱۰۴. زاکیه: زیاد، پاکیزه.  
 ۱۰۵. نامه: کلیره.  
 ۱۰۶. آئسی: بیشترین.  
 ۱۰۷. راضیه: مورد رضایت.  
 ۱۰۸. ترضیه: تورا خشنود کند.  
 ۱۰۹. لاتررضن: راضی نگردی.  
 ۱۱۰. تجاوز: افزون شود.

- ۱۵۷. امی: زنده بدار.
- ۱۵۸. امانه: آنان را نابود کردند.
- ۱۵۹. معلم دینک: آثار دین تو.
- ۱۶۰. واجل: جلوه‌ای درخشان ده.
- ۱۶۱. ابن: جدا کن.
- ۱۶۲. القراة: مولانع ضرر زنده راه.
- ۱۶۳. الناکین: عدول کنندگان.
- ۱۶۴. اسحق: نابود کن.
- ۱۶۵. بقاة: جویندگان.
- ۱۶۶. قصد: طریق مستقیم تو.
- ۱۶۷. عرجا: کشی و اعراض.
- ۱۶۸. الن: نفر کن.
- ۱۶۹. جاته: حریم روحی او را.
- ۱۷۰. ابسط: بگشا.
- ۱۷۱. هب لنا: به ما بینخاشا.
- ۱۷۲. تعطّل: عطوفت کن.
- ۱۷۳. تھتنه: رفت کن به او.
- ۱۷۴. ساعین: تلاش کنندگان.
- ۱۷۵. مدافعة: دفاع کردن.
- ۱۷۶. مکفین: یاران.
- ۱۷۷. متفقین: نزدیک شوندگان.
- ۱۷۸. معتبرین: اقرار کنندگان.
- ۱۷۹. منهجهم: طریق آنان.
- ۱۸۰. متبعین: تابعان.
- ۱۳۴. اوان: زمان.
- ۱۳۵. علم: علامت و نشانه.
- ۱۳۶. منارا: علامت روشن.
- ۱۳۷. حبل: رسماً.
- ۱۳۸. ذریعة: وسیله.
- ۱۳۹. رضوان: خشنودی.
- ۱۴۰. افترضت: واجب کردي.
- ۱۴۱. حدّرت: دور کردي.
- ۱۴۲. امثال: پذیرش اوامر.
- ۱۴۳. انتهاء: دست کشیدن.
- ۱۴۴. حصة الالذين: نگهدارنده پناهندگان.
- ۱۴۵. کهف: پناهگاه، غار.
- ۱۴۶. عروة: دستگیره.
- ۱۴۷. بهاء العالمين: زیبایی و نظم جهانیان.
- ۱۴۸. اوزع لریک: الهام کن به ولیت.
- ۱۴۹. آئیه: به او عطا کن.
- ۱۵۰. رکن الأعزّ: پایه‌ای که بسیار محکم باشد (پایه بسیار محکم).
- ۱۵۱. واشده آزره: قدرت او را پایدار کن.
- ۱۵۲. فَعَضْدَه: بازویش را قوی کن.
- ۱۵۳. راهه: او را مراقب باش.
- ۱۵۴. أَجْهَمَه: او را حفظ و حمایت کن.
- ۱۵۵. امده: کمکش کن.
- ۱۵۶. جندك الاغلب: تواناترین سپاهیان.

۲۰۵. صاغراً: در حالی که کوچکم.  
 ۲۰۶. تحتنه: بر دوش کشیدم.  
 ۲۰۷. اجترته: مرتكب جرم شدم.  
 ۲۰۸. مستجيرآ: در حالی که پناه جویم.  
 ۲۰۹. صفع: عفو.  
 ۲۱۰. لاتنه: پناه آورنده.  
 ۲۱۱. موقن: دانای، دارای یقین.  
 ۲۱۲. لا یجیرنی: مرا پناه نداده.  
 ۲۱۳. مجبر: پناه دهنده، حامی.  
 ۲۱۴. فعد علن: دوباره عفو کن.  
 ۲۱۵. افترف: به جا آورد.  
 ۲۱۶. تجوه: بخشش کنی.  
 ۲۱۷. الئی بیده: خود را تسليم کرد.  
 ۲۱۸. لا یتعاطلک: برای تو بزرگ نیست.  
 ۲۱۹. ائلک: به تو امید دارد.  
 ۲۲۰. آنال: برخوردار شوم.  
 ۲۲۱. صفرآ: خالی.  
 ۲۲۲. آنقم: به جا آوردم.  
 ۲۲۳. قدمت: وارد شدم.  
 ۲۲۴. انداد: امثال.  
 ۲۲۵. اشیاء: مانندها.  
 ۲۲۶. استکانه: خواری.  
 ۲۲۷. شفته: آن را قرین و همراه کردم.  
 ۲۲۸. یخیب: نو مید شود.

۱۸۱. المقتضی: پیروان.  
 ۱۸۲. عروة: دستگیره، دین.  
 ۱۸۳. منتکسکن: دست آویختگان.  
 ۱۸۴. المؤتمنین: اقتدا کنندگان.  
 ۱۸۵. المادین: چشم دوختگان.  
 ۱۸۶. زاکیات: پاکیزه‌ها و رشد کننده‌ها.  
 ۱۸۷. شؤون: حالت‌ها.  
 ۱۸۸. تب علیهم: توبه آهارا قبول کن.  
 ۱۸۹. دارالسلام: بهشت.  
 ۱۹۰. اجزلت: بزرگ کردن.  
 ۱۹۱. حصته: او را نگهداشتی.  
 ۱۹۲. ارشدته: او را آگاه کردن.  
 ۱۹۳. موالة: دوستداری.  
 ۱۹۴. معاده: دشمنی.  
 ۱۹۵. لم یائسر: امر شما را نپذیرفت.  
 ۱۹۶. زجرته: منعش کردن.  
 ۱۹۷. لم پنجزر: دست برنداشت.  
 ۱۹۸. زیلتنه: او را دور کردن.  
 ۱۹۹. حدّرته: منعش کردن.  
 ۲۰۰. اعانه: او را کمک کرد.  
 ۲۰۱. وعیدک: وعده تو به عذاب.  
 ۲۰۲. واقفآ: در حال اطمینان.  
 ۲۰۳. بجاوزک: به عفو تو.  
 ۲۰۴. ها انا ذا: این من هستم که این گونه‌ام.

۲۵۳. انتجهت: اختیار کرده.

۲۵۴. اصطفنه: انتخابش کرده.

۲۵۵. اخترت: اختیار کرده.

۲۵۶. برته: حلق.

۲۵۷. اجتیهت: برگزیدی.

۲۵۸. موالاته: محبت او را.

۲۵۹. نطف: وابسته کرده.

۲۶۰. معاده: دشمنی.

۲۶۱. تقدمنی: مرا پوشان.

۲۶۲. جار الیک: به سوی تو آنایه کرد.

۲۶۳. مستصلأ: در حالی که توبه کرده و از گناه خارج شده.

۲۶۴. عاذ: پناهنه شد.

۲۶۵. توئی: مرا حفظ کن.

۲۶۶. مکانه: منزلت.

۲۶۷. توحدنی: به ویژه مرا در حفظ خود نگهدار.

۲۶۸. اتعب: به زحمت افتاد.

۲۶۹. اجهد: به نهایت تلاش کرد.

۲۷۰. تفریط: تعصیر.

۲۷۱. فی چندک: در کنار تو.

۲۷۲. تعدی: تجاوز.

۲۷۳. طوری: حدّ من.

۲۷۴. حدودک: احکام و دستورهای تو.

۲۲۹. راجیک: امیدوار به تو.

۲۳۰. البانس: بیچاره.

۲۳۱. خیفة: ترس.

۲۳۲. تعرّذآ: پناه بردن.

۲۳۳. تلّوّه: پناه بردن.

۲۳۴. سطیله: طالب قدرت.

۲۳۵. بعد: هنوز.

۲۳۶. اقلّ الاقلّین: کمترین کمترین‌ها.

۲۳۷. لم یعاجل: عجله نمی‌کند.

۲۳۸. لا پنده: رد نمی‌کند.

۲۳۹. اقالة: مسامحة و گذشت.

۲۴۰. غائزین: فرو رفته در گناه.

۲۴۱. ایثار: مهلت دادن.

۲۴۲. خاطئین: گنه کاران.

۲۴۳. مجرّتنا: اقدام کننده بر گناه.

۲۴۴. استخف: پنهان می‌کنم.

۲۴۵. بارزک: آشکار انجام می‌دهد.

۲۴۶. هاب: ترسید.

۲۴۷. آینک: از تو در امان است.

۲۴۸. لم یرهب: نمی‌ترسد.

۲۴۹. سلطونک: قهر و غلبة تو.

۲۵۰. الجانی: جنایتکار.

۲۵۱. مرتهن: به گروگان رفته.

۲۵۲. عناء: رنج.

۲۹۸. لا تویشن: مرا مایوس مکن.  
۲۹۹. آتل: آرزو.  
۳۰۰. القوط: یأس.  
۳۰۱. لا تمنعن: به من رواندار.  
۳۰۲. فتیهظن: مرا منع کنی.  
۳۰۳. ولاترسلن: مرا راهانکن.  
۳۰۴. لاترم بیم: مرا طرد و دور نکن.  
۳۰۵. رمی: اندامن.  
۳۰۶. سقط من عین رعایتک: کسی که از جسم  
رعایت افتاده باشد.  
۳۰۷. خزی: ذل و خواری.  
۳۰۸. سقطه: هلاکت.  
۳۰۹. المترقبین: هالکان.  
۳۱۰. وله: فرع.  
۳۱۱. المستحقین: سلوک بدون هدایت.  
۳۱۲. زله: لغرض.  
۳۱۳. ورطه: وادی گرفتاری.  
۳۱۴. اماٹک: کنیزان.  
۳۱۵. عنیت به: به آنان لطف و توجه کردن.  
۳۱۶. فاعلته حیداً: به او زندگی پستنده دادی.  
۳۱۷. توفیته: به سوی خود بردي.  
۳۱۸. طوقنی: طوق بر گردش بینکن.  
۳۱۹. الاقلاع: دل کندن.

۲۷۵. مجاوزه: تجاوز کردن.  
۲۷۶. لاستدرجنی: مرا به تدریج به هلاکت  
میر.  
۲۷۷. حلول نعمت: ورود نعمتش.  
۲۷۸. رقد: خواب.  
۲۷۹. سنه: سنتی قبل از خواب.  
۲۸۰. مخدولین: بیچارگان.  
۲۸۱. قاتین: خاضعان.  
۲۸۲. استعیذ: به سوی بندگی خوانده است.  
۲۸۳. استنقذت: خلاص نمود.  
۲۸۴. مهارونین: سست گرایان.  
۲۸۵. بصلتی: مرا منع کرد.  
۲۸۶. أحوال: طلب کردم.  
۲۸۷. المشاخة: نوعی منازعه.  
۲۸۸. ولا تحققني: به تدریج نابود مکن.  
۲۸۹. مستحقین: لا ابایان و بی باکان.  
۲۹۰. أ وعدت: وعده دادی.  
۲۹۱. مقت: بعض و کینه.  
۲۹۲. لاتبرنی: مرا هلاک نکن.  
۲۹۳. غمرات: شدائند.  
۲۹۴. لورات: گلوبکرها.  
۲۹۵. بروقتنی: مرا هلاک می کنند.  
۲۹۶. ترهقni: مرا پوشش می دهد.  
۲۹۷. لا تعرض: اعراض نکن.

۳۴۳. رده، مناناتک: لباس عافیت.

۳۴۴. جلنی: مرا بزرگ بدار.

۳۴۵. سوابغ: نعمت‌های واسع.

۳۴۶. ظاهر: نعمت پیوسته عطاکن.

۳۴۷. طولک: غنی و قدرت.

۳۴۸. تسدید: محکم کردن.

۳۴۹. لاتکنی: مرا اگذار مکن.

۳۵۰. حول و قوتی: قدرت و توانایی خودم.

۳۵۱. تیشی: مرا در قیامت مبعوث کنی.

۳۵۲. لاتسنسی: مرا به فراموشی می‌فکن.

۳۵۳. الریته: او را ملازم من کن.

۳۵۴. آلتک: نعمت‌های تو.

۳۵۵. اوزعنی: به من الهام کن.

۳۵۶. اُسی: شکر و شناگریم.

۳۵۷. اویتیه: مرا بدان نائل کردي.

۳۵۸. لاتخانی: بیچاره و واماندهام مکن.

۳۵۹. لاتبھنی: مرا رد مکن.

۳۶۰. حجۃ: دلیل.

۳۶۱. اعود: بهترین نعمت رسانی.

۳۶۲. تعاب: عقریت کنی.

۳۶۳. شهر: واضح کنی و شهرت دهنی.

۳۶۴. لارنک: انجام ندهم.

۳۶۵. امتی: مرا بسیران.

۳۶۶. من بسم نوره: جلوه کند نور او.

۳۲۰. بخط العسنات: باطل کننده حسنات است.

۳۲۱. اشعر: قلبم را آگاه کن.

۳۲۲. الا زدجار: امتناع.

۳۲۳. فواضع: غیوب و اوضاع.

۳۲۴. الموبات: گناهان.

۳۲۵. انزع: جداکن.

۳۲۶. دنیادنیه: دنیای بد و پست.

۳۲۷. تنهی: باز می‌دارد.

۳۲۸. تصدی: مانع شود.

۳۲۹. ایتماه: طلب کردن.

۳۳۰. تذهل: فراموش کند.

۳۳۱. زقی: زیست بدہ.

۳۳۲. عصمه: حفظ و نگهداری.

۳۳۳. تدینیه: مرا نزدیک کنی.

۳۳۴. خشیه: ترس همراه با آگاهی.

۳۳۵. رکوب السعارم: انجام دادن معاصی.

۳۳۶. فنگنی: مرا بازداری.

۳۳۷. اسر الظالم: اسارت گناهان بزرگ.

۳۳۸. دنس: چرک.

۳۳۹. درن: آلو دگی پلیدی.

۳۴۰. سربلندی: به من بپوشان.

۳۴۱. سربال: پیراهن.

۳۴۲. رَذْئی: به من بپوشان.

۳۸۶. لاتسمنی: ملازم من نکن.  
۳۸۷. خسیه: پستی.  
۳۸۸. قدری: ارزش من.  
۳۸۹. لاترعنی: مرآتمنان.  
۳۹۰. روعة: ترس و فزع.  
۳۹۱. آلس بها: آرامش یابم.  
۳۹۲. خیفة: حال ترس.  
۳۹۳. ارجس: یافتن حال ترس آور.  
۳۹۴. هبیه: ترس.  
۳۹۵. وعید: وعده به عاقب.  
۳۹۶. حذر: دور بودن.  
۳۹۷. اعدام: مهلت دادن.  
۳۹۸. انذار: ترسانیدن.  
۳۹۹. رهیه: ترس و خشیت.  
۴۰۰. واعمر: آباد کن.  
۴۰۱. ایقاظ: بیدار شدن.  
۴۰۲. التهدید: بیداری شب.  
۴۰۳. تجزیه: کوشش من.  
۴۰۴. بسکونی الیک: آنس من به تو.  
۴۰۵. ممتازی: مراجعة من.  
۴۰۶. فکالک: آزاد کردن.  
۴۰۷. اجارش: نگهداری و حفظ من.  
۴۰۸. ولا تذرمنی: مرآ و امکن.  
۴۰۹. عامهاً: متغيراً.

۳۶۷. بین بدیه: از پیش او.  
۳۶۸. عن یمینه: از طرف راست او.  
۳۶۹. ذلکی بین بدیک: مرا به درگاه ذلیل کن.  
۳۷۰. اعزّتی عند خلقک: نزد بندگانت مراعزیز بدار.  
۳۷۱. ضعی: مرآ متواضع گردان.  
۳۷۲. وارفعی: مرآ بلند مقام بدار.  
۳۷۳. شحتم: زخم زبان.  
۳۷۴. حلول البلاه: نزول بلا.  
۳۷۵. العناه: سخنی.  
۳۷۶. تقدیمی: مرآ پیوشان.  
۳۷۷. اطلمت عليه: برآن آگاه شدی.  
۳۷۸. البطش: باز گرفتن در غصب.  
۳۷۹. جریره: گناه.  
۳۸۰. آنانه: صبر و تحمل.  
۳۸۱. فتنه: آزمایش ضلالت آور.  
۳۸۲. واشفع لی اوائل مستنك بأواخرها: نعمت‌های دنیوی راضمیة نعمت‌های اخروی بفرما.  
۳۸۳. لاتسدد لی: عمر مرآ زیاد مکن.  
۳۸۴. یقسوس: سخت می‌شود.  
۳۸۵. لاترعنی: مرآ به فرع ناگهانی قیامت مبتلا مکن.

۴۱۰. عله: موجب موعله دیگران.

۴۱۱. لعن انتظ: هر کس موعله پذیر است.

۴۱۲. نکلا: منع.

۴۱۳. لعن اعتبر: هر کس عبرت گیرد.

۴۱۴. فتنه: واقعه گمراه کننده.

۴۱۵. لعن نظر: هر کس عبرت گیرد.

۴۱۶. لاتسکریب: مرا مرور مکر قرار مده.

۴۱۷. لاستبدل بی: دیگری را به جای من انتخاب مکن.

۴۱۸. ولا تغیر لی اسماء: نامم از دیوان مؤمنان تغییر مده.

۴۱۹. هزوآ: مورد سخریه.

۴۲۰. سخیر: استهزا.

۴۲۱. تبعاً: پیرو.

۴۲۲. منهناً: مبتذل.

۴۲۳. تب على: توبه مرا پذیر.

۴۲۴. لاتذر: باقی مگذار.

۴۲۵. علانیة: آشکار.

۴۲۶. سریره: پنهان.

۴۲۷. انزع: خارج کن.

۴۲۸. غلن: کینه.

۴۲۹. صدر: سینه.

۴۳۰. واعطف: مایل کن.

۴۳۱. حقن: مرا زینت ده.

۴۲۲. حلیه: زینت.

۴۲۳. غابرین: باقی ماندگان.

۴۲۴. نامیا: رفیع، عالی.

۴۲۵. واف: آماده کن.

۴۲۶. عرصه: زمین گسترده.

۴۲۷. سویغ: وسعت.

۴۲۸. املأ پرکن.

۴۲۹. سق: سوق بدله.

۴۳۰. کرامه: کرامت‌ها.

۴۳۱. مواه: موهبت‌ها.

۴۳۲. جلتلی: مرا بزرگ بدار.

۴۳۳. شرافت: جمع شریف (عالیة القدر).

۴۳۴. نحل: عطاپایا.

۴۳۵. معدة: آماده.

۴۳۶. مقابل: محل استراحت.

۴۳۷. مطابه: جایگاه.

۴۳۸. اتبوة: جای کیم.

۴۳۹. الفز عیناً: چشم روشن شود.

۴۴۰. لاتقایسن: مرا مقایسه نکن.

۴۴۱. جراون: گناهان.

۴۴۲. تبل: ظاهر شود.

۴۴۳. ازال: زائل کن.

۴۴۴. اجزل: زیاد کن.

۴۴۵. قسم: نصیب‌ها.

|                                     |                              |
|-------------------------------------|------------------------------|
| ٤٦٥. يشوب: مخلوط من شود.            | ٤٥٦. نوال: عطا.              |
| ٤٦٦. نزغات: دخالت مفسدانه.          | ٤٥٧. واتق: مطمئن.            |
| ٤٦٧. صن وجهي: محفوظ بدار آبرويم را. | ٤٥٨. هتّ: همت من.            |
| ٤٦٨. الناس: درخواست.                | ٤٥٩. مستفرغاً: كاملاً آماده. |
| ٤٦٩. ظهير: يار.                     | ٤٦٠. خالصتك: خواص محبوب تو.  |
| ٤٧٠. حطّن: مرا حفظ کن.              | ٤٦١. ذهول: غفلت.             |
| ٤٧١. تهين: مرانگهدار.               | ٤٦٢. دغّة: راحتى و آسایش.    |
| ٤٧٢. ابتجاه: طلب کردن.              | ٤٦٣. معافاه: خود نگهداري.    |
| ٤٧٣. ابد الآبدین: همیشه.            | ٤٦٤. لاتجیط: باطل مکن.       |



## دعاوٰه في يوم الأضحى و يوم الجمعة

وكان من دعائيه علٰيٰه السلام يوم الأضحى و يوم الجمعة:

(١) اللهم هذا يوم مباركٌ ميئون، والمؤمنون فيه مجتهدون في أقطارٍ أرضك، يشهد الشّائلُ منهم والطالبُ والراغبُ والراهِبُ، وأنت الناظرُ في حوالِّهم، فأسألك بجودك وكرمك وهاون ما سألكَ عليك، أن تصلني على محمدٍ وآلِه.

(٢) وأسألوك اللهم ربنا بأن لك الملك، ولنك الحمد، لا إله إلا أنت، العليمُ الْكَرِيمُ الْخَانُ المثأن ذو الجلال والإكرام، بديع السماوات والأرض، مهما قسمت بين عبادك المؤمنين، من خير أو عافية أو بركة أو هدى أو عملٍ يطاعتك، أو خير تمن به عليهم تهديهم به إليك، أو ترفع لهم عن ذراك درجة، أو تغطيهم به خيراً من خير الدنيا والآخرة، أن توفر خطى ونصيب منه.

(٣) أسألوك اللهم بآن لك الملك والحمد، لا إله إلا أنت، أن تصلني على محمدٍ عبدك ورسولك وحبيبك وصفوتك، وخيرتك من خلقك، وعلى آل محمد الأبرار الطاهرين الآخيار، صلاة لا يفوت على إخوانها إلا أنت.

## دعای چهل و هشتم

### دعای روز عید قربان و جمعه

(۱) خدایا، امروز روز خجسته و مبارک است و مردم در تمام نواحی کره زمین گرد هم آمده اند و با اطوار مختلف نیاز های گوناگون خود را درخواست می دارند و تو از همه آنان آگاهی، خدایا، پس به جود و کرم و آسان بودن آن چه از تو درخواست می کنم، از تو خواهانم که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

(۲) خدایا، پروردگار از تو که صاحب اقتدار و زیسته ستایش، بردبار، بزرگوار، مهریان و صاحب جلال و کبریایی هستی و آفریدگار آسمان ها و زمین می باشی، درخواست می کنم که هرگاه خیر و برکت و عافیت برای بندگانت مقرر کردي و یا هدایت و یا عمل صالح یا عطای خیر و یا عافیت و برکت به آنان ارزانی داشته، یا که نام و درجه آنان را بلند کردي، یا خیر دنیا و آخرت به آنها دادی، نصیب و بهره مراع آن فراوان و افزون فرما.

(۳) خدایا، تو که فرمانروای جهان هستی و همه ستایش هایش از آن تو است و جز تو مؤثری در کار نیست، درخواست می کنم که بر حضرت محمد، بنده، فرستاده، حبیب، برگزیده و انتخاب شده تو از میان آفریده هایت و خاندان نیک و پاک او درود فرستی؛ آن چنان که غیر تو قدرت احصا و شمارش آن را نداشته باشد و مارادر دعای

وَأَن تُشْرِكَنَا فِي صَالِحٍ مِّنْ دُعَاكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا رَبَّ  
الْعَالَمِينَ، وَأَن تَغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَوِيرٌ.

(٤) اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْمَدُ<sup>١</sup> بِحَاجَتِي، وَبِكَ أَنْزَلْتَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَفَاقِتِي وَ  
مَشْكُتِي، وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ أُوْتَقُ<sup>٢</sup> مِنْ بَعْتِلِي، وَلَمَغْفِرَتِكَ وَ  
رَحْمَتِكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَلُّ<sup>٣</sup> قَضَاءَ كُلِّ  
حَاجَةٍ هِنَّ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا، وَتَبَسِّرْ ذَلِكَ عَلَيْكَ، وَبِقُرْبِي إِلَيْكَ، وَغِنَاكَ  
عَنِّي، فَإِنِّي لَمْ أُصِبْ<sup>٤</sup> خَيْرًا قَطُّ إِلَّا مِنْكَ، وَلَمْ يَضِرْ عَنِّي سُوءًا قَطُّ أَخْدَ  
غَيْرِكَ، وَلَا أَرْجُوا لِأَمْرٍ أَخْرَتِي وَدُنْيَائِي سِواكَ.

(٥) اللَّهُمَّ مِنْ تَهْيَأْ<sup>٥</sup> وَتَعْبَأْ<sup>٦</sup> وَأَعْدَ<sup>٧</sup> وَاسْتَعْدَ<sup>٨</sup> لِوِفَادِي<sup>٩</sup> إِنِّي مَخْلُوقٌ، رَّجَاهُ  
رِفِيدُ<sup>١٠</sup> وَتَوَافِيلِي<sup>١١</sup> وَ طَلَبُ نَيْلِهِ وَجَائِزَتِيهِ، فَإِنَّكَ يَامُولَايَ كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيَيَتِي  
وَتَغْبَتِي وَأَغْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاهُ عَفْوِكَ وَرِفْدُكَ وَ طَلَبُ نَيْلِكَ وَجَائِزَتِكَ.

(٦) اللَّهُمَّ فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخْبِي<sup>١٢</sup> الْيَوْمَ ذَلِكَ مِنْ  
رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يُخْفِي<sup>١٣</sup> سَائِلٍ وَلَا يَنْفَضِّلُ نَائِلٍ<sup>١٤</sup>، فَإِنِّي لَمْ آتَيْكَ<sup>١٥</sup> ثَقَةً<sup>١٦</sup> مِنْ  
يَعْتَلِ صَالِحٍ قَدْمَثُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجُوتُهُ، إِلَّا شَفَاعَةَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ  
عَائِلَتِهِ وَعَلَيْهِمْ سَلَامٌكَ ..

(٧) أَتَيْتُكَ مُقِرًا بِالْجُزْمِ وَالْإِسَاطَةِ إِلَيْنِي، أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ  
الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، ثُمَّ لَمْ يَنْتَنِكَ طُولُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُزْمِ  
أَنْ عَذَّتْ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ.

(٨) فَيَا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسْتَعْدَدَهُ، وَعَفْوَهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، يَا كَرِيمٌ يَا  
كَرِيمٌ، صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَذْ عَلَى بِرَحْمَتِكَ، وَتَعَطَّفْ عَلَيَّ

خیر بندگان صالحت در امروز شریک گردان ای پروردگار جهانیان و همه ما و آسان را  
بینخاش، که تو بر هر چیز توانایی.

(۴) خدایا، حاجتم را به درگاه تو آوردهام و امروز فقر و نیاز و مسکن خود را بر  
ساحت تو افکندهام و به رحمت تو امیدوارتر از اعمالم هستم و بخشایش تو از گناه  
من وسیع تر است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و حاجاتم را به قدرت روا  
کن، که برای تو آسان است و من به تو نیازمندم و تو از من بنیازی، من هر خیر را از  
تو می دانم و نجات از شر را جز به تونم بینم و هرگز امیدی در دنیا و آخرت به جز تو  
ندارم.

(۵) خدایا، هر کس آماده و مهیا شده که عطا یا و صله های مخلوقی به او روی کند،  
آمادگی و استعداد وجودی من فقط رو به درگاه تو است، به امید آن که بتوانم به عفو و  
عطایای فراوان تو نایل آیم.

(۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و امروز نو میدم مگر دان، ای  
کسی که از فراوانی درخواست رنج نمی ببری و به واسطه کثرت عطا، کاستی و  
منقصت در ملک تو پیدا نمی شود. من هرگز به کردار خود مطمئن نیستم و به شفاعت  
کسی امید نبستام، مگر شفاعت حضرت محمد و خاندان او، که سلام تو بر همه آنان  
باد!

(۷) خدایا، با اقرار به جرم و بدی، به درگاهت آمدهام، در حالی که به عفو عظیم تو  
پیوسته ام، همان که پیوسته تبه کاران بدان و سبله مورد عفو قرار می گیرند و هرگز  
طلایت بودن غفلت و جرم آنان، مانع رحمت تو نبوده است.

(۸) ای خدایی که رحمت گستره و گذشت تو بزرگوارانه است، ای عظیم و ای  
بزرگ، ای کریم و ای بزرگوار، بر محمد و آل محمد درود بفرست و رحمت را بر من  
عاید و تفضلت را به سوی من منعطف فرما و مشمول وسعت مغفرت خود بگردان.

بِنَصْلِكَ، وَتَوَسَّعُ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ.

(٩) اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامُ لِخَلْقَاتِكَ<sup>١٨</sup> وَأَصْفَيَاكَ<sup>١٩</sup>، وَمَوَاضِعَ أَمْتَانِكَ<sup>٢٠</sup> فِي الدَّرْجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصَتْهُ<sup>٢١</sup> بِهَا قَدِ ابْتُرُوهَا<sup>٢٢</sup>، وَأَنْتَ الْمُقْدَرُ<sup>٢٣</sup> بِذَلِكَ، لَا يَغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يَجاوِزُ<sup>٢٤</sup> الْمُحْتَوْمُ<sup>٢٥</sup> مِنْ تَدْبِيرِكَ، كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمٍ<sup>٢٦</sup> عَلَى خَلْقِكَ وَلَا إِرَادَتِكَ، حَتَّى عَادَ صِفْوتُكَ<sup>٢٧</sup> وَخَلْفَاؤَكَ مَفْلُوبِينَ مَفْهُورِينَ<sup>٢٨</sup> مُبْتَرِّينَ<sup>٢٩</sup>، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبَدِّلاً<sup>٣٠</sup>، وَكِتابَكَ مُبْتَداً<sup>٣١</sup>، وَفِرَاطَكَ مُخْرَفَةً<sup>٣٢</sup> عَنْ جِهَاتِ أَشْرَاعِكَ<sup>٣٣</sup>، وَسُنْنَتِكَ مُثْرِوكَةً.  
 (١٠) اللَّهُمَّ الْقُنْ أَغْدَاهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَمِنْ رَضِيَ بِفَعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ<sup>٣٤</sup> وَأَنْبَاعِهِمْ.

(١١) اللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، كَصَلَواتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَتَعَيَّنَاتِكَ عَلَى أَصْفَيَاكَ<sup>٣٥</sup> إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَعَجِلِ الْفَرَجَ وَالرَّفْعَ<sup>٣٦</sup> وَالنُّصْرَةَ وَالْتَّمْكِينَ<sup>٣٧</sup> وَالثَّائِيدَ<sup>٣٨</sup> لَهُمْ.

(١٢) اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّسْوِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَالثَّضِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ حَنَّتْ طَاعَتْهُمْ، مِنْنَ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدِيهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمَيْنَ.

(١٣) اللَّهُمَّ نِيسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمَكَ، وَلَا يَرُدُّ سُخْطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ، وَلَا يُجِيِّرُ<sup>٣٩</sup> مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَلَا يُنْجِيَنِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَهَبْ<sup>٤٠</sup> لَنَا -يَا إِلَهِي- مِنْ لَدُنْكَ فَرْجًا<sup>٤١</sup> بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُخْيِي أَمْوَاتَ الْبَيَادِ، وَبِهَا تَشْرُعُ<sup>٤٢</sup> مَيْتَ الْبِلَادِ<sup>٤٣</sup>.

(۹) خدایا، مقام نماز جموعه و عید اضحی مربوط به برگزیدگان و جایگاه انبیای توست و تو آنان را به این درجات رفیع مختص فرموده‌ای، ولی حکومت‌های غاصب آن را غصب کرده‌اند، اگرچه تقدیر کننده تو هستی و هیچ کس بر تو غالب نیست و تدبیر مختوم تو مغلوب نمی‌گردد، بلکه هر چه و هر طور بخواهی همان است و هرگز بدگمانی به قدرت و علم تو در کار نیست؛ حتی در آن جاکه برگزیدگان تو مغلوب و مقهور شوند و بینند که کتاب تو مبدل و حکم تو متروک و واجبات، تحریف شده و روش پیامبرت متروک است.

(۱۰) خدایا، دشمنان اولیای خود، اعم از گذشتگان و آیندگان و هر کس را که از افعال آنان خشنود است و از آنان پیروی می‌کند، مورد لعن و دوری از رحمت و برکات خود قرار بده.

(۱۱) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، زیرا تو ستدوده و بزرگواری؛ همانند درودها و برکات و تهنيت‌هایی که برگزیدگانی هم چون ابراهیم و خاندان ابراهیم نثار فرمودی. خدایا، در فرج و گشایش و نصرت و سلطه و تأیید آل محمد تعجیل بفرما.

(۱۲) خدایا، مرا از اهل توحید و ایمان و تصدیق کنندگان به امامانی که اطاعت از آنان را واجب کرده‌ای، قرار بده؛ هم آنان که امت را به سوی ایمان و توحید رهنمون می‌گردند. اجابت فرما، ای پروردگار جهانیان.

(۱۳) خدایا، فقط برداری و گذشت تو می‌تواند خشم و غضب تو را برگرداند و جز بارحمت تو، کسی از عقاب تو نجات نمی‌یابد و جز تصرع به سوی تو پناه‌گاهی نیست؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و از مقام الهیت خود، باقدرتی که مردگان را زنده و زمین‌های مرده را حیات می‌بخشی، عنایتی فرما که موجب گشایش امور ما گردد.

(١٤) وَ لَا تُهْلِكْنِي - يَا إِلَهِي - غَتَّا حَتَّى تَشْجِيبَ لِي، وَ تَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ  
فِي دُعَائِي، وَ أَذْقِنِي<sup>١</sup> طَفْمَ الْأَعْافِيَةِ إِلَى مُسْتَهْنَى أَجْلِي، وَ لَا تُشْبِثَ بِي  
عَدُوِّي<sup>٢</sup>، وَ لَا تُنْكِنَهُ<sup>٣</sup> مِنْ عَنْتِي، وَ لَا تُسْلِطَهُ<sup>٤</sup> عَلَيَّ.

(١٥) إِلَهِي إِنْ رَفَقْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضْمَنِي<sup>٥</sup>؟! وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ  
ذَا الَّذِي يَزْقَعْنِي<sup>٦</sup>؟! وَ إِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَهْبِطْنِي<sup>٧</sup>؟! وَ إِنْ أَهْنَتَنِي<sup>٨</sup> فَمَنْ  
ذَا الَّذِي يُكْرِمِنِي<sup>٩</sup>؟! وَ إِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَزْخَمْنِي<sup>١٠</sup>؟! وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ  
ذَا الَّذِي يَغْرِضُ لَكَ فِي عَنْدِكَ، أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أُمْرِهِ؟! وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّهُ لَيْسَ  
فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَ لَا فِي تِقْبِيكَ<sup>١١</sup> عَجْلَةً، وَ إِنَّمَا يَغْجَلُ مِنْ يَخَافُ الْفُوْتَ، وَ  
إِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الْضَّعِيفِ، وَ قَدْ تَعَالَيْتَ<sup>١٢</sup> - يَا إِلَهِي - عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا  
كَبِيرًا.

(١٦) أَللَّهُمَّ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَعْقُلْنِي لِبَلَاءً غَرَّرْأً<sup>١٣</sup>، وَ لَا  
لِتِقْبِيكَ نَضْبَأُ<sup>١٤</sup>، وَ مَهْنَيْنِي<sup>١٥</sup>، وَ نَقْشَنِي<sup>١٦</sup>، وَ أَقْنَيْنِي<sup>١٧</sup> عَنْتَرِي<sup>١٨</sup>، وَ لَا تَبْتَلِيَنِي<sup>١٩</sup>  
بِبَلَاءٍ عَلَى أَثْرٍ<sup>٢٠</sup> بَلَاءً، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَ قَلَّةَ جِيلَتِي وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ.

(١٧) أَسْوُدُ بِكَ اللَّهُمَّ إِنَّمَا مِنْ غَضِبِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
أَعْذَنِي، وَ أَشْجِرِ بِكَ<sup>٢١</sup> إِنَّمَا مِنْ سَخْطِكَ<sup>٢٢</sup>، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
أَجْزَنِي.

(١٨) وَ أَسْأَلُكَ أَنَّمَا مِنْ عَذَابِكَ، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ آمِنِي<sup>٢٣</sup>،  
وَ أَشْتَهِيَّكَ<sup>٢٤</sup>، فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنِي، وَ أَشْتَصِرُكَ<sup>٢٥</sup>، فَصَلُّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْصُرْنِي.

(۱۴) خدایا، مرا به واسطه اندوه و نومیدی از خود نابود مکن، تا این که تمامی خواسته‌هایم را اجابت فرمایی و مرا از اجابت دعاها یم آگاه گردانی و تازنده هستم و در طول عمر من، طعم عافیت را به من بچشانی و مرا در اختیار دشمنانم قرار مده و آنها را بر من مسلط مگردان.

(۱۵) خدایا، اگر مرارفعت دهی چه کسی می‌تواند مرا به پستی بکشاند؟ و اگر فرومایه‌ام گردانی چه کسی نجات می‌دهد؟ و اگر اکرام فرمایی چه کسی قدرت اهانت به من را دارد؟ و اگر خوارم کنی چه کسی مرا اکرام خواهد کرد؟ و اگر عذابم کنی چه کسی می‌تواند بر من رحم کند؟ و اگر هلاکم کنی چه فردی می‌تواند مانع بشود و از تو درباره من درخواست کند؟ و من می‌دانم که تو نه ظلم می‌کنی و نه در عذاب شتاب می‌فرمایی، بلکه کسی عجله و شتاب می‌کند که از فوت کاری بترسد و کسی ستم می‌کند که ضعیف و ناتوان باشد و حال آن که تو - ای معبد من - از هر منقصتی، متعالی و منزه هستی.

(۱۶) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مراهدف بلا و کیفر و عقوبت خود فرار مده و به من مهلت ده و اندوه‌هم را بر طرف ساز و از لفڑش‌هانگاه دار و هرگز به بلاهای پی در پی دچار مکن، زیرا تو ضعف و بیچارگی و زاری و التجايم را می‌بینی.

(۱۷) خدایا، از غصب تو به تو پناهندگانم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و پناهم ده و از خشم تو به تو روی آورده‌ام، پس بر محمد و آل محمد درود نثار کن و مرا بپذیر.

(۱۸) خدایا، از تو ایمنی از عذاب را می‌خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا ایمن دار و از تو طلب هدایت می‌کنم، پس بر پیامبر و خاندان او درود فرست و هدایت را نصیبیم کن و از تو باری می‌خواهم، پس بر پیامبر و اهل بیت او درود فرست و مرا باری فرما.

(١٩) وَأَشْتَرِجْمُكَ<sup>٧٨</sup>، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَزْخَنْتِي، وَأَشْتَكْفِيكَ<sup>٧٩</sup>،  
فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَكْبِي، وَأَشْتَرِزْقُكَ<sup>٨٠</sup>، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ  
أَرْزُقِي.

(٢٠) وَأَشْتَعِينُكَ، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْنِي، وَأَشْتَغِيُوكَ لِمَا سَلَفَ<sup>٨١</sup>  
مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلٌّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَغْفِرْلِي، وَأَشْتَغِصِيكَ<sup>٨٢</sup>، فَصَلٌّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَغْصِنِي، فَإِنِّي لَنْ أَعُودَ<sup>٨٣</sup> لِسَنِي كَرْهَتَهُ<sup>٨٤</sup> مِنْ إِنْ يَشَتَّ ذَلِكَ.

(٢١) يَا رَبِّ يَا زَبِّ، يَا حَنَانَ<sup>٨٥</sup> يَا مَنَانَ<sup>٨٦</sup>، يَا ذَالْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، صَلٌّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاشْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ<sup>٨٧</sup> إِلَيْكَ وَرَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ،  
وَأَرِذَّهُ<sup>٨٨</sup> وَقَدْرَهُ<sup>٨٩</sup> وَأَفْضِيهُ<sup>٩٠</sup> وَأَمْضِيهُ<sup>٩١</sup>، وَخِزْلِي<sup>٩٢</sup> فِيمَا تَغْضِي مِنْهُ، وَبَارِكْلِي  
فِي ذَلِكَ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ، وَأَشْعَدْنِي<sup>٩٣</sup> بِمَا تُطَيِّبْنِي مِنْهُ، وَزِدْنِي مِنْ قَضِيلَكَ وَ  
سَعْيَةً مَا عِنْدَكَ، فَإِنَّكَ وَاسِعٌ<sup>٩٤</sup> كَرِيمٌ، وَصَلٌّ<sup>٩٥</sup> ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَتَعْبِيهَا، يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، ثُمَّ تَذَعُّو بِمَا بَدَأْتُكَ، وَتُخْلِلُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَلْفَ مَرَّةٍ.  
هَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ).

(۱۹) خدایا، از تو طلب ترحم می‌کنم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مر امور در ترحم خود قرار ده و از توبی نیازی از همه چیز رامی خواستم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و بی نیازم کن و از تو روزی معقول و مفید می‌خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به من روزی عطا کن.

(۲۰) خدایا، از تو باری می‌خواهم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا باری کن و از تو طلب آمرزش می‌کنم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بی‌امرز و در کشاکش زندگانی از تو طلب نگاه داری می‌کنم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از لغتش‌ها نگاه دار، که اگر تو مرا در پناه خود قرار دهی و اراده کنی که رفتارم به کردار ناروا نینجامد، در همه حال از هر گزندی در امان خواهم بود.

(۲۱) ای بپروردگار ای بپروردگار، ای مهربان ای مهرورز، ای صاحب جلال و کرم، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن چه راکه از تو درخواست و طلب کرده و درباره آن به درگاه تو گراییدم، به من کرامت کن و همه آنها را در قضای حتم و تقدیر خود مقرر بدار و تمامی خواسته‌هایم را مورد امضاخی خود قرار بده و آن چه راکه بهتر است برای من برگزین و آنها را برای من پربرکت کن و خوش‌بختانه ترین زندگی را به من عطا بنا و افزون از خواسته‌هایم به من تفضل کن و مرابه واسطه آنها نیک‌بخت گردان و از تفضل و کرامت گسترهات بر من بیفزای، که تو واسع و کریمی و این همه نعمت دنیا را به نعمت‌های آخرت پیوندد، ای مهربان ترین مهربانان.

---

### واژه‌ها:

۱. مبارک: دارای خیر و برکت.
۲. آقطار: نواحی و اطراف.
۳. راغب: خواستار.
۴. راهب: دارای ترس با اضطراب.
۵. حنان: کثیر الرحمة.
۶. بدیع السمات: آفرینش بی سابقه

۱. اصلانک: برگزیدگان تو.

۲. متن: مئت می گذاری.

۳. موضع: جایگاه‌ها.

۴. توفر: زیاد می کنی.

۵. امنانک: امین‌های تو.

۶. حقیقی: نصیب من.

۷. اختصاص: آنان را اختصاص دادی.

۸. صفتی: برگزیده.

۹. انتزوع: آن را سلب کردند.

۱۰. احصار: شمارش.

۱۱. مقتدر: تقدیر کننده.

۱۲. تمتد: قصد کردم.

۱۳. بجاووز: تجاوز نمی کند.

۱۴. اوقت: مطمئن تو.

۱۵. محتوم: قطعی و حتمی.

۱۶. تهم: مورد تهمت.

۱۷. تولی: بر عهده گیر.

۱۸. صفتونک: برگزیدگان تو.

۱۹. مفهور: مغلوب.

۲۰. میتمن: محروم از حق خود.

۲۱. مبدل: تبدیل شده.

۲۲. مبتداً: طرد شده.

۲۳. فرانپنک: واجبات.

۲۴. معرفه: تحریف گردیده.

۲۵. اشاراعک: طریق و راه‌های تو.

۲۶. آشیاعهم: پیروان آنان.

۲۷. اصلانک: برگزیدگان تو.

۲۸. روح: راحت.

۲۹. تسلیک: سلطنت و اقتدار.

۳۰. تایید: تقویت.

۳۱. بیجه: بناء نمی دهد.

۳۲. انتزوع: آن را سلب کردند.

۳۳. انتزوع: آن را سلب کردند.

۳۴. مقتدر: تقدیر کننده.

۳۵. بجاووز: تجاوز نمی کند.

۳۶. محتوم: قطعی و حتمی.

۳۷. تهم: مورد تهمت.

۳۸. صفتونک: برگزیدگان تو.

۳۹. مفهور: مغلوب.

۴۰. میتمن: محروم از حق خود.

۴۱. مبدل: تبدیل شده.

۴۲. مبتداً: طرد شده.

۴۳. فرانپنک: واجبات.

۴۴. معرفه: تحریف گردیده.

۴۵. اشاراعک: طریق و راه‌های تو.

۴۶. آشیاعهم: پیروان آنان.

۴۷. اصلانک: برگزیدگان تو.

۴۸. روح: راحت.

۴۹. تسلیک: سلطنت و اقتدار.

۵۰. تایید: تقویت.

۵۱. بیجه: بناء نمی دهد.

۷۳. استبیر بک: به تو پناه من برم.

۷۴. سخط: غضب.

۷۵. آمش: مراد امن قرار ده.

۷۶. استهدیک: طلب هدایت از تو من کنم.

۷۷. استصرک: از تو یاری من خواهم.

۷۸. استرحلله: از تو ترحم من خواهم.

۷۹. استکنک: از تو کفایت طلب من کنم.

۸۰. استرزقک: رزق از تو من خواهم.

۸۱. ماسلف: آن چه گذشته.

۸۲. استحصلک: از تو طلب عصمت من کنم.

۸۳. لن آعده: هرگز بر نمی گردم.

۸۴. گرهنه: دوست نداری.

۸۵. حنان: کثیر الرحمة.

۸۶. منان: کثیر العطا.

۸۷. آرده: او را راрадه کن.

۸۸. قترة: او را تقدیر کن.

۸۹. واقض: آن را حتم فرما.

۹۰. آمپیه: آن را امضا کن.

۹۱. جزیل: برای من خیر قرار بده.

۹۲. واسعدنی: مرآ خوشبخت کن.

۹۳. واسع: دارای گشایش و قدرت.

۹۴. صل: وصل کن.

۵۲. هب: بیخش.

۵۳. فرج: گشایش.

۵۴. تنش: زنده کنی.

۵۵. میت البلاط: سرزمین خالی از روییدنی.

۵۶. آذقی: به من بچشان.

۵۷. لاشتمت بن عدوی: دشمن مرا مسلط به شماتت من مکن.

۵۸. لاتکه: به او قدرت نده.

۵۹. ولاسلطه: او را مسلط نکن.

۶۰. یضعن: مرآ خوار کند.

۶۱. یرفعن: مرآ بلند کند.

۶۲. اهنتی: به من اهانت کنی.

۶۳. نتمکل: غضب تو.

۶۴. تعالیت: تو بس عالی هستی.

۶۵. غرض: هدف.

۶۶. نصبا: نشان قرار گرفته.

۶۷. مهلتی: مهلتم بد.

۶۸. نتشن: به من گشایش نصیب کن.

۶۹. اقلی: مرآ نگهدار.

۷۰. عترتی: لغزش من.

۷۱. لاتیلیش: مبتلایم نکن.

۷۲. آفر: دنیال.

## دعاوه في دفع كيد الأعداء

وكان من دعائيه عليه السلام في دفاع كيد الأعداء، ورد باسمهم:

(١) إِلَهِي هَذَا يَسِّنِي فَلَهُوْتُ، وَعَظَتْ فَقَسُوتُ، وَأَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ<sup>١</sup>  
 فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أَضَرَّتْ إِذْ عَرَفْتِيهِ، فَاسْتَغْفَرْتُ فَأَفَلَتْ، قَعْدَتْ<sup>٢</sup>  
 فَسَرَوتْ، فَلَكَ - إِلَهِي - الْخَدْنُ. تَقْحَمْتُ أُوذِيَةَ الْهَلَالِكِ، وَخَلَلْتُ<sup>٣</sup> شَعَابَ<sup>٤</sup>  
 تَلْفِ، تَرَضَتْ فِيهَا لِسْطَوَاتِكَ<sup>٥</sup> وَبِخُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ. وَوَسِيلَتِي إِلَيْكَ  
 التَّوْجِيدُ، وَدَرِيعَتِي<sup>٦</sup> أَنِّي لَمْ أُشْرِكْ بِكَ شَيْئاً، وَلَمْ أَتَجِدْ مَنْكَ إِلَهًا.  
 (٢) وَقَدْ فَرَزْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي، وَإِلَيْكَ مَفَرَّهَ<sup>٧</sup> الْمُسِىٰ، وَمَفَرَّعَ<sup>٨</sup> الْمُضِيِّ<sup>٩</sup>  
 لِخَطْنَسِي<sup>١٠</sup> الْمُلْتَجِي<sup>١١</sup>. فَكَمْ مِنْ عَدُوٍ انتَصَرَ<sup>١٢</sup> عَلَيَّ سَيْفَ عَدَوِيَّهِ، وَشَحَدَ<sup>١٣</sup>  
 لِي طَبَّةَ<sup>١٤</sup> مُدَيْتِهِ، وَأَزْهَقَ<sup>١٥</sup> إِلَيْ شَبَا<sup>١٦</sup> حَدَّهِ، وَدَافَ<sup>١٧</sup> إِلَيْ قَوَاتِلَ<sup>١٨</sup> سُمُومِهِ، وَ  
 سَدَّدَ<sup>١٩</sup> نَخْوِي<sup>٢٠</sup> صَوَابِتَ<sup>٢١</sup> سَهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمِ<sup>٢٢</sup> عَنِّي عَيْنُ جَرَاسِيَّهِ، وَأَضْمَرَ<sup>٢٣</sup>  
 أَنْ يَشُومَتِي<sup>٢٤</sup> الْمَكْرُوَهُ، وَيُجَزِّعَنِي<sup>٢٥</sup> رُعَاقَ<sup>٢٦</sup> مَرَازِيَّهِ. فَنَظَرَتْ - يَا إِلَهِي -  
 إِلَى ضَغْفِي عَنِ الْخِيَالِ الْفَوَادِحِ<sup>٢٧</sup>، وَعَجَزَتِي عَنِ الْإِثْيَارِ مِنْ قَصَدَنِي  
 بِمُحَازِبِيَّهِ، وَوَحَدَتِي فِي كَثِيرٍ عَدَدٍ مِنْ نَاوَانِي<sup>٢٨</sup>، وَأَرْضَدَ لِي<sup>٢٩</sup> بِالْبَلَاءِ فِيمَا

## دعای چهل و نهم

### دعای برای دفع کید و مکر دشمنان

(۱) خدایا، مرا هدایت فرمودی و من بیهوده گرایی کردم و تو نصیحتم کردی ولی من به سنگدلی مبتلا شدم و نعمت‌های بزرگ به من عطا فرمودی و من به عصیان گذراندم. آن چه را که انجام داده‌ام می‌دانی، زیرا تو به خوبی مرا می‌شناسی و من پیشمان گردیده و استغفار نمودم و تواز لغزشم گذشتی و دوباره پیمانت راشکستم و تو سر مرا پوشاندی. پس ای خدای من، ستایش سزاوار توست. من در وادی‌های هلاکت فرو رفته‌ام و بر مسیرهای پرآسیب جای گرفتم و به استقبال قهر، خشم و عقوبت تو رفته‌ام. اینک یگانه وسیله نجات تو حید است و دست آویزم شرک نورزیدن و هرگز با توبه خدای دیگری اعتقاد نداشتم.

(۲) خدایا، به سوی تو گریخته‌ام و تو پناهگاه، گناه‌کاران و کسانی هستی که خود را تباہ کرده و به تو پناهندۀ شده‌اند. خدایا، چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوت خود را بر هنه کرده و کارد خود را برابری من تیز نموده و لب آن را بیان کرده و سوم کشنه را با آب مخلوط نموده و تیرهای اصابت کننده به هدف خود را متوجه من کرده است و چشمان جاسوسانش یک لحظه در خواب نیست و تصمیم دارد عوامل ناراحت کننده‌ای برای من فراهم آورد و جرمه‌های شور و تلخ را به گلوی من بریزد. پس ای خدا، تو از ناتوانی من در دفاع از خود آگاهی و عجز مرادر گزینش کسی که به باری ام بشتابد می‌دانی و از تنهایی من در بین گروه بسیاری که به دشمنی با من برخاسته‌اند.

لَمْ أُغْيِلْ فِيهِ فَخْرِي، فَابْتَدَأْتُنِي بِنَصْرِكَ، وَشَدَّدْتَ أَزْرِي<sup>١١</sup> بِقُوَّتِكَ.

(٣) ثُمَّ تَلَلَّتْ<sup>١٢</sup> لِي حَدَّهُ، وَصَبَّرْتَهُ<sup>١٣</sup> مِنْ بَعْدِ جَمِيعِ عَدِيدٍ وَحَدَّهُ، وَأَغْلَيْتَ<sup>١٤</sup>  
كَفِيفِي عَلَيْهِ، وَجَعَلْتَ مَا سَدَّدَهُ<sup>١٥</sup> مَرْدُودًا عَلَيْهِ، قَرَدَتْهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ<sup>١٦</sup>، وَ  
لَمْ يَسْكُنْ غَلِيلُهُ<sup>١٧</sup>، قَدْ عَصَّ<sup>١٨</sup> عَلَى شَوَاهِ<sup>١٩</sup>، وَأَذْبَرَ<sup>٢٠</sup> مُؤْلِيَا<sup>٢١</sup> قَدْ أَخْلَقَ<sup>٢٢</sup>  
سَرَايَاهُ<sup>٢٣</sup>. وَكَمْ مِنْ باغٌ<sup>٢٤</sup> بَغَانِي<sup>٢٥</sup> بِتَكَابِدِهِ<sup>٢٦</sup>، وَنَصَبَ لِي شَرَكٌ<sup>٢٧</sup> مَصَابِدِهِ<sup>٢٨</sup>،  
وَوَكَلَ بِي<sup>٢٩</sup> تَقْدِيرِ عَاتِيَهِ<sup>٣٠</sup>، وَأَضْبَأَ<sup>٣١</sup> إِلَيْيَهِ السَّبَعِ<sup>٣٢</sup> لِطَرِيدَتِهِ<sup>٣٣</sup> انتظارًا  
لِإِنْتِهَا زِ الْفَزُصَّةِ<sup>٣٤</sup> لِفَرِيسَتِهِ<sup>٣٥</sup>، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلَقِ<sup>٣٦</sup>، وَيَنْظُرُنِي<sup>٣٧</sup>  
عَلَى شَدَّةِ الْعَنْقِ<sup>٣٨</sup>. فَلَمَّا رَأَيْتَ -يَا إِلَهِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ- دَغَلَ سَرِيرَتِهِ<sup>٣٩</sup>،  
وَقُبَّحَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ<sup>٤٠</sup>. أَزْكَسْتَهُ<sup>٤١</sup> لِأَمْ رَأْسِهِ<sup>٤٢</sup> فِي زِينَتِهِ<sup>٤٣</sup>، وَرَدَدْتَهُ<sup>٤٤</sup>  
فِي مَهْوِي<sup>٤٥</sup> حُفْرَيَهِ<sup>٤٦</sup>. فَانْقَعَ<sup>٤٧</sup> بِمَدَاشِطَالِيَهِ<sup>٤٨</sup> ذَلِيلًا فِي رَبْقِي<sup>٤٩</sup> جَبَالِيَهِ<sup>٥٠</sup> الَّتِي  
كَانَ يَقْدِرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كَادَ أَنْ يَخْلُ<sup>٥١</sup> بِي لَوْلَا رَخْسَتَكَ مَا حَلَّ  
بِسَاحِتِي<sup>٥٢</sup>.

(٤) وَكَمْ مِنْ حَابِدٍ قَدْ شَرَقَ<sup>٥٣</sup> بِي بِسُخْتِهِ، وَشَجَنَ<sup>٥٤</sup> مِنْ بِسْغِنِظِهِ، وَ  
سَلَقَنِي<sup>٥٥</sup> بِعَدْ لِسَانِيَهُ<sup>٥٦</sup>، وَوَحْزَنِي<sup>٥٧</sup> بِتَزْفِ<sup>٥٨</sup> عَيْوِيَهِ، وَجَعَلَ عِزْضِي<sup>٥٩</sup> غَرْضاً<sup>٦٠</sup>  
لِعَرَامِيَهِ<sup>٦١</sup>، وَقَلَّذَنِي<sup>٦٢</sup> خَلَالًا<sup>٦٣</sup> لَمْ تَرَلْ فِيهِ<sup>٦٤</sup>، وَوَحْزَنِي<sup>٦٥</sup> بِكَيْدِهِ، وَقَصَدَنِي<sup>٦٦</sup>  
بِمَكِيدَتِهِ<sup>٦٧</sup>. فَنَادَيْتُكَ -يَا إِلَهِي- مُشَتَّفِيَّا بِكَ، وَإِنْقَاصِرْعَةِ إِجَائِيَكَ، عَالِمًا أَنَّهُ  
لَا يُضْطَهِدُ<sup>٦٨</sup> مِنْ أَوْيَ إِلَى ظَلَّ كَنْفِكَ<sup>٦٩</sup>، وَلَا يَقْرَعُ مِنْ لَجَأَ إِلَى مَقْلِ<sup>٧٠</sup>

آگاهی داری که آن چنان زمینه‌های عقوبت را برای من فراهم آورده‌اند که تصور نمی‌کردم، ولی تو ناگهان به پاری ام شناختی و با قدرت خود نیروی مرا شدت بخشیدی.

(۳) سپس تدبیر و تجمع آنان را شکستی و کثیر آنان را پس از آن که بسیار بودند، به تنهایی مبدل ساختی و آنها را زیر پای من قرار دادی و تمام استحکامات آنان را علیه خود آنان برگردانیدی، در حالی که خشم آنان در سینه‌هایشان محبوس شده و حرارت انتقام‌گیری آنان تسکین نیافته و انگشتان خود را می‌گزیدند، صحنه رارها کرده و از تصمیم خود برگشته و عده و عده بازمانده خود را به جای گذارده و رفتدن.

چه بسیار ستم‌کارانی که با کید و گینه خود به من ستم کرده و دام‌های خود را برای شکار من گسترانیده و تمام همت خود را به مراقبت و خبریابی از من متعمکز کرده‌اند و همانند درندمای که برای صید خود آماده می‌شود، به دنبال فرستن می‌گردند که نیت شوم خود را پیاده کرده و به سوی من دست اندازی نمایند؛ اگرچه با رخ گشاده و محبت آمیز با من رفتار می‌کنند، ولی در انتظار آن‌اند که با ستم و بسیدگری خشم شدید خود را از سینه پر کینه‌شان تهی کنند. ای خدای متنزه و متعالی، زمانی که من خبث باطن و زشتی پنهان آنان را دیدم آنان را به سوی حفره‌ای که کید و مکرش کنده بود، راندم و جیله‌شان را به سوی خود آنان و به سوی گودالی که کنده بودند، برگرداندم؛ پس از آن همه بلندپروازی‌ها خوار و خرد شده و در بسته‌های دام خود درمانده گردید. اگر فضل و رحمت تو نبود، نزدیک بود دامن‌گیر من شود و مرا در بندهای دام خود ببیند.

(۴) چه بسیار حسودهایی که من مانند جرعه‌ای در گلوی آنها گیر کرده و بسان استخوانی در حلق آنان فرو رفته بودم و مرا بازیان تن مخاطب می‌ساختند و باسینه پر کینه مرا به عیب‌هایم متهم تیرهای خود را به گردن من می‌دانستند و با کید و مکر خود به خصلت‌های غلط و نابه جای خود را به گردن من می‌دانستند و با کید و مکر خود به من طعنه می‌زدند و با خدعا و نیرنگ مرا دنبال می‌کردند. در این هنگام بود که ای

انتصارِك<sup>١٠٢</sup>، فَحَصَّنتِي<sup>١٠٣</sup> مِنْ بَأْسِهِ قُدْرَتِكَ، وَكُمْ مِنْ سَحَابِ<sup>١٠٤</sup> مَكْرُوهٍ<sup>١٠٥</sup>  
جَلَّتِها<sup>١٠٦</sup> عَنِي وَسَحَابِنِعَمٍ<sup>١٠٧</sup> أَنْطَرَتِها<sup>١٠٨</sup> عَلَى بَوْجَادِولٍ<sup>١٠٩</sup> رَحْمَةً تَشَرَّتِها<sup>١٠١٠</sup>،  
وَعَافَيْتَهَا<sup>١٠١١</sup> أَخْدَاثٍ<sup>١٠١٢</sup> وَأَغْثَيْتَهَا<sup>١٠١٣</sup> طَمَسَتِها<sup>١٠١٤</sup>، وَغَواشِيْتَ كُوبَاتٍ<sup>١٠١٥</sup>  
كَشَفَتِها<sup>١٠١٦</sup>.

(٥) وَكُمْ مِنْ ظَنِّ حَسَنٍ<sup>١٠٧</sup> حَقَّتَ، وَعَدَمِ اعْذَمِ جَبَزَتَ<sup>١٠٨</sup>، وَصَرْعَةَ<sup>١٠٩</sup>  
أَنْقَشَتَ<sup>١٠١٠</sup>، وَمَسْكَنَةَ حَوَّلَتَ<sup>١٠١١</sup> كُلُّ ذَلِكَ إِنْعَامًا وَتَطَوُّلًا<sup>١٠١٢</sup> مِنْكَ، وَفِي جَمِيعِهِ  
إِنْهَاكًا<sup>١٠١٣</sup> مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، لَمْ تَنْفَعْكَ إِسَاءَتِي<sup>١٠١٤</sup> عَنْ إِنْتَامِ إِحْسَانِكَ، وَ  
لَا حَجَرَنِي<sup>١٠١٥</sup> ذَلِكَ عَنِ ازْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ<sup>١٠١٦</sup>، لَا شَأْلَ عَمَّا تَنْقُلُ. وَلَقَدْ سَلَّتْ  
فَاغْطَيْتَ، وَلَمْ شُنَّأْ فَانْتَدَأْتَ، وَاسْتَبَّعَ<sup>١٠١٧</sup> فَضْلَكَ فَمَا أَكْدَيْتَ<sup>١٠١٨</sup>، أَبَيْتَ - يَا  
مَوْلَايَ - إِلَّا إِخْسَانًا وَإِشْتِانًا وَتَطَوُّلًا وَإِنْعَامًا، وَأَبَيْتَ إِلَّا تَقْحُمًا  
لِعُزُّمَاتِكَ<sup>١٠١٩</sup>، وَتَنَدِّيًا لِعَدُودِكَ، وَغَلَّةً عَنْ وَعِدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ - إِلَهِي - مِنْ  
مُقْتَدِيرٍ لَا يُغْلِبُ، وَذِي أَنْوَاءٍ<sup>١٠٢٠</sup> لَا يَغْجُلُ.

(٦) هَذَا مَقَامٌ مِنْ اغْتَرَفَ بِشَبُوغٍ<sup>١٠٢١</sup> النَّعْمِ، وَقَابَلَهَا بِالْتَّقْصِيرِ، وَشَهَدَ عَلَى  
نَفْسِهِ بِالتَّضْبِيعِ<sup>١٠٢٢</sup>. اللَّهُمَّ قَاتِلْنَا أَنْتَرَبْ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيقَةِ<sup>١٠٢٣</sup>، وَالْفَلَوَيَّةِ  
الْبَيْضَاءِ<sup>١٠٢٤</sup>، وَأَنْتَوْجَهُ إِلَيْكَ بِهِمَا أَنْ تُعِيدَنِي<sup>١٠٢٥</sup> مِنْ شَرِّكَذَا وَكَذَا، فَإِنَّ ذَلِكَ  
لَا يُعْصِيْكُ عَلَيْكَ<sup>١٠٢٦</sup> فِي وُجُودِكَ، وَلَا يَتَكَادُكَ<sup>١٠٢٧</sup> فِي قُدْرَتِكَ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَنِّ؛  
قَدِيرٌ. فَهَبْ لِي<sup>١٠٢٨</sup> - يَا إِلَهِي - مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامَ تَوْفِيقِكَ مَا أَتَخْدُهُ سُلَّمًا<sup>١٠٢٩</sup>  
أَغْرُجُ<sup>١٠٣٠</sup> يَهُ إِلَى رِضْوَانِكَ<sup>١٠٣١</sup>، وَآمِنُ بِهِ<sup>١٠٣٢</sup> مِنْ عِقَابِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاجِحِينَ.

خلاق متعال، تو را به کمک طلبیدم و به درگاه استغاثه نمودم و امید به سرعت  
اجابت دعايم داشتم و می دانستم که هیچ کس نمی تواند برسی که به درگاه تو پناهنه  
شده، غلبه کند و هر کس که به دز محکم تو جای گرفته است، دچار رنج نمی گردد و  
تو به قدرت خود مرا در دز استوار خود از ستم مصون داشتی. چه ابرهای متراکم  
مصيبت که از حریم من زدودی و چه بسیار ابرهای کرامت و نعمت که بر من باراندی  
و چه بسیار رحمت های خود که از جدول ها و راه های گوناگون گستراندی و لباس  
عافیت را بر من پوشاندی و چه چشم های حواتر ناگوار را که کور کردی و  
پوشش های بلا و گرفتاری ها را از میان برداشتی.

(۵) چه بسیار حسن ظن و نیک اندیشی درباره من که محقق ساختی و چه بسیار  
فقر را (باعدم حسن ظن) که جبران فرمودی و چه لغزش ها که دست مرا گرفتی و به با  
خاصتم و چه بیچارگی ها که بر طرف فرمودی و همه اینها از احسان و تفضل تو بود،  
اگرچه من در همه این گشایش ها که لطف کردی، به مصيبت روی آورده و غرق در  
نافرمانی بودم. با این حال، بی ادبی ها و بدی های من هرگز مانع تکمیل احسان های تو  
نشد و من از ارتکاب رفتارهای ناپسندی که تو را به غضب و امی داشت، دست  
نکشیدم. کسی نمی تواند از تو درباره آن چه انجام می دهی، سؤال کند. همگان از تو  
درخواست می کنند و تو عطا می کنی و نیز بدون سؤال مبادرت به اکرام بندگان  
می فرمایی و از تو طلب فضل می کنند و تو آنان را رد نمی کنی. خدایا، تو به جز احسان  
و امتنان و کرم و نعمت، به کار دیگری دست نمی زنی و من به جز غرق شدن در  
گناهان و تجاوز از حدود و غفلت از تهدیدهای تو کاری انجام نمی دهم. راستی  
ستایش بی بایان خداوندگاری را سزاست که مقتدر شکست ناپذیر است و صاحب  
صبر و مدارا با خلق می باشد، بدون آن که در عقوبت آنان شتاب کند.  
(۶) خدایا، من در مقام کسی به نیایش می بردازم که به گستردنی نعمت های تو

اعتراف دارد و در ادای وظایف خود به کوتاهی اقرار می‌کند و خود گواه تباہی و هلاکت خویشتن است. خداایا، با توصل به منزلت و شرافت پیامبر بزرگوارت و ولایت بلندمرتبه و رفیع امیر مؤمنان به تو تقرب می‌جوییم و به بلندای مقام آن دو بزرگوار از تو درخواست می‌کنم که مرا از شر فلان و فلان در پناه خود درآوری، که برای تو از هیچ روی تنگنگایی نیست و برای قدرت تو مشکل ساز نیست و تو به همه چیز توانایی و نیز به من رحمت و دوام توفیق کرامت فرما، تابه وسیله آن به مقام رضا و خشنودی ات عروج کنم و از عقاب تو ایمن باشم. ای مهریان ترین مهریانان.

### واژه‌ها:

۱۵. المضيع: ضایع کننده.
۱۶. حظ نفسه: نصیب نفس او.
۱۷. ابلیث الجیل: عطای زیبا و نیکرکردی.
۱۸. انصضی: بر هنه کرد.
۱۹. شحد: تیز کرده.
۲۰. ظلۃ: تیزی شمشیر.
۲۱. مذہب: کار دش.
۲۲. ارفه: تیز کرد.
۲۳. شبا: طرف تیز.
۲۴. داف: مخلوط کرده.
۲۵. قولائل: کشیده‌ها.
۲۶. سوم: جمع سه.
۲۷. سدّ: محکم هدف گیری کرد.
۲۸. نحوی: دو طرف.
۱. لهوث: عمر به باطل گذراندم.
۲. قسوث: به قساوت مبتلا شدم.
۳. عرفتیه: به من آن راشناساندی.
۴. اصررت: صادر کردی.
۵. فاقتیه: راه کشید.
۶. فاقلت: مسامحه کردی.
۷. فعدت: برگشت به عصیان کردم.
۸. تحققت: فرو افتادم.
۹. حللت: وارد شدم.
۱۰. شعاب: راه کوهستانی.
۱۱. سطوانک: قهر و غلبه‌های تو.
۱۲. ذریعت: وسیله من.
۱۳. مفر: فرارگاه - پناه گاه.
۱۴. مفرع: جای فرع.

۲۹. صواب: تیرهایی که به هدف می‌رسد.

۵۲. موئیا: روی گردانید و برفت.

۳۰. سهامه: جمع سهم، تیرهایش.

۵۳. أخلفت: بی ثمر ماند.

۳۱. لم تم: نخواپیده.

۵۴. سرایاه: گوشاهی از لشکر.

۳۲. عین حرسته: چشم مأموران او.

۵۵. باع: ظالم.

۳۳. افسر: قصد کرده.

۵۶. بقانی: به من ظلم کرد.

۳۴. پسونم: مرا طلب کند.

۵۷. مکاید: کید و حیله‌ها.

۳۵. پجزعنی: به من می‌چشاند.

۵۸. شرك: بندھای دام.

۳۶. زعاق: آب.

۵۹. مصاید: دام‌ها.

۳۷. مرارتة: تلخی.

۶۰. وکلی بی: مأمور ساخت.

۳۸. فرادح: حوارد سنگین.

۶۱. رعايته: کسی که او را می‌نگرند و زیر نظر دارند.

۳۹. ناوائی: قصد مرانموده.

۶۲. أضبا: استار در زمین پیدا کرد.

۴۰. ارصلی: مترب من است.

۶۳. اضباء السبع: همانند استار درنده.

۴۱. أزری: کمرم را.

۶۴. طریقته: صیدی را که دنبال می‌کنند.

۴۲. فللت: شکستی.

۶۵. انتہاز: به کین نشستن.

۴۳. صیرته: او را گردانیدی.

۶۶. فرصة: زمان مناسب.

۴۴. اعلیت: بلند کردنی.

۶۷. فریست: شکاری که گردن او را شکسته.

۴۵. ستده: آن را محکم کاری کرده بود.

۶۸. بشائة اللئق: گشادگی چهره به دوستی همراه حبله.

۴۶. مردود آغاز: بر خود او برگردانیدی.

۶۹. ينظرني: به من می‌نگریست.

۴۷. لم یشف غیظه: غیض او آرام نیافت.

۷۰. شدة الحق: شدت غضب و کینه.

۴۸. غلیله: کینه‌اش.

۷۱. دغل سربرته: فساد و حیله باطنی.

۴۹. عض: گاز گرفت.

۷۲. مانطروی عليه: کمان نیست.

۵۰. شواه: اطراف دست (انگشتان).

۵۱. أديب: پشت کرد.

۹۵. خلالا: خصلت‌ها.

۹۶. لم تزل فیه: دائم در آن بود.

۹۷. وحْنِي: باکید مرا طلب می‌کرد.

۹۸. مکیدته: کید او.

۹۹. یَضْطَهُدَ: مغلوب شود.

۱۰۰. کِنْكَه: جانب تو.

۱۰۱. مَعْلُوْمَ: دز، پناهگاه.

۱۰۲. انتصار: یاری.

۱۰۳. حَصْنَتِي: مرا منع کردی.

۱۰۴. سحابت: ابرها.

۱۰۵. مکروه: ناملايم.

۱۰۶. جَلْهَاهَا: آنها را کنار زدی.

۱۰۷. نعم: نعمت‌ها.

۱۰۸. امطرتها: فرسنادی - باراندی.

۱۰۹. جداول: نهرها.

۱۱۰. نشرتها: بازکردنی.

۱۱۱. الْبَسْتَهَا: پوشانندی.

۱۱۲. اعین: چشم‌ها.

۱۱۳. احداث: پیش آمددها.

۱۱۴. طَسْنَتِها: پوشانندی - محظوظ.

۱۱۵. غواشی کربات: پوشش‌های غم و غصه.

۱۱۶. کِنْتَهَا: زائل کردنی.

۱۱۷. ظَنْ حَسْنَ: امید به رحمت خدا.

۷۳. ارکسته: او را انداختم.

۷۴. ام رأسه: مغز سر.

۷۵. زَبِيْتَه: حفره‌ای در آن شکار کنند.

۷۶. مهوي: مرکز سقوط.

۷۷. حَفْرَتَه: لانه او.

۷۸. فَاتَقْتَه: خوار شد.

۷۹. اسْطَالَتَه: طلب علّا او.

۸۰. رِيقَ: رسیمان.

۸۱. حَيَالَه: دام او.

۸۲. قَدْكَادَ: نزدیک بود.

۸۳. يَحْلُلَ: حلول کند.

۸۴. سَاحَتَه: حریم.

۸۵. شرق: فرو می‌برد.

۸۶. شجی: می‌بلعید.

۸۷. سَلْقَنِي: به من خطاب توهین آمیز  
می‌کرد.

۸۸. حَدَّلَانَه: تیزی زبانش.

۸۹. وَحْنِي: به من کینه بسیار داشت.

۹۰. قرف: تهمت.

۹۱. غرض: آبرو.

۹۲. قَرْضَه: هدف قرار داد.

۹۳. مرآمه: تیرهایش.

۹۴. قَلْذَنِي: به گردن من انداخته بود.

- ۱۳۲. سیخ: سعه و گشايش.
- ۱۳۳. تضییح: ضایع کردن.
- ۱۳۴. رفیعه: بلند و عالی.
- ۱۳۵. البیضا: سفید و نورانی.
- ۱۳۶. تعیذتی: پناهم دهن.
- ۱۳۷. لا پیغیق علیک: برای تو مشکل نیست (تو عاجز نیستی).
- ۱۳۸. لا پنگاک: برای تو مشکل نیست.
- ۱۳۹. فهی ل: بر من بینخای.
- ۱۴۰. شلما: تربان.
- ۱۴۱. اصرع: بالاروم.
- ۱۴۲. رضوانک: مقام رضای تو.
- ۱۴۳. آمن به: بدان و سیله ایمن گردم.
- ۱۱۸. جبرت: جبران کردن.
- ۱۱۹. صرعة: زمین خوردن.
- ۱۲۰. آنشت: برپایش داشتی.
- ۱۲۱. حزلت: دگرگون کردن.
- ۱۲۲. تطول: تفضل و کرامت.
- ۱۲۳. انهاک: فرو رفتن.
- ۱۲۴. اسامتی: بدی من.
- ۱۲۵. حجرتی: مانع من شد.
- ۱۲۶. مساحت: سطخها.
- ۱۲۷. استیح: از عطاها یت سؤال کردم.
- ۱۲۸. آکدیث: امساک از خوبی کردم.
- ۱۲۹. تھقا: دخول بدون فکر.
- ۱۳۰. حرمانک: اعمال حرام.
- ۱۳۱. ذی آناء: صاحب صبر و تحمل.

## دعاوه في الرهبة

وكان من دعائيه عليه السلام في الرهبة

(١) اللهم إني خلقتني سوتاً، وربيني صغيراً، ورزقتنى مكفيماً.  
اللهم إنى وجدت فيما أثرلت من كتابك، وبشرت به عبادك أن قلت: (يا  
عبادي الذين أشرفوا على أنسفهم لانقطعوا من رحمة الله إن الله يغفر  
الذنوب جميعاً) وقد تقدم مى ما قد علمت وما أنت أعلم به مى، فيا  
سواناً مينا أخصاه على كتابك!

(٢) فلو لا المواقف التي أوصلت من غموك الذي شمل كل شئ لأنقيت  
بيدي، ولو أن أحد أشطاع الهرب من ربي لكتبت أنا أحق بالهرب منه، و  
أنت لا تخفي عليك خافية في الأرض ولا في السماء إلا أتيت بها، وكفى  
بك جازياً، وكفى بك حسيباً.

(٣) اللهم إني طالبي إن أنا هربرت، ومذركي إن أنا فرزت، فها أنا ذا  
بين يديك خاضع ذليل راغم، إن تغدى بي فإني لذلك أهل، وهو رب -  
منك عذل، وإن تنف عنى فقد ياما شملني غفوك، والبسنني عافيتك.

## دعای پنجم

### دعای به هنگام بیم و خشیت

(۱) خدایا، مرا آراسته آفریدی و از کودکی پروریدی و در حد کافی روزی دادی. خدایا، در قرآن کریم تو یافتم که بر بندگان بشارت دادی و به آن دسته از آنان که با طغیان و عصیان به خود ظلم روا داشته‌اند فرمودی که هرگز از رحمت خدا مأیوس نگردید که او تمام گناهان را می‌بخشد و تو پیشینه مرا می‌دانی و از من به من آگاهتری؛ پس وای از گناهانی که کتاب تو از من به حساب آورده است!

(۲) خدایا، اگر نبود موافق عفو تو که همه چیز را شامل است، خود را از دست می‌دادم و اگر کسی می‌توانست از قدرت خدا بگریزد، من از همه سزاوارتر بودم که فرار کنم؛ ولی هیچ در زمین و آسمان از نظر تو پنهان نیست، جز آن که آن را به حساب می‌آوری و تو برای پاداش دهی و حساب‌کشی کافی هست.

(۳) خدایا، اگر فرار کنم، تو جوینده‌ای و اگر بگریزم، مرا در می‌بابی. هان! اکنون من در کمال خضوع و ذلت خاک نشین و تسلیم تو هستم؛ اگر عذابم کنی مستحصم و تو به عدل رفتار فرموده‌ای و اگر عفو کنی، از دیرباز مشمول عفو تو بوده‌ام و در پوشش عاقبت تو قرار داشتم.

(٤) فَأَنْتَكَ اللَّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ "٠" مِنْ أَسْمَايْكَ، وَبِمَا وَارَثَهُ "الْحُجْبُ" مِنْ  
بَهائِكَ "٠" إِلَّا رَحِمْتَ هَذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوَعَةَ "٠" وَهَذِهِ الرِّئَةُ "الْهَلُوعَةُ" ، الَّتِي  
لَا تَسْتَطِعُ حَرَّ شَنِيكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِعُ حَرَّ نَارِكَ؟! وَالَّتِي لَا تَسْتَطِعُ صَوْتَ  
رَغْدِكَ "٠" ، فَكَيْفَ تَسْتَطِعُ صَوْتَ غَضِيبِكَ؟

(٥) فَازْحَمْنِي اللَّهُمَّ قَاتِنِي امْرُؤُ حَقِيرٍ، وَخَطَرِي يَسِيرٌ "٠" وَلَيْسَ عَذَابِي مِمَّا  
يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مِنْقَالَ ذَرَّةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلُكَ  
الصَّبَرَ عَلَيْهِ، وَأَخْبَيْتُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ لَكَ، وَلَكِنْ سُلْطَانُكَ اللَّهُمَّ أَعْظَمُ، وَ  
مُلْكُكَ أَذْوَمُ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ طَاعَةُ الْمُطَبِّعِينَ، أَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَغْصِيَّةُ الْمُذَبِّيَّينَ،  
فَازْخَنِي يَا أَرْخَمَ الرَّاجِحِينَ، وَتَجاوَزْ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَثُبِّ  
عَنِّي "٠" إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّاجِيمُ.

(۴) خدایا، به حق اسمای پنهان و به تمام نور توکه در پس حجاب‌ها مستور است،  
این جانبی تاب و این استخوان‌های ناتوان را بیخشای، که قدرت حرارت خورشید  
راندارند، چه رسد به حرارت جهنم و تاب شنیدن غرّش ابرها را ندارند، چه رسد به  
شنیدن غرّش بانگ خشم تو!

(۵) خدایا، به من رحم کن که بسیار ناچیز و قدر مترکم اندک است و عذاب من  
ذره‌ای به ملک تو نمی‌افزاید و اگر عذاب من موجب فزوئی ذره‌ای بر عظمت و  
قدرت تو بود، قطعاً از تو صبر می‌خواستم و دوست داشتم که من در آن عذاب شکیبا  
باشم و بر ملک تو افزون گردد، لیکن سلطنت بزرگ تو فراتر از آن است که طاعت  
مطیعان و معصیت گناه کاران در آن اثری بگذارد؛ پس به رحمت خود بر من ترحم  
فرما و به جلال و کرامت خود از من درگذر و مرا بپذیر که تو بخشنده و پذیرنده‌ای.

### واژه‌ها:

- ۱. سوئی: معتدل.
- ۲. ریتی: مرا پروراندی.
- ۳. مکنیا: گفتای شده.
- ۴. لانتظو: مأیوس نشود.
- ۵. فی‌سوآتا: ای وای از این مثنه غم آور.
- ۶. احصا: آن را شمرده.
- ۷. موافق: جایگاه‌ها.
- ۸. آغازل: آرزو و امید دارم.
- ۹. شامل: می‌شود.
- ۱۰. لاققیت بیدی: خود را تسليم عذاب
- می‌کردم.
- ۱۱. الهرب: فرار.
- ۱۲. خاقانی: پنهان.
- ۱۳. آیت‌بها: آن را حاضر می‌ساختن.
- ۱۴. جازیا: جزا دهنده.
- ۱۵. حسیا: حساب‌گر.
- ۱۶. مُذکِّر: مرامی گرفتی (من یافتنی).
- ۱۷. فررت: فرار می‌کردم.
- ۱۸. بین یدیک: حاضر در مقابل تو.
- ۱۹. راغم: صورت به خاک مالیده.
- ۲۰. مخزون: محفوظ.
- ۲۱. وارتہ: پوشانده‌اش.

۲۶. ملوغه: بسیار جزع کننده.

۲۷. وعد: صدای ابرها.

۲۸. خطری یسر: شانم قابل توجه نیست.

۲۹. تُّ علَّ: مرا به بازگشت پذیر.

۲۲. حسپ: پرده‌ها.

۲۳. بها: حسن و جمال.

۲۴. جزوغه: کثیر الجزع.

۲۵. رقة: استخوان پرسیده.



## دعاوه في التضرع والاستكانة

وكان من دعائيه عليه السلام في التضرع والاستكانة:

- (١) إِلَهِي أَخْدُوكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنْيِعِكَ إِلَيَّ، وَسُبُونِ<sup>١</sup>  
نَعْمَانِكَ عَلَيَّ، وَجَزِيلِ<sup>٢</sup> عَطَايَاتِكَ عِنْدِي، وَعَلَى مَا فَضَلْتَنِي يَهُوَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ  
أَسْبَغْتَ عَلَيَّ<sup>٣</sup> مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدْ اضْطَبَعْتُ<sup>٤</sup> عِنْدِي مَا يَغْرِي عَنْهُ شُكْرِي.
- (٢) وَلَوْلَا إِخْسَانُكَ إِلَيَّ وَسُبُونُ<sup>٥</sup> نَعْمَانِكَ عَلَيَّ، مَا بَلَغْتُ إِخْرَازَ<sup>٦</sup> حَظِّي، وَ  
لَا إِصْلَاحَ نَفْسِي، وَلَكِنْكَ ابْنَادَتِي بِالْإِحْسَانِ، وَرَزَقْتَنِي فِي أُمُورِي كُلُّهَا  
الْكَفَايَةُ، وَصَرَفْتَ عَنِّي<sup>٧</sup> جَهَدَ الْبَلَاءِ، وَمَنْتَنِي مَخْذُورَ الْقَضَاءِ.
- (٣) إِلَهِي فَكُمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٌ<sup>٨</sup> قَدْ صَرَفْتَ عَنِّي، وَكُمْ مِنْ نِعْمةٍ سَابِغَةٍ<sup>٩</sup>  
أَفْرَزْتَ بِهَا عَنِّي، وَكُمْ مِنْ صَنْيِعَةٍ<sup>١٠</sup> كَرِيمَةٌ لَكَ عِنْدِي. أَنْتَ الَّذِي أَجْبَثَ<sup>١١</sup> عَنْدِي  
الْأَضْطِرَارِ دَعْوَتِي، وَأَقْلَتَ<sup>١٢</sup> عِنْدَ الْعِثَارِ<sup>١٣</sup> زَلْتِي<sup>١٤</sup>، وَأَخْذَتِي مِنَ الْأَغْدَاءِ  
بِظُلْلَامِتِي<sup>١٥</sup>.
- (٤) إِلَهِي مَا وَجَدْتُكَ بِخِيَالِ حِينَ سَأَلْتُكَ، وَلَا مُنْقِضاً<sup>١٦</sup> حِينَ أَرَدْتُكَ، بِلْ  
وَجَدْتُكَ لِدُعَائِي سَامِعًا، وَلِنَطَالِي مُنْطِيًّا، وَوَجَدْتُ نَعْمَانَكَ عَلَيَّ سَابِغَةً<sup>١٧</sup>  
فِي كُلِّ شَأْنٍ<sup>١٨</sup> مِنْ شَأْنِي وَكُلُّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي، فَأَنْتَ عِنْدِي مَخْمُودٌ.

## دعای پنجاه و یکم

### دعای هنگام زاری و تضرع

(۱) خدایا، تو را ستایش می‌کنم؛ که تو در برابر احسان‌ها و نعمت‌های فراوان و عطاهای بزرگ تو و کرامت‌هایی که به واسطه آن مرا بتری دادی و نیز در برابر رحمت و نعمت‌های فراوانی که بر من ارزانی داشتی، سزاوار ستایشی؛ اگر چه آن چنان لطف فراگیر و نعمت‌های لحظه به لحظه در فزونی است که من از ادای شکر آنها ناتوانم.

(۲) خدایا، اگر احسان و نیکوبی تو بود، هرگز به هیچ توفيق و نصیب خیری دست نمی‌یافتم و به اصلاح حال خود موفق نمی‌گردیدم. تو بودی که به من احسان فرمودی و در حد کفايت بمنیازم کردی و رنج و گرفتاری ام را بطرف ساختی و حوادث سنگین و پر خطری که از قلم قضای تو در فضای این جهان جاری است، محفوظ داشتی.

(۳) خدایا، چه بلاه‌اکه برگرداندی و چه نعمت‌هایکه چشم مرا بدان‌ها روشن ساختی و چه لطایف بسیار که برای من انجام دادی و هنگام اضطرار، دعایم را مستجاب و در لغزش‌گاه‌ها، برقرارم داشتی و حق مرا از دشمنانم باز گرفتی.

(۴) خدایا، هرگز هنگام درخواست از تو خودداری نورزیدی و در رحمت تو را بسته ندیدم، بلکه پیوسته دعای مرا شنیدی و خواسته‌هایم را عطاکردی و نعمت‌هایت را بمن فرو ریختی و در همه حالها و زمانها ستدۀای و همه

وَصَبِيْعُكَ لَدَى مَبْرُورٍ ۝

(٥) تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَنْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ،  
حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ ۝ عَنِّي، فَتَجْنِي مِنْ سَخْطِكَ ۝

(٦) يَا كَهْفِي ۝ جِينَ ثَغْرِيْنِي ۝ الْمَذَاهِبُ ۝، وَيَا مُقْبِلِي ۝ عَشَرَتِي ۝، فَلَوْلَا  
سَهْرَكَ عَزْرَتِي ۝ لَكُنْتُ مِنَ الْمُنْضُوحِينَ ۝، وَيَا مُؤْيَدِي بِالنَّصْرِ فَلَوْلَا نَصْرَكَ  
إِيَّاَيَ لَكُنْتُ مِنَ الْمُغْلُوبِينَ، وَيَا مَنْ وَضَعَتْ ۝ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَاهِبِ ۝ عَلَى  
أَغْنَافِهَا ۝، فَهُمْ مِنْ سَطْرَاتِهِ ۝ خَانِفُونَ، وَيَا أَهْلَ التَّقْوَىِ، وَيَا مَنْ لَهُ الْأَنْسَاءُ  
الْخُشْنَىِ، أَشَّالَكَ أَنْ تَفْعُو عَنِّي، وَتَغْيِيرِ لِي فَلَسْتُ بِرِبِّيَا ۝ فَأَعْتَذْرُ ۝، وَلَا يَذِدِي  
فُؤُرَةَ فَانْتَصَرِ، وَلَا مَنَرَ لِي فَأَفِرَّ ۝

(٧) وَأَسْتَقِيلُكَ ۝ عَشَرَاتِي ۝، وَأَتَتَّصِلُ إِلَيْكَ ۝ مِنْ دُنْوِيِّي الَّتِي قَدْ أَذْيَشَتِي ۝،  
وَأَحَاطَتِي ۝ فَأَهْلَكَتِي، مِنْهَا فَرَزَتِي إِلَيْكَ -رَبُّ- تَانِيَا فَتَبَ عَلَىَّ، مَتَعَزِّذًا ۝  
فَأَعْذِنِي، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلِي ۝، سَانِلَا فَلَا تَغْرِيَنِي، مُغْتَصِمًا ۝ فَلَا تُشْلِنِي،  
دَاعِيًّا فَلَا تَرُدِّنِي خَانِيَا ۝

(٨) دَعَوْتُكَ - يَا رَبَّ - مُشَكِّيْنَا، مُشَكِّيْنَا ۝، مُشِنْقاً ۝، خَانِفاً، وَجْلاً ۝،  
فَقِيرًا، مُضطَرًّا إِلَيْكَ.

(٩) أَشْكُوكِيْكَ يَا إِلَهِي صَفَقَ نَفْسِي عَنِ الْمُسَارَعَةِ ۝ فِيمَا وَعَدْتَهُ  
أَوْلِيَاءَكَ، وَالْمُجَانِيَةِ ۝ عَمَّا حَذَرْتَهُ ۝ أَغْدَاءَكَ، وَكَثْرَةَ هُمُومِي ۝، وَوَسْوَسَةَ  
نَفْسِيِّ.

کارهایت، خیر و کرامت و رحمت است.

(۵) خدایا، جان و زبان و عقلم تو را سپاس می‌گوید، آن چنان که حق شکر تو را ادا کند و ستایشی که به رضای تو برسد؛ پس مرا از خشم و غصب خود دور و محفوظ بدار.

(۶) ای خدایی که هنگام رنج از پیش آمدها پناه من هستی و ای نگهدارنده من از لغزش، اگر تو عیب‌های مرانپوشانی، رسوا می‌گردم و اگر تو باری ام نکنی مغلوبم و ای کسی که پادشاهان متکبر عالم در برابر تو بیوغ مذلت برگردان دارند و از سطوت تو بینماکاند و ای کسی که همیشه جانب تو باید رعایت شود و اسمای خسنا فقط از آن نوست. تقاضایم آن است که عفو و بخشش خود را نصیب گردانی، زیرا من هرگز از عیب بری نیستم تا عذر آورم و قدرتی ندارم تا از آن باری بگیرم و گریزگاهی ندارم تا بدان سو بگریزم.

(۷) خدایا، از تو درخواست می‌کنم که لغزش‌هایم را نادیده گیری و از گناهاتم به درگاه تو بی‌زاری می‌جوییم و نیز از گناهانی که مرآگرفتار کرده و بر من احاطه و هلاکم ساخته است، به درگاه تو گریخته‌ام، در حالی که تو به کرده و درخواستم آن است که توبه‌ام را بپذیری و پناهم دهی، به تو پناهنده‌ام، پس بیچاره‌ام مگردان و از تو درخواست می‌کنم، پس محروم ممکن و به درگاه تو گرویده‌ام، پس نومیدم بر مگردن.

(۸) خدایا، تو را می‌خوانم، در حالی که مسکین و بیچاره‌ام و قلبم ترسان و تنم لرزان و هراس ناک است و درمانده و مضطرب.

(۹) خدایا، به تو شکایت می‌کنم از این که نتوانم به سوی وعده‌های تو که به اولیایت داده‌ای شتاب کنم و از وعده‌های عذابت که دشمنانت دریافت کرده‌اند بگریزم و از هموم بسیار و وسوسه‌های فراوان نفس خود به درگاهت شکوه می‌کنم.

(١٠) إِنَّهُ لَمْ تَفْضُخْنِي بِسَرِيرَتِي<sup>٣</sup>، وَلَمْ تُهْلِكْنِي بِجَرِيرَتِي<sup>٤</sup>، أَذْعُوكَ فَتَجِيئُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِينًا حِينَ تَذْعُونِي، وَأَشَّالُكَ كُلُّمَا شَنْثُ مِنْ حَوَانِجِي، وَحِينَتُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّي، فَلَا أَذْغُو سِوَاكَ، وَلَا أَزْجُو غَيْرَكَ.

(١١) لَيَّبِيكَ لَيَّبِيكَ<sup>٥</sup>، تَسْمَعُ مَنْ شَكَا لِيَّبِيكَ<sup>٦</sup>، وَتَلْقَى<sup>٧</sup> مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيَّكَ، وَتُخْلُصُ<sup>٨</sup> مَنْ اغْتَصَمَ بِكَ، وَتُقْرِجُ عَمَّنْ لَا ذِيَّبِيكَ.

(١٢) إِنَّهُ فَلَا تَخْرِي مِنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلْلَةِ شُكْرِي، وَاغْفِرْ لِي مَا تَلَمَّمَ مِنْ ذُنُوبِي.

(١٣) إِنْ تَعْذُبْ فَأَنَا الطَّالِمُ الْمُفَرْطُ<sup>٩</sup> الْفَضِيْعُ الْأَتِيمُ<sup>١٠</sup> الْمُفَسَّرُ الْمُضَجَّعُ<sup>١١</sup> الْمُغْفِلُ<sup>١٢</sup> حَظًّا نَفْسِي، وَإِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَزْحَمُ الرَّاجِمِينَ.

(۱۰) خدایا، به سبب بدی من، رسوايم مکن و به خاطر عصیانم، مرا هلاک مگردان. تو رامی خوانم و دعايم را الجابت می کنی اگر چه در اطاعت تو سست باشم و هرگاه که حاجتی دارم و هر جا که هستم و هر گونه سری داشته باشم فقط خواستهام را با توان باز می گوییم و سرم را باتو در میان می گذارم و غیر تو رانمی خوانم و به جز تو، به کسی امید ندارم.

(۱۱) خدایا، در فرمانبری تو آماده ام. هر کس که به تو شکایت آورده، ندای او را می شنوی و هر کس به تو توکل کند، او را در می یابی و آن که به تو اعتماد آورده، از گرفتاری رهامي کنی و هر کس به تو پناهنه شود، به گشایش کارشن اقدام می کنی.

(۱۲) خدایا، پس به سبب ناسپاسی من، مرا از خیر دنیا محروم مکن و گناهانی را که از آنها آگاهی بر من بخشای.

(۱۳) خدایا، اگر عذابم کنی من تبهکاري هستم که کوتاهی و گستاخی کرده و در انجام وظایف سنتی ورزیده ام و در انجام دستورها از بهره مندی خود غفلت نموده ام و اگر بخشایشت شامل من شود، تو مهر بان ترین مهر بانان هستی.

### واژه ها:

۱. صنیعک: ساخته تو.
۲. سیغ: سمه و فراوانی فیض.
۳. جزیل: بزرگ.
۴. اسفت علی: نعمت فراوان به من عطا کردي.
۵. اصطمعت: انجام داده ای.
۶. احراب: به دست آوردن.
۷. صرفت علن: از من دور کردي.
۸. جهد: مشقت.
۹. مخدور: مکروه (مورد کرامت).
۱۰. جاهد: بر مشقت.
۱۱. سابقه: نعمت وسیع فراوان.
۱۲. صنیعه: کار انجام یافته.
۱۳. آجیت: جواب دادی.

۳۷. آسپلک: از تو طلب برگشت از گناه.

۳۸. عراتی: لغزش‌ها، سقوط‌ها.

۳۹. آنسنل الک: از گناهان به سوی تو می‌آیم.

۴۰. اوپتیق: هلاکم کرده.

۴۱. احاطت بی: مرا در میان گرفته.

۴۲. متوجه‌باشد: پنهانده.

۴۳. فلاتخذل: بیچاره‌ام نکن.

۴۴. معصم: چنگ زده.

۴۵. خانیاً: محروم.

۴۶. مستکین: ذلیل.

۴۷. مشقناً: ترسان.

۴۸. وجل: خانق.

۴۹. مسارعة: به سرعت حرکت کردن.

۵۰. مجانية: دوری کردن.

۵۱. حدترنه: آن را دور داشتی.

۵۲. حسوم: حزن جان فرسا.

۵۳. سربره: باطن جان.

۵۴. جریره: گناه.

۵۵. لبیک: تأکید در اعلان آمادگی.

۵۶. شکا الیک: به سوی تو شکایت آورده.

۵۷. تلقی: با او رویه رو شوی.

۱۴. آقلث: نگهدارشی.

۱۵. عثار: سقوط.

۱۶. زَّةٌ: لغزش.

۱۷. ظلامت: حق مظلوم.

۱۸. متفیضاً: گرفته.

۱۹. شان: حال.

۲۰. میروز: نیکو و پستدیده.

۲۱. مبلغ رضاله: متهای رضای تو.

۲۲. سخطله: غصب تو.

۲۳. کوهه: غار.

۲۴. تمهیی: عاجز سازد مرا.

۲۵. مذاهاب: راه‌ها.

۲۶. مقیبل: نگهدارنده.

۲۷. عثره: سقوط.

۲۸. عوره: قبیح، منفی.

۲۹. مفترح: رسوا.

۳۰. وضعث: نهاده است.

۳۱. نهر السذلة: قلاده بر گردان اسیران.

۳۲. اهانه: گردن‌ها.

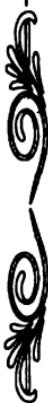
۳۳. سلطوات: قدرت‌ها.

۳۴. بُرئٌ: تبرئه شده.

۳۵. غافعذر: اظهار عذر کنم.

۳۶. آقیز: فرار کنم.

۶۱. آنم: گنه کار.  
۶۲. المضجع: قاصر و مقصر.  
۶۳. مغفل: غفلت زده.  
۶۴. تخلص: نجات می‌دهی.  
۶۵. لاذ: پناهنده می‌شود.  
۶۶. مفترط: سستی گر همراه با تقصیر.



دعاً وَ فِي الْإِلْحَاجِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى

**وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِلْحَاجِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى:**

(١) يا الله الذي لا يخفى عليك شيء في الأرض ولا في السماء، وكيف يتخفى عليك - يا إلهي - ما أنت خلقته؟ وكيف لا تخسي ما أنت صنعته؟! أو كيف يغيب عنك ما أنت تدبّره؟! أو كيف يستطيع أن يهرب منك من لا حياة له إلا يرثيتك؟! أو كيف ينجو منك من لا مذهب له في غيرك؟!

(٢) سُبْحَانَكَ أَخْشِي<sup>٧</sup> خَلْقَكَ لَكَ أَغْلَمُهُمْ بِكَ، وَأَخْضَعُهُمْ<sup>٨</sup> لَكَ أَغْمَلُهُمْ  
بِطَاعَتِكَ، وَأَمْوَانُهُمْ<sup>٩</sup> عَلَيْكَ مِنْ أَنْتَ تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَغْبُثُ<sup>١٠</sup> غَيْرَكَ.

(٣) سُبْحَانَكَ لَا يَنْفُضُ<sup>١</sup> سُلْطَانَكَ<sup>٢</sup> مِنْ أَشْرَكَ بِكَ، وَكَذَّبَ رُسُلَكَ، وَلَيْسَ  
يَسْتَطِيعُ مِنْ كَرَّةٍ<sup>٣</sup> قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أُمُرَكَ، وَلَا يَمْتَسِعُ مِنْكَ<sup>٤</sup> مِنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ،  
وَلَا يَغُوْثُكَ<sup>٥</sup> مِنْ عَبْدَ غَيْزِكَ، وَلَا يُعَمِّرَ<sup>٦</sup> فِي الدُّنْيَا مِنْ كَرَّةٍ لِقَاءَكَ<sup>٧</sup>.

(٤) سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمْ<sup>١٧</sup> شَانُكَ، وَأَفْهَرْ<sup>١٨</sup> سُلْطَانُكَ، وَأَنْشَدْ<sup>١٩</sup> فُؤُوكَ، وَأَنْسَدْ<sup>٢٠</sup> اِمْرَأَكَ!

## دعای پنجه‌های دوم

### دعا به هنگام اصرار و پاسخ‌گیری به درگاه خدا

(۱) خدایا، هیچ چیز در زمین و آسمان بر تو پوشیده نیست. چگونه مخفی باشد در حالی که تو خالق همه آنها هستی؟! و چگونه احاطه نداشته باشی در حالی که تو آنرا استوار کرده‌ای؟! و چگونه پنهان از تو باشد در صورتی که همه چیز در تدبیر تو است؟! و چگونه از تو بگریزد در صورتی که حیات آنها از توست؟! و چگونه از تو رهایی دارد آن که جز در ملک تو راهی دیگر ندارد؟!

(۲) خدایا، تواز هر نقصی منزه‌ی و خشیت و بیم آن که به تو آگاه‌تر است، بیشتر است و آن که در عمل کوشانتر در برابر تو خاضع‌تر است و آن که پست‌ترین است، با وجود آن که پرسش دیگری رامی نماید، از روزی تو برخوردار است.

(۳) خدایا، تو منزه‌ی اهرگز شرک مشرکان و نکذیب کافران نسبت به پیامبران تو، نقصانی در اقتدارت ایجاد نمی‌کند و آن که به حکم تو خشنود نیست توان آن را ندارد که فرمانات را رد کند و آن که قدرت تو را نادیده گرفته، از اختیار تو بپرون نیست و کسی که غیر تو را ستایش می‌کند، توان گریز از قدرت تو را ندارد و هر کس از ملاقات تو رنجیده و دل خور باشد، عمرش ابدی نیست.

(۴) خدایا، چه قدر شأن تو عظیم و اقتدار تو غالب و نیروی تو شدید و امر تو نافذ است؟!

(٥) سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ<sup>١٠</sup> عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ الْمَوْتَ، مَنْ وَحْدَكَ<sup>١١</sup> وَمَنْ كَفَرَ  
بِكَ، وَكُلُّ ذَايِّنَقُ<sup>١٢</sup> الْمَوْتُ، وَكُلُّ صَائِرَةٍ إِلَيْكَ<sup>١٣</sup>، فَتَبَارَكْتَ<sup>١٤</sup> وَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا  
أَنْتَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

(٦) آمَثْتُ بِكَ، وَصَدَقْتُ رُسْلَكَ، وَقِيلْتُ كِتَابَكَ، وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَغْبُودٍ  
غَيْرِكَ، وَبَرِئْتُ<sup>١٥</sup> مِمَّنْ عَبَدَ سِواكَ.

(٧) أَللَّهُمَّ إِنِّي أَضْبَعُ<sup>١٦</sup> وَأَشِيَّ<sup>١٧</sup> مُشْتَبِلًا لِعَقْلِي<sup>١٨</sup>، مُفْتَرًا بِذِنْبِي، مُقْرًا  
بِخَطَايَايِ، أَنَا يَا شَرِيفِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ، عَمَّلَنِي أَهْلَكَنِي، وَهَوَى<sup>١٩</sup> أَزْدَانِي<sup>٢٠</sup>،  
وَشَهَوَاتِي حَرَّشَنِي.

(٨) فَأَشَأْلَكَ يَا مَزَلَّا يَ سُؤَالٌ مَنْ نَسْسَهُ لَا هِيَ<sup>٢١</sup> لِطُولِ أَمْلِهِ<sup>٢٢</sup>، وَبَدَأْنَهُ غَافِلٌ  
إِلْسَكُونِ عَرْوَيْهِ<sup>٢٣</sup>، وَقَلْبَهُ مَفْتُونٌ<sup>٢٤</sup> بِكَثْرَةِ النَّعْمِ عَلَيْهِ، وَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِسَاهِرٌ  
صَائِرَةٍ إِلَيْهِ<sup>٢٥</sup>.

(٩) سُؤَالٌ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمْلُ، وَفَتَنَتِهُ الْهَرَى، وَاشْتَكَنَتِهُ مِنْهُ  
الدُّنْيَا<sup>٢٦</sup>، وَأَظَلَّهُ<sup>٢٧</sup> الْأَجْلُ، سُؤَالٌ مَنْ اشْتَخَرَ ذُنُوبَهُ<sup>٢٨</sup>، وَاغْتَرَفَ بِخَطِيبَتِهِ،  
سُؤَالٌ مَنْ لَرَبَّ لَهُ غَيْرَكَ، وَلَا وَلَئِلَهُ دُونَكَ، وَلَا مُقْنَدٌ<sup>٢٩</sup> لَهُ مِنْكَ، وَلَا مُلْجَأٌ<sup>٣٠</sup>  
لَهُ مِنْكَ، إِلَّا إِلَيْكَ.

(١٠) إِنِّي أَشَأْلَكَ بِحَقْكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْمِكَ الْقَظِيمِ  
الَّذِي أَمْرَتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسْبِّحَكَ<sup>٣١</sup> يَهُ، وَبِخَلَالِ وَجْهِكَ<sup>٣٢</sup> الْكَرِيمِ، الَّذِي  
لَا يَنْلِنِي<sup>٣٣</sup> وَلَا يَغْيِرُهُ<sup>٣٤</sup> وَلَا يَحُولُ<sup>٣٥</sup> وَلَا يَفْنِي<sup>٣٦</sup>، أَنْ تُصْلِنَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَأَنْ تُغْيِنَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ، وَأَنْ تُسْلِنَ<sup>٣٧</sup> نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ،

(۵) تو منزه‌هی و بر تمامی آفریده‌ها - اعم از کافر و مؤمن - حکم مرگ را مقدر فرموده و همگان مرگ را می‌چشند و به سوی تو روان می‌گردند. تو مبارک و متعالی هستی و جز تو خدایی نیست و هرگز شریکی نداری.

(۶) خدایا، به تو ایمان دارم و بیامبرات را تصدیق می‌کنم و کتاب آسمانی ات را می‌پذیرم و به هر معبدی به جز تو کفر ورزیدم و از هر کس که غیر تو را می‌پرسند، بیزارم.

(۷) خدایا، هر صبح و شام عمل خود را کم دیده و به گناهان و خطاهایم اقرار و اعتراض دارم و به دلیل اسرافی که بر خود روا داشتم، خوارم و اعمال مرا هلاک و هوا و هوس مرا پست نموده و شهواتم مرا از رشد و تعالی محروم ساخته است.

(۸) پس ای مولای من، از تو درخواست می‌کنم همانند کسی که به سبب آرزوهای درازش بیهوده گراگشته و همانند غفلت زده بی تحرک عروقش بسته شده و قلبش به سبب کثرت نعمت‌ها از خود و امانده و رها شده و در انر عکس العمل کردارش، فکری کم و کوتاه پیدا کرده است.

(۹) خدایا، درخواست من از تو همانند درخواست کسانی است که آرزوهای دور و دراز بر آنان غالب شده و هواي نفس گرفتارشان ساخته و دنیا بر آنها مسلط گردیده است و اجل بر سر شان سایه افکنده و گناهان بسیار دارند و به تمامی آنها اعتراض می‌کنند و جز تو خدایی ندارند و هیچ گونه سرپرست و نجات دهنده و پناه‌گاهی غیر از تو و به سوی تو ندارند.

(۱۰) خدایا، به آن حقی که بر همه آفریده‌ها واجب کرده و به آن اسم اعظمی که به رسولت امر فرموده‌ای تو را بدان تسبیح کند و به جلال وجهات که همبشه باقی است و تغییر و تبدیل نپذیرد، از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا بابنده‌گی خود از همه چیز بی نیاز گردانی و نفس مرا بایم و هراس از خود، از دنیا

وَأَنْ تُنْتَهِي<sup>١٦</sup> بِالْكَبِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ.  
 (١١) فِإِلَيْكَ أُفْرِي<sup>١٧</sup>، وَمِنْكَ أَخَافُ<sup>١٨</sup>، وَبِكَ أَشْتَغِيْثُ<sup>١٩</sup>، وَإِيَّاكَ أَزْجُو<sup>٢٠</sup>، وَلَكَ  
 أَذْغُو، وَإِلَيْكَ الْجَاءُ، وَبِكَ أَتَقُولُ<sup>٢١</sup>، وَإِيَّاكَ أَشْتَعِيْنُ<sup>٢٢</sup>، وَبِكَ أُوْمَنُ<sup>٢٣</sup>؛ وَعَلَيْكَ  
 أَتَوَكَّلُ<sup>٢٤</sup>؛ وَعَلَى جُودِكَ<sup>٢٥</sup> وَكَرَمِكَ أَتَكِلُ<sup>٢٦</sup>.

باز داری و بارحمت و کرامت بسیار خود مرا مورد تقدیر و مهربانی قرار دهی.  
 (۱۱) خدایا، گریزم به سوی تو و ترسم نیز از توست و به تو پناه می‌برم و به تو  
 امیدوارم و تو را می‌خوانم و به تو روی آورده‌ام و تو تنها تکیه گاهم تویی و بار من،  
 تویی و امن و امان من، به واسطه توست و بر تو توکل و اعتماد می‌کنم.

### واژه‌ها:

۱. لا بخن علیه شی: هیچ چیز بر او
۲. کیف لاتحصی: چگونه شمارش را
۳. تدبیر: آن را تدبیر می‌کنی.
۴. یهرب منک: از تو فرار کند.
۵. پنجو: نجات پیدا کند.
۶. مذهب: راه - طریق نجات.
۷. اخشن: خاثت‌ترین.
۸. اخضع: خاضع ترین.
۹. اهون: سست‌ترین - بیهوذه‌ترین.
۱۰. لا یتنص: نقص ندارد.
۱۱. سلطان: اقتدار.
۱۲. گره: خوش ناید.
۱۳. لا یمتع منک: از تو منقطع نشود.
۱۴. لا یغوتک: از تو بریده نیست.
۱۵. لا یعتر: عمر بلند ندارد.
۱۶. لقاءک: مردن و از دنیا رفتن.
۱۷. ما عظم: چه بسیار عظیم است.
۱۸. ما اقهر: چه بسیار قدرتمند است.
۱۹. قضیت: حتم کردی.
۲۰. من و خدک: آن که تو را یگانه داند.
۲۱. ذاتی: چشنه.
۲۲. صائز الیک: به سوی تو بر می‌گردد.
۲۳. تبارکت: پربرکت هستی.
۲۴. برثت: بری هستم.
۲۵. اصح: صحیح کردم.
۲۶. امس: شب کرده‌ام.
۲۷. مستغل‌العملی: عمل خود را کم بینم.
۲۸. هوای: هوس من.
۲۹. اراداتی: مرا پست کرده.
۳۰. لامه: فراموش کار - بیهوذه کار.
۳۱. آمله: آرزویش.
۳۲. سکون عروقه: آرامش بدن (عروق).

- ۴۴. لاپنی: فناپذیر نیست.
- ۴۵. تسلی: زائل کنی.
- ۴۶. ثئینی: با دست پر مرا برگردانی.
- ۴۷. آفر: فرار می کنم.
- ۴۸. آخاف: می ترسم.
- ۴۹. بک آسختی: به تو تعلماں می کنم.
- ۵۰. آرجو: امید بستام.
- ۵۱. بک آتش: به تو اطمینان دارم.
- ۵۲. آستینی: یاری می طلبم.
- ۵۳. بک اومن: به تو ایمان دارم.
- ۵۴. علیک اتولگی: به تو توکل می کنم.
- ۵۵. جود: بخشنش بلا عرض.
- ۵۶. اتکل: اعتماد می کنم.
- ۳۳. متون: فکر صحیح از دست داده.
- ۳۴. صائرالله: به سوی او گردیده.
- ۳۵. استنکت منه الدنسیا: دنسیا را در اختیار دارد.
- ۳۶. اظلله: بر او سایه فکنده.
- ۳۷. استکر فسویه: گناهان خود را بزرگ دیده.
- ۳۸. منفذ: نجات دهنده.
- ۳۹. ملجم: پناهگاه.
- ۴۰. پسچمک به: تو را به آن تنزیه کند.
- ۴۱. جلال و جهله: عظمت مظاهر الهی.
- ۴۲. لاپلی: کهنه نشود.
- ۴۳. لاچول: تغییر نیابد.



## دعاوه في التذلل الله عزوجل

وكان من دعائيه عليه السلام في التذلل لله عز وجل :

(١) رب أفعشنى ذنوبى، وانقطع مقاليتى ، فلا حججه لي، فانا الأسى  
بباتى ، المذموم يعملى، المتردد في خطيبتى، المتعير عن قضى ،  
المنقطع بي .

(٢) قد أوقفت نفسى موقف الأذلاء والمذنبين، موقف الأشقياء  
المتجرين علنيك، المستخففين بوعدىك.

(٣) سبحانك أى جرأة اجترأت علنيك، وأى تغيرات غيرت نفسى ؟  
(٤) مولاي، إرحم كبوتى لحر وجهى ورلة قدمى ، واعذر جلتك  
علنى جهلى، ويا خسانك على إساءاتى، فأنا المقصى بذنبى، المغترف  
بخطيبي، وهوى بيدي وناصبى ، أشتكي باليقود من نفسى، إرحم  
شيبى ، ونفاذ أيامى، واقرب أخلى وضفى ومشكتى وقلة  
جيلى .

(٥) مولاي وارحمنى إذا انقطع من الدنيا أثرى، وامحن من  
المخلوقين ذكري ، وكنت من المثيدين كمن قد نسى .

## دعای پنجماه و سوم

### دعا به هنگام اظهار خاکساری در درگاه خدا

(۱) خدایا، گناهان و اماندهام کرده و سخنم گسیخته و حجت و دلیلی برایم نماند است و اسیر گرفتاری‌های خویشتم و در گرو کردارها می‌هستم و در گناهانم سرگشته و در مقاصدم سرگردان و در راه زندگی ام درماندهام.

(۲) خدایا، نفس من به دلیل گناهان در موطن خواری قرار گرفته است و در جایگاه تیره بختان گستاخ که به وعده‌هایت توجه نمی‌کنند، جای دارد.

(۳) خدایا، تو منزه‌ی! من در حال خود حیرانم که چگونه بر تو جرأت پیدا کرده‌ام و چگونه توانستم خود را گول زده و دچار غفلت گردم.

(۴) مولای من، زمین خوردن من با تمام قامت و به رو افتادن من و نیز لغزش پایم را بخشای و با حلم خود جهلم را و با احسانت بدی‌هایم را عفو فرما، که من به گناهان و خطاهای خود اعتراف می‌کنم و این دست من و این موی جلو سر من است که در اختیار توست و با تمام بیچارگی آماده مجازاتم. به پیری و گذشت روزگار و نزدیکی اجل و ضعف و مسکنت و ناتوانی من ترحم بفرما.

(۵) خدایا، آن گاه که نام و نشانی از من در دنیا نماند و هیچ آفریده‌ای از من یاد نکند و در گروه فراموش شدگان قرار گرفتم، به من ترحم بفرما.

(٦) مَوْلَايَ وَازْخَنْتِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي، وَحَالِي إِذَا بَلَى چِشْمِي<sup>٧٨</sup>، وَ  
تَفَرَّقَتْ<sup>٧٩</sup> أَعْضَائِي، وَتَنَطَّعَتْ أَوْصَالِي<sup>٨٠</sup>، يَا غَفَّتِي عَنْتَأِيْرَادُبِي!

(٧) مَوْلَايَ وَازْخَنْتِي فِي خَشْرِي وَتَشْرِي، وَاجْعَلْنِي فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ  
أَوْلَيَاكَ مَوْقِيفِي، وَفِي أَجْبَائِكَ مَضْدِرِي، وَفِي چَوارِكَ مَشْكِينِي، يَا رَبَّ  
الْعَالَمِينَ.

دعای پنجم و سوم: دعا به هنگام اظهار خاکساری در درگاه خدا ۱۴۶

(۶) خدایا، آن گاه که دگرگونی در صورت و حالم پیدا می‌شود و جسم من به پرسیدگی می‌گراید و اعضا و بند بند نم جدا می‌گردد، به من رحم کن. و ای بر من که از وظایف خود غفلت دارم!

(۷) خدایا، به من رحم کن آن هنگام که زنده و بر انگیخته و در قیامت محشور می‌شوم و در آن روز مرا با اولیای خود محشور فرم او در میان دوستانت جای و در قرب خود اسکان ده، ای پروردگار جهانیان.



## واژه‌ها:

۱. افمعتی: واماندهام کرده.

۲. وانقطعمن مقالتی: توان گفتارم برباید.

۳. بلته: گرفتاری.

۴. مرتهن: به گروگان رفته.

۵. متقد: متغیر.

۶. السنقطعی: راه بر من بسته.

۷. اوقت: واماندم.

۸. السنتری: جرأت کشته بر خلاف.

۹. المستخف: سبک شمارنده.

۱۰. تغیری: وادار کردن بر گول.

۱۱. غرّت بنفسی: خود را در معرض هلاک قرار دادم.

۱۲. گبورة: به صورت به زمین خوردن.

۱۳. هزاوجی: صفحه صورتم.

۱۴. زله قدم: لغزش بایم.

۱۵. عذ بحلک على: با حلم خود به من احسان کن (برگرد).

۱۶. ناصیتی: پیشایم.

۱۷. آستکین: مسکین شدهام.

۱۸. قود: قصاصن.

۱۹. شیبه: پیری، سفیدی مو.

۲۰. نفاد: تمام شدن.

۲۱. اقتراب: نزدیک شدن.

۲۲. اجل: مرگ، نهایت عمر.

۲۳. حیلتي: رهیابی من.

۲۴. آئعنی: محظوظ شود.

۲۵. ذکری: یاد من.

۲۶. منتی: فراموش شده.

۲۷. ئیسی: فراموش شد.

۲۸. بلئی جسمی: پوسیدگی جسم - یا پیری حاصل شود.

۲۹. تغّرت: جدا شود.

۳۰. اوصالی: مفاصل من.



## دعاوه في استكشاف الهموم

وكان من دعائيه عليه السلام في استكشاف الهموم:

- (١) يا فارج الألم، و كاشف الغم، يا رخمان الدنيا والآخرة و رحيمهما، صل على محمد وآل محمد، وافرج همي، و اخفيف غمّي.
- (٢) يا واحد يا أحد يا صدّد، يا من لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفوا أحد، أغصمني و طهّرني، و اذهب بيائسي. وافر أية الكُرسي و المَعْوذَتَيْنِ و قل هو الله أحد، و قل:
- (٣) اللهم إني أسألك سؤال من اشتئت فاقتها، و ضفت قتوته، و كثرت ذنبه، سؤال من لا يجد لفقيه مغينا، و لا لضيقه مقويا، و لا لذنبه غافرا غيرك، يا ذا الجلال والإكرام أسألك عملاً تُعبّ به من عيل يه، و يعيننا تنفع به من اشتيقن<sup>١</sup> بـ حق اليقين في تنفاذ<sup>١١</sup> أمرك.
- (٤) اللهم صل على محمد وآل محمد، و افيض<sup>١</sup> على الصدق تفسي، و اقطع من الدنيا حاجتي، و اغفل فيما عندي رغبتي شوقا إلى لقائك، و هب لي صدق التوكّل عليك.

## دعای پنجاه و چهارم

### دعا برای برطرف شدن ناراحتی‌ها

(۱) ای زداینده هم و غم و ای رحمت‌گستر و مهربان در دنیا و آخرت، بر محمد و آل محمد درود فرست و هم و غم مرا برطرف ساز.

(۲) ای یکتا و ای یگانه و ای کسی که همه به تو نیازمندند، ای کسی که هرگز نزایده و زاییده نشده‌ای و شبیه و همانندی نداری، مرانگاه دار و پاکیزگی نصیبیم فرما و گرفتاری‌هایم را برطرف ساز. سپس آیه الکرسی و دو سوره معزّذین و سوره «قل»  
**هُنَّ اللَّهُ أَكْبَرُهُ رَابِخُونَ وَ آنَ گَاهِ بَگُونَ**

(۳) خدایا، از تو همانند کسی که به خستگی افتاده و فوای او رو به ضعف گذاشته و گناهان او بسیار گشته، درخواست می‌کنم و نیز نیاشیم همانند کسی است که برای گرفتاری‌اش فریادرسی نیست و برای جبران ضعفش قدرتی ندارد و برای گناهانش آمرزنهای غیر تو ندارد. از تو می‌خواهم توفیقی به من عطا کنی که محبت تو را جلب کند و یقینی می‌خواهم که از آن بهره‌مند گردم و به حق یقین در نفوذ تدبیر و تقدیر تو نایبل گردم.

(۴) خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن گاه که مرا به سوی خود می‌بری، بر صدق و حق جانم را بستان و هرگز مرا در دنیا نیازمند قرار مده، بلکه رغبتیم را در شوق به لقای خود قرار ده و توکل صادقانه به من عطا فرما.

(٥) أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَّا<sup>١٣</sup>، وَأَغْوِذُكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَّا،  
أَسْأَلُكَ حَزْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ، وَعِبَادَةَ الْخَاشِعِينَ لَكَ، وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ،  
وَتَوْكِلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.

(٦) أَللَّهُمَّ اجْعُلْ رَغْبَتِي فِي مَسَالَتِي مِثْلَ رَغْبَةِ أُولَيَائِكَ فِي مَسَانِلِهِمْ، وَ  
رَهْبَتِي<sup>١٤</sup> مِثْلَ رَهْبَةِ أُولَيَائِكَ، وَاسْتَغْفِلْنِي<sup>١٥</sup> فِي مَزْصَاتِكَ عَمَلاً لَا أَثْرُكُ مَعَهُ  
شَيْئاً مِنْ دِينِكَ مَخَافَة<sup>١٦</sup> أَخِدٍ مِنْ حَلْقِكَ.

(٧) أَللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَتِي فَاغْظِنْمِ فِيهَا رَغْبَتِي، وَأَظْهِرْ فِيهَا عَذْرِي<sup>١٧</sup>، وَلَقِنْنِي<sup>١٨</sup>  
فِيهَا حُبْجَتِي<sup>١٩</sup>، وَعَافْنِي<sup>٢٠</sup> فِيهَا جَسْدِي.

(٨) أَللَّهُمَّ مَنْ أَضَبَعَ لَهُ ثِقَة<sup>٢١</sup> أُوزِّرْ جَاهَةَ غَيْرِكَ، فَقَدْ أَضَبَعْتُ وَأَنْتَ يُقْتَى وَ  
رَجَانِي فِي الْأُمُورِ كُلُّهَا، فاقْضِ لِي<sup>٢٢</sup> بِخَيْرِهَا عَاقِبَةً، وَتَبَّعِنِي<sup>٢٣</sup> مِنْ مُضَالَاتِ<sup>٢٤</sup>  
الْفَتَنِ<sup>٢٥</sup> بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ  
الْمُصْطَفَى وَعَلَى آلِيهِ الطَّاهِرِينَ.

(۵) خدایا، از تو می خواهم که آن چه از اعمال من ثبت شده است، از بهترین نوع خود باشد و به تو پناه می برم که نامه عملم بدترین باشد و نیز خوف عابدان و عبادت خاشعان و نیز یقین متکلان و توکل مؤمنان را از تو درخواست می دارم.

(۶) خدایا، رغبت مرا همانند رغبت دوستان خود و ترسم را هم چون خوف اولیایت قرار ده و مرا طوری به رضای خود موفق گردن که هرگز دستوری را برای خشنودی آفریده های تو از دست ندهم.

(۷) خدایا، درخواست هایی را که تاکنون از تو خواسته ام، رغبتمن را در آنان بیشتر فرما و مرا در این خواسته ها سرزنش مفرما، بلکه به من بیاموز که در این درخواست ها بدون برهان و حجت نباشم و از کرامت عافیت محروم ممکن.

(۸) خدایا، هر کس که سر از بالین بر می دارد، به کسی دل بسته است و من امروز روز نورادر حالی آغاز می کنم که فقط تو را دارم و در همه امور به تو امیدوارم، پس تو خود عاقیتم را به خیر گردان و از فتنه های گمراه کننده نجاتم ده، به رحمت ای مهریان ترین مهریانان. درود تو بر سرور ما حضرت محمد مصطفی و بر خاندان پاک او!

### واژه ها:

۱. فارج: فرج کننده، برطرف کننده.
۲. کاشف الغم: زداینده غم.
۳. واحد: یکتا.
۴. احمد: یگانه، بدون دومن.
۵. صد: مورد حاجت خلق.
۶. اشتدت: شدت فراوان.
۷. فاقه: فقر، حاجت.
۸. مفیث: فریادرسی.
۹. مقوی: تقویت کننده.
۱۰. استیقن: یقین پیدا کرد.
۱۱. نفاذ: جریان - واقع شدن.
۱۲. ایض: نگهدار.

۲۰. عاف: مرا عافیت بده.

۲۱. من اصبع: هر کس سر از بالین بردارد.

۲۲. تقد: مورد اطمینان.

۲۳. فاقض لی: برای من حتم کن.

۲۴. نجتی: مراجعت بده.

۲۵. مضلات: گمراه کننده‌ها.

۲۶. زین: فتنه‌ها.

۱۳. قد خلا: گذشته است.

۱۴. رهه: خوف و خشیت.

۱۵. واستعملنی: مرا موفق به عمل کن.

۱۶. مخافة: ترس.

۱۷. عنز: دفع ملامت.

۱۸. لقی: به من تلقین کن.

۱۹. حجتی: دلیل من.